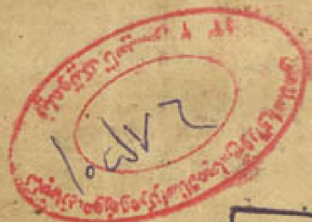


مکارم الکرائم

٦





[illegible]

هذا کتاب المسمی بمکارم الاخلاق من تالیفات علی ابن حسن کاشفی رحمه

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد بی حد و شکر بی عد حضرت خدای را سزد که سید بشر و ائمهٔ اثنی عشر
برگزید و بمکارم اخلاق و محاسن اشفاق برای رحمت عالمیان و هدایت آدمیان
و درود نامعدود بر جناب حضرت ودود و صدرنشین مقام محمود و شفیع
روز موعود مشرف بتشریف بالمؤمنین رؤف رحیم و مزین بتزیین
انک لعلی خلق عظیم **بیت** ای جز باحترام خدایت نبرده نام ۞
نامم فدای نام تو ای سید انام ۞ و بر آل عظام و عترت کرام او علی الخصوص
بر زوج بتول متخلق باخلاق الهی و متصف باوصاف
نامتناهی هادی طریق المؤمنین و امام المتقین علی المرتضی
صلوات باقیه الی یوم القیمه مخفی نیست غرض اصلی از خلق جن
و انس بعد از معرفت خدا تهذیب اخلاق است که در ضمن عبادت
شرع اقدس آن حاصل است و اکثر از آن غافل بنا علیه شیخ الکامل
العالم الفاضل دقیقی الکامل فخر الحاج الحرمین ابو النصر الحسن بن علی
الفضل الطبرسی اسکنه الله تعالی فی جنانه کتابی تالیف

تالیف فرموده در اخلاق تمام داره در آفاق مشتمل بر اقوال صریحه و بقول
صحیحه سید الانام و ائمة الکرام بر وجهی که بسی فواید کلیه و دینیه و اخرویه
در و مندرج است و بلا شک عامل او در دنیا حمید است و در آخرت
سعید و بجهة عموم فائده العبد الفقیر الی الله الباری علی بن حسن سبزواری
عفی عنهما با وجود کثرت هموم و غموم مقصدی ترجمان شد که انصمام یافته
بمکارم کرام امید که اتمام یابد و فایده گیرند از آن تا زمان حضرت
قائم علیه صلوات الله الملک الدائم اکنون شروع میکنم در مقصود
بعون الملک المعبود ابتدا میکنم بنام خدای بخشنده وجود و روزی رسانده
بمحض جود و ارزنده کننده بندگان و درآرنده به بهشت جاودان
ستایش و سپاس مر معبودی را که یکتاست در ذات و بی همتاست
در صفات آن بی نیازی که نزاینده و نزاییده شد مثل عباد و نیست مر
اورا مانندی نه از زن و نه از اولاد و صلوات و السلام بر محمد المصطفی صلی الله علیه و آله
که برگزیده و رسول پسندیده حضرت خالق است که فرستاد
اورا بهمه خلایق در حالتی که بشارت دهنده است به بهشت
عنبرسرشت و ترساننده از دوزخ پر وحشت زشت و خواننده بسوی
معبود بحق و خداوند مطلق و چراغ نور دهنده است در زمین و
بر اهل بیت او که پیشوایان هدایت اند و نور دهنده اهل ظلمت که

بان راه بمطلوب می‌برند اهل دین انانی که حضرت اله مرده درایشان
برحسن وگناه پاک گردانیده ایشان را از هر شبه و مساهله
ایشان را از سفر بان درگاه وسلام بر کسی که پیروی کند ایشان را
درین راه **اما بعد** از حمد الهی وصلوات بر حضرت رسالت
پناهی وال هدایت انتسابی پس بدرستیکه حق جل و علا اقتدا
بر سید انبیا رضای خود ساخت وراهی بوصول جنان خود بندگان را
بان بنواخت بموجب آیه کریمه لقد کان لکم فی رسول الله
اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله ومتابعت آن حضرت را
سبب محبت و وسیله رحمت گردانیده وبفحوای قل ان کنتم
تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله باعث شد مراین کلام میمنت
انجام که جمع سازم کتابی را که مشتمل باشد بر حسن اداب و
اخلاق سیرت آن حضرت بروجهی که فرموده قال رسول الله صلی الله
علیه واله بعثت لاتمم مکارم الاخلاق که من مبعوث گشتم
تا اخلاق حمیده را باتمام رسانم که علم بهمه چیز مقدم است بر عمل کردن
بان پس یافتم در کلام امیر المؤمنین ع در کتاب نهج البلاغه
مسطور است که آن مشتمل ومحتوی است بر حقیقت وروش انبیاء
کرام علیهم الصلوة والسلام وبربریدن مردمان بکلی وپیوستن

بحضرت حق در حال خوف ورجا بیکبارگی وانقطاع از دنیا ومیل بجانب
عقبی واز جمله انبیاء عظام مخصوص گردانید سید انام را بکمال
این سیرت ما را ترغیب وتحریص فرمود باقتدا ومتابعت آنحضرت
امیر المؤمنین علی ع فرموده در خطبه طویلی ببعضی از حالات وکیفیات
از آن جمله این کلمات بابرکات است که بعضی مردمان دعوی می
کنند برعم خود مثل معویه علیه اللعنة که امیدوار است بخداوند چرخ
برین وحال آنکه دروغ میگوید بحق خدای کریم چیست حال قائل لئیم که
ظاهر می‌شود امیدواری او در کردن او وهر که امیدوار است شناخته
شده امید او در کردارش وهر امیدی از آدمی غالبا خالص است ومحقق مگر
امید بحضرت حق که آن معیوب است ومدخول وهر ترس محقق است ومقبول
مگر ترس حضرت حق که آن غیر خالص است ومعلول امید دارد بخدای قدیر
در ثواب دائم وعطای کبیر وامیدوار است به بندگان در امر صغیره
دنیای حقیر پس میدهد به بنده آنچه نمیدهد به پروردگار پس چیست
شان پروردگار با وجود کبریا وعظمت که تقصیر کرده می‌شود بکار
او در آنچه میکنند به بندگان بمقدار او آیا میترسی که باشی در امیدواری تو مرا
دروغگو یا باشی که نه بینی مرامید را موضع پس نکردی زبان وخطاب
همچنین است اگر او بترسد بنده از بندگان میدهد به او از ترس خود

انچه بخشید بد پروردگار عالمیان را یعنی ترس از بنده دارد و از خدا نه پس گرداینده
خوف خود را از بندگان نقد و عاجل و ترس را از افریدگار خود وعده چیز
امیدوار و اجل و همچنان کسی که بزرگ باشد دنیا و چشم کوته بین او
بزرگ باشد و متوقع دنیا در دل غفلت این او برگزیده دنیا را بر خدای
تعالی پس منقطع شود بسوی متاع دنیا دیگر و بنده مر این سرا را و محقق
هست در شمه رسول ص وانچه کافی است ترا در اقتدا و دلیل است ترا
بر مذمت دنیا و عیب او و بسیاری مواضع قهر او و خواری و بدبهای
سرای فانی زیرا که قبض کرده شده از انحضرت اطراف دنیا و بسط کرده شده برای
غیر او اکناف این سرا و باز گرفته شد طفل بدن انحضرت از شیر دادن دنیای دنی
و دور کرده شد از زینتهای دنیوی اگر خواهی دوم تاکن اقتدا کن بموسی کلیم الله
در وقتی که میگفت رب لما انزلت الی من خیر فقیر ای پروردگار
من بدرستیکه من بجهة انچه فرو فرستاده بسوی من از طعام محتاجم سوگند بخدا
که سوال نکرد او را مگر نانی که بخورد زیرا که میخورد سبزی زمین را و سبزی دیده
میشد از تنگی پوست درون شکم او بجهة لاغری و کمی گوشت او در ریاضت
و عبادت باری و اگر خواهی سیم تاکن پیروی بداود پیغمبر ع خداوند مزامیر که
زبور است که هر فصلی در او موسوم است بمزمور و در اصل بمعنی سرود است
و قاری اهل بهشت بتوحید و کتاب مجید که در روز قیامت حضرت فرماید

مرادرا

مر اورا که ای داود مرا به بزرگی یاد کن با لحان پاکیزه خود انگاه داود
بقرائت و خواندن زبور مشغول کرده و هر که اواز او بشنود از اهل بهشت
از خوشی ان بیفتد او بود که عمل میکرد بزنبیل بافی برگ درخت خرما
بدست مبارک خود و میگفت بهمنشینان خود که کدام یک از شما کفایت
میکند فروختن این را و میخورد قرص جوی که از بهای میخرید و اگر خواهی
بگو یا سخن درباره ریاضت عیسی علیه السلم پسر مریم هر اینه بود که بالش میساخت
سنگ را و می پوشید جامه درشت و کوتاه و بود نان خورش
او گرسنگی و چراغ او بشب روشنایی و سایه بان او در فصل
تابستان مشارق زمین و مغارب ان و میوه و ریحان او انچه میرویاند از
زمین از برای چهارپایان و نبود او را زنی که بفتنه افکندش و نه فرزندی
که غمگین کندش و نه مالی که روی خود را بسوی او افکند و نه طمعی که او را خوار گرداند
مرکب او دو پاهای او بود که پیاده راه می پیمود و خدمتکاران او دستهای
او بود و تا کسی خدمت نمیفرمود پس اقتدا کن به پیغمبر خود که از همه
خوشتر و پاکیزه تر بود و سنتی که روا است اقتدا بکسی که اقتدای او
در اید و نسبت بکسی که انتساب بوی نماید چه اقتدا بهمه پیغمبران است
زیرا که او مستجمع خصال همه ایشان است و دوست ترین بندگان
بسوی خدا تعالی و پیروی کننده است مر اثر او را و اشکست دنیا

شکستنی با خود نبری یا بدهان خوردنی ننهاد بجاریت دنیا گوشه چشمی را
اصلا التفات نکرد بمتاع آن قطعا لاغرترین اهل دنیا بود از دنیا
از روی شکم بواسطه تهی نگاه داشتن عرض کرده باشد بر او دنیا
پس باز زد و امتناع نمود که قبول کند او را و دانست که خدا چیزی را
دشمن داشت پس خود را هم بر دشمنی او گماشت و حقیر شمرد و
کوچک داشت خدا تعالی چیز را پس آنحضرت هم کوچک داشت او را
و نباشد در ما مگر دوستی چیزی را که دشمن داشت آنرا خدا تعالی
و تعظیم چیزی را که تصغیر کرد آنرا خدا تعالی هر آینه کافی است
این کار از روی خلاف و شقاق برافریدگار و مخالفت نمودن از امر
کار هر آینه بود پیغمبر هر که طعام خوردی بر زمین نشستی مانند
بنده کمین یعنی بدو زانو چون فقیران خاک نشین و میدوخت
بدست خود نعلین خود را از غایت فروتنی و رقعه میزد بدست ماه شکاف
خود جامه پاره را از غایت شکستگی و بر دراز گوش برهنه سوار میشد
و دیگری را بر عقب خود سوار میکرد و میبود پرده در خانه آنحضرت بود
پس تصویرها بر آن چون نظر مبارک بر آن میانداخت میفرمود
که این را غایب سازید از نظر من که چون بآن پرده مینگرم
یاد میکنم دنیا را و می‌آید زینتهای او در برابر من پس

روگردان

روگردان شد از دنیا بدل سلیم خود و بگردانید از چشم آن حضرت
تا فرا نگیرد از زخارف دنیوی زینتی و اعتقاد نکند دنیا را جای قرار
و امیدوار نشود در او بمقام ساختن و استقرار پس بیرون کرد
اندیشه دنیا را از نفس نفیس کامل خود و ببرد محبت او را از دل شامل
خود و غایب کرد دنیا را از پیش بصر خود همچنانکه کسی
دشمن میدارد چیزی را دشمن میدارد که نظر اندازد بسوی او و
آنکه مذکور کرده و نزد او هر آینه بود در رفتار و گفتار رسول صلی الله
علیه و آله که دلالت می کند بر بدیهای دنیا و عیبهای آن چون
گرسنه میبود در او با مخصوصان خود و در کرده شد از او زینتهای
دنیا با بزرگی قرب و منزلت او در نزد حضرت عزت پس باید
که نظر کند نظر کننده بعقل خود که آیا گرامی داشت خدا تعالی
محمد را صلی الله علیه و آله بسبب ترک دنیا که خوار کرد او را پس اگر گوید
که اهانت کرد او را دروغ گفته بحق خدای بزرگ اگر گوید گرامی داشت
او را پس باید بداند بدرستیکه خدا تعالی خوار کرد غیر او را جایی
که گسترانید دنیا را از برای آن غیر و دفع کرد دنیا را از نزدیکترین
مردمان از او بجهة اراده خیر پس باید که اقتدا کند اقتدا کننده
به پیغمبر صلی الله علیه و آله و پیروی اثر او کند و در آید بجای در آمدن او

داکر نه ایمن نمی شود از هلاکت پس بدرستیکه خدایتعالی گردانید محمد را آ
نشانه قیامت زیرا که پیغمبر آخر الزمان است و بشارت دهنده
اهل طاعت بجنت و بیم کننده اهل معصیت بدوزخ
ولیعقوب بیرون رفت از دنیا با شکم تهی از قلت اکل و روزه داری
و فرود آمده با نحضرت سالم از معایب نفسانی و نهاد سنگی بار سنگی تا آنکه
گذشت راه خود یعنی تا شتافت بدار القرار و اجابت کرد خواننده بدرگاه پروردگار
پس چه بزرگ است منت و نعمت خدا نزد ما وقتی که انعام کرد بما بان حضرت
پیش آمده که پیروی کنیم او را در طریق دین و گشنده که در نوردیم راه
در عقب او برسیم بیقین و سوگند بخدایتعالی که هر آینه رقعه دوختم قبا
خود را که این است چندانکه شرم داشتم از رقعه دوزنده او گفت مرا
که آیا نمی اندازی آنرا گفتم دور شو از من که نزد صباح ستایش میکنیم
گروه شب رونده عاقبت آن شبگیر را که بجهت نزدیک شدن بمنزل
رسید یعنی مسافر چون تعب شبگیر بر خود نهاده پاسی از شب زنده داشت
راه برید و صباح بمنزل رسید ستایش میکند آن شب را
همچنان است حال مؤمن در وقت رحلت چون سلامت را از
عقوبت ستایش میکند تعب دنیا و این مثل است که مردم میزنند از برای
تحمل مشقت برامید راحت پس این خطبه بلیغه کافی است و مقصود ما

برطریق

بر طریق اجمال است ما ذکر میکنیم تفصیل بمکارم انحضرت در جمیع احوال و تصرفاتش
در نشستن و برخواستن و سفر کردن دور و در حضر بودن و خوردن و آشامیدن
بخصوص انحضرت و جمیع آنچه مرویست از انحضرت و از ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین
نسبت باحوال عموم مردمان در این باب و از حق جل علاه توفیق میخواهیم
در اتمام این کتاب چه او جل ذکره هرچه میخواهد تواناست و دشواری هر کار بر او آسان و سهل است
بینا و توانا است و این کتاب را ترتیب دادم بر دوازده باب **باب اول** در خلق
حضرت رسالت پناه و سایر احوال او و مشتمل بر پنج فصل **فصل اول** در
خلقت و صورت و سیرت انحضرت و همنشینی با مردمان و کیفیت آن **فصل
دویم** در بعضی احوال و اخلاق انحضرت از کتاب شرف النبی و غیر آن از کتب
که در تواضع و حیای انحضرت و رفق با امت **فصل سویم** در اخلاق انحضرت از
خوردن **فصل چهارم** در صفت انحضرت از اثاث بیت **فصل پنجم** در ذکر
مجملی از ذکر انحضرت از سایر احوال **باب دویم** در اداب پاکی و خوشبوئی
و سرمه کشیدن و روغن مالیدن و مسواک کردن مشتمل بر سه فصل **فصل
اول** در پاکی و خوشبوئی و آنچه در حکم آن است **فصل دویم** در سرمه کشیدن
در چشم و روغن مالیدن ببدن **فصل سویم** مسواک کردن بدهن **باب سویم**
در اداب حمام رفتن و آنچه بدان متعلق است مشتمل شش فصل **فصل اول**
در کیفیت حمام **فصل دویم** در پوشیدن عورت **فصل سویم** در مالیدن بسفال

و روغن زیت و سبوس و غیر آن **فصل چهارم** در تراشیدن موی سر و
ازاله کردن موی از باقی از عانه و بغل **فصل پنجم** در شستن سر با ب
خطمی و برگ کنار **فصل ششم** در نوره نهادن **باب چهارم**
در آداب ناخن گرفتن و بروت چیدن و شانه کردن و اصلاح
محاسن نمودن و در آیینه نگریستن و حجامه کردن مشتمل بر چهار
فصل **فصل اول** در ناخن چیدن **فصل دویم** در بروت گرفتن و آنچه بدان
متعلق است **فصل سویم** در شانه کردن موی سر و آنچه بدان متعلق
فصل چهارم در حجامت کردن **باب پنجم** در آداب رنگ
کردن موی و زینت انگشتری و آنچه متعلق است بدان مشتمل است
بر شش فصل **فصل اول** رنگ کردن موی و ترغیب دادن و ذکر منافع آن
فصل دویم در رنگ کردن محاسن سیاهی **فصل سویم** در رنگ نجاد و غیر آن
و حنا بر دست نهادن **فصل چهارم** در کراهیت حنا
نهادن مرد جنب و حایض را و پیوند کردن موی **فصل
پنجم** در بیان انگشتری و آنچه متعلق است بدان
فصل ششم در آرایش و زینت زنان به انگشتری
و دست و رنجن و غیر آن **باب ششم** در آداب لباس و پوشیدن
و ترتیب طعام و سکن دادن و آنچه بدان تعلق دارد مشتمل بر ده فصل **فصل اول**

در پوشیدن

در پوشیدن لباسهای زیبا و کیفیت پوشیدن آن **فصل ۲** در رنگ
جامه و پاک داشتن آن **فصل سیم** در پوشیدن انواع لباسها
و اختلاف رنگها **فصل چهارم** در پوشیدن جامه خز و حله و عران
فصل پنجم در پنجره در پوشیدن جامه و تواضع و افتادگی در آن
فصل ششم در کراهیت لباس شهرت و نکته چند در آن **فصل هفتم**
در بیان ستار و طاقیه **فصل هشتم** در پوشیدن کفش و موزه
فصل نهم در باب مسکن و ماوای و جایز است از آن و متعلق به آن
فصل دهم در خواب و فراش و متاع خانه و تواضع آن **باب هفتم**
در آداب خوردن و آشامیدن و آنچه متعلق است به آن و مشتمل است
بر سیزده فصل **فصل اول** در فضیلت طعام خوردن و دادن
و نیکوی کردن و روزه داشتن **فصل دویم** در آداب دست شستن
و غیر آن **فصل سیم** در آداب خوردن و آنچه متعلق است بدان
فصل ۴ در آداب آشامیدن آب و آنچه متعلق است بدان
فصل ۵ در آداب خلال کردن دندان **فصل ششم** در
فضیلت نان و سرما کولات **فصل هفتم** در منافع آبها
فصل هشتم در منافع گوشتها و متعلقات آن **فصل نهم** در ذکر شیرینیها **فصل دهم**
در ذکر میوهها **یازدهم** در ذکر سبزیها **دوازدهم** در حبوبات **سیزدهم** در ذکر خوردنیهای

غیر مکرر **باب هشتم** در آداب نکاح و متعلق آن بر ده فصل [...]
فصل اول در رغبت تزویج و مبارک بودن بعضی از زنان و شو[م]
بودن بعضی از ایشان **فصل دویم** در اصناف زنان و خلق ایشان
فصل سیم در نکاح همسران [...] در میان ایشان **فصل**
چهارم در آداب عروس و مباشرت [...] از معاشرت **فصل**
پنجم در حق زوج بر زوجه و حق زوجه بر زوج **فصل ششم** در [...]
اولاد و هرچه متعلق است بدان **فصل هفتم** در ذکر عقیقه کردن بجهة
مولود و طعام دادن **فصل هشتم** در ختنه کردن فرزند و آنچه
بدان متعلق است **فصل نهم** در آنچه متعلق است بزنان و مایحتاج ایشان
فصل دهم در نوادر نکاح و غیر آن **باب نهم** در آداب سفر
و آنچه متعلق است بدان مشتمل بر هشت فصل **فصل اول** در سفر کردن
و نیک و بد دانستن **فصل دویم** در ابتدا کردن سفر و صدقه
دادن و خیر کردن و غیر آن **فصل سیم** در بیرون آمدن از خانه و عمل
کردن بچیزی چند که مستحب است در آن **فصل چهارم** در مکارم اخلاق
و در سفر **فصل پنجم** در نگاه داشتن متاع و اموال و استخاره کردن
و طلب حاجات از ذو الجلال **فصل ششم** در آداب رفتن و کراهیت
تنها بودن در سفر و دعاها خواندن برای دفع خطر **فصل هفتم**

در محافظت و خدمت چارپایان و حق آنها بر صاحب ایشان **فصل هشتم**
در نکتهای نوادر که واقع در سفر **باب دهم** در آداب ادعیه
و آنچه بدان متعلق است مشتمل است بر پنج فصل **فصل اول** در فضیلت دعا
و کیفیت آن **فصل دویم** در دعاهای شبانه روزی از ادعیه اکیده
فصل سیم در ذکر درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و استغفار و گریه
و زاری بدرگاه پروردگار **فصل چهارم** در نمازهایی که بجهة حصول
مهمات گذارند **فصل پنجم** در دعاهایی که برای برآمدن حاجات بجای آرند
باب یازدهم در آداب بیماران و علاج کردن ایشان و آنچه متعلق است
بر آن بر پنج فصل مشتمل **فصل اول** در آداب بیمار و پرستش و علاج کردن
فصل ۲ در باب شفا طلب کردن از قرآن مجید در جمیع امراض **فصل ۳**
در باب طلب کردن شفای بیماران بصدقه دادن و دعا کردن و نماز گذاردن بجهة
جمیع امراض **فصل ۴** در افسون کردن بدعوات و اسماء الله و غیر آن
بخواندن و دمیدن و نوشتن و نگاه داشتن برای سایر بیماران **فصل**
پنجم در حرزها و دعاها از هر باب لایق این کتاب **باب دوازدهم**
در نکتهای نوادر این کتاب که واقع است در هر باب مشتمل بر هفت فصل
فصل اول در ذکر حقوقی که بر آدمی لازم است منقول از کلام امام
زین العابدین علیه السلام **فصل دوم** در ذکر از کلام حضرت رسالت پناهی

صلی الله علیه و آله و اولاده و یاد کردن مناهی **فصل سیم** در وصیت کردن
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بحضرت امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه الصلوة و السلام
فصل چهارم در موعظه حضرت رسول صلی الله علیه و آله مر ابی ذر غفاری را
فصل پنجم در موعظه رسول صلعم مر ابن مسعود را **فصل ۶** در اختیارات
روزها مروی از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام **فصل ۷** در ضمن این
کتاب بخطبه امیر المومنین علی علیه الصلوة و السلام که در باب همام **باب اول**
در خلق حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و سایر احوالش مشتمل بر پنج فصل
اول در خلقت و صورت و سیرت آنحضرت و همنشینی با مردمان
و کیفیت آن بروایت صحیحه از امام حسن و امام حسین علیهم السلام در کتاب محمد
بن ابراهیم بن اسحق الطالقانی که او روایت کرد از نقاب و اوشان از
حضرت حسن بن علی علیهم السلام که آنحضرت فرمود که من پرسیدم از خال خود
هند بن هاله تمیمی از حلیه و شمایل حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و او وصف نمود
و حال آنکه من آرزومند بودم که او وصف نماید مرا از حلیه آنحضرت صلعم
به اندکی که خاطرم بسبب آن متعلق بود و آن گفت رسول صلی الله علیه و آله و شأن
او عظیم بود و قدر او جسیم و روی مبارک او میدرخشید مانند درخشیدن
قمر بدر و قد مبارک او نه دراز بود و نه کوتاه و سر مبارکش مناسب
اندامش بود و موی مجعدش کشیده بود تا بناگوش و فرق مو میفرمود در حالتی

کرانبوهی

که انبوهی میکرد و الا نه و رنگ مبارکش نورانی بود و گشاده ابروش و
رگی بود در میان پیشانی و مشهور برگ هاشمی که هرگاه قهر فرمودی آن رگ ظاهر
شدی و بلند بینی بود و رخسار مبارکش لطیف و هموار و گشاده دهان و دندان معتدل
دهان و گردن او چون گردن آهو و در نیکویی و خوشی آینده چون نقره
خام سفید و لطیف و بسی هموار و معتدل و مساوی الاجزا و شکم مبارکش
با سینه یکسان نه در زیر و نه در بالا و سینه مبارکش عریض بود و دو
شانه اش از یکدیگر دور و از چنبر گلوی مبارکش تا ناف خطی بود چون موی باریک
و هموار و کشیده و زیاده از آن بر ناف و پستان و سینه اش موی نبود
و هر دو ساعدش دراز بود و اندک موی داشت و کف دستش گشاده
و پشت پایش بر آمده و چون براه رفتی به آهستگی و نرمی بودی با وجود
آنکه در غایت چستی فرمودی و قدم کشیده رفتی و هرگاه که رو بکسی
کردی روی و تمام بدن مبارکش باز گردیدی و دایم چشم بزیر داشتی
و نظر مبارکش بر زمین بیشتر بودی تا بسوی آسمان اغلب بگوشه چشم
نگاه کردی و در حال ملاقات مبادرت بسلام نمودی گفتم مرا او را
که وصف کن از تکلم آنحضرت گفت دایم دلش حزین و متفکر داشت
بخشی و راحت نداشتی اگر خاموش بودی و تا ضرورت نشدی با
سخن نگفتی و چون تکلم فرمودی آنچه ماحصل سخن بودی در عبارت فصیح

اندک بیان نمودی که برهمان فیصل سخن شدی نه درشت کلام بودی نه
سرد سخن و تعظیم بنعمت الهی کردی اگرچه اندک بودی و نعمت را مذمت
نفرمودی و هرچه از آن چشیدی نیک بدش ظاهر نساختی و مدح و ذمش
نگفتی و بواسطه امر دنیوی در قهر نشدی و اگر با حقی دیدی از غضب
بران تحمل نفرمودی و انتقام آن نکشیدی و خاطر کسی را از آن ملاحظه
نکردی و قهر نمیکرد برای هوای نفس خود و مدد از کسی نخواستی برای آن
امر و هرگاه اشارت فرمودی بهمه دست اشاره کردی و چون تعجب فرمودی
دست مبارکش گردانیدی و هرگاه که حدیث فرمودی بدست اشاره کردی
وکف دست راست بر انگشتان دست چپ نهادی و چون خشم فرمودی روی
مبارکش بجانب دیگر کردی و چون شاد گردیدی چشم مبارک را بزیر انداختی
و معظم خنده اش تبسم بودی و دندانهای مبارکش مانند مروارید
ناسفته مینمود   امام حسن علیه السلام گفت زمانی این اوصاف از
امام حسین ع نهان داشتم بعد از آن حدیث کردم یافتم اورا که
پیش دارد اوصاف اورا   درین حدیث ازو پرسیدم فرمود
که من از پدر بزرگوار خود شنیده بودم از مدخل و مخرج و مجلس و شکل آنحضرت
هیچ چیز فرو نگذاشت   امام حسین علیه السلام فرمود
که من از پدر بزرگوار خود شنیدم که چون رسول الله صلی الله علیه و آله

بمنزل

بمنزل خود رفتی اوقات خجسته غایات را سه قسم ساختی قسمی را بعبادت
حق جل علا صرف نمودی و یکی دیگر را از برای معاشرت اهل خانه و یکی
دیگر را بجهت احوال خود و این قسم که بجهت احوال خود بود قسمت کرده بود
میان خود و میان مهمسازی مردمان فقرا و مسکینان و بر عامه و خاصه ایشان
و دقیقه از آن فرو گذاشت نفرمودی و از سیرت آنحضرت بود که
هرکس را از امت بقدر رتبه او داشتی و مهمسازی کردی بقدر احتیاج او
بعضی را یک حاجت بودی و بعضی را حاجتها بحاجت همه پرداختی و بجد و سعی
تمام ساختی و نصیحت و موعظه فرمودی و احوال ایشان پرسیدی و مهربانی
نمودی و امر فرمودی که هرکه در مجلس حاضر است آنرا بغایبان رسانید و فرمود
که هرکه نزد من حاضر است حاجت خود را عرض نماید و آنکه غایبست و عرض نتواند
نمود شما که حاضرانید حاجت او را نزد من عرض نمایید و فرمود که هرکه
حاجتی از حاجتمندی نزد پادشاهی رساند که صاحب حاجت را توانایی نباشد
روز قیامت حق سبحانه و تعالی پایهای او را ثابت و قایم دارد و هرکه
بخدمت آنحضرت رفتی چون بیرون آمدی دانستی و معرفت وی را
حاصل بودی برکت صحبت آنحضرت و از صحبتش ملال و کلال ایشان را
نکردی بلکه بذوق و خوشحالی بیرون آمدی   دیگر فرمود که از پدر
بزرگواری خود شنیدم که چون آنحضرت از خانه بیرون [illegible] فرمود

زبان را دایم خاموش داشتی مگر در امر ضروری که تکلم بر آن نمودی و اصحاب را
باهم الفت دادی و از نفرت و جدایی تنفر دادی و بزرگان هر قوم را
حرمت داشتی و ریاست و سروری آن قوم را بوی تفویض فرمودی
و مردمان را از فتنه ترسانیدی و ترغیب کردی که از آن محترز باشند
و بر روی همه کس خندان بودی و دایم تفحص احوال اصحاب خود نمودی و اطوار
و احوال مردم از مردم پرسیدی و آنچه نیک و پسندیده بودی تحسین کردی
و تقویت نمودی و آنچه بد و ناپسند بودی از آن منع نمودی و از حالات
مردمان غافل نبودی و ایشان نیز از اثر صحبتش از جاده اعتدال و نهج استقامت
انحراف نکردیدی و آنچه محض حق بودی آن کردی با مردمان بی زیاده
و نقصان و آنانی که دایم در خدمت آنحضرت بودی اخیار و برگزیدگان
قوم خود بودند و بهتر آن مردمان نزد آنحضرت جماعتی بودندی از روی
قدر و منزلت زیست ایشان با مردمان حسن خلق و مدارا و مواسات
بودی باز امام حسن علیه السلام فرمود که از پدر بزرگوار خود شنیدم
که نشستن آنحضرت در مجلس چگونه بودی هر گاه که نشستی و برخواستی
مگر آنکه ذکر حق تعالی بر زبان راندی و چون بمجلس در آمدی هر جایی که
خالی بودی نشستی و از بالا و زیر تفاوت ننهادی و بیاران و امت
همچنین امر فرمودی و با همنشینان بنوعی اختلاط و موانست نمودی

کانکس

که آنکس گمان میکرد که آنحضرت او را از همه دوستر میدارد و هر که در
صحبت او نشستی یا در خدمت آنحضرت حاجتی داشتی چندان صبر فرمودی
که آنکس خود برخواستی و روان شدی و هر کس حاجتی نزد وی بردی اگر توا
نستی
حاجت او را بر آوردی و اگر نه چندان لطف نمودی که آنکس راضی
و خوشوقت شدی و در کنف خلق عمیم او همه کس را جا بودی و با مردمان
بلطف و شفقت چون پدر و مادر مهربان بودی و هیچکس را بر دیگری
تفضیل و زیادتی ننهادی همه را در راه حق برابر و یکسان داشتی
و مجلس آنحضرت مشتمل بر حیا و حلم و صلح مشتمل بر حیا و حلم
و صبر و سخاوت امانت بودی و آواز او در مجلس بلند نشد و کسی را
یارای بلند گفتن در آن مجلس نبودی و در آن مجلس حرم احتیاط رعایت
کردندی بی فتور و قصور و کسی زبان بفحش و دشنام نیالودی و نیارستی گشود
و کسی را سهو لسان از برکت صحبت شریفش واقع نشدی و با هم در صحبت
او برابر بودندی بتواضع و راستی سخن گفتندی و به پرهیز در سخن زدن را
ادا نمودندی و پیران را حرمت داشتندی و با جوانان مرحمت
کردندی و ایشان از غریبان و حاجتمندان دریغ نداشتندی و محافظت
نمودندی و حاجتشان بر آوردندی دیگر پرسیدم از پدر عالیمقدار
خود که روش سیرت آنحضرت با همنشینان چگونه بودی فرمود

که رسول صلی الله علیه وآله در روی ایشان خندان بودی و خوشخویی نمودی
و آهنگ ظاهر ساختی و ترش روی و درشت گوی و غیبت گوی و عیب جوی
نبودی و مدح و خوش آمد از آن حضرت بفعل نمی آمد و آنچه نخواستی تغافل
فرمودی و موانست بر آن نداشتی و کسی را از خود محروم نگذاشتی
و سه چیز را نسبت بترک انگاشتی جدل نکردی و اکثار در کلام نفرمودی
و سرزنش ننمودی و عیب کسی نفرمودی مگر آنکه در ضمن آن امید
ثوابی بودی و چون تکلم نمودی حضار مجلس سر در پیش افکنده
مستمع بودندی و کسی را یارای گفتار نبودی و چون خاموش شدی
حضار مجلس متکلم شدندی و در حالت سخن گفتن آنحضرت یارای منازعه
نداشتندی و هرگاه که سخن کردی همه گوش داشته خاموش میشدند
و در هر چیزی که همنشینان خنده کردندی حضرت تبسم فرمودی و موافقت
ایشان نمودی و از آنچه ایشان تعجب داشتندی آنحضرت نیز تعجب داشتی
و اگر غریبی در مجلس وی سخن زشتی گفتی یا چیزی خواستی آنحضرت بر آن
صبر و تحمل فرمودی و حاجتش را برآوردی و امر کردی اصحاب را که چون
حاجتمندی حاجت پیش شما آورد در روا کردن حاجتش سعی نمایید و از
هیچکس چیزی قبول نکردی تا بمکافات عوض آن فایده کلی بوی رسانیدی
و سخن کس را بسخن نبردی و چندان گوش بسخن داشتی که او سخن را تمام کردی

و دیگر امام حسن علیه السلام فرمود که پدر بزرگوار خود را پرسیدم که سکوت
آنحضرت بچه کیفیت بود فرمود که سکوت و خاموشی آنحضرت بچهار چیز
مبتنی بودی بر حلم و بر حذر و بر تقدیر و بر تفکر اما از حلم و تمکین و لینکه
آنحضرت را تغیری و نقصانی عارض نگشتی و بر مکروهات غضب نفرمودی
و صبر بر آن فرمودی اما حذر در چهار صورت نمودی در امور خیر
و نیکی را ظاهر کردن تا امت بوی اقتدا کنند و از بطالت و ترک
عبادت دور باشند و دیگر در ترک قبایح و بدیها امر فرمودی تا از
سر نقصان محفوظ و مصون مانند و دیگر در اجتهاد و تدبر امور در چیزی
که صلاح کافه امت بودی در آن و دیگر ایستادگی مهمات و قیام
نمودن بامورى که خیر دنیوی و اخروی امت در آن بودی و ثواب آن امت را
شامل و نیز تقدیر نمودی یعنی تسویه نظر در میان مردم و استماع کلام ایشان
کردی و همچنین تفکر در باقی اخروی و امور فانی دنیوی داشتی **فصل دویم**
در بعضی از احوال و اخلاق حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله از کتاب
شرف النبی و غیر آن از کتب که در تواضع و حیای آنحضرت ورود یافته
روایت از انس بن مالک که رسول الله صلی الله علیه وآله بپرسش بیماران
امت رفتی و پیروی جنازهای کردی و ترحم بر ایشان و هر که او را بخواندی
اجابت نمودی اگرچه غلامی بودی و بر دراز گوش سوار شدی و در روز قضای

وبنی قریظه بر دراز گوش سوار بودی پالان وافسار او از لیف خرما
بود و دوست نداشتی که از برای او قیام نمایند و هر کس را از اصحاب
که وی را دوست تر داشتی قیام نکردی که قیام موجب کراهیت خاطر
مبارک آنحضرت شدی ونیز مرویست از انس که آنحضرت بر زمین نشستی وطعام
تناول فرمودی و گوسفندی دوشیدی ونیز مرویست که آنحضرت
بر کودکان سلام کردی بروایت اسماء بنت زید و ابن مسعود روایت
کرده که شخصی آنحضرت آمد چون آغاز سخن کرد لرزه بر اندام آن شخص افتاد
آنحضرت از روی رحمت ومهربانی فرمود که خوش و باک مدار که من
از ملوک نیستم بلکه فرزند عورتی هستم که گوشت قدید خوردی روایتست
از ابی ذر که حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله چنان نشستی که اگر غریبی
آمدی ندانستی که پیغمبر کدام است ما درخواست کردیم که محلی از برای
آنحضرت معین سازیم تا ممتاز باشد صفه ساختیم از گل تا آنحضرت
بر آنجا نشستی ویاران در حوالی او نشستندی تا اگر غریبی از جایی بیامدی
راه بردی چون بخانه رفتی جامه پاره پاره خود را دوختی ونعلین خود را
پینه کردی وکار درویشان نسبت با اهل خود بعمل آوردی و بهترین
شغلهای او خیاطی بودی دیگر از امام جعفر علیه الصلوة مرویست
که در کتاب النبوة که زنی بدزبان بود نزد آنحضرت آمد وآن حضرت طعام تناول

میفرمود

میفرمود آن زن گفت یا محمد خوردنت چون خوردن غلامانست ونشستن
مثل ایشان فرمود وای بر تو کدام بنده از من بنده تر است وکدام غلام
از من غلام تر آن زن گفت از آن طعام که میخوری لقمه بمن ده حضرت لقمه
برداشت که بوی دهد زن گفت لا والله آن لقمه میخواهم که در دهان تست
آنحضرت لقمه را برون آورد و بوی داد دیگر امام جعفر علیه السلام فرمود
که تا آن زن زنده بود زبان فحش وبد گفتن نکشود وکسی از وی بدی نشنود
دیگر انس روایت کرده که نه سال در خدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله
بودم نیافتم که بمن بگوید که چرا چنین کردی وچنان نساختی وهر گز چیزی را
بر من عیب نفرمود و دو سال در خدمت آنحضرت بوی خوش میبوییدم
هیچ بویی از بوی آنحضرت بهتر ندیدم وهر گاه که شخصی نزد آنحضرت
نشستی تا آنکس برنخواستی آنحضرت برنخواستی واگر کسی دست او را بدست
گرفتی آنحضرت دست نکشیدی وهم انس روایت کرده که روزی آنحضرت
در راهی میگذشت اعرابی بوی رسید وردای مبارک آنحضرت را بعنف بی
تمام کشید که اثر گوشه ردا بر گردن مبارک او ظاهر شد وگفت یا محمد
امر فرما که از مال خدا که در نزد تست بمن دهند آنحضرت روی باو کرد
تبسم فرمود وگفت تا چیزی بوی دادند روایتست از ابو سعید خدری
که کسی از حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله چیزی طلب نکردی الا که بدادی

دیگر روایت کرده که حیای آنحضرت بحدی بود که از دختران دوشیزه بیشتر
و هرگاه چیزی او را خوش نیامدی می یافتیم در روی آنحضرت روایت
از ابن مسعود که رسول صلی الله علیه و آله میفرمود که هیچکس از اصحاب نزد
من غیبت یکدیگر نکند و بد یکدیگر نگوید که من خواهان جهت میدارم که شما
دایم سلیم القلب باشید و خاطر من با همه صاف باشد روایت از امیرالمؤمنین علی
که رسول صلی الله علیه و آله از همه کس دست گشاده تر بودی و جوان مرد تر
و جرأتش از همه بیشتر بودی و در راست گفتاری از همه بیشتر بودی
و با خلق بخلق زیست مینمود و با عامه خلایق بلطف و رحمت بودی
و کسی که بروی نگاه کردی هیبتی و دهشتی بروی کار کردی و چون با او
بسخن درآمدی الفتی و مودتی در دل خود یافتی و هر که با وی اختلاط
کردی او را از همه کس دوست تر داشتی و هر که او را بدیدی خود را از جمله
خاکساران او انگاشتی و گفتی ندیده ام مثل او را نه پیش از وی و نه بعد
از وی دیگر ابن عمر گفت که ندیدم کسی را بسخاوت و سماحت و حمایت
و نجدت و شجاعت و نورانیة بمثابه رسول الله صلی الله علیه و آله
بوده باشد روایت از جابر بن عبدالله که هرگز از آنحضرت چیزی
نخواستم که نه گفته باشد روایت از عبدالله عباس که رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که معلم و مؤدب من حق سبحانه و تعالی بود و معلم و مؤدب

ابراهیم

امیرالمؤمنین ع من بودم و خصلتها از فرمود مرا بسخاوت و نیکوکاری و نهی
فرمود از بخل و زیان کاری و هیچ خصلتی نزد حق تعالی بدتر از بخل و بدخلقی نیست
و این دو خصلت بد بفساد می انجامد چنانکه کل عسل و هم از ابن عباس روایت
که ابوسفیان را بعد از فتح مکه در میان مردمان قدری و حرمتی نبود و
کسی از مسلمانان با او اختلاط نمیکرد و از این معنی بدحال و تنگ
دل بود روزی نزد پیغمبر صلعم آمد و گفت سه درخواست دارم از تو
یا رسول الله آنحضرت فرمود که بگو گفت اول آنکه دختری دارم نیکوترین
عرب است از روی جمال میخواهم او را به نکاح تو در آورم آنحضرت فرمود
که قبول کردم دوم پسرم معاویه را داعیه دارم که کاتب مجلس تو باشد
فرمود که چنین باشد سیم همچنانکه در زمان سابق با مسلمانان کارزار
میکردم با کافران این زمان نیز کارزار کنم گفت چنین باشد ابن
زمیل گوید که ابوسفیان اگر این درخواستها نکردی آن حضرت از او
این امور قبول نکردی و چون خلق و کرم آنحضرت بمرتبه بود که هرگز
سؤال هیچ سائل رد نکردی بنابراین قبول فرمود و شجاعت آنحضرت
روایت از امیرالمؤمنین ع که در روز بدر ما همه پناه بحضرت رسول صلعم
بردیم و او از ما همه بکارزار بر دشمن نزدیکتر بود و هیچکس از او دلیرتر
و شجاع تر نبود و هم آنحضرت فرمود که شبی در مدینه غوغا برآمده
و همه مردمان روی بدان آوردند و آشوب در میان خلایق افتاد

وما نیز روی بدان طرف آوردیم آنحضرت را دیدیم بر اسب ابی طلحه
انصاری نشسته و شمشیری برهنه بر دست پس روی باز پس کرده میگفت
هیچ مکروهی نبایست بوده باشید و مردم را دل میداد در علامه رضا در
غضب آن حضرت روایة میکند ابن عمر که معلوم میشد در وی و
غمناکی آن حضرت در روی او چه هر گاه شاد شدی پس گویا همه
چیز در روی مبارک او نمایان است و رنگش بر دیوار تابان است
و چون خشم گرفتی رنگش تیره گشتی گاهی بسیاهی مایل و گاهی بسرخی
و کعب ابن مالک روایت کند که چون آنحضرت شادمان شدی رنگش
چون ماه شب چهارده بر افروختی و چون قهر فرمودی رنگ مبارکش
متغیر شدی و سرخ بر آمدی و امیر المومنین علی ع فرمود که چون
رسول ص چیزی را دوست داشتی فرمودی که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی تَتِمُّ
الصّالِحاتِ و در مهربانی آنحضرت با امت روایت کرده اند که
از اصحاب وی اگر کسی سه روز بخدمت آنحضرت نیامدی بعد از آن
تجسس احوال وی کردی و پرسیدی اگر بسفر رفته بودی دعایش
کردی و اگر در حضر بودی بزیارتش رفتی و اگر بیمار بودی بعیادتش
فرمودی و از جابر ابن عبد الله انصاری مرویست که حضرت
رسول صلی الله علیه واله وسلم بیست و یک غزا کرده بود

کرده بود در نوزده غزا در رکاب ظفر انتسابش بودم و از آن غزوات
دو غزا از من فوت شد در شبی از شبها شتری از من مانده شده بود و من
در آن حیران مانده که ناگاه دیدم آنحضرت از عقب هم می آمد من کلمه درد آمیز
گفتم آواز مرا شنید پرسید که چه کسی گفتم من جابرم فدای تو گردم فرمود
که چه حال داری گفتم شترم مانده است فی الحال فرود آمد و گفت با تو
هیچ عصا هست گفتم بلی بستد و او را نهیب داده بر انگیخت و باز
خوابانید و پای بر دستهای شتر می نهاد و مهارش گرفت فرمود که سوار شو
و باز شترم را خوابانید و برخیزانید و روان شدیم پس شتر من پیشی
بر شتران دیگر میگرفت و بیست و پنج نوبت برای من استغفار نمود و
آمرزش طلبید بعد از آن از من پرسید که از پدرت عبد الله دیگر
فرزند مانده گفتم بلی هفت دختر مانده فرمود که پدرت هیچ قرض گذاشته
گفتم بلی فرمود که چون بمدینه آیی از قرض خواهان درخواست کن که با تو مدارا
کنند چون محل خرما بریدن شود نزد من آ ایشان را دیگر فرمود که زن
خواسته گفتم بلی گفت کی گفتم فلانه دختر بیوه که در مدینه باشد
فرمود که چرا دختر کوچکی نخواستی که با او بازی کنی و او نیز با تو بازی کند
گفتم نزد من خواهران کوچک بودند خواستم که عاقله باشند تا ضبط
احوال ایشان نماید فرمود که نیکو کردی و صلاح و رشد دیدی دیگر فرمود که شترت را

بچند خریده گفتم به پنج اشرفی فرمود که ما باز بهمان قیمت قبول داریم چون
بمدینه باز آمدیم شتر را نزد آنحضرت بردم فرمود ای بلال پنج اشرفی
بوی ده و سه دیگر مزید کن با بقرض پدرش عبد الله دهد و شتر را نیز
بوی ده بلال خدمت بجای آورده من آنها را تمام بقرضخواهان دادم
دیگر پرسید که با قرضخواهان قطع و فیصل کرده گفتم نه یا رسول الله فرمود
که موقوف کن تا وقت خرما بریدن در رسد نزد من آی پس چون وقت
خرما بریدن شد نزد آنحضرت رفتم پس بنخلستان خرما فرمود و دعا کرد
برای ما خرما بریدیم و تمام قرضخواهان را ادا نمودیم و چندان
باز ماند که زیاده از قوت سالیانه ما بود پس آنحضرت فرمود که بردارید
و کیل و وزن مکنید آنها را برداشتیم آنها را بی کیل و وزن و تا مدت
مدیدی ازان میخوردیم مرویست از ابن عباس که رسول صلی الله علیه و آله
هرگاه سخنی فرمودی یا از چیزی پرسیدی سه مرتبه مکرر کردی تا سایل
بفهمد و بفهماند و ابن عمر گوید که چون کسی گفتی یا رسول الله فرمودی که
لبیک روایت کند زید بن ثابت که هرگاه که می‌نشستیم در خدمت
آنحضرت اگر از احوال آخرت یا از دنیا یا از خوردن یا از آشامیدن
سخن میگفتیم آنحضرت با ما موافقت می‌نمود و ازان میگفت روایت
از ابو حمیا گوید که ..... کردم با رسول خدا پیش از زمان بعثت در مقامی

فراموش

فراموش کردم دو روز بران بگذشت پس ور رسیدم بران مقام باز گذشتم
فرمود که ای جوان مرا فراموش کردی مرا امروز سه روز است که درانجا مقام
دارم روایت کند جریر بن عبد الله که روزی آنحضرت با یاران بخانه من آمدند
مرا در خانه جای نماند بیرون در نشستم چون رسول الله صلی الله علیه و آله مرا دید
ردای خود را نزد من انداخت که بزیر پا انداز من آنرا برداشته بر روی
خود مالیدم و نزد آنحضرت بردم منقولست از سلمان فارسی رضوان الله عنه که
روزی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله رفتم و او بر بالشی تکیه کرده بود چون
مرا دید بالش را نزد من انداخت فرمود که یا سلمان هر مسلمانی که نزد برادر
مسلمان رود و او از روی تعظیم و تکریم بالش خود را بزیر روی اندازد خدای تعالی
او را بیامرزد در مزاح و تبسم حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله روایتست
که میفرمود که من مزاح میکنم اما غیر حق نمیگویم شخصی پرسید از ابن عباس که آیا آنحضرت
مزاح میفرمود گفت بلی امام حسن علیه السلام فرمود که من پرسیدم از خال
خود هند از صفت رسول الله صلی الله علیه و آله گفت هرگاه که غضب کردی
روی مبارک بگردانیدی و چون شاد گشتی چشم مبارک برهم نهادی
بزرگترین خنده وی تبسم بوده که دندان مبارکش نمودی و گاهی چنان
تبسم نمودی که همه دندانهاش منظور گشتی و نیز مرویست که چون سخن
گفتی در میان سخن تبسم نمودی مرویست از یوسف بن شبیب که امام جعفر علیه السلام

از من پرسید که چه گونه است مزاح و بازی شما با بعضی گفتم واقع میشود
فرمود که چنین کنید که بازی و مزاح از نیکوی اخلاق است بدرستیکه برادر مسلمان را
بمزاح میتوان شاد ساخت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده انس
بن مالک که چون ابراهیم پسر آنحضرت وفات یافت آنحضرت گریه میکرد
و میفرمود که چشم اشک میریزد و دل اندوهگین میگردد ولیکن من
نمیگویم آنچه غیر رضای پروردگار ما در آن نیست و ما برای تو ای ابراهیم
اندوهگین و غمگینیم روایت از خالد بن سلمه مخزومی که چون زید بن حارثه در غزای
موته شهید شد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بمنزل او فرمود از برای تعزیه
و پرسش دختران زید را چون چشم بحضرت افتاد آغاز گریه کردند حضرت رسول
نیز بگریه افتاد بعضی از اصحاب که در خدمت آنحضرت بودند گفتند یا رسول الله
این چه گریه بود فرمود که این شوق دوست است بسوی دوست در بیان رفتار
حضرت رسول ۱۴۳ مرویست از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که راه رفتن آنحضرت
چنان هموار و خوش آینده بود که گویا نهالی از نسیم صبا متحرک شده
یا آبی که بر روی سبزه روان گشته و من ندیده ام مثل آن رفتار هموار
که هیچکس را باشد روایت از جابر که چون آنحضرت براه رفتی اصحاب
در پیش رفتندی و عقب را جهت فرشتگان گذاشتندی ابن عباس رضی الله عنهما
علیهما گوید که آنحضرت چنان براه رفتی که ظاهر شدی که او از راه رفتن

عاجز است

عاجز است چون نشستی با اصحاب حلقه زدندی و چون سواره با کسی همراه شدی
او را بر عقب خود سوار کردی اگر او قبول نمودی فرمودی پس تو پیشتر برو
در جایی که میخواهی که مراد یابی مرویست که روزی شخصی آنحضرت را در مدینه
بمهمانی طلب نمود طعامی مهیا نموده آنحضرت با پنج تن از اصحاب متوجه
خانه آنکس شدند یکی دیگر همراه شد چون بدر خانه رسیدند آنحضرت
به آنشخص که در راه رفیق شد گفت که اینجا زمانی قرار گیر که ترا طلبیده اند
با ما بصاحب خانه اجازت بیاریم و جای ترا مقرر سازیم بعد از آن درآی
در بیان نشستن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امر فرمودن او اصحاب را
بادب نشستن مرویست که چون طفلان از مادر متولد میشدند بخدمت آنحضرت
می آوردند تا دعا میکرد و نام مینهاد و آنحضرت او را در کنار خود نشاندی
بجهت تعظیم مادر و پدرش و گاه بودی که طفل بر جامه آنحضرت ادرار کردی
بعضی چون آنچنان دیدندی بانگ بر و زدندی و اضطراب کردند آنحضرت
میگفت که هیچ مگوئید و همچنان گذاشتی تا کودک بول تمام کردی بعد از آن
دعا در حق آن فرمودی و نام نهادی و اظهار خوشحالی و بهجت و سرور نمودی
تا خاطر ایشان ملول نگردد و چون ایشان برفتندی جامه بشستی روایت
روزی شخصی بمسجد آنحضرت صلی الله علیه و آله در آمد آنحضرت تنها در اینجا
نشسته بود پس آنشخص آمد که در پهلوی وی نشیند آنحضرت جای بوی [illegible]

خود را از وی دورتر کشید آن شخص گفت یا رسول الله جای گشاده است شما آسوده
بنشینید آنحضرت در جواب فرمود که حق برادر مسلمان بر برادر مسلمان آنست
که چون بیند که کسی نزد وی می‌نشیند خود را از وی دورتر گیرد بجهت تکریم او
دیگر آنکه که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که دوست میدارد
که مردم در نزد او بر پای بایستند پس جای او در دوزخ است دیگر رسول الله صلعم
فرمود مایستید در پیش یکدیگر همچنانکه بعضی از عاجم نزد بعضی می‌ایستند
لیکن باکی نیست که در میان یکدیگر در آیند و امام جعفر علیه السلام فرمود
که چون آنحضرت صلی الله علیه و آله در مجلس در آمدی در پایین مجلس هر جا خالی
یافتی نشستی و از امام علیه السلام مرویست که نشستن آنحضرت در پیش
روی بقبله بودی و فرمودی که از شما کسی که بمجلس در آید باید که بنشیند
بجایی که جای انجا شده باشد و دیگر فرمود که هر کدام از شما از مجلس بیرون میرود
سلام کند همچنانکه در آمدن سلام میکرد که در آمدن و رفتن تفاوت
ندارد در سلام دیگر فرمود که هر که از مجلس بیرون می‌رود و چون باز آید بجای
خود نشیند روایت از آنحضرت که بدهید حق مجلس را گفتند یا رسول الله
حق مجلس چیست فرمود که چشم خود را بپوشانید و هر که سلام کند جواب گویید
و نابینا را راه بنمایید و امر کنید بمعروف و نهی کنید از منکر
مرویست که نشستن آنحضرت صلی الله علیه و آله سه نوع بود یکی آنکه

هر دو ساق مبارک را برداشتی و دستها پیش آن در آوردی و دستی بر
ساعد نهادی و یکی آنکه هرگز مربع بر زمین نشستی **فصل سیم**
در اخلاق حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله از اصناف و انواع خوردن
که رسول الله صلعم تناول فرمودی آنچه خدای تعالی بر وی حلال کرده بود با اهل بیت
و خدمتکاران خود خوردی و هر که از مسلمانان او را دعوت کردی اجابت
نمودی و در زمین با ایشان تناول نمودی و آنچه خوردی چون مهمانی رسیدی
و با مهمان خوردی و طعامی را دوست تر داشتی که دست بسیاری از مهمانان
در وی در آمدی روزی اصحاب نزد وی بودند فرمود بار خدایا در میخواهم
از فضل رحمت تو که غیر از تو مالک این هر دو نیست در اثنای این دعا
شخصی در آمد و گوسفندی بریان کرده آورد و فرمود که بگیرید این را از
فضل خدای تعالی و ما منتظر رحمت اوییم و چون خوردنی نزد آنحضرت آوردندی
فرمودی بِسْمِ اللهِ اللّهُمَّ اجْعَلْهَا نِعْمَةً مَشْكُورَةً تَصِلُ
بِهَا نِعَمَ الْجَنَّةِ و بسیار بودی که چون نشستی برای طعام خوردن جمع
فرمودی هر دو پای مبارک را بازانوها چنانکه برای نماز نشینند الا آنکه
پای بر بالای پای و زانو بر بالای زانو نهادی و فرمود که بنده چنان طعام
میخورم که بندگان و غلامان خورند و چنان می‌نشینم که بندگان نشینند
روایت از امام جعفر علیه السلام که حضرت رسول الله علیه و آله هرگز تکیه زده طعام

نخوردی از ان نان که او را پیغمبری فرستاد و تا انوقت که روی بعالم بقا نهاد
و بجهت تواضع و فروتنی بدرگاه خدای عز و جل و چون دست مبارک بسوی
طعام بردی فرمودی بسم الله اللهم بارک لنا فیما رزقتنا و علیک
خلفه امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که آنحضرت در وقت افطار
میفرمود اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله
منا ذهب الظما و ابتلت العروق و بقی الاجر و نیز فرموده
که چون آنحضرت نزد قومی افطار کردی گفتی بر سبیل عذرخواهی که افطار کردند
نزد شما روزه داران و خوردند طعام شما نیکوکاران و فرمودی که مستجابست
دعای روزه داران در وقت افطار و در روایت آمده که بخرما افطار
فرمودی و اگر شکر یافتی بران نیز افطار نمودی روایتست از امام جعفر علیه السلام
که آنحضرت افطار بشیرینی مینمود و اگر نیافتی آب نیم گرم افطار می نمود
که آب فاطر جگر و معده را پاک میسازد و بوی دهن را خوش میسازد و دندانها را
قوی و محکم میگرداند و در حدقه نور بینایی می افزاید و گناهان میشوید و تسکین
میدهد رگهای متحرک را و مضطرب را و صفرا را می نشاند و بلغم را میبرد
و حرارت از معده میبرد و درد سر را تسکین میدهد و آنحضرت طعام
گرم نخوردی تا سرد نشدی و فرمودی که حق سبحانه و تعالی آتش بخورد ما نمیدهد
بدرستی که طعام گرم بی برکت پس آنرا سرد کنید انگاه بخورید چون آنحضرت

طعام خوردی نام خدای تعالی بردی و از پیش خود نخوردی و چون طعام آوردندی
پیش از مردم شروع کردی بطعام خوردن و بعد از ان ایشان شروع کردندی
و بسه انگشت تناول نمودی بانگشت بزرگ و بسبابه که پهلوی اوست و بمیانی
و گاهی بچهار انگشت بخوردی و گاهی بتمام کف تناول نمودی و بدو انگشت
تناول نمودی چرا که بدو انگشت چیزی خوردن عادت شیطانست روزی
اصحاب دیگ پالوده نزد آنحضرت آوردند رسول چون ازان تناول نمود فرمود
چه چیز بخته اید عبدالله گفت فدای تو گردم روغن و عسل در یکدیگر کرده ایم و بر سر
آتش نهادیم تا جوشید بعد از ان نشاسته در ان انداختیم و بر هم زدیم
تا پخته شد انچنین شد فرمود که این طعام نیکوست و گاه بودی که آرد پخته
نان کردندی و آنحضرت تناول نمودی و گاه بر سبیل سعوف میخوردی و در
روضة الواعظین نقل میکند از عیص بن قاسم که گفتم مر حضرت امام جعفر الصادق را
که حدیثی روایت میکنند از پدر بزرگوار تو که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
هرگز از نان گندم سیر نخوردی آیا این خبر راستست یا نه فرمود که هرگز نان
گندم نخورد و از نان جو هرگز سیر نخورد عایشه فرمود که حضرت رسول الله صلعم
هرگز از نان جو دو روز سیر نخورد تا از دنیا رحلت نمود مرویست که
آنحضرت از خوان طعام نخورد تا از دنیا مفارقت نمود و نان تنک هرگز
میل نفرمود عایشه گوید که همیشه دنیا بر ما دشوار بود و تیره تر بود چون

آنحضرت از دنیا رحلت نمود دینار نخت بر ما مصیبتهای گوناگون در کتاب النبوة
مذکور است که حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که خورش آنحضرت همیشه نان جو بود
تا از دنیا رحلت نمود روایتست کرده اند که آنحضرت اجابت دعوة مملوک کردی
و بر پس مرکب خود سوار کردی و طعام خود بر زمین نهادی و خیار را با رطب تناول
نمودی و خیار را با نمک نیز خوردی و بمیوه‌های تر میل نمودی و دوست‌ترین میوه‌ها
نزد وی انگور و خربزه با نان خوردی و گاهی با شکر اکل نمودی و گاه خربزه
با رطب تناول نمودی و گاه بود که بهر دو دست تناول نمودی روایتست
که روزی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله نشسته بود و رطب تناول میفرمود
و استخوان آنرا بدست چپ گرفتی و بر زمین انداختی که ناگاه گوسفندی
نزد وی بگذشت اشاره نمود گوسفند را به استخوان رطب پس بدست
راست خوردی و بدست چپ استخوانها را به او میخورانید چون فارغ شد
گوسفند برفت دیگر چون آنحضرت روزه داشتی افطار برطب کردی
و انگور را دانه دانه خوردی و گاهی بخوشه تناول نمودی که قطرات او
بر محاسن مبارکش چکیدی آنحضرت چنگال خوردی و خرما نیز تناول نمودی
و آب بر بالای ایشان تناول مینمود و بیشتر طعام آنحضرت خرما بود
و آب و بسیار جمع نمودی میان شیر و خرما و نام آن نهادی طیبین
و بیشتر آنچه خوردی هریسه بود و سحور بر آن کردی و گویند جبرئیل علیه السلام

ازجهة

از جهت او هریسه از بهشت آوردی و با سحور خوردی و گوشت پخته و بریان با نان
خوردی و گاهی بقدید تنها میل نمودی و گاهی با نان نیز خوردی و دوست‌ترین
طعامها نزد وی گوشت بود و فرمودی که گوشت در قوت شنوایی
و بینایی می‌افزاید و میفرمود که گوشت نیکوترین طعامهاست در دنیا و آخرت
و اگر من از خدای خود میخواستم که هر روز طعام من گوشت هر آینه چنان میکرد
و آنحضرت ترید با گوشت و کدو خوردی و دوست داشتی کدو را و میفرمود
که این از درخت برادرم یونس است و او را کدو خوش آمدی و آنحضرت گوشت
مرغ خانگی خوردی و گوشت وحشی و گوشت مرغ که صید کرده میبودند
بخریدی فاما صید نکردی اما دوست داشتی که صید کرده نزد وی آورند
و پخته سازند و بخوردی و دوست داشتی نان بروغن پخته را و از گوسفند
پاچه دست و گوشت شانه و از نانخورش سرکه دوست داشتی و از سبزیها
کاشنی و بادروج و بقلة الانصار که او را کلم گویند و آنحضرت نخوردی
سیر و پیاز را و گراس و غیرها را که دهد و بقایای درست که هیچکس از آن خورد
و اثر آن در آن پیدا بودی که آن موجب بوی دهن بودی و هرگز طعام را
مذمت نکردی و بچشیدی از آن اگر خوش آمدی خوردی و اگر نه بگذاشتی
و آنحضرت اگر چیزی از طعام خوش نکردی بر دیگران حرام نساختی
و بد نگفتی و چون از طعام خوردن فارغ شدی سر انگشت خود را فرندی

ودست خود را بدستمال پاک نکردی تا یکیک را نمکیدی ومیگفت که معلوم نیست
که برکت در کدام انگشتست وانحضرت نمک خوردی وچون نمک آمدی اصحاب او
تفقد کرده برچیدندی ونزد انحضرت آوردندی وفرمود که خوردن نمک
دندانها را نافع است وچون انگشتان مزیدی دست شستی وچون نان وگوشت
خوردی خاصه دستها را نیکو شستی وبقیه آب را در دست مبارک کرده بودی
وبدان روی مبارک خود را مسح کردی وتا ممکن بودی تنها طعام نخوردی
ومیفرمود که آیا شما را خبر کنم به بدان شما گفتند بلی یا رسول الله فرمود آنکه تنها
طعام خورد وبنده مملوک را زند ومنع هدیه نماید

فصل چهارم

در صفت حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله آشامیدن آب روایتست که انحضرت
چون آب آشامیدی ابتدا بنام خدای تعالی کردی وقدری از آن آب بیکنفس آشامیدی
بعد تنفس وستایش الهی بجای آورد وباز معاودت کردی بنام خدای تعالی
وقدری آشامیدی وباز پس کردی والحمد لله بجای آوردی ودر خوردنی
بسم الله وبعد الحمد لله گفتی وآب را مکیدی بر آن نوع نه مکیدنی که پیک
مکیدن آشامیدی ومیفرمود که درد جگر از آب خوردنیست که یکبار در گلو ریزند
وانحضرت در وقت آب خوردن نفس در آب نزدی وچون خواستی که نفس زند
ظرف را دور کردی وگاهی بیکنفس آب خوردی وآب را از قدحهای شیشه
خوردی که از شام می آوردند واز کاسهای چوبین وظرفی که از پوست ساختندی

وازظرف

وازظرف سفالین نیز آب خوردی وگاهی بهرد وکف مبارک خود آب نوشیدی
وفرمودی که هیچ ظرفی بهتر از کف دست نیست واز دهان مشک نیز آب خوردی
ودهان مشک را نه پیچیدی ومیفرمود که در حین آب خوردن پیچیدن سر مشک را
آب بدبوی میشود وسواره نیز آب خوردی از مشک وسبوی واز هر ظرفی
که اتفاق افتادی ونیز آبی که بر وی شیر دوشیده بودندی وگاهی سویق
نوشیدی وآن جو است با گندم نیم رس بریان کردی وفرمود تا کوبیدندی
وآبی بر آن زدی که بعربی از اسویق گویند وبفارسی قاووت ودوسترین
نزد انحضرت آشامیدنی بودی که شیرینی در وی باشد ودر روایت
وارد است که دوسترین شربتها نزد وی شربت شیرین سرد بودی
وگاهی آب بر بالای عسل نوشیدی وگاهی شربت ساختی ونان در آن ترید
کردی وفرمودی که بهترین اشربه دنیا وآخرت آبست انس ملک گوید
که انحضرت یکشربت آب وقت افطار نوشیدی ویکی در هنگام سحر وگاهی
نیز بیکی اکتفا نمودی وگاه بودی که شیر بودی وهم او گوید که شبی انحضرت
نان در شیر ریزه کرده بود که چون از مسجد بخانه آید افطار کند دیر شده ونیامد
گمان بردم که مگر کسی او را دعوت کرده من آن را خوردم بعد از نماز خفتن
بساعتی تشریف آورد پرسیدم از همراه وی که مگر کسی حضرت را مهمانی
کرد یا در مسجد طعامی تناول نموده گفت نه جایی افطار نکرده من بغایت ملول شدم

بمرتبه که خدای تعالی داند آن غم والم مرا که اگر آنحضرت طلب نماید آن طعام را چه جواب کنم
چون نشست آنرا بروی من نیاورد چون پاسی از شب بگذشت قدری شیر
از برای آنحضرت آوردند دران حال ابن عباس آمد و بجانب راست آنحضرت بنشست
قدری ازان شیر آشامیده گفت یا ابن عباس آنچه در ظرف مانده ازتست اگر
رخصت دهی که ازان چیزی بخالد دهم چراکه او بسال از تو بزرگست ابن عباس
گفت لا والله که من نیم خورد رسول الله صلعم را بکسی دهم پس گرفت و آشامیدی
وگویند ابن خولی وزی آنحضرت ظرفی آورد که دران عسل و شیر بود آنحضرت
ابا فرمود از خوردن آن وگفت دو شربت در یک شربت نمیخورم و بر
کسی نیز حرام نمیکردانم لیکن مکروه دارم فخر و حساب بزیادتیهای دنیا
و دوست دارم فروتنی که هرکه تواضع کند از برای رضای خدای تعالی
وحق جل علا مرتبه او را بلند کرداند **فصل پنجم** در ذکر مجملی از سایر
احوال آنحضرت از روغن مالیدن و جامه پوشیدن و غیر آن آنحضرت
چون سر و محاسن مبارک بشستی بابرگ کنار شستی و دوست داشتی
روغن مالیدن و مکروه داشتی درشتی و ژولیدگی موی و میفرمود روغن
مالیدن بر بدن میبرد حزن و اندوه را باصناف روغن تدهین کردی
و چون روغن مالیدی ابتدا از سر و محاسن نمودی و بروغن بنفشه
تدهین کردی بیشتر گفتی او بهترین روغنهاست و اول تدهین کردی

بهر دو ابرو و بعد ازان بهر دو شارب بعد ازان قدری به بینی چکانیدی و به بوئیدی
و آنحضرت جهت درد سر ابروها را روغن مالیدی و شارب را تدهین کردی
بروغن که غیر آن روغن نبودی و محاسن را نیز به آن تدهین نمودی **در موی شانه**
کردن آنحضرت روایتست که گاهی در سر و محاسن شریف را شانه کردی و گاهی
زبان و مویها که افتادی نگاه داشتندی و گویند مویها که در دست مردمانست
آن مویهاست **مرویست** که موئی که در حج و عمره تراش کردی جبرئیل علیه السلام آنها را
باسمان بردی و گاه بودی که در یکروز ده مرتبه محاسن مبارک را شانه نمودی
و فرمودی که شانه کردن دفع وبا میکند و هرگاه شانه کردی از زیر بالا
چهل نوبت و از بالا بزیر هفت نوبت و فرمودی که ذهن را زیاده میکند و بلغم را
میبرد **در بوی خوش** روایتست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
بمشک تطیب نمودی و بر فرق مالیدی و مذکور بویها تطیب کرده
مشک است و عنبر و گاه بغالیه نیز خود را خوشبوی ساختی و گاهی زنان
آنحضرت تطیب کردند و بعود قماری بخور کردی و در شب تاریک آنکه کس
او را بپسند از بوی خوش وی را دانستندی و گفتندی که این پیغمبر است
و مرویست از حضرت الصادق علیه السلام که آنحضرت بر بوی خوش بیشتر
انفاق و احسان نمودی که بر طعام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که حضرت رسول الله صلعم را سه خصلت بود که در دیگری نبود اول آنکه

اورا سایه نبود و دیگر آنکه چون از راهی گذشتی بعد از دو روز یا سه روز
معلوم میشد که بوی عرق مبارک اوست و دیگر آنکه بر هیچ سنگی و درختی
نگذشتی مگر اورا سجده کردندی و هیچ بوی خوش بر و عرض نکردندی الا آنکه
از وی چیزی قبول کردی و بر آن تطیب فرمودی و گفتی بوی خوش خوبست
و بار اس سبک و اگر تطیب نکردی انگشت مبارک بران زدی و برهان بردی
ولعن نمودی و فرمود که لذت من در دنیا از زنانست و بوی خوش و نور چشم
من از ایمانست و نماز و روزه هست **در سرمه کشیدن** روایتست که حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله سه نوبت سرمه را در چشم راست کشیدی
و دو نوبت در چشم چپ و فرمود که سه نوبت در چشم چپ میتوان کشید
اگر زیاده و کم نکشند باکی نیست و گاهی اکتحال نمودی و روزه بودی
آنحضرت را سرمه دانی بود که در شب بدان سرمه کشیدی و کحل وی سرمه
بودی **در بیان نگرستن در آینه** حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
در آینه نگرستی و دست مبارک بر موی محاسن شریف فرود آوردی
و تزیین و ترتیب دادی بشانه کردن و گاهی نظر مبارک در قدح آب افکنده
و خود را در آب ترتیب و تزیین [illegible] نمود از آنکه نزد اهل خود
میرفت و این را عایشه گفت وقتی که میخواست نزد اصحاب رود
در حالتی دید او را و گاه نظر هیچ کوی انداخت که دران آب بود در او

مشاهده جمال مبارک نمود عایشه گفت پدر و مادر من فدای تو باد که در کوزه چون
آینه روی خود را دیدی و راست کردی و حال آنکه تو پیغمبر و بهتر خلقانی فرمود که دوست
میدارد خدای تعالی بنده را که چون نزد برادران رود خود را بلباس خوب بزینت
در بیان مالیدن چیزها در بدن مرویست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
امر فرمودی بدیگری تا طلا کردی از بالای جسدش تا محل بستن بند ازار و از آن
پایین تر بدست خود مالیدی روایتست که آنحضرت در هیچ سفر از خود جدا نکردی
شیشه روغن و سرمه دان و مقراض و آینه و مسواک و شانه در روایت دیگر آمده
که با وی ریسمان و سوزن و تنویر بودی که جامه را که پاره شده بود میدوخت
و کفش را پینه زدی چون مسواک کردی بعرض کردی نه بطول **در بیان لباس آنحضرت**
روایتست که آن شمله پوشیدی و از آن ازار ساختی و گلیم دو رنگ که آنرا
نمره گویند از آن نیز ازار ساختی و آن زیبا و خوش آینده بود چون سیاهی
نمره و سفیدی او ظاهر بود از جسد مبارکش از ساقین و قدمین مناسب مینمود
و گویند تا وقتی که حق سبحانه و تعالی قبض روح اطهر وی نمود او را نمره بود
که در بنی عبدالاشهل رفته بود آنرا پوشید و از دنیا رحلت نمود آن نمره
از و مانده بود و چون با مردم نماز گذاردی شمله پوشیدی انس گوید
که بسیار بود که آنحضرت با ما نماز پیشین میگذارد و با وی شمله بود که هر دو طرفش
بر کتف مبارک میبود عقد کرده **در بیان طاقیه و دستار** روایتست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله

طاقیه در زیر دستار پوشیدی و دستار و طاقیه بر سر نهادی و دستار
بی طاقیه پوشیدی و طاقیهای سفید و طاقیه یمنی بر سر نهادی در جنگ
که هر دو گوشها را از دو طرف داشتی و بعضی سبز بودی و گاه بودی
که طاقیها از سر برگرفتی و در پیش رو آوردی و نماز بسوی او گذاردی
و آنحضرت در سفر گاهی عمامه سیاه بر سر بستی و در غیر سفر نیز بربستی
و گاه بودی که چیزی پوشیدی چنانکه گوشها و گردن بدان پوشیده شدی
و گاه بودی که دستار بستی که بر گرد سر یا بر پیشانی محکم و از خواص آنحضرت
مسحت بستن بودی و بسیاری دیده میشد برو انچنین و آنحضرت را دستاری
بود که او را سحاب میگفتند و آنرا به امیر المومنین علی علیه السلام داد و گاهی
که با آن نزد حضرت رسول الله صلعم رفتی گفتندی علی علیه السلام آمد در سحاب
یعنی دستاری که بوی بخشیده بود عایشه گوید که روزی حضرت رسول صلعم
با جبه صوف و عمامه بیرون فرمود پس در میان مردمان بمنبر برآمد و خطبه
بلیغ ادا فرمود که من ندیده بودم از خلق خدا هیچکس را بدان حسن و جمال
که من مشاهده کردم در آن جبه و عمامه درم و سال

در بیان لباس پوشیدن آنحضرت

چون جامه نو پوشیدی فرمود که الحمد لله الذی کسانی ما یواری
عورتی واتجمل به فی الناس و چون جامه را برکندی از جانب چپ
ابتدا کردی و از عادت آنحضرت بود که چون لباس نو پوشیدی ستایش

بسیار فرمود حق جل علا را و دعای دیگر خواندی و مسکینی طلب نمودی و جامه
کهنه بوی دادی و فرمودی که هر مسلمانی مسلمانی را جامه نو پوشاند خاصه از برای رضای
خدای تعالی دائما او در ضمان حق جل علا بوده باشد و او را نزد خدای تعالی قدر و قربت
باشد در زندگی و مردگی و آن حضرت چون لباس نو پوشیدی بر خواستی
و راست بایستادی پیش از انکه از خانه بیرون رفتی گفتی اللهم بک
استترت والیک توجهت وبک اعتصمت وعلیک
توکلت اللهم انت ثقتی وانت رجائی اکفنی ما اهمنی
وما لا اهمنی وما لم اهتم به وما انت اعلم
به منی عز جارک وجل ثناءک ولا اله غیرک اللهم
زودنی التقوی واغفر لی ذنبی ووجهنی للخیر حیث ما
توجهت بعد از آن بیرون فرمودی برای حاجتی که داشتی و آنحضرت را
دو جامه بود یکی خاصه از برای روز جمعه و دیگر از این روزهای دیگر و آنحضرت را
خرقه مندیل بود که روی مبارک خود را خشک کردی از وضو و گاه بودی
که بطرف ردایی که بروی بود روی مبارک را پاک میساخت

در بیان انگشتری

روایتست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله انگشتری نقره
نقره در انگشت کردی و نگین او حبشی بودی و آنرا بطرف کف گردانیدی
و گاه انگشتری حدید در دست داشتی که معاذ بن جبل بسبیل هدیه

برای وی آورده بود که محمد رسول الله برو نقش کرده بود و آنرا در دست
راست کردی و مر آنحضرترا انگشتری بود از نقره که نگینش طاهر بود همچنانکه
مردمان او را در دست میکنند و در آن محمد رسول الله نقش کرده بود و آنرا
بدست چپ کردی که انگشتری نقره در وی بودی و نگینش نقش نداشتی
لیکن مروی آنست که انگشتری در دست راست داشتی تا از عالم رحلت نمود
و گاهی انگشتری در انگشت میانه کردی و در بند دویم از آن و گاهی در
انگشت مسبحه کردی که پهلوی انگشت بزرگست و در انگشتری ریسمانی بستی
که نزد اصحاب آمدی تا آن یاد کردی باشد و مهر بر کتابت کردی تا از تهمت
در امان باشد **در بیان نعلین آنحضرت** مرویست که نعلین پوشیدی بر مثال
کفش که میان آن باریک و پاشنه جسته و پنجه آن پهن بودی بدستوری
که در شام میدوزند و بسیار پوشیدی نعلین که در وموی نبودی و چون
ابتدا بپوشیدن نعلین فرمودی از پای راست ابتدا کردی و چون
از پای در آوردی ابتدا از پای چپ کردی و گاه امر فرمودی بپوشیدن
نعلین هر دو با هم و کندن هر دو با هم زیرا که مکروه میداشتی که یکی
پوشد و یکی نه و از مسح هر دو نوع پوشیدی **در بیان جامهٔ خواب**
روایتست که جامهٔ خواب آنحضرت تا محلی که از دنیا رحلت فرمود از پلاس بهای
وادی غری بود از پشم شتر پر کرده گویند درازی آن دو ذرع بود مانند

پهنای آن گزی و وجبی بود مرویست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
که جامهٔ خواب حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله از ابایی بود و متکای او پوستی
بود پر از لیف خرما شبی بران خواب کرد صباحش فرمود که مرا جامهٔ خواب از نماز
منع کرد فرمود تا از ایکتای کردند و جامهٔ خوابی داشت از پوست و پر از لیف خرما
و گویند که آنحضرت صلعم را فراش بود از ابایی تا از دنیا نقل فرمود و گاهی
دوته نیز کردی و بسیار بودی که از بالش از پوست میساخت پر از لیف
خرما و او را قطیفه بود فدکی که روی بران نهادی و بدان خشوع فرمودی
غالیچه داشت مصری و کوتاه ریشه و گلیمی نیز داشت از موی که بران نشستی
و گاهی بران نماز گذاردی **در بیان خواب** روایتست که حضرت رسول
خواب کردی بر روی حصیر که هیچ چیز در زیر آن نبود و چون ارادهٔ خواب
می نمود مسواک میکرد و چون بجامهٔ خواب رفتی بر جانب راست خوابیدی
و دست راست در زیر گونهٔ راست نهادی و فرمودی اَللّٰهُمَّ قِنِی
عَذَابَکَ یَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَکَ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰن درین باب
روایات مختلفه است از آنجمله آنست که چون بجای خواب رفتی فرمودی
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ مُعَافَاتِکَ مِنْ عُقُوبَتِکَ وَاَعُوذُ
بِرِضَاکَ مِنْ سَخَطِکَ وَاَعُوذُ بِکَ مِنْکَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی لَا اَسْتَطِیعُ
اَنْ اَبْلُغَ فِی الثَّنَاءِ عَلَیْکَ وَلَوْ حَرَصْتُ اَنْتَ کَمَا اَثْنَیْتَ

علی نفسك و در خواب کردن گفتی که بسم الله اموت واحیا
الی الله المصیر اللهم امن روعتی واستر عورتی وادّ عنی امانتی
و آیة الکرسی خواندی و فرمود که جبرئیل علیه السلام آمد و بمن گفت یا محمد
عفریتی از جن ترا کمین کرده که در وقت خواب بر تو ظفر یابد بر تو باد که آیة الکرسی
بخوانی در وقت خواب رفتن و در وقت بیدار شدن **روایت** از امام محمد باقر ع
که حضرت رسول صلعم هرگز از خواب برنخاستی الا آنکه حق سبحانه و تعالی سجده کردی
و روی نیاز بر زمین نهادی و دیگر گویند که آنحضرت خواب نکردی تا مسواک
بر بالای سر نهادی و چون از خواب بیدار شدی اول مسواک کردی
و فرمودی که مامور شدیم بمسواک کردن تا غایتی که ترسیدم که بر من
واجب گردانیده شده باشند و چون از خواب در آمدی گفتی الحمد لله
الذی احیانی بعد موتی ان ربی لغفور رحیم بعد از ان
فرمودی که اللهم انی اسألك خیر هذا الیوم ونوره
وهداه وبرکته وطهوره ومعافاته اللهم انی
اسألك خیره وخیر ما فیه واعوذ بك من شره وشر
ما بعده **در بیان مسواک** روایتست که آنحضرت هر شب سه کرت
مسواک نمودی یکنوبت پیش از خواب و یکنوبت در محل برخاستن از خواب
و یکنوبت پیش از آنکه بنماز صبح بیرون رود و بچوب اراک مسواک کردی و فرمودی

که جبرئیل علیه السلام مرا بن فرمودست **روایت** از امام جعفر ع که مکروه میداریم که مردی
بمیرد و سنتی از سنتهای رسول الله صلی الله علیه و آله را فرو گذاشته باشد

باب دویم در آداب پاکی و خوشبویی و سرمه کشیدن و روغن مالیدن
و مسواک کردن مشتمل بر سه فصل **فصل اول** در پاکی و خوشبویی
و آنچه در حکم آنست **روایت** از ابی عبدالله علیه السلام که امیر المومنین علیه السلام
که پاکی کنید از آب از بوی گنده که حق سبحانه و تعالی دشمن میدارد بندگان
ناپاک را و هم از آنحضرت مرویست که شستن جامه غم را میزداید و پاکست
از برای نماز و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که ای انس بسیار پاکی
جامه را که حق سبحانه و تعالی می افزاید در عمر پس اگر توانی چنان کن که شب و روز
با طهارت باشی که اگر با طهارت بمیری شهید مرده باشی و این در روضة الواعظین
مذکورست **روایت** از امام جعفر الصادق علیه السلام که هر که وضو بسازد
و اندام را خشک کند مرا ورا یک حسنه باشد و هر که وضو کند و خشک نکند
و بگذارد تا خود خشک شود سی حسنه در دیوان اعمال او بنویسند **روایت**
کند علی بن اسباط که شنیدم از ابی الحسن علیه السلام چهار چیزاست که از اخلاق
انبیاء علیهم السلام خوشبوی بودن و لباس و بدن پاک نگاه داشتن
و موی ستردن از جسد بنوره و نزدیکی بسیار بزن کردن **در بیان**
بوی خوش مرویست از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله که بوی خوش

دل را قوی میدارد و این در امالی طوسی مذکور است امام جعفر علیه السلام فرمود
که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد جمال نیکو و زینت و خوشبوی و مکروه میدارد
گرفتگی و ترش روئی و چرکنی را بدرستی که حق سبحانه و تعالی هرگاه نعمتی بر بنده انعام
نمود دوست میدارد که اثر آن نعمت بر آن نمایان باشد پرسیدند چگونه است
فرمود که پاک نگاه دارد جامه را و بوی خوش بکار برد و خانه را بعد از بنای محکم نیکو
گچ سفید کند و اطراف خانه را بجاروب بروبد و چراغ روشن کردن پیش از
فرو رفتن آفتاب منع فقر میکند و در روزی می افزاید ابو عبد الله ع فرمود که
چهار خصلت از سنتهای پیغمبرانست علیهم السلام مسواک کردن و حنا و بوی خوش
و نزدیکی با زنان و هم آنحضرت فرمود که هر روز جمعه بوی خوش بر خود کردی و اگر
نیافتی غالیه خود از زنان گرفتی و آب بر آن افشاندی و بر بدن مبارک خود مالیدی
مرویست هم ازو که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که قبول نکردم از دنیای شما
مگر زن و بوی خوش راوی فرمود که آنچه ببوی خوش صرف کنی اسراف نیست
دیگر فرمود که هرکه از شما ریحانی بدست آید باید که ببوید و بر چشم خود مالد
که آن از بهشت عنبر سرشت است ملک جهنی گوید که یکروز ریحانی بخدمت
امام جعفر ع آوردم بوسید و بر چشم مالید و فرمود که هرکه از ریاحین چیزی ببوید
و بر چشم گذارد و بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد نمیرد تا آنکه خدای تع او را بیامرزد
روایت از رسول الله صلعم که هرگاه برادر مسلمان ریحانی برای شما بیاورد رد مکنید

که او از بهشت

که او از بهشت آمده روایت کند امام رضا علیه السلام از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که بوی خوش و غسل و سواری تقویه است دیگر حضرت امام مذکور فرمود که معلوم بود
جای بود امام جعفر علیه السلام از بوی خوش و او نیز فرموده که بوی خوش از خصایل
پیغمبرانست دیگر امام جعفر ع فرمود که دو رکعت نماز گذاردن با بوی خوش
بهتر است از هفتاد رکعت نمازی که بی بوی خوش باشد دیگر فرمود که سه چیز
از خصلتهای نبوتست موی ستردن و بوی خوش بکار داشتن و بسیار مباشرت
با زنان روایت از امام جعفر علیه السلام که هرکه رد میکند بوی خوش را که آن کرامت است
عقلش نیست دیگر فرمود که شارب خوشبوی کردن از اخلاق انبیاء کرام است
دیگر از امام جعفر الصادق علیه السلام مرویست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
نافه مشک بود چون وضو گرفتی و دستها تر بودی او را بدست گرفتی معلوم
شدی که آن حضرت رسولست که بیرون آمده روایت کند امام رضا ع که امام زین العابدین
عطردانی بود از رصاص که در خانه او نخته بودی پس هرگاه که خواستی جامه پوشیدی
عطردان را گرفتی و از و مشک بیرون آوردی و در اعضا مالیدی مرویست
که امام رضا علیه السلام بعود هندی بسیار بخور کردی بعد از آن گلاب بر بدن
افشاندی و مشک بکار بردی و تمام این اخبار از مسموعات سید الناصح الدین
ابی برکاتست از امام جعفر الصادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که بر شما باد بر این عود هندی بدرستی که در و هفتاد صفاست

وخوشبوی ترین بویها مسکست و هم او فرموده که رسول صلی الله علیه و آله بوی خوش
بیش از طعام بکار بردی و حضرت رسول الله صلعم فرمود مر امیر المؤمنین علی ع را
که بر تو باد یا علی ببوی خوش در هر روز جمعه که از سنتهای منست و منسوبند
ثواب آنرا ما دام که آن بوی خاص از تو می آید و دیگر فرمود که سزاوار است
که مرد بکار برد هر روز یکبار و اگر نتواند در هر روز جمعه یکبار دیگر حضرت رسول الله صلعم
که هر زن که بوی خوش بکار برد و از خانه برون آید بلعنت باشد تا بار بخانه آید
روایتست از مرازم که با ابی الحسن علیه السلام بحمام رفتیم چون بجامه کن برون آمد
مجمر طلب کرد و بخور کرد و فرمود که از مجمر نصیب بگیرد مرویست از امام جعفر ع
که گفت سزاوارست که مرد بخور کند جامهای خود را روایتست که پسر زبیر
امام حسن علیه السلام را بولیمه طلبید که طعام عروسیست آنحضرت ابی فرمود از آن
جهت که روزه داشت پسر زبیر گفت تحفه برای تو بیاورم که لایق روزه دار باشد
آنحضرت قبول فرمود او بوی خوش و روغن آورد آنحضرت روغن را بمحاسن
مبارک مالید و جامها را ببوی خوش بخور کرد دیگر امام حسن علیه السلام فرمود که تحفهٔ
زن آنست که موی را شانه کند و بخور بکار برد روایتست از حضرت امام جعفر الصادق ع
که حضرت رسول الله صلعم فرمود که بوی خوش زنان آنست که رنگش ظاهر باشد
و بویش مخفی و بوی خوش مرد آنست که بویش ظاهر باشد و رنگش مخفی
در بیان گل و گلاب در کتاب طب ائمه علیهم السلام روایت کرده حسن بن هنید

که چون حضرت رسالت پناه بمعراج فرمود زمین از رفتن آنحضرت غمگین شد و گیا
برآورد و چون باز آمد خوشحال شد پس گل برآورد هر که خواهد که بوی پیغمبر صلعم
بشنود گل بوی کند و در حدیث دیگر وارد شده که چون آنحضرت بمعراج
فرمود عرق جسد مبارکش بر زمین چکید از وی گل سرخ بر رویید پس آنحضرت
فرمود که هر که خواهد بوی من بشنود گل سرخ ببوید انس روایت کرده
که رسول صلی الله علیه و آله فرمود در شب معراج گل سفید از عرق من مخلوق شد
و گل سرخ از عرق جبرئیل ع و گل زرد از عرق براق دیگر مرویست از آنحضرت
که گلاب آبرو را می افزاید و درویشی می برد شمالی از آنحضرت روایت کرده
که هر که گلاب را در روی مالد در آن روز بدی و درویشی به او نرسد
و هر که خواهد که گلاب بکار برد بر روی و دستها بمالد و بر پیغمبر و آل او صلوات
فرستد روایتست از امام حسن علیه السلام که پیغمبر صلعم گل را بهر دو دست نزد من
میریخت و میفرمود که این سید ریاحینست در دنیا و در آخرت در بیان
نرگس روایتست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که نرگس را فضایل بسیار
و ثواب بسیارست در بوییدن او و از روغن او مالیدن روایتست
که چون نمرودیان آتش افروختند از برای سوختن ابراهیم علیه السلام حق سبحانه و تعالی
بمحض قدرت خود آن آتش را بر خنک و سلامت گردانید و نرگس برویانید
پس اصل نرگس از آنست در بیان مرزنگوش انس مالک روایت کند که حضرت رسول الله صلعم

فرمود که بر شما باد ببویه داشتن مرزنکوش که بوییدن آن دماغ را بغایت نافع است
مرویست که اگر گلی یا ریحانی نزد آنحضرت آوردندی ببوییدی باز پس دادی
الا مرزنکوش پس آنرا انداختی روایت از امام موسی علیه السلام که رسول الله
فرمود که مرزنکوش نیکو ریحانیست رسته از ساق عرش و آب او شفای درد دیده است

فصل دویم در سرمه کشیدن و روغن مالیدن در کتاب من لایحضره الفقیه روایت کند از
امام محمد باقر علیه السلام که سرمه کشیدن مژه را میرویاند و نور باصره را
زیاده مینماید و یاری میکند در سجود و حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود
که اعرابی نزد رسول الله صلعم آمد قلب نام و چشمهای او تر بود حضرت فرمود
که ای قلب چشمهای ترا تر می بینم بر تو باد بسرمه کشیدن بدرستی که آن چراغ
چشمست دیگر فرمود که مسواک کردن بوی دهن را می برد و سرمه کشیدن
دیده را جلا میدهد مرویست از امام رضا علیه السلام که هرکه را ضعف بصر باشد
باید که هفت میل از سرمه بکشد چهار در چشم راست و سه در چشم چپ بدرستی
که آن مژه را میرویاند و دیده را جلا میدهد و فایده مند میگرداند و آب
دهن را خوش میسازد و اشک چشم را باز میدارد و دیده را روشنایی
میدهد و حق سبحانه و تعالی فایده میگرداند او را از آن سرمه کشیدن بعد از
سلیل دیگر فرمود که هرکه ایمان بخدا دارد باید که سرمه بکشد
و بر تو باد بسرمه کشیدن که در باه می افزاید دیگر فرمود که هرکه ضعف بصر بهم رسد کند

باید که وقت خواب کردن هفت میل سرمه بکشد که روشنایی دیده میدهد
از امام رضا علیه السلام مرویست که سرمه کشیدن شب بوی دهن را خوش میگرداند
و منفعت او باقی ماند چهل صباح دیگر فرمود که سرمه کشیدن در قوت جماع افزاید
و هم ازو مرویست که امام رضا علیه السلام که پیشتر سرمه کشیدن حضرت رسول الله صلعم
در شب بودی و در هر چشمی سه میل کشیدی و هم ازو روایتست که سرمه
کشیدن در وقت خواب امانست از نزول آب ابن فضایل گوید که حسن
بن جهیر میلی از آهن بمن داده که بدان سرمه کشیدی و من هم میکشم
یاسر خادم روایت میکند که یکی عرض کرد بخدمت امام رضا علیه السلام در
منزلش دوست نمیدارد زینت را فرمود که از خدا بترس و سرمه
بکش از دست مگذار روایت از رسول الله علیه و آله فرمود که هرکه سرمه
کشد باید که طاق بکشد که بغایت خوبست اگر چنین هم نکند باکی نیست
و هم مرویست از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که هرکه سرمه بکشد
طاق کشد و هرکه بخور کند طاق کند و هرکه استنجا کند طاق و هرکه استخاره
کند بحضرت عزت طاق کند و دیگر فرمود بر شما باد بسرمه کشیدن که
بوی دهن را خوش کند و بر شما باد که مسواک کردن بصر را جلا میدهد دیگر
فرمود که یا رسول الله صلی الله علیه و آله مسواک بلغم را میبرد و جلا میدهد دیده را
و چون سرمه میکشی بلغم را میبرد و دهن را خوش میکند و دعایی

که در محل سرمه کشیدن بخواند اللّهمّ انّی اسألک بحقّ محمّدٍ و آل محمّد
ان تصلّی علی محمّدٍ و آل محمّد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة
فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة
فی دینی و السعة فی رزقی و الشکر لک ابداً ما ابقیتنی

در بیان روغن مالیدن ابو جعفر بابویه روایت کند از امام رضا علیه السلام
که هرگاه روغن بر پشت مالیدی بگفتی اللّهمّ انّی اسألک الزین و الزینة
فی الدنیا و الآخرة و اعوذ بک من الشین و الشنار فی الدنیا
و الآخرة **دیگر** فرمود که روغن مالیدن نرم میکند بشره را و می افزاید در دماغ
و آسان میسازد راه آب را و میبرد خشکی را و روشن میکند رنگ را **دیگر**
فرمود که هر که روغن کاری میکند مسلمانی را بنویسد حق سبحانه و تعالی از برای او بعدد
هر موی نوری در روز قیامت و هم از او مرویست که روغن مالیدن سختی و تنگی
و اندوه را میبرد **دیگر** روغن بنفشه بهترین روغنهاست و رسول صلی الله علیه و آله
در وصایا فرموده مر امیر المؤمنین علیه السلام که ای علی تناول کن زیتون را
و روغن او را و بمال پس بدرستی که هر که بخورد زیتون را و بمالد روغن او را
تا چهل صباح شیطان نزدیک او نگردد **دیگر** حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
میفرماید که بکار برید روغن بنفشه را که آن سرد است در تابستان و گرم است
در زمستان و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که فضل بنفشه بر دیگر بویها چون

فصل

فضل منست بر سایر مردمان **دیگر** از او مرویست که روغن بمالید یکروز در میان
و طاق در چشمان سرمه بکشید

فصل سیم در مسواک کردن

در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده از رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که دائماً
جبرئیل میفرمود مرا بمسواک کردن تا آنکه ترسیدم که دندانهای من باریک
شود یا بریزد و همیشه وصیت میکرد برعایت همسایگان تا گمان بردم
که زود باشد که میراث برد و دائماً میفرمود مرا برعایت و خاطرجویی مملوک
که تا گمان بردم که زود باشد که بجهت او مدتی مقرر کرد که در آن مدت آزاد
شوند امام موسی کاظم علیه التحیة و الثنا فرمود که خوردن اشنان بدن را میگدازد
و مالیدن بسفال جسد را کهنه میسازد و مسواک کردن در خلا بوی دهن پیدا میکند
در روایت از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که مسواک کردن می افزاید در فصاحت
و دیگر فرمود که چون بروزه باشید بامداد مسواک کنید و در آخر روز
مسواک مکنید زیرا که هر روزه دار که لبان او خشک شده باشد
در آخر روز نوری از روی او تابان باشد در روز قیامت **دیگر** فرمود
که خوب چیزیست مسواک کردن بچوب زیتون که آن درخت مبارکیست
زایل میکند [illegible] دهن را و سستی دندانها را و آن مسواک منست و مسواک پیغمبران
که پیش از من بوده اند **دیگر** فرمود که چهار چیز است که سنت پیغمبران علیهم السلام است
ختنه کردن و بوی خوش بکار بردن و نکاح نمودن و مسواک کردن

امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که چهار چیز است که سنت انبیاست بوی خوش
و مسواک و حنا و نسا و روایت است که امام موسی علیه السلام فرمود که شیعهٔ ما را
ناچار است از چهار چیز سجاده از برگ خرما که نماز بران گذارند و انگشتری که
در دست راست کنند و مسواک نمایند و تسبیح از خاک قبر امام حسین علیه السلام
سازند که سی و چهار دانه باشد و دو عدد دیگر سی سی دانه که مجموع صد دانه شود
چون بذکر تسبیح نگردانند بنویسد حق سبحانه و تعالی بجهة هر دانه چهل حسنه
اگر آن را بسهو و عبث گردانند بنویسند برای او بیست حسنه و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله فرموده در وصایای حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که ای علی
بر تو باد بمسواک کردن نزد وضو چوا و نصف وضوست امام جعفر الصادق علیه السلام
فرمود که چون مردمان بدین اسلام در می آمدند گروه گروه از قبیلهٔ در جاهلیت
که دل ایشان تنگ تر بود و دهان ایشان پاک تر گفتند یا رسول الله تنگی دل
و پاکی دهان ایشان از چیست فرمود که ایشان مسواک میکرده اند در زمان
جاهلیت بدینی که داشته اند دیگر فرمود که هر چیزی را چیزی پاک میکند
پاک کنندهٔ دهان مسواک است امام محمد باقر علیه السلام فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله
بسیار مسواک میفرمود و واجب نیست پس حضرت برنیابد ترک آن را
در بعضی از ایام و باکی نیست مسواک کند در روزهٔ رمضان در هر وقت
روزه و نیز باکی نیست در محرم و مکروه است در حمام مسواک کردن که فاد

بذنت

بذنت امام محمد باقر و امام جعفر الصادق علیهم السلام که دو رکعت نماز بمسواک
بهتر است از هفتاد رکعت نماز بی مسواک دیگر امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ترک مکنید
مسواک را اگر چه هر سه روز یکبار باشد دیگر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سه مر را بطول
بکشید و مسواک را بعرض دیگر امام الصادق جعفر الصادق علیه السلام ترک فرمود
مسواک را پیش از شصت سالگی به دو سال بجهت ضعف دندان دیگر پرسید علی بن جعفر
از برادر خود امام موسی علیه السلام از مردی که از مسواک بانگشت میکرد هرگاه که برخیزد است
بنماز شب و حال آنکه قادر بود بمسواک کردن بچوب فرمود که هرگاه ترسد از بر
آمدن صبح باکی نیست و حضرت رسول الله صلعم اگر مشقت نمی بود بر امت
هر آینه امر میکردم ایشان را بمسواک کردن نزد وضوی هر نمازی مرویست که کعبه
شکایت کرد بسوی خدای تعالی به آنچه میرسد به او از نفسهای مشرکان پس حق سبحانه و تعالی
وحی فرستاد که روشن باد چشم تو ای کعبه که من اینها را ابدال میکنم بجهت تو
بقومی که پاک کرده باشند دهان را از شاخ کل درخت باریک پس
چون حق سبحانه و تعالی حضرت رسول الله را مبعوث گردانید جبرئیل علیه السلام مسواک و خلال را
آورد امام جعفر علیه السلام فرمود در مسواک کردن دوازده خصلت یکی آنکه سنت است
دیگر پاک کنندهٔ دهانست و روشن سازندهٔ دیده است و خشنود کنندهٔ رحمان است
و سفید سازندهٔ دندانست و برکنندهٔ میان آن و محکم کنندهٔ گوشت بن دندان
و اشتها آرندهٔ طعام و بلغم را میبرد و در حفظ می افزاید و مضاعف سازندهٔ

خشانة

وشاد شوند به او فرشتگان در جمیع اوقات روایت که حضرت امام رضا علیه السلام را
کیسه بود در وی پنج مسواک و بهر یک مسواک نام یک نماز نوشته بود از نمازهای پنجگانه
و در کتاب طب ائمة المعصومین علیهم السلام وارد است که مسواک کردن روشن
میسازد دیده را و میرویاند موی را و می برد اشک چشم را در وصایای
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین علی علیه السلام وارد یافته که ای علی بر تو باد
بمسواک کردن اگر توانایی داری چیزی از آن کم نکنی که هر نمازی که بمسواک
میگذاری فضیلت دارد بر نماز بی مسواک تا چهل روز روایت که حضرت امام جعفر علیه السلام
فرمود که جبرئیل ع از پیغمبر صلی الله علیه و آله نازل شد بخلال و مسواک و حجامت دیگر
حضرت رسول فرمود که پاک کنید راه قرآن را پرسیدند که یا رسول الله چه
چیز است راه قرآن فرمود دندانهای شماست گفتند بچه پاک سازیم فرمود بمسواک
دیگر فرمود که پاک سازید دندانها را که محل سر و تسبیحست روایت
از امیر المؤمنین علی علیه السلام که مسواک کردن موجب رضای الهیست و زنده سازنده
سنت رسالت پناهی و پاک سازنده دهن کماهی مرویست از ابی عبد الله
که مسواک کردن درشستن مورث بوی دهانست و او از منقولات امیر المؤمنین
علی علیه السلام که سه چیز بلغم را دفع میکند و در حفظ می افزاید مسواک کردن
و روزه داشتن و قرائت قرآن باب سیم در آداب حمام رفتن
و آنچه متعلق است بدان بر شش فصل مشتملست فصل اول در کیفیت حمام رفتن

در کتاب

در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده اند از محمد حمران که او روایت کرده از امام جعفر علیه السلام
که چون بحمام داخل شوی در وقت جامه کندن بگو اَللّٰهُمَّ انْزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ
النِّفَاقِ وَثَبِّتْنِي عَلَى الْإِيمَانِ وچون بخانه اول روی بگوی که
اَللّٰهُمَّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَاَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ اَذَاهُ وچون
بخانه دویم روی بگوی اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ النَّجِسَ وَطَهِّرْ جَسَدِي
وَقَلْبِي و فرا گیر از آب گرم و بریز بر میان سر و بر پای خود و اگر
تواند جرعه بیاشامد که مثانه را پاک میسازد بعد از ان در خانه دویم
در زمانی که چون در آیی بخانه سیم بگو نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ وَ
نَسْاَلُهُ الْجَنَّةَ واینها عاتمرا میکنی تا وقت بیرون آمدن از حمام باید که حذر
کنی از آب سرد خوردن و فقاع که ایشان معده را فاسد میسازند و آب خنک
بر خود مریز که آن موجب ضعف بدنست و بریز آب سرد را بر قدمهای خود وقتی
که بیرون آمدی که آن درد را از بدن تو بیرون میکشد چون جامه پوشیدی
بگو اَللّٰهُمَّ اَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى هرگاه که اینچنین کردی ایمن شدی
از هر دردی و باکی نیست از خوندن قرآن در حمام ما دام که مقصود به آن آواز
خوش نباشد هرگاه بر تو از ار باشد محمد بن مسلم پرسید از امام محمد باقر علیه السلام
که امیر المؤمنین علی علیه السلام نهی میفرمود خواندن قرآن در حمام فرمود برانکه لنگ حمام نبندد
علی بن یقطین پرسید از امام موسی علیه السلام که قرآن در حمام میتوان خواند و نکاح میتوان کرد

فرمود باکی نیست وحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود که حمام نیک جاییست که دوزخ را
بیاد آدم می آورد و چرک بدن را میبرد دیگر گفت بدخانه ایست که کشف عورت
میکند وحیا می برد امام جعفر علیه السلام فرمود که بدخانه ایست حمام که ستر عورت
می نماید وکشف عورت می نماید و دیگر گفت خوب خانه ایست حمام که گرمی آتش دوزخ را
بیاد اینکس میدهد واز آداب حمام یکی آنست که مرد فرزند خود را بحمام نبرد که نظر
بر عورت او کند وحضرت رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که هرکه ایمان بخدا
وروز قیامت دارد باید که حلیله خود را نفرستد بحمام دیگر فرمود که منع میکنم
زنان امت خود را از رفتن حمام امام موسی ع فرمود که مروید نهار بحمام تا طعام
نخورید وابی عبدالله ع فرمود که مروید بحمام مگر در اندرون شما چیزی از طعام باشد
تا حرارت معده شما را فرونشاند و بدن را تقویت کند و در وقتی که شکم شما پر از
طعام باشد بحمام مروید و فرمود که باکی نیست مرد را قرآن خواندن در حمام هرگاه
قصد رضای الهی باشد نه خوش خوانی ابو یعفور گوید پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام
که آیا مرد برهنه میتواند شد وقت ریختن آب که کشف عورت کند یا بر نیزند بروی آب
یا او ببیند عورت مرد ما نزا فرمود که پدرم مکروه میداشت هر یک از اینها را
ابی عبدالله ع فرمود که بر پشت نخوابید در حمام که پیه گرده میگدازد و بعضی روایت
کرده اند از امام جعفر ع که چون از حمام بیرون می رفت عمامه می بست و میفرمود که
عمامه را ترک نکردم وقت بیرون آمدن از حمام نه زمستان و نه تابستان و امام موسی ع

فرمود که بحم

فرمود که بحمام یکروز باید رفت دیگر روز نه که هر روز پیه را میگدازد و بنوبت گوشت را
زیاده میکند امام رضا ع فرمود که کسی که پای شوید بعد از بیرون آمدن از حمام غم
نیست واگر نشوید نیز باکی نیست منقولست که روزی امام حسن ع از حمام بیرون آمد مردی
گفت طاب استحمامک یعنی در زیاد حمام شما حضرت فرمود که این چیست که میگویی
گفت فطاب حمامک یعنی خوش باد حمام تو باز آنحضرت فرمود که هرگاه خوش باد
حمام من پس راحت بدن چیست باز آنمرد فرمود که فطاب حمیمک یعنی خوش
باد عرق تو ویحک آیا ندانست که حمیم عرق گفت پس چه گویم فرمود که بگو
طَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ وَطَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ یعنی خوش باد آنچه پاک گشت از تو
وپاک باد آنچه خوش گشت از تو امام جعفر علیه السلام فرمود که چون کسی در وقتی که
از حمام بیرون آید گفت طاب حمامک بگو در جواب او انعم الله بالک حضرت
رسول الله صلعم فرمود که درد بر سه گونه است ودوا بر سه گونه درد یا
بجهت غلبه خونست یا از کثرت صفرا یا از کثرت بلغم پس دوای خون حجامت
ودوای بلغم حمام ودوای صفرا تردد و حرکت امام جعفر الصادق علیه السلام
فرمود که سه چیز بدن را فربه میسازد وسه چیز لاغر آنچه بدن را فربه میکند
بسیار بحمام رفتنست وبوی خوش استعمال کردن ولباس نرم پوشیدن
اما آن سه چیز که لاغر میسازد بدن را تخم مرغ بسیار خوردنست وماهی
خوردن وبسیار بحمام رفتن هر روزه امام محمد باقر علیه السلام فرمود

که آب حمام را باکی نیست مگر آنکه او را ماده باشد داود بن سرحان گوید که
من از حضرت امام صادق جعفر الصادق علیه السلام پرسیدم که چه میفرمایی در آب حمام
فرمود که او بمنزلهٔ آب جاری است محمد بن مسلم گوید که من پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام
که در آب حمام جنب و غیر جنب غسل میکنند فرمود که نیکوست و باکی نیست
چون غسل کردی و بیرون آمدی هر دو پای خود را بشوی اگر بخاک آلوده باشد
زراره گوید که امام محمد باقر علیه السلام را دیدم که از حمام آمد و ندیدم که پای
شسته باشد امام جعفر علیه السلام میفرمود که پای بشویید چون از حمام بیرون می آیید
که درد شقیقه را تسکین میدهد و چون بیرون آیید عمامه ببندید محمد بن موسی
گوید که امام محمد باقر و امام جعفر الصادق علیه السلام از حمام میفرمودند و میگفتند
که هرگاه یکی از شما بحمام رود و حرارت بر و غالب شود آب سرد را بر خود ریزد
که حرارت را تسکین میدهد منقولست از امام رضا علیه السلام فرمود که ناخن بگیرید
در روز سه شنبه و حجامت کنید در روز چهارشنبه و بحمام روید در پنجشنبه
و بوی خوش بکار برید در جمعه **فصل دویم در پوشیدن** در کتاب من لا یحضره الفقیه
آورده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ایمان بخدای تعالی دارد
و بروز قیامت باید نرود در آب مگر به ازار بدرستی که جماعتی را از فرشتگان
بر آب گماشته اند پرسیدند از ابی عبدالله علیه السلام از غسل کردن بی ازار
فرمود چون او را کسی نبیند رواست و فرمود که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

منع مینمود از فرو رفتن در آب بی لنگ زیرا که شیطان نظر میکند در حال
برهنگی و طمع می نماید در او پس بپوشانید از و **مرویست** که سعد بن عبدالملک
از امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرسید که چونست که کسی بحمام رود با زنان و کنیزان خود
فرمود که باکی نیست هرگاه که بر ایشان ازار باشد و برهنه نباشند همچنان
رواست از امام جعفر علیه السلام که بغایت بد است نظر کردن بعورت مسلمانان و انکه
نه مسلمانانست مثل نظر کردن بعورت حمار و دیگر فرمود باید که نظر نکنند بعورت
برادر خود پس هرگاه بر و پوشش باشد پس بر و چیزی نیست **دیگر** فرمود که ران
عورت نیست حذیفه بن منصور گوید مر ابی عبدالله علیه السلام را که مردمان میگویند
که عورت مؤمن بر مؤمن حرام است گفت نیست همین که بران رفته اند و بس
ما که اگر از و بفرش یا چیزی که او را بدان عیب کنند آنرا بپوشانند و فاش نکنند
که مبادا روزی آنرا سرزنش کنند او را **فصل سیم در مالیدن سفال و روغن و غیران**
در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده از امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در حمام پشت
نخارید که پیه کرده را می گدازد و پای خود را بسفال نمالید که جذام می آورد
و گویند که آن گل مصر و سفال شام است **دیگر** امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که سفال
بپای خود مزنید که برص می آورد و روی را بجامهٔ حمام پاک مسازید که آب رو
می برد و امام رضا علیه السلام فرمود که در حمام روغن زیت و سپوس بر بدن
مالیدن رواست و چیزی که فایده به بدن میرساند اسراف نیست اسراف

تلف مالست در چیزی که مضرّت ببدن رساند امام جعفر علیه السّلام فرمود که بوی
خوش بکار داشتن دواست و دایم بکار داشتن سنّت نیست و دیدن
اثر او براو و همچنین از امام رضا علیه السّلام پرسیدند که در حمام بعد از
نوره روغن بر بدن مالیدن رواست و اسراف نیست فرمود که آنچه در صلاح بدنست
اسراف نیست و تلف مال که ضرر ببدن رساند اسرافست ⟨⟩ اصحاب از وی
پرسیدند که یابن رسول الله اقتصاد چیست فرمود نان با نمک خوردن
که توانایی بغیر آن داشته باشد و گفت اقتصاد یعنی میانه روی فرمود که نان با شیر
وگوشت یکبار و با روغن زیت یکبار فصل چهارم در تراشیدن موی سر
و ازاله آن از باقی اعضا در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده اند که پیغمبر صلّی الله علیه و آله
فرمود مردی را که سر تراش که آن در جمال تو می افزاید امام جعفر الصادق علیه السّلام
فرمود که تراشیدن سر در غیر حج و عمره مثله است برای دشمنان شما و جمالست
از برای شما و هم او روایت کند که متراشید سر کودکان را بر وجهی که بعضی را
تراشید و بعضی را بگذارید دیگر فرمود که کودکی را بخدمت حضرت پیغمبر صلّی الله
علیه و آله آوردند که برای او دعا کند بر سر او کاکل بود دعا نکرد تا سر او را
تراشیدند دیگر آنحضرت امر فرمود بتراشیدن موی شکم مرویست
که رسول صلّی الله علیه و آله ختنه و سر تراشیدن امامین حسن و حسین علیهما السلام نمود
و بقدر موی سر ایشان تصدق نمود و عقیقه فرمود و قابله را از آن گوشت

داد و فرمود که چون سر تراشید از طرف پیشانی بنیاد کنید و این دعا بخوانید
بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى سُنَّةِ رَسُولِ اللهِ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي
بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ چون فارغ شوند بگویند اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي
بِالتَّقْوٰى وَجَنِّبْنِي الرَّدٰى امام جعفر الصادق علیه السّلام فرمود که پاکی نمایید
در موی هفت روز بنوره یا در پانزده روز پرسیدند هم از آنحضرت از
درازی موی فرمود که اصحاب رسول الله سر میتراشیدند پیش از آنکه دراز شود
دیگر فرمود که موی بینی بکنید که در نیکویی روی می افزاید دیگر فرمود که حضرت
رسول الله صلّی الله علیه و آله فرموده که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی
زهار را زیاده از چهل روز نگذارد و زنی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
حلال نیست که موی زهار بگذارد زیاده از بیست روز ⟨⟩ امام جعفر الصادق علیه السّلام
فرمود که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد که موی زهار زیاده از یک هفته
نگذارد و هر یکماه یکبار نوره بکشد و هر که زیاده از ین بگذارد نمازش رد
و حضرت رسول الله صلّی الله علیه و آله فرمود که مرد و زن باید که بتراشند موی شکم را
از امام جعفر الصادق علیه السّلام مرویست که حق سبحانه و تعالی امر فرمود بابراهیم
که پاکی کن پس او زهار را تراشید دیگر فرمود که بنوره زایل نمایید بغل را
در حمام که کندن آن دوشها را ضعیف می سازد و ضعف بصر می آورد
دیگر فرمود که موی بغل را تراشیدن بهتر است از کندن و نوره نهادن بهتر است

از تراشیدن و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که ازاله کردن موی بغل بوی بد را
می برد و آن پاکیست و سنت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت رسول صلعم
فرمود که موی بغل را دراز مگذارید که شیطان در وی پنهان میشود و جنب کسی
نیست که نوره گذارد زیرا که نوره در پاکی می افزاید امام جعفر الصادق علیه السلام
فرمود که زمان ما بین نوح و ابراهیم هزار سال بود و شریعت ابراهیم مدارش
بتوحید و اخلاص بود و از بت پرستی منع مینمود و آن فطرت درست بود
که بران فطرت خلایق مخلوق شده بودند و بر همان گرفته بودند که غیر معبود بحق را
نپرستیدندی و بوی شرک نیاوردندی و امر فرمود بمعروف و نماز و نهی
از منکر و حکم نبود بروی احکام فرض مواریث و زیاده فرموده بود او را
در سنن حنیفه که آن ختنه کردنست و موی سبلت گرفتن و موی بغل زایل
کردن و ناخن چیدن و موی زهار تراشیدن و امر فرموده بود او را به بنای خانه
کعبه و مناسک حج پس اینها همه شریعت او بود دیگر از منقولات که حق تعالی
امر فرمود به ابراهیم علیه السلام که پاکی کن پس گرفت موی سبلت را دیگر
فرمود که پاکی کن بعد از آن گرفت موی بغل را باز فرمود که پاکی کن ناخن چید
دیگر فرمود پاکی ورز پس موی زهار را تراشید باز فرمود که پاکی ورز
پس ختنه کرد فصل پنجم در آنکه به آب خطمی در سر گذاشتن در کتاب من لا یحضره الفقیه
آورده اند که حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که شستن سر به آب خطمی در

هر روز جمعه امانست از جذام و برص و روزی می افزاید و در خبر دیگر وارد است
که شستن سر به آب خطمی فرح می آورد و حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که
شستن سر بخطمی چرک را می برد و آلودگی را دفع میکند روایت است که رسول الله صلعم
غمگین بود جبرئیل علیه السلام فرمود که سر را برگ کنار بشوی که سدر از سدرة المنتهی است
امام موسی علیه السلام فرمود که شستن سر به آب سدر میکشاید روزی را امام
جعفر علیه السلام فرمود که بشوئید سرهای خود را برگ سدر که بپاکی یاد کرده
او را هر ملک مقرب و نبی مرسل هر که خود را بشوید برگ سدر حق سبحانه و تعالی
بگرداند هفتاد روز وسوسه شیطان را و هر که دفع کند وسوسه شیطان را نافرمانی
نکند به بهشت داخل شود دیگر از و مرویست که هر که سبلت را بگیرد و ناخن
بچیند و سر را بخطمی بشوید در روز جمعه حکم آن دارد که بنده آزاد کرده باشد
جابر جعفی گوید که با امام محمد باقر علیه السلام شکایت کردم از خارش سر فرمود
که آب مورد کوفته بگیر و در سرکه تند بریز و نیکو بر هم زن بضرب هرچه تمامتر
تا کف بر آورد بعد از آن سر و محاسن خود را بدان بشوی بهر قوتی که داری بعد
از آن بمال روغن کنجد فصل ششم در نوره نهادن در کتاب من لا یحضره الفقیه
آورده اند که امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که هر که خواهد نوره بنهد فرا
گیرد نوره را و نزدیک بینی برد و بگوید اللّهم ارحم سلیمان بن داود
علیهما السلام کما امرنا بالنوره نوره او را نسوزاند ان شاء الله مرویست

فتق

کههرکه بنشیند ودران حال که نوره نهاده باشد ترسیده باشد از وباد
حکم بن عمن گوید دیدم امام محمد باقر علیه السلام را که بر ناخنهای خود حنا مینهاد
فرمود ای حکم چه میگویی درین گفتم چه گویم اما نزد ما جوانان این کار میکنند
فرمود ای حکم هرگاه کسی نوره نهاد ناخنهای او متغیر میشود بر نسبت مردگان
باکی نیست اگر تغییر کند بحنا تا آن رنگ برگردد حضرت پیغمبر صلی الله علیه واله
فرمود که هرکه خضاب حق سبحانه وتعالی او را ایمن میگرداند از جذام و برص
واکله وامیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که روز چهارشنبه نوره منهید که نحس مستمر است
روایت از امام رضا علیه السلام که هرکه روز جمعه نوره گذارد و برص مبتلا شود
باید که ملامت نکند الا خود را امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که حنا نهادن بر
اثر نوره امانت از جذام و برص دیگر رسول صلعم فرمود که پنج چیز است که برص
پیدا میکند نوره نهادن در روز جمعه و چهارشنبه و وضو وغسل کردن به آبی
که به آفتاب گرم شده باشد و در جنابت چیزی خوردن و نزدیکی کردن با زن در
حالت حیض و بی اشتها طعام خوردن روایت که هرکه نهد بعد از آن حنا
بر تمام بدن بماند حق تعالی درویشی را ببرد **باب چهارم** در آداب ناخن چیدن
و بروت گرفتن و سر شانه نمودن و اصلاح محاسن نمودن و در آینه نگریستن
و حجامت کردن و بر چهار فصل مشتملست **فصل اول** سلیمان بن خالد
گوید که گفتم مر ابی عبدالله علیه السلام که ناخن چینم در هر روز جمعه فرمود که بلی گرد از

موسی بن بکر گوید که گفتم مر امام رضا علیه السلام را که اصحاب ما میگویند که گرفتن
بروت وناخن روز جمعه سنت است فرمود سبحان الله بگیر هر روز که خواهی از
جمعه وغیر آن از سایر ایام روایت از جعفر الصادق علیه السلام که ناخن چیدن
و بروت گرفتن و سر بخطمی شستن درویشی ببرد و در روزی می افزاید دیگر
او از پیغمبر صلی الله علیه واله روایت میکند که هر روز جمعه ناخن بچیند حق سبحانه وتعالی درد
از ناخنها بیرون برد و شفا در آورد دیگر فرمود که ناخن چیدن و بروت گرفتن
در روز جمعه امانست از جذام تا جمعه دیگر ومردی گفت که گفتم مر عبدالله بن حسن را
که تعلیم کن مرا دعایی در طلب کردن رزق گفت بگو اللهم تولّ امری
ولا تولّ غیرک پس اعلام کردم باین امام جعفر الصادق ع را فرمود که من ترا
تعلیم کنم ترا در رزق بر چیزی که فایده تر باشد ازین گفتم بفرما فرمود که بروت
وناخن خود بگیر در روز جمعه روایت از ابا عبدالله علیه السلام که رسول صلی الله علیه واله
فرمود که هرکه بچیند ناخن خود را در روز پنجشنبه و شنبه و بروت خود را بگیرد
ایمن شود از درد دندان و از درد چشم خلف گوید که امام رضا ع مرا دید که درد
چشم داشتم فرمود که آیا دلالت کنم بر چیزی که چون آن را بجای آوری
درد چشم نکشی گفتم بلی یا ابن رسول الله فرمود که بچین ناخن خود را در روز
پنجشنبه چنین کردم دیگر درد چشم نکشیدم دیگر امام محمد باقر علیه السلام فرمود
که کسی که در روز جمعه ناخن بچیند و بروت بگیرد و در حال چیدن بگوید

بسم الله وبالله علی سنة محمد وآله حق سبحانه وتعالی بهر تار مویی ازان
او را ثواب آزاد کردن بنده کرامت کند و بیماری نکشد مگر بیماری که
دران وفات یابد روایت از امام جعفر الصادق ع میفرمود مردان را
که بچینند ناخنهای خود را و میفرمود زنان را که بگذارید که زینت دهنده است
شما را و رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که روز شنبه و پنجشنبه ناخن و بروت را
بچیند از درد چشم و دندان محفوظ ماند و امام محمد باقر ع فرمود که ناخن چیدن در
روز جمعه بنیاد کنید از انگشتان کوچک و تمام کنید به انگشت دست راست و سنت است
که ناخن و موی را چون گرفتی در خاک دفن کن امام زین العابدین علیه السلام
هرگاه که در منا سر میتراشید میفرمود تا موی او را دفن میکردند

فصل دویم در بروت گرفتن و اصلاح محاسن نمودن و در آینه نگریستن
وانچه تعلق دارد در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده اند که امام جعفر الصادق ع
فرمود در گرفتن بروت از جمعه بجمعه امانست از مرض جذام پیغمبر صلی الله علیه وآله
فرمود که بروت را دراز مکنید که شیطان دران جای میکند و پنهان میگردد
و هر کس که بروت نچیند از ما نیست دیگر فرمود که بروتها را بچینید
و محاسن را کوتاه کنید و مانند مشوید بیهود فرمود که مجوس ریش را می‌کنند
و بروت را دراز می‌کنند و ما بروت را میگیریم و ریش را تا قبضه و آن
فطرتست و چون بروت بچینند بگویند که بسم الله وبالله و علی ملة رسول الله ص

سکونی روایت کند که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که از سنت است بروت تا لب بریدن
امام جعفر ع فرمود که محاسن هر که از قبضه بیشتر باشد در آتش است و فرمود سبکینی
ریش سعادتست دیگر فرمود که عقل مرد را توان بسه چیز معلوم کرد درازی ریش
و انگشتری و کنیت روایت که روزی پیغمبر صلی الله علیه وآله نظر کرد بمردی دراز ریش
فرمود که چرا اصلاح نمیکنی آن شخص رفت و اصلاح کرد و باز آمد آنحضرت چون او را
بدید فرمود چنین کنید محمد بن مسلم گوید که دیدم امام محمد باقر ع را که چیزی
از محاسن خود گرفته فرمود که مدور سازید محاسن خود را امام جعفر الصادق علیه السلام
محاسن مبارک خود را بدست گرفته بود و انچه از یکقبضه زیاده تر بود
میچید علی بن جعفر گوید که پرسیدم از برادرم امام موسی علیه السلام از مردی
که محاسن خود چیده بود فرمود که انکه از هر دو عارض گرفته باکی نیست
سدیر گفت دیدم امام محمد باقر ع را که گرفته بود از هر دو عارض خود بلکه
از زیر محاسن نیز امام جعفر الصادق ع فرمود که مردی آمد بخدمت حضرت
پیغمبر صلی الله علیه وآله که موی سفید در ریش او بود حضرت فرمود که هر کس پیر شود
در اسلام او را نوری بود در روز قیامت امام محمد باقر ع فرمود
که بامداد نظر کرد ابراهیم پیغمبر علیه السلام در آینه در محاسن خود موی سفیدی دید
فرمود سپاس مر خدای را که مرا رسانید باین سن و یکچشم زدن در عصیانی
و نافرمانی نسبت بحق جل علا واقع نشد دیگر امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود

که چون ابراهیم موی سفید در محاسن خود دید فرمود ای پروردگار من این چیز است
فرمود که این وقار است گفت بار خدایا زیاده گردان وقار مرا روایت از ابی عبد الله
که باکی نیست چیدن و کندن موی سفید از محاسن اما چیدن از کندن بهتر است
پیغمبر صلعم نهی فرمود از آنکه ریش را دو بار شانه کند روزی آنحضرت ریش را شانه میکرد
به آب در کتاب نجات آورده که هر که خواهد که در آینه نگرد باید که آینه را بدست
چپ گیرد و بگوید بسم الله و نهد دست راست خود را بر فرق سر خود بکشد
و بر روی خود فرود آرد و محاسن را بگیرد و نظر در آینه کند و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی خَلَقَنِی بَشَراً سَوِیّاً وَزَانَنِی وَلَمْ یَشِنِّی وَفَضَّلَنِی عَلٰی کَثِیرٍ
مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِیلاً وَمَنَّ عَلَیَّ بِالْاِسْلَامِ وَرَضِیَهُ لِی دِیناً
و چون آینه را از دست بنهد بگوید اَللّٰهُمَّ لَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا
مِنْ نِعْمَتِکَ وَاجْعَلْنَا لِاَنْعُمِکَ مِنَ الشَّاکِرِینَ رسول صلی الله علیه و آله
فرموده در وصایای امیر که یا علی چون در آینه نظر کنی بگو اَللّٰهُمَّ کَمَا
حَسَّنْتَ خَلْقِی امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
خَلَقَنِی فَاَحْسَنَ خَلْقِی وَصَوَّرَنِی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ زَانَ مِنِّی مَا شَانَ
مِنْ غَیْرِی وَاَکْرَمَنِی بِالْاِسْلَامِ **فصل سیم در شانه کردن موی**
در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که از امام جعفر الصادق علیه السلام پرسیدند از قول حق تعالی
که خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ مراد از شانه ریش است نزد هر نمازی

دیگر فرمود که شانه کردن امان است از علتهای بد و در روزی می افزاید و موی را
نیکو میسازد و حاجت را بر می آورد و پشت را قایم میگرداند و دفع بلغم میکند
و فرمود که موی شانه کردن دفع وبا میکند و ریش را شانه کردن دندانرا قایم
میسازد امام موسی علیه السلام فرمود چون موی سر و ریش را شانه کنید شانه را
بر سینه بمالید که دفع وبا و بلغم میکند امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که هر که
هفتاد نوبت ریش را شانه کند و یک یک بشمارد چهل روز شیطان نزدیک
وی نرود در روضة الواعظین آورده که رسول الله صلی الله علیه و آله محاسن مبارک را
از زیر چهل نوبت و از بالا هفت نوبت و میفرمود که در ذهن می افزاید
و بلغم را می برد امام موسی علیه السلام فرمود که بعاج شانه کنید که وبا را دفع میکند
امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که شانه و روغندان و سرمه دان از عاج باشد
و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که موی نیکو از کسوت حضرت عزت است
بس گرامی دارید آنرا امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که کسی که ریش برآرد باید که
نیکو تربیت نماید تا کوتاه کند حضرت رسول الله صلعم فرمود که شخصی که ایستاده
ریش را شانه کند بیلای قرض گرفتار شود دیگر فرمود که در حمام ریش را شانه نکنید
که موی تنک میشود دیگر فرمود که هر که موی ریش را شانه بکشد درد
از و برود دیگر فرمود که سر را بروغن چرب کردن تنگی را زایل میگرداند
دیگر فرمود که هر که موی سر را وا فرساند و فرق نکند حق سبحانه و تعالی

از ابره اره آتشین فرق کند و موی رسول الله صلعم در کثرت بحد فرق نمی رسید
که فرق باید کرد قاسم ولید گوید که من از ابی عبدالله پرسیدم که شانه و جای
روغن از استخوان فیل میتواند بود فرمود که بلی لیکن مکروهست از نقره باشد
سوال کردند از ظرف طلا و نقره و در و روغن فرمود که روا نیست
گفتند بعضی روایت میکنند از امام حسن علیه السلام را آینه بود که بنقره پوشیده
بودند فرمود که بلکه حلقه آن از نقره بود امام محمد تقی و امام حسن عسکری علیهما السلام
که سر را شانه کنید بعاج که موی را می رویاند و کرم از دماغ میبرد و صفرا
می نشاند و بن دندان را محکم می کند امام موسی ع فرمود که بپای ایستادن
و شانه کردن موجب ضعف دلست و نشستن موجب قوت نعم صل الله علیه و آله
که ریش را شانه کردن از عقب هر وضو درویشی را میبرد روایتست از امام جعفر ع
که هر که از شما خواهد که سر را شانه کند بنشیند و شانه را بدست راست گیرد و بجلد
و نهد بر فرق سر و بگوید در محل شانه کردن اللهم حسن شعری و بشری وطیبهما
واصرف عنی الوباء بعد از آن سر را شانه کند و بگوید اللهم لا
تردنی علی عقبی واصرف عنی کید الشیطان ولا تمکنه
من قیادی فیردنی علی عقبی بعد از آن هر دو ابرو را شانه کند و بگوید
اللهم زینی بزینة الهدی بعد از آن موی ریش را از بالا شانه کند
بعد از آنکه از زیر ببالا شانه کرده باشد در هر دو حالت بگوید اللهم

سرح

سرح عنی الغموم والهموم ووحشة الصدور ووسوسة الشیطان
بعد از آن انا انزلنا بخواند و در روایت وارد شده از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام
که سر شانه کردن بلغم را دفع میکند و شانه کردن ابروان جذام را زایل میگرداند
و از آن هر دو عارض دندان را محکم میسازد و پرسیدند از و تراشیدن سر را
فرمود بسیار نیکوست **فصل چهارم در حجامت کردن** امام جعفر الصادق علیه السلام
فرمود که خون از نشانهاست پیدا شدن دانه در جسد و خارش و چیزی مانند
مورچه در بدن دویدن و در حدیث دیگر آورده که آوردن خوابست و هرگاه
و آنحضرت هرگاه مباشرت غسل کردی بجهه به اهل خانه فرمودی که نظر کنید در روی من
پس اگر زرد بینند آن از غلبه صفراست پس فرمودی با بیاشامد و اگر رنگ
او سرخ است از غلبه خون است حجامت می باید امیر المؤمنین علی ع
روایت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله کرده که حجامت کنید
چون خون غلبه کند انکس را بکشد **روایت** کرده انصاری از امام رضا ع
که بسا وقتی که خون مضرت رساند در دل شب حجامت کنید امام جعفر ع فرمود که
روزه دار غیر ماه رمضان هرگاه حجامت میکند باکی نیست اما در ماه رمضان
خون بیرون نکند اگر مقدار سر سوزن باشد و دیگر فرمود که حجامتها در ماه رمضان
در شبست و در غیر آن در روز یکشنبه و حجامت موالیان ما در روز دوشنبه است
و دیگر فرمود که ناشتا حجامت نکنید و دیگر فرمود که بحمام مروید در وقتی

که شکم شما پر از طعام باشد و تا چیزی نخورید اندکی حجامت مکنید که آن
روان تر است از برای عروق و آسان تر از برای خون و قوت دهنده از
برای بدن روایت کرده امام موسی علیه السلام که حجامت بعد از چیزی خوردن بهتر است
زیرا که چون چیزی خوردی و حجامت نمودی جمع میشود خون و بیرون می آید
والا نهار جمع میشود درد و خون بیرون می آید و درد می ماند زید شحام گوید
که من در خدمت ابی عبد الله علیه السلام بودم پس حجام طلب نمود و مجمجه را
شست و بر محل حجامت گذاشت یکمن رتینا ول نمود و چون فارغ شد انار
دیگر طلب نمود و بخورد که صفرا را می نشاند روایت که آنحضرت فرمود
یکی از اصحاب خود را که چون خواهی که حجامت کنی و خون بیرون آید از مجمجه
پس بگو پیش از فارغ شدن و در محل حجامت روان گشتن خون بگو
بسم الله الرحمن الرحیم أعوذ بالله الکریم فی حجامتی
هذه من العین فی الدم ومن کل سوء و باز فرمود هر گاه این
جمع کرده ضرر از برای که حق سبحانه و تعالی در کتاب خود آورده ولو
کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر وما مسنی
السوء ابو نصر گوید که پرسیدم از امام محمد باقر علیه السلام که چه چیز
باید خورد بعد از حجامت فرمود که کاشنی و سرکه مرویست که چون
ابی عبد الله علیه السلام حجامت مینمود بجاریه خود میگفت که قند با از نبات

جزما

چیزی می آورد و میفرمود که شکر خوردن بعد از حجامت خون تازه را بعروق تازه
می برد و در قوت می افزاید روایت از امام موسی علیه السلام که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود از شما هر که خواهد حجامت کند باید در روز شنبه حجامت کند و امام جعفر علیه السلام
فرمود که حجامت در روز یکشنبه شفاست از هر دردی و هم از آنحضرت
روایت که گذشت بر قومی که حجامت میکردند فرمود که چه میشد اگر تاخیر میکردید
تا آخر روز یکشنبه تا آن درد را از بدن شما می برد روایت از رسول صلی الله علیه و آله
میفرماید که حجامت در روز شنبه بعد عصر ابو سعید خدری گوید که رسول الله صلی الله
فرمود که حجامت روز سه شنبه هفدهم ماه یا نوزدهم یا بیست یکم ماه موجب
شفاست از دردهای تمام سال زید بن علی روایت کند از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که رسول الله صلعم فرمود که هر که روز چهارشنبه حجامت کند عارض شود او را
برص پس ملامت نکند نفس خود را دیگر از امام جعفر الصادق علیه السلام روایت
که هر که حجامت کند در آخر روز پنجشنبه آخر ماه درد را از بدن او تمام بیرون
کشد دیگر فرمود که خون جمع میشود در موضع حجامت در روز پنجشنبه
پس چون زوال آفتاب شد متفرق میشود پس بگیر بهره خود را از حجامت
پیش از زوال و نهی مینمود از حجامت کردن در شب روز جمعه و میفرمود
آیة الکرسی بخوانید در وقتی که خواهید حجامت کنید امام موسی علیه السلام
فرمود که حجامت را از دست مگذارید در هفتم حزیران ماه

رومی پس اگر آن فوت شود چهاردهم آن ماه و از امام جعفر الصادق ع روایتست
که رسول صلعم حجامت میفرمود در سر و زیر هر دو شانه و قفای خود و اول را
اجمه گویند دویم را مغیث و سیم را منقذه امام جعفر الصادق علیه السلام
فرمود که کودک چون چار ماهه شد در هر ماهی یکبار حجامت کنید که لعاب
دهان را کم میکند و ماده را از سر فرو می آورد و بدن را پاک میگرداند
معاویه بن حکیم گوید که امام محمد باقر علیه السلام فصاد را طلب نمود و از شکم
خود فصد نمود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل چندان بحجامت
وصیت کرد که گمان بردم که واجبست دیگر فرمود که حجامت زیاده میکند
عقل را و قوت حافظه را امر وایتست که مردی شکایت کرد پیش امام جعفر الصادق ع
از خارش بدن فرمود که حجامت کن سه نوبت یا در هر پای یا میان ساق
گفت حجامت کردم زایل شد شکوه کرد مردی نزد امام رضا علیه السلام
از حرر فرمود که آن از بخار جگر است فصد کن از پای راست و ده درم روغن
بادام شیرین با آش جو بخور و ماهی و سرکه مخور چنین کرد باذن الله
صحیح شد **باب پنجم در آداب رنگ موی و کنگری** بر شش فصل مشتمل **فصل اول**
در فضل رنگ کردن و ترغیب در آن و ذکر منافع آن در کتاب من لا یحضره الفقیه
آورده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که محاسن را بحنا رنگ کنید که دیده را
روشن میکند و مو را می رویاند و بوی دهن را خوش میسازد امام جعفر الصادق علیه السلام

فرمود

فرمود که حنا نهادن در چشم را ساکن میسازد و آبروی را می افزاید و بوی را
خوش میسازد و ولد را نیکو میگرداند و امیر المؤمنین ع فرمود که محاسن را
بحنا رنگ کردن هدیه و سنت رسول است ص روایتست که شخصی نزد رسول ص
آمد ریش را دراز کرده بود آنحضرت فرمود که نیکوست نوبت دیگر آمد سیاه
کرده بود خنده بران حضرت غالب شد فرمود که این نیکوترست از آن هر دو نوبت
و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود حضرت امیر المؤمنین ع را که ای علی یکدرهم در خضاب
صرف کردن بهتر است از هزار درم غیر آن در راه حق سبحانه تعالی چه در آن چهارده خصلت
اول آواز گوش را دفع میکند دویم چشم را روشن میسازد سیم بوی دهن را
ببرد ۴ و دندان را محکم میسازد ۵ و فرج میرساند مومنان را ۶ و مرض را می برد
۷ و وسوسه شیطان را دفع میکند ۸ و ملائکه را خرم میسازد ۹ و کافران را
بخشم می آورد ۱۰ و زینت و آرایش و پاکیست و آسایش و منکر و نکیر را
بشرم می آورد ۱۱ و برائت و خلاصی در قبر ۱۲ و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که
دوستترین خضاب کردن تو بسوی خدای تعالی خضاب سیاهیست امام رضا ع
فرمود که در خضاب اجر بسیار است بدرستی که آن زیاده میکند عفت و صلاح
و صورت زنان را چنانکه یکی از شما صورت خوب می بیند خرم میشود
در عفتش می افزاید بدرستی که سلیمان پیغمبر ع هزار زن بود اندر
قصر سیصد زن مهریه بود و هفتصدش کنیز بود و در هر روز و شب

بواسطه او باکره گی کرد **فصل دویم در رنگ کردن محاسن بسیاهی** ابی عبد الله علیه السلام
روایت کند که مردی بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد آنحضرت نظر کرد موی سفید
در محاسن او دید فرمود که جوانی که پیر شود در اسلام مرا و را نوری باشد در قیامت
درخشان پس چون بار آمد بسیاهی رنگ کرده بود محاسن خود را آنحضرت فرمود
که نور است و اسلام دیگر باره بسیاهی رنگ کرده بود فرمود که این نور است
و اسلام و ایمان و محبت زنان و ترس در دلهای دشمنان حسن بن جهم گوید
که رفتم بخدمت ابی الحسن علیه السلام دیدم که محاسن را بسیاهی رنگ کرده بود
گفتم فدای تو گردم خضاب کرده فرمود که در خضاب دو چیز است یکی
خضاب و یکی تهیه اسباب از آنچه می افزاید عفت زنان و اگر ترک کنند
زنان عفت را ترک میکنند شوهران ایشان تهیه که برای ایشان میکردند
ابو عبد الله ع فرمود که امام حسین علیه السلام سر خود را بوسمه رنگ میکرد و دیگر
چیزی میسجید دیگر امام جعفر الصادق ع فرمود که خضاب بسواد یعنی بسیاهی مهابت است برای دشمنان
و الفت برای زنان جابر روایت از امام محمد باقر علیه السلام که او فرمود جماعتی
بخدمت امام زین العابدین ع آمدند محاسن را بوسمه رنگ کرده بودند
از آنحضرت پرسیدند دست بمحاسن مبارک خود کشید و فرمود که
رسول الله صلعم در غزایی از غزوات فرمود اصحاب را که محاسن را رنگ
کردند تا نگاه داشته شود از مشرکان و امام محمد باقر ع فرمود که زینت
کیا

کند مردان بمثل آنچه دوست میدارند که زنان بر آن آرایش کنند **فصل سیم**
در رنگ کردن موی و غیر آن و حنا نهادن بر دست از برای زنان حلبی گوید
که من از ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم از رنگ کردن موی فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله
و امام حسن و امام حسین و امام محمد باقر علیهم السلام خضاب میفرموده اند بکتم و آن گیاهیست
که بوسمه می آمیزند و بآن رنگ می کنند ابو عبد الله ع محاسن خود را زرد میکرد
بخطمی و حنا و میفرمود که حنا زیاده میکند جوانی را در جسد و روی می افزاید
اسماعیل نوشع گوید که بخدمت امام رضا ع رفتم گفتم که کنیزکی دارم چون حیض از و
بر طرف شده فرمود که سر او را بحنا بگیر که زود باشد که عود کند چون چنین کرد
عود کرد دیگر فرمود که در خضاب سه خصلت یکی هیبت در حرب و قتال
و محبت زنان و باه بروایت که امام رضا ع فرمود که در خضاب ثواب بسیار است
و قوت باه بدرستی که زن دوست میدارد که مرد صورت و زینت خوب
و زن بنی اسرائیل از عفت و صلاح بفسق و فجور افتادند بجهت این بود که
شوهران ایشان زینت کم میکردند و میگفتند که ما میخواهیم از شما آنچه
شما از ما میخواهید و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که حنا بهترین ریاحین بهشت است
و قیام نماینده در حنا همچو رونده است در راه خدای تعالی دیگر فرمود که
خضاب در اسلام زینت میدهد مومن را و می برد درد سر را
فرمود که آنچه تغیر میدهد پیری شما را حنا است و کتم امیر المومنین علیه السلام

نقل فرموده از آنحضرت که زنکین شوید بحنا که می افزاید در جوانی و جمال شما
و قوت میدهد در نکاح شما و حسن روی شما را نکاه میدارد حق سبحانه و تعالی
مباهات میفرماید بشما فرشتکان درهمی در راه خدا صرف کردن حکم هفتاد درهم
دارد و درهمی در راه حنا صرف کردن حکم هفت هزار درهم دارد
پس هرکاه که مرد یکی از شما منکر و نکیر آمدند و نظر کردند بحنای دست شما
حیا میکنند و میکویند با یکدیکر که بیا تا برویم که ما را بر او راهی نیست
و آنحضرت امر میفرمود زنان شوهردار را و غیر شوهردار را بخضاب اما شوهر
دار را بجهت آرایش او تا شوهر را خوش آید و غیر شوهر دار تا مانند نشود
دست او بمانند دست مرد **فصل چهارم در کراهیت خضاب نمودن** در جنب و حایض را
و پیوند کردن موی امام رضا علیه السلام فرمود که مکروهست ریش رنک کردن
مرد در حال جنابت و فرمود که کسی که جنب باشد و حنا بنهد یا در حال خضاب
خود را جنب کرداند ایمن نشود بر خود از اینکه شیطان در او دخل کند ببدی
امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که جنب مباشید و جنب مکردید
در حال خضاب و زن حایض نیز همچنین که شیطان حاضر میشود نزد او
و اما نفسا را باکی نیست و سؤال نمودند یکی از ائمه علیهم السلام که روایتست
که زن موی سر را بموی دیکر بپیوندد فرمود که از موی خودش آری و از موی
غیر نه سلیمان بن خالد کوید که از ابی عبد الله علیه السلام پرسیدم از پیوند

موی زنان فرمود که از موی زن دیکر روا نیست اما از موی کوسفند روا است
عمار ساباطی کوید که کفتم مر ابی عبد الله ع که مردمان روایت میکنند از رسول ص
واصله و موصله را لعنت کرده فرمود بلی کفتم اکر بموی حیوانی پیوند کنند چونست
فرمود که باکی نیست کفتم چه معنی دارد واصله و موصله فرمود که مراد زن
فاجره و قواده است **فصل پنجم در بیان انکشتری** و آنچه متعلق است بدان و غیر آن
امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که پدر بزرکوار مرا انکشتری بود که آنرا
بهفت دینار طلا خریده بود پرسیدند از امام جعفر الصادق ع از انکشتری
حضرت رسول صلعم از نقره بود و بر آن نوشته محمد رسول الله پرسیدند
که نکین داشت فرمود که نه سکونی روایت کند از ابی عبد الله علیه السلام که پیغمبر صلعم
فرمود که حق سبحانه و تعالی پاک نمیداند دستی را که در او انکشتری آهن باشد
و هم او روایت کند از پدران بزرکوار خود که رسول صلی الله علیه و آله امر فرمود
ما را بهفت چیز و نهی از هفت چیز آنچه امر فرموده یکی پرسیدن بیمار و پیروی
جنازه و افشای سلام بکوچک و بزرک و یاری دادن مظلوم و اجابت کردن
داعی و راست ساختن سوکند و جواب عاطس یرحمک الله کفتن و آنچه ما را نهی فرموده
انکشتری طلا و آشامیدن چیزی بظرف نقره و نشستن بر زین سرج و از
چیزهایی که کفایت زخم باشد و از پوشش ابریشمینه و دیبا و از کجینه روایت
کرده ابی عبد الله علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله میفرمود مر امیر المومنین علیه السلام

که زینت کهٔ حذر کنی از انگشتری طلا در دنیا که آن زیور تو خواهد بود در بهشت
داود بن سرحان گوید که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که چه گونه است
کودکان را زیب و زینت بطلا فرمود که پدرم زنان و کودکان خورد را
زینت میفرمود بطلا باکی نیست امام موسی ع فرمود که پدرم نهی نمود از
انگشتری که درو نگین بخاری باشد و فرمود که زید بن علی علیه السلام را چون
شهید کردند نگین بخاری در دست داشت روایتست که حضرت امیر المومنین علیه السلام
چهار انگشتر بود یکی نگین یاقوت بجهت تیر انداختن و دیگری نگین عقیق سرخ
بجهت ضبط در دست میکرد یکی نگین فیروزه بجهت ظفر و فیروزی و یکی نگین
آهن شبعی در دست میکرد جهت قوت اندوزی و نهی میفرمود شیعه را
از انگشتری آهنین و وصیت میفرمود اصحاب خود را با آنکه در نقش نگین نام
خدا باشد و از دستی که بآن استنجا میکنند بگردانند بدیگر دست یعنی از دست
چپ بدست راست آورد روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که انگشتر نفی فقر میکند و انگشتر عقیق خوشحالی می آورد و نیز
فرمود که هر که انگشتری عقیق در دست کند حق سبحانه و تعالی خاتمت و عاقبت
او را مبدل فرماید بامن و ایمان مرویست از ابی عبد الله ع که انگشتری عقیق را
در دست کنید که آن اول کوهی بود که اقرار بربوبیت خدای عز و جل کرد و بنبوت
محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و بامامت حضرت امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه السلام

و اول کوهی بود که تکلم کرد موسی بن عمران ع را بکلام هر که نماز بر آن بگذارد فضیلت
از درجه هر نمازی که بغیر آن گذارند از انواع جواهرات الوان اعمش گوید
که من در خدمت امام محمد باقر ع بودم بدر خانهٔ منصور دوانقی مردی از نزد
او بیرون آمد و برو تازیانه بسیار زده بودند فرمود که ای سلیمان نظر کن در دست او
نگین انگشتری او از چه چیز است گفتم یا رسول الله نگین غیر عقیق دارد فرمود که اگر
نگینش عقیق می بود تازیانه نمیخورد گفتم یا بن رسول الله بیان زیاده کن فرمود
که این امانست از بریدن دست باز گفتم بیان زیاده فرما باز فرمود که امانست از خون
و خدای عز و جل دوست میدارد دستی را که ببالا برند و درو نگین عقیق باشد
و عجبست از دستی که در آن نگین انگشتری عقیق باشد و خالی باز ندارد نا امید رد را
هم
گفتم دیگر زیاده کن فرمود که آن حفظ است از هر بلا و امانست از فقر گفتم
این حدیث از که میفرمایی منقولست از امیر المومنین علیه السلام که هر که فرا گیرد انگشتری
نقره که نگین او عقیق باشد محتاج نشود و حاجات او روا گردد بر وجه احسن
و هم او فرموده که هر که انگشتری نگین عقیق در دست کند که آن مبارکست
بر شما و باشید در امن و امان از جمیع بلا امام جعفر ع روایت کرده از پدر
بزرگوار خود که مردی شکایت نزد رسول الله صلعم برد از حرامیان که بر او
مضرت رسانیده بودند فرمود که انگشتری نقره در دست نداشتی که آن
صاحب را نگاه میدارد از هر آفتی و مضرتی و هم او فرمود که هر که انگشتری

عقیق در دست داشته باشد و یرا از آفت نگاه میدارد و بوی نیکوی رسد
مادام که او در دست اوست و همیشه حق تعالی او را نگاه دارد از آفت روایت
که مردی بخیانتی افتاده بود گذارش بجانب حضرت امام جعفر علیه السلام افتاد بدو فرمود
که انگشتری عقیق را از دست مگذار که در دستی که انگشتری عقیق باشد مکروهی نبیند
عبد المؤمن انصاری گوید که آنحضرت فرمود که فقیر نشود مردی که در دست او
انگشتری فیروزه باشد علی بن مهزیار گوید که رفتم بخدمت امام موسی علیه السلام
در دست او انگشتری دیدم که نگین او فیروزه بود و نقش او اَنَّ اللّٰهَ المَلِکُ
من نظر بسوی او انداختم بسوی او فرمود این نگینیست که جبرئیل علیه السلام
بجهت رسول الله آورده و آنحضرت به امیر المؤمنین علیه السلام بخشید و نام او بفارسی
فیروزه است و بعربی ظفر امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که در دست کنید انگشتری که
نگین او از جزع یمانی باشد زیرا که دفع میکند شیطان سرکش را امام جعفر علیه السلام فرمود
که نیکو نگینیست بلور روایت که انگشتری زمرد و یاقوت زرد نفی درویشی
میکند امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که نقش نگین حضرت رسول مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ
بود و نقش نگین امیر المؤمنین علیه السلام اَلْمُلْکُ لِلّٰهِ و نقش نگین امام محمد باقر علیه السلام
اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ از صفوان روایت که نقش نگین امام الصادق علیه السلام
اَنْتَ ثِقَتِی فَاعْصِمْنِی مِنْ خَلْقِکَ روایت از ابراهیم بن حمید که نقش
نگین امام رضا علیه السلام حَسْبِیَ اللّٰهُ بود و نقش نگین ابی عبد الله علیه السلام

نعم القادر و المقادیر بود نقش نگین آدم صفی الله علیه السلام لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللّٰهِ بود ابن خالد گوید که امام رضا علیه السلام فرمود
که حق سبحانه و تعالی وحی نمود بنوح پیغمبر صلی الله علیه که چون تو و جمعی که با تو اند در کشتی قرار
گیرید نو هزار نوبت بگو لا اله الا الله و حاجت خود را بخواه چون سوار شد
بکشتی و باد تند شد کشتی بالا گرفت و اضطراب پیدا کرد گفت نا هزار نوبت
تهلیل گویم میترسم پیش از فارغ شدن من کشتی غرق شود پس اقتصار و بالنحوی
که زود توانم گفت که یکنوبت بگو اَلْفًا هُوَ هُوَ یَا بَارِی اَتْقِنْ
نوح این بگفت کشتی قرار گرفت حق تعالی ایشانرا امان داد از غرق شدن و سالم ماندند
پس نوح علیه السلام گفت که کلامی که با قوم بر آن نجات یافتیم پس سزاوار آنست که آنرا
نقش نگین انگشتری گردانم و از خود جدا نکنم حسین بن خالد گفت این کلام
سریانیست تفسیرش بعربی چیست فرمود لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اَلْفَ مَرَّةٍ یَا اللّٰهُ   اصلح
و فرمود که نقش نگین ابراهیم علیه السلام شش حرف بود که جبرئیل علیه السلام آورده بود در
وقتی که او را در منجنیق نهاده بودند که در آتش اندازند گفت مرا و رکیا ابراهیم
حق جل و علا ترا اسلام میرساند که خوش در نقش خود را و باک مدار و امر فرمود
که این کلمات را نقش سازد حق سبحانه و تعالی آتش را بر تو سرد گرداند
و خاتم مانی ابیت لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ
اَسْنَدْتُ ظَهْرِی اِلَی اللّٰهِ فَوَّضْتُ اِلَی اللّٰهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

ونقش نگین سلیمان علیه السلام این بود سبحان من الجم الجن بکلماته
ونقش نگین موسی ع در توریة مسطور بود اینست اصبر تؤجر اصدق
تنج ونقش نگین عیسی ع در انجیل مسطور است طوبی لعبد ذکر الله
من اجله والویل لعبد نسی الله من اجله نقش نگین امام حسن
العزة لله بود ونقش نگین امام حسین ع ان الله بالغ امره
واز علی ابن الحسین علیهما السلام همان نقش نگین پدر بزرگوارش بود و نقش
نگین امام محمد باقر ع حسبی الله حافظی ونقش نگین امام علی النقی
الله الملک بود ونقش نگین امام حسن عسکری ع ما شاء الله لا قوة
الا بالله ودر روایت دیگر وارد یافته که نقش نگین انگشتری امیر المؤمنین علی
هفت سطر بود که بجوهر حدید صینی ابیض صافی نقش کرده بودند که در کارزارها
در دست مبارک میکرد بدین عبارت اعددت لکل هول لا اله الا الله
ولکل کرب لا حول ولا قوة ولکل مصیبة نازلة
حسبی الله ولکل ذنب کبیرة استغفر الله ولکل
هم وغم فارج ما شاء الله ولکل نعمة متجددة الحمد لله
ما بعلی ابن ابی طالب من نعمة فمن الله ودر روایت دیگر
وارد است که نقش نگین امام محمد باقر این بوده که ظنی بالله
حسن وبالنبی المؤتمن وبالوصی ذی المنن وبالحسن والحسین

اسمعیل

اسماعیل بن موسی گوید که نقش نگین انگشتری جد بزرگوار من امام جعفر الصادق ع
این بود انت ثقتی قنی من شر جمیع خلقک امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که نقش نگین هر آیتی باشد از کلام الهی آمرزیده شود بحر گوید که پرسیدم
از ابی عبد الله ع از انگشتری که بدست راست کردی فرمود که همه بنی هاشم
در دست راست میکردند ودیدم نیز در دست راست میکرد افضل افقه
بنی هاشم بود دران زمان روایت که حضرت امیر المؤمنین علی ع وامام حسن وامام حسین
علیهم السلام گاهی نیز بدست چپ میکردند او روایت کند که پیغمبر صلی الله علیه وآله
منع میفرمود امت را که انگشتر بانگشت سبابه وانگشت وسطی میکنند
روایت که چون انگشتری در دست کنید این دعا بخوانید که اللهم سو
منی بسیماء الایمان وتوجنی بتاج الکرامة وقلدنی
حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی روایت که
چون جمعه اول ماه رمضان بر نگین صینی این نقش کنند در دو سطر
کعیلهون لا اه لا الا الآ ول یا الله برای همه علتها نیکوست

فصل ششم در آرایش وزیور زنان بانگشتری ودست وگردن وغیر آن

روایت از مفضل که امام محمد باقر ع فرمود که فاطمه زهرا علیها السلام
بهترین زنان اهل بهشت ومقنعه پاکیزه از دوش مبارک او فرود
آمده وپیشتر دستش را پوشیده بود ابو عبد الله علیه السلام

فرمود که سزاوار نیست که زن مسلمه پیراهنی بپوشد که بدن وی را بنپوشاند واز
زیور آنحضرت پرسیدند که سزاوار نیست که ترک زیور کنند اگرچه قلاده باشد
در گردن و باید که ترک نکند بخضاب اگرچه مالیدن باشد بحنا بدستش اگرچه آن
زن سالدار باشد زراره روایت کند از امام محمد باقر علیه السلام که عادت رسول الله
این بود که چون بسفر میفرمود سلام و وداع میکرد به هر یک از اهل خود تا آخر
وداع فاطمه علیها السلام میفرمود و از انجا روانه سفر میشد و چون باز میگشت
اول بخانه فاطمه علیها السلام میفرمود بعد از ان بدیگر خانها پس یکنوبت از سفر بازگشته
بخانه وی فرمود در ان وقت چیزی از غنیمت با امیر المؤمنین علی علیه السلام
رسیده بود بفاطمه علیها السلام داد و او ازان دو دست ورنجن ساخته بود و دو دست در
داشت و یکپرده جهت در خانه حریده بود و او تخته آن دست ورنجن و پرده را
دیدیم انجا نشست و بسوی فاطمه علیها السلام نظر کرد و روی اندوهگین شده بود
بگریه رفت و چون آنحضرت بمنزله خود فرمود فاطمه آن دست ورنجن را از دست
بیرون کرده و پرده را نیز از در باز کرده به امام حسن و امام حسین علیهما السلام داد
بخدمت پدر بزرگوار خود فرستاد و فرمود که سلام برسانید و بگویید
که امر از شماست هرچه فرمایی بعد ازین چنان کنیم چون ایشان آمدند و پیغام
گذاردند آنحضرت ایشان را در کنار گرفت و بوسه داد و نوازش نمود
و فرمود که تا دست ورنجن دوگانه را شکستند و آن پرده را چند پاره کردند

واصحاب صفه از مهاجرین که بغایت فقیر بودند طلب فرمود و با ایشان قسمت نمود
بعد از ان فرمود زنان را سر بر ندارند از رکوع و سجود تا مردان سر بر دارند
بجهت انکه ازار مردان کوچک بود چون رکوع و سجود میکردند عورت
ایشان مینمود و میدیدند جماعتی که پس ایشان نماز میگذارند سر بر ندارند
تا ایشان سر بر ندارند و این سنت گشت بعد از ان فرمود که حق جل و علا
رحمت کناد بر فاطمه زهرا علیها السلام و در عوض اینها حلهای بهشت کرامت فرماید
حلبی گوید که من پرسیدم از امام جعفر الصادق علیه السلام و امام محمد باقر علیه السلام که چون کسی را
دندان بیفتد جایز است ویرا که دندانی از طلا یا دندان گوسفند مرده بنا بندد
زراره گوید که شخصی پرسید از آنحضرت و من حاضر بودم که اگر دندان مردی
بیفتد و دندان آدمی مرده را بجای آن نهد چونست فرمود که باکی نیست

باب ششم در لباس پوشیدن و ترتیب طعام و مسکن و ادابی که

تعلق بدان دارد بر ده فصل مشتملست **فصل اول** در پوشیدن لباسهای
زیبا و کیفیت پوشیدن آن **روایت** از امام جعفر الصادق علیه السلام که چون ابن عباس
از پیش امیر المؤمنین علی علیه السلام بجانب خوارج میرفت پوشید بهترین جامها که بوی
خوش مطیب ساخته بود و به نیکوترین مرکبها سوار شده بسوی ایشان روانه
گشت گفتند ای پسر عباس ما خیال کردیم که تو در میان ما بهترین ناسی و باز
تو در لباس جبابره و مرکب پیش ما آمده ابن عباس این ایه برخواند

بجای آن [illegible]

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ
پس من لباس زیبا پوشیدم و بر مرکب سوار شدم زیرا که خدای تعالی جمیل است
و جمال را دوست میدارد و لیکن از حلال باشد اسحق بن عمار گوید که من
پرسیدم از آنحضرت که مرد مالدار که تجمل بسیار میکرد و او را جامهاء و
پیرهنهای متعدد بود که هر بار بلباسی بیرون آید آیا این اسراف باشد فرمود
لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که
مردی بر در خانه حضرت پیغمبر ایستاده بود و انتظار میکشید که آنحضرت را
ببیند و وی نظر میکرد در کوزه آب میکرد و موی محاسن را درست میساخت
چون بخانه معاودت فرمود عایشه گفت یا رسول الله صلعم تو سید
ولد آدمی و رسول پروردگار عالمی در کوزه ایستاده و روی و محاسن را
می آرایی فرمود که ای عایشه بدرستی که خدای تعالی دوست میدارد که چون کسی
نزد برادر خود رود تجمل کند و خود را بیاراید حضرت علی ابن موسی الرضا ع
فرمود که آرایش مرد در عفت زن می افزاید مرویست که سفیان ثوری گفت
به امام جعفر الصادق ع که تو روایت میفرمایی که امیر المؤمنین علی علیه السلام
جامهای درشت میپوشید و تو جامهای نازک میپوشی فرمود که آنحضرت
در زمان تنگ واقع بود و این زمان وسیعست پس بمقتضای زمان عمل
کردن اولیست و امام رضا ع فرمود که یوسف پیغمبر علی نبینا علیه السلام جامهای

در مصر

در مصری مطرز بطلا می پوشید و بر تخت حکومت می نشست آنها محتاج بعدالت
امام زین العابدین ع دو جامه می پوشید در تابستان که به پانصد دینار طلا میخرید
و در زمستان جامه نفیس خزی می پوشید در تابستان به پنجاه دینار میفروخت و تصدق
می نمود و امیر المؤمنین ع میفرمود که شما زینت کنید برای برادری که بنزد شما
آید همچنانکه زینت می کنند از برای عروسی که دوست میدارید که به بینند شما را
بصورت و هیات خوب ابو حداث مهری گوید که غلام امام رضا ع آمد
به بصره کرا او را عید میگفتند گفت قومی از اهل خراسان بخدمت امام رضا ع
آمدند و میگفتند که مردمان انکار تو می کنند از لباسهای زیبا که می پوشی
و مرکبهای خوشنما که سوار میشوی فرمود در جواب ایشان که یوسف پیغمبر بود
و پسر پیغمبر بود و پسر پسر پیغمبر بود کمخا می پوشید و از زربفت می بست
و بر تکای آل فرعون نشسته بود و این حال مرتبه او را پست نمی ساخت و در نزد
حضرت ذو الجلال بر امام واجبست که حکم بعدل کند و بوعده وفا کند و راست
سخن باشد و آنچه خدای تعالی حرام کرده کم و بسیار می باشد و آنچه حلال نموده او
نیز کم و زیادی باشد اسحق بن عمار گوید که گفتم مر ابی عبد الله علیه السلام را
که میتواند بود که مؤمن را ده پیرهن باشد فرمود که بلی گفتم بیست هم گفت
بلی و این اسراف نیست اسراف آنست که پیراهن که نگاه داشتن تو پیراهن بدن
تو باشد امام جعفر الصادق ع فرمود چون جامه پوشیدی اینرا بگو ان

اللّهم اجعله ثوب يُمن وبركة اللّهم ارزقني فيه شكر نعمتك
وحسن عبادتك والعمل بطاعتك الحمد لله الذي رزقني ما
استر به عورتي واتجمّل به في الناس معاوية بن عمار گويد كه پرسيدم
از امام محمد باقر ع كه چون كسی خواهد كه جامه پوشد چه دعا بخواند
فرمود كه بگويد بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله اللّهم اجعله ثوب يمن
وتقوى وبركة اللّهم ارزقني فيه حسن عبادتك وعملاً بطاعتك
واداء شكر نعمتك الحمد لله الذي كساني ما اواري به عورتي
واتجمّل به في الناس ابو بصير گويد كه امام محمد باقر ع فرمود كه امير المؤمنين علی ع
پيراهن سنبلانی خريده بود بچهار درهم و آنرا پوشيده آستين او دراز بود بمقراض
بريد و فرمود الحمد لله الذي كساني من الرياش ما استر به عورتي
واتجمّل به في الناس اللّهم اجعله ثوب يمن وبركة اسعى فيه
لمرضاتك عمري واعمر فيه مساجدك پس فرمود كه شنيدم
از رسول الله صلى الله عليه وآله كه هر كه جامه نو پوشد واين كلمات گويد آمرزيده شود
در وقت جامه پوشيدن اين دعا بخواند اللّهم استر عورتي وآمن
روعتي واعفف فرجي ولا تجعل للشيطان في ذلك نصيباً
ولا له الى ذلك وصولاً فيصنع لي المكايد محارمك امام جعفر ع
فرمود كه حضرت امير المؤمنين علی ع فرمود كه طريق پيغمبران كرام عليهم السلام آن بود

كه پيراهن



كه پيراهن پيش از زير جامه پوشيدندی و روی بقبله ايستاده و روی بر آدم نشستندی
روايت از امام جعفر الصادق ع كه شنيدم از امير المؤمنين علی ع كه غمگين بود و ميگفت
كه نميدانم كه در بستان در نشسته بودم يا در ميان گوسفندان گذشته بودم
يا زير جامه ايستاده پوشيده ام يا دست و روی را بدامن پاك كرده ام روايت
از آنحضرت كه ميفرمود كسی كه راضی شد بدنيا از آنچه او را كافيست قدر كفايت
بآسان ترين وجهی آن ميرسد واگر راضی نشد هيچ وقت نمی يابد آنقدر
كه او را كفايت باشد روايت كه چون جامه نو پوشيد وضو بسازيد دو ركعت
نماز بگذاريد و سوره فاتحة الكتاب و قل هو الله احد و آية الكرسی و انا انزلنا
بخوانيد بعد از آن حمد الهی بجای آوريد كه ستر عورت او فرموده به آن جامه
و زينت داده او را به آن در ميان آدميان بسيار بگويد لا حول ولا
قوة الا بالله پس او در آن جامه عصيان نكند مر او را باشد بعدد هر رشته
كه در وی است فرشته كه از برای او استغفار كنند و ترحم برای او از
حق سبحانه و تعالی طلبند ابی عبد الله ع فرمود كه چون يكی از شما وضو بسازد
يا آبی بياشامد يا طعامی بخورد يا جامه نو بپوشد يا كاری كه خواهد كه بكند
بايد كه ياد كند حق تعالی را والا شيطان در آن كارها با او شريك گردد و در
روايت ديگر آمده كه كسی قدحی را پر آب كند و آية الكرسی بر او بخواند
سی و پنج نوبت انا انزلناه فی ليلة القدر و آن آب را بر آن جامه نو بپاشد



روزی بر وبسیار کرده تا آن جامه بر و کهنه کردد روایت که امام رضا علیه السلام
چون جامه نو پوشیدی قدحی آب میطلبید و ده نوبت سوره انا انزلناه و ده نوبت
قل هو الله و ده نوبت قل یا ایها الکافرون بر و میخواند و آن آب را بر آن جامه
می پاشید و میفرمود که هر که چنین کند او همیشه در عیش خوشگوار باشد
تا آن جامه باقیست **فصل دویم** در کوتاه داشتن جامه و پاک داشتن آن
روایت که امیر المؤمنین ع فرموده که شش چیز در جامه غم و اندوه می برد آن
پاکیست از برای نماز که حق سبحانه و تعالی فرموده وَثِیَابَکَ فَطَهِّرْ یعنی کوتاه کن
از و چیزی **فصل سیم** در پوشیدن لباسها و اختلاف رنگها
ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده از امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که لباس خشن
بپوشید که آن لباس رسول الله صلی الله علیه و آله است و لباس ما پشمینه نبود
مکر بنا بر ضرورت چون حق سبحانه و تعالی جمیلست و دوست میدارد جمال را و او
نیز دوست میدارد که بنماید اثر نعمت خود را بر بندکان و فرمود که کتان
لباس پیغمبرانست امام محمد باقر ع فرمود که پیغمبر صلعم فرموده که هیچ لباس
بهتر از سفید نیست پس آنرا بپوشید و کفن مردکان از آن کنید سلیمان
بن رشید کوید که پدرم کفت که دیدم امام رضا علیه السلام را که دراعه سیاه
و طیلسان کبود پوشیده بود زراره کوید که روزی امام محمد باقر علیه السلام
آمد که نماز بکذارد بر بعضی اطفال ایشان پوشیده بود جامهٔ خز زرد و عمامه

خز زرد در بستر ابان بن تغلب کوید که روزی بخدمت ابو عبد الله علیه السلام
میرفتم آخر روزی در ماه رمضان فرمود مرا که ای ابان بدرستی که جبرئیل نازل شد
بر رسول صلعم در آخر روز رمضان بعد از عصر پس چون باز کشت بسوی آسمان حضرت
فاطمه را طلب نموده ادای اجابت فرمود آمد در عبایی که نیمه آن بر بدنش بود
و نیمه دیکر بر سر مبارکش پس آنحضرت فرمود که ای فاطمه بخوان شوهرت را علی علیه السلام
چون آمد او را بر راست خود نشاند و دست خود را بر کنار خود نهاد و فاطمه را
بر چپ خود نشاند و دست او را نیز بر کنار خود نهاد و بعد از آن فرمود آیا خبر
دهم شما را به آنچه مرا جبرئیل ع خبر داده کفتند بلی یا رسول الله فرمود که دو چیز
خبر داد مرا که من بر راست عرش باشم در روز قیامت و حق سبحانه و تعالی
دو جامه در من پوشاند یکی از آن سبز باشد و یکی از آن سرخ کل رنک و ای علی
تو بر راست عرش باشی و خدای تعالی ترا نیز دو جامه بپوشاند برنک جامهای من
و تو ای فاطمه بر راست عرش باشی و ترا نیز مثل این جامها بپوشانند ابان کفت
من کفتم فدای تو کردم بدرستی که مردمان مکروه میدارند جامه وردی را فرمود
که ای ابان بدرستی که چون خدای تعالی عیسی ع را بر آسمان برد و او را به بهشت درآورد
که بخفاد غرفه در او بود حق سبحانه و تعالی دو جامه در روی پوشانید یکی سبز و یکی
از آن کلرنک کفت فدای تو کردم پس خز ده مرا بنظر آن از قرآن فرمود که
فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ عبد الله بن سلیمان

گوید که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام که میفرمود امام زین العابدین علیه السلام را در فراج مبارک سرما زود اثر کردی و آنحضرت در زمستان جامهٔ خز را بهزار درهم یا پانصد درهم خریدی پس چون زمستان سر آمدی آن جامه را فروختی و قیمت آنرا تصدق نمودی قتیبة بن محمد گوید که پرسیدم از ابی عبدالله علیه السلام که من جامهٔ خز را میپوشم و تار آن ابریشمست جایز باشد یا نه آنحضرت فرمود که باکی نیست که با ابریشم چیزی دیگر باشد و فرمود که روزی که امام حسین علیه السلام را شهید کردند جبهٔ پوشیده بود که تار او ابریشم بود و پود او موی خز هم قتیبه گفت که ما جامهای صوف میپوشیم که موی آن از حیوانات مرده است این جایز است یا نه آنحضرت فرمود که در پشم جان نیست نمی بینی که گوسفند زنده است پشم وی را می برند و میفروشند **نقلست** که امام زین العابدین علیه السلام در تابستان دو جامه می پوشید که قیمت آنها پانصد دینار اشرفی بود و در زمستان جامهٔ خز می پوشید و در تابستان میفروخت به پنجاه اشرفی و آنرا تصدق می نمود محمد بن سعد روایت کرده از ابی عبدالله علیه السلام که گفت پدرم جامهٔ خز میپوشید که قیمت آن پانصد دینار بود و چون سال بر و میگذشت این جامه را بصدقه میداد گفتند یا امام اگر بفروشی و قیمت آنرا تصدق نمایی بهتر است فرمود که چگونه بفروشم جامه را که در و نماز گذارده ام پس اولی آنست که بمستحق دهم که او نیز در وی نماز گذارد **روایت** که شخصی از امام جعفر الصادق علیه السلام

برسید

پرسید که پوست خز میتوان پوشید آنحضرت فرمود که آری آنشخص گفت که یا امام من خز را دیده ام مثل سگ آبیست فرمود که چون بیرون آب نمی زید باکی نیست پس آنمرد گفت فدای تو گردم آن از بلاد ما از آب بیرون می آید و در خارج آب نمی زید گفت نه فرمود پس چه باک است معلی بن خنیس گوید که ابی عبدالله علیه السلام فرمود که نزد امیرالمؤمنین علیه السلام چند حلهٔ دیبا آوردند امام حسین علیه السلام حلهٔ نیکوتر بود طلب نمود آنحضرت فرمود که دو حله عوض آن میدهم و تا پنج حله رسانید امام همان حله را طلب نمود حله را بوی داد و فرمود که تو این جامه را بپوش که مردمان ترا تعرض میکنند و ابن امیرالمؤمنین علیه السلام میخوانند و بار دیگر که میپوشی چرکین شود و فاسد میگردد ابن یعقوب گفت که و پنج شش حله از بهای او میتوان خرید که چند مسلمان بپوشد و امام جعفر علیه السلام فرمود که اسامة بن زید بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و جامهٔ پشمینه پوشیده فرمود که آن لباس کیست که او را نصیبی در آخرت نیست پس بفرمود تا آنرا معجر زنان کردند و در میان ایشان بخش کرد **روایت** از ابی عبدالله علیه السلام که لباس ابریشم جایز نیست لیکن میتوان فروخت و در جنگ میتوان پوشید اگرچه در آن صور و تمثال باشند **روایت** کنند هم او که از امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله مرا نهی فرموده که حریر پوشم و انگشتری طلا در دست کنم و زین پوش سرخ بر اسب افکنم و در رکوع قرآن بخوانم **فصل چهارم**

در پوشیدن جامه و تواضع کردن عبدالله بن هلال گوید که ابی عبدالله علیه السلام
بمن امر فرمود که ازاری بجهت وی بخرم گفتم گشاد باشد فرمود که بلی اما درازنا
و الا مقدار سجاف ازو قطع کن که پدر بزرگوارم میفرمود که هرکه از کعبین تجاوز
کرد در آتش است روایت از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله که من جامه را تا
نصف ساق میپوشم و تا کعبین و بر شما که حذر کنید از جامه دراز پوشیدن
چون آن از شعار متکبر است و خدای تعالی دوست نمیدارد متکبر از او دیگر فرمود
که بوی بهشت از هزار ساله راه می آید و متکبر جامه بر زمین کش آن بوی را نشنود
نقلست که سه طایفه باشند که خدای تعالی با ایشان سخن نگوید که ایشان را خوش آید
در روز قیامت و پاک نگرداند ایشان را از آلودگی گناه مر ایشان راست عذاب
دردناک باشد یکی آنکه دامن جامه خود را بر زمین کشد بجهت کبر و بزرگی
و دیگری که پاکی ورزد و گران فروشد بدروغ و دیگری که اظهار کشاده رویی کند
در روی تو و دل او پر باشد از کین تو دیگر فرمود که هرکه بر روی زمین رود و تکبر
زمین در زیر او برو لعنت کند روایت از امام محمد باقر ع که شخصی را دید
دو جامه پوشیده بود یکی را ازار کرده و دیگری ردا و او بدان جامه مباهات
مینمود آنحضرت فرمود که این جباره است شخصی گفت یا امام این جبار کیست
فرمود که از جباران است وصیت رسول الله صلعم با ابوذر غفاری اینست
که ای ابوذر بیشتر دوزخیان متکبرانند شخصی گفت یا رسول الله هیچکس هست

که از کبر

که از کبر خلاص یابد فرمود بلی شخصی که جامه پشمین بپوشد و بر خر الاغ نشیند
و گوسفندان دوشد و با مسکینان نشیند ای ابوذر از بازار چیزی بخرد
و بجهت طفلان خود ببرد که از تکبر خلاص شوی ای ابوذر هرکه دامن خود بر زمین
کشد از تکبر حق سبحانه و تعالی نظر عنایت بحال او نکند در روز قیامت روایت
که امیر المؤمنین علی ع براهی میرفت شخصی جامه دراز پوشیده بود و بانگ برو زد
که جامه خود را بردار که زمین او را نخواهد ای ابی ذر هرکه بردارد جامه خود را
از زمین از برای رضای خدا پس از کبر بریست دیگر فرمود که هرگاه امت من
سایل را محروم سازند و بتکبر راه روند حق سبحانه و تعالی سوگند یاد کرده که ایشان را
با یکدیگر گذارم روایت از امام جعفر ع که روزی امام زین العابدین ع
جامهای فاخر پوشیده از منزل بیرون آمد و باز گشت جاریه طلب نمود
و جامهها را بوی داد که بجای برد من چنان خیال میکنم که من علی ابن حسینم
و آنحضرت هرگاه که راه میرفت گویا مرغ بر سر آن آشیانه کرده است
براست و چپ خود نظر نمیکرد و فرمود که بینی طغیان میکند حسن بن
صیقل گوید که روزی امام جعفر ع جامه امیر المؤمنین علی ع را در آن شهید کرده
بودند بیرون آورد و ملاحظه نمود دامن او دوازده شبر بود و بدن آستینش با
وی سه شبر امام محمد باقر علیه السلام دو پیراهن میخرید و غلام خود را مخیر
میساخت که هرکدام میخواهی بردار و آن دیگر نزد من گذار و چون پوشیدی

آستین آنقدر که دراز بود بریدی و شکر خدا را بسیار گفتی روایت از ابی عبدالله
که روزی امیرالمؤمنین علیه السلام جامه خرید بیک اشرفی پیراهنی و لنگی و ردایی بعد از آن
سر بسوی آسمان کرد و شکر باری تعالی بجای آوردی تا آن زمان که بخانه رفت فرمود
که لباس لایق ما نیست لیکن این زمان اگر آن جامه را بپوشیم مردمان ما را
دیوانه خوانند و یا گویند ریا میکند و لیکن چون قایم ما ظاهر شود لباس لایق
این خواهد بود هشام بن مالک گوید که شنیدم از ابی عبدالله علیه السلام که هرگاه
مردی از شما جامه کهنه یا درشت پوشد کبر پیرامون او نگردد حق سبحانه و تعالی
او را بیامرزد عبدالله یعفور گوید که من پرسیدم که حد کبر چیست فرمود
که مرد نظر کند بنفس خود چون لباس نو پوشید خوش دارد که جامه زیبا
فاخر پوشد و او را بران ببینند مردمان و بعد از ان فرمود بَلِ الْاِنْسانُ
عَلٰی نَفْسِهِ بَصِیرَةٌ روایت کند ابن سنان از ابی عبدالله علیه السلام
که پدرم دو جامه داشت چون نماز گذاردی آن را پوشیدی و چون حاجتی
بجناب حق تعالی داشتی بآن جامه دیگر شدی روایت کند ابو طلحه بن زید از ابو عبدالله
که روزی امیرالمؤمنین علیه السلام در میان مردمان خطبه میخواند و جامه آنحضرت
که لباس درشتی بود که بعضی آن را از پارهای صوف پینه کرده بود گفتند
یا امیر چرا این را پوشیده فرمود که درین لباس خضوع و خشوع زیاده میشود
و مؤمنان بآسانی پیروی میتوانند کرد عبدالله عباس گوید که چون از بصره

بازگشتم و بیت المال را بخدمت بردم دیدم که در بازار کوفه ایستاده امر
بمعروف مینماید و نهی از منکر میفرماید پیش رفتم و سلام کردم جواب فرمود و از
احوال من پرسید و شادی کرد که شمشیر خود را میفروشم شخصی آمد و شمشیر را
بخرید چهار درهم آن را پیراهن خرید و دو درم آن را تصدق نمود و یکدرهم
سه روز مرا مهمانی کرد حسین بن کثیر گوید که امام جعفر الصادق علیه السلام
جبه پشمین در میانه دو پیراهن که لباس درشت میپوشید شخصی از سبب
آن پرسید فرمود که پدرم را دیدم چنین میکرد ما هرگاه نماز میگذاریم
ستبرترین جامهای پوشیم فضل ابن کثیر گوید که بر ابی عبدالله علیه السلام
جامه کهنه پرپینه دیدم پس نظر کردم بسوی او فرمود چه نظر می کنی
درین جامه نظر مکن درین کتاب نظر کن پس نظر انداختم دران کتاب که
پیش وی بود درانجا بود که لباس نو نپوشد کسی که کهنه نپوشد ابن بابویه
روایت کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله پنج چیز را ترک نفرمود
تا حین وفات با بندگان ۱ بر زمین طعام خوردن ۲ و بر خر الاغ سوار
شدن ۳ و گوسفند دوشیدن ۴ و جامه صوف پوشیدن
۵ سلام بر کودکان کردن میفرمود تا سنت بود بعد از من فصل پنجم
در بیان کراهیت لباس شهرت چند امام جعفر علیه السلام فرمود
که کافیست رسوایی مرد که جامه برای شهرت پوشد

وسواری برای شهرت کند حق تعالی دشمن دارد شهرت لباس را عباد بن کثیر بصری گوید
که بخدمت ابی عبدالله ع آمدم در حالتی که جامهٔ شهرت پوشیده بودم آنحضرت
فرمود ای عباد این چه جامه است گفتم یا ابا عبدالله عیب میکنی مرا فرمود بلی
که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر که بپوشد لباس شهرت را در دنیا حضرت
عزت لباس خواری در وی پوشاند در آخرت روایت که نزد امام موسی ع
دشمن تر از لباس شهرت نبوده چون جامه نو دوختی آنرا به آب
فرو بردی تا طراوت او شکسته شدی بعد از آن پوشیدی مرویست
که ابی عبدالله ع مردی را دید که بر بالای پیراهن ازار پوشیده بود فرمود
مکن کین کریه است ۵ امام محمد باقر ع این را مکروه میداشت و میفرمود که این فعل
جبابره است ۵ و رسول الله صلی الله علیه و آله نهی فرموده از آن و از کشف ران
امت خود را ۵ ابن مهران گوید که ابی عبدالله ع مردی را دید که دامن جامه را
بر زمین میکشید فرمود که مرا مکروه می آید که مردان خود را بصورت زنان
بیارایند دیگر فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله زجر میفرمود مردی را
که مانند زن خود را میساخت در لباس و زن نیز هرگاه خود را بلباس
مرد آراید و میفرمود که بهترین جوانان شما آنانند که شباهت بکهلان
داشته باشند و بدترین کهلان آنانند که خود را مانند کنند بجوانان
یونس بن یعقوب گوید که من بعیادت ابی عبدالله ع رفتم بر قبه تکیه زده بود

وجبه از خز پوشیده بود و لحافی از پوست روباه فرمود که باکی نیست لیکن
در نماز نپوشند که بر آن نماز جایز نیست عبدالله بن سنان گوید که از
ابی جعفر محمد الصادق علیهم السلام شنیدم که پوستینی بجهت پدر بزرگوار من
از عراق آورده بودند بر سبیل هدیه اما چون نماز گذاردی از آن بینداختی و از
امام رضا علیه السلام پرسیدند از پوست روباه و سنجاب و سمور فرمود که سنجاب
با پدر بزرگوارم دیدم اما نهی مینمود از روباه و سمور مرا **فصل ششم در بیان دستار و طاقیه**
سکونی گوید که حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام روایت کند از حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله که عمامه تاج عرب است پس هر که بر سر بست حق سبحانه و تعالی عزت
او را بیفزاید دیگر فرمود که دستار ببندید که حلم را بیفزاید ابو اسحق گوید که
دیدم امیرالمؤمنین علی علیه السلام را که خطبه میخواند برو ازار و ردا و عمامه بود
و امام موسی علیه السلام فرمود مِنَ الْمَلَائِکَةِ مُسَوِّمِینَ که در قرآن وارد
یافته مراد عمامه دارند و رسول الله صلعم عمامه می بست و فرو میگذاشت
در پیش و پس خود طرف آنرا معاویه بن عمار گوید که من از ابو عبدالله علیه السلام
شنیدم میفرمود روزی که رسول الله بفتح مکه توجه نموده بود عمامه سیاه
بسته بود و وقتی که بحنین میفرمود باز عمامه سیاه بسته بود امام محمد باقر ع
فرمود که فرشتگان در روز بدر عمامه سفید بسته بودند و اطراف آن
گذاشته بودند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که دو رکعت نماز با عمامه

کذاردن تهجد است از چهار رکعت بی عمامه عبدالله بن سلیمان کوید که من با پدرم
در مسجد بودیم که حضرت امام زین العابدین ع تشریف آورد و من او را ندیده بودم
و وی عمامه سیاه بسته بود و دو طرف او را فرو کذاشته بود بر دوش
مردی که نزدیک من بود پرسیدم از او که این چه کسست کفت چونست
از دیگری پرسیدی از مردی که درین مسجد اند کفتم زیرا که من ندیده ام
بهتر از هیات و نیکویی و سیرت مثل این بزرکوار از آنجهت پرسیدم از تو
آن مرد کفت این علی ابن الحسین است علیهما السلام ابو عبدالله علیه السلام روایت
کند که حضرت پیغمبر صلعم دستار امیر المؤمنین علی علیه السلام بدست مبارک خود
می بست از پیش کوشه او بیخت و از عقب او بیخت بقدر چهار انکشت بعد از آن
کفت برو پس حضرت امیر رفت دیکر فرمود بیا آمد فرمود که اینچنین بود
دستار فرشتکان روایت از امام موسی ع که بدرستی که من ضامنم آنکه را
که بسفر بیرون می رود و تحت الحنک بسته باشد از سه چیز یکی آنکه ایمن باشد
از سوختن و دیگر از غرق شدن و دیگر از دزدان در حال دستار بستن
این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیْمَانِ وَتَوِّجْنِی بِتَاجِ
الْکَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیْمَانِ
مِنْ عُنُقِی و باید که ایستاده دستار بندد با تحت الحنک محمد بن علی
کوید که دیدم علی ابن الحسین علیه السلام را که طاقیه خز بر سر داشت و آستر آن سبز بود

ابو عبدالله علیه السلام روایت کند که رسول صلی الله علیه و آله طاقیه مصری سفید
بر سر میکذاشت در حال حرب که دو کوشه داشت از امام رضا علیه السلام
پرسیدند از مردی که پوشیده بود طاقیه درازی که در پس سری انداختند فرمود
که ابو عبدالله علیه السلام از آن امید داشت بجهت آنکه مانع آفتاب میبود آما در
آن منع میفرمود و میفرمود که از پوشش یهود است حسن بن مختار کوید که امام
موسی علیه السلام فرمود مرا که بفرما برای من طاقیه بسازند که بناخن درو
چنینها نسازند که مثل من سیدی را لایق نباشد که طاقیه که درو بناخن
چینها افکنده باشند بپوشد فصل بیست و ششم در پوشیدن موزه و کفش
روایتست که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
موزه پوشیدندی ابو صباح نقل میکند از ابی عبدالله ع که امیر المؤمنین علی ع
در سفر هنوز شب باقی بودی که سوار شدی شبی چون اختیار سفر افتاد
یکموزه پوشید خواست که یکموزه دیکر بپوشد ناکاه مرغی از آسمان
بیامد و آن موزه را بر داشت و بالا کرفت چون روز شد آن موزه را
انداخت از اندرون او ماری بیرون آمد روایت که موزه سیاه
پوشیدن سنت است و موزه سرخ شعار جباران است و سفید طریق
پادشاهان نقلست از ابی عبدالله ع که در سفر موزه سرخ پوشیدن
منع نیست اما در حضر نه و ابی عبدالله علیه السلام در راه مکه پوشیده بود

مرویست از ائمه علیهم السلام که موزه پوشیدن بجهت حفظ نور چشم بسیار نیکوست
منقولست از ابی عبدالله علیه السلام که روزی پیغمبر صلی الله علیه وآله برخواست شخصی کفش پیش
پای آنحضرت نهاد حضرت دعا فرمود اللّهمّ انّ عبدك هذا الیك
فقرّبه وادنه آورده اند که آنحضرت روزی مضمضه فرمود آن آب را در ظرفی
ریخت شخصی برخواست و آن آب را خورد حضرت دعا کرد اللّهمّ انّ عبدك
تحبّب الیك فاحبّه وامیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود کفش پوشیدن
بدن را نگاه میدارد و مدد است بنماز با پاکی و سنّت است که اوّل کفش را
بپای راست بپوشند و در وقت بیرون کردن اول از پای چپ بیرون کنند
و دعایی که مرویست در وقت کفش و موزه پوشیدن بخوانند اللّهمّ صلّ
علی محمّد وآل محمّد وطیّ قدمیّ فی الدنیا والاخرة وثبّتهما علی
صراط مستقیم یوم تزلّ فیه الاقدام چون از پای بیرون کنند ابتدا
بخوانید بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمیّ من الاذی
اللّهمّ ثبّتهما علی صراطك ولا تزلّهما عن الصراط السویّ ابو عبدالله ع
فرمود که هر که رقعه بر جامه دوزد و کفش را پینه کند از کبر بریست یا بار خود را
بر دارد امام محمّد باقر علیه السلام روایت میکند که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود
که هر که بشاشد در حال ایستادن یا تکیه کند بر قبری از قبور یا بزعم خواب کند
یا بر یک کفش راه رود عارض گردد او را شیطان و از و مفارقت

نکند

بگوید مگر آنچه خدای تعالی خواهد روایت کند امام جعفر الصادق علیه السلام که حضرت
رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که بیرون کشید کفشهارا از پای خود که آن سنّت است
وسنّه نیکو دارد و برای قدمها راحتست ابو عبدالله ع فرمود کسی که کفش
زرد بپوشد آن کهنه نشود تا از مال فایده و خوشحالی بیابد بعد از آن این آیه
کریمه را بخواند صفراء فاقع لونها تسرّ الناظرین و دیگر فرمود که
هر که کفش زرد بپوشد در شادی باشد تا کهنه شود سفیان بن سعید گوید
که من بخدمت ابی عبدالله علیه السلام رفتم و کفش سیاه پوشیده بودم
فرمود که چیست ترا که کفش سیاه پوشیده آیا ندانسته که در وی سه خصلت بد است
گفتم کدام است فرمود که بینایی چشم را ضعیف میکند و آلت تناسل را
سست میکند و غم می آورد و این از پوشش جباران است برتست از
پوشش کفش زرد که آن برخلاف اینست بینایی را زیاده میگرداند و آلت را
محکم میسازد و غم را میبرد و این از پوشش انبیاء علیهم السلام است و فرمود که سنّت
نست که موزه سیاه باشد و کفش زرد وامام علی النقی علیه السلام فرمود
که اگر موزه و کفش پای کسی را جراحت کند خاکی را بگیرد از دیواری و آنرا
بر سنگی به آب دهن نرم سازد و بر آنجا نهد به گردد باذن الله تعالی

فصل در باب مسکن و خانه و آنچه جایز است از آن و آنچه منفعت به آن

امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که از سعادتست وسعت منزل و دیگر فرمود

که مومن را راحت وسعت منزل امام موسی ع فرمود که بهترین عیش دنیا گشادی
منزلست و بسیاری دوستان یحیی بابل سکونی روایت کند از ابی عبدالله
که رسول صلعم فرمود که از سعادت دنیا مرد آنست زن صالحه است و مسکن
گشاده و مرکب خوب و فرزند شایسته ابو عبدالله علیه السلام از امیر المومنین علیه السلام
روایت کند که خانه شرفی می باشد و شرف آن پیشگاه گشاده بیند
شایسته و مرا از برکتی میباشد و برکتش خوبی موضع است و گشادگی
و نیکوی همسایگان روایت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که سعادت
مرد چهار چیز است و شقاوت او چهار چیز سعادت آن زن صالحه و مسکن گشاده
و همسایه نیک و اسب پسندیده اما شقاوت آن زن بدکردار است و مسکن
بد ناهموار و همسایه ناشایسته و مرکب بد وانچه آنحضرت فرمود که ایمنی بدکان
کاهی حاصل میشود که ایمن گردند از شر همسایه بد دیگر فرمود که حرمت
همسایگان مانند حرمت مادر مهربانست محمد بن مسلم گوید که امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که ای محمد خانه را زیاده از هفت ذرع بنا مکن که هرچه زیاده مسکن
جنیانست چه مسکن ایشان نه در زمینست و نه در آسمان بلکه در هوا است
و در بعضی روایات هشت ذرع و نه ذرع نیز آمده است وانچه زیاده از آنست
بر آن آیة الکرسی نویسد که جن مسکن نسازند از امام جعفر الصادق علیه السلام
منقولست که مردی از انصار شکایت نزد رسول الله صلعم برد از خانهای که

وبت

وبت فرمود که بلند بسازد انچه توانایی داری و از حق سبحانه و تعالی درخواه تا بتو
گشاده گرداند ابو عبدالله ع روایت کند از رسول الله صلی الله علیه و آله که کسی که خانه
بنا کند باید که گوسفندی بکشد و بفقرا بخوراند و این دعا بخواند اللَّهُمَّ ادْحَرْ
عَنِّي وَعَنْ أَهْلِي وَوَلَدِي مَرَدَةَ الْجِنِّ وَالشَّيَاطِينِ وَنَازِلْ فِيهِ
بِنُزُولِي بدرستی که آن خانه بر او مبارک گردد و حاجت او روا شود انشاء الله تعالی
و هم از ابو عبدالله ع روایت که هر بنایی که از کفایت زیاده است پس آن
وبالست بر صاحبش دیگر فرمود که هر که بیندوزد مالی را بی وجه حلال مسلط
سازد آنکس که آن مال را به بنای آب و گل صرف سازد روایت که رسول الله صلی الله علیه و آله
که جاروب کنید خانهای خود را مانند گرد دیدیهود که جاروب کردن خانه
موجب زیادتی روزیست و همچنین شستن کاسه و کوزه و دیگر آنحضرت
فرمود که چون از خانها در تابستان بیرون روید در روز پنجشنبه و چون زمستان
بخانه آیید روز جمعه عبدالله عباس روایت کند که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
در تابستان شب جمعه بیرون آمدی و در شب جمعه نیز در زمستان درون رفتی
سماعة بن مهران گوید که پرسیدم از امام جعفر ع از بستن در و بر گردن
ظرف و نشاندن چراغ فرمود که به بندید درها را که شیطانی نتواند
بردشت و بنشانید چراغ را که موش نمیتواند خانه را سوراخ کند و بستنت
در خانه کبوتر نگاه داشتن و گوسفند و گربه که ایشان ستون خانه اند

است

و در روایت دیگر خروس است و مانند آن که شیطان از ایشان گریزانست
و زیادتی برکتست منقولست که در خانه سه چیز باید که باشد خروس و گربه
و کبوتر و مرویست که خروس سفید در خانه دفع شر سحر و کهانت و کفر
میکند و جعفری گوید که دیدم امام موسی ع چند کبوتر در خانه داشت
نرش کبود و ماده اش سیاه و ایشان را طعمه میداد و میفرمود که شب حرکت
میکنند و مونسند و بیدار میشوم به بیداری ایشان امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که هرکه دوست میدارد ما را که اهل بیتیم علیهم السلام باید که دوست دارد
کبوتر را ابو عبدالله ع فرمود که در خانه باید که کبوتر باشد زیرا که سفیهان
جن بازی میکنند با کودکان خانه هرگاه که در خانه کبوتر باشد مشغول کبوتری گردند
فصل دهم در جامه خواب و فراش و متاع خانه عبدالله عطا گوید که روزی بمنزل امام محمد باقر ع
دیدم که فرشها و جامه خواب و بالشها بر یکدیگر نهاده اند پرسیدم که اینها
چیست فرمود که اینها تعلق بزنان دارد جابر بن عبدالله روایت کند
از امام محمد باقر علیه السلام که جمعی بمنزل امام حسین علیه السلام درآمدند فرشها
و چیزهای زیبا دیدند تعجب کردند ازان پرسیدند آنحضرت فرمود ما کابین
زنان را داده ایم و ایشان این چیزها خریده اند از ما چیزی در اینجا نیست
امام محمد باقر ع روایت کند که چون حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام فاطمه علیها السلام
نکاح نمود و بخواست بساط خانه ایشان از پوست گوسفند بود و بالش از ان

پر کرده

پر کرده بودند از لیف خرما و چوبی نصب کرده بودند و مشکی آویخته بودند
جهت آب و پرده بران پوشیده حسن بن نعیم گوید که من از امام جعفر علیه السلام
شنیدم که میفرمود که چون رسول الله صلعم فاطمه را با امیر علیهما السلام داد متاع
خانه ایشان از عبای پشمین بود و فرش و بالش ایشان از پوست گوسفند
پر از لیف خرما و در کتاب الصادقین آورده که محمد بن ابراهیم طالقانی نقل کرده
که دران دو ماه که رسول الله صلعم از زنان هجرت کرده در خانه تشریف داشت
بجهت دباغت پوست در آهک نهاده آنحضرت خواب مینمود در حصیری
که اثر آن بر پهلوش بهم رسید یکی از اصحاب بدانجا رفت بوی
آن پوست شنید گفت یا رسول الله این چیست فرمود که متاع این قبیله است
چون بر پهلوی مبارکش ملاحظه کرد گفت من گواهی میدهم که تو رسول
خدایی و تو نزد حق سبحانه و تعالی گرامی تری از قیصر و کسری پس چرا
که بر حصیر میخوابی که اثر آن بر پهلوی مبارکت پیدا و ایشان را از متاع دنیا
بسیار هست فرمود که چرا راضی نباشیم که ایشان را دنیا باشد
و ما را آخرت فضل گوید که من پرسیدم از ابی عبدالله ع از مصحفی که
طلا باشد جایز است که در خانه نگاه دارند یا نه فرمود که اگر چنین آن طلا
نبر جایز نیست و اگر آب طلا باشد باکی نیست حلبی گوید که ابی عبدالله ع
گوید که گاه هست که بنماز متوجه میشوم در پیش روی من میباشد بالشی

که دران صورت مرغان منقوش است پرده بر آن میپوشم و دیگر فرمود که قالی
از جانب شام برسم هدیه برای من آورده بودند امر کردم که صورت مرغان را
تغییر کردند باقی بصورت درخت محمد بن مسلم گوید که سؤال کردم از ابی عبد الله ع
از صورت شجر و شمس و قمر چونست فرمود باکی نیست چون دران صورت
حیوانی نیست ابو العباس گوید که من از آنحضرت پرسیدم از قول الهی که
یَعْمَلُونَ لَهُ مَا یَشَاءُ مِنْ مَحَارِیبَ وَتَمَاثِیلَ چه مراد است فرمود که
مراد صورت درختانست و مانند آن ابو بصیر گوید که گفتم مر آنحضرت را
که در خانهای ما فرشها و صورتها نقش کرده اند آیا جایز است یا نه فرمود
که اگر بر زمین انداخته اند و پای بران میگذارند باکی نیست و اگر بر دیوار
و تخت افراشته اند جایز نیست **باب هفتم** در آداب خوردن
و آشامیدن و آنچه تعلق بآن دارد بر سیزده فصل مشتمل است **فصل اول**
در فضیلت طعام دادن و نیکویی کردن و روزه سنت داشتن
در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده قول الهی را که وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَهُوَ
یُخْلِفُهُ یعنی هر که چیزی بشما میرسد و تصدق میکند حق سبحانه تعالی عوض آنرا
بشما میدهد و مدح میفرماید کسی که اندک طعامی داشته باشد و با وجود حاجت
خود تصدق کند وَیُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ
و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که ایمان بخدا ندارد خود چیزی میخورد

و با مادر

و برادر گرسنه بخوابد و ایمان بحق تعالی ندارد که خود را بپوشاند و برادر برهنه باشد
و فرمود که کسی یقین داند بآنکه آنچه صدقه میکند عوض میابد نفس او سخی شود
شنید امیر المؤمنین ع که مردی میگفت که غدر کننده بخیل کمتر است از ظالم فرمود
که دروغ میگویی ظالم گاه هست که توبه میکند و مظالم بصاحبان میدهد
و بخیل زکوة نمیدهد و صدقه نمیدهد و خویش و پیوند و مهمانی در راه
خدا نمی نماید و حرامست بهشت را که بخیل را داخل خود سازد امام
جعفر الصادق علیه السلام فرمود که نجات آخرت در آنست که در دنیا طعام
بمحتاجان دهد و سلام کند بهر کس از مؤمنان و در شب نماز گذارند
که مردمان در خواب گران باشند و دیگر فرمود که اگر کسی هزار درم صرف
کند و یک مؤمن از آن بخورد اسراف نیست و رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که هر کس بروز قیامت ایمان دارد اکرام کند حق را و اگر سخن بر
زبان راند خیر گوید و الا خاموش شود و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود
که اول چیزی که در روز قیامت بآنکس میرسد صدقه آبست امام محمد باقر ع
فرمود که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد که جگر گرم را به آب خنک کند
و هر که جانداری را آب دهد حق تعالی او را نگاه دارد در روز قیامت در سایه
عرش خود امام جعفر الصادق ع فرمود که هر که آب دهد شخصی را در جایی
که آب یافت شود ثواب آزادی بنده دارد و اگر آب دهد در جایی که

آب باشد ثواب زنده کردن مرده دارد و هرکه سبب زنده کی یکی شود کویا همه مردم را
زنده ساخته و دیگر فرمود که نیکوترین اعمال نزد ذو الجلال مومن کرسنه سیر کردنست
و مشقت ازو برداشتن و قرض اورا ادا نمودن منقولست از امام موسی علیه السلام
که اگر کسی توانائی نداشته باشد که با ما نیکویی کند و کسی که توانائی زیارت کردن ما ندارد
نیکویی و زیارت کند برادران مومن را از شیعیان ما و دیگر ابو عبد الله علیه السلام
فرمود که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ثواب صدقه دهنده آنمقدارست و نیکی
ببرادران مومن بیست چندان و ثواب به پیوندان و خویشان بیست و چهار چندان
و منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که حق سبحانه و تعالی فرموده که بهر عبادتی ملکی
کذاشته ام که فرا میکیرد الا صدقه که بدست خود میکیرم و اگر کسی خرما صدقه
کند اورا افزون میکنیم و بزرگ میشود تا بمقدار کوه احد بلکه افزون تر و میفرمایند
که خدای تعالی دوست میدارد انکسی را که طعام میدهد در راه او و کثرت برکت
در خانه او شتابان ترست و بیشتر از مویهای کوهان شتران و رسول صلی الله علیه و آله
فرموده که بدرستی که داخل میکردد در بهشت معروف و اهلش و اول کسی که
وارد کردد با من در کنار حوض کوثر از اهل احسان باشند امام جعفر علیه السلام
فرمود که هر که نیکی ببرادر مومن خود چنانست که نیکی برسول صلی الله علیه و آله
کرده است و دیگر فرمود که من می بینم نیکی را مثل امش که مستحقی بیابانش
کو مستحق معروفست و چیزی نیست که بهتر باشد از معروف مکر ثواب

واین

واین مرادست ازان انچنان نیست که دوست دارد که نیکی کند بمردمان آن نیکی
باشد و نیست کسی که رغبت در ان داشته باشی و قادر کردد بر آن و نیست هر کس
قادر کردد بر ان و اذن یافته باشد بر و هرگاه که رغبت و قدرت و اذن جمع شوند
سعادت تمام کردد برای طالب و مطلوب آن و دیگر فرمود که دیدم معروف را
که صلاحیت ندارد مکر بسه خصلت را تا خاصیت تمام دهد یکی کوچک شمردن آن
و دیگر نهان داشتن آن و تعجیل نمودن در ان چه هرگاه تو آنرا کوچک داری
رایت بزرگ و عظیمت نزد من و امر را برافرشتی و چون پنهان کردی تمامی
تخم سعادت آنرا کاشتی و چون تعجیل کردی سازکاری یافتی و خلاک خواری در چشم
مانعان خیر انباشتی و اکر غیر این کردی نام و نشان نیافتی و تنور ندامت
برای خود تافتی و دیگر چون خواهی که سعادت و شقاوت مرد را بدانی پس نظر
کن که چون خیر بمستحق میدهد نزد حق جل علا او نیکوکارست و اگر بغیر نیکوکار
نیست بغیر مستحق میرساند و دیگر گفت نیکویی ببرادران و سعی در حاجت
ایشان از خواص ایمانند دیگر فرمود که چون گناه کاری را بخشند دوست ترست
نزد باری تعالی از پیر عابد در مانده و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده
که هر که ادا کند انچه خدای تعالی بر او واجب کردانیده او سخی ترین مردمانست
دیگر فرمود هیچ چیز محو نمیکند اسلام را مانند بخل باز فرمود که بخل کند
مثل کشتن مورچه و شناختن از تنهای شرکت و دیگر فرمود که کسی را

صدقه کردن بهتر است از شتر لاغر قربان کردن امام محمد باقر علیه السلام فرمود که نیکوی و صدقه
دفع درویشی میکند و در عمر می افزاید و گناه هفتاد ساله را از مردمی برد ابو عبد الله علیه السلام
فرمود که صدقه کردن دفع مردن بد میکند و هفتاد نوع از انکس دفع مینماید
و شیاطین را از او دور میکند و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که
ادا کند آنچه خدای تعالی برو واجب کرده او سخی ترین مردمانست و دیگر فرمود که
هیچ چیز محو نمیکند اسلام را مانند بخل الا صدقه پنهانی که فرو می نشاند خشم
یزدانی را امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که پیروی کنید آنچه رسول الله صلعم
فرموده که هر که بر خود در سوال بگشاید بی آنکه او محتاج باشد حق سبحانه و تعالی
او را در دنیا محتاج گرداند و در آخرت به آتش خواهد امام الصادق علیه السلام فرمود
که مردی بخدمت رسول الله صلعم آمد و گفت یا رسول الله در آموز مرا چیزی که
چون او را بجای آورم دوست گرداند حق سبحانه و تعالی آنجماعتی را که در آسمانند و آنانی را
که در زمینند فرمود که رغبت کن در آنچه نزد حق تعالی است از ثوابت تا دوست دارد ترا
خدای تعالی و ترک کن از آنچه نزد مردمانست از متاع دنیا تا مردمان ترا دوست دارند
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که اگر سایل میدانست آنچه در سوال کردنست هیچکس از هیچکس چیزی
طلب نمینمود و اگر میدانست دهنده سوال آنچه در عطیه است از منفعت
هیچکس از هیچکس سوال نمیکرد امام زین العابدین علیه السلام روزی که روزه نبود امر میفرمود
بکشتن گوسفندی و آنرا با نان و خرما بمردم بخش مینمود و در حال پختن

استشمام

استشمام بوی آن مینمود امام الصادق علیه السلام فرمود که هر که روزه داری را
روزه بگشاید بقدر ثواب او او را ثواب باشد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود آن بیان بخدا اندازد که شب سیر بخوابد و همسایه او گرسنه باشد و خواب
کند دیگر فرمود که هر که در ماه رمضان روزه مومنی را بگشاید از گناه آمرزیده شود
و ثواب آزادی بنده دارد بعضی گفتند یا رسول الله همه توانایی نداریم که روزه
روزه دار را بگشاییم فرمود که حق سبحانه و تعالی کرامت میدهد این ثواب را
بکسی که آبی یا شیری یا خرمایی بروزه داری دهد امام رضا علیه السلام فرمود که روزه
گشودن تو برادر روزه دار را بهتر است از روزه داشتن تو حضرت رسول علیه السلام
فرمود روزی مر اصحاب خود را که آیا خبر کنم شمارا از چیزی که اگر شما آنرا بعمل آرید
دور گردد از شما شیطان مانند دور بودن مشرق و مغرب گفتند بلی یا رسول الله
فرمود که روزه سیاه میکند روی او را و صدقه پشت او را میشکند و دوستی
با مومنان برای رضای الهی و برداشتن در عمل صالح و مدد نمودن در عمل صالح
عاجز میگرداند او را و توبه و استغفار کردن رگ گردن او را می برد و باز
فرمود که هر چیزی را زکوتیست و زکوة بدن روزه داشتن است و دیگر فرمود
که مرد روزه دار دایما در عبادتست اگر بر بستر خواب باشد مادام که غیبت
مسلمانان نکند که حق سبحانه و تعالی فرمود که روزه بجهت رضای منست جزای
آن نیکوی میدهم و فرمود که روزه دار را دو فرح است یکی نزد روزه گشادن

و بمی نزد رحمت الهی و بحق آنکه نفس محمد بید قدرت اوست که بوی دهان روزه دار
بهتر است نزد حق سبحانه و تعالی از بوی مشک تتار روایت از امام الصادق علیه السلام
که پیغمبر صلعم در اوایل حال چندانی روزه میداشت که مردمان میگفتند که نمی نماید
بعد از آن چندان افطار مینمود که مردم میگفتند که روزه نمی دارد و بعد از آن
یکروز روزه میداشت و یک روز افطار مینمود بعد از آن روز دوشنبه
و پنجشنبه روزه میداشت دیگر چنان شد که هر ماهی پنجشنبه اول و چهارشنبه میانه
و پنجشنبه آخر ماه روزه میداشت و می نمود که ثواب این سه روز مانند روزه
تمام سال است امام جعفر علیه السلام فرمود که هر کس این سه روز از هر ماهی روزه دارد
از وسوسه خلاص شود چون بروزه باشد باید که با مردم کینه و مجادله نکند و بسوگند
دلیری نکند و بسوگند دلیری نماید و اگر کسی سخن ناملایمی گوید تحمل کند و امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که روزه داشتن ماه صبر است و شکیبایی بر مکروه و سه روز روزه
داشتن از هر ماهی زایل میکرداند وسوسها و سینهها را و سه روز از هر شهر
روزه داشتن تمام سالست که حق سبحانه تعالی میفرماید مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ
فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا از حضرت امام جعفر علیه السلام پرسیدند که اگر کسی این سه روز
از هر ماه روزه نتواند داشت صدقه براه خدا تواند داد فرمود بلی هر روز
یک مد از طعام بصدقه دهد و فرمود که اگر روزه داری نزد برادر خود
افطار کند و نگوید که روزه ام که منت بروی باشد حق سبحانه و تعالی ثواب یکساله روزه

بوی دهد و امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت کند از رسول الله صلی الله علیه و آله
که هر که یکروز روزه سنت بدارد حق سبحانه و تعالی او را به بهشت درآورد
و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله هر گاه که افطار سفره نمود این دعا میخواند اللَّهُمَّ
لَكَ صُمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ **فصل دوم در آداب دست
شستن** در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس
میخواهد که خیر او بسیار باشد باید که نزد حضور هر طعام وضو بسازد و دیگر فرمود
که جمع کنید وضوی خود را تا جمع سازد خدای تعالی پراکنده که شما را و دیگر فرمود
که پیش از طعام وضو درویشی میبرد و غم و اندوه زایل میکرداند و در نور
چشم می افزاید و حضرت امام الصادق علیه السلام فرمود که دست شستن پیش
از طعام و بعد از طعام برکت بسیار میکرداند و در روزی می افزاید و صحت
بدن می یابد و دیگر فرمود که ابتدای دست شستن پیش از طعام از صاحب خانه
نماید و دیگر آنکه بر طرف دست راست رود و بعد از طعام از طرف دست چپ
بنیاد کند که چون دست بشوید پیش از آنکه پاک کند بر سر و روی
خود مالد و بگوید اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ لَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ
وَلَا ذِلَّةٌ درد چشم نکشد و دیگر فرموده که ملائکه آمرزش میخواهند از برای
کسی که در آخر طعام خوردن دست خود را بدهن ببرد یعنی بلیسد و در کتاب
مواليد الصادقين آورده که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله چون دست مبارک می شست

بعد از طعام دست را بروی مبارک می مالید و میفرمود الحمد لله الذی هدانا
واطعمنا وسقینا وکل نعماء وصالح اولانا فصل سیم
در خوردن مرویست از امیر المؤمنین علی ع که چون طعام خورید یاد حق کنید
وسخن بیفایده مگوئید چه طعام نعمت خداست و واجبست بر شما نزد نعمت
ستایش او و نیکو دارید صحبت او را و غنیمت شمارید بدرستیکه نعمت میرود
بنزد حضرت عزت و گواهی میدهد بر آنچه صاحب آن کرده از شکر و کفر
دیگر فرمود که چون یکی از شما طعام خورد به ادب بنشیند چون نشستن بنده
بر زمین چون طعام خورد مربع ننشیند که آن نشستنیست که خدا را از او خشم می آید
و قهر می نماید امام الصادق ع فرمود که دراز مکشید بر خوان طعام بدرستیکه
که آن ساعتیست که از عمر شما نمی شمارند و در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده بروایت
امام جعفر ع از امام حسن بن علی علیهم السلام که در خوان طعام دوازده خصلت است
که هر مسلمان را لازم است بفعل آوردن چهار از آن واجبست و چهار سنت و چهار
ادب اما واجب از آن شناختن حق تعالیست و رضای او و نام او بردن
و شکر او بجای آوردن و آن چهار که سنت است دست شستن پیش از
طعام و نشستن بجانب چپ و به سه انگشت طعام خوردن و لیسیدن انگشتان
و ادب خوردن است از طرف خود و لقمه خورد برداشتن و نیک جاویدن
و کم نگرستن بروی مردم عمر بن قیس گوید که در مدینه بخدمت امام محمد باقر ع رفتم

خوان طعام حاضر بود پرسیدم که آداب خوان چیست فرمود چون خوان بر زمین نهی
بگو بسم الله چون برداری بگوی و آنچه در حوالی خوان ریخته باشد برچین
پس انبیت صدخان محمد بن ولید گوید که در خدمت امام علی النقی علیه السلام طعام
میخوردم چون فارغ شدیم و خوان برداشتند غلام خورده طعام را بر
میچید آنحضرت فرمود که اگر در صحرا باشید ریزه طعام را بگذارید اگر
همه ران گوسفند باشد و اگر در خانه باشید بردارید روایت از امام جعفر علیه السلام
مکروه میداشت که بدست چپ طعام خورند یا آب آشامند یا چیزی بردارند
امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که چون طعام خورید ابتدا بنمک کنید اگر مردم
بدانستندی فایده آنرا هر آینه اختیار کردندی بر تریاک مجرب امام جعفر ع
فرمود که در طعام خوردن ابتدا میکنیم بنمک و ختم بسرکه حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که نیکو نان خورشیست سرکه و فقر راه نیابد
در خانه که سرکه باشد و رسول صلعم فرمود که چون خوان بنهید چهار فرشته
بوی داخل میشوند چون بنده از بندگان بگوید بسم الله فرشتگان
گویند بشیطان که ای فاسق بیرون رو که ترا اینجا راه نیست و غلبه
نیست چون فارغ شود بگوید الحمد لله فرشتگان گویند شیطان را
که برو که این قوم دست نداری چه ایشان قومی اند که خدای تعالی نعمت بر ایشان
کرامت فرموده و شکر آنرا بجای می آورند و اگر بسم الله نگوید فرشتگان گویند

بشیطان که ای فاسق نزدیک شو و با ایشان طعام بخور چون بعد از فراغ حمد
خدا نگوید فرشتگان گویند جماعتی که حق سبحانه و تعالی نعمت بر ایشان کرامت
میکند پروردگار خود را فراموش میکنند روایت است که امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود که هر که در حال طعام خوردن بسم الله بگوید من ضامن او میشوم که
هیچ الم بوی نرسد پس ابن الکوا که رئیس خوارج بود گفت یا امیر المؤمنین علی
که من دوشینه طعام خوردم و بسم الله گفتم بر آن و هم الم رسید آنحضرت
فرمود که ای ملعون تو چند نوع چیزی خورده و بر بعضی بسم الله گفته و بر بعضی نه
و امام الصادق علیه السلام فرموده که هر که فراموش کند بسم الله گفتن بر انواع طعام
پس باید که بگوید که بسم الله علی اوله و آخره دیگر فرمود که هرگز خسته نشده ام
جهت آنکه چون ابتدا بطعام خوردن میکنم بسم الله گفته ام و چون فارغ شده ام
الحمد لله را بر زبان رانده ام و شکم چون سیر شد نا فرمان حق جل و علا
میکند نقلست که امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود مر پسر خود امام حسین علیه السلام
که ای پسر من لقمه از طعام گرم و سرد که خوری و هر جرعه آب که آشامی می باید که
پیش از آن بگویی اللهم انی اسألك في أكلي وشربي والسلامة
من وعكه والقوة به على طاعتك وذكرك وشكرك فيما
بقيته في بدني وان تشجعني بقوتها على عبادتك وان
تلهمني حسن التحرز من معصيتك پس بدرستی که هرگاه اینده

خواندی

خواندی از رحمت و الم آن طعام ایمن شدی روایت است که امام زین العابدین علیه السلام
هرگاه که طعام خوردی ابتدا خواندی الحمد لله الذي اطعمنا وسقانا
وكفانا وايدنا وآوانا وانعم علينا وافضل الحمد لله الذي يطعم
ولا يطعم و از امام محمد باقر علیه السلام منقولست که سلیمان بن داود علیهم السلام
هرگاه که دست از طعام باز میداشت میگفت اللهم اكثرت واطبت
فزد واشبعت وارويت فهنه و چون امام جعفر علیه السلام از طعام
خوردن فارغ میشد میفرمود الحمد لله الذي اطعمنا في جائعين
وسقانا في ظمآنين وكسانا في عارين وهدانا في ضالين وحملنا
في راجلين وآوانا في ضاحين واخدمنا في عانين وفضلنا
في كثير من العالمين و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون خوان بردارند
بگوید الحمد لله رب العالمين اللهم اجعلها نعمة مشكورة
و در کتاب نجات آورده که دعای بعد طعام خوردن اینست الحمد لله الذي
يطعم ولا يطعم ويجير ولا يجار عليه ويستغني ويفتقر
عليه اللهم لك الحمد ما رزقتنا من طعام وادام في يسر
وعافية من غير كد منا ولا مشقة بسم الله خير الاسماء رب
الارض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء وهو
السميع العليم اللهم اسعدني من معطي هذا الخير واعذني

مِنْ شَرِّهِ وَمَتِّعْنِي مَنْفَعَتَهُ وَاَسْلِمْنِي مِنْ ضَرِّهِ اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
ودعای نزد فراغ از طعام اینست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَاَشْبَعَنِي وَسَقَانِي
وَاَرْوَانِي وَصَانَنِي وَحَمَانِي اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي عَرَّفَنِي الْبَرَكَةَ
وَالْيُمْنَ بِمَا اَصَبْتُهُ وَتَرَكْتُهُ مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ هَنِيئًا
مَرِيئًا وَلَا وَبِيًّا وَاَبْقِنِي بَعْدَهُ سَوِيًّا قَائِمًا بِشُكْرِكَ
مُحَافِظًا عَلَى طَاعَتِكَ وَارْزُقْنِي رِزْقًا دَارًّا وَعِشْنِي عَيْشًا
رِزْقًا قَارًّا وَاجْعَلْنِي نَاسِكًا بَارًّا وَاجْعَلْ مَا يَتَلَقَّانِي فِي
الْمَعَادِ مُنْجِيًا سَارًّا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ در کتاب طب الائمه
علیهم السلام منقولست که امام جعفر الصادق ع فرموده وقتی که برادر بد طعام مخورید
مگر که مضطر شوید بآن و در کتاب بصایر آورده که عاصم گفت که بحج میرفتیم
چون بمدینه فرود آمدیم امام موسی ع انجا تشریف داشت خواست که ما را
مهمانی کند فرمود تا طشتی آب آوردند و ایشان دست شستند و از طرف
راست ایشان طشت گردانیدند بعد ازان نمک آوردند فرمود که بسم الله الرحمن الرحیم
بگویید و بخورید بعد ازان سرکه با گوشت شانه بریان کرده آوردند فرمود
که بخورید و بسم الله بگویید بدرستی که این طعامیست که پیغمبر صلی الله علیه و آله دوست میداشت
و بعد ازان زیت آوردند فرمود که این طعام را فاطمه زهرا دوست میداشت
و بعد ازان آش آوردند سرکه کرده فرمود که حضرت امیر المومنین علی علیه السلام این آش را دوست میداشت

بعدازان

بعدازان قلیه بادنجان آوردند فرمود که امام حسن ع این را دوست میداشت بعد ازان
ترید و شیر ترش آوردند فرمود که امام زین العابدین ع این طعام را دوست میداشت
و بعد ازان خاگینه آوردند گفت من این را دوست میدارم بعد ازان خلال آوردند
و فرمود که زبان بهم بگردانید انچه بزبان بیرون آید فرو برید و انچه بخلال
بیرون آید بدور اندازید و بعد ازان طشت آوردند و از جانب چپ آنحضرت
بنیاد کردند تا جمیع مردم دست شستند فرمود که ای عاصم شما در نیکویی
با یکدیگر در چه مرتبه اید عاصم گفت در نیکوترین وجهی پس آنحضرت فرمود که
هر کدام از شما هستید که چون حاجتی داشته باشید بخانه برادری روید
و انچه خواهید بردارید و او در خانه نباشد چون بیاید ملکدر نشود عاصم
گفت نه آنحضرت فرمود که شما نیستید بخوبترین وجهی نیکویی با یکدیگر و عمر
بن شمر گوید که من دیدم که ابو عبد الله ع تکیه زده طعام تناول نموده باشد
۱۲ و فرمود که رسول الله صلعم تکیه زده طعام تناول نمیفرمود امیر المومنین علی
فرمود که از طعام خوان میریزد هر دو را اشنافشت و پیغمبر ص ع
فرمود که باد دمیدن در طعام برکت از ان میبرد دیگر آنحضرت فرمود
که دیدم کسی را که از خوان طعام ریخته بود بر میچید و دعای برکت بر ان
کرد که بُورِكَ لَكَ وَبُورِكَ اِلَيْكَ و فرمود که هر که چنین کند
حق سبحانه و تعالی او را نگاه دارد از جنون و جذام و برص و دزدی

وحماقت امام موسی ع فرمود که سه چیزاست که بر مومن حساب نمیکنند طعامی که بخورد
وجامه که میپوشد و زن صالحه که یاری میکند و برا در دین و برا نگاه میدارد
وامیر المومنین علی علیه السلام فرمود طعام را بگذارید تا سرد شود که پیغمبر صلعم میفرمود
که حق سبحانه و تعالی آتش را با نمیخوراند و دیگر آنکه برکت در طعام سرد است
نه در طعام گرم دیگر آنکه آنحضرت فرمود هر که بعد از طعام کاسه را بلیسد
فرشتگان بر او صلوات فرستند و دعا کنند که روزی بر وی گشاده گردد و در
حسناتش بیفزاید ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که چون میوه نزد رسول الله
آوردندی او را بوسه دادی و بر چشم نهادی و این دعا خواندی اللّهمّ
ارتنا اوّلها و آخرها و دیگر فرمود که سزاوار نیست که مرد بزرگ
سالرا که خواب کمر که طعام سیر خورده باشد چون آن بخواب رود نماینده تر است
از بوی بد دهان نگاه دارنده تر دیگر فرمود که مرا عجب می آید از کسی که خود را
نگاه میدارد از طعام ناسازکار که الم کشد و خود را از گناه نگاه نمیدارد
تا از آتش دوزخ برنسد دیگر فرمود چیزی خوردن در بازار دنائت است
روایت که شخصی پرسید از امام الصادق ع که اگر کسی در گشت زاری
واقع شود میتواند که خوشه از آن بچیند فرمود که چه اگر هر که برو بگذرد
و از آن خوشه بچیند فرمود که هر که بگذرد از آن خوشه بچیند پس برای صاحب
هیچ نماند مرویست که شخصی گفت یا رسول الله ما طعام میخوریم و سیر نمیشویم

اند لی

فرمود که گویا شما بعد از یکدیگر طعام میخورید پس باید که جمع شوید در طعام و نام
خدای برید تا برکت یابد مرویست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون طعام خورید
از پیش خود بخورید و از بالای کاسه مخورید که برکت بر بالای کاسه است
و دست از طعام مکشید اگر هم سیر باشید تا همنشین شما در چیزی خوردن
خجل نشود و ترک طعام خوردن نکند شاید که میل داشته باشد نقلست
که حضرت رسول صلعم همیشه بر روی خاک طعام خوردی و فرمودی که بیشتر مردم
که در دنیا از طعام سیرند در آخرت گرسنه اند دیگر فرمود که نور و حکمت در
گرسنگیست و دوری از خدا در سیری و نزدیکی بحق دوستی با مسکینان و درویشانست
دیگر فرمود که بسیار طعام و آب دل را می راند و دیگر فرمود که هر که حلال بخورد
فرشته بر سر او می ایستد و استغفار برای او میکند تا از طعام خوردن
فارغ شود و اگر لقمه حرام بدهن او میرسد تمام ملائکه آسمان و زمین برو
لعنت میکنند تا آن لقمه در شکم اوست و حق سبحانه و تعالی نظر رحمت از و بر
میدارد و او را از چشم قدرت خود می اندازد پس اگر توبه کرد خدای تعالی
او را می آمرزد و اگر بی توبه مرد او را بدوزخ در می آورند فصل
چهارم در آداب آشامیدن آب و آنچه متعلق است بدان در کتاب
من لا یحضره الفقیه آورده که حضرت رسول صلعم فرمود که ظرف طلا و نقره
متاع آنانست که ایشان را یقین حاصل نیست امام جعفر الصادق علیه السلام

فرمود که سزاوار نیست که آب بیاشامند بظرف طلا و نقره و قدحی که از اینها
چیزی داشته باشد پس اگر محل ضرورت باشد دهان را از محل آن بگذرانند
و فرمود که مکروهست که روغن دان از نقره و طلا باشد سؤال کردند از آنحضرت
که آب بیکنفس میتوان آشامید فرمود که اگر آنکس که آب بتو داده مملوک تست بسه نفس
فاضلتر است از یکنفس چون شبیه است بر آشامیدن شتر مردست که وقت
آشامیدن آب این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَنْزَلَ الْمَاءَ مِنَ السَّمَاءِ
مُصَرِّفِ الْاَمْرِ کَیْفَ یَشَاءُ بِسْمِ اللّٰهِ خَیْرِ الْاَسْمَاءِ منقولست
از امام جعفر الصادق ع که جمعی نزد پدر بزرگوار من آمدند و گفتند زعم
تو آنست که هر چیزی را حدیست که منتهی میشود بآن چیز پدرم فرمود که بلی
چنین است پس آنحضرت کوزهٔ آبی طلبید تا ایشان بیاشامند ایشان گفتند
یا ابا جعفر حد این کوزه چیست فرمود که حدش آنست که از میان لبان آب
بیاشامد و بران خدا را یاد کند و بسه نفس بیاشامند و در هر نفسی حق را
یاد کنند و از گوشهٔ کوزه آب نیاشامند زیرا که آن جای آشامیدن شیطانست
بعد از ان این دعا بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی سَقَانِی مَاءً عَذْبًا وَلَمْ یَجْعَلْهُ
مِلْحًا اُجَاجًا بِذُنُوبِی و در روایت دیگر آمده اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
سَقَانِی فَاَرْوَانِی فَاَعْطَانِی فَاَرْضَانِی وَعَافَانِی وَکَفَانِی
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ تَسْقِیهِ فِی الْمَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللّٰهُ علیه و آله

الله

وَتُسْعِدَهُ بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و سوال کردند از
رسول الله صلعم که آب ایستاده بیاشامند فرمود که نه دیگر پرسیدند از
ایستاده طعام خوردن فرمود که بدترست و از امام جعفر الصادق ع پرسیدند
که آب چه طعم دارد فرمود که طعم حیات فرمود که آب بیاشامند بسه نفس
یکنفس بشکر آب آشامیدن و دیگری بجهت راندن شیطان و دیگری بجهة شفای
الم اندرون و عبد الله عباس گفت من دیدم رسول الله صلعم را بسه نفس آب
آشامید و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که چون مگس در ظرف شما افتد او را
در طعام فرو برید بدرستی که در یکی از پرهای او شفاست و در یکی زهر و چون
افتد پری که زهرست فرو می برد باید که مگس را بالتمام فرو برد و بیرون اندازند

فصل پنجم در آداب خلال کردن در کتاب من لا یحضره الفقیه آورده از وهب
بن عبد ربه گفت دیدم که امام جعفر الصادق ع را که خلال میفرمود پس نظر کردم
بسوی او فرمود که رسول الله صلعم میفرمود که آن پاکی دهانست و در خبر دیگر
وارد یافته که حق مهمان آنست که از برای او مهیا سازند فضل بن یونس
پرسید از امام موسی ع از حد خلال فرمود که بشکن سر او را تا بیخ
خون آلود نکند امام رضا ع فرمود که بچوب ریحان و انار خلال مکنید که آن
عروق جذام را بحرکت می آورد و رسول صلعم بهر چوب خلال مینمود الا بچوب
خرما و نی و آنحضرت فرمود که رحمت خدای بر خلال کنندگان امت من که

در وضو و طعام خلال کنند روایتست که امام جعفر ع فرمود که سرمه بوی دهان را
خوش میکند و خلال رزق را می افزاید منقولست که پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که پاک گردانید دندانهای خود را بخلال که جای آن دو فرشته است
که نگهبان شما اند و ثبت عمل شما میکنند و آب مراد ایشانست و قلم
ایشان شما و مکروه میدارند که طعام در دندان شما بماند روایتست از امام محمد تقی ع
که فرشته ندا میکند از آسمان که اللهم بارک فی الخلالین و المتخللین که
بار خدایا برکت ده خلال کنندگان و سرکه داران را چو سرکه بمنزلهٔ مرد صالح است
و دعای او برکت کند بر اهل خانه و میفرمود که جبرئیل ع نازل شد بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
در باب خلال از نزد ذو الجلال و امام الصادق ع فرمود که خلال کنید
بر اثر طعام که آن پاک میسازد دهان را و دندان را و میکشد روزی را بر بنده
روایت کند محمد بن حسن از آنحضرت که هر که بچوب نی خلال کند تا هفت
روز حاجت او روا نشود امام موسی ع فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرموده که خلال کنید که فرشتگان دشمن میدارند آنکس را که ببینند در بن دندانهای
ایشان چیزی از طعام امام رضا ع فرمود که امام حسین ع فرموده که چون ما خلال
میکردیم امیر المؤمنین علی ع میفرمود که آب پاشانید بگرو قتی که دهان را نوبت
بشوئید **فصل ششم در فضیلت نان و سایر ماکولات** مرویست از حضرت
امیر المؤمنین علی ع که او فرموده که نان را گرامی دارید و خورد میکنند و پای بر آن منهید

دوم ۵ فلا

ششم

و چون ظاهر شود انتظار او غیر او میکشد چوب بدتر که خدای تعالی او را از آسمان فرستاده
و از برکات زمین بیرون آورده و حضرت رسول الله ص ع دعا فرمود که بار
خدایا برکت فرما در نان پس اگر نان نمی بود ما نماز نمیگذاردیم و روزه نمیداشتیم
و قرض الهی را ادا نمیکردیم و ابو عبدالله ع فرموده که گرامی دارید نان را
که انواع مباح عیش و زینت در و عمل کرده اند و بنای جسد بر آنست و امام الصادق
فرمود که قوت رسول الله ص ع از جو بود و حلوایش از خرما و نان خورش از زیت
و امام رضا علیه السلام فرمود که فضیلت نان جو بر گندم چنانست که فضیلت
ما بر مردم و تمام انبیا ع از جو خورده اند و دعای برکت آن کرده اند و هر
شکم که رفت بیرون می آورد درد ها را و جو قوت پیغمبرانست و طعام نیکوکاران
و خدای تعالی روا نمیدارد قوت انبیا را بر اشقیا **دیگر** فرمود امام الصادق ع
که اگر بدانستی که خدای تعالی در چیزی شفا باشد از نان جو آنرا غذای پیغمبران نمیساخت
دیگر فرمود که نان برنج دوای مسلوبست و هیچ چیز نیست فایده مندتر از و
در باب سل و هیچ چیز نیست که باقی ماند از صباح تا شب مگر نان برنج و امام رضا ع
فرمود که سید طعام دنیا گوشت و برنجست و امام الصادق ع فرمود
که نان جاورس سبکست و چون شیر زمست و نافعست از برای معده
فصل هفتم در منافع آبها امام جعفر ع فرمود که سید شراب بهشت آبست
و مرویست از ابو طیفور طبیب گفت که رفتم بخدمت امام رضا ع و او را

منع کردم از آشامیدن آب فرمود که سبب منع آب چیست حال آنکه او
طعام را هضم میکند و در معده صفرا می برد و عصب را تسکین میدهد و در
عقل می افزاید و حرارت را می نشاند امام جعفر ع فرمود که آب زمزم شفای
هر دردیست بدین واسطه آنرا می آشامند و در حدیث دیگر آمده که
آب زمزم شفای هر دردیست و امانت از هر خوف سارم گوید که از اصحاب
یکی را وجعی گرفت بمرتبهٔ که بمرگ رسید من بخدمت امام جعفر ع رفتم فرمود
یا سارم فلان را چه حالتست گفتم نزدیک بمرگ رسیده فرمود که اگر من آنجا
میبودم آب ناودان کعبه باو میدادم صحیح میشد پس ناگاه بارید و قدحی
آب ناودان کعبه باو آشامیدم صحیح شد چنانچه سبوق جو خورد امیر
المؤمنین علی ع فرمود آب باران را بیاشامید که بدن را پاک میسازد و مرضها را
میبرد چنانچه حق سبحانه و تعالی فرموده وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ
وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ خالد بن جریر گوید که ابو عبد الله ع فرمود که اگر من
شامی بودم هر روز در آب فرات غسل میکردم و یک انار از قریه سورا میخوردم
و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که رود نیل مصر دل را میمیراند و روی را
بر آن آب میشوید که موجب پری و بی قوتیست و دیگر فرمود کسی که تب گرم
داشته باشد آب سرد بر او ریزند که گرمی آنرا می نشاند و تسکین صفرا میدهد و هضم

طعام

طعام میکند و معده را نافع است و تب را می برد و دیگر فرمود که آب گرم
فایده دارد برای همه چیز و مضرت نمی رساند بهیچ چیز دیگر فرمود که چون کسی را
از شما بحمام رود باید که سه کف آب گرم بیاشامد که در آب روی می افزاید و درد را
میبرد و امام رضا ع فرمود که آبی که جوشش زده به آتش و آنرا گردانیده باشند
از ظرفی بظرفی دیگر پس آن تب را زایل میگرداند و ساق و قدم را قوت
میدهد و ابو عبد الله ع فرمود که حذر کنید از آشامیدن آب بسیار که آن
مایهٔ هر درد و المیست و هرگاه که آب کمتر میخورید مستقیم میماند مکان آب شما
و رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که چون کسی چربی خورد باید که آب کمتر خورد
گفتند یا رسول الله شما کمتر آب میل می فرمایید فرمود که آن برای گوارنده گی
طعام بهتر است و امام الصادق ع فرمود که اگر کسی در روز آب ایستاده بیاشامد
طعام وی هضم شود و اگر آب شب ایستاده بخورد مرض استسقا پیدا کند
و اگر در شب بیاشامد باید که بخواند السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ وَمَاءِ الْفُرَاتِ
و رسول صلعم فرمود که چون آب بیاشامید بمکید و بگلو میندازید که بر جگر
ضرر است

فصل هشتم در گوشتها و متعلقات

امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود که گوشت سید طعامهاست در دنیا و آخرت امام رضا علیه السلام
فرمود که نزد حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله حکایت گوشت و پیه میکردند
آنحضرت فرمود هر مقدار که از آن در معده رود درد بیرون رود و شفا بیاید

و دیگر فرمود که چون طعام بزید آتش زیاده کنید و بهمسایه برسانید و ابو عبدالله
روایت کند از پیغمبر صلی الله علیه و آله که ما جمیع پیغمبران گوشت معتادیم زراره گوید
که ما در خدمت امام محمد باقر ع چهار روز گوشت خوردیم در ماه شعبان ادیم گوید
که گفتم با امام جعفر ع که بمن رسیده این خبر که خدای تعالی خشم میکند بر دلی که گوشت
بسیار میخورد آنحضرت فرمود که آن دلیست که گوشت مردم میخورند چون پیغمبر دوست
دوست میداشت گوشت را و هرکس که چهل روز گوشت نخورد بدخلق شود
و هرکس که بدخلقت باید که گوشت بخورد تا خلقش نیکو گردد و هرکه پیه بخورد
درد از بدن او برود و دیگر فرمود که هر که را ضعفی در بدن یا درد دل داشته باشد
گوشت گوسفند شیردار بخورد روایتست از امیرالمؤمنین علی علیه السلام
که پیغمبری از پیغمبران شکایت کرد نزد حق تعالی از ضعف بدن فرمود که گوشت با شیر بخور
تناول کن اینچنان کرد قوت گرفت امام موسی ع فرمود که گوشت را بپیه میرویانید
و درد را میبرد مرویست که کسی بخدمت امیرالمؤمنین ع رفت آنحضرت گوشت
و نان خشک تناول می نمود از آن حال پرسید فرمود که پیغمبران ع نان را
خشک ترمیخوردند و جامه از پشم تر میپوشیدند من نیز اینچنین کردم که
اگر مبادا بوی لحق نشوم و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که چهل روز گوشت
نخورده باشد باید که شخصی جهت او قرض کند برای رضای حق تعالی تا او بخورد
و مردی گفت نزد امام الصادق ع که میگویند که هرکه سه روز گوشت نخورد

بدخلق میشود فرمود که دروغ میگویند که هر که چهل روز نخورد بدخلق میشود
روایتست از سعد بن سعد که گفت مر امام موسی ع که مردم من گوشت گوسفند
نمیخورند فرمود چرا گفتم میگویند که موجب صفرا و صداع و اوجاعست
فرمود که اگر خدای تعالی میدانست که چیزی از گوشت بهتر است آنرا فدای اسمعیل
میفرستاد دیگر از امام محمد باقر ع فرمود که گوشت در دست و روغن با شیر
شفا و دوست و هم آنحضرت فرمود که بنی اسرائیل شکایت کردند نزد موسی
از برص حضرت موسی شکایت ایشانرا عرض کرد وحی آمد که بگو ایشانرا
که بخورید گوشت گاو و جواز ایا جعفر امام الصادق ع فرمود که در گوسفند
ده چیز است که نباید خورد آنچه در شکمه اوست و خون و پشت بازو و سپرز
و شبیت و قضیب و خصیتان و بچه دان و رگهای گردن و سیاهی چشم
و ده چیز از مرده پاکست شاخ و سم و استخوان و دندان و پنیرمایه و شیر
و موی و پشم و پر و تخم و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که بر شما باد که گوشت
بخورید چه مؤمن و مخالف که بوده اند میخورند امام جعفر الصادق علیه السلام
فرمود که سه چیز بدنرا ضعیف میکند و بسا که بهلاکت بکشد خوردن
گوشت قدید بوی گرفته و بحمام رفتن و بسیار جماع با پیره زن روایتست
از جابر بن عبدالله که پیغمبر صلی الله علیه و آله امر فرمود که توانگران گوسفند نگاه
دارند و فقیران مرغ امام موسی ع فرمود که گوشت کبک ساق را قوی میسازد

وتب را می برد و علی بن مهزیار گوید که من با امام محمد باقر ع گوشت قطا خوردم
فرمود که این مبارکست و آنحضرت را خوش می آمد و میفرمود که برقا را اسود دشمن ندارد
وامام موسی علیه السلام فرمود که گوشت جاری خوبست از برای بواسیر و درد پشت
و درباه می افزاید و پیغمبر صلی الله علیه و آله میفرمود که هرگاه شکایت از درد دل
و غم و الم داشته باشید گوشت دراج بخورید که نافع است و خشم را فرو
می نشاند ابی عبدالله علیه السلام فرمود که ماهی بسیار خوردن سبب مرض سل است
و دیگر فرمود که ماهی تازه بدن را تازه میکند و حضرت رسول الله صلعم
هرگاه که ماهی خوردی این دعا خواندی اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَاَبْدِلْنَا
لَنَا خَيْرًا مِنْهُ جعفری گوید که نوشتم به امام موسی ع که ضعف بدن
دارم و خون و صفرا هردو غالبست اگر حجامت میکنم صفرا غالب میشود و اگر
حجامت نمیکنم خون غلبه میکند پس آنحضرت جواب نوشت که حجامت
کن بعد از آن ماهی تازه بخور مکرر این حال را اعلام کردم پس این جواب فرمود
پس حجامت کردم و از آنحضرت از ماهی سقنقور که با پوست و چنگ و دنبال
در معجون میکنند فرمود که باکی نیست و امیرالمومنین علی ع فرمود که ماهی و ملخ
هردو پاکند پس هرچه از اینها در دریا مرده مرده است امام موسی علیه السلام
فرمود که چون بلغم غلبه شود متفرق شوید و بکسر بگویید چون چنین کنید
بلغم ها می روند علی بن هشام شکایت برد نزد امام رضا ع از هضم نشدن طعام

درمعده

درمعده فرمود که زرده تخم مرغ بخور چنین کردم فایده یافتم امام جعفر الصادق ع
فرمود که اگر کسی را فرزند نشود باید که تخم مرغ سیاه بخورد دیگر امیرالمومنین علی ع
فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله شکایت برد بسوی خدای تعالی از قلت نسل در امت
پس حق سبحانه تعالی وحی فرستاد که ایشان را امر کن بخوردن نان و تخم مرغ روایت
از امام محمد باقر ع که پیغمبر صلعم شکوه کرد نزد خدای تعالی از درد پشت پس حق تعالی
امر کرد که بگندم و گوشت که حریسه بپزند و بخورد که پشت را قوی میگرداند و دیگر
فرمود که اگر چیزی برکت باز میداشت آن مشتشه بود و آن طعامیست
از برنج و نخود و باقلی منزکرده شده بشیر پزند علی بن سلیمان گوید که در خدمت
امام رضا علیه السلام گله گوسفند میخوردیم آنحضرت فرمود تا سویق
آوردند گفتم که حاجت کار است که امتلا میشوم از سره گوسفند فرمود که اندکی
از سویق هضم آن میکند و دوای او اینست یونس بن بکر گوید که امام رضا ع
گفت مرا که از چیست که رنگت را زرد می بینم گفتم که تب کشیده ام فرمود
که گوشت بخور پس خوردم بعد از یکهفته مرا باز بآن رنگ دید فرمود که نگفتم
ترا که گوشت بخور گفتم من غیر آن چیز نخوردم از آن روز که شما گفته اید
فرمود که چه گونه گفتم پختم و خوردم فرمود که کباب کن و بخور آنچنان کردم
جمعه دیگر دید مرا فرمود که حالا رنگ بروی شما آمده زراره گوید که پرسیدم
از امام محمد باقر ع که مرغان کدام حلالند فرمود که آنچه در حال پرواز بال می جنباند

حلال است دیگر پرسیدم از تخم مرغ آن فرمود که اگر معلوم نباشد که از کدام
مرغ است و سر و بنش مساویست حرامست والا سرهای او مساوی نیست حلال است
و دیگر پرسیدم از مرغی که در آب صید میکنند فرمود که اگر در پای سیخ هست
و در شکم سنگ دان دارد حلالست والا نه

فصل نهم در بیان شیرها

روایت از ابی عبد الله ع که پیغمبر صلی الله علیه و آله عسل را دوست میداشت
و فرمود که لیسیدن عسل شفاست از همه دردها است امام رضا ع فرمود کسی که
درد پشت داشته باشد شیر و عسل او را نافع است روایت از ابی عبد الله ع
که هیچ چیز مردم را شفائی نبخشد که مثل عسل باشد برقی گوید که یکی
از اصحاب گفت زنی قدری بمن داد بمکه برم و جام کعبه از آن بسازند بجهت
شفای بیماری چون بمکه رفتم نخواستم که بخادمان دهم چو ظن خیانت
داشتم پس چون بمدینه رفتم حکایت بامام محمد باقر ع عرض نمودم فرمود
که بر آن عسل و زعفران بخر با قدری از خاک تربت امام حسین ع در آب باران
شربت کن و بشیعیان قسمت نما تا خستگان را بآن دوا کنند امیر المؤمنین ع
فرمود که عسل شفاست از هر دردی و بلغم را ببرد و دل را روشن میکند
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بیاشامد در هر ماهی یک نوبت عافیت
یابد از هفتاد و هفت مرض و امیر المؤمنین ع روایت کرده از رسول ص
که برنج چراست که قوت حافظه را می افزاید و بلغم و نسیان را می برد

سواک

مسواک کردن و روزه داشتن و قرآن خواندن و عسل و شیر خوردن امام جعفر ع
فرمود که خاک قبر امام حسین ع همه دردها را دواست چون برداری بگوی که
بسم الله اللهم اجعله رزقا واسعا و علما نافعا و شفاء من
كل داء انك على كل شيء قدير و فرمود که اگر شیعه ما بخورد
شفای همه دردهاست و اگر دشمن بخورد میگدازد همچون پنبه و فرمود که
از شما بخورد خواهد بمقدار نخودی بر انگشتان بردارد و ببوسد و بر چشم گذارد
و بر تمام اعضا بمالد و این دعا بخواند اللهم بحق هذه التربة و بحق
من حل فيها و بحق ابيه و امه و اخيه و الائمة من ولده
و بحق ملائكتك الحافين و ان تجعلها شفاء من كل داء
و برءا من كل آفة و ضرر مما اخاف و احذر بعد از آن بخورد
و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله سوال کردند که گل ارمنی جهت دفع درد شکم
خوردن جایز است فرمود که بلی لیکن آن گل قبر ذو القرنین است و خاک قبر
امام حسین ع از آن بهتر است و فرمود که خوردن گل حرام است و هر کس که بخورد
و بمیرد نماز برو نکنند ارم الا قبر امام حسین ع دیگر فرمود که چیزی بیش من
دوست تر باشد از شکر علی بن یقطین گوید که شنیدم از امام موسی علیه السلام
فرمود که هر که دو حبه نبات بخورد نزد خواب هر درد را شفاست الا مرگ
دیگر فرمود که اگر مردی را هزار درهم بخشد و همه را شکر بخرد اسراف نیست

دیگر فرمود جهت تب ده درم نبات یا قند به آب خنک شربت کند و بخورد بهنهار
دیگر فرمود سه چیز ضرر ندارد انگور رازقی و نیشکر و سیب دیگر فرمود
که نیشکر سده را میگشاید و با او دردی و المی نیست و امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود که خرما بخورید که شفای همه رنجها و هر که خرما ناشتا بخورد هیچ مضرت
بوی نرسد و دیگر فرمود که هر که هفت دانه خرمای عجوه پیش از طعام بخورد
از زهر و سحر و شیطان مضرت نیابد دیگر عبد الله فرمود که عجوه خرمای نادره است
و آدم علیه السلام نخل آنرا از بهشت آورده پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که خانه
که خرما در آن نباشد اهل آن خانه همه گرسنه اند دیگر فرمود که جبرئیل ع آمد و خرمای
برنی از بهشت آورد و فرمود زنان در آن ماه که زایند این خرما بخورند تا فرزند
نیکو سیرت باشد و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وصف برنی میفرمود و میگفت
که در وی نه خصلت است اول آنکه پشت را قوی میگرداند ۲ و حایل میشود میان شیطان ۳
و طعام را سازگار میگرداند ۴ و بوی دهان را خوش میسازد ۵ و در قوت سمع و بصر
می افزاید ۶ و نزدیک میگرداند بخدای تعالی ۷ و دور میگرداند از شیطان رجیم ۸
و میبرد درد را از بدن بی خلل ۹ دیگر فرمود چون حلوای خرما پیش آرند باید که
باز نگردانند و دوسترین حلوات نزد آنحضرت حلوای خنک بود ۱۴ و امام رضا
فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله چون خرما میخورد استخوانش بر پشت دست
مینهاد و می انداخت نقل فرمود از پدر بزرگوار خود که رسول صلی الله علیه و آله

چون روزه بود ابتدای طعام بخرما می نمود **فصل دهم در ذکر میوه ها**
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون آدم علیه السلام از بهشت بیرون آمد
حق سبحانه و تعالی از میوهای بهشت بوی داد و تعلیم فرمود او را بطریق تربیت
که این میوهای بهشت است لیکن ازان حالا آن گذشته و امام الصادق علیه السلام
فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هیچ اناری نیست مگر یکدانه انار بهشت در آن
باشد و آن دانه بمعده هر مسلمانی که رود چهل صباح نورانی باشد روایت است
که آنحضرت انار را در شب جمعه میخورد و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که انار را
با پیه بخورید که معده را پاک میسازد و چون آنحضرت انار میخورد دستارچه
می افکند و میخورد و میفرمود از جهت آنکه دانه بهشت دارد جمعی گفتند
یا امیر جهودان و ترسایان آنرا میخورند فرمود حق تعالی فرشته میفرستد تا
آن دانه را برمی دارد تا ایشان نخورند امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود
که پنج نوع از میوهای بهشت در دنیا موجود است انار ملس و سیب شامی و انگور
و به و رطب و دیگر فرمود که هر مومن که یک انار را تنها بخورد خدای تعالی
پریشانی از دل او ببرد و صدر وی و اگر دو انار بخورد حق سبحانه و تعالی وسوسه شیطان را
از خاطر او دور میسازد تا آنکه گناه نکند و هر که گناه نکند در بهشت رود و امام زین العابدین
فرمود که هر که در صباح جمعه پیش از طعام یک انار بخورد چهل صباح دل او
نورانی شود و وسوسه شیطان از او دور باشد و معصیت نکند شیخ ابو جعفر

که طفلانرا انار بدهید که موجب فصاحت ایشانست روایت که رسول الله صلعم
فرمود که به بخورید که موجب قوت دلست و مورث شجاعت و دیگر فرمود که به را
بسپل تحفه بفرستید که چشم را روشن میسازد و بزنان آبستن دهید که نیکوی
صورت و سیرت میشود با اولاد او و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده که سیب
قوت حیاتست و بددل را شجاع میسازد و امام الصادق ع فرمود که هر که
به بخورد حق سبحانه و تعالی چهل روز بر آن او را بحکمت بگشاید و بوی به بوی پیغمبر است
مرویست که حق سبحانه و تعالی هر پیغمبری را که مبعوث گردانید به بدست او بود و امام
رضا علیه السلام فرمود که شخصی بهی بخدمت رسول الله صلعم آورد آنحضرت او را
بشکافت بعضی از ان تناول فرمود و باقی بحاضران مجلس بخشش نمود بعد از آن فرمود
بر شما است بخوردن به که دل را روشن میگرداند و وجع سینه را میبرد و در عقل
می افزاید امام رضا ع فرمود که به را ناشتا بخورید که نیکو شود آبروی شما
امام محمد باقر ع فرمود که به غم را می برد امام رضا ع روزی پر خوبوی را
دید فرمود که پیراهن برخورده بود و نطفه او سرایت کرده و در روایت
دیگر وارد یافته که به بوی پیغمبران دارد و مورد بوی حوریان و گل بوی ملائکه
نقلست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سیب پیش از طعام بخورید که معده را
قوت میدهد و امام موسی ع از جد بزرگوار خود روایت کرده ما که اهل بیتیم
دوا میکنیم به آشامیدن آب سرد و خوردن سیب و امام رضا علیه السلام

فرمود که سیب

فرمود که سیب دفع میکند سحر و زهر و جنون را و آنچه عارض شود از بلغم و غیر آن
و نیست چیزی پر فایده تر از سیب زیاد جعدی گوید که با برادرم سیف
بمدینه رفتیم مردم را خون بسیار از دماغ می آمد برادرم نیز آنچنان شد
بخدمت امام جعفر ع رفتیم و حال عرض نمودم فرمود که او را سیب بده دادم او را
به شد ابوذر رحمة الله علیه گفت شخصی طبقی انجیر بهدیه نزد رسول الله صلی الله علیه و آله
آورد آنحضرت فرمود مر اصحاب خود را بخورید که خوردن آن دفع بواسیر میکند
و تر و خشک در جماع می افزاید امام رضا ع فرمود که انجیر بوی دهن را میبرد
و استخوان را قوی میسازد و رودها را دوا است روایت که امام جعفر علیه السلام
فرمود که نوح نبی شکوه کرد از غم و اندوه و حزن وحی آمد بوی که انگور سیاه
بخور که غم را می برد دیگر فرمود که دو چیز است که بهر دو دست باید خورد انگور
و انار پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که انگور را دانه دانه بخورید و دیگر فرمود که بهار
امت من انگور و خربزه است امام رضا ع فرمود که امام زین العابدین علیه السلام
انگور دوست میداشت کنیزکی خوشه انگور نزد آنحضرت برد درویشی آمد
و طلب نمود آنخوشه را بوی داد آن کنیز رفت و آن خوشه را از آن درویش
خرید و نزد آنحضرت آورد سایلی دیگر آمد باز همان خوشه را بوی داد همان جاریه
رفت و باز انگور را از سایل بخرید و نزد حضرت آورد دیگر سایلی آمد باز بهمان
طریق داده و کنیزک خرید و آنحضرت انگور را تناول نمود امیر المؤمنین علی علیه السلام

فرمود که امرود دل را روشن میکند و دردهای اندرون را تسکین میدهد زیاد عقلی
گوید که من بخدمت امام رضا ع رفتم طرفی پیش وی نهاده بود و در وی آلوی سیاه بود
فرمود که این حرارت را می‌نشاند و تسکین میدهد صفرا را و خون را کم میکند [illegible]
از رسول صلی الله علیه و آله که هر که در هر روز پیش از طعام بیست و یک عدد مویز سرخ بخورد
در جسد خود چیزی از علت نبیند و فرمود که بر شما است که مویز بخورید بدرستیکه صفرا را
میبرد و دفع بلغم میکند و بدن را صحیح میدارد و خلق را نیکو میسازد **روایت**
که شخصی گفت چشمم سفید شده بود که هیچ نمیدیدم حضرت امیر المؤمنین علی ع را در خواب دیدم
و حال خود عرض کردم فرمود که عناب را بکوب و در چشم بکش عناب را با استخوان
کوفتم و در چشم کشیدم تیرگی از چشم برفت و بینا شدم و دیگر فرمود که گوشت
سنجد گوشت را می‌رویاند و استخوانش استخوان را و پوستش پوست را و با این
خواص گرم میسازد و دباغ معده است و امانست از بواسیر و تقطیر و قوی میسازد
ساق را و قطع میکند رگ جذام را **روایت** از پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود در حالت
تب با امیر المؤمنین علی علیه السلام که سنجد بخور تا تب تو زایل شود

فصل یازدهم در ذکر سبزیها

در حدیث وارد شده که بر خوان طعام سبزی حاضر کنید که شیطان
از آن میگریزد امام جعفر الصادق ع فرمود که هر چیزی را زینتیست و زینت خوان
سبزیست احمد بن هارون گوید که من بخدمت امام رضا ع رفتم آنحضرت سفره
طلبید و بران سبزی نبود فرمود که ای غلام نمیدانی که من بی سبزی طعام نمیخورم

سبزی

سبزی آورد با طعام تناول نمود امام الصادق ع فرمود که کدو در دماغ و عقل
می‌افزاید **نقلست** که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که کدو را بسیار در آش کنید
که قوت عقل و دماغست و آنحضرت روزی در مجلس بود نزد او قلیه کدو آوردند
آنحضرت کدو را بر میچید و میخورد امام جعفر ع فرمود که هر که شب بخسبد و هفت ورق
کاشنی در شکم او باشد ایمن شود از قولنج و دیگر فرمود که هر که خواهد که فرزند او
بسیار شود کاشنی بسیار بخورد که هر صباح بر و قطره چند از بهشت بر و میچکانند
در وقت خوردن او را میفشانید دیگر فرمود که هر که در روز جمعه هفت برگ
کاشنی بخورد در بهشت رود و امام رضا علیه السلام فرمود که کاشنی شفای هزار درد است
کسی نزد آنحضرت آمد تب و صداع داشت فرمود که کاشنی بکوبند و در میان کاغذ
نهند و روغن بنفشه و روغن بادام بر و چکانند و بر سر بندند صداع تسکین یابد
و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که هر که کاشنی بخورد و بران بخوابد زهر و سحر بر و کار نکند
و تب از و زایل شود ساری گوید که امام رضا ع فرمود که برتست که کاشنی
بخوری که در آب پشت می‌افزاید و فرزند را نیکو میسازد و آن گرم و تر است
و در نرینه می‌افزاید امام محمد باقر ع که ما سیر و پیاز و گندنا میخوریم موسی
بن بکیر گوید که غلام امام موسی ع علت سپرز داشت فرمود که سه روز
گندنا بوی دهید بوی دادند صحت یافت امام الصادق ع فرمود که هر چیزیرا
سیدیست و سید سبزیها گندناست امام محمد باقر علیه السلام فرمود

که کندنا دفع باد میکند و بوی دهان را خوش میسازد و بواسیر را قطع مینماید
و امانست از جذام هرگاه که بسیار خورند موسی بن بکیر گوید که بخدمت امام موسی علیه السلام
فرمود که رنگ ترا زرد می بینم گندنا بخور خوردم زردی روی من زایل شد روایت
از امام الصادق ع که امیر المؤمنین ع فرمود که پیغمبر صلی الله علیه و آله بادرنجبویه را دوست میداشت
امام جعفر ع فرمود که او سبزی پیغمبرانست و او را هشت خاصیت است هضم طعام
میکند و سده را میگشاید و بوی دهن را خوش میسازد و سل را می برد و امانست از
جذام و اگر در اندرون آدمی جای کند دفع تمام دردها میکند و اهل بهشت خوان نعمت را
به آن می آرایند و امام جعفر الصادق ع که نروید از زمین بهتر از خرفه و آن سبزی فاطمه زهرا ع
و پیغمبر صلعم فرمود که خرفه بخورید که عقل را می افزاید امام الصادق ع فرمود که شب
کنگر مخورید که رگ جذام و برص را در دماغ بحرکت می آورد امام حسین ع روایت کرده
از امیر المؤمنین علی ع که رسول الله صلعم وصیت کرد مرا در چند چیز از انجمله فرمود که این
سبزی الیاس و یوشع بن نونست مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که
سداب نیکوست از برای درد گوش امام رضا علیه السلام فرمود که سداب عقل می افزاید
لیکن آب پشت را پراکنده میسازد دیگر آنحضرت فرمود که چغندر بخورید که در کنار بهشت
روییده و بهمه دردها شفاست و پی را محکم میکند و استخوان را قوی میسازد اگر
دست گناهکاران بدان نمیرسید برگ او آنمقدار پهن میشد که شخصی بپوشد
امام جعفر الصادق ع فرمود که حق سبحانه و تعالی از یهود جذام برداشت بجهت آنکه چغندر میخوردند

روایت از امام

روایت از امام الصادق ع که پیغمبر صلعم فرمود که اگر خواهید آنرا بخورید و بوی آنرا بشنوید
در حالت بریدن مرا یاد کنید و شیخ ابوجعفر رحمة الله آورده که امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود که اصل ترب دفع بلغم میکند و هضم طعام می نماید امام الصادق علیه السلام
فرمود که بر شماست بخوردن شلغم که غذاست و پنهان دارید او را از اهلش
و هیچکس نباشد که در او عرق جذام نباشد پس بخوردن آن بگذارید تا انرا زایل سازد
روایت که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که سیر بخورید و به آن مداوا کنید که شفای هفتاد
درد را دواست و فرمود که یا علی سیر بخور که اگر من با ملک حکایت نمیکردم میخوردم
و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که سیر نباید خورد مگر آنکه پخته باشد و چون خورند
بمسجد نباید که روند و از امام الصادق ع همین مرویست امام محمد باقر ع فرمود که پیغمبر صلعم
فرموده که چون بشهر روید پیاز همان شهر را بخورید که وبا را از شما دفع میکند امام الصادق ع
فرمود که باکی نیست خوردن پیاز که در دیگ باشد و فرمود که بوی پیاز بوی دهن را
خوش میسازد و درباه می افزاید نقلست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که طعام عیسی علیه السلام
باقلا بوده تا او را به آسمان بردند فرمود که باقلا با پوست بخورید که دباغ معده است
امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که باقلا رنجها را دفع میکند و در او هیچ رنجی
نیست و مرویست که پیغمبر صلعم فرمود که بخورید بادنجان را که درختیست در بهشت که
گواهی داده بوحدانیت حق تعالی و نبوت من و بولایت امیر المؤمنین ع و هر کس که بعقیده
دوا بخورد او را دوا حاصل شود امام علی النقی علیه السلام فرمود کارکنان خود را

که بسیار بخورید بادنجان را که در گرما سرد است و در سرما گرم و معتدل است در وقت
اعتدال و نیکوست بهر حال امام جعفر ع فرمود که نزد پدر بزرگوار من بادنجان بروغن بریان
کرده ایستاده بود و او درد چشم داشت و او را میخورد شخصی گفت ای فرزند رسول خدا
این گرم است و مناسب نیست فرمود که خاموش باش که منقولست از جد بزرگوار من
که بادنجان از پیه زمینست و نیکوست و هر چیزی را فایده ایست و فرمود که برنجهاست
بباد نجان بورانی که شفاست و ایمن میکردانند از برص تخصیص که بروغن زیت پخته باشند
داود بن فرقد گوید که من بخدمت ابا عبد الله ع رفتم نزد او زردک نهاده بود یکی
از آنها بمن داد گفتم مرا دندان نیست فرمود که بکنیزک بده تا بکوبد و بخور که گرده را
گرم میکند و باه را قوت میدهد و امانست از بواسیر و قولنج امام موسی علیه السلام
روایت کند که رسول صلعم خربزه تناول می نمود با شکر و خرما روایتست از امیر المؤمنین ع
که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که خربزه بخورید که بهتر که آب او رحمتست و شیرینی او از جنت
هر که یک لقمه از و بخورد هزار حسنه در دیوان او بنویسند و هفتاد هزار گناه از و محو کنند
و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که در خربزه دردی و شری نیست و در و ده خصلت است
طعامست و آبست و میوه و ریحان که بوی خوش دارد و نان خورش و حلوا و اشنان
و خطمی که اندرون را پاک میسازد و تر میگرداند و نقل و دواست و امام رضا علیه السلام
فرموده که خربزه بناشتا خوردن موجب فالج و قولنج میشود امام جعفر ع روایت کند
که پیغمبر صلی الله علیه وآله بادرنگ میخورد با نمک و میفرمود که بادرنگ که میخورید از اول او

کلانه

بخورید که برکت آن بیشتر است روایتست که رسول صلعم فرمود که شونیز همه دردها را شفاست
الا مرگ و آنحضرت او را دوست میداشت محمد بن ربیع گوید که من شکوه
کردم با امام الصادق ع از درد شکم فرمود که شونیز بخور که شفاست از هر دردی
که ما بجهت تب و درد چشم و شکم و هر دردی که بما میرسد آنرا میخوریم و حق تعالی
شفا میدهد روایتست از پیغمبر صلی الله علیه وآله که نیست شاخی و برگی و شکوفه از درخت اسفند
که فرشته بران موکل نیست و فایده آن بهر جا که باید رساند تا نگذارند که فرو رود
و در اصل و فرع آن نفع عظیمست و هر دانه او هفتاد درد را دواست محمد بن حکیم گوید
که پیغمبری از پیغمبران شکوه کرد بحق تعالی از بد دلی امت خود وحی آمد که امر کن ایشانرا
بخوردن اسفند و پرسیدند از امام جعفر ع از فایده اسفند و کندر فرمود در
خانه که یکدانه او باشد شیطان ملعون نمیتواند آمد و هفتاد خانه که در حوالی او
و هفتاد درد را دواست که آسان ترآن جذام است پس باید که از شما فوت نشود
اما کندر مختار پیغمبران کرام علیهم السلام است که پیش از این بوده اند و مریم بنت عمران
بر آن بخور کرده و هیچ دودی نیست که زودتر از آن بآسمان رود و آن گشنده
جنیانست و دفع کننده دردهای بیدرمان میکنند پس باید که از شما فوت نشود منقولست
که رسول صلعم فرمود که زنان آبستن را کندر بدهید تا بخایند که موجب زیادتی
عقل فرزندان ایشان میشود و در هر خانه که دود کنند عفاریت و جن از آنجا دور شود
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که خاییدن کندر دندانرا محکم میسازد و بلغم و بوی دهن را

می برد امام رضا علیه السلام فرمود که کندر را بسیار بخائید که بلغم را از معده می برد و
و عقل را قوت میدهد **فصل دوازدهم در حبوبات** روایتست که یکی از اصحاب
امام رضا علیه السلام بهق داشت آنحضرت فرمود که آش ماش بخور و ماش تر را با برگ
از آبکوب و آب آنرا بگیر و ناشتا بخور و بر بهق نیز بمال بخیان کرد صحت یافت
روایتست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که شنبلیله بخورید که اگر امت من بدانند که چه مقدار
فایده دارد آنرا بوزن طلا برابر میکردند و هم آنحضرت فرمود امت خود را
بنانخواه و سعتر و شونیز که سعیدی را می برند و گرانی طعام را سبک میسازند و قوت
میدهند معده را و بلغم را قطع میکنند و امانند از لغوه و شخصی نزد امام محمد باقر علیه السلام
آمد و پرسید از نخود فرمود که نیکوست از برای درد پشت امام جعفر علیه السلام
از پدران بزرگوار خود روایت کرده که روزی پیغمبر صلعم بر سجاده عبادت نشسته بود
که عبدالله بن بهان آمد و گفت یا رسول الله من نزد تو بسیار می‌نشینم و سخن تو
می شنوم و دل من رقت نمیکند و اشک از چشم من بیرون نمیشود آن حضرت فرمود
که عدس بخور که عدس دل را تنک میسازد و اشک را روان میکند و فرمود که
پیغمبری از پیغمبران شکایت کرد از امت خود نزد حق تعالی از سختی دل ایشان وحی
باو رسید که ایشان را امر کن بخوردن عدس که در دل رقت پیدا می نماید و غلظت
کبر را می برد و آن طعام نیکو خصال است و هفتاد پیغمبر بر آن برکت یافته اند
که آخر ایشان عیسی بن مریم است و امام جعفر الصادق علیه السلام روایت کند از پیغمبر صلی الله علیه و آله

که برنج

که برنج است که مداوا کنید بسنا که اگر چیزی مداوا و دفع مضرت می نماید اوست
و فرمود که اگر بدانید خواص سنا را هر آینه مثقالی از و به دو مثقال طلا میخرید و
که آن امانست از بهق و برص و جذام و جنون و فالج و لغوه و فرا گیرند و را با مویز
سرخ بیدانه و هلیله کابلی زرد و سیاه و اجزا اینها را برابر یکدیگر استعمال
کنند و ناشتا بخورند سه درم در محل خواب که بهترین دواهاست امام جعفر علیه السلام
فرمود که هر که تب کند بیاشامد در آن شب دو درم یا سه درم از بزر قطونا در شربت
ایمن شود از برسام در آن علت **فصل سیزدهم در دیگر خوردنیها غیر مکرر**
امام جعفر علیه السلام فرمود که پنیر و گردکان با یکدیگر خوردن موجب شفاست و بی یکدیگر
خوردن موجب علت و درد و دیگر فرمود که پنیر هضم طعام میکند و اشتها می آورد
و دیگر فرمود که گرده در گرما خوردن دنبل در بدن پیدا می نماید و در سرما پشت را
گرم میسازد **منقولست** که رسول صلی الله علیه و آله فرمود امیر المؤمنین علی علیه السلام را که در طعام خوردن
ابتدا بنمک کن و ختم بنمک که آن شفاست از هفتاد رنج که از آنجمله جذام و برص
و درد حلق و دندانست و امام الصادق علیه السلام فرمود که هر که لقمه اول را
بنمک زند و بخورد نقطه‌های سیاه سفید از روی او ببرد **روایتست** که امام رضا علیه السلام
پرسید از اصحاب خود که کدام نانخورش بهتر است یکی اشاره بگوشت کرد و دیگری
بروغن آنحضرت فرمود که بهترین ایشان نمکست **روایتست** که رسول صلی الله علیه و آله
بخانه ام سلمه فرمود که یکی از زنان آنحضرت بود او نان بسیار پیش آورد حضرت فرمود

که نان جو رش نزد شما هست ام سلمه گفت یا رسول الله غیر سرکه هیچ نیست فرمود که نیکو
نان خورشیست سرکه در هر خانه که باشد اهل آنخانه فقیر نشوند و فرمود که خدایا برکت
فرما در سرکه که آن نانخورش پیغمبرانست و از امام جعفر ع مرویست که سرکه عقل را
قوت میدهد و صفرا را میشکند و دل را از اندوه خالی میکند و دیگر فرمود از سرکه
که شراب بود و خود نقل نمود بسرکه بخورید که آن جنبنده در شکم شما نمیگذارد مگر آنکه
تقلید را آورد و دیگر فرمود که یوسف پیغمبر علیه السلام در وقتی که بزندان بود شکوه
کرد بحق سبحانه و تعالی از نانخورش نخوردن مامور شد باو که نیکو نانخورشیست
آب و نمک روایت کند امام جعفر ع که پیغمبر صلعم فرموده که بخورید زیت را و تدهین
کنید به آن آن شجرهٔ مبارکست دیگر فرمود که زیت دهن ابرارست و طعام اخیار
و هم او فرموده که چهار چیز است که جلا میدهد دیده را و فایده دارد و ضرر ندارد
از آن پرسیدند فرمود که سعتر و نمک با یکدیگر گفتند خاصیت جمعیت چیست
فرمود که نانخواه و کردکان بواسیر را میسوزانند و باد را میرانند و رنگ معده را
نیکو میسازند و سعتر و نمک بادها را از دل می برند و سده را میگشایند و بلغم را
میسوزانند و آب پشت را بسیار و صاف بیرون می آورند و دهان را خوش میکنند
و معده را نرم میکنند و باه را قوت میدهند ابراهیم نظام گوید که مرا درد دندان
گرفت و یا لوده درد ما نمی رسید تا پخته شد و بعد از آن برف آب در آن آغشته
پس دندانهای من تمام افتاد بعد از آن امام رضا علیه السلام را در خواب دیدم و حال خود

بر آن عرض کردم فرمود که سعد استعمال کن که دندانت را می رویاند بعد از آن بجانب
خراسان رفتم بخدمت آنحضرت و شرح آنخواب را عرض نمودم فرمود که در بیداری
همان جواب میکنم پس استعمال سعد کردم دندانهای من تمام روییده شد مرویست
که حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که بهترین طعامی که روزه دار در سحر بخورد سویق جو است
که مردی گفت مر ابی عبد الله ع را که مرا فرزندیست که بغایت ضعیف و معلول است
فرمود که بسویق مداوا کنید که محکم میسازد استخوانرا و میرویاند گوشت را انام
فرمود که اگر سویق را به آب بشویند هفت نوبت از ظرف بظرف دیگر تب گرم را ببرد
و ساق و قدم را قوت میدهد سیف تمار گوید که حال بیماری از ذوی ابی عبد الله علیه السلام
عرض کردم فرمود که او را سویق جو بخورانید که نیکو میشود انشاالله تعالی و آن غذاست
در اندرون بیمار راوی گوید که یکنوبت او را خورانیدند بهتر شد ابی کبیر گوید
که شکم من درد گرفت بابی عبد الله ع گفتم فرمود که سویق جاورس را که
زیره کرمانی بیاشام همچنین کردم صحت یافتم احمد بن یزید گوید که خون از دماغ
من نمی ایستاد از آنحضرت پرسیدم فرمود که سویق بیاشام چون آشامیدم
خون باستاد دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را می نشاند و معده را قوت میدهد
و حرارت را تسکین میدهد و اندرون را خنک میسازد و هفتاد درد را دوا است
علی بن مهزیار گوید مرا کنیزی بود که خون حیض از و منقطع نمیشد تا نزدیک بمرگ
رسید پس امام محمد باقر ع فرمود که سویق او را بخورانند چنان کردم خون ایستاد

روایت کند امام حسین علیه السلام که پیغمبر صلعم چون شیر خوردی اینه دعا میخواند اللهم بارک
لنا فیه وزدنا منه نعمت که کسی گفت با امام جعفر علیه السلام من شیر خوردم و مرا
مضرت رسانید فرمود که چیزی دیگری با او خورده که مضرت رسانیده از امیر المؤمنین علی
پرسیدم که شیر گاو و چه راست فرمود بلی سؤال کردند از بول او که اگر شخصی بیاشامد
فرمود که اگر احتیاج بدوا باشد او شود باکی نیست جعفری گوید که شنیدم از آنحضرت
که بول شتر بهتر است از شیر او که در وی شفا است روایت از امیر المؤمنین علی علیه السلام
که پیغمبر صلی الله علیه وآله بعد از آنکه شب می آمد طعام مخوردند پس شما ترک آن مکنید که موجب
خرابی بدن است و رسول الله صلعم که هر که ترک کند آنرا شب شنبه و شب یکشنبه توانایی
و قوت تا چهل روز نیاید امام موسی علیه السلام که آن خوردن را ترک مکنید اگر چه
بنان تهی باشد که موجب قوت بدن است و امام الصادق علیه السلام فرمود که اگر همه لقمه
باشد که با نمک باید خورد و آنکه ترک کرد هر شب یک رگ از بدن او میمیرد امام
موسی علیه السلام که هر که تخم مرغ و پیاز و روغن زیت بخورد قوت مباشرت او
بیفزاید و هر که گوشت و تخم مرغ بخورد بسیار شوند فرزندان او یکی از اصحاب
به امام جعفر علیه السلام گفت فدای تو گردم کنیزکان دارم تعلیم کن مرا چیزی که قوت من باشد
فرمود که قلیه و پیاز و تخم مرغ با روغن زیت بخور گفت چنین کردم مفید بود و امام الصادق
فرمود که سه چیز است که خوردنی نیست و موجب فربهیست کتان پوشیدن
و بوی خوش بکار بردن و نوره نهادن و بوی خوش بکار بردن و سه چیز دیگر

موجب

موجب لاغری میشود گوشت خشک خوردن و پنیر و شکوفه خرما و دو چیز است که نفع
دارد و مضرت ندارد شکر و انار **باب هشتم** در آداب نکاح مشتمل بر دو
فصل **فصل اول** در رغبت تزویج و مبارک بودن بعضی از زنان و شوم بودن بعضی از ایشان
امام محمد باقر علیه السلام روایت کند که رسول الله صلی الله علیه وآله فرموده که ایا چه مانع میشود مرد
مومن را که فرا گیرد اهلی را شاید که حق سبحانه و تعالی روزی کند او را فرزندی که گران
سازد زمین را بکلمه طیبه لا اله الا الله و دیگر فرمود که هر که زنی را نکاح کرد
نصف دین را در حفظ در آورد پس باید که پرهیزکاری کند در نصف دیگر
و هم او فرمود که هیچ بنایی نهاده اند در مسلمانی که دوستتر باشد از تزویج دیگر فرمود
که هر که دوست دارد فطرت مرا باید که پیروی کند سنت مرا که آن نکاح است
دیگر فرمود که هر که توانایی داشته باشد بنکاح و نکند از ما نیست و دیگر فرمود
که طلب کنید روزی را بنکاح که هر که ترک کند نکاح را بجهت خوف درویشی پس گمان
بد بپروردگار خود برده باشد ان یکونوا فقراء یغنهم الله من
فضله دیگر فرمود که نکاح بسیار کنید تا بسیار شوند امت و در روز قیامت
گویند مر فرزندان شما را که بروید به بهشت گویند نرویم تا مادر و پدر پیش از ما
نروند امام جعفر علیه السلام روایت کرده از امیر المؤمنین علی علیه السلام که نیکوترین شفاعتها
آنست که شفاعت کند بر کسی در نکاح تا حق تعالی جمع کند میان ایشان و پیغمبر صلعم
فرمود که نکاح کنید و از زنا حذر کنید که آن [illegible] زیان ایمانست و دیگر فرمود

که دو رکعت نماز که کدخدا گذارد فاضل تر است که شخص بی زن روزه دارد
و شب را زنده داشته باشد و دیگر فرمود که بدترین مردگان شما بی زنانند
امام جعفر علیه السلام که دوستی زنان بهتر است از اخلاق و دیگر فرمود که
طلاق مدهید که عرش از آن میلرزد امام زین العابدین عم فرمود که هر که از برای
رضای حق تع زن بخواهد حق سبحانه و تعالی تاج کرامت بر سر او نهد پیغمبر صلی الله علیه و آله
که نیک ترین امت من آنست که روی تازه و خرم داشته باشد و نکاح اندک
و امام الصادق علیه السلام که برکت زن آنست که خرج او کمتر باشد و شومی زن
آنست که خرج او بسیار باشد ابی عبد الله عم فرمود که هر که نکاح کند در وقت
قمر در عقرب نیکوئی نه بیند در روایت دیگر ورود یافته که مکروهست نکاح
کردن در تحت الشعاع

فصل دویم در اصناف زنان و اخلاق ایشان

امام جعفر علیه السلام فرمود
که زنان چهار صنفند ربیع مربع و آن زنیست که فرزندی در کنار داشته باشد و فرزندی
دیگر در شکم و دیگر جامع مجتمع و آن زنیست که خیر او بسیار باشد و زاینده و دیگر
کرب مقمع آن زنیست که با شوهر بد خلقی کند و دیگری غل قمل و آن زنیست
که نزد شوهر چنان نباشد که از و فایده یافت مثل کنه که بر پوست چسپیده باشد
و دیگر فرمود که عقل ایشان در جمال ایشان است [illegible] جمال مردان در عقل ایشان داود
کرخی گوید که گفتم مر ابی عبد الله علیه السلام را که زنم فوت شده و مرا یار و رفیق بود
و میخواهم که زنی بخواهم [illegible] که تا کجا فرا میگیری باید که او کسی باشد

کرحفظ

که حفظ مال تو کند و دین ترا نگاه دارد و خود را از غیر نهان کند و امانت ترا نگاه دارد
پس اگر ناچار شود ترا باید که بر این صفات باشد و امام زین العابدین علیه السلام فرمود
که پنج خصلت که هر که یکی از آن ندارد او ناقص است و عقل او زایل و خاطر او
مشغول و دل او معلول آن صحبت بدبخت و روزی او در فراخ و انیس و موافق یعنی زن صالح
و فرمانبردار و مصاحب لایق و موافق و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که اگر خواهید زنی را
نکاح کنید از موی او سوال کنید چنانچه از روی او سؤال میکنید زیرا که موی زن یکی
از دو جمال اوست دیگر فرمود که بهترین زنان شما آنانند که خوشخوی و خوشبوی باشند
و پاکیزه طعام که اگر نفاق کنند انفاق ایشان بمعروف باشد یعنی چیزی که عرف
و شرع پسندد آنرا و اگر امساک کنند امساک کرده باشند بمعروف پس ایشان
عمل کنندگانند برضای الهی و عمل کنندگانند و نومید نمیباشند ایشان از حضرت منان
امام الصادق عم فرمود که بهترین زنان شما آنست که اگر نافرمانی از او سر زند یا غضب
بر و مستولی گردد گوید دست من در دست تصرف تست و اگر رضای تو نباشد
سرم در چشم نکشم و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که نیکوترین زنان
آنست که شوهر دوست باشد و فرزند زاید و پرهیزکار باشد عزیز بود میان
مردم و ذلیل باشد بر شوهرش و خود را بیاراید و از غیر شوهرش خود را
نگاهدارد و سخن شوهر خود شنود و امر او بجای آورد و چون شوهر غایب شود
براد او سلوک نماید و خود را از دست نگذارد و دیگر فرمود که نیکوترین خادمها

بعد از اسلام زینت مسلمان که چون شوهر برو نظر کند خرم شود و چون او را کاری فرماید
فرمان او بجای آورد و چون غایب شود حفظ خود و مال او نماید **روایتست** که مردی
نزد رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا زنی هست که چون بخانه میروم مرا استقبال
میکند و چون بیرون میروم مشایعت می نماید و اگر می یابد که غمی دارم میگوید که اگر
غم روزی داری حق سبحانه و تعالی کفایت میفرماید و اگر از برای آخرتست زیاده گرداناد
ترا آنحضرت فرمود که او را بشارت ده بگو که ترا در هر روزی ثواب هفتاد شهید است
و امام الصادق ع فرمود که زنان نیکوکار و نیکو صورت بهتر است از حور العین و دیگر فرمود
که حیا ده جزو است نه جزو آن از زنانست و یکی از برای مرد چون شوهر کرد یکجزو او
میرود و چون شوهر با او دخول کرد یکجزو دیگر او میرود و پنج جزو او می ماند اگر بعلاج
زینت باقی می ماند و اگر فجور کرد تمام حیای او میرود و رسول صلعم فرمود که چون زن
نماز پنجگانه بگذارد و روزهٔ ماه رمضان بدارد و خود را نگاه دارد و فرمان
برداری شوهر کند بهر در بهشت که خواهد در رود و فرمود که هر زنی که مدد شوهر
کند در حج و غزا و طلب علم حق سبحانه و تعالی مقدار زن ایوب پیغمبر صلی الله علیه او را
ثواب دهد و فرمود که زن نیکوترین امت من آنست که روی او تازه و خرم
باشد و مهرش اندک امام الصادق ع فرمود که بدترین دشمنان مؤمن زن
بدخلقت و پیغمبر صلعم فرمود که زنان را دو چیز است درماندگی و عورت
پس باید که عورت خود را پنهان سازند و درماندگی را بخاموشی اختیار کنند

و امیر المؤمنین

و امیر المؤمنین علیه السلام فرموده که در آخر الزمان نزدیک بقیامت که بدترین اوقاتست
زنی چند باشند که کشف عورت کنند و از ارکان دین بیرون روند و داخل فتنها شوند
و میل بشهوت کنند و بلذتها شتابند و حرام را حلال دانند ایشان در دوزخ باشند
همیشه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که زنی که صورت خوب نداشته باشد
و فرزند زاید بهتر است از زنی که صورت خوب داشته باشد و نزاید دیگر
فرمود که اگر زنی تمام طلا و نقرهٔ روی زمین را بخانهٔ شوهر آورد و سر زنش او کند
بدان مال نیکوکاری او ضایع میشود اگرچه عابدترین مردمان باشد مگر که توبه کند و عذر
آن از شوهر بخواهد و دیگر فرمود که هر زنی که هجرت گزیند از شوهر بغیر حق او را با فرعون
در روز قیامت حشر کنند و در درک الاسفل باشد مگر که توبه کند و از آن بازگردد
روایتست که رسول صلعم بر جمعی از زنان گذشت فرمود که ای گروه زنان شما نقصان دارید
در عقل و دین و چنان می بینم که بیشتر اهل دوزخ شما خواهید بود پس با تمانید عمل سیئه
کنید و بخدا نزدیک شوید در آن میان زنی گفت یا رسول الله نقصان عقل و دین ما چرا است
فرمود نقصان دین آنکه در وقت حیض نماز و روزه شما درست نیست و نقصان
عقل آنکه گواهی دو از شما برابر یکمرد است و دیگر فرمود که بپرهیزید از زن صاحب
جمال که اصیل نباشد و امام الصادق ع فرمود که مرد بطمع مال و جمال زن کند
آن و زنی و نمیشود و اگر برای حفظ دین باشد روزی او میشود دیگر فرمود که یکی نکاحت
زن کرد امیر المؤمنین علیه السلام خطبه بمنع ادا کرد و دیگر فرمود که اطاعت زنان در جمیع امور

بعد از اسلام زینت مسلمان که چون شوهر برو نظر کند خرم شود و چون او را کاری فرماید
فرمان او بجای آورد و چون غایب شود حفظ خود و مال او نماید روایت که مردی
نزد رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت مرا زنی هست که چون بخانه میروم مرا استقبال
میکند و چون بیرون میروم مشایعت می نماید و اگر می یابد که غمی دارم میگوید که اگر
غم روزی داری حق سبحانه و تعالی کفایت میفرماید و اگر از برای آخرتست زیاده کرداناد
آنحضرت فرمود که آن زن را بشارت ده بگو که ترا در هر روزی ثواب هفتاد شهید است
و امام الصادق ع فرمود که زنان نیکوکار و نیکوصورت بهتر است از حور العین و دیگر فرمود
که حیا ده جزو است نه جزو آن از زنانست و یکی از برای مرد چون شوهر کرد یک جزو او
میرود و چون شوهر با او دخول کرد یک جزو دیگر او میرود و پنج جزو او می ماند اگر بصلاح
زیست باقی می ماند و اگر فجور کرد تمام حیای او میرود و رسول صلعم فرمود که چون زن
نماز پنجگانه بگذارد و روزه ماه رمضان بدارد و خود را نگاه دارد و فرمان
برداری شوهر کند بهر در بهشت که خواهد در رود و فرمود که هر زنی که خدمت شوهر
کند در حج و غزا و طلب علم حق سبحانه و تعالی مقدار زن ایوب پیغمبر صلی الله علیه او را
ثواب بدهد و فرمود که زن نیکوترین امت من آنست که روی او تازه و خرم
باشد و مهرش اندک امام الصادق ع فرمود که بدترین دشمنان مومن زن
بدخلقت و پیغمبر صلعم فرمود که زنان را دو پیراست درماندگی و عورت
پس باید که عورت خود را پنهان سازند و درماندگی را بنجا موش اختیار کنند

وامیرالمومنین

و امیرالمومنین علیه السلام فرموده که در آخر الزمان نزدیک بقیامت که بدترین اوقات است
زنی چند باشند که کشف عورت کنند و از ارکان دین بیرون روند و داخل فتنها شوند
و میل بشهوت کنند و بلذتها شتابند و حرام را حلال دانند ایشان در دوزخ باشند
همیشه پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که زنی که صورت خوب نداشته باشد
و فرزند زاید بهتر است از زنی که صورت خوب داشته باشد و نزاید دیگر
فرمود که اگر زنی تمام طلا و نقره روی زمین را بخانه شوهر آورد و سرزنش او کند
بدان مال نیکوکاری او ضایع میشود اگرچه عابدترین مردمان باشد مگر که توبه کند و عذر
آن از شوهر بخواهد و دیگر فرمود که هر زنی که هجرت گزیند از شوهر بغیر حق او را با فرعون
در روز قیامت حشر کنند و در درک الاسفل باشد مگر که توبه کند و از آن باز گردد
روایت که رسول صلعم بر جمعی از زنان گذشت فرمود که ای گروه زنان شما نقصان دارید
در عقل و دین و چنان می بینم که بیشتر اهل دوزخ شما خواهید بود پس تا توانید عمل سیئه
کنید و بخدا نزدیک شوید در آن میان زنی گفت یا رسول الله نقصان عقل و دین ما چرا است
فرمود نقصان دین آنکه در وقت حیض نماز و روزه شما درست نیست و نقصان
عقل آنکه گواهی دو از شما برابر یکمرد است و دیگر فرمود که بپرهیزید از زن صاحب
جمال که اصیل نباشد و امام الصادق ع فرمود که مرد بطمع مال و جمال زن کند
آن روزی او نمیشود و اگر برای حفظ دین باشد روزی او میشود دیگر فرمود که یکی نیکات
زن کرد امیرالمومنین علیه السلام خطبه بمنبع ادا کرد و دیگر فرمود که طاعت زنان در جمیع امور

نکنید و مال در دست ایشان مگذارید چو اگر ایشان را نخود باز گذارید در مهلکه افتید
زیرا که نزد حاجت ورع ندارند و نزد شهوت صبر نمی نمایند رسول الله صلی الله علیه و آله
پیغمبر مود در دعا از فرزندی که بر من بار باشد و از مالی که بر من وبال باشد و از زنی
که پیش از پیری مرا پیر سازد و از بدی نیکی نپردازد و دیگر فرمود که اگر با ایشان
نیکی میکنید و نعم اشکری گرایند و بدی می افزایند و پیروی شیطان مینمایند
و با ایشان سخن هم نیکو گویند تا که دار شوند

فصل سیم در نکاح همسران و مناسب آن

حسین بن بشار گوید که نوشتم به امام محمد باقر ع درباره مردی که خواستگاری میکرد
دختر مرا تا به بینم تا آنحضرت چه میفرماید در جواب نوشت که ای حسین آنکه دختر ترا
میخواهد اگر دین او مرضی تست و امانت او پسندیده است هر که باشد تو باو بخش امید
و اگر ندهید و محل او را مگذارید منجر بفتنه و فساد عظیم شود در دنیا منقولست
که رسول صلی الله علیه و آله فرمود من آدمیم مثل شما و تزویج می نمایم فاطمه علیها السلام را
که حق سبحانه و تعالی در آسمان تزویج او در آسمان نموده و نظر فرمود آنحضرت به اولاد علی
ابن ابی طالب و برادر جعفر ع پس فرمود که دختران ما از پسران ماست و پسران ما جهت دختران ما
امام جعفر علیه السلام فرمود که مؤمنان در نکاح همسر یکدیگراند و دیگر فرمود که نکاح مکنید
با مردی که زنا کند بظاهر یا زنی که زنا کند بظاهر روایت که شخصی در نکاح دختر
خود مشورت کرد به امام حسن ع فرمود که دختر را بمردی متقی بده که اگر دوست دارد
او را گرامی میدارد و اگر دوست ندارد او را ظلم روا ندارد حضرت رسول الله صلعم

فرمود که هر که

فرمود که هر که شراب خورده باشد صلاحیت آن ندارد که دختر بوی دهی روایت
که امام جعفر الصادق ع از ابی بصیر پرسید که چون یکی از شما نکاح میکند چه میگوئید گفت
نمیدانم آنحضرت فرمود که چون قصد نکاح کند دو رکعت نماز بگذارد و حمد خدای تعالی
بجای آورد و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ اَللّٰهُمَّ فَقَدِّرْ لِی
مِنَ النِّسَاءِ اَحْسَنَهُنَّ خَلْقًا وَخُلُقًا وَاَعَفَّهُنَّ فَرْجًا وَاَحْفَظَهُنَّ
لِی فِی نَفْسِهَا وَمَالِی وَاَوْسَعَهُنَّ رِزْقًا وَاَعْظَمَهُنَّ بَرَكَةً
وَقَيِّضْ لِی مِنْهَا وَلَدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ لِی خَلَفًا فِی حَيَاتِی وَبَعْدَ مَوْتِی
امام زین العابدین علیه السلام فرموده که رسول صلعم چون فاطمه ع را با امیر المؤمنین علی علیه السلام
نکاح میفرمود این خطبه خوانده بود اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمَحْمُودِ لِنِعْمَتِهِ الْمَعْبُودِ لِقُدْرَتِهِ
الْمُطَاعِ بِسُلْطَانِهِ الْمَرْهُوبِ اِلَيْهِ مِمَّا عِنْدَهُ النَّافِذِ اَمْرُهُ فِی سَمَائِهِ
وَاَرْضِهِ ثُمَّ اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ اَمَرَنِی اَنْ اُزَوِّجَ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِیٍّ فَقَدْ
زَوَّجْتُهُ عَلٰی اَرْبَعِمِائَةِ مِثْقَالِ فِضَّةٍ اِنْ رَضِیَ بِذٰلِكَ عَلِیٌّ بعد از آن
خرما طلب نمود فرمود غارت کنید در آن اثنا حضرت امیر رسید رسول الله صلی الله علیه
فرمود که یا علی که حق سبحانه و تعالی امر کرد که فاطمه را بتو دهم پس من بتو دادم و نکاح
کردم بچهارصد مثقال نقره اگر راضی داری حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که راضی شدم
[ا]ز خدا و رسول او پس حضرت رسول الله صلعم دعا کرد بسعادت و خیر
امام جعفر الصادق ع فرمود که هر که زنی را نکاح کند و در خاطرش آن باشد

که مهرا زاند هر زن دو حق سبحانه و تعالی چنانست که با او زنا کرده و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرموده که ضرورترین شرطهای نکاح آنست که مهر را بزن بدهد و سنت محمد رسول الله صلعم
در مهر پانصد درهم نقره است و هر کس که زیاده کند بران باز گردانند بسنت و اگر مقرر
از مهر زن نزد شوهر بقرض بگذارند واجبست که ادا کند در حیات یا بعد موت او و اولی
آنست و اولی آنست که فرزندان بعد از مرگ زن مهر از پدر نطلبند اگر نزد او قرض
نگذاشته باشد و فرموده که سبب آنکه مهر سنت پانصد درهم نقره است اگر بنده
مؤمن صد نوبت بگوید لا اله الا الله و صد نوبت اللهم صل علی محمد و آل محمد
بعد از ان این دعا بخواند اللهم زوجنی الحور العین حق سبحانه و تعالی واجب گردانیده
بر خود که حوری از بهشت بوی دهد و ثواب او را مهر او کردند دیگر فرمود
که هر مردی که دختر بزنی بکسی دهد بهتر ازو آنست که مهر او را بجوزد روایتست
که رسول صلعم چون فاطمه علیها السلام را نکاح میفرمود جمعی از قریش نزد آنحضرت آمدند و گفتند
دختر بعلی میدهی بمهر اندک فرمود نه آنکه من دختر بعلی میدهم بلکه حق سبحانه و تعالی دختر مرا بعلی
در شبی که مرا باسمان میبردند نزد سدرة المنتهی حق تعالی وحی بدرخت سدرة المنتهی کرد
که نثار خود را بر زمین بریز پس در و جواهر بسیار بر حوریان پاشید ایشان آن
تعاطر و فخر بسیار [illegible] کرده میگفتند که این نثار فاطمه دختر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
چون شب عروسی شد آنحضرت شتری داشت فرمود که آوردند قطیفه بران افکند
و فاطمه علیها السلام فرمود که سوار شد و سلمان فرمود که عنان شتر را بکشید و آنحضرت

از عقب

ز فاطمه زهرا

از عقب آن میرفت ناگاه جبرئیل با هفتاد هزار فرشته و میکائیل با هم آنمقدار فرشته
فرود آمدند حضرت رسول گفت بچه مهم فرود آمده اید گفتند بعروسی علی مرتضی علیه السلام
آمده ایم که او را بخانه امیر المؤمنین علی علیه السلام برسانیم پس رسول الله با تمامی فرشتگان
متوجه آن سرای شدند تکبیر گویان از آنجهت تکبیر در عروسی سنت شده امام جعفر علیه السلام
فرموده که عروسان را شب زفاف کنید و روز طعام نمایید که آن اولیست **فصل**
چهارم در عروسی و مباشرت و غیر آن امام جعفر الصادق علیه السلام فرموده یکی از اصحاب را
که چون بخانه عروس در آیی دست بر پیشانی وی بنه در حالتی که روی بقبله باشی و این دعا بخوانی
اللهم بامانتک اخذتها و بکلماتک استحللت فرجها فان قضیت
لی منها ولدا فاجعله مبارکا سویا و لا تجعل للشیطان فیه شرکا
و لا نصیبا **منقولست** از ائمه علیهم السلام که چون زفاف شد باید که مرد امر کند زن را
که وضو سازد و دو رکعت نماز بگذارد و مرد نیز مثل آن بجای آورد و حمد الهی و درود
حضرت رسالت پناهی بتقدیم رسانند و این دعا بخوانند اللهم ارزقنی الفها
و ودها و رضاها بی و اجمع بیننا باحسن اجتماع و ایسر ائتلاف
فانک تحب الحلال و تکره الحرام و در حال مباشرت بگوید اللهم
ارزقنی ولدا و اجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة
و لا نقصان و اجعل عاقبته الی خیر و خدای عز و جل را یاد کند نزد مباشرت
ابو سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله فرمود بحضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام

که یا علی چون عروس بخانه تو درآید بگو که موزه بکند و قدم که بنشیند و آنگاه پای بشوید
و آن آب را از در خانه بریزد تا آخر خانه چون چنین کردی حق سبحانه و تعالی بیرون برد
هفتاد هزار از فقر و فاقه و دردی آورد هفتاد هزار گونه از برکت و میفرستد هفتاد هزار گونه
از رحمت که پرواز کند بر سر عروس از برکت آن تمامی گنجهای خانه تو برسد و ایمن شود
عروس از جنون و جذام و برص تا درین خانه باشد و منع کن عروس را هفت روز
از خوردن شیر و گشنیز و سیب ترش پس امیر المؤمنین علیه السلام گفت یا رسول الله
چرا منع شوم درین چند روز او را ازین چیزها فرمود بجهت آنکه رحم او بد میشود و نطفه
صورت نمی بندد بر سر آنکه حصیری در گوشهٔ خانه افتاده بهتر است از زنی
که فرزند نزاید دیگر فرمود که اگر زن در حالت چنین شیر بخورد هرگز آبستن نشود
و اگر گشنیز بخورد حیض او منقطع شود و ولادت بر وی سخت شود و اگر سیب ترش
بخورد حیض او بند شود و این موجب درد شود برو دیگر فرمود که یا علی مباشرت
مکن در اول و میان و آخر ماه که آن موجب جنون و جذام است و دیگر بعد از وقت
پیشین که فرزند احول میشود و شیطان احول فرح میکند یا علی در وقت
مباشرت سخن مگوی که اگر فرزند پیدا شود شاید که گنگ باشد و باید که نظر
نکند هیچکس که نظر کردن بعورت زن موجب کوری فرزند میشود یا علی مباشرت
مکن با زن بشهوت که برانگیخته باشد بزنی که بیم آن است که فرزند مخنث باشد
یا علی هر کس جنب باشد در جامهٔ خواب باید که بار نشن قرآن نخواند که بیم آن است که از آسمان
بر ایشان

بر ایشان آتش بارد یا علی در وقت مباشرت باید که با تو و با او هر کدام خرقه باشد
که اگر هر دو یک خرقه استعمال کنید موجب عداوت شود و بطلاق انجامد
یا علی باید که ایستاده مباشرت نکنند که آن فعل حمار است و چون فرزندی پیدا شود
در جامهٔ خواب بول کند یا علی مباشرت مکن در شب عید فطر که فرزند بدکردار باشد
یا علی مباشرت مکن در شب عید قربان که فرزند شش انگشت یا چهار انگشت باشد
یا علی مباشرت مکن در زیر درخت میوه دار که فرزند قتال و جلاد باشد یا علی
مباشرت مکن در مقابل آفتاب و نور او که فرزند در فقر و فاقه باشد مگر آنکه پوشیده در پرده
گذاشته باشی یا علی مباشرت مکن میان بانگ نماز و قامت که فرزند حریص باشد
در خون ریختن یا علی چون زن آبستن باشد دخول مکن مگر با وضو که فرزند بخیل باشد
و کوردل یا علی مباشرت مکن چون دو روز بشعبان مانده باشد که فرزند شوم رو باشد
و طمغاجی و هلاک بعضی مردم در دست او وقوع یابد یا علی مباشرت مکن
در نیمه شعبان که فرزند شوم رو و ظالم باشد یا علی مباشرت مکن در پشت بام
که فرزند منافق و ریایی باشد یا علی چون خواهی که بسفر روی در آن شب مباشرت
مکن که فرزند مال خود را ناشروع خرج کند و آنحضرت این آیه خواند اِنَّ الْمُبَذِّرِينَ
كَانُوا اِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ یا علی چون بسفری روی که قدر آن سه شبانه روز باشد
مباشرت مکن که فرزند مدد کار ظالم گردد یا علی در شب دوشنبه مباشرت
کن که فرزند حافظ کلام الله باشد و بقسمت خدای تعالی راضی باشد یا علی مباشرت کن

در شب سه‌شنبه که اگر فرزند شود شهادت روزی وی شود بعد از آنکه گفته باشد
لا اله الا الله محمد رسول الله علیاً ولی الله و خدای تعالی او را عذاب نکند ابدا
با مشرکان و خوشبوی باشد دهان او و رحیم دل و بخشنده و دست پاک و زبان از غیبت
و دروغ نگه دارد یا علی اگر شب پنجشنبه مباشرت کنی فرزند حاکم باشد یا عالم و اگر در
وقت پیشین روز پنجشنبه مباشرت کنی آن فرزند فهیم باشد و سلامت باشد در دنیا
و دین و شیطان پیرامون او نگردد تا پیر شود و اگر در شب جمعه مباشرت کنی
فرزند خطیب و فصیح و تیز زبان باشد و اگر همین شب بعد از فرو رفتن شفق
باشد فرزند ابدال شود یا علی مباشرت مکن در ساعت اول شب که فرزند ساحر باشد
و اختیار کند دنیا را بر آخرت یا علی این وصایا را یاد گیر چنانکه من از جبرئیل یاد گرفتم
امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که باید مباشرت نکند روی بقبله و پشت بقبله
دیگر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی پیشتر جنون در اول ماه
و وسط و آخر شود و دیگر فرمود که مکروه است جنب شدن در وقت زرد
شدن آفتاب و در وقت طلوع آن و دیگر فرمود که در کشتی مباشرت نباید کرد
و رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که محتلم شده باشد مکروه است که مباشرت کند
با زن پیش از غسل احتلام و دیگر فرمود که هر که با زن در وقت حیض مباشرت
کند شاید که فرزند مجذوم و مبروص بزاید پس ملامت نکند مگر خود را دیگر
فرمود که هر که بقاء عمر دراز خواهد طعام بگاه بخورد و قرض اندک کند
و مباشرت

و مباشرت اندک کند و امام الصادق علیه السلام فرموده که لذت زن از نود و نه مرتبه از
مرد زیاده تر است لیکن خدای تعالی صبر بدیشان داده پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که
چون زن از محل مباشرت برخیزد کسی بجای او ننشیند تا هنگامی که جای او خشک شود
روایت که مردی گفت با امام محمد باقر علیه السلام که هیچ وقتی از اوقات هست که مباشرت
مکروه باشد با جلال خود فرمود که بلی از بر آمدن صبح تا بر آمدن آفتاب و از فرو رفتن
تا غایب شدن شفق و روزی که آفتاب بگیرد و در شبی که ماه بگیرد و در وقتی که
باد سرخ و سیاه وزد و در روزی که زلزله واقع شود منقول است که رسول الله صلعم
مردم را بعروسی دعوت فرمودند خرما و روغن حاضر کردند و مردم خوردند و مرویست
که چون آنحضرت دختر زن میگرد هفت شبانه روز پیش او می بود اگر زنی که شوهر
یافته بود سه شبانه روز نزد او می بود و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که سنت است
نزدیکی کردن بزن در شب اول ماه رمضان بمقتضای آیه کریمه اُحِلَّ لَکُمْ لَیْلَةَ
الصِّیَامِ الرَّفَثُ اِلٰی نِسَآئِکُمْ پس حلال است در شب ماه رمضان مباشرت با زنان

فصل پنجم در حق زوج بر زوجه و زوجه بر زوج

حسن بن محبوب روایت کند از مالک
بن عطیه و از محمد بن مسلم و او از امام محمد باقر علیه السلام که زنی بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله
برسید که حق شوهر بر زن چیست فرمود که فرمان برداری او کند و مخالفت او
نکند و از خانه او صدقه بی رخصت او ندهد و روزه سنت بی اذن او ندارد
و او را از خود منع نکند اگر چه در روی پالان شتر باشد و از خانه بیرون نرود مگر

برخصت او و اگر از خانه برخصت او بیرون رود فرشتگان آسمان و زمین برو لعنت
کنند تا وقتی که بخانهٔ او باز آید پس آن زن سؤال نمود که یا رسول الله از خلایق کرا
حق بر مردان بیشتر است فرمود که مادر و پدر دیگر پرسید که کرا بیشتر است
حق بر زنان فرمود که شوهر گفت ما را آن مقدار حق نیست بر ایشان که ایشان را بر ما
فرمود نه از صد یکی پس زن گفت سوگند بانکه ترا بحق بخلق فرستاده که هیچ مرد مالک رقبهٔ
من نشود هرگز و دیگر پیغمبر صلعم فرمود که هر زنی که ایذا بشوهر رساند بلسان حضرت عزت
قبول نکند از و نه فرض و نه سنت و نه نیکوئی عمل اگرچه روز روزه دارد و شب را
بپاکی احیا دارد و بندگان آزاد کرده باشد بر رضای خدای تعالی اول کسی که در دوزخ
رود او است مگر آنکه شوهر را راضی و همچنین است حال شوهر هرگاه ظلم کند بر زن
و دیگر فرمود که هر زنی که مهربانی نماید بشوهر و بار کند بر او آنچه قدرت و طاقت
او نداشته باشد قبول نیست از و هیچ عمل نیکو و بجزای الهی رسد و دیگر فرمود
که حق شوهر بر زن آنست که چراغ روشن کند و طعام بپزد برای او و به
استقبال او آید و تواضع نماید و چون طعام خورد حاضر باشد که طشت
و رومال در آورد و او را راضی کند و نفس خود را از او باز ندارد مگر آنکه
علتی داشته باشد روایت است که قومی نزد آنحضرت آمدند و گفتند یا رسول الله
ما می‌بینیم که بعضی سجده بعضی میکنند آنحضرت فرمود که اگر من امر میکردم کسی را
بسجده میفرمودم که زنان سجده میکردند بر مردان و دیگر فرمود که اگر زنی پستان

خود را بر زد

خود را بر زد و یکی را بریان کند ادای حق زوج کرده باشد با وجود این اگر نافرمانی شوهر
کند بیک طرفة العین و بدرک الاسفل دوزخ می باید رفت مگر آنکه توبه کند و از آن بازگردد
و دیگر فرمود که زن ادا نکرده حق خدای تعالی را مگر وقتی که ادا کرده باشد حق شوهر و امام
جعفر الصادق علیه السلام فرمود که زن شوهردار را جایز نیست که بنده آزاد کند
و مدبر ساختن و بخشیدن و نذر کردن در مال خود و صدقه نیز همچنین مگر حج واجب
یا زکوة واجب یا نیکوئی کردن با پدر و مادر یا نیکی با خویشان از برادر و خواهر
امام محمد باقر ع فرمود که حق سبحانه و تعالی فرض کرده جهاد بر مردان که صرف کنند
مال و خون خود را تا کشته شوند در راه و جهاد زن آنست که صبر کند بر زحمت
شوهر و غیر او و در حدیث دیگر وارد است که جهاد زن آنست که با شوهر
نیکی کند و دیگر فرمود که هر زنی که شب خواب رود و شوهر بر او خشمگین بود
نماز او مقبول درگاه عزت نشود مگر آنکه شوهر او راضی شود و رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که هر زنی که برخصت شوهر از خانه بیرون رود پس شوهر را واجب نیست
نفقهٔ او تا باز آید و دیگر فرمود زنی که بوی خوش بکار برد از برای غیر شوهر
نماز او مقبول نیست تا آن بوی را باشد باید که از آن بوی غسل کند همچو غسل جنابت
دیگر فرمود که هر زنی که رخوت خود را در غیر خانهٔ شوهر گذارد بی اذن او همیشه در لعنة
خدا باشد تا باز آرد آنرا و دیگر فرمود که هر زنی که گوید شوهر خود را که ندیدم
نیکی از تو عمل او ضایع میشود روایت که مردی در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله

داعیه سفر داشت و از زن خود عهد گرفت که از خانه بیرون نرود تا آن از سفر باز آید
پس پدر آن زن بیمار شد کس بخدمت رسول فرستاد تا رخصت حاصل کند که بپرسش
پدر رود آنحضرت رخصت نداد او نیز نرفت پدرش وفات یافت باز رخصت
طلبید رخصت نیافت چون پدرش را دفن کردند آنحضرت کس به پرسش او فرستاد
که حق تعالی پدر ترا آمرزید بجهت آنکه تو فرمان برداری شوهر کردی اما حق زن بر مرد
آنست چنانچه روایت کرده امام محمد باقر ع که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که جبرئیل علیه السلام
مرا وصیت فرمود در رعایت زن بمرتبه که مرا گمان شد که سزاوار نیست طلاق دادن
مگر فاحشه ظاهره را امام جعفر ع فرمود که حق زن بر شوهر آنست که او را طعام بدهد
و جامه بپوشاند و اگر گناه بجاهلی کند ببخشد بدرستیکه ابراهیم خلیل شکایت نمود
از خلق ساره زن خود پس حق تعالی وحی فرستاد که زن استخوان پهلوست
اگر خواهی که راست گردانی میشکند و اگر بحال خود گذاری از او تمتع میتوانی گرفت
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که کسی را زنی باشد که او را طعام و لباس ندهد
سزاوارست بر امام که جدایی افکند میان ایشان امام جعفر الصادق علیه السلام
فرمود که چون این آیه نازل شد یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم
و اهلیکم نارا یعنی ای اهل ایمان نگاه دارید خود را و اهل خود را
از آتش دوزخ مردی از مسلمانان این را شنیده بود میگریست پرسیدند
سبب گریه چیست گفت بدرستیکه من عاجزم بر نفس خود و مرا تکلیف کرده اند
بنگاه داشت

بنگاهداشت اهل خیر این خبر برسول الله صلی الله علیه و آله بردند فرمود بست ترا آنکه
امر کنی ایشان را بچیزی که امر میکنی نفس خود را و باز داری ایشان را از چیزی که باز میداری
نفس خود را از روایت کند امام ع که زنی برای حاجتی نزد رسول الله صلعم آمد آنحضرت
فرمود که گویا تو از مسوفات باشی یعنی امور را بتاخیر اندازی زن گفت
ایشان تاخیر کنند و بوقت دیگر اندازند تا شوهر بخواب رود پیوسته فرشتگان
بر ایشان لعنت میکنند تا شوهر بیدار شود و دیگر فرمود که رحمت کند حق تعالی
بنده را میان او و زنش حسن خلق و نیکویی باشد زیرا که حق جل علا زمام
اختیار زن را بدست اختیار مرد داده و بر او قیم گردانیده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که عیالان مرد اسیران اویند و دوسترین بندگان نزد خدای تعالی
آنانند که نیکویی به اسیران کنند و امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود محمد حنفیه را
که ای پسر من چون قوت یافتی بیفزای در طاعت الهی و در ضعف ضعیف
گردان و باز ایست از مناهی و اگر توانایی داری چنان کن که مالک نگردانی
زن را در امور چنانچه تجاوز کند از حد چو آن مناسب تراست و پاینده تر از جمال
وی و خوشایندتر بخاطر و فرخنده فال او و نیکوتر بحال و مال او زیرا که
زن ریحانه مرد است نه قهرمان و کارکن وی پس مدارا کن با وی در هر حال
و صحبت را با وی نیکو گردان تا زندگی بر تو تلخ نشود امام جعفر ع فرمود
که بپرهیزید و بترسید از حق تعالی درباره دو ضعیف یکی یتیم و یکی زنان

فصل ششم در ذکر ولادت و آنچه تعلق به آن دارد سکونی روایت کند از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرمود که فرزند صالح ریحانیست از ریحان بهشت و امام الصادق علیه السلام فرمود
که میراث خدای تعالی از بنده مؤمن فرزند صالح است که برای او استغفار کند
و دیگر فرمود که دختران حسنات‌اند و پسران نعمت و بر حسنات ثواب میدهند و از
نعمت می پرسند روایتست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله را بشارت
بدختری آنحضرت نظر بروی اصحاب کراهت یافت فرمود شما را چه شد
این دختر ریحانیست که میبوئید و روزی او بر خداست امام رضا علیه السلام فرمود
که حق سبحانه و تعالی چون میخواهد که نیکی رساند نمیراند تا بوی فرزندی کرامت کند
و روایتست که هر که بمیرد بی فرزند گویا در میان مردمان نبوده است و هر که
فرزندی از و ماند گویا نمرده است امام جعفر الصادق عم میفرماید که حق جل و علا
رحم میفرماید بشخصی که دوست میدارد فرزند را بسیار و عمر بن یزید گفت
به آنحضرت که مرا دختر بسیار باشد گفت شاید که تو مرگ ایشان را خواهی
اگر ایشان بتمنای تو بمیرند در قیامت مزد نیابی و با جزای الهی عاصی ملاقی
شوی حمزة بن حمران گوید که مردی در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله بود شخصی
خبر داد او را بدختری رنگ او متغیر شد آنحضرت فرمود که ترا چه شد گفت
یا رسول الله چون از خانه بیرون آمدم زن من بدرد زادن بود شنیدم که
دختری آورده آنحضرت فرمود که زمین او را بر میدارد و آسمان او را سایه

می نوازد

می نوازد و خدای تعالی او را روزی میدهد و ریحانه ایست که او را میبویند آنگاه روی
باصحاب کرد و فرمود که هر که را سه دختر است جهاد از و می افتد و هر که را
چهار دختر است پس ای بندگان خدا بفریاد او برسید و او را قرض بدهید
و دیگر فرمود که هر که سه دختر عیال باشد یا سه خواهر واجب گردد بر او بهشت
پرسیدند که یا رسول الله اگر دو دختر باشد گفت همچنین باشد اگر یک دختر نیز و دیگر
فرمود که سعادت مرد آنست که دختر در خانه او حایض نشود و دیگر فرمود که دوست
دارید اطفال را و ترحم کنید برایشان و چون وعده کنید به ایشان بوفا مقرون سازید
چو ایشان شما را ای بینند و از دست شما روزی میخواهند و میخورند روایتست که شخصی در
خدمت رسول صلی الله علیه و آله بود و دو پسر داشت همراه یکی را بوسید و دیگری را نه
آنحضرت فرمود که چرا در میان ایشان تسویه رعایت نکردی رفاعه گوید که من پرسیدم
از امام موسی علیه السلام از مردی که او را چند پسر باشد که از یک مادر نباشند
جایز است که یکی از ایشان را تفضیل نهد بر دیگران فرمود بلی نه پدر بزرگوار من تفضیل نمود
بر عبدالله روایتست که وقتی حضرت رسول الله صلعم امام حسن و امام حسین علیهما السلام را
می بوسید شخصی آنجا حاضر بود گفت من دو پسر دارم هیچکدام را نبوسیده ام آنحضرت
فرمود بر من چه آید که در دل تو رحم نباشد و دیگر فرمود که فرزندان را امام
و انبیا نام نهید و بهترین نامها عبدالله است و آنچه در و عبودیت باشد در حق
فرزند بر پدر سه چیزاست یکی آنکه نام نیکش نهد و خط و چیزش بیاموزاند

وچون بالغ شود زنی بنکاح او درآورد امام رضا علیه السلام روایت کند که محمد
رسول صلی الله علیه وآله فرمود با هر قومی که مشورت کنند در میان آن قوم احمد نام یا محمد
نامی باشد ایشان را در آن مشورت خیر و خوبی پیش آید روایت که پیغمبر صلی الله علیه وآله
فرمود که فرزندی که عاق باشد بر پدر و مادر بوی بهشت بمشام او نرسد امیر المؤمنین علیه السلام
فرموده که بوسه دادن بر فرزند رحمت و بر زنان شهوت و بر پدر و مادر
عبادت و بر برادر دینی در روا امام عادل طاعت باری تعالی امام الصادق ع فرموده که از
نعمتهای الهیست که فرزند بر پدر و مادر مانند باشد و دیگر فرمود که چون حق سبحانه و تعالی
خواهد که کسی را بیافریند جمع میفرماید هر صورتی که میان او و آدم بود تا می آفریند
بر صورت یکی از آنها پس باید که نگوید یکی از شما که فرزند بمن و پدر من مانند نیست
مردی پرسید از پیغمبر صلی الله علیه وآله که چیست ما را که می یابیم چیزی در اولاد ما
که نمی یابند ایشان در ما فرمود بواسطه آنکه ایشان از شمایند و شما از ایشان نیستید
از امام جعفر الصادق ع پرسیدند که چون بود که حق تعالی پیغمبر خود را یتیم نمود فرمود
بواسطه آنکه از مخلوق هیچکس را بروی طاعتی نباشد ابن عباس روایت کند که پیغمبر صلی الله
فرمود که هر که ببازار رود و تحفه بخرد و بردارد و بسوی عیال خود برد همچنان باشد
که صدقه بسوی محتاجان برده و باید که اول بدختران دهد بعد از آن بپسران
چو هر که شاد کند دختری را گویا که آزاد کرده یکی از فرزندان اسماعیل علیهم السلام را
و هر که روشن کند چشم پسری را گویا گریسته از خشیت الهی و هر که از ترس خدای تعالی

بگرید

بگرید او را در بهشت نعیم درآورد عبد بن فضاله گوید از امام محمد باقر یا از امام جعفر الصادق
علیهم السلام شنیدم که طفل چون سه ساله شد امر کنید او را تا هفت نوبت بگوید لا اله الا الله
و بگذارید تا هفت ماه بیست روز بگذرد آنگاه بفرمایید تا هفت نوبت بگوید
محمد رسول الله و بگذارید تا چهار سال تمام کند آنگاه بفرمایید تا بگوید هفت نوبت که
صلی الله علیه وآله چون پنج سال تمام کند بگویید که دست راست و چپ تو کدام است
اگر دانست روی او را بقبله کنید تا سجده کند و چون شش سال شود بگویید تا نماز
بگذارد و رکوع و سجودش بیاموزانید و چون هفت ساله شد بگویید تا روی و دستها
بشوید و نماز بگذارد و چون نه ساله شد او را وضو تعلیم نمایید و بجهت آن بزنیدش
و بنماز بداریدش که چون نماز و وضوی زاد است حق تعالی پدر و مادر او را می آمرزد ان شاء الله
امام جعفر الصادق ع فرمود بگذارید طفل را تا بازی کند هفت سال بعد از آن او را بنشانید
در مکتب خانه تا هفت سال دیگر تا ادب و اخلاق کسب کند اگر قبول کرد و خوب شد فبها
والا بگذارید او را که در وی چیزی نیست و حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که فرزند
هفت سال آزادست و هفت سال بنده و هفت سال بنده اگر درین بیست یکسال ازو
راضی شدی و از ادب و اخلاق او خوب والا بزن بر پهلویش که نزد حق جل علا
قدر داری امام محمد باقر ع فرمود که پسر چون بده سال رسید خوابگاه او را
جدا کنید از خوابگاه زنان امام جعفر ع فرمود که طفل زیاده میشود هر سال چهار انگشت
بانگشتان خود پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که نگاه دارید فرزند را از شیر زن

دیوانه و بدکاره که شیر اثر میکند و فرمود که پسر چون هفت ساله شد زن او را نبوسد
و دختر چون شش ساله شد او را مبوسید و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که مباشرت
زن را پیر بعد از شش سالگی شهوت است از زنا احمد بن نعمان گوید که میان من و حریره
که دختر عمّ من بود قرابتی نیست و او بشش سالگی رسیده فرمود که او را بر کنار
منشان **طلب فرزند** که امام زین العابدین علیه السلام تعلیم فرمود یکی از اصحاب را چون خواهی
که ترا فرزند شود هفتاد نوبت این دعا بخوان که بستر که هر که خواهد که حق سبحانه و تعالی او را
فرزند کرامت کند و از مال و ضرر دنیا و آخرت نیز همچنین این دعا بسیار بخواند
رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ وَفَاتِي وَاجْعَلْهُ
خَلْقًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ
وَأَتُوبُ إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و گویند که ترتیب هفتاد نوبت
نوبت حاصل میشود **دیگر حدیث** که شخصی را فرزند نمیشد احوال خود بخدمت حضرت
امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود فرمود که در صبح و شام هر روز هفتاد نوبت
سبحان الله بگو و هفت نوبت استغفر الله لقوله تعالی اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ
إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ
بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ سلیمان گوید که دختر عمّ خود را داشتم و مرا فرزند نمیشد
این کلمات را بر آن وجه گفتم و او را نیز یاد دادم ما را فرزند شد و زن گفت

هرگاه

هرگاه میخواستم که حامله شوم آن را میگفتم آبستن میشدم و دیگری نیز آموختم و او را نیز فرزند
بسیار شد ابوبکر بن حارث گوید که گفتم مر ابی عبدالله علیه السلام را که مرا فرزندی نمیشود فرمود
که چون در سجده باشی این دعا بخوان یَا رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً
إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
گفت من در سجده این دعا میخواندم مراد و پسر حق تعالی کرامت کرد علی و حسین
و در روایت دیگر وارد یافته از آنحضرت که بجهت طلب فرزند چون داعیه مباشرت
کنی سه نوبت بخوان وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ
عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِينَ و دیگر حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود که چون زنی از شما آبستن باشد
باید که هر دو بجانب قبله رو آرید و آیة الکرسی مرد بخواند و دست خود را بر پهلوی
زن زند و بگوید بار خدایا او را محمد نام کردم حق تعالی او را بمحض قدرت خود پسر گرداند
پس اگر بعد از تولد او را بآن نام کردی مبارک میگرداند بر تو او را حق سبحانه و تعالی
و اگر باز گردیدی از آن اسم اختیار با حق تعالیست اگر خواهد نگاه دارد و اگر خواهد
بستاند **دیگر حدیث** که شخصی بخدمت امام جعفر علیه السلام آمد و گفت یا ابن رسول الله مرا هشت
دختر است و پسر نیست دعا کن با حق تعالی مرا پسری کرامت فرماید فرمود که چون خواهی
که مباشرت کنی پیش پای زن بنشین و دست را بر ران راست زن بنه و هفت نوبت
سوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخوان بعد از آن مباشرت کن که آنچه خواهی میسر شود

وهرگاه حمل پیدا شود و بچه در شکم مادر جنبد دست راست بر ران راست زن نهد
و هفت نوبت سورهٔ انّا انزلناه بخواند آن شخص گوید که انچنان کردم حق تعالی هفت پسر مرا
پی در پی داد **روایت** که معاویه علیه اللعنه ایلچی بخدمت امام حسن علیه السلام فرستاد و جمعی را
همراه او فرستاده بود چون پیغام رسانیدند در وقت مراجعت یکی از ایشان گفت
یا ابن رسول الله مرا مال بسیار است و هیچ فرزند ندارم مرا چیزی تعلیم نما تا حق تعالی
مرا فرزند کرامت کند فرمود که استغفار کن آن شخص مشغول شد و روزی بود که
او هفتصد نوبت استغفار کردی حق سبحانه و تعالی او را ده پسر کرامت کرد
بعد از ان خبر بمعاویه علیه اللعنه رسید گفت چرا نپرسیدی از امام آن ایلچی دیگر فرستاد
و از ان پرسید فرمود که مگر نشنیده قول الٰهی را در قصهٔ هود یَزِدْکُمْ
قُوَّةً اِلیٰ قُوَّتِکُمْ و قصهٔ نوح که یُمْدِدْکُمْ بِاَمْوَالٍ وَبَنِینَ

فصل هفتم در ذکر عقیقه عمر بن یزید گوید که شنیدم از ابی عبد الله
که میفرمود که مرد در روز قیامت مرهونست بعقیقهٔ خود و این از قربان واجب تر است
ابن یزید گوید که من گفتم بخدا که نمیدانم که پدر من برای من عقیقه کرده یا نه پس آنحضرت
مرا امر کرد بعقیقهٔ خود که کردم و دران حال پیر بودم و دیگر فرمود که عقیقه
لازمست بر هر کس اگر غنیست میکند و الا که فقیر است در وقتی که غنی شود بکند
و اگر بران قادر نشود لازم نیست و اگر کسی عقیقه نکرده باشد و قربانی کرده باشد
آن مجزیست از عقیقه و فرمود که در عقیقه یک گوسفند نر بکشند و اگر یافت

نشود مجزیست هر چه بکشد و از آنحضرت سؤال کردم از کیفیت عقیقه فرمود
که گوسفندی یا گاوی یا شتری بکشند و بعد از ان فرزند را نام نهند و سر او را
بتراشند در روز هفتم و بمقدار موی سر او طلا یا نقره تصدق کنند اگر فرزند پسر
باشد انچه کشند نر باشد و اگر دختر باشد انچه کشند ماده باشد و فرمود انچه
کشند بقابله دهند و اگر قابله نباشد او را بمادر فرزند دهند او بهر کس که خواهد
دهد و دیگر را اطعام نمایند و ده کس از مسلمانان پیشتر کرده بخورانند
که پدر و عیال او از ان عقیقه نخورند و در وقت عقیقه کشتن این دعا بخوانند یا قوم
اِنّی بَرِیءٌ مِمّا تُشْرِکُونَ اِنّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ
حَنِیفًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اِنَّ صَلٰوتِی وَنُسُکِی وَمَحْیَایَ وَ
مَمَاتِی لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ لَا شَرِیکَ لَهُ وَبِذٰلِکَ اُمِرْتُ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِینَ
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا مِنْکَ وَاِلَیْکَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ تَقَبَّلْ مِنْ فلان
بن فلان و نام مولود ببرد **روایت** که ابو طالب عقیقه کرد از برای پیغمبر صلی الله علیه و آله
و خویشان را جمع کرد گفتند چه چیز است فرمود که این عقیقه است از برای او کرده ام
و او را احمد نام نهادم گفتند وجه تسمیه باحمد چیست گفت بجهت ستودن
اهل آسمان و زمین او را امام محمد باقر علیه السلام فرمود که چون فرزند بزاید آب فرات
در دهن او کنند و در گوش راست او بانگ نماز و در گوش چپ او قامت بگویند
و در روز هفتم او را عقیقه کنند و نام نهند و سرش بتراشند و بوزن موی

سر او طلا یا نقره تصدق کنند پس ببرتر که خدای تعالی میفرستند نام او را
از آسمان و چون ذبح کردید عقیقه را بگوید بسم الله وبالله والحمد لله والله
اکبر ایمانا بالله وثناء علی رسول الله وشکرا لرزق الله
وعصمة بامر الله ومعرفة بفضله علینا اهل البیت واگر مولود
پسر باشد بگوید اللهم انت وهبت لنا ذکرا وانت اعلم بما وهبت لنا
ومنک ما اعطیت ولک ما صنعنا فتقبله منا علی سنتک
وسنة رسولک صلی الله علیه وآله واخسا عنا الشیطان الرجیم
لک سفکت الدماء لا شریک لک الحمد لله رب العالمین
ابو عبد الله علیه السلام روایت کند که رسول الله صلعم عقیقه کرد از جهت امام حسن
و امام حسین علیهم السلام گوسفند نر در هفت و اعضای او را از یکدیگر جدا
کرد و استخوان او را نشکست و فرمود تا بپختند به آب و نمک و از آن خوردند
و بهمسایگان نیز خورانیدند و فرمود که هفت خصلت سنت است در مولود
اول آنکه نام نهند دویم آنکه سر او را بتراشند سیم آنکه بوزن موی سر او
طلا یا نقره تصدق کنند اگر توانایی داشته باشند چهارم عقیقه پنجم آنکه سر او را
بزعفران بمالند ششم آنکه تطهیر کنند او را بخطمی هفتم آنکه از طعام عقیقه
بهمسایگان برسانند روایت که پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که ای فاطمه
سوراخ کن گوش امام حسن و امام حسین علیهم السلام بجهت محافظت یهود

ودر روایت

ودر روایت دیگر وارد شده که بجهت اشعار بعبودیت پرسیدند از امام
موسی علیه السلام از تراشیدن موی سر مولود فرمود تا پاک شود از موی رحم و چون
از هفت روز گذشت سنت نیست امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که کام فرزندان را
به آب فرات یا خاک قبر امام حسین علیه السلام واکنید و اگر نباشد به آب باران و امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود که اول کام فرزندان را بخرما بردارید که رسول صلی الله علیه وآله امام حسن و امام حسین علیهم السلام را
چنین سلوک فرمود **فصل هشتم در ختنه کردن فرزندان و آنچه تعلق بدان دارد**
روایت که رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که ختنه کردن مرد و زن نیکوست
و فرمود که ختنه کردن در روز هفتم پاک میسازد کودک را پس بدرستی که زمین شکایت
میکند بخدای تعالی از بول شخصی که ختنه نکرده باشد امام جعفر علیه السلام فرمود که هرگاه ختنه
کنند مولودی را این دعا بخوانند اللهم هذه سنتک وسنة نبیک
محمد صلی الله علیه وآله واتباع رسلک وکتبک بمشیتک وارادتک
وقضائک لامر اردته وقضاء حتمته وامر انفذته فاذقته
حر الحدید فی ختانه وحجامته لامر انت اعرف به اللهم طهره
من الذنوب وزد فی عمره وادفع الآفات عن بدنه والاوجاع
عن جسمه وزده فی الغنی وادفع عنه الفقر فانک تعلم
ولا نعلم و فرمود که هر مردی که این دعا بخواند بر ختنه فرزند خود پیش
که بگوید از پیش از اختتام و پس اگر خواند کفایت میکند گرمی آهن و غیر آن

از پیغمبر صلی الله علیه و آله که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم پس بدرستی که آن
پاک تر است و شتابنده تر برویانیدن گوشت امام موسی ع فرمود که پسر من
امام رضا ع زایید ختنه کرده و پاک لیکن با تیغ برو مالیدیم بجهت اتباع سنت

فصل نهم در آنچه متعلق است بزنان و احتیاج ایشان مرویست که چون رسول الله صلی الله علیه و آله
بغزا رفتی زنان را میطلبید و با ایشان مشورت مینمود اما بخلاف ایشان کار
میکرد و میفرمود که فرمان برداری زنان موجب پشیمانیست و منع فرموده اند
که زنان بر زین سوار شوند **روایتست** که یکی از اصحاب امیر المومنین علیه السلام شکایت زن
کرد آنحضرت بمنبر فرمود و خطبه خواند و گفت ای گروه مردمان فرمان برداری
زنان مکنید در هیچ حال و ایمن نباشید و مگذارید که ایشان تدبیر کنند در امر
بندگان و رای ایشان صواب نیست شاید که بهلاکت رسد بدرستی که یافتیم
ما ایشان را که ورعی ندارند نزد حاجت و صبری نیست ایشان را نزد شهوت
رعنایی و خودآرایی لازم ایشانست اگرچه پیر باشند و عجب و خودنمایی لایق
ایشان اگرچه عاجز و فقیر اند و بسیار شکر نگویند و به اندک صبر ندارند
و خیر را میگذارند و شر را نگاه میدارند و می افتند در بهتان و متمادی
می باشند در طغیان و عمل میکنند از برای شیطان پس شتاب در اصلاح حال
ایشان بهر حال و نیکویی منمایید با ایشان در مقابل شاید که ایشان نیکو کردند
در افعال **روایت** کند امام جعفر ع که رسول صلعم فرمود که نصیحت کنید زنان را

بمعروف پیش از آنکه فرمایند شما را بمنکر و پناه جویید بخدا از بد ایشان و از نیکان
ایشان بر حذر باشید امام محمد باقر ع فرمود که مشاورت مکنید زنان را در پنهان کارها
و اطاعت مکنید ایشان را در باب خویش و تبار بدرستی که زن چون پیر شد خیرش میرود
و شرش می ماند و جمال او زایل میشود و رحمش نازاینده و باطل میشود و
زبانش دراز میگردد و ناساز میشود و مرد چون پیر شد شرش میرود و خیرش
بسیار و عقلش ثابت می ماند و رایش مستحکم و جهلش کم میشود امیر المومنین علیه السلام
که هر مردی که مدبرش زن باشد پس او ملعونست و فرمود که برکت در خلاف ایشانست
و مرویست از ابی عبدالله ع که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که فرمان برداری زن
کند او را بروی کشان بدوزخ برند گفتند فرمان برداری ایشان چه چیز است
فرمود که گذاشتن ایشان را بحمام و عروسی و تماشای عید و نوحه در عزا حاضر
کردند و جامهای نازک پوشند و امام محمد باقر ع فرمود که باید زنان
بیرون نروند و بجنازه و با زیور نگردند و امام الصادق ع روایت کند
که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که زنان را منشانید در گوشکها و ایشان را
کتابت میاموزید و ایشان را امر کنید بچرخ رشتن و ایشان را سوره نور بیا
موزید
و دیگر فرمود که زنان سر برهنه نزد خواجه سرا ننشینند و دیگر آنحضرت
فرمود که مصاحبت نکند مرد با زن مگر در هر دو شان پوشش و حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله لعنت کرده مخنثان را و فرمود که ایشان را از خانها بیرون کنید

و دیگر فرمود که دو زن در یک جامهٔ خواب نخوابند مگر در حالت اضطرار
و دیگر فرمود که سحق در زنان بمنزلهٔ لواطت در مردان پس هر که از آنان
این فعل بکنند هر دو را بکشند و سحق زنان آنست که ختنه گاه بر خود مالند
و دیگر فرمود که زنان در مصیبت نوحه نکنند و روی نخراشند و با مردم در
محل خالی ننشینند و وارد است که فاطمة الزهرا علیها السلام فرمود که زنان را
آن بهتر است که مردان را نه بینند و نه مردان ایشان را این حدیث بسمع مبارک
آنحضرت رسید فرمود که فاطمه پارهٔ از منست ام سلمه روایت کند که من
و میمونه در خدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بودیم که عبدالله بن مکتوم
آمد بعد از آیت حجاب و او نابینا بود آنحضرت فرمود که خود را از و پنهان
دارید گفتم یا رسول الله او نابیناست فرمود که نه شما می بینید او را پس از و
اجتناب **فصل دهم در نوادر نکاح و آنچه تعلق بآن دارد** ابو عبدالله جعفر بن محمد
علیهما السلام فرمود که چون حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از غزایی باز میگشت که در آن
مسلمانان بار کشته میشدند زنان بسیار به استقبال بیرون می آمدند و احوال
کشتگان میپرسیدند زنی نزد آنحضرت آمد و حال برادر پرسید فرمود که
حمد خدای تعالی بتقدیم رسان و بگوی انا لله و انا الیه راجعون که او شهید شد
بعد از آن احوال شوهر پرسید فرمود که همان حدیث استرجاع بخوان که او نیز
شهید شد آن زن فریاد بر آورد که واویلاه آنحضرت فرمود که مرا گمان نداشتم

که زنان را شوهران

که زنان را شوهران در این مرتبه باشند تا این زن را دیدم دیگر امام الصادق علیه السلام
فرموده که حق سبحانه و تعالی مخصوص گردانیده رسول خود را بمکارم اخلاق و محاسن اشفاق
پس بیازمایید نفسهای خود را پس اگر از آن اخلاق چیزی با شما باشد شکر الهی بتقدیم
رسانید و رغبت نمایید در آنکه بیشتر شود آن اخلاق شما و آنها ده اند **اول** یقین
و قناعت و صبر و شکر و حلم و نیکویی خلق و سخاوت و غیرت و شجاعت و مروت
و منقولست که در خدمت آنحضرت چیزهای شوم را یاد میکردند فرمود که سه چیز
شوم است زن و چارپا و خانه و شومی زن آنست که مهر او بسیار باشد و نافرمان
شوهر و شومی چارپا خاموشی او و دشواری سواری و ناهمواری و شومی خانه
تنگی فضای او و همسایگان بد پر شر **نقلست** که فرمودند بعیسی علیه السلام که چرا زن
نخواهی فرمود که زن را بچه جهت بخواهم گفتند برای فرزند فرمود که فرزند را
چکنم اگر میرند بغصه می افتد و اگر بمیرند دیگران را بحزن و اندوه می اندازند
زید بن علی علیه السلام روایت کند که رسول الله صلی الله علیه و آله حکایت غزا و ثواب
آن میگذشت زنی فرمود یا رسول الله زنان را هیچ از آن نصیبی هست فرمود بلی
از زمانی که آبستن شدند تا زمان زاییدن و شیر دادن ثواب غازیان
دارند و اگر در این ازمنه مردند اجر و ثواب شهیدان یابند امام محمد باقر علیه السلام
نقل میفرمایند که عادت پدر بزرگوار من این بود که چون زنی در خانهٔ او می زایید
امر میفرمود که زنان دیگر از آنجا بیرون روند تا بر عورت زاینده نگرند

امام زین العابدین علیه السلام فرمود که بیشتر از اهل بهشت زنان ضعیف اند
که حق سبحانه و تعالی بر و رحم میفرماید محمد بن اسحق روایت کند که از امام رضا علیه السلام
پرسیدم که جایز است که خواجه سرا نزد زنان روند و آب وضو از برای ایشان بیارند
و موی ایشان ببینند اسحق بن عمار گوید که من پرسیدم از ابی عبدالله ع که آیا
جایز هست که مملوک نظر بموی خاتون خود کند فرمود بلی لباقش نیز روایت است
که امیر المؤمنین علیه السلام سلام میکردند بر زنان اما خوش نداشته اند که سلام بر زنان
جوان کنند میفرمود که اندیشه دارم که آواز ایشان مرا خوش آید و گناه او
بیشتر از ثواب ابو بصیر گوید که پرسیدم از ابی عبدالله ع که آیا جایز است
که مرد مصافحه کند با زن فرمود که مگر در میان آستین منقولست که سائلی
سوال کرد از امام جعفر الصادق ع که زنان چون بر مردان در آیند چون سلام
کنند فرمود گویند که علیکم السلام و مردان در جواب گویند السلام علیکم
امام محمد باقر علیه السلام فرمود که مهر زنان چهار هزار درهم شد آن بود که ام حبیبه
دختر ابو سفیان لعین بود و در حبشه بود پیغمبر صلی الله علیه و آله او را خواستگاری
کرد و نجاشی حاکم حبشه بود چهار هزار درهم نزد وی فرستاد و در اصل
کابین دوازده اوقیه و نیم بود از نقره امام جعفر ع فرمود که کسی که موی بسیار
بر اندام دارد شهوت او اندکست و منقولست که امیر المؤمنین ع را بهی میرفت دید
که چارپایی نر بر ماده میجهانند اعراض فرمود که سزاوار نیست الا که شما کنید

مگر در جای

مگر در جای که مرد و زن ببینند امام الصادق ع فرمود که هر که نظرش بر زنی
افتد و چشم از بگرداند بسوی آسمان یا بر هم گذارد و دیگر بر او ننگرد حق تعالی
در جزای او حوری بدهد و دیگر فرمود که نظر اول جایز است و دوم گناه و سیم
هلاکت و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که مهر زنان را بسیار مکنید که موجب
عداوت میشود دیگر کسی گفت به امام جعفر ع که من میخواهم زنی بخواهم و پدر
و مادر من آن را قبول نمیکنند و دیگری را که من نمیخواهم ایشان میگویند بخواه
فرمود که زنی که خود میخواهی بخواه و غیر آن را مخواه امام الصادق ع فرمود که
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که هر زنی که مهر خود را بشوهر بخشد پیش از آنکه
شوهر با او نزدیکی کند حق سبحانه و تعالی بهر دیناری ثواب آزاد کردن بنده بوی دهد
گفتند یا رسول الله اگر بعد از دخول بوی بخشد چگونه است فرمود که آن موجب
الفت است ابو عبدالله ع فرمود که هر که کنیزک را سراب کند باید که بهر چهل روز
بر آن نزدیکی کند و آن نیز با وضو باشد و دیگر فرمود که هر که کنیزکی را نزدیکی کرده باشد
و خواهد که بار دیگر نزدیکی کند باید که وضو بسازد نقل فرموده امام محمد باقر ع
از امیر المؤمنین ع که زن احمق را بشیر دادن طفل اختیار مکنید که آن صفت
بر طفل سرایت میکند امام جعفر الصادق ع فرمود که حق تعالی حرام کرده
فرشهای زیبا و دیبای بهشت بر مردی که با وی لواطه کرده باشند و حضرت
رسول صلعم فرمود که هر که پسر را ببوسد بقصد شهوت حق سبحانه و تعالی لجام آتشین

برسر او میکند در روز قیامت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که هر مردی که
برغبت خود بگذارد که مردم با وی بازی کنند حق سبحانه و تعالی او را مبتلا گرداند
بشهوت زنان ابو عبد الله ع فرمود که حق جل علا گردانیده شهوت مؤمن را
در پشت او و شهوت کافر را در دبر او و دیگر فرمود که هر دختری را شراب
خوراند بهتر است که بریده رحم خود را و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که پنبه ریشتن
نیکوکاریست مر زنان صالحه را و دیگر فرمود ابراهیم ع که پدر بزرگوار مرا غیرت
بود و مرا از وی بیشتر و هر مؤمنی که غیرت نداشته باشد حق تعالی روی او را
برخاک مذلت اندازد و منقولست که امام محمد باقر ع فرمود که غیرت حسد است
و حسد اهل کفر است و زنان چون غیرت میکنند بغضب میگرایند و در غضب کافر
میگردند مگر مسلمات از زنان روایت میکند از آنحضرت که پدر بزرگوار من فرمود
که حق سبحانه و تعالی نگردانیده غیرت را در شأن زنان و آنرا از برای مردان گردانیده
جهاد زن از کثیرات آنچه خواهد و پیدا نکرده از برای زنان مگر یک شوهر اگر آن
زن با وجود شوهر فجوری کرد نزد حق سبحانه و تعالی زانیه است و این زن منکر است
نه از غیرت اما مؤمنات از این شیوه نیست محمد بن اسمعیل گوید که پرسیدم از
امام رضا علیه السلام که زنان مقنعه بر روی افکنند از مردان جواب فرمود که مردی
بر دختران ابی الحسن می آمد ایشان مقنعه نمی افکندند پرسیدم که ایشان مردم
آزار بودند فرمود پس از آن پرسیدم که از مردان مقنعه باید گرفت فرمود که نه

باسلم

باب نهم در آداب سفر و آنچه متعلق است بدان بر هشت فصل مشتمل است
فصل اول در فضیلت سفر و آنکه کدام جهت وقت سفر خوبست و کدام بدست روا
کند عمر بن ابی مقدام گوید که امام جعفر ع فرمود که در حکمت آل داود مذکورست که عاقل سفر نمیکند
مگر برای سه چیز زاد راه آخرت و ترتیب کردن معیشت و لذت یافتن
از غیر حرام آنچه باشد مرا و را حلیت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که مسافرت کنید تا صحیح
و تندرستی بیابید و غزا کنید تا مال و غنیمت بگیرید و حج کنید تا غنی شوید و همچنین از
ابی عبد الله ع منقولست که هر که خواهد سفر کند باید که روز شنبه سفر کند که اگر سنگ
در این روز از کوه بیفتد حق تعالی او را باز بمکان خود آورد و هر که را مشکلی شده
در حاجتها می باید که سه شنبه سفر کند که آن روزیست که حق تعالی آهن را برای داود
نرم گردانید روایت کرده ابن ابی یحیی مدنی که آنحضرت فرمود که در شب جمعه مسافرت
کردن باکی نیست نقلست از امام موسی علیه السلام که حضرت رسالت پناه ص در روز
پنجشنبه سفر میفرمود مرویست که یکی از اصحاب کهف که دوستترین روزها جهت سفر
پیش حضرت رسول ص روز جمعه بود و گاهی که بجایی سفر میفرمود از مردم پنهان میداشت
و سفر میفرمود که روز پنجشنبه روزیست که خدای تعالی و فرشتگان او را دوست
میدارند و بعضی از مردم بغداد به امام رضا علیه السلام نوشتند که روز چهارشنبه
آخر ماه میتوان سفر کرد فرمود که هر که بخلاف مردمی که فال بد میزنند روز چهارشنبه
آخر ماه سفر کند حق تعالی او را از هر آفتی نگاه میدارد و جمیع حاجتها او را روزی گرداند

وحاجات او برآورد و حضرت رسول صلعم فرمود که در شب سفر کنید که راه از پیش میرود
روایتست از امام جعفر ع که روز جمعه بیرون مروید از برای کاری و حاجتی و روز شنبه چون
آفتاب طلوع کند بروید سوال کرد ابو ایوب خزاز از امام جعفر ع از معنی این آیه کریمه که
فَاِذَا قُضِیَتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوا فِی الْاَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ
اللّٰهِ مراد ازین آیه چیست فرمود که مراد آنست که روز جمعه نماز بگذارید و روز
شنبه سفر کنید و دیگر فرمود که در روز دوشنبه سفر مکنید و درین روز
حاجت مخواهید ابو ایوب گوید که روزی بخدمت ابی عبد الله ع رسیدم و گفتم
که بسفر میروم فرمود که گویا داعیه داری که در روز دوشنبه بیرون روی گفتم
بلی فرمود که کدام روز از دوشنبه شوم تراست که درین روز حضرت رسول الله صلعم
از دنیا رحلت نمود و وحی منقطع شد پس بیرون مروید درین روز و در روز سه شنبه
بیرون روید و دیگر فرمود که روز سیم و چهارم و بیست یکم و بیست پنجم ماه
بیرون مروید که آنها روزهای نحس‌اند امام رضا علیه السلام فرمود که روز شنبه روزیست
که مکر و فریب می آید و روز یکشنبه روز غرس است و بنا نهادن و روز دوشنبه روز
سفر است و طلب حاجات و روز سه شنبه روز جنگست و روز چهارشنبه روز شومست
که مردم در فال بد میگیرند و روز پنجشنبه روز دیدن امرا و ساختن کارهاست
و روز جمعه روز خطبه و نکاح است روایتست از امام جعفر ع که هر که سفر کند و قمر در عقرب
نیکویی نه بیند روایتست که شخصی گفت من ببلای علم نجوم گرفتارم هرگاه که میخواهم کاری بکنم

از طالع

در طالع نظر میکنم اگر خوبست این کار میکنم والا نه فرمود که آن کار بر می آید گفت بلی
فرمود کتابهای خود را بسوزان و امیر المؤمنین علی ع سفر و نکاح را مکروه میدانست
که قمر در محاق بود یعنی روز بیست هشتم و بیست نهم و سیم امام موسی ع فرمود
که پنج چیز در راه سفر شوم است کلاغی که از دست راست آواز کند و مرغی
که دم خود را بر دارد و گرگی که در برابر مرد نشسته آواز کند و سه نوبت خرد
و نشیند و آهویی که از دست راست بیاید و بجانب چپ رود و جغدی که آواز
کند و پیره زنی که فرج خود را نمایان کند و ماده خرگوش بریده را به بیند و چون اینها را
بیند و شکی بخاطر رساند این دعا بخواند اِعْتَصَمْتُ بِكَ یَا رَبِّ مِنْ شَرِّ
اَجِدُ فِی نَفْسِی وَاعْصِمْنِی مِنْ ذٰلِكَ از شر آن خلاص شود حلبی گوید
که شخصی پرسید از امام جعفر الصادق ع که آیا مکروهست سفر کردن در یکی از روزهای
مکروه مثل روز چهارشنبه و غیر آن فرمود که پیش از سفر صدقه بده و آیة الکرسی
بخوان هر گاه سفر پیش آید ترا و دیگر فرمود که امام زین العابدین علیه السلام فرموده که حج کنید
و عمره بگذارید تا تندرست شوید و رزق بر شما گشاده گردد و معاش خود و عیالان
بیابید و تا ممنوع شوند مردگان شما از عذاب الهی و دیگر فرمود که هر که پیاده
حج کند و سوره انا انزلنا بخواند پیاده رفتن او را نماید و دیگر فرمود که هر که
سوره انا انزلنا در وقت سوار شدن بخواند حق تعالی او را سالم و آمرزیده بمنزل
رساند و دیگر فرمود که شتر هفت نوبت که بحج برود از جانوران بهشت میگردد

و دیگر فرمود که اگر چیزی بر تقدیر خدای تعالی متقدم میبود میگفتم که خواننده انّا انزلناه
که هر که سفر کند یا از خانه بیرون رود و انّا انزلناه بخواند زود بمنزل باز گردد **فصل دویم**
در ابتدا کردن سفر بصدقه دادن و غیر آن عبد الرحمن حجاج گوید که امام جعفر علیه السلام
فرمود که صدقه بده و بهر روز که خواهی سفر کن ابو عمر گوید که من نظر میکردم در نجوم
و ملاحظه طالع مینمودم و مرا از آن دغدغه در خاطر می افتاد شکایت کردم بخدمت
امام موسی ع از این فرمود که هرگاه این چیزی بهم رسد تصدق بده بصد مسکین که
اول بتو رسد بعد از آن خاطر جمع دار و بسفر بیرون رو که حق تعالی آنرا از تو دفع میکند
روایت از امام الصادق جعفر الصادق علیه السلام که هر که در صباح صدقه دهد حق تعالی دفع
کند از و بدیهای آن روز را و دیگر فرمود که پدر بزرگوار من روز چهارشنبه یا روز دیگر
که سفر میکرد صدقه میداد بعد از آن بیرون میفرمود **روایت** کند محمد بن مسلم از آنحضرت
که هرگاه بجانب اموال خود بیرون میفرمود میخرید سلامتی را از حضرت عزت به آنچه میسر بود
یعنی بصدقه و این صدقه را وقتی میداد که پای مبارک در رکاب میمنت انتساب مینهاد
و چون بسلامت مراجعت میفرمود حمد و شکر الهی بتقدیم میرسانید و باز آنچه میسر بود
صدقه میداد و همچنین میفرمود که چون خواهی سفر کنی از پروردگار خود سلامتی خود را
بخر به آن مقدار که نفست به آن خوش باشد و بگو بار خدایا میخواهم که فلان سفر کنم
و از تو سلامتی میخرم درین سفر باین مبلغ و چون مراجعت کردی چیزی صدقه کن
بشکرانه سلامتی خود **در برداشتن عصا** امیر المؤمنین علی علیه السلام روایت کند که رسول صلی الله

فرمودکه آیا

فرمود که آیا عاجز است یکی از شما از آنکه عصا بردارد که در پایین او آهن نیزه باشد
که بدیهای آن راه را از او دفع کند و جانوران موذی را بکشد و دیگر فرمود که در عصا
چهار خصلت است یکی سنّت انبیاست دویم سیرت صلحاست سیم قوت ضعفاست
چهارم دفع اعداست و دیگر فرمود که با عصا براه رفتن علامت مؤمنست
و تواضع و فروتنی هر که با عصا براه رود در هر قدمی برای او نیکویی بنویسند و از او
درجه پایه او را بلند گردانند و دیگر فرمود که هر که بسفر رود و باید که با او باشد عصایی
از چوب بادام تلخ و این آیه را بخواند وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ
عَسَىٰ رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ
وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ
تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا
شَيْخٌ كَبِيرٌ ۝ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا
أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ
أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ
الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ قَالَ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ
اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ ۝ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ
أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ
أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝

قال بيني وبينك ايما الاجلين قضيت فلا عدوان علي والله على
ما نقول وكيل حق تعالی او را ایمن گرداند از جانوران ایذا رسانند و از
دزد و ظالم و جانوران زهردار بچو مار و غیر آن تا هنگامی که با اهل خود پیوندد
و با او هفتاد و هفت فرشته باشند تا باز گردد امیر المؤمنین علی علیه السلام چنین روایت کرده
از آنحضرت که عصا فقر را می برد و شیطان را دور میکند دیگر فرمود که هر که خواهد
که راه از پیش او در رود عصا از چوب بادام تلخ بردارد و دیگر فرمود که عصا برداشتن
که سنن برادران منست که پیغمبرانند و بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ عصا را میگرفتند
تا فسادی در زمین ایشان نشود روایت کند در ثواب الاعمال از امام جعفر الصادق علیه السلام
که هر که بسفر بیرون رود و تحت الحنک بسته من ضامنم که بسلامت باز آید و هم از آنحضرت
که هر که از خانه بیرون برای سفر و تحت الحنک نه بندد دزد پیدا دی او را دریابد پس ملامت
نکند نفس خود را و در روایت دیگر وارد است که هر که تحت الحنک به نبندد در سفر امام موسی ع
فرمود که من ضامنم که نرسد باو آفتی از گلو گرفتن و غرق شدن و سوختن **فصل سیم**
در بیرون آمدن از خانه و عمل کردن بچیزی چند که منجحت حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که هر که بسفری بیرون رود هیچ قایم مقامی در آن خانه بهتر از دو رکعت نماز نیست
که در وقت بیرون رفتن بگذارد و در وقت وداع این دعا بخواند اللهم اني
استودعك اليوم ديني ونفسي ومالي واهلي وولدي وجيراني واهل
خزانتي الشاهد منا والغايب وجميع ما انعمت علي اللهم اجعلنا

في كنفك

في كنفك ومنعك وعبادك وعزك وعز جارك وجل
ثناؤك وامتنع عائذك ولا اله غيرك توكلت على الحي الذي لا يموت
الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم
يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا سبحان الله بكرة واصيلا
امام محمد باقر علیه السلام چون خواستی که بسفر رود عیالان خود را در خانه می نمود
و همین دعا میخواند که مذکور شد روایت که صباح گوید شنیدم از امام موسی ع که چون کسی از شما
خواهد که بسفر بیرون رود در خانه بایستد رو بجانبی که روانه است و فاتحة الکتاب بخواند
در پیش رو و جانب راست و جانب چپ خود و آیة الکرسی بخواند بهمین طریق بعد از آن این دعا
بخواند اللهم احفظني واحفظ ما معي وبلغني وبلغ ما معي ببلاغك
الحسن حق سبحانه و تعالی او را و هر چه با اوست نگاه دارد و بسلامت بمنزل رساند
امام جعفر الصادق ع هر گاه بسفر میفرمودند این دعا میخواند اللهم خل سبيلنا وا حسن
مسيرنا واعظم عافيتنا روايت از امام موسی ع که میفرمود شخصی که هر گاه از
منزل خود بیرون میرود خواه بجانب سفر و یا بجهت مهمی در حضر این دعا بخوان بسم الله
آمنت بالله توكلت على ما شاء الله لا حول ولا قوة الا بالله
که شیطان چون پیش راه او آید فرشتگان بر روی او میزنند که راه بر این شخص چه
که او خدای تعالی را یاد کرده و توکل بر او کرده روایت از امام محمد باقر ع که هر که
از خانه بیرون می آید بگوید اعوذ بما عاذت منه ملائكة الله من شر

هذا الیوم ومن شر الشیطان ومن شر من نصب لاولیاء الله ومن
شر الجن والانس ومن شر السباع والهوام ومن شر رکوب
المحارم کلها اجیر نفسی بالله من کل شیء حق سبحانه وتعالی او را بیامرزد وبرحمت
باز گردد ومهم او را کفایت کند ونگاه دارد از هر بدی وآفتی وامام جعفر علیه السلام
هرگاه بیرون میرفت بواسطه سفر این دعا میخواند اللهم احفظنی واحفظ ما معی
وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن بالله استفتح بالله استنجح
وبمحمد صلی الله علیه وآله اتوجه اللهم سهل لی حزونة وذلل لی
کل صعوبة واعطینی من الخیر کله اکثر مما ارجوا واصرف
عنی من الشر اکثر مما احذره فی عافیة یا ارحم الراحمین اسأل
الذی بیده ما دق وجل بیده اقوات الملائکة ان یهب لی
فی سفری امنا وامانا وسلامة واسلاما وفقها وتوفیقا
وبرکة وهدی وشکرا وعافیة ومغفرة عزما لا ینقاد
ذنبا وچون از منزل بیرون میفرمود میگفت الله اکبر الله اکبر
الله اکبر بسم الله دخلت بسم الله خرجت وعلی الله توکلت ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله
اجمعین اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر اللهم انی اعوذ بک من شر
نفسی ومن شر غیری ومن شر کل دابة ربی انت آخذ بناصیتها

ان ربی علی صراط مستقیم. توکلت علی الله ما شاء الله لا قوة الا بالله اللهم
انی اسألک خیر ما خرجت له واعوذ بک من شر ما خرجت له
اللهم اوسع علی من فضلک واتمم علی نعمتک واجعل رغبتی فیما
عندک وتوفنی فی سبیلک علی ملتک وملة رسولک بعد از آن
هر یک آیة الکرسی ومعوذتین واخلاص سه نوبت بخواند واز پیش خود وراست
خود سه نوبت میفرمود هر که چنین کند او در امان خدا باشد تا باز گردد
ورد ق
سواری روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که چون آنحضرت پای مبارک بر رکاب می نهاد
میفرمود سبحان الله الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین
وبعد از آن هفت نوبت سبحان الله وهفت نوبت الحمد لله وهفت بار لا اله الا الله
اصبع بن نباته گوید که من رکاب امیر المؤمنین علیه السلام را گرفته بودم وقتی که سوار میشد
سر مبارک بجانب آسمان کرد وتبسم نمود گفتم یا امیر این تبسم چه بود فرمود
همچنانکه تو رکاب من گرفته من رکاب حضرت رسول گرفته بودم او سر سوی آسمان
کرد وتبسم نمود من نیز سوال کردم فرمود یا علی هر که سوار شود وشکر آنچه خدای تعالی
بوی انعام فرموده کرده مرکبت این آیه سه نوبت بخواند ان ربکم الله
الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی العرش
یغشی اللیل النهار یطلبه حثیثا والشمس والقمر والنجوم
مسخرات بامره الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین.

ادعوا ربكم تضرعا وخفية انه لا يحب المعتدين ولا تفسدوا
في الارض بعد اصلاحها وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قريب
من المحسنين بعد از ان بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم واتوب
الیه اللهم اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت حق تعالی میفرماید
که ای ملائکه من این بنده من میداند که گناه او را غیر از من هیچکس نمی آمرزد گواه باشید
که من آمرزیدم او را روایت کند امام رضا علیه السلام که رسول صلی الله علیه وآله فرموده که هرگاه کسی سوار
شود و نام خدای تعالی ببرد فرشته نصب شود بمحافظت او تا فرود آید و اگر چون سوار شود
و نام خدای تعالی نبرد شیطان او را ردیف باشد و او را وسوسه کند بچیزهای بد تا آنکه
تا فرود آید و دیگر فرمود چون کسی بر مرکبی سوار شود و نام خدای تعالی ببرد و بگوید بسم الله
ولا قوة الا بالله والحمد لله الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین
خدای تعالی او را با مرکبا و نگاه دارد تا فرود آید دیگر روایت دیگر وارد است
که در محل سوار شدن این دعا بخواند الحمد لله الذی هدینا للاسلام
وعلمنا القرآن ومن علینا بمحمد صلی الله علیه وآله سبحان الذی سخر لنا
هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون والحمد لله رب
العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر وانت
الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل والمال والولد اللهم
عضدی وناصری هرگاه قافله رفت و تو باز ماندی میگو و میرو گ

فرمد

خرجت بحول الله وقوته بغیر حول والقوة اللهم انی اسألك
برکة سفری هذا وبرکة اهلی اللهم اسألك من فضلك
الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه الی وانا خائض فی عافیة
بقوتك وقدرتك اللهم انی امرت فی سفری هذا بلا ثقة
منی بغیرك ولا رجاء بسواك فارزقنی فی ذلك شکرك وعافیتك
ووفقنی لطاعتك وعبادتك روایت که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله
چون طیار را بجانب حبشه فرستاد و او را مشایعت کرد این دعا را زاد راه او ساخت
اللهم الطف بی فی تیسیر کل عسیر فان تیسیر العسیر
علیك یسیرا اسألك الیسر والعافیة والمعافاة الدائمة
فی الدین والدنیا و وداع فرمود دیگر روزی رسول صلی الله علیه وآله مردی را
فرمود زودك الله التقوی وغفر ذنبك ولقاك الخیر حیث کنت روایت
که حضرت امیر المؤمنین علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و عقیل و عبد الله و جعفر طیار
و عمار بن یاسر رضی الله عنهم مشایعت ابوذر فرمودند آنحضرت فرمود که
وداع کنید برادر خود را که او ناچار است از رفتن و شما را از باز گشتن هر کدام
چیزی تکلم نمودند در باب وی از آنجمله امام حسین علیه السلام فرمود که یا ابوذر قوم ترا
اخراج کردند که تو منع میکردی ایشان را از ناشایست و ترغیب بدین خود مینمودی
و ایشان قبول نمیکردند ترا از دنیا پس چه حاجت ایشان را که تو منع کردی

وچه بی‌بار کردند ترا از آنچه منع میکرد ترا ابوذر گفت رحمکم الله مرا در حجی فی زندان دنیا
وابستگی نیست و شما اهل بیت پیغمبر من که یاد میکنم آنحضرت را و شما نیز
با وی یاد میکنیم و مرا از حق گفتن چاره نیست علت این گشته **دیگر** گفت که رسول صلعم
هرگاه مؤمنی را وداع میفرمود این کلمات میخواند زَوَّدَكُمُ اللّٰهُ التَّقْوىٰ وَوَجَّهَكُمْ
اِلىٰ كُلِّ خَيْرٍ وَقَضىٰ لَكُمْ كُلَّ حاجَةٍ وَسَلَّمَ لَكُمْ دِينَكُمْ وَرَدَّكُمْ
اِلىٰ اَهْلِيكُمْ سالِمِينَ غانِمِينَ ودر خبر دیگر وارد است از امام محمد باقر ع
که چون رسول الله صلی الله علیه و آله وداع میفرمود مسافر را دست وی را میگرفت
و میگفت اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الصَّحابَةَ وَاَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَسَهَّلَ لَكَ
الْحُزُونَةَ وَقَرَّبَ لَكَ الْبَعِيدَ وَكَفاكَ الْمُهِمَّ وَحَفِظَ لَكَ دِينَكَ
وَاَمانَتَكَ وَخَواتِيمَ عَمَلِكَ وَوَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللّٰهِ اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ
نَفْسَكَ سِرْ عَلىٰ بَرَكَةِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ **روایت** دیگر آمده که هر که خواهد کسی را
وداع کند بگوید اَسْتَوْدِعُ اللّٰهَ دِينَكَ وَاَمانَتَكَ وَخَواتِيمَ عَمَلِكَ
اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الصَّحابَةَ وَاَعْظَمَ لَكَ الْعافِيَةَ وَقَضىٰ لَكَ الْحاجَةَ
وَزَوَّدَكَ التَّقْوىٰ وَوَجَّهَكَ الْخَيْرَ حَيْثُما تَوَجَّهْتَ وَرَدَّكَ سالِماً
غانِماً **فصل چهارم در مکارم اخلاق سفر** ابو ربیع شامی روایت کند
که ما در خدمت امام جعفر ع بودیم و خانهٔ آنحضرت پر بود از مردمان فرمود از ما نیست
هر که مرافقت و موافقت و مصاحبت نکند در سفر و هم در مواکلت و غیر آن و مخالفت کسی

که می غضب

که مخالفت کند او را و دیگر فرمود که پدر بزرگوارم میفرمود که هر که در وی سه خصلت نباشد
در سفر اعتمادی بر وی نیست یکی خلقی که نیکویی کند با مصاحبان خود و دیگر حلمی داشته باشد
که بسبب آن مالک غضب تواند شد و زهدی که مانع شود او را از حرام **دیگر** فرمود
که از مروت نیست مردی که در سفر حدیث کند در چیزی که کلال و ملال آرد عمار بن مروان
گوید که آنحضرت میفرمود در وصیت مرا بر تقوی و ادای امانت و با رفقا موافقت
و مصاحبت امام محمد باقر ع فرمود آنکس را که با وی مصاحبت میکنی اگر توانایی
داری که دست تو بالای دست آن باشد آنرا از دست مگذار **روایت** از رسول الله صلعم
که اول رفیق است بعد از آن طریق و آنحضرت همچنین میفرمود که دو کس که با هم مصاحبت
میکنند بزرگتر ایشان پیش خدای تعالی دوستر ایشان است از روی اجر و ثواب آنکس است
که در مصاحبت بهتر باشد و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که مصاحبت مکنید با کسی
در سفر که ترا برتر از خود نداند همچنانکه تو او را برتر از خود میدانی یعنی مصاحبان تو باید
که هر یک از آنها دیگری را بهتر از خود دانند **دیگر** آنحضرت ع فرمود که چون بسفر
بیرون روند نفقهٔ خود را همراه ببرند که آن موجب خوشحالی گشت و نیکویی خلق او
امام الصادق ع فرمود که مصاحبت کن با کسی که او مزین شود بتو شهاب بن عبد ربه
گوید که گفتم مر ابی عبد الله ع را که تو داری حال مرا و جود و بخشش مرا بر برادران
دنیا من مصاحبت شده‌ام جماعتی را از ایشان و در راه رعایت بسیار کردم ایشان را
فرمود که چنین مکن یا شهاب چو اگر ایشان را رعایت کردی ایشان در مقابل آن تو نتوانی

نداشته باشد آن را می باید پس نگاه داری خواری ایشان را و با امثال خودت مصاحبت کن
در دارایی امام محمد باقر ع فرمود که مصاحبت با مثل خود کن و با کسی که رعایت حال تو
کند و معیشت ترا دهد مصاحبت مکن که این سبب خواری مؤمنست و حضرت رسالت پناه
فرمود که بهترین مصاحبان این کس نزد خدای تعالی چهار کس اند و از صفت که در کذشت
پریشانیست امام جعفر الصادق ع فرمود که مسافری باید که تا سه روز جهت مصاحب خود
توقف کند وقتی که آن مصاحب بیمار باشد و نیز فرمود که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرموده که هیچکس نزد خدای تعالی بهتر از آن نیست که میانه رو باشد و اسراف و بد اعتدالی
نکند که خدای تعالی او را دوست ندارد مگر در حج و عمره و دیگر فرمود که بد خلق همراه ما
سفر نکند و دیگر فرمود که بهترین مردم آنکسست در سفر که خدمت یاران کند
و دیگر امام جعفر ع فرمود که رسول الله صلعم فرموده که در سفر بودیم و فرمودم که گوسفندی
بکشتند شخصی گفت من گوسفند بکشم دیگری گفت من پوستش میکنم دیگری
گفت من میپزم آنحضرت گفت من هیزم جمع میکنم یاران گفتند یا رسول الله
شما زحمت مکشید ما اینها را بجای می آوریم آنحضرت فرمود که من میدانم که
شما این خدمت میکنید اما خدای تعالی مکروه میدارد بنده را که در میان مصاحبان
بیکار باشد و کار خود را در گردن ایشان اندازد پس برپای خواست و هیمه را
جمع نمود دیگر آنحضرت هرگاه که بسفر میرفت سرمه و شانه دان و مسواک
همراه می برد امام جعفر ع فرمود که لقمان حکیم با پسر خود گفت هرگاه با جمعی سفر کنی

باید که در کارها با ایشان مشورت کنی و در روی ایشان خندان و شادان باشی و از توشه
خود با ایشان کرم کنی و با ایشان در میان نهی و هرگاه که ترا خوانند اجابت نمایی
و اگر از تو یاری طلبند ایشان را یاری نمایی و خاموشی را پیشه خود سازی و نماز
بسیار گذاری و با همراهان خود سخاوت بجای آری و آنچه داری از الاغ و آب و توشه
با ایشان مضایقه نکنی و هرگاه از تو گواهی خواهند بدهی کاهی که پیاده روند
با ایشان پیاده روی و چون سوار شوند تو نیز با ایشان سوار شوی و هرگاه صدقه
یا قرض دهند تو نیز با ایشان اتفاق کنی و سخن کسی که در حسب از تو بزرگتر باشد
بشنوی و هرگاه که ترا امر کنند بچیزی یا از تو چیزی خواهند قبول کنی و جواب نهی
که جواب بد خلقیست و هرگاه که در راه متحیر شوید فرود آیید و مشورت کنید
و هرگاه کسی را ببینید از راه سوال مکنید شاید که جاسوس دزدان باشد
یا شیطان ملعون که خواهد شما را حیران و سرگردان کند و از دو کس که دیده بر بندید
انگار از احوال ایشان دریابید که ازیشان غافل نیست و دیگر فرمود به پسر خود که هرگاه
وقت نماز در آید ادا کن و به آخر وقت مینداز بعد از آن استراحت کن از آن
زیرا که آن دینیست بر تو و نماز را بجماعت بگذار در هر جا که ممکن باشد و در بالای
مرکب خواب مکن که مجروح میسازد آن را که آن از فعل حکمانیست مگر آنکه در محفه باشی
که ممکن باشد ترا عدد بجهت استرخاء مفاصل و چون بمنزل نزدیک شدی
از مرکب فرود آی و او را بعلف بگذار و غم او بخور پیش از خود چه او ترا میکشد

وچون خواهی که فرود آیی جایی بصفا اختیار کن که خاکش نرم باشد و علفش بسیار
وچون فرود آیی دو رکعت نماز بگذار پیش از آنکه بنشینی و قرار گیری و هرگاه که بقضای
حاجت روی از مردم دور شو وچون کوچ کنی دو رکعت نماز بگذار وبعد از آن
آن زمین را وداع کن و بر اهل آن سلام کن چو در هر زمین و مکان جماعتی از فرشتگان
موکلند و اگر توانی طعام مخور تا صدقه ندهی و بر تست تلاوت قرآن مادام که
سوار باشی و تسبیح گویی بهر کار که مشغولی و دعا از دست مگذار مادام که نشسته
باشی و در اول شب براه مرو و در شب سخن بلند مگو روایتست که رسول صلی الله علیه و آله
فرمود در بذل زاد و مروت در سفر که از شرف مرد است که چون بسفر بیرون روی
توشهٔ نیکو بردار امام زین العابدین علیه السلام چون بسفر بیرون میرفت توشه برمیداشت
که پاکترین ایشان بادام و شکر بود و سویق وغیر آن نیز نیکوست مرویست
که ابوذر غفاری رحمة الله علیه نزد خانهٔ کعبه برپای خواست و گفت منم جندب مسکین گرد
او درآمدند فرمود که ای مردمان هرگاه یکی از مردمان خواهد که بسفر بیرون رود
او را توشه ناچار است که بصلاح آرد کار خود را حال آنکه سفر قیامت دورتر است
و از توشه که برداشته صلاح حال شما شود مردی دران میان گفت که راه نمای
ما را گفت روزه بدارید در گرمای گرم بجهت روز نشور و حج و عمره بگذارید
بجهت سختی و بزرگی امور و دو رکعت نماز بگذارید در سیاهی شب برای وحشت
قبور و از کلمهٔ خیر لب مبندید و از شر فرو بندید و صدقه کن بر مسکین شاید

وسیلهٔ نجات تو شود در روز رستخیز و پسین و دو درهم گردان و درهمی را انفاق
گردان بر عیالی که داری و درهم دیگر را پیش فرست برای خودت بجهت رضای باری
و درهم سیم را اگر بستانی ضرر داری و فایده ندارد باز گردان آنرا که وبالست
بر تو و اگر از دست بگذاری و دیگر فرمود دینار را دو کلمه گردان در طلب حلال و کلمهٔ دیگر
بجهت رضای ذو الجلال و کلمهٔ سیم اگر خواهی ضرر یابی و فایده نیابی از و روی بگردان
باز گفت که میکشد مرا غم روزی که در نیافتم آنرا لقمان حکیم گفت مر پسر خود را
که دنیا دریای بی پایانست و بسیاری درو غرق گشته اند پس تو درین دریا
خدا را کشتی خود گردان و بادبان آنرا توکل ساز بر خدای تعالی و لنگر آنرا خود را
در تقوی اگر نجات یافتی پس آن رحمت الهیست و اگر هلاک شدی پس گناهان تست
و مهیا ای پسر من کن شمشیر و موزه و عمامه و خیمه و مشک آب و سوزن و ریسمان
و آنچه توانی از ادویهای فایده مند بجهت خود و رفیقانت بردار با رفقا موافقت
کن مگر در معصیت الهی امام جعفر علیه السلام فرمود که مردمان گمان میکنند که فتوت بازا
یستادنست از فسق و فجور و حال آنکه اعظم فتوت طعامست که به پیش محتاجان
بیاورند و آنچه دست رس باشد به بینوایان صرف کنند و ایزا بمردمان نرسانند
و دیگر فرمود که مروت چه چیز است گفتند نمیدانیم فرمود که بخدا که مروت
آن نیست که خوان طعام بنهید بر در خانهٔ خود. مروت دو است یکی در حضر
و یکی در سفر فاما آنچه در حضر است آن تلاوت قرآنست و لزوم مساجد و رعایت

برادران در حوایج و احسان کردن با ملازم و خادم و دوستان را شاد گردانیدن
و دشمنان را دهن بستن اما آنچه در سفر است توشه پاک بسیار برداشتن و با رفیقان
صرف کردن و امر ایشان بر قوم پوشانیدن بعد از مفارقت ایشان و بسیاری مزاح
در غیر چیزی که مرضی حق تعالی نباشد بعد از آن فرمود به آن خدایی که جد مرا بحق بخلق
فرستاده که بنده روزی می یابد بر قدر مروت و معونت فرود می آید از آسمان
که صبر نازل میشود بر قدر بلا و شدت **فصل پنجم در نگاه داشتن متاع و اموال**
و استخاره کردن و طلب حاجات از حق جل و علا روایت از حضرت الصادق عم که هر که آیة الکرسی بخواند در سفر
در هر شبی بسلامت ماند خود و آنچه با اوست و بگوید بعد از آیة الکرسی اللهم
اجعل مسیری عبراً و صمتی تفکراً و کلامی ذکراً روایت
که شخصی بجهت امام رضا عم چند بخچه رخت فرستاد و در میان آن قدری گل بود شخصی
پرسید که این چه گل باشد فرمود که گل قبر مطهر امام حسین علیه السلام است و صاحب رخت
هرچه بهر جایی فرستد این در میان آن مینهد و میگوید که امان حضرت منان است
روایت از امام جعفر الصادق علیه السلام که دو برادر بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله
آمدند و گفتند یا رسول الله میخواهیم که بتجارت رویم تعلیم فرما ما را دعایی که
در راه بخوانیم آنحضرت فرمود که هرگاه خواهید که خواب کنید و نماز خفتن گزارده
باشید در وقتی که پهلو بجامه خواب نهید تسبیح فاطمه زهرا عم بگویید
و بعد از آن آیة الکرسی بخوانید که در امان حق سبحانه و تعالی باشید پس ایشان بسفر

رفتند اتفاقا جماعت دزدان در عقب ایشان روان شدند تا وقتی که فرود آمدند
شخصی را فرستادند که خبر گیرد که ایشان در خواب رفته اند یا نه آن شخص آمد دید
که ایشان یکی تسبیح زهرا گفتی و آیة الکرسی خواندی و خواب کرد جاسوس
دزدان دید حصاری بر گرد ایشان هرچند بر گرد آن حصار گردید به اندرون راه
نیافت نزد یاران خود آمد و صورت حال باز گفت رفقا او را دشنام دادند
و گفتند دروغ میگویی بلکه ترسیده تمام برخواستند و آمدند دیدند آنچه
او دیده بود چاره نتوانستند کرد پس چون صباح شد پیش آن دو جوان آمدند
گفتند دوشینه کجا بودید گفتند هم اینجا بودیم و جای دیگر نرفتیم گفتند ما
آمدیم و شما را ندیدیم و چهار دیوار مضبوط دیدیم درین چه سر بود گفتند
ما بوقت بیرون آمدن بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله رفتیم ما را تعلیم نمود
به تسبیح فاطمه زهرا و آیة الکرسی پس همچنان کردیم دزدان گفتند بروید بخدا
که هیچکس را با شما کاری نیست **در استخاره جهة تجارة** عبدالرحمن بن سنان گوید
که سالی بیرون رفتم بجانب مکه و پاره قماشی همراه داشتم کسی نخرید بعضی همراهان
گفتند که بمصر یا یمن فرست و هر کس چیزی گفتند آخر بخدمت ابی عبدالله علیه السلام
رفتم فرمود که قرعه بزنید از میانه مصر و یمن و توکل بر خدای عز و جل کن بنام
یکی ازین دو شهر که آید برانجا فرست گفتم چگونه قرعه زنم فرمود بنویس بر کاغذ
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انت لا اله الا انت عالم الغیب و الشهادة

انت العالم وانا المتعلم فانظر الی فی ای الامرین خیر لی اتوکل
علیک فیه واعمل به بعد از ان نام مصر بنویس و دیگر انشاء الله تعالی وبار رقعه
دیگر بنویس مثل این وبعد از ان نام یمن بر و بنویس وبعد از ان رقعه دیگر مثل
اینها و نام حبش تا عرا بنویس و نام شهری که میخواستی بعد از ان رقعهارا
جمع کن و بشخصی بده از اصحاب خود که در زیر جایی پنهان کند وبعد از ان
بیرون آرد هرکدام اول بیرون آمد بدان عمل کن و توکل بر خدای تعالی کن دیگر فرمود
که هرگاه خواهی که بمهمی روی و آفتاب بر آمده باشد و سرخی او رفته پس دو رکعت
نماز بگذار و در هر رکعتی الحمد و قل یا ایها الکافرون بخوان و چون سلام بدهی بگو
اللهم انی غدوت الشمس من فضلک کما امرتنی فارزقنی من
فضلک رزقا حسنا واسعا حلالا طیبا واعطنی فیما رزقتنی
العافیة غدوت بحول الله وقوته غدوة بغیر حول منی
ولا قوة ولکن بحولک وقوتک وابرا الیک من الحول
والقوة اللهم انی اسالک برکة هذا الیوم وبارک لی
فی جمیع اموری یا ارحم الراحمین وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین
وچون بازار درآمدی بگو اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو
حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر واشهد

ان محمدا عبده ورسوله اللهم انی اسالک خیرها وخیر اهلها
واعوذ بک من شرها وشر اهلها اللهم انی اعوذ بک
ان ابغی ویبغی علی او اظلم او اظلم او اعتدی او یعتدی
علی واعوذ بک من ابلیس وجنوده وفسقة العرب
والعجم حسبی الله لا اله الا هو رب العرش العظیم چون خواهی
که چیزی بخری بگو یا حی یا قیوم یا دائم یا رئوف یا رحیم اسالک
بعزتک وقدرتک وما احاط به علمک ان تقسم لی من التجارة
الیوم اعظمها رزقا واوسعها فضلا وخیرها عاقبة لانه
لا خیر فیما لا عاقبة له وچون چارپایی بخری بگو اللهم ارز قنی
اطولها حیوة واکثرها منفعة وخیرها عاقبة فصل ششم
در آداب رفتن سفر و کراهیت تنها رفتن و دعا خواندن روایت از امام جعفر الصادق ع که پیاده رو
و قدم بکشید که آن بر شما آسان تراست از مشقت الاغ روایت که جمعی پیاده
میرفتند حضرت رسول صلعم بر ایشان رسید گفتند یا رسول الله از پیاده رفتن
به تنگ آمده ایم فرمود که قدم بکشید که بر شما آسان میشود روایت از امام جعفر ع
که رسول الله صلعم فرمود که سواره سزاوار تر است از پیاده بجاده و پای برهنه
حقت از کفش پوشنده و زن را روا نیست که بمیان راه رود بلکه بر دو طرف
راه رود است ودیگر فرمود که خبر دهم شما را ببدترین مردمان گفتند بلی یا رسول الله

فرمود کسی که تنها سفر کند و فایده بمردم نرساند و خادم و غلام خود را بسیار زند
حضرت امام موسی ع فرمود که رسول صلعم سه کس را لعن کرده یکی آنکه در راه توشه را
تنها خورد و کسی که در خانه تنها خواب کند و سواری که در بیابان تنها رود اسمعیل
بن جابر گوید که من در مکه بخدمت امام جعفر علیه السلام رسیدم ناگاه مردی از مدینه آمد
امام او را گفت که مصاحب تو که بود گفت اگر من با تو میبودم آداب راه را
بتو می آموختم بعد از آن فرمود که چون یک کس براه میرود شیطانست و دو کس دو شیطان
و سه کس مصاحبند و چهار کس رفیقانند امام موسی ع فرمود کسی که تنها بیرون میرود
بگوید مَا شَاءَ اللّٰهُ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَاَعِنِّی
عَلٰی وَحْدَتِی وَعُدَّ غَیْبَتِی واز امام جعفر الصادق ع مرویست که هر گاه
راه گم کنید بگوید یَا صَالِحُ یَا اَبَا صَالِحٍ اَرْشِدُونَا اِلَی الطَّرِیقِ
یَرْحَمُکُمُ اللّٰهُ و دیگر فرمود که نگهبان صحرا صالح است و نگهبان دریا حمزه
هر گاه که در صحرا غول پیدا شود بانگ نماز بگوئید تا بر طرف شود و رسول صلعم
فرمود که چون بمنزل فرود آیید این دعا بخوانید اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِی مُنْزَلًا
مُبَارَکًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ و در روایت دیگر وارد است که بعد از آن بگوید
وَاَیِّدْنِی بِمَا اَیَّدْتَ بِهِ الصَّالِحِینَ وَهَبْ لِیَ السَّلَامَةَ وَالْعَافِیَةَ
فِی کُلِّ وَقْتٍ وَحِینٍ اَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ کُلِّهَا مِنْ
شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَاَ وَبَرَاَ پس دو رکعت نماز بگذارد و بگوید

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا خَیْرَ هٰذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَعِذْنَا مِنْ شَرِّهَا اَللّٰهُمَّ اَطْعِمْنَا
مِنْ جَنَاهَا وَاَعِذْنَا مِنْ وَبَائِهَا وَحَبِّبْنَا اِلٰی اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِی
اَهْلِهَا اِلَیْنَا و چون خواهید روان شوید دو رکعت نماز بگذارید و این دعا
بخوانید اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا مِنْ آفَاتِ السَّفَرِ وَالْآلَامِ الْحَضَرِ و وداع
آن موضع بکنید با اهلش زیرا در هر موضع جمعی فرشتگان هستند بگوید
اَلسَّلَامُ عَلٰی مَلَائِکَةِ اللّٰهِ الْحَافِظِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِینَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ
وَبَرَکَاتُهُ و چون بجانب خانه باز گردید این دعا بخوانید آئِبُونَ تَائِبُونَ
اِنْ شَاءَ اللّٰهُ عَابِدُونَ رَاکِعُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ
اَللّٰهُمَّ لَکَ عَلٰی حِفْظِکَ اِیَّایَ فِی سَفَرِی وَحَضَرِی اَللّٰهُمَّ اَوْبَتِی
هٰذِهِ مُبَارَکَةً مَیْمُونَةً مَقْرُونَةً بِتَوْبَةٍ نَصُوحٍ تُوجِبُ لِی
بِهَا السَّعَادَةَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ روایت که رسول صلی الله علیه و آله گفت
مر امیر المؤمنین علیه السلام را که یا علی چون خواهی که بشهری یا بدهی در آیی وقتی که آنجا
نمودار شود بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ خَیْرَهَا وَاَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهَا
اَللّٰهُمَّ حَبِّبْنَا اِلٰی اَهْلِهَا وَحَبِّبْ صَالِحِیهَا اِلَیْنَا امام الصادق ع روایت کند
که هیچ کس تهلیل نگوید و تکبیر بر بلند و پستی مگر که تهلیل گویند فرشتگان از عقب او
و تکبیر گویند از پیش او به تهلیل و تکبیر تا او برسد بمحل قطع خاک و چون بکشتی
نشیند بگوید بِسْمِ اللّٰهِ مَلِکِ الرَّحْمٰنِ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْاَرْضُ

جميعا قبضته يوم القيمة والسموات مطويات بيمينه سبحانه
وتعالى عما يشركون بسم الله مجريها ومرسيها ان ربي لغفور
الرحيم وچون قدم نهی بر یکی بگو بسم الله ادخر عني الشيطان الرجيم
امام جعفر الصادق عليه السلام در مراجعت مکه فرمود که حضرت رسول الله صلعم فرموده که هر که
از مکه بیاید باوی بگویید تقبل الله منك واخلف عليك نفقتك
وغفر ذنبك امام عليه السلام فرمود که چون حاجی از راه برسد هر کرا ورا در بغل
گیرد چنان باشد که حجر الاسود را در بغل گرفته باشد و زیارة نموده وچون از سفر
مکه باز گشت وبخانه آمد سزاوار آنست که مشغول بچیزی دیگر نگردد تا غسل کند
و دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن سجده شکر بجای آورد و در سجده صد بار بگوید
شکرا لله

فصل ہفتم در محافظت وخدمت چارپایان وحق آنها بصاحب ایمان

روایت از ابوذر رحمه الله عليه که شنیدم از حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله
که میفرمود که مرکب سواری میگوید اللهم ارزقني مليك صدق
يشبعني ويسقيني ولا يحملني ما لا اطيق يعني بارخدايا مرا روزی کن
مالک راستی که سیر و سیراب گرداند مرا و بر من باری نهد که طاقت برداشتن
آن مرا باشد وامام جعفر الصادق ع فرمود که می باید که نخرد کسی مرکبی مگر که بگوید
اللهم اجعله لي رحيما ودیگر فرمود که الاغان بدست آرید که موجب زینت اند
واز آنها مهمات کفایت میشود وروزی ایشان با خداست روایت کند سکونی

باسناد خود که رسول صلعم فرمود که خدای تعالی دوست میدارد رفق ونرمی وبدان
مدد می نماید پس چون بر مرکب لاغر سوار شوید از منزل بگذرید واگر زمین بی بر باشد
بگذرید وتعجیل نمایید واگر پر علف باشد فرود آیید روایت از رسول صلی الله علیه وآله
که الاغان را بر صاحبان شش حقست اول آنکه علف دهند آنرا جایی فرود آیند پیش از آنکه
خود چیزی خورند وچون بآب رسند او را نمایند اگر بخورد و بر روی آنان نزنند که تسبیح
میکنند بحمد پروردگار خود ونه ایستند در پشت ایشان مگر در روز غزا وبار نکنند
آنرا زیاده از قوت آنها وتکلیف نکنند آنها را از رفتن مگر آنکه طاقت داشته باشند
شخصی از حضرت امام جعفر ع سوال کرد که کی بزنم مرکب خود را که در زیر من باشد
فرمود هرگاه نرود در زیر تو بجایی که میرود بجانب علف ونیز آنحضرت فرمود
که بزنید مرکب را وقتی که بر در می آیند ونزنید ایشان را وقتی که رم می کنند
که او چیزی می بیند که شما نمی بینید وحضرت رسول الله صلعم فرمود که در بالای
مرکب مربع منشینید وبر آن صحبت مدارید وهر دو پای را بطرف میاویزید
روایت که امام زین العابدین ع بیک شتر چهل نوبت حج کرده وبر وی یک تازیانه
نزده در احوال از امام جعفر ع که شتر سرخ موی نگاه مدارید که کوتاه عمرند ونیز
فرمود که شتران سیاه موی بد شکل بخرید که دراز عمرند از شتران دیگر
پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که از میان قطار شتران گذشتن پرسیدند فرمود
که در میان هر دو شتر شیطانی ایستاده است در احوال ا. آنحضرت فرمود

که خیر از پیشانی اسبان تا بانست تا روز قیامت و کسی که اسبان را در راه خدا
رعایت کند حکم آنکس دارد که هرگز صدقه ترک نکرده باشد امام رضا ع فرمود که در پیشانی
هر اسبی شیطانیست هرگاه خواهید که لجام کنید نام خدا ببرید و امام موسی علیه السلام
فرمود که اگر مرکبی سر سخت و بد چشم شود در گوش او این آیه را در گوش او بخوانید
أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ **فصل هشتم در نکتهای نوادر که**
واقع است در سفر جابر بن عبد الله انصاری روایت کند که حضرت رسول الله صلعم فرمود
که مسافر شب بخانه در آید پیش از آنکه خانه را خبر کند و دیگر فرمود که سفر پاره ایست
از عذاب باید که در سفر مهمانی نماید و زود باز گردد به اهل خود امام جعفر ع
فرمود که قطع راه توشه را آخر میکند و خوی را بد میسازد و جامه را کهنه میکند
و حضرت رسول الله صلعم فرمود که چون راه گم کنید در سفر بخوانید و دیگر فرمود
که هر که یاری و مدد کاری نماید مسافر مومن را حق سبحانه و تعالی از و هفتاد و سه غم بر دارد
در دنیا و در قیامت راحت بی نهایت او را روزی نماید یعقوب بن سالم گوید
که پرسیدم از ابی عبد الله علیه السلام که با من درهمی چند هست که در و تماثیل
نقش کرده اند و در حال احرام من آن را در همیانی کرده ام و بر میان خود بسته
چه گونه است فرمود چون آن خرجی و نفقه تست باکی نیست و اطمینان تو به آنست
روایتست از امام موسی علیه السلام که سفره که در و حلقهای زرد باشد بیرون کنید

و حلقهای آهنین بجای آن بپا رید که بخصایا نیکوست **باب دهم**
در آداب ادعیه و آنچه متعلق است به او بر پنج فصل مشتملست **فصل اول**
در فضیلت دعا و کیفیت آن حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هیچ چیز نزد
خدای تعالی گرامی تر از دعا نیست دیگر فرمود که دعا سلاح مومنست و ستون دین
و نور آسمان و زمین و دیگر فرمود که شما را دلالت کنم بر سلاحی که نجات دهد شما را
و نگاه دارد از دشمنان و روزی شما را زیاده گرداند درین حال حاضران گفتند
بلی یا رسول الله فرمود که شب و روز دعا کنید که سلاح مومنست دیگر فرمود که
عاجزترین مردمان آنست که عاجز آید از دعا و بخیل ترین مردمان آنست که در
جواب سلام امساک کند دیگر فرمود که هیچ مسلمان نباشد که دعا کند که بخویشان
از آن ضرری نرسد و طلب معصیتی در آن نباشد مگر آنکه حق تعالی او را یکی از
سه چیز کرامت فرماید یکی آنکه دعای او را قبول نماید یا در آخرت او را عوض
دهد یا بلایی از و دفع کند حضرت امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که دوسترین
عملها بسوی خدای تع دعاست و افضل عبادات عفتست عبد الله بن سنان گوید
که امام جعفر ع فرمود که دعا دفع بلا میکند پس بکوشید در دعا که آن
کلید هر رحمتست و بر آرنده هر حاجت و هر مطلوب مرغوبی که از حق سبحانه و تعالی
طمع دارند حصول آن منت کرد در دعا و هر دری که بسیار بکوبند آخر آنرا
بروی کوبنده بگشایند ابو عبد الله ع فرمود که دعا موجب قبولست همچنانکه

ابر سبب باران است و دیگر فرمود که هیچ بندهٔ دست بر ندارد بدرگاه حق تعالی مگر که
او شرم دارد که دست او را خالی باز گرداند و از فضل و رحمت خود بگذارد آنچه خواهد
و چون یکی از شما دعا کند باید که باز برد دست خود را باید که بر روی خود بمالد
هشام بن سالم گوید که ابی عبد الله ع گوید که هیچ میدانید درازی بلا را از کوتاهی
آن گفتیم نه فرمود که هرگاه ملهم شد یکی از شما بدعا نزد بلا پس بدانید که آن بلا نزد درگاه
الله کوتاه است و دیگر فرمود که هر که خواهد دعای او مستجاب شود در روز سختی پس باید
که در روز آسانی بسیار دعا کند امام رضا ع فرمود که یک دعای پنهان بهتر است
از هفتاد بلا که ظاهر باشد امام جعفر ع فرمود که حضرت عزت حاجات شما را
میداند لیکن دوست میدارد لیکن دوست میدارد که از او طلب نمایند و امام
رضا علیه السلام فرمود مر یکی از اصحاب خود را که بر تست که مسلح شوی بسلاح
پیغمبران گفت سلاح ایشان چه چیز است فرمود که آن دعاست امام الصادق علیه السلام
فرمود که دعا در اثر فرو رونده تر است از نیزه و تیر در او قاتی که امید واری دعا است
زید بن هشام روایت کند از امام جعفر ع که در چهار محل دعا کنید یکی نزد وزیدن
بادها و دیگر در وقت زوال آفتاب و دیگر در وقت فرود آمدن باران و دیگر
در وقتی که خون مومنی بر خاک ریزند که درهای آسمان درین وقتها گشاده است
و دیگر فرمود که در هفت موضع دعا قبول است نزد نماز و بعد از نماز صبح
و بعد از پیشین و بعد از شام و در وقت بانگ و وقت آمدن باران و در وقت

غزا که

غزا که صعوف راست شود دیگر فرمود که هرگاه یکی از شما رقت دل حاصل شود باید دعا
کنید زیرا که دل رقت حاصل نمیکند تا خالص نمیشود معاویه بن عمار گوید که حضرت
امام جعفر الصادق ع فرمود که هر که حاجتی دارد باید که طلب کند آنرا نزد زوال از درگاه
ذو الجلال و پیش از آن تصدق کند چیزی را و بوی خوش ببوید و بمسجد دعا کند که
حاجتش روا میکرد د ان شاء الله تعالی و دیگر فرمود که تو حرکت پیدا کنی و دیده تو
گریان شد ملازم آن وقت باش که آن وقت دعاست و حاجت روا ابو صباح
گوید که امام محمد باقر ع فرموده که حق سبحانه و تعالی دوست میدارد که بندگان مومن
بدرگاه او دعا کنند پس دعا کنید از سحر تا طلوع آفتاب که در آن وقت درهای آسمان
گشاده است و روزی در آن وقت قسمت میکنند و حاجتهای بزرگ در آن وقت
روا میشود عمرو بن ادیه گوید که شنیدم از ابی عبد الله ع که در شب ساعتیست
که بندهٔ مومن باید و ملازم آن ساعت باشد که در آن ساعت نماز گذارد و دعا
کند نیست کسی که آن ساعت دعا کند مگر که حق سبحانه و تعالی دعای او را در آن ساعت
روا کند گفتم اصلحک الله آن کدام ساعتست از هر شب که هرگاه نصف شب
گذشته و باقی مانده شش یک اول از اول نصف دیگر فرمود که هرگاه طلب
روزی میکنید کفهای دست بجانب آسمان بر دارید رو بقبله و چون از حق تعالی
پناه جویی از شر نکبت و اذیت کفهای دست را بجانب قبله بگردانید در حال
تضرع و زاری دست را از سر بگذرانید و روی از دنیا بگردانید و بجانب

حق تعالی او رید و انگشتان شهادت را حرکت دهید ابن معمر گوید که بسیار شنیدم
از ابی عبدالله ع آنچه پیش از دعا باید کرد فرمود که حمد و ثنای حق تعالی را بجای آرید
صلوات بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرستید بعد از آن جهت خود دعا کنید
محمد بن مسلم روایت کند از ابی عبدالله ع که در کتاب امیر المؤمنین علی علیه السلام دیدم
که پیش از دعا عظمت و بزرگی حضرت عزت باری تعالی یاد کنید گفتم چه گونه یاد
کنیم بزرگی او را فرمود که بگویید یا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَیَّ مِنْ حَبْلِ
الْوَرِیدِ یا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلَى
یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ عثمان بن معزه گوید
که ابی عبدالله علیه السلام فرموده که هرگاه خواهید که دعا کنید حق سبحانه و تعالی را بزرگی
یاد کنید و تسبیح و تهلیل او را بتقدیم رسانید و ستایش او را بگویید و صلوات
بر پیغمبر و آل او بفرستید و حاجت طلب کنید روا میشود در ساعت و فرمود
که ستایش او را برین وجه نمایید یا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطَى یا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ
یا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ یا واحِدُ یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ
وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ یا مَنْ لَمْ یَتَّخِذْ صاحِبَةً وَلا
وَلَدًا یا مَنْ یَفْعَلُ ما یَشاءُ وَیَحْکُمُ ما یُرِیدُ بعد از آن بگوید
اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلالِ ما اَکُفُّ بِهِ وَجْهِی
وَاُؤَدِّی بِهِ اَمانَتِی وَاَصِلُ بِهِ رَحِمِی وَیَکُونُ عَوْنًا عَلَی الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ

و دیگر

و دیگر فرمود که مردی بمسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله درآمد و دو رکعت نماز گذارد آنگاه
طلب حاجت کرد آنحضرت فرمود که بنده تعجیل نمود بدرگاه الهی بعد از آن مردی دیگر
آمد و دو رکعت نماز بگذارد و ستایش الهی بتقدیم رسانید و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله
فرستاد آنحضرت فرمود که حاجت طلب کن که روا است ابو خالد گوید که امام جعفر ع
فرمود هرگاه چهل مرد جمع شوند و دعا کنند در اموری از امور البته حق تعالی دعای ایشان را
مستجاب میگرداند پس اگر چهل کس نباشد چهار کس دعا کنند هر یک ده نوبت آن دعا
نیز مستجاب شود پس اگر چهار نباشد یکی دعا کند چهل نوبت خدای تعالی آن را قبول می نماید
هرگاه پدر بزرگوار مرا غمی پیش آمدی عورات و اطفال را جمع مینمود و دعا میکرد
و ایشان آمین مینمودند و دیگر فرمود که دعا کننده و آمین کننده هر دو شریک اند
در امری هشام بن سالم گوید که آنحضرت فرمود که دعا محجوب است مادام که
صلوات بر محمد و آل او نفرستند اجابت نمیشود و دیگر فرمود که هر که دعا کرد
و صلوات نفرستاد دعا بر سر او می ایستد هرگاه صلوات فرستاد دعا
بالا میرود دیگر فرمود که هرگاه کسی را حاجتی باشد بدرگاه الهی پس باید
که ابتدا بصلوات کند بعد از آن حاجت بخواهد و ختم آن نیز بصلوات نماید
زیرا که حق سبحانه و تعالی از آن کریم تر است که طرفین دعا را قبول فرماید و وسط را
رد کند که دعا بصلوات محجوب نیست و دیگر فرمود که حضرت رسول صلعم
فرمود که در هر مجلسی که جماعتی جمع شوند و تزیین آن مجلس بذکر الهی و درود حضرت

رسالت پناهی و آل هدایت انتباهی نمازند آن مجلس بر ایشان وبال کردد و حسرت و ندامت

بیفزاید و دیگر فرمود که دعای پنج کس مستجابست کسی که براه حج رود و دیگری که بغزا

توجه نماید و دیگری که بر فراش بیماری بنالد و دیگر فرمود که پدر بزرگوارم فرمود

که دعای پنج کس مردود نیست یکی امام عادل و دیگر مظلوم که حق تعالی در جواب ایشان

میفرماید که داد ترا از ظالم میستانم اگرچه بعد از مدتی باشد و دیگر فرزند صالح

که بجهت مادر و پدر خود دعا کند و دیگر دعای پدر صالح برای فرزند و دیگر دعای

برادر مومن که غایبانه دعا کند برای او امام محمد باقر ع فرمود که مومنی که برادر مومنی را

دعا کند آن به اجابت اقربست عبد الله بن سنان گوید که دعای برادر مومن غایبانه

در روزی می افزاید و دفع مکروه می نماید دیگر فرمود که به پرهیزید از دعای مظلوم

که آن زود بر آسمان میرود و دیگر فرمود که هر که چهل مومن برادر در دعا مقدم دارد

آن دعا مستجاب میشود روایت که شخصی سوال کرد از امام جعفر ع که من دو آیه

در کلام الهی می یابم که آنچه از آن میطلبم نمی یابم آنحضرت فرمود که کدام است

گفت اُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ و حال آنکه ما دعا میکنیم و مستجاب نمیشود آنحضرت

فرمود که گمان تو اینست که حق سبحانه و تعالی خلاف وعده کرده گفت نه یا امام

گفت پس خیال تو چیست گفت من این سر را نمیدانم فرمود که ترا این سر

اگاه کنم آنست که دعا شروطست بچند شرط اول حمد و ستایش الهی بجای آر

و شکر آن بگو پس صلوات بفرست و یاد گناهان خود کرده استغفار کنید

و بعد ا

و بدعا مشغول شوید در امری که صلاح بود البته مستجاب شود بعد از آن حضرت فرمود

که آیه دیگر کدام است گفت وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ یعنی آنچه

صدقه میکنید خدای تعالی عوض آن میدهید و حال آنکه ما صدقه میکنیم و عوض نمی یابیم

آنحضرت فرمود که گمان تو اینست که خدای تعالی خلاف وعده کند گفت نه من نیز

درین سر حیرانم فرمود که اگر از مال حلال صدقه بدهند حق تعالی آنرا عوض میدهد

سلمان فارسی رحمة الله علیه روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله فرموده که خدای تعالی

شرم میدارد از بنده که هر دو دست را بدعا بردارد و دست او را نا امید باز

گرداند **فصل دویم در دعاهای شبانه روزی از ادعیهٔ گزیده** روایت از امام جعفر علیه السلام

که هر که دو نوبت پیش از طلوع و پیش از غروب آفتاب بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ

لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ کفارهٔ گناهان او میشود

و دیگر فرمود که نوح ع در هر صبح و شام این دعا میخواند اَللّٰهُمَّ إِنِّي

أُشْهِدُكَ أَنَّهُ مَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى بِي مِنْ نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ فِي

دِينٍ أَوْ دُنْيَا فَمِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْحَمْدُ وَلَكَ

الشُّكْرُ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَاءِ ازین جهت او را

عبد الشکور نام کرد مسمع بن عبد الملک گفت که من با امام جعفر ع چهل صباح

گذاردم چون از نماز سنت صبح فارغ میشد دست مبارک بجانب آسمان میداشت

ويبقت اللهم انا عبدك وابن عبديك اللهم احفظنا من
حيث نحتفظ ومن حيث لا نحتفظ اللهم احرسنا من حيث
نحترس ومن حيث لا نحترس اللهم استرنا من حيث
نستتر ومن حيث لا نستتر اللهم استرنا بالغنى والعافية
اللهم ارزقنا العافية والشكر على العافية بسيارى از ثقات
روايت كرده اند از حضرت امام جعفر ع كه فرموده شيعه ما را پناهى بر از دوستى
ما نيست كه نگاه ميدارد ايشان را اگرچه در دريا باشند يا در صحرا يا در ميان
شيران و گرگان درنده و در ميان دشمنان و جن و انس پس بايد كه دست اعتصام
بعروة الوثقاى ما زنند و اعتصام ورزند در دوستى ما كه مطلوب حاصل است
و هر كه خواهد كه در امن و امان در آيد و از محذور و مكروه بر او نرسد دعاى فراش را
در صبح و شام سه بار بخواند در هر وقت اگر صباح ميخواند بگويد اصبحت اللهم
معتصما بذمامك المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول من
شر كل غاشم وطارق من ساير من خلقت وما خلقت من
خلقك الصامت والناطق في جنة من كل مخوف بلباس سابغة
ولاء اهل بيت نبيك محمد صلى الله عليه وآله اجمعين ٥
تحجبنا من كل قاصد لي الى اذية بجدار حصين
الاخلاص في الاعتراف بحقهم والتمسك بحبلهم موقنا ان الحق

عادوا
لهم ومعهم وفيهم وبهم اوالي من والوا واعادي من عادوا واجانب من جانبوا
فصل على محمد وآل محمد واعذني اللهم بهم من شر كل ما
رض
اتقيه يا عظيم حجزت الاعادي عني ببديع السموات والا
انا جعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم
فهم لا يبصرون ٥ واگر در شام خواند بجاى اصبحت امسيت گويد
و ديگر فرموده كه چون خواهيد كه بمهمى توجه نماييد در روزى كه
از آن روز حذر بايد كرد پيش از توجه فاتحة الكتاب و معوذتين
و سورة اخلاص و آية الكرسي و انا انزلنا و پنج آيه از آخر سوره
آل عمران از ان في خلق السموات والارض تا انك لا تخلف الميعاد
و بعد از آن اين دعا بخوانيد اللهم بك يصول صايل وبقدرتك
يطول ولا حول لكل ذي حول الا بك ولا قوة يمتازها ذو
قوة الا منك بصفوتك من خلقك وخيرتك من
بريتك محمد نبيك وعترته وسلالته عليه وعليهم السلم
وصلى الله عليهم واكفني شر هذا اليوم وضيره
وارزقني خيره ويمنه واقض لي في متصرفاتي بحسن
العافية وبلوغ المحبة والظفر بالامنية وكفاية
الطاغية الغوية وكل ذي قدرة لي على اذية حتى

اکون فی جنة وعصمة من کل بلاء ونقمة وابدلنی من المخاوف
فیه امنا ومن العوایق یسرا حتی لا یصدنی صاد عن المراد
ولا یحل بی طارق من اذی العباد انک علی کل شیء قدیر
والامور الیک بصیر یا من لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر

دعاییکه امام جعفر الصادق علیه السلام میخواند اینست بسم الله وبالله و
الی الله ومن الله وفی الله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله
اللهم الیک اسلمت نفسی والیک فوضت امری والیک وجهت وجهی
وعلیک توکلت یا رب العالمین اللهم احفظنی بحفظ الایمان من
بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن فوقی ومن تحتی
لا اله الا انت لا قوة الا بالله اسأل الله العفو والعافیة
من کل سوء فی الدنیا والاخرة انی اعوذ بک من عذاب
وضیق القبر ومن ضغطة القبر واعوذ بک من سطوات
اللیل والنهار اللهم رب الشهر الحرام ورب البیت الحرام
ورب البلد الحرام ورب الحل والحرام ورب الرکن والمقام
بلغ محمدا وآله عنی السلام اللهم انی اعوذ بدرعک الحصینة
واعوذ بجمعک ان تمیتنی غرقا او حرقا او شرقا او قودا
او هضما او تردیا فی البئر او اکیل سبع او موت الفجأة

ابنی

او شیء من میتة السوء لکن علی فراشی فی طاعتک وطاعة رسولک
صلواتک علیه وآله مصیبا للحق غیر مخطئ او فی الصف الذی
نعتّ اهله فی کتابک کانهم بنیان مرصوص مصیبا للحق
غیر مخطئ اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی وما رزقنی
ربی بالله الواحد الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی
وولدی وما رزقنی ربی برب الفلق من شر ما خلق ومن
شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر
حاسد اذا حسد اعیذ نفسی ودینی واهلی ومالی وولدی
وما رزقنی ربی برب الناس ملک الناس اله الناس من شر
الوسواس الخناس الذی یوسوس فی صدور الناس من الجنة
والناس الحمد لله عدد ما خلق الله والحمد لله مثل ما خلق الله
والحمد لله مداد کلماته والحمد لله زنة عرشه والحمد لله رضا
نفسه لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم
سبحان الله رب السموات السبع والارضین السبع وما
بینهما ورب العرش العظیم اللهم انی اعوذ بک من درک
الشقاء واعوذ بک من شماتة الاعداء واعوذ بک من الفقر

والوقر واعوذ بك من سوء المنظر في الاهل والمال والولد
وصلى الله على النبي وآله در ادعیه مخصوصه با عقاب فرایض آورده اند
برستی که هر که تسبیح فاطمة الزهرا در پس هر فرایض بگوید پیش از آنکه برخیزد حق تعالی
او را بیامرزد روایت که حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود مردی را از بنی
سعد که من آیا حکایتی بگویم تو را از خود و از فاطمه علیها السلام گفت بفرما فرمود
که فاطمه ع تمام کار خانه بدست خود میکرد تا آنکه آب میکشید و گندم آسیا
مینمود و خانه میروفت و طعام میپخت و از این سبب الم سخت میکشید
آنحضرت فرمود که بوی گفتم این حال را با پدر بزرگوار عرض کن و خدمتکاری
از او طلب نما پس بخدمت پدر بزرگوار خود آمد جمعی در خدمت آنحضرت
نشسته بودند بازگشت پس آنحضرت را معلوم شد که برای حاجتی آمده بود
روزی دیگر او را طلب نمود گفت دیروز بچه حاجت آمده بودی و در روایت
دیگر وارد است که بخانه او رفت و سؤال کرد و او را شرم آمد حضرت امیر المؤمنین علی ع
گفت یا رسول الله او را شرم می آید من عرض کنم پس احوال او را عرض کرد
حضرت رسول فرمود که من چیزی شما را تعلیم کنم که بهتر از خدمتکار باشد
در هر صبح سی و چهار نوبت بگو الله اکبر و سی و سه نوبت الحمد لله و سی و سه بار
سبحان الله پس فاطمه علیها السلام سر سوی آسمان کرد و گفت راضی شدم
از خدا و رسول او پس سه بار این گفت روایت کرده سید ناصح الدین

ابو برکات

ابو برکات که رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که خواهد از دنیا بیرون رود خالص
و پاک از گناهان همچو طفلان باید که دروغ نگوید و بر و مظلمه کس نباشد
در عقب نمازهای پنجگانه دوازده بار قل هو الله احد بخواند و بعد از آن دستها را برد
بسوی آسمان و بگوید اللهم انی اسالك باسمك المكنون المخزون الطاهر
الطهر المبارك واسالك باسمك العظيم وسلطانك القديم
يا واهب العطايا ويا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب
من النار اسالك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تعتق رقبتي
من النار واخرجني من الدنيا سالما وادخلني الجنة آمنا
وان تجعل دعائي اوله فلاحا واوسطه نجاحا وآخره صلاحا
انك انت علام الغيوب وحضرت امیر المؤمنین علی ع فرمود که این نهانیها
حضرت جبرئیل تعلیم رسول الله نموده و او مرا امر فرموده که تعلیم امام حسن و امام حسین علیهما السلام
نمایم دعای دیگر روایت که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در عقب هر نماز فریضه
این دعا بخوانید که محفوظ مانید خود و مال و فرزندان از هر بدی دعا اینست اللهم
اغفر لي ما قدمت وما اخرت وما اعلنت وما اسررت
واسرافي على نفسي وما انت اعلم به مني اللهم انت المقدم
وانت المؤخر لا اله الا انت بعلمك الغيب وبقدرتك على
الخلق اجمعين ما علمت الحيوة خيرا لي فاحيني وتوفني اذا

علمت الوفاة خيرا لي اللهم اني اسألك خشيتك في السر والعلانية
وكلمة الحق في الغضب والرضا والقصد في الفقر والغنى
واسألك نعيما لا ينفد وقرة عين لا تنقطع والرضا بالقضاء
وبرد العيش بعد الموت ولذة النظر الى وجهك وشوقا الى
لقائك من غير ضراء مضرة ولا فتنة مضلة اللهم
زينا بزينة الايمان واجعلنا هداة مهتدين اللهم
اهدنا فيمن هديت وعافنا فيمن عافيت وتولنا فيمن توليت
وقنا شر ما قضيت انك تقضي عليك اللهم اني اسألك
عزيمة الرشاد والثبات في الامر والرشد واسألك شكر
نعمتك وحسن عافيتك واداء حقك واسألك يا رب
قلبا سليما ولسانا صادقا واستغفرك لما تعلم واسألك
خير ما تعلم واعوذ بك من شر ما تعلم ولا نعلم وانت
علام الغيوب **دعای دیگر** امام جعفر ع فرمود که هر که بعد از هر نماز این دعا
بقنوت بخواند از جمیع آفتها محفوظ ماند کلمات اینست اجیر نفسی ومالی
وولدی واهلی وداری وکل ما هو منی بالله الواحد
الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا
احد اجیر نفسی ومالی وولدی وکل ما هو منی

برب

برب الفلق من شر ما خلق تا آخر وبرب الناس ملك الناس تا آخر
وبالله الذي لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم
تا آخر آية الكرسي و دیگر سید مذکور روایت کرده از امیر المؤمنین علی ع که رسول الله صلی الله علیه وآله
گفت یا علی بخوان در عقب هر نماز یکبار آیة الکرسی که مداومت ومحافظت بر وی نمیکند
مگر نبی وصدیق باشد وحضرت صادق ع فرمود که اقل آنچه در عقب هر نماز فریضه گفته شود
اینست اللهم صل علی محمد وآل محمد اللهم انا نسألك من كل خير
احاط به علمك ونعوذ بك من كل شر احاط به علمك اللهم
انا نسألك عافيتك في امورنا كلها ونعوذ بك من خزي الدنيا
وعذاب الآخرة هم آنحضرت فرمود که جبرئیل ع نازل شد بر یوسف ع در زندان
که این دعا در عقب هر نماز فریضه بخوان اللهم صل علی محمد وآل محمد اللهم
اجعل لي فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا
احتسب وامام محمد باقر علیه السلام میفرمود که در عقب هر نمازی این دعا میخواند
اللهم اهدني من عندك وافض علي من فضلك وانشر
علي من رحمتك وانزل علي من بركاتك **روایت** که ابو هشام
التماس کرد از امام موسی علیه السلام که او را دعای جامع مختصری تعلیم
نماید فرمود که از نماز صبح تا بر آمدن آفتاب این دعا بخوان که سبحان الله العظیم
وبحمده استغفر الله واسأله من فضله هشام گوید حال

مردی
بر من پریشان شدم بود چون این کلمات را مداومت کردم از جانب
میراث بمن رسید که گمان نداشتم که میان من و او وصلت افتد
امروز من از کسان خود دارا ترم و این بسبب تعلیم آنحضرت بود
دعای دیگر جهت کشادگی روزی مرویست از آنحضرت اللهم انی اسألک
ان تصلی علی محمد وآل محمد اسألک خیر ما ارجو وخیر ما لا
ارجو واعوذ بک من شر ما احذر ومن شر ما لا احذر
والحمد بخواند وآیة الکرسی تا شهد الله انه لا اله الا هو وآیة
سخره ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی
ستة ایام ثم استوی علی العرش یغشی اللیل النهار یطلبه
حثیثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بامره الا له الخلق
والامر تبارک الله رب العالمین ادعوا ربکم تضرعا وخفیة
انه لا یحب المعتدین ولا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها
وادعوه خوفا وطمعا ان رحمت الله قریب من المحسنین
بعد از آن سه بار بگو سبحان ربک رب العزة عما یصفون
وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین بعد از آن سه بار
بگوید اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعل لی فرجا ومخرجا
وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث لا احتسب منقولست

از امام رضا ع که هر که در عقب نماز صبح این دعا بخواند هیچ حاجتی نخواهد مگر آنکه روا شود
وحق تعالی مهمات او را کفایت کند دعا اینست بسم الله وصلی الله علی محمد
وآل محمد وافوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقیه
الله سیئات ما مکروا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظا لمین
فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین حسبنا الله
ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء
الله کان ولا حول ولا قوة الا بالله ما شاء الله لا ما شاء
الناس ما شاء الله وان کره الناس حسبی الرب من المربوبین
حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین
حسبی الله رب العالمین حسبی من هو حسبی حسبی من لم
یزل حسبی حسبی من کان مذ کنت لم یزل حسبی حسبی الله لا اله
الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم دعای دیگر مرویست
که هر که این دعا در عقب هر نماز فریضه مداومت نماید چند آنکه زید
از زندگانی ملالش بگیرد اللهم صل علی محمد وآل محمد ان عبدک
ورسولک الصادق والمصدق صلواتک علیه وآله قال
انک قلت ما ترددت فی شیء انا فاعله کترددی فی قبض
روح عبدی المؤمن یکره الموت واکره مسائته فصل علی

محمد وآل محمد وعجل لولیك الفرج والنصر والعافیة ولا تسوئنی
فلانا بعد از آن هرچه خواهد بخواند دیگر مرویست که سه نوبت بخواند
ودر وقت خواندن محاسن را بدست راست بگیرد ودست چپ را بجانب آسمان
کسترانیده بیت یا ذو الجلال والاکرام صل علی محمد وآل محمد واجرنی
من النار بعد از آن دست خود را بباطن بسوی آسمان بردارد وسه بار بگوید
یا عزیز یا کریم یا غفور یا رحیم پس بگرداند پشت هر دو دست را
بسوی آسمان وسه بار بگوید صل علی محمد وآل محمد واجرنی من العذاب
الالیم صل علی محمد وآل محمد وفقهنی فی الدین وحببنی من المسلمین
واجعل لی لسان صدق فی الآخرین وارزقنی هیبة المتقین
یا الله یا الله یا الله اسألك بحق من حقه علیك عظیم ان تصلی
علی محمد وآل محمد وان تستعملنی بما عرفتنی من حقك وان تبسط
علی من حلال رزقك بسم الله الرحمن الرحیم حسبی الله
لدینی وحسبی الله لدنیای حسبی الله للآخرتی وحسبی الله
لما اهمنی وحسبی الله لمن بغی وحسبی الله عند الموت
وحسبی الله عند مسائلة القبر وحسبی الله عند المیزان
وحسبی الله عند الصراط وحسبی الله لا اله الا هو توکلت
وهو رب العرش العظیم دعای دیگر مرویست که حق سبحانه وتعالی فرمود

که ای

که ای محمد هر که از امت تو خواهد که نماز او را دو چندان بالا برم
در عقب نمازهای مفروضه دست بردارند واین دعا بخوانند که
یا مبدی الاسرار یا مبین الکتب یا شارع الاحکام ویا ذاری
الانعام یا خالق الانام یا فارض الطاعة یا ملزم الدین ویا موجب
التعبد اسألك بحق برکیة کل صلوة زکیتها له وبحق
من زکیتها به ان تجعل صلواتی هذه زاکیة متقبلة
تقبلها وتصیر دینی بها زاکیا والهامك قلبی حسن المحافظة
علیها حتی تجعلنی من اهلها الذین ذکرتهم فیها الخشوع
انت ولی الحمد کله لا اله الا انت فلك الحمد کله بکل حمد
انت له ولی وانت له ولی التوحید انت ولی وانت ولی
التهلیل کله فلا اله الا انت فلك التهلیل کله بکل تهلیل
انت له ولی وانت ولی التکبیر کله فلا اله الا انت
فلك التکبیر کله بکل تکبیر انت له ولی التسبیح کله
فلا اله الا انت فلك التسبیح انت له ولی رب عد علی فی
صلاتی رفعها زاکیة متقبلة انك سمیع الدعاء
حق سبحانه وتعالی فرموده که هر گاه بنده من این چنین بگوید نماز او را دو چندان در
لوح محفوظ بردارم امام محمد باقر ع فرموده که دعا بعد از نماز فریضه افضلست از

بعد نماز نافله حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که هر که نماز فریضه بموجب فرموده بجای
آورد او را دعا در عقب او بحصول مرسد اسحق بن عمار روایت کند که امام جعفر علیه السلام
فرمود که موسی پیغمبر علیه السلام هر گاه که نماز گذاردی روی از قبله نگردانیدی تا طرف
راست روی خود را و طرف چپ را بر زمین نهادی و امام محمد باقر ع فرمود که حق تعالی
وحی فرستاد بموسی پیغمبر ع که ای موسی میدانی که از چه ترا از میان خلق برگزیده ام
و با تو سخن گفتم گفت نه یا حق جل علا فرمود که من زیر و بالا کردم بندگان را در عبادت
خوارتر و نیازمندتر از تو نیافتم چو تو هر بار که نماز میگذاری روی خود را بر خاک
مذلت مینهی امام جعفر علیه السلام فرمود که چون بنده سجود کند و در سجده یا رب یا رب
بگوید تا آن زمان که نفسش منقطع حضرت حق جل علا فرماید که لبیک ای بنده من
حاجت تو چیست مرازم روایت کند از ابی عبد الله ع که هر مسلمان باید که بعد از
نماز سجدهٔ شکر بجای آورد که موجب تمامی نماز و رضای حق تعالی و تعجب فرشتگانست
و فرمود که چون بنده نماز گذارد و سجدهٔ شکر بجای آورد حق تعالی میان او و فرشتگان
حجاب بردارد و بفرماید بفرشتگان که نظر کنید به بندهٔ من که فرض مرا ادا نموده
و عهد مرا تمام کرده بعد از آن سجدهٔ شکر مرا بجای آورده بآنچه من بوی انعام کردم
ای فرشتگان من در عوض این او را چه باشد گویند ای پروردگار رحمت تو مجازات است
دیگر حق سبحانه و تعالی فرماید که دیگر چه باشد مر او را گویند که بهشت تو گوید دیگر چه باید
گویند کفایت مهم او باز فرماید که چه باید فرشتگان گویند باقی نماند از چیز الا که [illegible]

الا برادرا کار

ای پروردگار ما علم بآن نداریم حق تعالی فرماید که جزای شکر او بدهم بجایی که او شکر من بجای آورد
روا دارم بوی فضل و رحمت خود را و او را در مقام قرب بنشانم امام زین العابدین علیه السلام
اینده عا میفرموده است اللهم ان کنت قد عصیتک فانی قد اطعتک
فی احب الاشیاء الیک وهو الایمان بک منا منک علی
لا منا منی علیک و ترکت معصیتک فی ابغض الاشیاء
الیک لا علی وجه مکابرة ولا علی معاندة ولا استکبار عن عبادتک
ولا جحود لربوبیتک ولکن اتبعت هوای واستزلنی الشیطان
بعد الحجة والبرهان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان
تغفر لی وترحمنی فبجودک یا ارحم الراحمین ۵ در روایت عبد الحمید آمده
که حضرت امام جعفر الصادق ع فرمود مردی را که هر گاه غمی بتو رسد مس کن دست
خود را بر موضع سجودت و بکش بر روی خود از جانب چپ بطرف پیشانی بجانب
راست و سه نوبت بگو بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب
والشهادة الرحمن الرحیم اذهب عنی الغم والحزن مرویست
که هر که در سجده یا رباه یا سیداه چندان بگوید که نفس او بریده گردد جواب
داده شود که حاجت خود را بخواه و بعضی از ائمه انام علیهم السلام در سجده میفرموده
سجد لک طالب من ثوابک سجد لک یا رب هارب
من عقابک سجد لک یا رب خائف من سخطک بعد از آن میگفتند

يا الله يا رباه تا بريده ميشد نفس ايشان بعد از ان دعا می فرمودند
مرويست كه امام جعفر الصادق عليه السلم كه روزی حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله
گذشت بر مردی كه او در سجده ميگفت يا رب ماذا عليك انت ارضى
كل من كان له عندي تبعة وان تغفر لي ذنوبي وان تدخلني
الجنة برحمتك فانما عفوك عن الظالم وانا من الظالمين
فلتسعني رحمتك يا ارحم الراحمين ٥ آنحضرت فرمود سر از سجده
بردار كه دعای تو مستجاب شد چو تو دعا كردی بدعای عزيری كه در عهد عاد بوده
و ديگر دعای چند كه متعلق است بحالت خواب و بيداری وآنچه متعلق است بحالت خواب
مرويست از امام جعفر ع كه حق تعالى دشمن ميدارد بسياری خواب و بسياری فراغ را
و نيز فرموده كه خواب برنده دين و دنياست و حضرت رسول الله صلى الله عليه وآله
فرمود كه خواب در اول روز موجب خوفست و رحمت و پيش از نيم روز
نعمتست و بعد از عصر حماقت و ميان شام و خفتن مانع روزيست ديگر
حضرت امام جعفر الصادق عليه السلام فرمود كه هر كه وضو بسازد و در جامه خواب در آيد
آن جامه خواب مثل مسجد دارد و هميشه در ذكر خدای تعاليست ديگر فرمود كه هر گاه
چراغ روشن كنند اين دعا بخوانند اللهم اجعل لنا نورا نمشي به في الناس
ولا تحرمنا نورك يوم نلقاك اللهم اجعل لنا نورا لك
نورا لا اله الا انت و هر گاه كه چراغ بنشانند اين دعا بخوانند

اللهم

اللهم اخرجنا من الظلمات الى النور محمد بن مسلم گويد كه امام محمد باقر
فرمود كه هر گاه سر بر بالين بر دست راست بخوابيد و بگوييد اللهم اني اسلمت
نفسي و وجهت وجهي اليك وفوضت امري اليك توكلت
عليك رهبة منك ورغبة اليك لا ملجأ ولا منجا منك
الا اليك امنت بكتابك الذي انزلت و رسولك الذي ارسلت
بعد از ان تسبيح فاطمه زهرا بگوييد امام جعفر ع فرمود كه هر گاه ترا خواب پريشان
روی نمايد معوذتين و آية الكرسي بخوان و ديگر فرمود كه در وقت خواب كردن
قل هو الله احد بخوان كه موجب قرب بمقام حقيقت و قل يا ايها الكافرون بخوان كه سبب
دوری شركست نقلست از امير المؤمنين علي عليه السلام كه شنيدم از رسول الله صلى الله عليه وآله
كه ميفرمود در بالای منبر كه آية الكرسي بخوان در عقب هر نماز فريضه كه مانع نشود از
دخول بهشت مگر مرگ و مداومت بران ننمايد مگر صديق يا عابد و هر كه بخواند
در حالت خواب كردن ايمن گرداند او را حق تعالى از آفات و همچنين همسايه او را
و همسايه همسايه او را و خانهايی كه در حوالی اوست و ديگر آنحضرت فرمود كه
هر كه قل هو الله احد بخواند در وقتی كه بجامه خواب رود حق تعالى گناهان پنجاه ساله
او را می آمرزد محمد بن مسلم روايت كند از امام محمد باقر ع كه بايد اين عوذه
بخوانند در وقت خواب كردن اعيذ نفسي وذريتي واهل
بيتي ومالي بكلمات الله التامات من كل شيطان وهامة

وَمِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّةٍ واین را جبرئیل ع تعوید نمود بر امام حسن و امام حسین علیهم السلام
امام جعفر الصادق ع فرمود که هر که این دعا در وقت خواب سه بار بخواند برون آید
از گناهان چون روزی که از مادر متولد شده باشد دعا اینست اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
عَلَا فَقَهَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی بَطَنَ فَخَبَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی مَلَكَ
فَقَدَرَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی يُحْيِی الْمَوْتٰى وَيُمِيتُ الْاَحْيَاءَ وَهُوَ عَلٰى
كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ روایتست که رسول صلی الله علیه وآله فرمود که هر که در وقت خواب سوره
الهیکم بخواند نگاه داشته شود از فتنهٔ قبر دیگر فرمود که هر که بترسد از شب
ده نوبت این دعا بخواند اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللّٰهِ مِنْ غَضَبِهِ وَمِنْ
عِقَابِهِ وَمِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَمِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَمِنْ اَنْ يَحْضُرُونِ
وآیة الکرسی بخواند وَاِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ اَمَنَةً مِنْهُ
وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا وحضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که هر گاه یکی از شما
خواهد که خواب کند باید که بر دست راست بخسبد و دست راست را زیر سر نهد
وبگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَضَعْتُ جَنْبِی لِلّٰهِ عَلٰى مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ
وَوِلَايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللّٰهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ
يَكُنْ اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَیْءٍ قَدِيرٌ نگاه داشته شود
از دزد و فرو آمدن بنا و استغفار کنند بجهت او فرشتگان و هر که در وقت
خواب قل هو الله احد بخواند حضرت حق سبحانه وتعالی پنجاه فرشته موکل او گرداند

تا او را

تا او را پاسبانی کنند در آن شب روایت که هر که از دزد بترسد باید که در
محل خواب این آیه شریفه بخواند قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَا تَدْعُوا
فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ
بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيلًا وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ
شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا
دفع احتلام امام جعفر علیه السلام فرمود که هر که از احتلام بترسد بگوید در خوابگاه
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ وَمِنْ سُوءِ الْاَحْلَامِ وَمِنْ
اَنْ يَتَلَاعَبَ بِیَ الشَّيْطَانُ فِی الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ وهر که از بیخوابی
بترسد در وقت خوابیدن بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ ذِی الشَّاْنِ الدَّائِمِ
السُّلْطَانِ عَظِيمِ الْبُرْهَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِی شَاْنٍ يَا مُشْبِعَ
الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ يَا كَاسِیَ الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ يَا سَاكِنَ الْعُرُوقِ
الضَّارِبَةِ يَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِیَ الضَّارِبَةَ
وَاْذَنْ لِعَيْنِی نَوْمًا عَاجِلًا وآیة الکرسی بخواند و دیگر اِذْ
يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ اَمَنَةً مِنْهُ و دیگر وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ
سُبَاتًا دفع فرود آمدن خانه وغیره هر گاه از زلزله از هدم بترسد
در وقت خواب این آیه بخواند اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ
اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ

كان حليما قديرا امام محمد باقر علیه السلم فرمود که هر که این کلمات گوید
بدرستی که من ضامنم که او را عقرب و هیچ گزنده او را نگزد تا صبح شود
کلمات ابیت أعوذ بكلمات الله التامات التي لا يجاوزهن
بر ولا فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر كل دابة
هو آخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم ° وامام رضا ع
هرگاه نظر میکرد بستاره خوردی که او را سها گفتندی که
درمیان ستارهای بنات النعش می باشد این دعا میخواند اللهم رب
مودين آسية وعني شر كل عقرب وحية فرمود که هر که این دعا
بخواند در وقتی که نظر میکند بران کوکب عقرب و مار او را زحمت
نرسانند و در روایت دیگر وارد است که عمار گفت مرا ابی عبد الله علیه السلم
که من میترسم از عقربها او گفت نظر کن به بنات النعش انکه در پهلوی ستاره
میانه از ان سه ستاره دنباله واو بغایت خورد است که عرب آنرا سها
میگوید و مردمان نیز چشم را بر آن آزمایند در حال نظر کردن بوی
این دعا سه بار بخواند اللهم رب اسلم صل علی محمد وآل محمد
وعجل فرجهم وسلمنا من شر كل ذي شر اسحق بن عمار گوید
که من ترک نکردم این دعا را در عمر خود مگر یکبار که مرا عقرب بگزید
امام جعفر ع فرمود که هیچ کس نباشد که آیة آخر سورة الکهف بخواند

قل

قل انما انا بشر مثلكم يوحى الي انما الهكم اله واحد فمن كان يرجوا
لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا °
در وقت خواب و هر وقت که خواهد بیدار شود دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله
فرموده که هر که خواهد که شب برخیزد بخوابگاه این دعا بخواند اللهم
لا تؤمنی مکرک ولا تنسنی ذکرک ولا تجعلنی من الغافلین
اقوم ساعة كذا وكذا ° پس بدرستی که حق سبحانه وتعالی فرشته را موکل میگرداند
بر او که در آن ساعت او را بیدار کند وحضرت رسول الله صلعم هرگاه که
تکیه نمودی دست در زیر روی آوردی از طرف راست فرمودی که
اللهم انی امسکت نفسی فی منامی فاغفر لها وان ارسلتها فاحفظها
بما تحفظ عبادك الصالحين ° امام جعفر ع هرگاه که برخواستی
در آخر شب آواز خود بلند کردی تا آنکه اهل بیت را بشنوانیدی
فرمودی اللهم اعنی علی هول المطلع ووسع علی المضجع
وارزقنی خیر ما قبل الموت وارزقنی خیر ما بعد الموت
مرویست که رسول الله صلی الله علیه وآله چون از خواب در آمدی سجده
کردی خدای را وچون بخواب رفتی چشمش بخواب بودی و فرمودی
که دل من نظاره و نجوی دارد وچون چیزی مخوف در خواب دیدی
فرمودی که آمنت سبحان الله الذی يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير °

وچون برخواستی برای نماز فرمودی الحمد لله الذی نور السموات والارض والحمد لله
قیوم السموات والارض ومن فیهن انّ امرک الحق وقولک
الحق ولقائک حق والجنة حق والنار حق والساعة حق
اللهم لک اسلمت وبک امنت وعلیک توکلت بک والیک
حاکمت واغفر لی ما قدمت وما اخرت وما اسررت وما اعلنت
انت الهی لا اله الا انت وپیش از وضو مسواک فرمودی روایت کند امیر المؤمنین علی ع
که حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله چون از خواب بیدار شدی فرمودی الحمد لله الذی
کفیتنی مرقدی هذا ولو شاء لجعله الی یوم القیمة الحمد لله
الذی جعل اللیل والنهار خلفة لمن اراد ان یذکر
او اراد شکورا الحمد لله الذی جعل اللیل لباسا والنوم سباتا
وجعل النهار نشورا لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین والحمد لله الذی لا یحبو منه النجوم ولا تکن منه
النشور ولا تخفی علیه ما فی الصدور ابو عبد الله علیه السلام روایت
کند که امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که چون از شما یکی از خواب بیدار شود بگوید
لا اله الا الله الحی القیوم وهو علی کل شیء قدیر سبحان
رب النبیین واله المرسلین سبحان رب السموات السبع وما
فیهن ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین بعد از بیداری

وپیش از آنکه

وپیش از آنکه بگوید حسبی الرب من عبادی وحسبی الذی هو
حسبی منذ قط حسبی الله ونعم الوکیل الحمد لله الذی احیانی بعد
ما اماتنی والیه النشور الحمد لله الذی ردّ علیّ روحی لاحمده واعبده
وهر گاه نظر بسوی آسمان کنی این دعا بخوان یا نور النور یا مدبر الامور
یا من الیه التدبیر ویمضی المقادیر امض مقادیری فی یومی
هذا الی السلامة والعافیة بعد از آن پنج آیه از سوره آل عمران
از ان فی خلق السموات والارض تا لا یخلف المیعاد بخوانند
روایت که حضرت امام جعفر الصادق ع فرمود که هرگاه بانگ خروس
بشنوید بگوید سبوح قدوس رب الملائکة والروح
سبقت رحمتک وغضبک لا اله الا انت سبحانک انی کنت
من الظالمین سبحانک وبحمدک عملت سوء وظلمت نفسی فاغفر لی
ذنوبی فانه لا یغفر الذنوب الا انت وفرمود که پنج خصلت از خروس
بیاموزید محافظت بر اوقات نماز وغیرت تمام که نمی‌گذارد که خروس دیگری
بر مرغان او نزدیکی کند وسخاوت که دانه را بمرغان دیگر صرف میکند وشجاعت
وکثرت مردی وجولیت دیگر فرمود که از کلاغ سه خصلت بیاموزید اول
پوشیده نزدیکی کردن وصباح رو بطلب روزی رفتن واز بد حذر کردن
روایت که امام زین العابدین علیه السلام چون جوف شب شدی این دعا میخواند که

اذا هدأت العيون الهي عادت النجوم سمائك وقامت عيون
انامك وهدأت اصوات عبادك وانعامك وغلقت الملوك
عليها ابوابها وطاف عليها حراسها واحتجبوا عمن يسالهم
حاجة او ينتجع منهم فايدة وانت الهي حي قيوم لا تأخذك سنة
ولا نوم لا يشغلك شيء عن شيء ابواب سمائك لمن دعاك مفتحات
وخزائنك غير مغلقات وابواب رحمتك غير محجوبات وفوائد
لمن سالكها غير محظورات بل هي مبذولات وانت الهي الكريم الذي
لا ترد سائلا من المؤمنين سألك ولا تحتجب عن احد منهم ارادك
لا وعزتك وجلالك لا تختزل حوائجهم دونك ولا يقضيها
احد غيرك اللهم وقد تراني ووقوفي وذل مقامي بين يديك
وتعلم سريرتي وتطلع ما في قلبي وما تصلح به امر آخرتي ودنياي
اللهم ان ذكرت الموت وهول المطلع والوقوف بين يديك
نغصني مطعمي ومشربي واغصني بريقي واقلقني عن وسادي
ومنعني رقادي وكيف ينام من يخاف بيات ملك الموت
في طوارق الليل وطوارق النهار بل كيف ينام لا بالليل ولا
بالنهار يطلب قبض روحه بالبيات او في آناء الساعات
بعد از ان سجده ميكرد وروی بر خاك مينهاد وميفرمود اسالك

الروح والراحة عند الموت والعفو عني حين القاك
وحضرت رسول صلی الله علیه وآله وصیت فرمود مر امیر المؤمنین علی علیه السلام را که نماز
بگذارد در شب اگر چه مقدار دوشیدن گوسفندی باشد و در سحر دعا واستغفا
کن که دعای سحری رد نمیشود چنانچه حق تعالی فرموده والمستغفرین بالاسحار
روایت در دعای وتر از امام محمد باقر وامام جعفر الصادق علیهم السلام که میفرموده
لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم سبحان الله رب
السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وما
تحتهن ورب العرش العظيم اللهم انت الله نور السموات والارض
وانت الله زين السموات والارض وانت الله جمال السموات والارض
وانت الله قوام السموات والارض وانت الله عماد السموات والارض
وانت الله صريخ المستصرخين وانت الله غياث المستغيثين وانت
الله المفرج عن المكروبين وانت الله المروح عن المغمومين وانت
الله مجيب دعوة المضطرين وانت الله اله العالمين وانت الله
الرحمن الرحيم وانت الله كاشف السوء وانت الله بك تنزل كل
حاجة يا الله ليس يرد غضبك الا حلمك ولا ينجي من عقابك
الا رحمتك ولا ينجي منك الا التضرع اليك فهب لي من لدنك
يا الهي رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك بالقدرة التي بها

أحييت جميع ما في البلاد وبها تنشر ميت العباد ولا تهلكني
غمًّا حتى تغفر لي وترحمني وتعرّفني الاستجابة في دعائي وارزقني
العافية إلى منتهى أجلي وأقلني عثرتي ولا تشمت بي عدوّي
ولا تمكّنه من رقبتي اللهم إن رفعتني فمن ذا الذي يضعني
وإن وضعتني فمن ذا الذي يرفعني وإن أهلكتني فمن ذا الذي يحول
بينك وبيني أو يتعرّض لك في شيء من أمري وقد علمت أن
ليس لك في حكمك ظلم ولا في نقمتك عجلة وإنما يعجل
من يخاف الفوت وإنما يحتاج إلى الظلم الضعيف وقد تعاليت
عن ذلك علوًّا كبيرًا يا إلهي فلا تجعلني للبلاء غرضًا ولا
لنقمتك نصبًا ومهّلني ونفّسني وأقلني عثرتي ولا تتبعني ببلاء
على أثر بلاء فقد ترى ضعفي وقلّة حيلتي أستعيذ بك
الليلة فأعذني وأستجير بك من النار فأجرني وأسألك الجنة
فلا تحرمني بعد از دعا کنید به آنچه میخواهید و استغفار کنید بعد از توبه
و بسیار بکوشید در استغفر الله و این دعا بخوانید اللهم إني أستغفرك
وأتوب إليك من مظالم كثيرة بعبادك عبدي فأيّما عبد
من عبيدك كان له قبلي مظلمة ظلمتها إياه في بدنه أو عرضه
أو ماله لا أستطيع أداء ذلك إليه ولا تحلّلها منه فأرضه

عني

عني بما شئت وكيف شئت وأنّى شئت وهبها لي وما تصنع بعذابي
يا رب وسعت رحمتك كل شيء وما عليك يا رب أن تكرمني برحمتك
ولا تمتحني بعذابك وما ينقصك أن تفعل بي ما سألتك وا نت
واجد لكل خير اللهم إن استغفاري إياك مع إصراري
للؤم وإن تركي الاستغفار لك مع سعة رحمتك لعجز اللهم
لم تتحبّب إليّ وأنت غنيّ وكم أتبغّض إليك وأنا إليك
فقير فسبحان الله من إذا وعد وفى وإذا توعّد عفا دعای
دیگر که علی ابن الحسین علیهما السلام که بعد از نماز شب خوانده اند
أنا أحبك يا موجود في كل مكان لعلك تسمع ندائي
فقد عظم جرمي وقلّ حيائي مولاي مولاي أيّ الأهوال أتذكّر وأ
يّها أنسى ولو لم يكن إلا الموت لكفى كيف وما بعد الموت
أعظم وأدهى مولاي مولاي حتى متى وإلى متى أقول لك العتبى
مرّة بعد أخرى ثم لا تجد عندي صدقًا ولا وفاء فيا غوثاه
ثم يا غوثاه بك يا الله من هوى قد غلبني ومن عدو قد استكلب
عليّ ومن دنيا قد تزيّنت لي ومن نفس أمّارة بالسوء إلا
ما رحم ربي مولاي يا مولاي وإن كنت رحمت مثلي فارحمني وإن
كنت قبلت مثلي فاقبلني يا قابل السحرة اقبلني يا قابل السحرة

اقبلني يا من لم ازل اتعرف منه الحسنى يا من يغذيني بالنعم
صباحا ومساء ارحمني يوم آتيك فردا شاخصا اليك بصري
مقلدا اعمالي قد تبرأ جميع الخلق مني نعم وابي وامي وما كان
له كدي وسعي فان لم ترحمني فمن يرحمني ومن يؤنس في
القبر وحشتي ومن ينطق لساني اذا خلوت بعملي وسألتني عما
انت اعلم به مني فان قلت نعم فاين المهرب من عدلك
وان قلت لم افعل قلت ألم اكن الشاهد عليك فعفوك
عفوك يا مولاي قبل سرابيل القطران عفوك عفوك يا
مولاي قبل ان تغل الايدي الى الاعناق يا ارحم الراحمين
يا خير الغافرين چون دو رکعت سنت صبح را گذارد بر جنب
پهلوی راست و گونه راست خود را بر دست راست خود بنهد و بگوید
استمسکت بعروة الوثقى التي لا انفصام لها واعتصمت بحبل
الله المتين واعوذ بالله من شر فسقة العجم والعرب وشر
فسقة الجن والانس ربي الله ربي الله آمنت بالله وتوكلت
على الله الجئت ظهري الى الله اطلب حاجتي من الله لا حول ولا
قوة الا بالله ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره
قد جعل الله لكل شيء قدرا حسبي الله ونعم الوكيل اللهم

من اصبح وله حاجة الى مخلوق فان حاجتي ورغبتي اليك وحدك
لا شريك لك الحمد لرب الصباح الحمد لخالق الاصباح الحمد لنا
الازواج الحمد لقاسم المعاش الحمد لله جاعل الليل سكنا والشمس
والقمر حسبانا ذلك تقدير العزيز العليم اللهم صل على محمد
وآل محمد واجعل في قلبي نورا وفي بصري نورا وعلى لساني نورا
وبين يدي نورا ومن خلفي نورا وعن يميني نورا وعن شمالي
نورا ومن فوقي نورا ومن تحتي نورا وعظم لي النور واجعل لي
امشي به في الناس ولا تحرمني نورك يوم القاك وآية الكرسي
ومعوذتين و پنج آیه از آخر آل عمران ان في خلق السموات انك لا تخلف
الميعاد و بعد از ان راست بنشين و تسبيح فاطمة الزهرا عليها السلام
بگوید و صد نوبت صلوات بر محمد و آل او بفرستد چو مرویست
که هر که صد بار صلوات بفرستد میان سنت صبح و فریضه صبح حق تعالی
روی او را از آتش دوزخ بگرداند و هر که صد بار این تسبیح را بگوید
سبحان ربي العظيم وبحمده استغفر الله ربي واتوب اليه
بنا کند حضرت حق تعالی برای او در جنت و هر که بیست یکبار قل هو الله احد
بخواند در بهشت خانه برای او بسازند و هر که چهل نوبت بخواند حق تعالی
او را بیامرزد و بعد از آن چهل نوبت این دعا بخواند اللهم افتح لي باب الامر

الذی فیه الیه والعافیة اللهم هیّئ لی سبیله وتصبّر لی مخرجه
فان قضیت لاحد من خلقک علی مقدرة بسوء فخذه عنی
من بین یدیه ومن خلفه وعن یمینه وعن شماله ومن قدمیه ومن
فوق راسه واکفنیه بما شئت وهفت بار این بگو بسم الله الرحمن الرحیم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بعد ازان سجده کرده بگو
یا خیر المسئولین یا اجود المعطین صلی الله علی محمد وآل محمد
واغفر لی وارحمنی وارزقنی وارزق عیالی من فضلک انک ذو
فضل عظیم وسنت است که برای برادر مومن دعا کند و در سجود بگوید
اللهم رب الفجر واللیالی العشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر
او رب کل شیء واله کل شیء وملیک کل شیء صل علی محمد وآله
وافعل بی وبفلان ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله فانک
اهل التقوی واهل المغفرة بعد ازان متوجه مسجد شود زیرا
که نماز فریضه افضلست در مسجد ونماز نافله در خانه امام جعفر علیه السلام
فرمود که هرکه پیاده بمسجد رود پای ننهد بر هیچ تر و خشکی مگر که تسبیح گویند او را
تا طبقه زمین هفتم و در توریة مذکورست که بشارتست روندگان بمسجد در شبهای تاریک
بنور درخشان در روز قیامت رسول الله صلی الله علیه وآله گفت حق سبحانه وتعالی میفرماید
که مرا در زمین خانهاست که آن مسجدهاست که روشنی اهل آسمانست چنانچه روشنی

اهل

اهل زمین ستارگانست خوشا حال آنکه خانه او مسجد باشد وخوشا حال بنده که در خانه
خود وضو بسازد وبخانه من درآید یعنی در مسجد که مراد را انجا یاد کند وبر منست
که اورا گرامی دارم پس چون بمسجد درآیی پای راست پیش نه وبگو بسم الله وبالله
ومن الله والی الله وخیر الاسماء کلها لله توکلت علی الله لا حول
ولا قوة الا بالله اللهم صل علی محمد وآل محمد وافتح لی باب
رحمتک وتوبتک واغلق علی ابواب معصیتک واجعلنی من
تعادلک وعمار مساجدک وممن یناجیک باللیل والنهار
ومن الذین هم فی صلواتهم خاشعون وادحر عنی الشیطان
الرجیم وجنود ابلیس اجمعین بعد ازان آیة الکرسی ومعوذتین
وسبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر هر یک
هفت نوبت بخوان وبعد ازان بگو اللهم لک الحمد علی ما هدیتنی
ولک الحمد علی ما فضلتنی ولک الحمد علی ما شرفتنی ولک
الحمد علی کل بلاء حسن ابتلیتنی اللهم تقبل صلواتی ودعائی
وطهر قلبی واشرح صدری وتب علی انک انت التواب
الرحیم وچون بمسجد درآیی تا دو رکعت نماز تحیت المسجد نگذاری منشین
واگر دو رکعت سنت صبح بگذاری مجزیست از تحیت وچون روی بقبله
آری بگو اللهم الیک توجهت ورضاک طلبت وثوابک ابتغیت

وبك آمنت وعليك توكلت اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح
مسامع قلبي لذكرك وثبتني على دينك ودين نبيك ولا تزغ
قلبي بعد اذ هديتني وهب لي من لدنك رحمة انك انت
الوهاب ° وچون موذن گفت الله اکبر همه جا همراه او بگوید
تا اذان تمام کند در روزی او می‌فزاید بعد ازان بگوید اکتفي
بها عن كل من ابى وجحد ايمن بها من اقر وشهد ° ودر روایت دیگر
وارد است که موذن هرگاه گفت اشهد ان محمدا رسول الله بگو صلى الله
عليه وآله الطيبين الطاهرين اللهم اجعل عملي برا ومودة آل محمد في
قلبي مستقرا وادر علي الرزق دررا وهرگاه گفت حي على الصلوة
وحي على الفلاح پس بگو لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم
وچون صبح روشن شد و تو آزاد دیدی سر سوی آسمان کن و بگو
اللهم انت ربنا وولينا وما صاحبنا فصل على محمد وآل
محمد وتفضل علينا بما انت اهله وانقذنا مما نحن اهله
اللهم بنعمتك تتم الصالحات فصل على محمد وآل محمد
واتممها علينا پس سه بار بگو عایذا بالله من النار پس بگو
یا فالقه من حيث لا ارى ومخرجه من حيث ارى صل على
محمد وآل محمد واجعل اول يومنا هذا صلاحا واوسطه

فلاحا وآخره نجاحا پس بگو الحمد لله فالق الاصباح سبحان رب
المساء والصباح اللهم صبح آل محمد ببركة وعافية وسرور
وقرة عين ورزق واسع اللهم صبحني واهلي ببركة وعافية
وسرور وقرة عين ورزق واسع اللهم انك تنزل في الليل
والنهار ما تشاء فانزل علي وعلى اهل بيتي من بركة السموات
والارض رزقا واسعا تغنيني به عن جميع خلقك ° وچون [illegible]
که اذان بگویی بگو اللهم اني اسألك باقبال نهارك وادبار
ليلك وحضور صلواتك واصوات دعائك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تتوب علي انك انت التواب الرحيم °
وچون از نماز فارغ شدی سجده کن و بگو لا اله الا انت ربي
سجدت لك خاشعا وخاضعا ذليلا فصل على محمد وآل محمد
وتب علي انك انت التواب الرحيم اللهم اجعل قلبي بارا
وعيشي قارا ورزقي دارا وعملي سارا واولادي ابرارا واجعل لي
عند قبر نبيك ورسولك صلواتك عليه وآله مستقرا وقرارا
وحضرت رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که دو ساعت که درهای
آسمان گشاده است وکم باشد که دران وقتها دعا مستجاب نشود نزدیک
بانگ نماز وصف قتال در راه خدای تعالی وچون سر از سجده برداشتی بگو

سُبْحَانَ مَنْ لَا یُبِیدُ مُعَامَلَتُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَنْسَی مَنْ ذَکَرَهُ سُبْحَانَ
مَنْ لَا یُخَیِّبُ سَائِلَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ یُغْشَی وَلَا بَوَّابٌ
یُرْشَی وَلَا تَرْجُمَانٌ یُنَاجِی سُبْحَانَ مَنِ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ
سُبْحَانَ مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِمُوسَی سُبْحَانَ مَنْ لَا یَزْدَادُ عَلَی کَثِیرِ الْخَطَاءِ
إِلَّا کَرَماً وَجُوداً سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰکَذَا وَهٰکَذَا غَیْرُهُ روایت
کرده امام جعفر ع در فضیلت نماز که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ
نمازی نیست وقت آن مگر که ندا کند فرشته میان مردمان که ای مردمان برخیزید
و بشوئید آتشهایی که افروخته اید بر پشتها فرو نشانید آن را بنماز ای بندگان خدای
و یاد آرید گناهها را و بترسید از خطاها و نماز کنید که نماز دفع ایشان میکند
همچنانکه حق تعالی فرموده است إِنَّ الْحَسَنَاتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئَاتِ ابو یعفور
گوید که ابی عبد الله علیه السلام فرمود که چون نماز گذاری چنان گذار که گویا نماز
کسیست که وداع میکند او تو چو تمام میگذارد تو نیز چنان بگذار که ترسی دیگر
نخواهی گذارد بعد از آن نظر خود را بگردان بجانب سجود خود چنانکه بدانی
که از راست و چپ تو کیست چون چنین باشد نماز تو او دفع بدیها کند
و دیگر بدان که تو پیش کسی واقع شده که او ترا می بیند و تو او را نمی بینی
و دیگر فرمود که نماز گذار را سه خصلت چون برخیزد برای نماز خود بریزد
بر فرق او از آسمان رحمت و گرد او برآیند فرشتگان از زیر قدم او تا بالای آسمان

دو ملک

و ندا کند که ای نماز گذارنده که اگر بدانی که بکه راز میگویی هرگز ملتفت بغیر نشوی
و دیگر فرمود که هر که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید حق سبحانه تعالی گناهان او را
بیامرزد نقلست از امیر المؤمنین علی علیه السلام که دو رکعت نماز بتفکر بسیار بهتر است
از قیام تمام شب و حضرت امام جعفر الصادق ع فرمود که هرگاه بنده از بندگان
شروع کند در نماز حق سبحانه و تعالی اقبال کند بر وجه کریم و موکل گرداند
بر او فرشته تا بردارد قرآن را از دهان او و بر او داشتنی پس اگر اعراض کند
بنده از نماز خود اعراض کند حق سبحانه و تعالی و نظر لطف از او بردارد و آن
بنده را تفویض فرماید بآن فرشته و بنده چون روی آرد بر او بوجه کریم او تا کامل
مرتفع شود پس اگر سهو کند یا غافل شود یا مشغول شود بغیر نماز از و برداشته شود
ثواب نماز بقدر آنکه غافل شده از نماز و داده نمیشود از دل غافل چیزی از چیزی
دیگر فرمود که فضل اول نماز بر آخرش بهتر است مومن را از مال و فرزند و دیگر فرمود
که فضل اول وقت تا آخر وقت مثل آخرتست بر دنیا روایت کند امام حسن
بن علی علیهم السلام از پدر بزرگوار خود که آنحضرت فرمود که رسول الله صلی الله علیه و آله
فرموده که هر مرد مسلمانی که بنشیند بر جای نماز صبح تا آفتاب برآید مر او را
مزد باشد مثل آنان که حج کنند و خدای تعالی او را بیامرزد و اگر بنشیند بر
مصلی تا ساعتی بگذرد حلال باشد نماز یا دو رکعت نماز بگذارد همان ثواب یابد
جابر گوید که امام جعفر الصادق ع روایت کرد که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی

میفرماید

ای پسر آدم یاد کن مرا بعد از نماز صبح ساعتی و بعد از عصر ساعتی که تا من مهم ترا برآورم
چون سلام دادی فریضهٔ صبح را سه نوبت بگو الله اکبر و بعد از آن بگو که
لا اله الا الله الهاً واحداً و نحن له مسلمون لا اله الا الله لا نعبد
الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون لا اله الا الله ربنا
و رب آبائنا الاولون لا اله الا الله وحده وحده وحده
صدق وعده و انجز وعده و نصر عبده و اعز جنده و هزم
الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد یحیی و یمیت و یمیت و یحیی
و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر اللهم اهدنی
لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی من تشاء
الی صراط مستقیم پس سه نوبت بگو استغفر الله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم ذو الجلال و الاکرام و اتوب الیه و اسأله
التوبة و باز بگو اللهم اهدنی من عندک و افض علی من
فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک سبحانک
لا اله الا انت اغفر لی ذنوبی کلها جمیعاً فانه لا یغفر الذنوب
الا انت بعد از آن تسبیح فاطمه زهرا بگو سی و چهار نوبت الله اکبر
و سی و سه نوبت الحمد لله و سی و سه نوبت سبحان الله بدین ترتیب
و امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که هر که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام

در عقب

در عقب هر نماز بگوید دوست تر است نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز
و دیگر فرمود که هر که تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام بگوید در عقب هر نماز
فریضه و لا اله الا الله در پی آن البته گناهان او آمرزیده شود
و سزاوار آنست که تعدد آن تسبیح خاک پاک امام حسین علیه السلام
روایت از ابی عبد الله علیه السلام که هر که بگرداند تسبیح خاک امام حسین علیه السلام
یکبار با استغفار یا غیر استغفار نوشته شود از برای او از ثواب هفتاد نوبت
و بعد بر آن میدرد حجاب هفت آسمان را دعای دیگر روایت کرده معاویه
بن عمار از ابی عبد الله علیه السلام بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد
و اهل بیته الطاهرین الاخیار الاتقیاء الابرار الذین اذهب الله
عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا و افوض امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و من یتوکل
علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا
ما شاء الله کان حسبنا الله و نعم الوکیل و اعوذ بالله السمیع
العلیم و اعوذ بک رب ان یحضرون و لا حول و لا قوة الا
بالله العلی العظیم الحمد لله رب العالمین کثیرا هو اهله
و مستحقه و کما ینبغی لکرم وجهه و عز جلاله علی ادبار اللیل
و اقبال النهار الحمد لله الذی اذهب اللیل مظلما بقدرته

وجاء بالنهار مبصرا برحمته خلقا جديدا ونحن في عافيته
وسلامته وستره وكفايته وجميل صنعه مرحبا بخلق الله
الجديد واليوم العتيد والملك الشهيد مرحبا بكما من
ملكين كريمين وحياكما الله من كاتبين وحافظين
اشهدكما فاشهدا لي واكتبا شهادتي هذه معكما حتى القا
بها ربي اني اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد
ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدى ودين الحق ليظهره على
الدين كله ولو كره المشركون وان الدين كما شرع والاسلام
كما وصف والقول كما حدث وان الله هو الحق ورسوله حق والقرآن
حق والموت حق ومسائلة منكر ونكير في القبر حق والبعث
حق والصراط حق والميزان حق والجنة حق والنار حق
والساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور حق
فصل على محمد وآل محمد واكتب اللهم شهادتي عنده اولو العلم
يا رب ومن ابى ان يشهد لك بهذه الشهادة وزعم ان لك
ندا او لك ولدا او لك صاحبة او لك شريكا او معك خالقا
او لك رازقا وانا بريء منه لا اله الا انت فتعاليت عما يقولون
الظالمون علوا كبيرا فاكتب اللهم شهادتي مكان شهادتهم

واحيني

واحيني على ذلك وامتني عليه وابعثني عليه وادخلني برحمتك
في عبادك الصالحين اللهم صل على محمد وآل محمد واصبحني منك صباحا
صالحا مباركا ميمونا لا خازيا ولا فاضحا اللهم صل على محمد وآل محمد
واجعل اول يومي هذا صلاحا واوسطه فلاحا وآخره نجاحا
واعوذ بك من يوم اوله فزع واوسطه جزع وآخره وجع اللهم
صل على محمد وآل محمد وارزقني خير يومي هذا وخير ما فيه وخير
ما قبله وخير ما بعده واعوذ بك من شر ما فيه ومن شر ما
قبله ومن شر ما بعده اللهم صل على محمد وآل محمد وافتح لي
باب كل خير فتحته على احد من اهل الخير ولا تغلقه علي ابدا
اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني مع محمد وآل محمد في كل
موطن ومشهد ومقام ومحل ومرتحل في كل شدة ورخاء
وفي كل عافية وبلاء اللهم صل على محمد وآل محمد واغفر لي
عزما جزما لا تغادر لي ذنبا ولا خطيئة ولا اثما اللهم
صل على محمد وآل محمد اللهم اني استغفرك من كل ذنب تبت
اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لما اعطيتك من نفسي
ولم اف لك به واستغفرك لما اردت به وجهك فخالطته
ما ليس لك فصل على محمد وآله واغفر لي يا رب ولوالدي وما ولدا

وما ولدت وما توالدوا من المؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم
والاموات ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی
قلوبنا غلا للذین امنوا ربنا انک رؤف الرحیم الحمد لله الذی
قضی عنی صلوة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا ولا تجعلنی
من الغافلین پس بگو در عقب صبح پیش از انکه نماز بگذاری الحمد لله الذی
ملاء المیزان ومنتهی العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش والله اکبر
ملاء المیزان ومبلغ الرضا وزنة العرش پس بگو اللهم انی
اسألك مسئلة العبد الذلیل ان تصلی علی محمد وال محمد
وان تغفر لنا ذنوبنا وتقضی لنا حوائجنا فی الدنیا والاخرة
فی یسر منك وعافیة وچون فارغ شدی از تعقیب فجر صد بار
قل هو الله احد بخوان وصد بار بگو استغفر الله واتوب الیه
وصد بار بگو لا اله الا الله الملك الحق المبین وصد بار بگو
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر وصد بار بگو
ما شاء الله کان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
وصد بار بگو بسم الله الرحمن الرحیم ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم وصد بار بگو اسألك العافیة وصد بار بگو
استجیر بالله من النار وصد بار بگو اسأل الله الجنة

وصدبار بگو

وصد بار بگو اسأل الله الحور العین وصد بار بگو اللهم قد رضیت
بقضائك وسلمت لامرك اللهم افض لی بالحسنی واکفنی ما اهمنی
وصد بار بگو اللهم اوسع علی رزقی وامدد لی فی عمری واغفر لی ذنبی
واجعلنی ممن ینتصر به لدینك واگر نتوانی هر یك را ده نوبت بگو
بعد از ان یازده بار بگو لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ایمانا
وصدقا لا اله الا الله عبودیة ورقا وانچه ممکنست ترا بگو که
سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله واسأله من فضله
پس بدرستی که این میگشاید روزی را وحضرت رسول صلی الله علیه وآله
فرمود زنان مهاجرات را که بر شماست که التزام نمایید به تسبیح وتهلیل وتقدیس
وغافل نشوید تا انکه فراموش نکند رحمت شما را تا انکه برای شما گویا شوند وگواهی دهند
روایت از امام جعفر الصادق ع اگر کسی که نماز صبح بگذارد ودرنگ کند تا آفتاب برآید
این بهتر است از انکه تردد کند در باب روزی بیگاه وچون خواهی که از مسجد بیرون آیی
بگو اللهم دعوتنی فاجبت دعوتك وصلیت مکتوبتك وانتشرت
فی ارضك کما امرتنی فاسئلك من فضلك العمل بطاعتك
واجتناب معصیتك والکفاف من الرزق برحمتك وهر گاه
خواهی برخیزی از نماز صبح یا از هر نمازی که باشد بگو سبحان ربك رب العزة
عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین

مرویست از امیر المؤمنین علیه السلام که هرکه خواهد خیر را به پیمانه در کیل تمامتر پس باید
که این آیات شریفه آخر قول او باشد پس بدرستی که مرا و را از هر مسلمی نیکوی حسنه ایست
و در وقت بیرون آمدن از مسجد پیش نهد پای چپ خود را از مسجد و بگوید اللهم صل علی محمد و آل
محمد وافتح لنا باب فضلك ورحمتك یا ارحم الراحمین و جهد کن در آنکه
سخن نگویی پیش از برآمدن آفتاب و آنکه مشغول باشی بدعا و تلاوت قرآن بدرستی که
مرویست از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هرکه بنشیند بر مصلی خود از نماز صبح
تا طلوع آفتاب حق سبحانه و تعالی بپوشاند گناهان او را و نگاه دارد او را از آتش
دوزخ و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که ذکر خدای عز و جل بعد از نماز صبح
تا طلوع آفتاب شتابنده تر است در طلب روزی از زدن شمشیر در زمین روایت
کرده جابر از امام محمد باقر علیه السلام که ابلیس لشکر خود را پراکنده کند در شب از
وقت فرو رفتن آفتاب تا فرو رفتن شفق و از طلوع صبح تا برآمدن آفتاب
و فرمود که رسول صلعم فرموده که بسیار بگوئید درین دو وقت ذکر خدای تعالی را که این دو وقت
غفلتند امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که خواب صباح شومست روزی را میراند
و رنگ را زرد و زشت میسازد و تغییر خلق میکند بدرستی که حق سبحانه و تعالی
روزی را تقسیم می نماید از طلوع صبح تا برآمدن آفتاب پس بر شماست که ازین
خواب بی محل بپرهیزید امام رضا علیه السلام فرمود که قول الهیست که
فالمقسمات امرا آنست که فرشتگان قسمت میکنند روزی آدمیان را از طلوع

صبح

صبح تا برآمدن آفتاب پس هرکه درین وقت خواب کند روزی نیابد معمر بن خلاد
گفت که امام رضا علیه السلام در خراسان نماز صبح ادا می نمود بر مصلی می نشست تا آفتاب
بر می آمد پس خریطه طلب مینمود که در آن مسواک بود مسواک میکرد و بعد از آن کندر میخایید
و بتلاوت قرآن مجید مشغول میشد فصل سیم در درود حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و استغفار
گناه آفریدگار
ذکر و زاری مرویست از ابی عبد الله علیه السلام که روزی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله التفات نمود
بسوی اصحاب خود و فرمود که پناهی میخواهید که بدان ملتجی شوید گفتند یا رسول الله
این پناه آیا از دشمنست یا نه فرمود که نه آن پناهیست از آتش دوزخ و آن آنست که
بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر و دیگر فرمود که بسیار
بگوئید این تسبیحات را که در روز قیامت اینها خواهند آمد از چپ و راست و پیش و پس
و اینهایند باقیات الصالحات روایت کرده ابو بصیر از ابی عبد الله علیه السلام که رسول الله صلعم
فرموده مر اصحاب خود را که هیچ می بینید که اگر جمع کنید آنچه نزد شماست از جامه و بنا
بعد از آن بر بالای یکدیگر گذارید توانید بود که به آسمان رسد اصحاب گفتند نه یا رسول الله
فرمود که آیا دلالت کنم شما را بر چیزی که اصل آن در زمینست و فرع آن در آسمان
گفتند بلی یا رسول الله فرمود که چون یکی از شما از نماز فریضه فارغ شدید بگوئید
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس تحقیق که اصل اینها
در زمینست و فرع اینها در آسمان و اینهایند که دفع میکنند از افتادن و سوختن
و غرق شدن و در چاه افتادن و از خوردن جانورهای درنده و از بد مردن و از بلاهای

که نازل شود بر بنده از آسمان دران روز و انها نند باقیات **دیگر** فرمود که رسول الله صلى الله
فرموده که چهار خیر است که هرگاه در یکی باشد آنکس را از اهل بهشت نویسند یکی
شهادت که أن لا إله إلا الله دویم هرگاه حضرت عزت نعمتی بوی کرامت فرماید
او در مقابل آن نعمت الحمد لله بگوید سیم آنکه چون گناهی از و سر زند تلافی آن
به استغفار کند چهارم آنکه چون مصیبتی باو رسد بگوید إنا لله وإنا إليه
راجعون وهم او نقل از آبای بزرگوار خود نمود که جمعی فقرا بخدمت رسول الله
صلى الله علیه وآله آمدند و گفتند اغنیا را بنده می باشد که آزاد کنند و ما را نیست
و ایشان را استطاعت هست که بآن حج کنند و ما را نیست و ایشان را مال هست
که بآن تصدق میکنند و ما را نیست فرمود که هر که صد بار بگوید الله اکبر
این افضل است از آزاد کردن بنده و هر که صد بار بگوید سبحان الله این فضلت
از صد شتر قربان کردن و هر که صد بار بگوید الحمد لله افضل است از اسب
بایراق دادن شخصی که در راه خدا غزا کند و هر که صد بار بگوید لا إله إلا الله
این فضلت از خلایق از روی عمل دران روز مگر آنکه کسی زیاده کند این عمل را
گفت اغنیا رسیدند بآن و بجای آوردند آنرا بعد از آن باز گشتند فقرا
بخدمت رسول الله صلعم گفتند بتحقیق که رسیدند انچه تو گفتی فرمود که این فضل است
بهر که میخواهد میدهد و دیگر حضرت پیغمبر صلى الله علیه وآله فرمود که گفتن سبحان الله
والحمد لله ولا إله إلا الله والله أکبر دوستر است نزد من از آن چیزها که آفتاب

بران تابد بهتر است **روایت** در تحفه از ابی عبد الله ع که رسول صلى الله علیه وآله ذکر میکرد
خدایرا در هر روز سیصد و شصت بار بعدد رگهای جسد و میفرمود الحمد لله رب العالمین
کثیرا على کل حال و در حدیث دیگر آمده که چون شب میشد مثل این میگفت
دیگر آنحضرت فرمود که اول کسی که خوانده میشود بسوی بهشت آنانند که حمد خدا
میگویند در نهان و آشکار سوال کردند از او که روضهای بهشت کجاست فرمود
که ریاض بهشت مجالس فکر است پس صباح و رواح ذکر کنید امام جعفر علیه السلام
فرمود که شکر هر نعمت اگر بزرگ باشد آنست که حمد کنی او را دیگر فرمود که
که نداد حق سبحانه و تعالى نعمت عظیمی به بنده مؤمن که حق تعالى را حمد کند که آن حمد افضل است
از آن نعمت آورده اند که روزی استر امام محمد باقر علیه السلام گریخت در میان مکه
و مدینه آنحضرت فرمود که اگر حق تعالى استر مرا بمن رساند او را شکر عظیم بگویم
بعد از آن استر را گرفت سه بار گفت الحمد لله رب العالمین **روایت**
از ابی حمزه که پیغمبر صلى الله علیه وآله فرمود که خبر دهم از جمیع حمد فرمود بلی یا رسول الله
فرمود که اللهم لک الحمد بمحامدک کلها على جمیع نعمتک
کلها حتى ینتهی الحمد إلى ما تحب وترضى **روایت**
از ابی عبد الله علیه السلم که هر که چهار نوبت در وقت صبح بگوید الحمد لله رب العالمین
بتحقیق که ادا کرده شکر آن روز را و اگر کسی در اول شب بگوید بتحقیق ادا
ادا کرده شکر آن شب را **روایت** از زید شحام از ابی عبد الله علیه السلم که هر که الحمد

مشغول میکرده‌اند کاتبان آسمان گفتیم چون مشغول شوند فرمود که میگویند که اللهم انا لا نعلم الغیب
یعنی ای خدا یا ما غیب نمیدانیم پس حق سبحانه و تعالی فرماید که بنویسید حمد او را و آنچه بگوید بنده
من و بر منست ثواب آن **دیگر** روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که هرگاه بگوید این که الحمد لله بمحامده کلها ما علمنا منها
وما لم نعلم علی کل حال حمدا یوازی نعمه و یکافی مزیده علی و علی
جمیع خلقه حق سبحانه و تعالی فرماید که رسید بنده من برضای من من هم میرسانم او را
برضای او در بهشت **روایت** که مردی بخدمت ابی عبدالله علیه السلام آمد و گفت فدای تو
گردم من مردی پیرم تعلیم کن دعایی که مرا جامع باشد آنحضرت فرمود که بگو حمد خدا را
که چون حمد وی را بر زبان راندی بتحقیق که او نیز حمد ترا میفرماید یعنی گفتن سمع الله
لمن حمده **منقولست** از امیر المؤمنین علیه السلام که رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در
فرزندان آدم سیصد و شصت رگ متحرکست و هشتاد و ساکن پس اگر متحرک ساکن
گردد و ساکن متحرک حیات آدمی باقی نمی ماند پس هر روز بر سبیل شکر او میفرمود
الحمد لله رب العالمین کثیرا طیبا علی کل حال زراره گوید در تحمید گفتم
مر امام محمد باقر علیه السلام را که کدام عمل از عملها دوست تراست نزد خدای تعالی فرمود
که تحمید او **مرویست** از ابی عبدالله علیه السلام که حق سبحانه و تعالی تحمید نفس خود میفرماید
در شبانه روزی سه نوبت پس هر کس که تحمید او کند بدان وجه که او خود را
تحمید نموده میکرده از شقاوت بسعادت **دیگر** حضرت رسول صلی الله علیه و آله

فرمود

فرمود که هر دعای که پیش او تمجید نباشد پس او ابتر است و مقبول نمیشود بدرستی
که اول تحمید است و آخر دعا اقل آنچه کافیست از تمجید کدام است فرمود که بگو اللهم
انت الاول فلیس قبلک شیء وانت الآخر فلیس بعدک شیء
وانت الظاهر فلیس فوقک شیء وانت الباطن فلیس دونک
شیء وانت العزیز الحکیم یونس بن یعقوب گوید که گفتم مر ابی عبدالله علیه السلام را
در باب تسبیح فرمود که هر که بگوید سبحان الله مانند کسی باشد که ذکر خدا بسیار کرده
روایتست از ابی عبدالله علیه السلام که هر که سبحان الله بگوید بیافریند حق تعالی از آن مرغی
و تسبیح کند در میان تسبیح کنندگان تا قیامت قایم شود و ثواب آن کس را
باشد و مانند آن اینست الحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر در ثواب
مرویست از امیر المؤمنین علیه السلام که تسبیح پر میکرداند نیمه میزان را و الحمد لله پر میکرداند میزان را
والله اکبر پر میکرداند زمین و آسمان را دیگر فرمود که هر که در شبانگاه سه نوبت
بگوید سبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی
السموات والارض وعشیا وحین تظهرون فوت نشود چیزی
که در آن شب بوده باشد و شر آن شب از او بگردد و هر که در صبح بگوید فوت نشود
از و چیزی که در آن روز بوده و بگرداند از او شر آن روز ابن عباس گوید در تهلیل
که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هیچ کلمه دوست تر نیست بسوی خدای تعالی از گفتن
لا اله الا الله و هر بنده که بگوید لا اله الا الله و آواز خود را بکشد و فرع کند

فرو ریزد گناهان او و در زیر قدمهای او چون برگ که درخت ریزد روایت کند
سکونی از ابی عبد الله علیه السلم و او از پدر بزرگوار خود که رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که بهترین عبادتها گفتن لا اله الا الله است و در کتاب عیون الرضا آورده
که حضرت رسول صلعم فرموده بدرستی که حق جل علا را استونیست از یاقوت سرخ
که سر او در زیر عرش است و تۀ او در پشت ماهی چون بنده گفت لا اله الا الله
عرش بلرزش در آید و ستون متحرک و ماهی بجنبش حق تعالی فرماید که ساکن شوید
گوید ای پروردگار چگونه ساکن شویم حال آنکه نیامرزیدی گوینده لا اله الا الله را
حق سبحانه و تعالی فرماید که گواه باشید ای ساکنان ملاء الاعلی که من آمرزیدم
گوینده لا اله الا الله را جابر از ابی طفیل و او از امیر المؤمنین علی علیه السلم روایت کند
که هیچ بندۀ مسلمانی نباشد که بگوید لا اله الا الله مگر آنکه بالا رود و بدرد سقفها را
و نگذارد چیزی از سیئات او مگر که محو کند آنرا تا منتهی شود بمثل آن از
حسنات پس بایستد و دیگر فرمود که گفتن لا اله الا الله ثمن بهشت است
روایت از رسول صلی الله علیه و آله که تلقین کنید مردگان را بکلمۀ طیبۀ لا اله الا الله
که آن فی الحال محو میسازد گناهان را گفتند یا رسول الله پس کسی که در حالت
صحت بگوید چگونه است فرمود که بیشتر و پیشتر محو میسازد و این کلمه
میگرداند مومن را در حالت حیات و نزد ممات و هنگامی که از قبر برخیزد
امام جعفر الصادق علیه السلام فرمود که هر که صد بار بگوید لا اله الا الله او بهترین مردمان است

دران روز از روی عمل مگر کسی که بران زیاده کند روایت کند زید بن ارقم
از حضرت پیغمبر صلعم که هر که باخلاص کلمه لا اله الا الله بگوید البته به بهشت رود
و اخلاص او بآن کلمه آنست که گوینده آن خود را از حرام نگاه دارد ابو سعید خدری
گوید که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که کسی نگفته پیش از من کلمه که او افضل باشد
از کلمۀ طیبۀ لا اله الا الله ابو عمران عجلی گوید که نباشد هیچ مؤمنی که بگوید لا اله الا الله
مگر که محو کند سیئات را از نامۀ اعمال او و نقش آن حسنات را بجای آن بنویسند
ابو حمزۀ ثمالی گوید که شنیدم از امام زین العابدین علیه السلام که هر که در اول شب صد بار
بگوید الله اکبر چنانست که صد بنده آزاد کرده باشد امام رضا علیه السلم فرمود
که پدر بزرگوار من پیغمبر فرمود که هر که بگوید لا حول و لا قوة الا بالله حق سبحانه و تعالی
بگرداند از و نود و نه نوع بلاهای دنیا که آسان تر ایشان خناق باشد
و حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که صباح از خانه بیرون رود و بگوید
بسم الله لا حول و لا قوة الا بالله توکلت علی الله دران
هنگام دو فرشته ندا کنند که ای بنده مهمات تو جمیع ساخته شد و ایمن شدی از
هر بدی و راه راست یافتی و درین حالت شیطان گوید که من چه توانم کرد
که کفایت شد مهمات او و از هر بدی ایمن شد و راه راست یافت
از ابی عبد الله علیه السلام که هر که ده بار بگوید یا الله حق سبحانه و تعالی جواب گوید اورا
لبیک لبیک مهم و حاجت تو چیست و دیگر فرمود که هر که بگوید ما شاء الله

لا قوة الا بالله حق سبحانه و تعالی بگرداند از و هفتاد نوع بلا که آسان‌تر آن کشتن
باشد و جنون و دیگر فرمود که روزی سی نوبت بگوید لا اله الا الله الملک
الحق المبین فقر از و برود و غنی رو با او آورد و در بهشت بر و گشاده شود و حضرت
رسول الله صلعم فرمود که خانه که در و ذکر خدای تعالی میکنند مثل شخصیست که زنده باشد
و خانه که در و ذکر خدا نکنند مرده است و هم آنحضرت فرمود که هیچ جماعت ذکر خدا
نمی کنند که فرشتگان گرد ایشان فرو نمیگیرند و خدای تعالی پرده رحمت ایشان را نمی پوشاند
و سکون و آرام در میان ایشان نمی فرستد و در زمره ملائکه ایشان را یاد نمی کند
شخصی از آنحضرت سوال کرد که از رستنها بچه امر مشغول شویم فرمود بذکر خدای تعالی

در صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام ابو عبدالله علیه السلام فرمود که هرگاه نام رسول الله
شنیده بگو صلی الله علیه و آله که هر که یکبار صلوات بر آنحضرت فرستد حق تعالی
بر او رحمت کند و هزار صف از فرشتگان بجهت او آمرزش طلبند از حضرت عزت
و جمیع مخلوقات بر او فرستند پس تقصیر مکنند بر صلوات بر آنحضرت و آل او
علیهم السلام مگر جاهل مغروری که حق سبحانه و تعالی و رسول از و بیزاری جویند امام جعفر ع
فرمود که حضرت پیغمبر صلعم که من در روز قیامت در کنار میزان خواهم بود اگر گناه
او بر نیکیهای او بچربد صلوات که بر من فرستاده بر بالای او نهم تا نیکویی بر بدیها
بیفزاید حارث اعور گوید که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود که هیچ دعایی بی صلوات
بر آسمان نمیرسد امام جعفر علیه السلام فرمود که هر که بر حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

صلوات فرستد حق سبحانه و تعالی صد حسنه بجهت او بنویسد و هم آنحضرت فرمود
که نزدیکترین مردم در روز قیامت بمن کسیست که بر من صلوات بسیار فرستاده باشد
و دیگر فرمود که بخیل کسیست که نام من بشنود و بر من و آل من صلوات نفرستد
و دیگر فرمود که هر که از امت من باخلاص بر من صلوات فرستد حق سبحانه و تعالی
بر وده صلوات فرستد و ده درجه او را بلند گرداند و ده سیئه از دیوان اعمال او محو
کند و ده حسنه بنویسد امام جعفر الصادق ع فرمود که حضرت رسول الله صلعم میفرمود
که هر که صلوات فرستد بر من و آواز خود را بلند کند نفاق را میبرد و هم او فرمود
که هر دردی را دوائیست و دوای گناهان استغفار است و امیرالمؤمنین علی علیه السلام
فرموده که عجبست از کسی که بری کند و با او نجات باشد گفتند آن کدام است فرمود
که استغفار بعد از گناه حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی آواز را
دوست میدارد آواز خروس در سحرگاه و آواز قرآن خوان و آواز استغفار
کنندگان در وقت سحرگاه و ابو عبدالله ع فرمود که هر که در محل خواب بگوید
استغفر الله همچنانکه برگ از درخت در وقت خزان میریزد گناهان او
بریزد و پاک بخواب کند و صبح پاک برخیزد اسمعیل بن سهیل گوید که نوشتم
بر امام محمد تقی علیه السلام که تعلیم کن مرا چیزی که چون بآن قیام نمایم در دنیا
در آخرت با شما باشم آنحضرت بخط مبارک خود نوشت که انا انزلنا بخوان
و استغفر الله بگو ابو عبدالله علیه السلام فرمود که خوشا حال آنکس که در روز قیامت

در نامهٔ اعمال او بنویسند در پایین هر گناهی یک استغفروا الله و دیگر فرموده که هر که
استغفار بسیار کند نامهٔ اعمال او در روز قیامت درخشان باشد و حضرت رسول الله
از هیچ مجلسی بر نمیخواست تا بیست و پنج نوبت استغفار نمیگفت و دیگر فرموده که
اگر بندهٔ مؤمنی مرتکب گناهی شود اگر چه آن گناه بزرگ باشد از صباح تا شبانگاه
پس اگر استغفار کرد آنرا بر وی نمینویسند و دیگر فرموده که بندهٔ مؤمن هر گاه
گناهها یاد کند بعد از چند سال و از آن استغفار نماید آمرزیده شود و دیگر
فرموده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده که استغفار و کلمهٔ طیبه که لا اله الا الله است
بهترین عبادات اند و حضرت علیم در کتاب لازم التکریم خود فرموده فَاعْلَمْ
اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ و امیر المؤمنین علی علیه السلام فرموده
در جواب شخصی که در حضور آنحضرت گفت استغفروا الله مادر بمرگت تو بگریاد
هیچ میدانی که استغفار چه چیز است بدرستی که استغفار درجهٔ مقربان
اعلی مرتبه است و آن اسمیست که واقع میشود بر شش معنی اول پشیمانی بر گناه
گذشته ۲ عزم جزم کردن که بر آن گناه باز نگردد ۳ ادا کردن حقوق مردم
تا پاک بجزای الهی ملاقی شوی و بر تو وبال نماند ۴ آنچه فوت کرده از عبادات
تلافی آن کنی ۵ گوشتی که از حرام بر بدن تو روییده بگدازی بغم و اندوه که
تا بماند استخوان و پوست و گوشت حلال از نو بروید ۶ بچشانی جسم خود را مشقت
طاعت همچنانکه چشانیدی حلاوت معصیت پس بگو نزد این حال که استغفر الله

امام جعفر علیه السلام فرموده که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله هر روز هفتاد بار استغفار
میفرمودند بچه کیفیت بود که هر روز هفتاد نوبت میفرمود اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی
وَاَتُوبُ اِلَیْهِ و هم از وست که هر که بعد از نماز فرض پیش از آنکه روی از
قبله بتابد سه نوبت بگوید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ
الْقَیُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ حق سبحانه و تعالی گناهان
او را بیامرزد اگر چه برابر کف دریا باشد و در خبر دیگر وارد است که هر که این کلمات را
هر روز بگوید حق سبحانه و تعالی چهل گناه کبیره او را بیامرزد و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرموده که دل ترسناک و چشم اشکبار نشانهٔ رحمت الهیست هر گاه شما این دو صفت را
در خود یافتید دعا کنید و دیگر فرموده که اگر میان جماعتی یک کس را دیده گریان باشد
خدای تعالی بجهت او بر همه رحمت میفرماید و دیگر فرموده که اگر شما را گریه نیاید خود را
بصورت مردم گریان برآرید که اگر بمقدار سر مگسی اشک از دیده ظاهر شود نیکو است
محمد بن مسلم گوید که شنیدم از امام محمد باقر علیه السلام که هیچ چیز نیست که بوزن
و کیل در نیاید مگر آب چشم که خدای تعالی چشم گریان را از آتش دوزخ نگاه میدارد
و چون آب از دیده فرو ریزد دیگر گرد بی آبرویی بر رخسار او نه نشیند در دنیا
و در آخرت که قطرهٔ آب چشم دریاهای آتش فرو مینشاند اگر مردی بگرید میان
امتی همه محروم نمانند روایت که ابراهیم خلیل علیه السلام فرموده که بار خدایا کسی روی
خود را به آب دیده تر کند از ترس تو جزای او چه باشد فرموده که مغفرت و رضوان من

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که طلب کنید اجابت را در وقت حرکت کردن باد و وزیدن
و در وقت روان شدن آب از چشم و نزد باریدن باران و چون آفتاب بمیان آسمان
رسد و میل کند بجانب مغرب که آن ساعتیست که درهای آسمان گشوده است و امیدوار است
بمدد کردن فرشتگان و قبول شدن دعا از جانب حضرت عزت دیگر فرمود
که تضرع و نیاز و نماز را نزد خدای تعالی منزلتی تمام است چو هرگاه بنده بگرید
خدای را اگر روان شد آب از چشمش فرو می آید رحمت الهی پس غنیمت دانید آن ساعت را
که ساعت مشغله است و طلب حاجات و بزرگ مدانید چیزی را که از حق تعالی طلب مینماید
چو آنچه نزد خدای تعالیست بزرگتر است از شما قدرت بران دارید تحقیر مکنید
کوچک را از حاجتهای خود چو دوسترین مؤمنان بسوی خدای تعالی سؤال کننده ترین
ایشانست روایت از امام محمد باقر علیه السلام که پیش پدر بزرگوارش امام زین العابدین علیه السلام
آمد آنحضرت را در عبادت بمرتبه یافت که هیچکس بآن مرتبه نرسیده پس دید که چهره
مبارکش زرد گشته از بیخوابی و از گریه کنارهای چشمش مجروح گشته و پیشانی او مانند
سینه شتر پینه بسته و بجهت بسیار ایستادن در نماز ساقها و قدمهای او ورم کرده
و امام علیه السلام میفرماید که چون پدر بزرگوار را باین حال دیدم خود را از گریه
نتوانستم نگاه داشت و رحم آمد مرا بر حال او و او در من مینگریست و متفکر بود
در حال من و بعد از لحظه بمن ملتفت شد و فرمود که ای فرزند بعضی از کتابها که
احوال عبادت حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام در انجاست جهت من بیار یک کتاب

جهت او آوردم در انجا اندکی نگاه کرد و دعایی خواند و غمناک شد و فرمود که کیست که تواند
که مثل حضرت امیر عبادت کند دیگر امام زین العابدین علیه السلام هرگاه که وضو میساخت
رنگش متغیر میشد پرسیدند از تغیر رنگ میفرمود که هیچ میدانید که بخدمت که
قیام خواهم نمود روایت که امام موسی علیه السلام از ترس خدای تعالی چندان میگریست
که محاسن مبارکش تر میشد **فصل چهارم** در نمازهایی که جهت حصول مهمات گذارند
امام جعفر علیه السلام فرمود که چون قصد کاری داشته باشید با هیچکس مشورت
مکنید تا با خدای تعالی مشورت نکنید شخصی گفت یا امام چون با خدا مشورت کنیم
فرمود که صد بار استخیر الله بگوید بعد از ان با مردمان مشورت کنید که خدای تعالی
خیر ترا بر زبان یکی از دوستان جاری میگرداند یحیی بن عمران حلبی گوید که ابو عبد الله
فرمود که مشورت را حدود است پس کسی که حدود آنرا نداند ضرر او بیشتر است
از نفعش اول آنست که مشورت با مرد عاقلی کند دویم انکه مرد آزاد متدین باشد
سیم انکه دوستی باشد که برادرانه با کسی سلوک کند چهارم انکه مطلع گردانی او را
بر سر خود تا دانش او مانند دانش تو باشد بعد از ان نظر فرمود و این را بیش فرمود
که هرگاه مستشیر عاقل باشد فایده دارد و اگر حر و متدین باشد سعی خواهد کرد
در نصیحت تو و کامل گردد مشورت چون دوست برادرانه باشد نهان میدارد سر
ترا و هرگاه مطلع گردانی او را علم او همان علم تو گردد عثمان بن عیسی روایت
کند که از امام جعفر علیه السلام پرسیدند که دوسترین خلق بسوی حق سبحانه و تعالی

چه کسست فرمود اگر فرمان بردار باشد خدای تعالی را گفتند دشمن ترین خلق بسوی خدا
کیست فرمود که اگر خدای تعالی را متهم دارد گفتند آیا کسی باشد اینچنین فرمود که کسی که
استخاره کند حق تعالی را و آنچه مدعای او باشد نیاید او خشم گیرد از آن خدای را متهم
داشته روایت کند حماد بن عثمان از امام جعفر الصادق علیه السلام که هرگاه قصد کاری کنید
شش پاره کاغذ بردارید و در پارهای کاغذ بنویسید بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
خِیَرَةٌ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِیْزِ الْحَکِیْمِ و نام خود را و مادر خود را در آنجا بنویسید بعد از آن
کلمهٔ افعل بنویسید و در سه پاره دیگر همان بنویسید و بجای افعل لا تفعل بنویسید بعد از آن
در زیر جا نماز بنهید و دو رکعت نماز بگذارید چون از نماز فارغ شوید سجده کنید و در آن
سجده صد بار اَسْتَخِیْرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ خِیَرَةً فِی عَافِیَةٍ بگویید بعد از آن راست بنشینید
و بگویید اَللّٰهُمَّ خِرْ لِی فِی جَمِیْعِ اُمُوْرِی فِی یُسْرٍ مِنْکَ وَعَافِیَةٍ
بعد از آن کاغذها را بر هم بر آرید و یکی از آنها بیرون آرید همچنین تا سه کاغذ را
بیرون آرید اگر هر سه از پی هم افعل بیرون آمد آن کار بکنید و اگر لا تفعل بیرون آمد
آن نکنید و اگر یکی افعل و یکی لا تفعل بیرون آمد آن کار مکنید و ششم را احتیاج بیرون
آوردن نیست حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام دو رکعت نماز میگذارد و در عقب
آن صد بار میگفت استخیر الله بعد از آن میفرمود اَللّٰهُمَّ اِنِّی قَدْ هَمَمْتُ بِاَمْرٍ
قَدْ عَلِمْتَهُ فَاِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ خَیْرٌ لِی فِی دِیْنِی وَدُنْیَایَ وَآخِرَتِی
فَیَسِّرْهُ لِی وَاِنْ کُنْتَ تَعْلَمُ اَنَّهُ شَرٌّ لِی فِی دِیْنِی وَدُنْیَایَ وَآخِرَتِی

فَاصْرِفْهُ عَنِّی کَرِهَتْ نَفْسِی اَمْ اَحَبَّتْ فَاِنَّکَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ وَاَنْتَ عَلَّامُ
الْغُیُوْبِ بعد از آن او را بشناخت بر آن وجه که روایت مرویست که مردی بخدمت
ابی عبد الله علیه السلام آمد و گفت فدای تو گردم بسیاری باشد که مرتکب امری میشوم و بر آن
پشیمانی میخورم فرمود که چرا استخاره نمیکنی گفتم چگونه استخاره کنم فرمود که چون نماز
صبح بگذاری دستها بردار برابر روی خود و بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ تَعْلَمُ وَلَا اَعْلَمُ
وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوْبِ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَخِرْ لِی فِی جَمِیْعِ
مَا عَزَمْتُ بِهِ مِنْ اُمُوْرِی خِیَارَ بَرَکَةٍ وَعَافِیَةٍ بعد از آن سجده
کن و در سجده صد بار بگو اَسْتَخِیْرُ اللّٰهَ بِرَحْمَتِهِ اَسْتَقْدِرُ اللّٰهَ فِی عَافِیَةٍ
بِقُدْرَتِهِ بعد آن حاجت خود را بخواه که آن خیر است از برای تو بهر حال و متهم
مگردان پروردگار خود را در آنچه تصرف داری در آن روایت که حسن بن جهم سوال
کرد از امام موسی علیه السلام از برای این ثبات که مهمی دارد چگونه استخاره کند فرمود
که وقت نماز فریضه بمسجد رود و دو رکعت نماز بگذارد و صد بار استخیر الله بگوید
بعد از آن نظر کند که چه چیز در دل او واقع میشود پس آن عمل کند حسن گوید که او
متردد بود که سفر دریا کند یا خشکی مرا بخاطر افتاد که خشکی بهتر است او نیز گفت
مرا بخاطر اینچنین رسید روایت کند فرارم که ابو عبد الله علیه السلام فرمود که
هرگاه یکی را از شما حاجتی باشد پس باید که دو رکعت نماز بگذارد و حمد و ثنای
خدای تعالی بجای آرد و صلوات بر محمد و آل او بفرستد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ

هذا الامر خیراً لی فی دینی ودنیای فیسّره لی وقدّره وان کان
الامر غیر ذلک فاصرفه عنی پس بپرسید که دران دو رکعت چه بخوانند فرمود
هرچه خواهند اگر قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون بخوانند شاید روایت کند اسحق بن عمار
که گفتم مر ابی عبد الله علیه السلام را که بسیار هست که کاری میخواهم پیش گیرم یکی میگوید که
بکن و دیگری میگوید که مکن آنحضرت فرمود که هرگاه چنین باشد دو رکعت نماز بگذار
و صد بار استخیر الله بگو و بعد ازان نظر کن که ازان دو امر کدام استوارتر است
آنرا بکن که دران خیر است انشاء الله و می باید که استخاره تو از عافیت بوده باشد
چو گاه باشد که بریدن دست مرد خیر او باشد یا در موت او و یا در موت فرزندش
یا بتلف شدن مالش محمد بن یعقوب گوید که شخصی گفت به یکی از ائمه علیهم السلام که کسی را
نمی یابم که با او مشورت کنم در امری که مرا واقع است فرمود که با خدای تعالی مشورت کن
گفت چگونه مشورت کنم فرمود که قصد کن بحاجتی که داری و بنویس در کاغذی که لا
و در کاغذ دیگر بنویس که نعم و هر دو را در میان گلوله از گل بگذار و آن هر دو را
در زیر دامن بدار و بگو یا الله انی اشاورک فی امری هذا وانت
خیر مستشار و مشیر فاشر علی بما فیه خیر و صلاح و حسن
عافیة بعد ازان یکی ازان هر دو را بیرون آر اگر دران نعم باشد آن کار بکن
و اگر دران لا باشد مکن مشورت با خدای خود چنین باشد جابر بن عبد الله گوید
که رسول الله صلعم میفرمود که ما را استخاره همچنانکه تعلیم میفرمود ما را سوره از قرآن

که هرگاه

که هرگاه یکی از شما را حاجتی باشد باید که دو رکعت نماز بگذارد و بعد ازان بگوید اللهم انی
استخیرک بعلمک واستقدرک بقدرتک واسألک من فضلک
العظیم فانک تقدر ولا اقدر وتعلم ولا اعلم وانت علام
الغیوب اللهم ان کنت تعلم هذا الامر الفلانی فی دینی ومعاشی
وعاقبة امری فاقدره لی ویسره وبارک لی فیه فقربنی
منه وان کنت تعلم انه لی فی دینی ومعاشی وعاقبة امری
فاصرفه عنی واصرفنی عنه واقدر لی الخیر حیث ما کان
و رضّنی به روایت کند عمر بن حارث که ابی عبد الله ع فرمود مرا که دو رکعت
نماز بگذار و استخاره کن بخدای تعالی و بخدا که هر که استخاره کند بخدای تعالی البته خیر پیش او
آید چون خواهی که استخاره بکلام الله نمایی نماز امام جعفر ع بگذار چون فارغ از نماز
شدی این دعا بخوان اللهم ان کان فی فضلک وقدرک عن تفریج
عن ولیک وحجتک فی خلقک فی عامنا هذا او شهرنا هذا
فاخرج لنا راس آیة من کتابک لنستدل بها علی ذلک بعد ازان
هفت ورق شمارد و ده سطر از پشت ورق هفتم و بعد ازان نظر کن که
چه آمده بعد ازان یکبار دیگر جهت حاجت خود بگشاید بهمین طریق ورق و سطر
شمارد و حال خود دریابد حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که هر که بیرون
آید از خانه خود و بگرداند نگین انگشتری را از پشت دست بکف دست خود

وسورهٔ انا انزلنا بخواند وبگوید آمنتُ بالله وحدهُ لا شریک له آمنتُ
بسرّ آل محمدٍ وعلانیتهم دران روز مکروهی بوی نرسد سماعة بن مهران
گوید که ابو عبدالله علیه السلام فرمود که چون یکی از شما بیمار شد طبیب طلبید
وچیزی بوی عطا نماید پس اگر بدرگاه الهی حاجتی باشد طهارت کند
وتصدق نماید بصدقه خواه بسیار وخواه اندک بعد ازان بمسجد درآید ودو
رکعت نماز بگذارد وخدا را حمد وثنا بگوید وصلوات بر محمد وآل او بفرستد
وبگوید اللهمّ ان عافیتنی مما اخاف من کذا وکذا
مگر که حق سبحانه وتعالی حاجت او را روا کند واین یمین واجبه است وحق جل وعلا
گردانیده او را امن در شکر نماز دیگر وقتی که نیمه شب درآید غسل کند ودو رکعت نماز
بگذارد در رکعت اول فاتحه یکبار وقل هو الله احد پانصد بار بخواند ودر رکعت دویم
نیز مثل آن چون قرآت رکعت دویم فارغ شود آخر سورهٔ حشر یعنی هو الله الذی
لا اله الا هو تا آخر سوره وشش آیه از اول سورهٔ حدید بخواند بعد ازان
بگوید در حالتی که ایستاده باشد ایاک نعبد وایاک نستعین
یک هزار بار پس رکوع وسجود کند وتشهد بخواند وحمد الهی بگوید
پس اگر حاجت تو روا نشود در نوبت دویم خواهد شد والا در نوبت
سیم **نماز دیگر** منقولست از ابی عبدالله ع چون حاجتی ومهمی بخدای تعالی
داشته باشی چهارشنبه وپنجشنبه وجمعه روزه بگیرد وروز جمعه غسل کند

وجامۀ

وجامۀ نو بپوشد وبر جای بلندی بالا رود ودو رکعت نماز بگذارد
ودستها بردارد بسوی آسمان وبگوید اللهمّ انی احللت بساحتک
لمعرفتی بوحدانیتک وانه لا قادر علی حاجتی غیرک
فقد علمت یا رب انه کلما تظاهرت نعمک علی اشتدت
فاقتی الیک وقد طرقنی هم کذا وانت بکشفه عالم غیر
معلم واسع غیر متکلف فاسئلک باسمک المکنون
الذی وضعته علی الجبال فنسفت وعلی السماء فانشقت
وعلی النجوم فانتثرت وعلی الارض فسطحت واسئلک
بالحق الذی جعلته عند محمد وعترته ان تصلی علی محمد وآل
محمد وان تقضی حاجتی وان تیسر لی عسیرها وتکفینی مهمها
فان فعلت فلک الحمد وان لم تفعل فلک الحمد غیر جائر
فی حکمک ولا متهم فی قضائک ولا حائف فی عدلک
وروی خود را بر زمین نهد وبگو اللهمّ ان یونس متی عبدک
دعاک فی بطن الحوت فاجبت له وانا عبدک
فاستجب لی ابو عبدالله ع فرمود که هرگاه مرا حاجتی می بود
پس این دعا را میخواندم ورجوع میکردم حاجت روا میشد
نماز دیگر منقولست از موسی بن جعفر علیهما السلام که هر که را
وقتی

امر عظیمی پیش می آید بر شصت مسکین تصدق میکنم بهر مسکینی نیم صاع نبی صلی الله علیه و آله
از خرما و گندم و چون شب در می آید غسل میکنم در دو دانگ آخر بپوشش
جامه عال خود را پس دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله احد
یا قل یا ایها الکافرون یکبار و چون بسجده روی تهلیل و تقدیس و تعظیم
و تمجید خدای تعالی بتقدیم رسان و گناهان خود را یاد آور پس آنچه گناهی
که میدانی اقرار نما و آنچه میدانی اجمالا بآن اقرار نما پس سر بردار و چون بسجده
دویم روی استخاره کن از خدای تعالی و صد بار بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْتَجِیرُکَ
بِعِلْمِکَ پس دعا کن خدا را بهر اسمی که میخواهی و بگو یا کائِناً قَبْلَ کُلِّ
شَیْءٍ یا کائِناً بَعْدَ کُلِّ شَیْءٍ اِفْعَلْ لی کَذا وَ کَذا و هر گاه استخاره کنی
روان شو بزانوها بسوی زمین و بردار ازار را تا کشف شود زانوها و از پس
میان الیتین و باطن ساقین که روان شدن حاجت ان شاء الله تعالی و بنیاد کن
صلوات بر نبی و اهل بیت او صلوات الله علیهم اجمعین نماز دیگر منقولست
از امام رضا علیه السلام که چون ترا مهمی سخت پیش آید دو رکعت نماز بگذار در رکعت
اول فاتحة الکتاب یکبار و آیة الکرسی بخوان و در رکعت دوم بعد از الحمد انا انزلنا
پس مصحف بردار بر بالای سر خود بر و بگو اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ اَرْسَلْتَهُ
اِلی خَلْقِکَ وَ بِحَقِّ کُلِّ آیَةٍ فیهِ وَ بِحَقِّ کُلِّ مَنْ مَدَحْتَهُ
فیهِ عَلَیْکَ وَ بِحَقِّکَ عَلَیْکَ وَ لا نَعْرِفُ اَحَداً اَعْرَفَ بِحَقِّکَ

منک

مِنْکَ یا سَیِّدی یا اَللّٰهُ ده نوبت بگو و ده نوبت بحق محمد صلی الله علیه و آله و ده
نوبت بحق علی و ده نوبت بحق فاطمه پس هر امامی را ده نوبت بصاحب الزمان
سی نوبت که امام زمانست هنوز از جای خود نخواسته باشی که حاجت او روا شود
نماز دیگر مقاتل بن مقاتل گوید که گفتم مر امام رضا علیه السلام که جانم فدای تو باد تعلیم کن مرا
دعائی بجهت گذاردن حاجتها فرمود که هرگاه که حاجتی باشد بحق سبحانه و تعالی غسل کن
و جامه پاک در پوش و چیزی خوشبوی ببوی پس بجایی رو که در زیر آسمان
باشی نه در خانه دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحة الکتاب یکبار و قل هو الله
پانزده بار پس رکوع و پانزده بار قل هو الله بخوان و بر مثال نماز تسبیح کن لیکن در آن
قرائت پانزده نوبت است در هر سجده کن و در سجود بگو اَللّٰهُمَّ اِنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ
مِنْ لَدُنْ عَرْشِکَ اِلی قَرارِ اَرْضِکَ فَهُوَ باطِلٌ سِواکَ فَاِنَّکَ
اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبینُ وَاقْضِ لی حاجَتی کَذا وَ کَذا السّاعَةَ السّاعَةَ
و در رکعت دویم نیز الحین و الحاح کن در مراد خود چون حاجت تو بر آید نماز
شکرانه بگذارد هارون بن خارجه گوید که ابی عبد الله علیه السلام فرمود نماز شکرانه بجای آر
هرگاه خدای تعالی بتو نعمتی کرامت فرماید دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول
فاتحه و قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم فاتحه و قل یا ایها الکافرون
و در رکوع و سجود رکعت اول بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُکْراً شُکْراً یا حَمْداً حَمْداً
پس در رکوع و سجود رکعت دویم بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِسْتَجابَ دُعائی

واعطانی مسئلتی **نماز عفو اینست** هرگاه در نفس احساس فطرتی کنی در آن
نماز عفو را ترک مکن و آن دو رکعت است در هر رکعتی الحمد و انا انزلنا یکبار و بعد از آن
قرائت پانزده بار بگو رب عفوک عفوک پس رکوع کن و ده بار این را بگو و نماز را
تمام کن مثل نماز امام جعفر علیه السلام **نماز وسوسه حدیث نفس** منقولست از امام جعفر ع
فرمود که هیچ مومنی نباشد که بر وی چهل صباح بگذرد الا آنکه با نفس خود سخن گوید
باید که دو رکعت نماز بگذارد و بخدای تعالی پناه برد که وارد است که آدم علیه السلام
شکایت کرد بخدای تعالی از حدیث نفس جبرئیل ع نازل شد گفت بگو لا حول
و لا قوة الا بالله **منقولست** که امام محمد باقر ع فرمود که مردی آمد به پیش پیغمبر ع
شکایت کرد از حدیث و وسوسه نفس و از دین و عیال پس آنحضرت فرمود
بگو که توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ
ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی
من الذل و کبره تکبیرا پس آن مرد چند بار تکرار کرد و در زمان کرد
پس بخدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله آمد و گفت یا رسول الله حق تعالی
وسوسه از من ببرد و دین من ادا شد و غنی شدم **نماز جهت استغفار**
از حضرت رسول صلعم منقولست که هر وقت که تنگی و بی برگی در یابید ترک
نکنید نماز استغفار را و آن دو رکعتست در هر رکعتی فاتحة الکتاب و انا انزلنا
یکبار بخوانید و بعد از قرائت پانزده بار بگویید استغفروا الله پس رکوع کنید

و ده بار استغفروا الله در هیات نماز امام جعفر علیه السلام که کارها بصلاح
می آید بقدرت الله تعالی **نماز طلب روزی** امام جعفر ع فرمود که دو رکعت نماز بگذارد
و سلام بده و سجده کن و حمد و ثنای خدای تعالی بگو و صلوات بر محمد و آل او فرست
و صد بار بگو یا محمد یا جبرئیل اکفیانی مما انا فیه فانکما کافیان
احفظانی باذن الله و کفا بکما حافظان **روایت** که هر که بر قدح
آبی سی و پنج نوبت انا انزلنا بخواند و بر جامه افشاند تا آنکه آن جامه کهنه شود
تن درست باشد **نماز جهت توانگری** امام رضا علیه السلام فرمود که هر که دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعتی الحمد یکبار و انا انزلنا سیزده بار چون فارغ شود سجده کند و در
سجده بگوید اللهم فارج الهم و کاشف الضر و مجیب دعوة المضطرین
یا رحمن الدنیا و رحیم الآخرة صلی الله علی محمد و آل محمد و ارحمنی
رحمة تطفئ بها عنی غضبک و تغنینی بها عن رحمة من سواک
پس کونه راست خود را بر زمین نه و بگو یا مذل کل جبار
و معز کل ذلیل قد رحقک بلغ المجهود منی فی امر کذا
ففرج عنی پس کونه چپ خود را بر زمین نه و مثل آن بگو پس عود کن بسجده
و مثل آن بگو که حق سبحانه و تعالی اندوه ترا می برد و حاجت ترا روا میکرداند
نماز خلاصی از مشقت امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت
اول الحمد یکبار و قل هو الله احد هزار بار و در رکعت دویم الحمد یکبار و قل هو الله

یکبار بخوان پس تشهد بگو و سلام بده و دعای فرج بخوان که اللهم یا من لا تراه العیون
ولا یخالطه الظنون یا من لا یصفه الواصفون یا من لا
یغیره الدهور یا من لا یخشی الدوائر یا من لا یذوق الموت
یا ولا یخشی الفوات یا من لا یضره الذنوب ینقصه المغفرة
یا من لا یعلم مثاقیل الجبال وکیل البحور وعدد الاقطار
وورق الاشجار ودبیب الذر ولا یواری منه سماء سماء
ولا ارض ارضا ولا بحر ما فی قعره ولا جبل ما فی وعره
یعلم خائنة الاعین ولا یخفی الصدور ولا اظلم علیه اللیل
اشرق عنده النهار باسمک المخزون المکنون الذی فی
علم غیب عندک منه اسمک فانک انت الله لا اله الا انت
وحدک وحدک لا شریک لک الذی ادعیت به اجبت
اذا سالت به اعطیت واسالک بحق الانبیاء المرسلین
وبحق ملائکته المقربین وبحق جبرئیل ومیکائیل واسرافیل
وبحق محمد وعترته صلواتک علیهم ان تصلی علی محمد
وال محمد وان تجعل خیر عمری اخره وخیر اعمالی خواتیمها
واسالک مغفرتک ورضوانک یا ارحم الراحمین **دفع غم و الم**
دو رکعت نماز بگذارد و مصحف را بالا بردارد و بگو اللهم انی اتوجه

الیک

الیک بما فیه وفیه اسمک الاکبر واسمائک الحسنی وما به
یخاف ویرتجی اسالک ان تصلی علی محمد وال محمد وتقضی
حاجتی و تمام آن حاجت بر آید **نماز فریادرسی** بتول عذرا علیها السلام فرمود
که دو رکعت بگذارد پس سجده کند وصد بار بگوید یا فاطمه وگونه راست
بر زمین نهد و مثل این بگوید وگونه چپ را نیز همچنین و سجده وصد بار
بگوید یا آمنا من کل شیء وکل شیء خائف حذر اسالک
بامنک من کل شیء وخوف کل شیء منک ان تصلی علی محمد
وال محمد وان تعطینی امانا لنفسی واهلی ومالی وولدی
حتی لا اخاف احدا ولا احذر من شیء ابدا انک علی کل
شیء قدیر **نماز استغاثه** در شب وقتی که قصد خواب کنی بنه بر بالین خود
ظرفی که پر از آب پاک و سر آن را بخرقه پاک بپوش چون بیدار شوی
بجهت نماز آخر شب از آن جرعه بنوش و باقی آن وضو بساز و توجه
بجانب قبله کن و بانگ و قامت نماز بگو و دو رکعت نماز بگذار و آنچه
میسر شود از قرآن بخوان و چون فارغ شوی از قراءت در رکوع بیست
و پنج بار یا غیاث المستغیثین و سر از رکوع بردار و مثل آن بگو
و در سجده همین بگو و در جلوس میان هر دو سجده و در سجده دویم و در
نشستن سجده دویم و نشستن بعد از سجده دویم بهمین دستور چنانکه

سیصد نوبت بتفاصیل شود و سلام بده و سر سوی آسمان کن و بگو من العبد
الذلیل الی المولی الجلیل و حاجت خود بخواه که بسرعت تمام باجابت
مقرون گردد **نماز دفع فقر** دو رکعت نماز بگذار و بعد از نماز سجده کن
و بگوید که یا واحد یا احد یا کریم اتوجه الیک بنبیک
نبی الرحمة یا رسول الله انی اتوجه بك الی الله ربی و ربك
و رب کل شیء اسالك یا الله ان تصلی علی محمد و آل محمد
و اسالك نفحة من نفحاتك فتحا و یسرا و رزقا واسعا
الم به شعثی به علی عیالی **دفع غم** منقولست از ابی عبد الله علیه السلام
که هر کرا غمی پیش آید باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و تکیه کند جانب
گونه راست را بر دست راست نهد و بگوید یا معز کل ذلیل
یا مذل کل عزیز و حقك لقد شق علی کذا کذا مقصود
خود را نام برد **دفع ظالم** منقولست از امام الصادق ع که وضوی تمام
بسازد هر وقت که خواهد دو رکعت نماز بگذارد و رکوع و سجود را تمام کند
چون فارغ شود هر دو گونه خود را بر زمین نهد و چندان بگوید یا رباه
که نفس منقطع شود بعد از ان بگوید یا من اهلك عادا الاولی
و ثمود فما ابقی و قوم نوح من قبل انهم کانوا هم
اظلم و اطغی و المؤتفکة اهوی فغشیها ما غشی ه

ان کان

ان کان فلان ابن فلان ظالما فیما ارتکبنی به فاجعل علیه منك
وعدا و لا تجعل فی حلمك نصیبا یا اقرب الاقربین **دفع ظلم**
باید که غسل کند و دو رکعت نماز بگذارد و رو بسوی آسمان کند
و دستها بگستراند و بگوید اللهم رب محمد و اهلك عدو
هم
اللهم ان فلان ابن فلان قد ظلمنی و لا احد من اصول به
غیرك فاستوف منه ظلامتی الساعة الساعة بحق من جعلت
له علیك حقا و بحقك علیهم الا فعلت ذلك یا محکم
الاحکام و الاخذ یا مرهوب البطش یا مالك الفضل
نماز جهت انتقام از ظالم منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که هر گاه از کسی بتو
ظلمی رسد او را دعای بد مکن زیرا که چون مرد مظلوم که دعای بد میکند ظالم
میشود لیکن چون مظلوم گشتی غسل کن و دو رکعت نماز بگذار در موضعی که
آسمان را ببینی بعد از ان بگو اللهم ان فلان ابن فلان ظلمنی و لیس لی
احد اصول به غیرك فاستوف لی ظلامتی الساعة الساعة
بالاسم الذی سالك به المضطر فکشفت ما به من ضر
و مکنت له فی الارض فاسئلك ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تستوفی فی ظلامتی الساعة الساعة پس چندین
درنگ کن که مقصود تو حاصل شود **ایضا در دفع ظلم**

منقولست از یونس بن عمار که شکایت کردم پیش ابی عبدالله علیه السلام از مردی که
بمن ایزا میرساند فرمود که دعای بد میکنی او را گفتم بلی فرمود که چنین نیست که
تو میکنی گفتم پس چه گونه است فرمود که گناهان را از خود بیرون کن و روزه بدار
و صدقه بده چون آخر شب شود وضوی تمام بساز و دو رکعت نماز بگذار
و در حال سجده بگو اَللّٰهُمَّ اَسْقِمْ بَدَنَهُ وَاَقْطَعْ اَثَرَهُ وَاَنْقِصْ
اَجَلَهُ وَعَجِّلْ لَهُ فِي ذٰلِكَ فِي عَامِهِ هٰذَا گفت چنین کردم در زمانی نشد
که هلاک شد **نماز جهت تنگی معاش** ابی عبدالله ع فرمود که چون بر تو کاری
دشوار شود نزد زوال دو رکعت نماز بگذار در رکعت اول فاتحة الکتاب
و قل هو الله احد و انا فتحنا تا آنجا که نصرا عزیزا و در رکعت دوم بعد از الحمد و قل هو الله احد
الم نشرح لک بخوان که آن مجربست **نماز وصول مهمات** از حسین بن علی علیهما السلام
منقولست که چهار رکعت نماز بگذار بر وجهی که قنوت و ارکان او را نیکو بجای آر
و در رکعت اول الحمد یکبار و حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ هفت بار و در رکعت
دویم الحمد یکبار مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ اِنْ تَرَنِ اَنَا اَقَلَّ مِنْكَ
مَالًا وَوَلَدًا هفت بار و در رکعت سیم الحمد یکبار لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
سُبْحَانَكَ اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ هفت بار و در رکعت چهارم
الحمد یکبار وَاُفَوِّضُ اَمْرِي اِلَى اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ هفت بار
پس حاجت بخواه که روا است **نماز دفع مصیبت** چهار رکعت نماز بگذارد

و در رکعتی

در هر رکعتی فاتحه یکبار و قل هو الله احد هفت بار و آیة الکرسی یکبار چون سلام دهد بگوید
صَلَّى اللّٰهُ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ الْاَمْجَادِ بعد از آن تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر بگوید
پس حق سبحانه تعالی آنچه وعده فرموده عطا فرماید **نماز فراخی روزی** نقل فرموده حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله که دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول الحمد یکبار و انا اعطینا
سه بار و قل هو الله احد سه بار و در رکعت دویم الحمد یکبار و قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس سه بار بخواند **نماز دفع فقر** روایت کند عمر بن عبدالعزیز که در
خدمت ابی عبدالله علیه السلام بودم یکی از اصحاب او آمد و گفت یا حضرت فقیرم فرمود
که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدار چون چاشت جمعه شود زیارت کن رسول الله صلی الله
و در جای بلندی یا در صحرایی که کسی ترا نبیند پس در آنجا نماز بگذار پس بزانو در آی
و بزانو روان شو در حالتی که روی بقبله باشی و دست راست تو بر بالای دست
راست تو باشد بگو که اَللّٰهُمَّ اَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ
وَخَابَتِ الْآمَالُ اِلَّا فِيكَ مَا تَقْصِدُ مَنْ لَا تَقْصِدُ لِغَيْرِكَ
اِجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ
پس سجده کن بر زمین و بگو يَا مُغِيثُ اِجْعَلْ لِي رِزْقًا مِنْ فَضْلِكَ
پس هرگز روز شنبه بر تو طلوع نکند مگر برزق جدید **روایتست** که چون پیغمبر را
تنگی پیش آمدی با اهل خود ندا کردی که یا اهل الله صلوا صلوا یعنی نماز بگذارید
نماز برای فرزند چهار رکعتست در رکعت اول الحمد یکبار و ده بار رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا

مسلمين لك ومن ذريتنا امة مسلمة لك وارنا مناسكنا
وتب علينا انك انت التواب الرحيم ۝ و در رکعت دوم الحمد یکبار
و ده بار رب اجعلني مقيم الصلوة ومن ذريتي ربنا وتقبل
دعاء ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب
و در رکعت سیم الحمد یکبار و ده بار ربنا هب لنا من ازواجنا وذرياتنا
قرة اعين واجعلنا للمتقين اماما ۝ و در رکعت چهارم الحمد یکبار
و ده بار رب اوزعني ان اشکر نعمتك التي انعمت علي وعلى
والدي وان اعمل صالحا ترضيه واصلح لي في ذريتي
اني تبت اليك واني من المسلمين وچون سلام بدهد ده بار
بگوید ربنا هب لنا تا آخر **نماز جهت پدر و مادر** دو رکعت در رکعت اول
الحمد یکبار و ده نوبت رب اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم
يقوم الحساب و در رکعت دوم فاتحه یکبار و ده بار رب اغفر لي
ولوالدي ولمن دخل بيتي مؤمنا وللمؤمنين والمؤمنات
و بعد از سلام ده بار بگوید رب ارحمهما کما ربياني صغيرا
نماز توانگری دو رکعت در هر رکعتی فاتحه یکبار و ده بار قل اللهم مالك
الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء وتعز
من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيء قدير ۝

[illegible] سلام

وچون سلام دهد ده بار بگوید رب اغفر لي وانت ارحم الراحمين
و ده بار بگوید اللهم صل على محمد وآل محمد و سجده کن و بگو رب
اغفر لي وهب لي ملكا لا ينبغي لاحد من بعدي انك
انت الوهاب **نماز جهت ادای قرض** چهار رکعت در رکعت اول فاتحه یکبار
و معوذتين ده بار و قل هو الله احد ده بار و در رکعت دوم فاتحه یکبار
و آية الكرسي ده بار و قل يا ايها الكافرون ده بار و آمن الرسول تا آخر
ده بار و سلام بدهد و در رکعت اول ده بار بگوید سبحان الله الاله
الابد سبحان الله الواحد الاحد سبحان الله الفرد الصمد
سبحان الله رفع السموات بغير عمد ترونها المنفرد بلا صاحبة
ولا ولدا و در رکعت سیم فاتحه یکبار و الهيكم سه بار و چون
فارغ شود در سجده هفت بار بگوید اللهم اني اسألك التيسير
كل عسير فان تيسير العسير عليك يسير و بعد از آن سر بالا
کند و ده بار بگوید فلله الحمد رب السموات ورب الارض
رب العالمين وله ما في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
نماز دفع گرسنگی منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که هر که گرسنه شود
دو رکعت نماز بگذارد بگوید رب اطعمني فاني جائع حق تعالی اورا
در ساعت طعام دهد **دیگر** فرمود که کسی که دعا کند برای برادر خود

عایبا نه میکشاید روزی او و دفع میکند از و بلا **روایت** که فاطمه علیها السلام
بخدمت پدر بزرگوار خود آمد و از گرسنگی شکایت کرد فرمود که بگو
یا مشبع الجوعة یا رافع الوضعة لا تجمع فاطمة بنت محمد
و او را فرمود که دعا کن براین دعا **نماز حاجت** منقولست که ابی عبد الله
فرمود که چون ثلثی از شب بگذرد برخیزد و دو رکعت نماز بگذارد در رکعت
اول فاتحة الکتاب یکبار و سوره ملک بخواند و در رکعت دویم بعد از الحمد الم سجده
و اید علیه بخواند یا رب قد نامت العیون و غارت النجوم و انت الحی
القیوم لا تاخذک سنة و لا نوم لن یواری عنک لیل داج
و لا سماء ذات ابراج و لا ارض ذات مهاد و لا بحر لجی و لا
ظلمات بعضها فوق بعض یا صریخ الابرار یا غیاث المستغیثین
برحمتک استغیث فصل علی محمد و آل محمد و اقض لی حاجة کذا
و کذا و لا تردنی خایبا و لا محروما یا ارحم الراحمین بدرستی که این نماز
در برآمدن حاجات بمجو گرفتن دستست **نماز دفع مشقت** امام موسی علیه السلام
فرمود که دو رکعت نماز بگذار بهر وجه که خواهی و چون فارغ شوی روی
خود را بر زمین نه و سه بار بگو یا قوة کل ضعیف یا مذل
کل جبار قد وحقک بلغ خوفک مجهودی ففرج عنی
پس بنه گونه راست خود را بر زمین و سه بار بگو یا مذل کل جبار

وامذل

و یا مذل کل عزیز یا معز کل ذلیل قد وحقک اعیی صبری
ففرج عنی پس گونه چپ بر زمین نه و سه بار مثل این بگوی بعد از آن
بجای آن بنه و بگو اشهد ان کل معبود من دون عرشک
الی قرار ارضک باطل الا وجهک کربتی ففرج عنی بعد از آن
بنشین در حالی که مترسل باشی بگو اللهم انت الحی القیوم
العلی العظیم الخالق الباری المحیی الممیت المبدی البدیع
لک الکرم و لک الحمد و لک المن و لک الجود وحدک لا
شریک یا واحد یا احد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن
له کفوا احد پس سه بار بگو که کذلک الله ربی صل علی
محمد و آل محمد الصادقین و افعل لی کذا و کذا **نماز مظلوم**
بگذار و بخوان از قرآن آنچه میخواهی و صلوات بر محمد و آل او ب
فرستی آنمقدار که توانی بعد از آن میگویی اللهم ان لک یوما تنتقم
فیه للمظلوم من الظالم لکن هلعی و جزعی لا یبلغان الصبر
علی اناتک و حلمک و قد علمت ان فلانا ظلمنی و اعتدی علی
علی ضعفی فاسئلک یا رب العزة و یا قاصم الجبابرة و ناصر
المظلومین ان تریه قدرتک اقسمت علیک یا رب العزة
الساعة الساعة **نماز دیگر** محمد بن حسن صفار گوید که گفتم امام جعفر علیه السلام

کسی فلان کس ظالم منست فرمود که وضوی تمام بساز و دو رکعت نماز
بگذار و حق تعالی را ستایش کن و صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله
بفرست و بگو اللهم ان فلانا ظلمنی و بغی علی فابله بفقر
لا یجبره و بسوء لا یستره گفت چنان کردم او ببلای درویشی
رسید و در خبر دیگر آمده که هیچ مومنی که مظلوم شده باشد وضو بسازد
و دو رکعت نماز بگذارد و بگوید اللهم انی مظلوم فانتصر مگر آنکه
خدای تعالی او را بتعجیل نصرت دهد **نماز برای مهمات** چون امام زین العابدین را
امری پیش آمدی پاکترین جامه بپوشیدی و اسباغ وضو کردی و بر بلند
ترین پایه رفتی و چهار رکعت نماز بگذاردی در رکعت اول الحمد
و اذا زلزلت بخواندی و در رکعت دویم الحمد و اذا جاء نصر الله و در سیم
الحمد و قل یا ایها الکافرون و در چهارم الحمد و قل هو الله احد
بعد از آن دستها بسوی آسمان برداشتی و گفتی اللهم انی اسألک
باسمک التی اذا دعیت بها علی مضایق الارضین للفرج
انفرجت و اذا دعیت بها علی القبور للنشور انتشرت صل
علی محمد و آل محمد و اقبلنی بقضاء حاجتی آنحضرت فرمود که
هر که این نماز بگذارد و اینها بعمل آورد هنوز قدم بر نداشته
باشد که حاجت او روا شود **نماز دیگر** روایتست از امام جعفر علیه السلام

کردو رکعت

که دو رکعت نماز میگذاری بهر کیفیت که خواهی بعد از آن بگو اللهم
اثبت رجاءک فی قلبی و اقطع رجائی من سوال غیرک حتی لا ارجو الا ایاک
و لا اثق الا بک **نماز طلب فرزند** امیر المومنین علی علیه السلام فرمود که چون فرزند خواهی وضوی
تمام بساز و دو رکعت نماز بگذار بر وجه حسن و بعد از نماز سجده کن و در سجده دعا
بگو اللهم ان ترزقنی ولدا الا سمیته باسم نبیک محمد صلی الله علیه و آله
بتحقیق که خدای تعالی ترا فرزند دهد بدین فرموده که امر کردم بطهارت زیرا که خدای تعالی
فرموده یحب المتطهرین یعنی خدای تعالی دوست میدارد طهارت کنندگان را
و امر کردم بنماز زیرا که شنیدم از رسول صلی الله علیه و آله که میفرمود اقرب
ما یکون العبد من ربه اذا اتاه ساجدا و راکعا یعنی نزدیکتر
بنده بخدای تعالی وقتیست که او را ساجد و راکع بیند و امر کردم ترا باستغفار
زیرا که حق جل علا فرموده استغفروا ربکم انه کان غفارا و
یرسل علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین یعنی آمرزش
خواهید از خدای تعالی که او بغایت آمرزنده است و میفرستد بر شما ابر و باران
بسیار و زینت دنیا از مال و فرزند و جای دیگر فرموده به پیغمبر صلی الله علیه و آله
ان تستغفر لهم سبعین مرة فلن یغفر الله لهم پس امر کردم ترا
بر آنکه زیاده کنی رغبت باری **نماز ترس ظالم** منقولست از امام موسی علیه السلام
که غسل کن و دو رکعت نماز بگذار و کشف زانوی خود کن و صد بار بگو یا حی یا قیوم

یا لا اله الا انت برحمتك استغیث فصل علی محمد و آل محمد
واغثنی الساعة چون ازین فارغ شوی بگو اسألك ان تصلی
علی محمد و آل محمد ان تلطف لی و ان تغلب لی و ان تمکر لی
و ان تخدع لی و ان تکید لی و ان تکفینی مؤنة فلان
بن فلان پس بدرستی که این دعای حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود در روز احد

نماز برآمدن مهمات منقولست از ابی عبدالله حسین بن محمد البرزوقی که هر کرا حاجتی
بخدا باشد در نصف شب جمعه غسل کند و دو رکعت نماز بر مصلّی خود بگذارد
در رکعت اول چون ایاک نعبد و ایاک نستعین رسد صد بار تکرار کند و در نوبت
دویم صد فاتحه تکرار کند و قل هو الله احد یکنوبت بخواند پس رکوع و سجود بجای آورد
و در آنها صد تسبیح کند و رکعت دویم بهمین قانون و دعا کند البته روا شود
هرچه باشد مگر آنکه در قطع رحم دعا کند اینست اللهم ان اطعتك فالمحمدة
وان عصیتك فالحجة لك منك الروح ومنك الفرج سبحان
ما انعم وشکر سبحان من قدر وغفر الهی ان کنت
قد عصیتك فانی قد اطعتك فی احب الاشیاء الیك
وهو الایمان بك لم اتخذ لك ولدا ولم ادع لك شریکا
منا منك به علی لا منا منی به علیك وقد عصیتك یا الهی
علی غیر الوجه المکابرة ولا الخروج عن عبودیتك ولا الجحود

لربوبیتك

لربوبیتك ولکن اطعت هوای وازلنی الشیطان فلك الحجة علی
البیان فان تعذبنی فبذنوبی غیر ظالم وان تغفر لی وترحمنی فانك
جواد کریم یا کریم بگوید تا منقطع شود نفس او پس بگوید
یا امنا من کل شیء وخوف کل شیء منك ان تصلی علی
محمد وآل محمد وان تعطینی امانا لنفسی واهلی وولدی وسایر
ما انعمت علی حتی لا اخاف احدا ولا احذر من شیء ابدا
انك علی کل شیء قدیر حسبنا الله ونعم الوکیل یا کافی ابراهیم
نمرود یا کافی موسی فرعون اسألك ان تصلی علی محمد وآل
محمد وان تکفینی شر فلان بن فلان وطلب کفایت شر کسی کند
که ازو ترسد که کفایت شود انشاء الله تعالی پس سجده کند و حاجت خود را
بخواهد و تضرع و زاری بدرگاه حق جل علا نماید چه مرویست که هیچ مؤمن
و مؤمنه نیست که این نماز بگذارد و بدین دعا دعا کند با خلوص نیت
مگر آنکه درهای آسمان برای حاجت او گشاده شوند در همان وقت یا در
آن مستجاب شود هرچه باشد و ذلك فضل الله علی الناس

نماز قوت حافظه سدید روایت کند باید که بزعفران بنویسد الحمد و آیة الکرسی
وانا انزلنا و یس و واقعه و سبح لله حشر و معوذتین در ظرف پاک
بعد ازان به آب زمزم یا به آب باران پاک بشوید و در و اندازد دو مثقال

کند رو دو مثقال شکر و ده مثقال عسل و شب جایی بگذارد که آسمان بر سر او
باشد و آهن پاره بر سر آن نهد پس آخر شب دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعتی الحمد یکبار و قل هو الله سی چهار بار چون فارغ شود از نماز آن آب
موصوف را بخورد که مجربست از برای حافظه نماز جهت حفظ قرآن شب جمعه یا
روز جمعه چهار رکعت نماز بگذارد در رکعت اول فاتحه و یس بخواند و در رکعت
دویم بعد از فاتحه حم دخان و در رکعت سیم بعد از فاتحه حم سجده و در چهارم
بعد از فاتحه تبارک الذی بیده الملک و بعد از سلام حمد و ثنای الهی بتقدیم
رساند و صلوات بر محمد رسول الله و آل او صلوات الله علیه و علیهم اجمعین بفرستد
و صد بار برای مؤمنان استغفار کند و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنِی
بِتَرْکِ مَعَاصِیکَ اَبَداً مَا اَبْقَیْتَنِی وَارْحَمْنِی مِنْ اَنْ اَتَکَلَّفَ
طَلَبَ مَا لَا یَعْنِینِی وَارْزُقْنِی حُسْنَ النَّظَرِ فِیمَا یُرْضِیکَ
عَنِّی اَللّٰهُمَّ بَدِیعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
وَالْعِزَّةِ الَّتِی لَا تُرَامُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ اَسْاَلُکَ بِجَلَالِکَ
وَبِنُورِ وَجْهِکَ اَنْ تُلْزِمَ قَلْبِی حِفْظَ کِتَابِکَ الْقُرْآنِ الْمُنَزَّلِ
عَلٰی رَسُولِکَ وَتَرْزُقَنِی اَنْ اَتْلُوَهُ عَلَی النَّحْوِ الَّذِی یُرْضِیکَ
عَنِّی اَللّٰهُمَّ بَدِیعَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ
وَالْعِزَّةِ الَّذِی لَا تُرَامُ یَا اَللّٰهُ یَا رَحْمٰنُ اَسْاَلُکَ بِجَلَالِکَ وَبِنُورِ

وجهک

وَجْهِکَ اَنْ تُنَوِّرَ بِکِتَابِکَ بَصَرِی وَتُطْلِقَ بِهِ لِسَانِی وَتُفَرِّجَ
بِهِ قَلْبِی وَتَشْرَحَ بِهِ صَدْرِی وَتَسْتَعْمِلَ بِهِ بَدَنِی وَتُقَوِّیَنِی عَلٰی ذٰلِکَ
وَتُعِینَنِی عَلَیْهِ فَاِنَّهُ لَا یُعِینُ عَلَی الْخَیْرِ غَیْرُکَ وَلَا یُوَفِّقُ لَهُ اِلَّا اَنْتَ
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ نماز بازیافتن گم شده و جور سلطان
روایت کرده جابر انصاری که پیغمبر صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام و فاطمه زهرا
علیهم السلام این دعا فرمودند که اگر از شما چیزی گم شود یا مصیبتی بشما رسد یا پادشاهی
بشما جور نماید باید که وضوی تمام بسازید و دو رکعت نماز بگذارید و دستها بسوی
آسمان بردارید و این دعا بخوانید یَا عَالِمَ الْغَیْبِ وَالسَّرَائِرِ یَا مُطَاعُ یَا عَلِیمُ
یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا هَازِمَ الْاَحْزَابِ بِمُحَمَّدٍ یَا کَائِدَ فِرْعَوْنَ
لِمُوسٰی یَا مُنْجِیَ عِیسٰی مِنْ اَیْدِی الظَّلَمَةِ یَا مُخَلِّصَ نُوحٍ مِنَ الْغَرَقِ
یَا رَاحِمَ عَبْرَةِ یَعْقُوبَ یَا کَاشِفَ ضُرِّ اَیُّوبَ یَا مُنْجِیَ ذَا النُّونِ
مِنَ الظُّلُمَاتِ یَا فَاعِلَ کُلِّ خَیْرٍ یَا هَادِیاً اِلٰی کُلِّ خَیْرٍ یَا دَالّاً
کُلِّ خَیْرٍ یَا خَالِقَ الْخَیْرِ وَیَا اَهْلَ الْخَیْرِ اَنْتَ الَّذِی قَدْ
رَغِبْتُ اِلَیْکَ فِیمَا قَدْ عَلِمْتَ وَاَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ وَاَسْاَلُکَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ پس بخواهید حاجت خود را تا اجابت
شود ان شاء الله تعالی دیدن ماه نو بنویس بر دست چپ و انگشت
سبابه دست راست محمد و علی و حسن و الحسین تا آخر ائمه معصومین علیهم السلام

وبنویس قل هو الله احد تا آخر و بعد از ان بگوی اللهم الناس اذا
نظر و نظر بعدهم اذا وجوه بعض و یتبرك بعضهم ببعض
وانی فطرت الی اسمائك واسم نبیك واولیائك علیهم
السلام والی لبابك فاعطنی كل الذی احب من الخیر ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم وبنویس بر قلم تازه و درمیان سطور کتاب
یا رقعه که مشتمل باشد بر حاجت چنانکه هیچ سطری دران از این حروف
خالی نباشد محمد و علی و ابو تراب بسم الله الرحمن الرحیم الملك
الحق المبین ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون
والرزق من حیث لا یحتسبون ان الله هو السمیع العلیم
جعل الله وایاکم من الذین لا خوف علیکم ولا هم
یحزنون اللهم انی اسالك بحق محمد وعلی وفاطمة
والحسن والحسین تا آخر والحجة القائم المنتظر صلوات الله
علیه وسلم تسلیما ان تصلی علی محمد وآل محمد ان تیسر
امری وتسهله وتقلبه وترزقنی خیره وتصرف عن
شره برحمتك یا ارحم الراحمین منقولست از امیر المؤمنین علیه السلام
که گفت مرا امر کرد حبیب من رسول الله صلی الله علیه وآله که نزد ختم قرآن
این دعا کنم اللهم انی اجاب المحجین وموافقة الابرار

واستحقاق حقایق الایمان والغنیمة من كل بر والسلامة من
كل اثم و وجوب رحمتك وعزائم مغفرتك والفوز بالجنة
والنجاة من النار **فصل نهم در دعاهایی که برای برآمدن حاجات بجای آورند**
دعا نزد مصحف برگرفتن روایتست از ابی عبد الله علیه السلام که چون
قصد قرآن خواندن کردی پیش از انکه مصحف بردارد این دعا میخواند
اللهم انی اشهد ان هذا کتابك المنزل من عندك
علی رسولك محمد صلی الله علیه وآله بن عبد الله کلامك الناطق
علی لسان نبیك جعلته هادیا منك الی خلقك حبلا فیما
بینك وبین عبادك اللهم انی نشرت عهدك وکتابك
اللهم فاجعل نظری فیه عبادة وقراءتی فکرا وفکری
اعتبارا واجعلنی ببیان مواعظك واجتنب معاصیك
ولا تطبع عند قراءتی قلبی علی سمعی ولا تجعل علی بصری
غشاوة ولا تجعل قراءتی قراءة من لا تدبر فیها بل
اجعلنی تدبر آیاته واحکامه آخذا بشرایع دینك
ولا تجعل نظری فیه غفلة ولا قراءتی هذرا انك انت
التواب الرحیم **دعای بعد از تلاوت قرآن** اللهم انی قد
قرات ما قضیت من کتابك الذی انزلت علی نبیك

الصادق صلى الله عليه وآله فلك الحمد ربنا اللهم اجعلني ممن يحلّ
حلاله ويحرّم حرامه ويؤمن بمحكمه ومتشابهه واجعله انيسا
في قبري ورفيقا في حشري واجعلني ممن ترقاه بكل اية
فراعاد درجة في اعلى عليين امين يا رب العالمين دعای سجده
تلاوت قرآن در چهار سوره سجده واجبست بگوید سجده تلاوت قرآن کریم
واجب تقرب بخدا و در سجده بگوید لا اله الا الله حقا حقا لا اله
الا الله ایمانا وصدقا لا اله الا الله تعبدا ورقا سجدت
لك يا رب تعبدا ورقا لا مستكبرا ولا مستنكفا بل انا
عبد ذليل ضعيف خائف مستجير الهي العفو العفو
امام جعفر علیه السلام فرموده که هر که آیتی از قرآن بخواند بعد از آن هفت بار بگوید
یا الله اکبرا از هر سنگهای بزرگ خواند از زمین بر کند دعای مشتمل بر اسم اعظم
منقولست از معاذ بن جبل که روزی رسول الله صلعم امر فرمود طلب عبد الله سلام
و فرستاد نزد آنحضرت حاضر شد جمعی از صحابه حاضر بودند فرمود ای عبد الله
خبر ده مرا از دو کلمه که خدای تعالی تعلیم ابراهیم علیه السلام نمود در آن روز که او را
در آتش می انداختند تو در توریة این یافته عبد الله گفت فدای تو گردم
آیا بر تو در باب این کلمات چیزی نازل شده که من در توریة ثواب ازان
یافته ام و آن کلمات را نیافته ام و در آن اسم اعظمست بعد از آن آنحضرت فرمود

که آیا

که آیا آن کلمات را خدای تعالی بموسی کلیم تعلیم فرموده است بعد از آن عبد الله گفت
بغیر از ابراهیم خلیل دیگری را تعلیم نکرده آنحضرت فرمود که ای عبد الله چه یافتی ثواب
این کلمات را در توریة عبد الله گفت یا رسول الله کرا یارا و توانایی آن باشد
که ثواب آن برسد لیکن در توریة نوشته یافتیم که هیچ بنده نیست که حق تعالی
بر وی منت نهاده باشد و این کلمات را در دل او نهاده مگر آنکه نور را
در دیده یقین او هویدا و در دل او جای کرده باشد و سینه او را بطریق ایمان
گشاده و از برای او نور از عرش تا فرش تابان گردانیده و مباهات کند به او
فرشتگان در هر روزی دو بار و حکمت را بر زبان او جاری گردانیده و حفظ
کلام روزی او گردانیده اگر چه بر آن حریص نباشد و او را در علم دین عالم
گرداند و محبت او را در دل بندگان خود جای دهد و ایمن گرداند او را از عذاب
قبر و فتنه دجال و بزرگترین فزعی در روز قیامت و او را در زمره شهدا
حشر کند و کرامت و عطا فرماید حق تعالی به او آنچه کرامت نموده به انبیاء
علیهم السلام و نترسد گاهی که مردم ترسند و محزون نشود گاهی که مردم
محزون شوند و از صدیقان او را نویسند و چون حشر کنند دل او مطمئن
شده باشد و از جمله کسانی شود که با ابراهیم خلیل علیه السلام حله پوشیده باشند
و هرچه به این دعوات از خدای تعالی خواهد او را عطا فرماید و هر سوگند که بخدا
خورده او را راست سازد و همسایه خدای تعالی باشد در خانه جلال و او را

اجر شهیدان باشد که از روز آفریدن دنیا شهید شده باشد آنحضرت فرمود
که یا ابن سلام خانهٔ جلال کدام است گفت جنات عدن که موضع رحمتست
گفت یا رسول الله ما را تعلیم کن و بر ما منت نه چنانچه خدای تعالی بر تو منت نهاده
آنحضرت فرمود که خدا را سجده کنید پس همه سجده کردند چون سر از سجده برداشتند
فرمود که بگوید یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ اَنْتَ المَرْهُوبُ مِنْكَ جَمیعُ
خَلْقِكَ یا نُورَ النُّورِ اَنْتَ الَّذی احْتَجَبْتَ دُونَ خَلْقِكَ فَلا
یُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ اَنْتَ الرَّفیعُ الَّذی ارْتَفَعْتَ
فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ فَوْقِ سَمائِكَ فَلا یَصِفُ عَظَمَتَكَ اَحَدٌ مِنْ
خَلْقِكَ یا نُورَ النُّورِ قَدِ اسْتَنارَ بِنُورِكَ اَهْلُ سَمائِكَ وَاسْتَضاءَ
بِضَوْئِكَ اَهْلُ اَرْضِكَ یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ الَّذی لا اِلهَ اِلّا غَیْرُكَ
تَعالَیْتَ عَنْ اَنْ یَكُونَ لَكَ شَریكٌ وَتَعَظَّمْتَ عَنْ اَنْ یَكُونَ لَكَ وَلَدٌ
وَتَكَرَّمْتَ عَنْ اَنْ یَكُونَ لَكَ شَبیهٌ وَتَجَبَّرْتَ عَنْ اَنْ یَكُونَ لَكَ
ضِدًّا فَاَنْتَ اللهُ المَحْمُودُ بِكُلِّ لِسانٍ وَاَنْتَ المَعْبُودُ
فی كُلِّ مَكانٍ وَاَنْتَ المَذْكُورُ فی كُلِّ اَوانٍ وَزَمانٍ
یا نُورَ النُّورِ كُلُّ نُورٍ خامِدٌ لِنُورِكَ یا مَلیكُ كُلُّ مَلیكٍ
یَفْنی غَیْرَكَ یا دائِمُ كُلُّ حَیٍّ یَمُوتُ غَیْرَكَ یا اللهُ یا اللهُ یا اللهُ
الرَّحْمنُ الرَّحیمُ اِرْحَمْنی رَحْمَةً تُطْفِئُ بِها غَضَبَكَ وَتَكُفُّ بِها

عذابك

عَذابَكَ وَتَكُفُّ بِها عَذابَكَ وَتَرْزُقُنی بِها سَعادَةً مِنْ عِنْدِكَ
وَتُحِلُّنی بِها دارَكَ الَّتی تَسْكُنُها خِیَرَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
روایت کرده عمر بن شعیب از پدر خود و او از حضرت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله
که جبرئیل بمن نازل شد بر و با این دعا در حالتی که مستبشر و شادان بود و گفت یا رسول الله
حق تعالی هدیه بتو فرستاده حضرت فرمود که آن هدیه کدامست گفت کلمهٔ چند از گنجهای
عرش گرامی و باید ترا او کلمات اینست یا مَنْ اَظْهَرَ الجَمیلَ وَسَتَرَ القَبیحَ
یا مَنْ لَمْ یُؤاخِذْ بِالجَریرَةِ وَلَمْ یَهْتِكِ السِّتْرَ یا عَظیمَ العَفْوِ
یا حَسَنَ التَّجاوُزِ یا واسِعَ المَغْفِرَةِ یا باسِطَ الیَدَیْنِ بِالرَّحْمَةِ
یا صاحِبَ كُلِّ نَجْوی وَمُنْتَهی كُلِّ شَكْوی یا كَریمَ الصَّفْحِ
یا عَظیمَ المَنِّ یا مُبْتَدِئاً بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقاقِها یا رَبَّنا وَیا سَیِّدَ نا
وَیا مَوْلانا وَیا غایَةَ رَغْبَتِنا یا اللهُ اَنْ لا تُشَوِّهَ خَلْقی بِالنّارِ
وَاَنْ تَغْفِرَ لی وَلِوالِدَیَّ بِرَحْمَتِكَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ وَاَنْ
تُعْطِیَنی حَیوةَ الدُّنْیا وَالآخِرَةِ اِنَّكَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ بعد از آن
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله گفت ای جبرئیل ثواب این کلمات چیست
فرمود هیهات منقطع شود عمل اگر اجتماع نمایند فرشتگان هفت آسمان
و زمین بر آنکه وصف کنند ثواب این کلمات را تا روز قیامت از هزار
جزو یک جزو را وصف نتوانند کرد و هر گاه گفت بنده که یا مَنْ اَظْهَرَ الجَمیلَ

وستر القبیح حق سبحانه وتعالی بپوشاند قبایح وکناهان اورا و رحمت کند برا و در
دنیا و آخرت و هرکاه کفت یا من لم یؤاخذ بالجریرة ولم یهتك
الستر حق تعالی حساب اورا نکند در روز قیامت و پردهٔ اورا اندرد روزی
که پردها دریده میشود و هرکاه کفت یا عظیم العفو می آمرزد حق سبحانه وتعالی
جمیع کناهان اورا اکرچه مثل کف دریا باشد یا حسن التجاوز حق سبحانه وتعالی
تجاوز میکند از زشتیهای او از دزدی و خمر خوردن و مال دنیا وغیر آن از کبایر
و هرکاه کفت یا واسع المغفرة حق جل وعلا بر روی او بکشاید هفتاد در از رحمت
پس او غرق رحمت الهی کردد تا از دنیا بیرون رود و هرکاه کفت یا باسط
الیدین بالرحمة حق تعالی بکستراند ید قدرت خود را برو برحمت و چون کفت
یا صاحب کل نجوی ومنتهی کل شکوی عطا میفرماید
حق جل وعلا اورا اجر و ثواب مصیبت زده هر سالم و هر بیمار و هر ضرر
یافته و هر مسکین و هر فقیر و هر صاحب مصیبت تا روز قیامت
و هرکاه کفت یا کریم الصفح حق تعالی اورا بکرامت خود
مخصوص کرداند چنانکه انبیاء کرام را مخصوص میکرداند
و چون کفت یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها عطا
می نماید حضرت عزت اورا اجر بعدد آنکه شکر نعمتهای
او بجای آورده و هرکاه کفت یا ربنا وسیدنا ومولینا

حق تعالی فرماید ای فرشتکان کواه باشید که من اورا امرزیدم
و دادم اجر بعدد آنچه آفریده ام از بهشت و دوزخ و هفت آسمان
و زمین و آفتاب و ماه و ستارکان و قطرهای باران و انواع خلق
و کوهها و سنکها و خاک وغیر آن و عرش و کرسی و افلاک و هرکاه کفت
یا مولینا پر کند حضرت منان دل اورا از ایمان و هرکاه کفت
یا غایة رغبتنا بدهد اورا خدای تعالی رغبت مثل رغبت همه خلایق
و هرکاه کفت اسألك یا الله ان لا تشوی خلقی بالنار حضرت عزت فرماید
که بندهٔ من خلاصی و آزادی میخواهد از آتش دوزخ کواه باشید ای فرشتکان
که من امرزیدم اورا و آزاد کردم از آتش دوزخ و پدر و مادر و همسایکان
اورا و پذیرفتم شفاعت اورا از هزار کس که آتش دوزخ بر ایشان واجب
کشته پس تعلیم ده ای محمد متقیان را و مؤمنان و همه مؤمنان مشفقان
که این دعا دعوة مستجابست مر دعا کنندکان را ان شاء الله تعالی این دعا
اهل بیت که خوانند دانا نکر بر کرد ایشان کردند طلب حاجت روایت
که چون بیرون آیید از خانه بکویید نزد بیرون آمدن بسم الله
وبالله ولا حول ولا قوة الا بالله توکلت علی الله والحمد لله
و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی بخوانید از پیش و پس
و از چپ و از راست و از بالا و زیر بدم چون بخانه باز آیید بکویید

بسم الله وبالله واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك
له واشهد ان محمدا عبده ورسوله پس سلام کند بر اهل خانه
اگر کسی در خانه باشد یا نه وبعد از شهادتین بگوید السلام علی
محمد بن عبد الله خاتم النبيين السلام على الائمة الهادين
المهديين السلام على عباد الله الصالحين چون بازار در آید بگوید
لا اله الا الله وحده لا شريك له العلي العظيم الحمد لله
الذي بنعمته تتم الصالحات يا هو يا من هو يا من ليس هو
الا هو يا من لا اله الا هو **طلب حاجات** مرویست از ابی عبد الله علیه السلام
که پدر بزرگوار من فرمود که هرگاه کسی را حاجتی باشد سجده کند بی قراءت
و بی رکوع و در سجود هفت بار بگوید یا ارحم الراحمین و نگوید هیچ مؤمنی
این کلمه را مگر اینکه حق تعالی فرماید که اینک ارحم الراحمین طلب کن حاجت خود را
روایتست از ابی عبد الله ع که هرگاه سختی یا المی یا دردی برسد باید که
زانوهای خود را و دستهای خود را برهنه کند و بچسباند بر زمین و سینه
خود بر زمین نهد بعد از آن دعا کند که مستجابست حضرت امیر المؤمنین علی
فرمود پسر خود را که هرگاه فرود آید بتو امری در دین یا در دنیا [illegible]
بازو دستهای خود را بدرگاه کردگار بردار و هفت بار بگو یا الله
که دعای تو مستجابست و دیگر فرمود که چون کسی را حاجتی باشد صبح پنجشنبه

در طلب

در طلب آن باشد چون از خانه بیرون آید آخر آل عمران و آیة الکرسی و انا انزلناه و الحمد
بخواند که حوایج دنیا و آخرت او روا شود **دفع غم و کربت** ابی الحسن علیه السلام فرمود
که هیچکس نیست که غمی و کربتی با او رسد پس رو بسوی آسمان کند و سه بار بگوید که
بسم الله الرحمن الرحيم مگر آنکه غم و کربت او زایل شود انشاء الله تعالی **جهت ادای قرض**
منقولست از حسین بن خالد که مرا در بغداد سیصد هزار درهم قرض بود و از مال
خود چهارصد هزار درهم نزد مردم داشتم و قرض خواهان امان نمیدادند که
طلب خود را گرفته با ایشان دهم و قادر نبودم که نزد ابو الحسن علیه السلام روم و حال
خود را عرض نمایم پس کتابتی به نزد آنحضرت بوصف حال خود نوشتم جواب نوشت
که در عقب هر نمازی این دعا بخوان اللهم انی اسألک بلا اله الا انت
بحق لا اله الا انت ان تدقرض عنی بلا اله الا انت
اللهم انی اسألک بلا اله الا انت بحق لا اله الا انت
ان تغفر لی بلا اله الا انت و سه نوبت دعا کن بعد هر نماز فریضه
که حاجت تو روا شود انشاء الله تعالی گوید بدین مداومت کردم بخدا که چهار ماه نشد
که دین من تمام ادا شد و صد درم دیگر فاضل آمد **دعای بر ظالم** منقولست
از رسول صلعم که چون از کسی ترسی و خواهی که دفع شر او کنی طلب هلال کن چون هلال را
دیدی پس راست بایست بر قدمهای خود و بر وجه خطاب با هلال بگو ایود احدکم
ان تکون له جنة من نخيل واعناب تجري من تحتها الانهار له فيها

[illegible]

وله

من کل الثمرات واصابه الکبر وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار
فاحترقت پس ایشان اشارت کن این کلمات بجانب خانه آنکس که از وی می‌ترسی و سه بار
بگوی فاحترقت اللهم اطمسه بالبلاء طمسا وغمه بالغماء غما وارمه بحجارة
من سجیل بطیر الابابیل یا علی یا عظیم پس در شب دویم و سیم ماه
مثل این بگو چون در ماه اول مراد حاصل نشود در ماه دویم و سیم مثل این عمل کن تا
که احتیاج بماه چهارم نشود باذن الله تعالی **ایضا** دیگر مرویست که مردی نزد امام
جعفر الصادق علیه السلام آمد و شکایت کرد از ظالمی که بر وظلم کرده بود فرمود که او را بگو
یا ناصر المظلوم المبغی علیه ان کان فلان بن فلان ظلمنی وبغی علی فابتله
بفقر لا یجبره وبلاء لا یستره هر کس نوبت بر ظالم خود این دعا خواند بر پیشانی
او علامت بلا ظاهر شود بعد از ان بفقر مبتلا گردد **چون نزد پادشاه باید نزدیک رود بگوید**
اللهم اطرقه بلیلة لا اخت لها واجرحه یا من یکفی من کل شیء ولا
یکفی منه شیء وصلی الله علی محمد وآل محمد واکفنی مؤنته بلا مؤنة **دفع ترس**
چون از کسی ترسی بگوی حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش
العظیم امتنع بحول الله وقوته من حولهم وقوتهم وامتنع برب الفلق
من شر ما خلق ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله **در طلب روزی**
از حضرت امام جعفر الصادق ع منقولست که کسی شکایت کرد نزد آنحضرت از فقر فرمود که بگو
اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاظهره

وان کان

وان کان قریبا فاعطنیه وان کان قد اعطیتنیه فبارک لی واجنبنی
علیه المعاصی والردی **ایضا دفع فقر** منقولست از امام رضا ع که کسی نزد آن حضرت
شکایت کرد از فقر فرمود که بانگ نماز بگوی چنانکه مؤذن گوید **دفع ترس** منقولست که
امام رضا فرمود که چون در سفر و صحرا باشی و از جن و آدمی ترسی دست را بر سر نه و به آواز بلند بخوان
افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها
والیه یرجعون **دفع بدلجامی چارپا** مرویست که چون چارپایی که بدلجام باشد
این آیه در گوش او بخوانند و بعد از ان بگویند اللهم سخرها وبارک فیها بحق محمد وآله
بعد از ان سوره انا انزلنا بخوانند حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که هرگز
چارپایی من سر بر نیامد پرسیدند که سبب چیست فرمود که زیرا که او را هرگز در زراعت
نرانده ام **دفع شیر** منقولست که چون کسی از شیر ترسد که با او و گوسفندان او مضرت
رساند پس دایره بر انجا بکشد و این دعا بخواند اللهم رب دانیال والجب ورب کل
اسد مستاسد احفظنی واحفظ علی غنمی **دفع سگ دوان** هر گاه کسی از
سگ دوان ترسد باید که بگوید قل للذین آمنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله
لیجزی قوما بما کانوا یکسبون ۝ واذا قرأت القرآن جعلنا بینک وبین
الذین لا یؤمنون بالآخرة حجابا مستورا ۝ وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان
یفقهوه وفی آذانهم وقرا وان یروا کل آیة لا یؤمنوا بها حتی اذا
جاؤک یجادلونک یقول الذین کفروا ان هذا الا اساطیر الاولین ۝

ایضا در دفع شیر منقولست که حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که یا علی هر گاه
شیری بینی و کار بر تو سخت شود سه نوبت الله اکبر بگو و بعد از آن بگو الله اکبر
و اجل و اعز و اعظم من کل شیء اکبر و اعز من خلقه و اقدر اعوذ
بالله من شر ما اخاف و احذر شر شیر کفایة منقولست که رسول صلعم فال خوب
دوست داشتی و فال بد را مکروه انگاشتی و امر فرمودی کسی اگر چیزی بیند و شوم دارد بگوید
اللهم لا یؤتی الخیر الا انت و لا یدفع السیئات الا انت و لا حول و لا قوة
الا بک دفع غضب منقولست که امام جعفر الصادق علیه السلام در وقتی که بر منصور
دوانقی رفت او را غضبناک دید این دعا خواند غضبش فرو نشست یا عدتی عند
شدتی و یا غوثی عند کربتی احرسنی بعینک التی لا تنام و اکنفنی برکنک
الذی لا یرام بحق محمد و آله اجمعین دفع ترس از دزد و ... بر عقل و بند بخواند
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی و لا
تجهر بصلاتک و لا تخافت بها و ابتغ بین ذلک سبیلا و قل الحمد لله الذی
لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی من الذل
و کبره تکبیرا ایضا دفع غضب منقولست از امام جعفر ع که چون کسی را غضب آید در ایستاده است
و بر عکس غضب او زایل و دیگر اگر کسی را غضب مستولی شود دست بر روی رحم او مالند غضب او
تسکین یابد و هم از آنحضرت منقولست که در وقت غضب این دعا بخواند اللهم اذهب
عنی غیظ قلبی و اغفر لی ذنبی و اجرنی من مضلات الفتن اسالک رضاک

و اعوذ بک من سخطک اسالک جنتک و اعوذ بک من نارک و اسالک
الخیر کله و اعوذ بک من الشر کله اللهم ثبتنی علی الهدی و الصواب
و اجعلنی راضیا مرضیا غیر ضال و لا مضل حدیث قدسی روایت
یا ابن آدم اذکرنی حین تغضب اذکرک حین اغضب فلا امحقک
فیمن امحق یعنی ای فرزند آدم یاد کن مرا چون ترا غضب آید تا ترا یاد کنم چون مرا غضب
آید پس محو کنم در میان کسانی که ایشان را از غضب محو میکنم دفع غضب ابو عبد الله
فرمود که هر که غضب خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را از و باز دارد و نیز در غضب
باید که صلوات بر محمد و آل او فرستد و بعد از صلوات بگوید و یذهب غیظ قلوبهم
اللهم اغفر لی ذنبی و اذهب غیظ قلبی و اجرنی من الشیطان الرجیم لا حول
و لا قوة العلی العظیم دفع وحشت مرویست که مردی از وحشت نزد حضرت
رسالت صلعم شکایت کرد فرمود بگو که سبحان ربی الملک القدوس رب الملائکة
و الروح خالق السموات و الارض ذی العزة و الجبروت چون او را بگوید وحشت
زایل گردانید دفع غم حضرت رسول الله صلعم فرمود که هر که این دعا بخواند از غم و اندوه ایمن
گردد اللهم انی عبدک و ابن عبدک و ابن امتک ناصیتی بیدک ماض
فی حکمک عدل فی غضبک اسالک بکل اسم لک هو سمیت به نفسک
و انزلته فی کتابک او علمته احدا من خلقک او استاثرت
به فی علم الغیب عندک ان تجعل القرآن ربیع قلبی و نور بصری و شفاء

قضائک

صَدْرِی وَجِلاءَ حُزْنِی وَذَهابَ غَمّی اَذْهَبَ اللّٰهُ هَمَّهُ وَاَبْدَلَهُ مَکانَ حُزْنِهِ
فَرَحاً **چون** به بیند اهل بلا را باید که در خفیه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی عافانی
مِمَّا ابْتَلاهُ بِهِ وَلَوْ شاءَ فَعَلَ فرمود که هر که این دعا بخواند هرگز این بلا
بوی نرسد حضرت رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که چون اهل بلا را به بیند
حمد و ثنای الهی بگویید و ایشان را مشنوانید که غمگین نگردند **در دیدن خوک**
امام زین العابدین علیه السلام وقتی که جنازه را دیدی گفتی اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی تَعَزَّزَ
بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ عِبادَهُ بِالْمَوْتِ **جهت تمام کار مشکل** مرویست که هر که را
مهمی پیش آید و خواهد که بداند که چاره آن چیست وقتی که بخوابگاه رفتی
سوره اللیل و سوره الشمس را هر یک را هفت بار بخواند و دعائی که پیغمبر صلی الله علیه وآله
فرموده **اینست** اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ عافِیَةً وَشُکْرَ عافِیَةٍ وَتَمامَ الْعافِیَةِ
فِی الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ **در دیدن جهود و ترسا** در روضة الواعظین آورده
که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که جهودی یا ترسائی را به بیند بگوید
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی فَضَّلَنی عَلَیْكَ بِالْاِسْلامِ دیناً وَبِالْقُرْآنِ کِتاباً وَبِالْکَعْبَةِ
قِبْلَةً وَبِمُحَمَّدٍ نَبِیّاً صلعم وَبِعَلِیٍّ اِماماً وَبِالْمُؤْمِنینَ اِخْواناً چون این دعا
بخواند حق سبحانه و تعالی ایشان را در آتش با هم جمع نکند عزیمت و جد در
سؤال و حد نمودن در سؤال زیرا که پیغمبر صلعم فرموده که باید که هیچیك از شما در دعا
نگوید که بار خدایا مرا بیامرز و رحمت کن بلکه بگوید بگوید در دعا جد کند



زیرا که هیچ مکروهی نیست بر خدای تعالی در استجابت دعا و وقتی که دعا مستجاب شود
باید که بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلی کُلِّ حالٍ و مکروهست که دعا کننده در اجابت
دعا تعجیل نماید باید که بر دعا مواظبت نماید و پشیمان نشود زیرا که حضرت
نبی صلعم فرمود که دعا مستجاب میشود مادام که تعجیل ننمایند و نگویند که
دعا کردم و مستجاب نشد **طلب حاجات** چون قصد حاجتی کنی این دعا بخوان
اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْلَی الْاَکْبَرِ الْاَعَزِّ الْاَجَلِّ الْاَکْرَمِ
اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَکَذا انشاء الله تعالی میشود **در دفع بلا** مرویست که رسول الله صلعم
گفت مر امیر المؤمنین علی علیه السلام را که هر گاه در ورطه بلائی افتی این را بگوی که بلا دفع
میشود **اینست** بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ
الْعَظیمِ اَللّٰهُمَّ اِیّاكَ نَعْبُدُ وَاِیّاكَ نَسْتَعینُ **اسم بزرگوار** دوا کند
امام زین العابدین علیه السلام فرمود که من در عقب هر نمازی دعا میکردم که حق تعالی
مرا اسم اعظم تعلیم کند روزی نماز صبح گذاردم نشسته خواب بر چشم من غالب شد
مردی در پیش خود ایستاده دیدم بمن گفت تو از خدای تعالی اسم اعظم میخواستی
گفتم بلی گفت بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ اللّٰهُ اللّٰهُ اللّٰهُ الَّذی لا اِلٰهَ
اِلّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ فرمود بخدای که هر دعا که به این دعا کردم مستجاب شد
دعای رعد چون آواز رعد شنوی و صاعقه بینی بگو اَللّٰهُمَّ لا تَقْتُلْنا
بِغَضَبِكَ وَلا تُهْلِکْنا بِعَذابِكَ وَعافِنا قَبْلَ ذٰلِكَ **جهت باد بسیار**

منقولست از حضرت امام الصادق ع که چون باد بسیار بوزد بسیار بگو الله اکبر بعد از ان بگوی
اللهم انی اسألك خیر ما هاجت الریاح وخیر ما فیها واعوذ بك
من شرها وشر ما فیها اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین
عذابا وصلی الله علیه وآله **دعای زراعت** منقولست از امام محمد باقر علیه السلام
که چون خواهی که زراعت کنی قبضهٔ تخم بردارد بدست خود وروی بقبله کن وسه بار بگو
ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون بعد از ان بگو که لا بل الله الزارع
ونام صاحب زراعت ببرد وبگوی اللهم صل علی محمد وآل محمد واجعله
حرثا مبارکا وارزقنا فیه السلامة والعافیة والسرور والغبطة
والتمام واجعله حبا متراکبا ولا تحرمنی خیر ما ابتغی ولا
تفتنی بما منعتنی بحق محمد وآله الطیبین وان تخم که در دست داری بیفشان
دفع عقرب ومار وغیره یا ارض ربی وربك الله اعوذ بالله من شرك
وشر ما فیك وشر ما خلق فیك ومن شر ما یحاذر علیك اعوذ بالله
من شر کل اسد واسود وحیة وعقرب من ساکن البلد ومن
شر والد وما ولد افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض
طوعا وکرها والیه ترجعون الحمد لله بنعمته وحسن بلائه علینا اللهم
صاحبنا فی السفر وافضل علینا فانه لا حول ولا قوة الا بالله وسورهٔ
الهیکم التکاثر تا آخر بخواند هیچ درنده وپرنده وعقرب ومار بوی گزند نرساند

اگر

اگر چه بر بالای او خفته باشد **درعطسه** منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که
هر که عطسه بشنود وحمد وثنای خدای تع بجای آورد وصلوات بر محمد وآل او فرستد
هرگز درد چشم ودرد دندان نکشد ودیگر فرمود هرگاه بشنود اگر چه در میان ایشان دریا باشد
باید که ترک نکند ومنقولست از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که هر که را عطسه آید الحمد لله
رب العالمین علی کل حال بگوید هرگز درد ریش نشود وهرگز درد گوش ودرد دندان نکشد
منقولست از امام محمد باقر ع که فرمود چون کسی سه بار عطسه کرد دیگر یرحمك الله بگو وچون دیگر
عطسه کرد ترک کن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که حضرت رسول الله ص فرمود که
چون برادرش را عطسه آید وشما ترک تشمیت آن کردید روز قیامت بر شما دعوی خواهد
کرد وبرای او حکم خواهند کرد ودیگر حضرت رسول الله ص فرمود که چون کسی را عطسه آید واورا
علتی باشد که الحمد لله گوید وسکوت کند فرشتگان از جانب او الحمد لله بگویند واگر او این حمد را
گفت فرشتگان گویند یغفر الله لك یعنی خدای تع بیامرزد ترا منقولست از نسیم خادم
امام حسن عسکری ع که گفت بعد از ولادت صاحب الزمان شبی پیش او رفتم مرا عطسه آمد
فرمود یرحمك الله نسیم گفت شاد شدم باین گفتن بعد از ان گفت بشارت دهم ترا گفتم بلی
گفت عطسه امانست از مرگ تا سه روز منقولست از ابن مریم که شخصی نزد امام محمد باقر ع
عطسه کرد آنحضرت فرمود که خوب چیزیست عطسه راحت بدنست باید که در ان وقت خدا را
یاد کنند وصلوات بر محمد وآل او فرستند گفتم محدثان عراق روایت میکنند که در سه موضع
صلوات نمی باید فرستاد در وقت عطسه ودر وقت صبح ودر وقت جماع آنحضرت فرمود

فرمود که بار خدایا اگر این جماعت دروغ گفته باشند شفاعت محمد را روزی ایشان گردان
منقولست از ابی عبدالله علیه السلام که هر که عطسه کسی شنود و بگوید الحمد لله علی کل حال
ما کان امر الدنیا و الآخرة و صلی الله علی محمد و آله درد دل و دندان نبیند
منقولست از حضرت رسول صلعم که هر که عطسه کند هر که پیش از آنکس الحمد لله بگوید درد دندان
و درد شکم نکشد **ایضا در عطسه** از امام جعفر ع که چون آدمی عطسه دهد الحمد لله بگوید آن دو فرشته
که بر او موکلاند گویند رب العالمین کثیرا لا شریک له و اگر آدمی این را بگوید آن دو
فرشته گویند صلی الله علیه و آله و اگر آنرا نیز آدمی گفت آن فرشتگان گویند یرحمک الله
و **ایضا روایت** از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در حدیث طویلی که چون یکی از شما عطسه کند
گویند یرحمک الله بگوید یغفر الله و یرحمکم الله زیرا که خدای تعالی در کلام مجید فرموده که
وَاِذَا حُیِّیْتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِاَحْسَنَ مِنْهَا اَوْ رُدُّوهَا یعنی و هر گاه شما را تحیتی فرستند
شما بهتر از آن فرستید یا همان را عبدالله بن یعفور گوید که حاضر شدم در مجلس ابی عبدالله
که شخصی عطسه داد آنحضرت فرمود که یرحمک الله اهل مجلس گفتند آمین بعد از آن آنحضرت عطسه داد
اهل مجلس چیزی نگفتند پس آنحضرت فرمود که بگوید اَعْلَی اللهُ ذِکْرَکَ و در روایت دیگر
منقولست از ائمه انام علیهم السلام که چون کسی را عطسه آید باید که انگشت سبابه را بر سر بینی
نهد و بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَصَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبِینَ رَغِمَ اَنْفِی
بِذِکْرِ اللهِ تعالی رَغْمًا دَاخِرًا صَاغِرًا غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ و چون دیگری
عطسه کند یرحمک الله بگوید تا سه نوبت اگر زیاده از آن شود شفاک الله گوید

و اگر کودک [باشد] یَرْعَاکَ اللهُ و از مریض شَفَاکَ اللهُ و از ذمی هَدَاکَ اللهُ و از
نبی و امام صَلَّی اللهُ عَلَیْکَ وَآلِکَ و چون رد گوید یَغْفِرُ اللهُ لَنَا وَلَکُمْ روایت کرد ابو بصیر
از ابی عبدالله علیه السلام فرمود که بسیار عطسه رهاند صاحب عطسه را از پنج چیز از جذام
و از درد سر و از باد پلید و از نزول آب پلید در چشم و از سده در خیشوم و از بر آمدن
موی در چشم امام علیه السلام فرمود که چون عطسه زیاده شود و خواهی که کم [شود] اندکی از روغن
مرزنجوش در دماغ چکان که پنج روز اینچنین کردم عطسه از من رفت و هم از آنحضرت
منقولست که عطسه که در مرض امانست از مرگ و رسیدن مرض و دیگر فرمود که خمیازه از
شیطانست و عطسه از رحمان و هم از آنحضرت منقولست که رسول الله صلعم فرمود که بر[است]
که عطسه مریض دلیل عافیت و راحت بدنست **دفع فراموشی** سکونی روایت کرده
از نوفلی و او از ابی عبدالله ع که هر گاه شیطان ترا چیزی فراموش گرداند دست خود را
بر پیشانی خود نه و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُکَ یَا مُذَکِّرَ الْخَیْرِ وَفَاعِلَهُ وَالْآمِرَ
بِهَا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُذَکِّرَنِی مَا اَنْسَانِیهِ الشَّیْطَانُ

باب یازدهم در آداب بیماران و علاج کردن ایشان و آنچه بر آن متعلق است

مشتمل بر پنج فصل **فصل اول** در آداب بیمار و پرسش کردن و علاج
روایت از ابی عبدالله ع که رسول صلعم گفت که حمی که تب باشد خبر دهنده است از مرگ و نیز
خداست در زمین و گرمی او از جهنم است و او حظ مؤمنست از آتش امام زین العابدین ع
فرمود که نیکو وجعیست تب میدهد بهر عضوی از نصیب او از بلا و خیری نیست برای که

بر و مبتلا نشود محمد بن احمد روایت کند از یوسف بن اسمعیل به اسنادش که او گفت
که بندهٔ مؤمن چون تب کشید گناهان او میریزد چون برگ از درخت و چون بر فراش خوابیده
نالهٔ او تسبیح است و فریاد او تهلیل و گردیدن او بر فراش همچون کسیست که شمشیر در راه
خدای زده و در این حال خدای را عبادت کرده و در میان اصحاب خود آمرزیده شود خوشا
حال او که بدین حال بمیرد و وای اگر باز گردد و عافیت دوست تر است روایت
از امام زین العابدین ع که تب یک شبه کفارهٔ گناه یکساله است زیرا که الم آن در جسد یکسال
می ماند منقولست از ابی عبدالله ع که هیچ مرضی و صداعی و عرقی نیست مگر بسبب گناهی چنانکه
در کتاب کریم وارد شده است که وَمَا أَصَابَكُم مِّن مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ
أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ یعنی هر مصیبتی که بشما رسد آن کسب دست شماست و از
بسیاری عفو میکند و آن بیشتر از آنست که بر آن مواخذه مینماید مرویست از ابی عبدالله ع
که تب یک شبه کفارهٔ پس و پیش آن شبست و دیگر فرمود که هر که شب خسته شود و بقبول
آن تلقی کند و شکر آنرا ادا نماید کفارهٔ گناه شصت سالهٔ او گردد راوی گوید که
پرسیدم که قبول او چیست فرمود که صبر کردن بر دردی که در آن خستگیست روایتست
که امام محمد باقر ع فرمود که بیداری یکشب در مرض افضل است از عبادت یکسال زراره
نقل میکند یکی از ایشان که بیداری یکشب در مرض با وجع فاضلتر است و بزرگتر پیش خدای
عز و جل از روی اجر از عبادت ده ساله و تب سه شبه برابر است با عبادت هفتاد ساله
گفت پرسیدم اگر بهفتاد سالگی نرسد گفت پدر و مادر او را باشد گفتم اگر پدر و مادر

او بهفتاد سالگی نرسد فرمود که برای خویشان او گفتم اگر خویشان او بهفتاد سالگی نرسند
گفت همسایهای او را باشد منقولست که امام رضا ع فرمود که مرض مؤمن پاک شدنست از جهت
و مرض کافر عذاب و لعنت و مرض با مؤمن همیشه می باشد تا بر او گناه نماند و دیگر فرمود که
درد سر کشیدن محو میکند گناهان را اگرچه کبیره ابو ابراهیم ع روایت میکند که رسول صلی الله علیه و آله
فرمود که مریض را چهار خصلتست اول رفع قلم از وی دویم امر کردن خدای تعالی فرشته را
که بنویسد هر فضلی که او کرده است سیم بیرون آوردن مرض گناهها را از هر عضوی که در
اوست چهارم آنکه اگر بمیرد آمرزیده میرود و اگر برخیزد آمرزیده خیزد روایتست از پیغمبر ص
که چون مسلمان مریض گردد خدای تعالی بنویسد بهتر عملی که در حال صحت میکرد و بریزد
گناهان او چون برگ که از درخت ریزد منقولست از ابی عبدالله ع فرمود که چون خدای تعالی
بنده را دوست میدارد نظر میکند بسوی او بیک تحفه از تحفها بجهت وی میفرستد
تب را یا درد چشم یا درد سر منقولست از امام موسی کاظم ع که چون بندهٔ مؤمن مریض شود
خدای با اصحاب شمال وحی کند که منویسید گناه بندهٔ مرا که در بند و زندان منست و با اصحاب
یمین وحی کند که بنویسید حسنات بندهٔ من که در صحت آدمی نوشتید در صبر بر علت
روایت کند امام محمد باقر ع که حق سبحانه میفرماید که چون بندهٔ خود را مبتلا گردانم و او
پیش کند تا سه روز نزد جمعی که بعیادت او می آیند شکایت کند از بیماری عوض دهم گوشت
بهتر از گوشت او و پوست و خون بهتر از پوست و خون او و اگر او را بمیرانم او را بجهت
خود برسانم و اگر بزیانم او را از گناه پاک سازم منقولست از حضرت رسول الله ص

که بنده را مصیبتها می رسد تا آنکه بر زمین میرود و بر وی هیچ گناه نمانده باشد و ابو عبدالله ع
فرمود که عیادت کنید خستگان خود را و از و دعا طلبید که دعای ایشان برابر دعای فرشتگانست
و هر که یکشب بیمار شود و آن بیماری را قبول کند حق جل علا مرض او را بعبادت شصت ساله
برابر کند پرسیدم که قبول او چیست فرمود که بهیچکس درد خود را نگوید ابو عبدالله ع
فرمود که شکایت آن نیست که مریض گوید که مبتلا شدم ببلایی که بهیچکس مبتلا نشده
و مصیبتی دیدم که هیچکس ندیده و شکایت که بگوید که دوشینه بیداری کشیدم و امروز تب
دارم و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که در مرض هیچ اجری نیست لیکن هیچ گناهی نیست که
مرض آنرا محو نکند و نیست اجر مگر بقول زبان و عمل بدست و پای و خدای عز و جل بسبب
صدق نیت و خلوص طویت بسیاری را از بندگان به بهشت می برد در پرسش
نمودن بیمار و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله که حق مسلمان بر مسلمانان آنست که هر گاه بدو
رسد سلام کند و چون خسته شوند بپرسش ایشان روید و چون بمیرند بمتابعت جنازه
ایشان شوند و فرمود که من همسایه خود را پرسش میکنم و دیگر فرمود که تمام عیادت آنست
که دست خود را بر سر بیمار نهد و گوید که چونی و صباح چون شد و شب چه گذشت
و تمامی تحیت شما مصافحه است روایت از ابی عبدالله ع که باید برادران و یاران
خود را مخبر سازند از مرض خود تا عیادت او کنند و ابو الحسن علیه السلام روایت میکند
از امیر المؤمنین علیه السلام بعیادت صعصعة بن صوحان فرمود و گفت یا صعصعة مفاخرت
مکن بر یاران خود که من ترا عیادت کردم و نظر کن که کار تو بتو رسید باید که ترا امل از راه نبرد

روایت که امام جعفر الصادق ع فرمود که در درد چشم را پرسش نیست و پرسش مریض بیش
از سه روز نیست و بعد از آن روزی پرسش کند و یکروز پرسش نکند چون مرض
دراز کشید مریض را با عیالش بگذارید و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که هر که
پرسش بیمار کند در نشستن تخفیف نماید و او را نزد خدای تعالی اجر عظیمست مگر بیمار
نشستن او را خواهد و دیگر فرمود که تمام عیادت مریضست آنکه یکدست خود یا بر دست
یا بر سر مریض نهد منقولست از ابی عبدالله ع فرمود که چون روز قیامت شود حق سبحانه
خطاب فرماید بنده را از بندگان گوید یا مؤمن چه مانع شد ترا که عیادت من نکردی آن
بنده گوید بار خدایا تو خدای منی و من بنده توام و تو حی قیومی و ترا درد و الم در
نیابد و توانا و از ان منزهی حق جل علا فرماید که هر که مؤمنی را برضای من عیادت کند پس مرا
عیادت کرده است پس فرماید که می شناسی فلان بن فلان را بنده گوید بلی یا رب فرماید که چه
مانع شد ترا که عیادت آن نکردی که اگر عیادت او می کردی عیادت من کرده بودی و مرا نزد
او می یافتی و آنچه از من سؤال میکردی حاجت ترا روا میکردم و رد نمی نمودم ابو الحسن ع
فرمود که چون کسی از شما بیمار شود باید که اجازت دهد که مردم نزد او در آیند و هیچکس نباشد
که الا دعای او مستجاب است روایتست که رسول ص وقتی که عیادت سلمان کرد فرمود
که ای سلمان در علت تو سه خصلتست که بذکر خدای تعالی مشغولی و دعای تو مستجاب است
و این مرض گناه را در تو نمی گذارد الا آنکه محو کند و چون خوب است برخیزد فرمود که یا سلمان
كَشَفَ اللهُ ضُرَّكَ وَغَفَرَ ذَنْبَكَ وَحَفِظَكَ فِي دِينِكَ وَبَدَنِكَ اِلَى مُنْتَهَى اَجَلِكَ

منقولست که ابی عبدالله ع فرمود که هر که عیادت برادر مؤمن خود کند اگر صباح بود هفتاد ملک متابعت
او کنند و چون بنشینند پس بیمار او مستغرق رحمت الهی شود و تا شبنگاه فرشتگان
او را استغفار کنند و اگر شبنگاه بود مثل این باصباح و منقولست از امام محمد باقر علیه السلام
که موسی نبی ع با خدای تع مناجات کرد و گفت یا رب اجر عیادت مریض تا چه حد است حق جل و علا
فرمود که هر که عیادت مریضی کند ملکی بر وی موکل گردانم در قبر که تا روز قیامت عیادت او
کند روایت از ابی عبدالله علیه السلام که رسول ص فرمود که هر که عیادت مریضی کند منادی
از آسمان بنام او ندا کند که ای فلان خوش باش و نیز فرمود که اجر بزرگست کسی را که در عیادت
بیمار در نشستن تخفیف کند و نیز فرمود که چون بعیادت مریض روید دعا کنید که آن دعا مانند
دعای فرشتگانست دیگر فرمود که هر که برای رضای خدای مریضی را عیادت کند در رفتن
نیز هر دعا که کند مستجاب شود و حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود که آنچه بیماری بکسی میرسد کفاره
گناه پدر و مادر اوست روایت میکند غلامی از غلامان حضرت امام جعفر ع که غلامی خسته بود
از غلامان آنحضرت و ما جمعی از غلامان بعیادت او می رفتیم آنحضرت در راه بما رسید فرمود
که اتفاق کرده اید بکجا میروید گفتیم به پرسش فلان فرمود آیا با شما سیبی یا بهی هست
یا ترنجی یا قدری بوی خوش یا پاره از عود گفتیم با ما از اینها هیچ نیست فرمود که آیا نمیدانید
که بیمار راحت می یابد اگر چیزی برای او می برید در معالجه بیماران حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام
فرمود دوا کنید که خدای تع هیچ دردی را نفرستاده که با وی دوائی نفرستاده باشد
و دیگر فرمود که موت مردم بگناه بیشتر است از مردن باجل و حیات مردمان بنیکویی بیشتر است

ازحیات

از حیات او و عمر و هم از و مرویست که هیچ علتی نیست که مکروه تر از گناه و عفو خدا بیشتر است
از گناه و هم مرویست که دو کس معلول اند تن درستی که بدوا خو کرده باشد و خسته که درد دوا
خلط کرده و دیگر فرمود که از دوا پرهیز کن آنقدر که بدن تو تحمل درد پس چون تحمل نتوان دوا کن
منقولست از ابی عبدالله ع که پیغمبری از پیغمبران او را مرض عارض شد گفت دوا نمی کنم تا آنکه
مرا مریض گردانیده شفا دهد پس حق جل و علا وحی براو فرستاد که شفا از منست لیکن تا
دوا نکنی شفا ندهم روایت از ابی عبدالله ع که پرهیز کردن از چیزی ترک آن نیست
بلکه پرهیز کردن کم کردنست از آن مرویست از امام محمد باقر ع که پرهیز کردن سر
همه دواهاست و معده خانه درد است و بدن را با آنچه معتاد میگردانی معتاد میشود
و هم از رسول ص منقولست که جایز نیست خواب شب مگر آنکه وصیت در زیر سر او باشد
و نیز از و منقولست که هر کس نیکو وصیت کند و از آن نترسد و مضرت بکسی نرساند آنچنانست
که به آن وصیت تصدق کرده باشد منقولست از امام جعفر الصادق ع فرمود که بر هر
مسلمان وصیت کردن حقست و دیگر فرمود که هر کس در وقت مردن برای خویشانی که
میراث نمی برند وصیت نکند عملش ختم بمعصیت کرده باشد فصل دویم در طلب
شفا از قرآن حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که هر که بسبب قرآن شفا نطلبد
خدای تع او را شفا ندهد منقولست از امام جعفر الصادق ع که هر که صد آیه از قرآن بخواند
از هر آیات که خواهد پس هفت بار بگوید الله اکبر اگر بر سنگ خاره دعا کند از جای کنده شود
منقولست از ابو الحسن علیه السلام که هر گاه از کسی ترسی صد آیه از قرآن بخوان از هر جا که خوا

هی

وبعد از آن سه نوبت بگوی اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ عَنِّی الْبَلاءَ منقولست از امام موسی علیه السلام
که در قرآن شفا از هر درد هست در خواص سورهای قرآن فاتحة الکتاب
منقولست از امام محمد باقر ع که هر که را علّتی عارض شود هفتاد بار سوره الحمد را بخواند ساکن گردد
و اگر ساکن نگردد هفتاد بار بخواند روایتست از رسول صلی الله علیه وآله که خواندن فاتحة الکتاب
شفای هر دردیست پس اگر صد نوبت بخواند اگر روح از بدنش رفته باشد خدای تعالی روحش
باز دهد روایت از ابی عبدالله ع که اگر هفتاد بار سوره الحمد را بر مرده بخوانند روح در
بدن او در آید عجب نباشد سورة الانعام منقولست از امام محمد باقر ع که هر گاه نفس ترا
علتی باشد و از آن بترسی سوره انعام بخوان که ترا از آن علت گزندی نرسد سورة النحل
از امام محمد باقر ع منقولست که هر که سوره نحل را در هر ماهی بخواند هفتاد نوع بلا که آسانترش
جنون و جذام و برص است از وی بگردد سورة لقمان در روایتی دیگر آنست که
از برای ابلیس و لشکرش و تابعان او بخواند سورة یس منقولست که هر که شب
سوره یس بخواند حق سبحانه و تعالی ملکی بر وی موکل گرداند که او را محافظت نماید و از ابلیس و لشکرش
تا شب دیگر همچنین روایتست از ابی عبدالله ع که بدرستی که هر چیزی را دلیست و دل قرآن یس است
پس هر که سوره یس بخواند پیش از آنکه شب شود تا شب از جمله محفوظان و مرزوقان بود
و هر که در شب بخواند پیش از آنکه خواب کند حق تعالی هزار فرشته برای او موکل گرداند
که او را نگاه دارند از شیطان رانده درگاه و از هر آفتی تا سحرگاه و اگر بمیرد در آن
خواب حق تعالی او را در بهشت در آورد و در روایتی دیگر وارد است که اگر بخواند برای

دنیا و آخرت

دنیا و آخرت بجهت نگهداشت از هر آفت و بلیّه در نفس و اهل و مال و برای هر حاجت که
که باشد روا گردد روایت از امام موسی ع که هر که مغلوب غفلت شده باشد سوره یس
بخواند یا بنویسد و بخورد به شود و اگر به آب زعفران بنویسد در ظرفی از شیشه و بخورد
بهتر بود سورة الصافات از ابی عبدالله علیه السلام منقولست که هر که سوره الصافات
بخواند در روز جمعه همیشه از جمیع آفات و بلیات محفوظ باشد و روزی بر وی گشاده شود و از شر
شیطان و از هیچ ستمکار و ستمگر ستم بمال و بدن و ولد او آفتی نرسد در روایتی دیگر
آنست که از برای شرف و عزّت جاه دنیا و آخرت بخواند سورة الزمر و هم از آنحضرت
مرویست که هر که سوره زمر بخواند در شب یا در روز حق سبحانه و تعالی او را شرف دنیا
و آخرت او را عطا فرماید و عزیز گرداند او را بی عشیره و مال سورة الطور هر که
سوره الطور بخواند حق سبحانه و تعالی جمع فرماید خیر دنیا و آخرت را برای او
سورة الواقعة هر که در شب سوره واقعه بخواند حق تعالی او را دوست دارد و همه خلایق را
دوست او گرداند و آفت نبیند و فقر و فاقه نکشد سورة الحدید و المجادلة هر که
در نماز فریضه سوره حدید و مجادله بخواند در اهل و مال و بدن وی هیچ بدی نرسد
و تنگی واقع نشود سورة الممتحنة امام زین العابدین ع فرمود که هر که در فرایض
و نوافل نمازها سوره ممتحنه بخواند حق سبحانه و تعالی دل او را به ایمان مزین گرداند
و چشم او را روشن سازد و به اولاد او فقر و جنون نرسد و در میان مردمان محمود
و ممدوح باشد قل اوحی ابی عبدالله ع فرمود که هر که سوره قل اوحی بسیار خواند

از خشم و کید و سحر جنیان ایمن بود **سورة المزمل** هر که سوره المزمل در نماز خفتن یا در آخر شب
بخواند شب و روز گواه حال او باشد ما سوره فرجه او را نماید و او را در زندگی و مردگی خوش
و خوب روزی گرداند **سورة النازعات** هر سوره والنازعات بخواند سیراب در بهشت رود
و او را سختی و عذاب در دنیا بد نه در دنیا و نه در آخرت **سورة البروج** هر که سوره البروج
بخواند بر آب و بکیجی دهد که مار و عقرب او را گزیده به شود از آن گزیدن مضرت به او نرسد
سورة انا انزلناه هر که سوره انا انزلناه بخواند در هر فرایض منادی ندا کند که ای بنده خدای تعالی
گناهان گذشته ترا آمرزید پس عمل از سر گیر **سورة اذا زلزلت** هر که سوره اذا زلزلت
در نمازهای نافله بخواند بزلزله و صاعقه و آفات دنیا گرفتار نشود **سورة ویل لکل**
هر که سوره ویل لکل در فرایض بخواند فقر و فاقه او زایل گردد و در روزی بر روی گشاده گردد
و مردن بد از و دفع شود **سورة قل یا ایها الکافرون** هر که سوره قل یا ایها الکافرون بخواند
و قل هو الله احد در فریضه حق جل و علا بیامرزد او را و مادر و پدر او را و ولد او را
و اگر شقی بود او را از سعدا نویسند و در زندگی سعید باشد و شهید میرد و در قیامت
با شهدا محشور شود منقولست از امام رضا ع که حضرت رسول ص فرموده که چون بیمار ادرد
شدید یا غیر آن دستها بگشاید و فاتحه الکتاب و قل هو الله احد و معوذتین بخواند و دستها
بروی خود بمالد هر مرضی که باشد برطرف شود **مرویست** از ابی عبدالله ع که خدای تعالی
در عوض باغ فدک تب را مطیع فاطمه ع گردانید پس هر که فاطمه ع را با فرزندان او دوست
دارد و مرض تب بر و طاری شود هزار بار قل هو الله احد بخواند تا آخر و بحق فاطمه ع دعا کند

دعای مار و عقرب

مرض تب او زایل گردد باذن الله تعالی **سورة اذا جاء** هر که اذا جاء نصر الله در نماز فریضه
و نافله بخواند حق تعالی او را بر جمیع دشمنان نصرت دهد و منقولست از ابی عبدالله علیه السلام
که هر که را مرضی و سختی رسد و در آن شدت و مرض سوره قل هو الله احد نخوانده باشد
و در آن مرض بمیرد پس او از اهل دوزخ و دیگر فرموده که هر که بر فراش خود یازده بار قل هو الله احد
بخواند و بر جان و خانه دمد خانهای دیگر که در گرداگرد اوست همه محفوظ مانند انتهی.

طلب شفا از آیات قرآن و این آیات شفا می‌بخشد جمیع امراض را

بسم الله الرحمن الرحیم والهکم اله واحد لا اله
الا هو الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة
ولا نوم له ما فی السموات وما فی الارض من ذا الذی یشفع عنده الا
باذنه یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما
شاء وسع کرسیه السموات والارض ولا یؤده حفظهما وهو العلی العظیم
هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم
شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام وما اختلف
الذین اوتوا الکتاب الا من بعد ما جاءهم العلم بغیا بینهم ومن
یکفر بایات الله فان الله سریع الحساب واذا حییتم بتحیة
فحیوا باحسن منها او ردوها ان الله علی کل شیء حسیبا

الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ومن اصدق
من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه
وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي اليك من ربك لا اله الا هو واعرض
عن المشركين يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا الذي
له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله
النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم تهتدون
وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو عليه توكلت
وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال امنت انه
لا اله الا الذي امنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين فان لم
يستجيبوا فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم
مسلمون قل هو ربي لا اله الا هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت
واليه متاب ينزل الملئكة والروح من امره على من يشاء من عباده
ان انذروا انه لا اله الا انا فاتقون وان تجهر بالقول فانه
يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى انك بالواد
المقدس طوى وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني لا اله الا هو
انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري ان الساعة اتية اكاد اخفيها
لتجزى كل نفس بما تسعى انما الهكم الله الذي لا اله الا هو

وسع كل شيء علما وما ارسلنا من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه
لا اله الا انا فاعبدون وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن
نقدر عليه فنادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت
من الظالمين فتعالى الله الملك الحق لا اله الا هو رب العرش العظيم
وهو الله لا اله الا هو له الحمد في الاخرة وله الحكم واليه
ترجعون يا ايها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق
غير الله يرزقكم من السماء والارض لا اله الا هو فانى تؤفكون انا
كذلك نفعل بالمجرمين انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا هو فانى
تؤفكون انا كذلك نفعل بالمجرمين انهم كانوا اذا قيل لهم
لا اله الا الله يستكبرون ويقولون ائنا لتاركوا الهتنا لشا عر
مجنون بل جاء بالحق وصدق المرسلين غافر الذنب وقابل التوب
شديد العقاب ذي الطول لا اله الا هو اليه المصير ذلكم الله
ربكم خالق كل شيء لا اله الا هو فانى تؤفكون هو الحي
لا اله الا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين
رب السموات والارض وما بينهما ان كنتم موقنين لا اله الا هو
يحيي ويميت ربكم ورب ابائكم الاولين فانى لهم اذا جاءتهم
ذكريهم فاعلم انه لا اله الا الله واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات

والله متقلبكم ومثويكم لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرايته خاشعا
متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ
المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والارض وهو
العزيز الحكيم انما على رسولنا البلاغ المبين لا اله الا هو وعلى الله
فليتوكل المؤمنون رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا

دفع تب و درد سر — منقولست از ابی عبد الله ع که این اسم را بخوانید و بر بازو بندند
بسم الله الرحمن الرحيم رب الناس اذهب الباس واشف انت الشافي فانه
لا شفاء الا شفاؤك لا يغادر سقما بيدك الخير انك على كل شيء قدير
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله
رب العالمين تا آخر وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس تا آخر وقل
هو الله احد تا آخر و دیگر قلنا یا نار کونی بردا وسلاما على ابراهيم
كذلك كتابي هذا برحمتك يا ارحم الراحمين بسم الله الرحمن الرحيم وله ما سكن
في الليل والنهار وهو السميع العليم اسكن ايها الصداع والالام بعزة الله
اسكن بقدرة الله اسكن بجلال الله اسكن بعظمة الله اسكن بلا حول

ولا قوة الا بالله العلي العظيم فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم
وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين ولا حول ولا قوة الا بالله
العلي العظيم حسبنا الله ونعم الوكيل وصلى الله على محمد وآله وسلم تسليما

ایضا دفع تب — نقلست که یکی از اصحاب ابی عبد الله ع را تبی طاری شد آنحضرت فرمود
که گشای تکمه جامات را و سر خود در گریبان فرو بر و بانگ نماز و قامت بگو و هفت
نوبت الحمد بخوان چنان کردم از آن مرض خلاص شدم

ایضا — روایتست که ابی عبد الله ع
فرمود شخصی که تب برو عارض شده بود که فرو بر سر خود در گریبان و بانگ نماز و قامت
بگو و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند بعد از او
بگو اعيذ نفسي بعزة الله وبجميع رسول الله وبعزته صلى الله عليه وآله
وبولاية امر الله من شر ما اخاف واحذر واشهد ان الله على كل
شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وآله
اللهم اشفني بشفائك وداوني بدوائك وعافني من بلائك — در روایت
دیگر آنست که فرمود داخل کند سر خود را بجیب و بانگ نماز و قامت بگو و سوره
الحمد و قل اعوذها و قل هو الله احد بخوان و لو انزلنا هذا القرآن على جبل تا آخر
سوره حشر سه بار بخوان آنگاه بگو اعيذ نفسي چنانکه مذکور شد
از محمد بن عثمان که ابی عبد الله ع فرمود بمردی که گفته بود تب من دراز کشید

که بنویسی آیة الکرسی در ظرفی و بجرعه آب بشوی و بخورد که شفاست **دفع الم** منقولست
که قدری از خاک تربت امام حسین ع را با آب حل کن و در جام آبگینه بقلم آهن بنویسی
و کسی که الم حادث شده باشد بدهی تا بخورد **اینست** سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ
رَحِيمٍ حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ طٰهٰ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى
إِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا
مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا قَدِيرًا يُرِيدُ اللّٰهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي
بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرٰهِيمَ اُرْدُدْ عن فلان بن فلان الحَرَّ والبَرْدَ والمليلة وجميع
الآلام والأسقام والأعراض والأمراض والصداع بحق طسم طس بأسماء الله
حمعسق كَذٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم الحمد لله رب العالمين
والصلوة والسلام على سيدنا محمد النبي وآله الطاهرين يا من
تزول الجبال ولا يزول صلى الله على محمد وآله كلما بفلان بن فلان من مرض
وسقم وألم إنك على كل شيء قدير وحسبنا الله وحده وصلوة
على سيدنا محمد وآله أجمعين مثل این بنویس بر کاغذ و بر مریض بیاویز
وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَنُنَزِّلُ
مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ
مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ

على عقبيه

عَلَى عَقِبَيْهِ وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَسُولَ اللّٰهِ
وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ وَالَّذِينَ
مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا
يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ
السُّجُودِ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰيةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ وَمُبَشِّرًا
يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ
مُبِينٌ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ
أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَى بَلْ لِلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا
الْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ پس بگوید بسم الله المكتوب على
ساق العرش **دفع تب اقص** مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ
لَا يَبْغِيَانِ وَحِجْرًا مَحْجُورًا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرٰهِيمَ
أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُونَ **دفع تب ربع** مرویست از امام حسن عسکری ع
که بنویسی بر کاغذ پاره که یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم و بیاویزد
بر کسی که تب ربع دارد و اگر این را باز دیگر او را تب گرفت این آیه را بنویس که
قُلْ آللّٰهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللّٰهِ تَفْتَرُونَ و کن بطلط بطلطلط و بنویس که بستم
بنام خدای تعالی تب فلان را و برسا و چپ او ببندد **دیگر** مثل آن که

أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا **دفع درد دو شقیقه** منقولست از ابی عبد الله ع که از برای دفع درد سر و شقیقه این آیات قرآنی را بخواند که نافع است وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا اسْكُنْ سَكَّنْتُكَ يَا وَجَعَ الرَّأْسِ بِالَّذِي سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ **ایضا دفع درد سر** مرویست که مردی شکایة کرد نزد امام جعفر صادق ع از درد سر فرمود که بنه دست خود را بر موضعی که درد میکند و آیة الکرسی و سورة الحمد بخوان و بعد از آن بگو اللّٰه اکبر اللّٰه اکبر لا اله الا اللّٰه واللّٰه اکبر مما اخاف واحذر اعوذ بالله من عرق نعار واعوذ بالله من حر النار **ایضا** روایة کند عمر بن حنظله که شکایت

سکینت

کردم

کردم نزد امام محمد باقر ع از درد سری که مرا بود فرمود که دست خود را بنه بر میان سر خود و بگو که لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا **دفع درد سر و غیران** دست خود را بر آن موضع نهد و بگوید اسْكُنْ سَكَّنْتُكَ بِالَّذِي لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ **دفع کاهلی و غیر آن** منقولست از امام جعفر ع که وقتی که در کسی کاهلی یا درد سر یا چشمی پیدا شود سورة فاتحة الکتاب و معوذتین بخواند پس دست خود را بر روی خود بکشد که درد زایل شود عمر بن ابراهیم گفت که شکایت کردم پیش امام رضا ع از درد سر بسیار فرمود از آن سبزی که برگ او پیچیده است و او را لبلاب گویند در سر خود بنه و بفرمای که بر سر کودکان نهند که نافع است باذن الله راوی گوید چنان کردم وجع ساکن گردید و هم از آن منقولست که درد سر را بحنا نیکو کند **دفع درد شقیقه** بیاور نخود سفید و دو نیم کن و بکوب چنانکه نرم شود و بر آن نوبت قل هو الله احد بخوان و بمریض ده تا بخورد که درو شفاست **دفع درد سر** که شخصی شکایت کرد نزد ابی عبد الله ع از درد سر فرمود که نزدیک شو بمن آن شخص پیش آنحضرت رفت پس دست خود را بر سر او نهاد و این آیة خواند که إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا پسر عمار گفت شکایت کردم نزد

ابی عبد الله علیه السلام از درد شقیقه فرمود چون از نماز فریضه فارغ شوی انگشت سبابه را
میان دو چشم خود بنه و هفت بار بگو یا حنان اشفنی پس انگشت را بر روی
راست بمال و بعد از آن بگوی یا منان اشفنی و انگشت را بر روی چپ بمال و بعد از آن
دست راست را بر میان سر بنه و بگو یا من سکن له ما فی اللیل والنهار و ما فی
السموات والارض وصلی الله علی محمد وآل محمد وسکن ما بی

دفع درد چشم

منقولست از امیر المؤمنین علی ع که هر که را درد چشم بود باید که آیة الکرسی را خواند بر چشم
و در دل خود بگذراند بر سر که از برکت آن صحت یابد ان شاء الله تعالی

ایضا

که هر که هر روز این آیه بخواند فجعلناه سمیعا بصیرا چشم او از آفات سالم ماند
و هر که سه بار این آیات بخواند بر آب و به آن آب روی خود را بشوید چشم او از آفات
سالم ماند **آیات اینست** فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید
ولو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی
یبصرون

ایضا

منقولست که حضرت محمد مصطفی ص نظر بسلمان کرد او را درد چشم بود
فرمود که خرما مخور و بجانب چپ خواب مکن و هر کس که این آیه را بگل تربت امام حسین ع
به آب زمزم بر جامی نویسد و از آن جام بشوید در شیشه و بمیل در چشم کشد
شفا یابد **آن آیه اینست** الله نور السموات والارض مثل نوره کمشکوة
فیها مصباح المصباح فی زجاجة الزجاجة کانها کوکب دری یوقد من شجرة
زیتونة لا شرقیة ولا غربیة یکاد زیتها یضیء ولو لم تمسسه

نار

نار نور علی نور یهدی الله لنوره من یشاء ویضرب الله الامثال
للناس والله علی کل شیء قدیر ۝ وان یکاد الذین کفروا لیزلقونک
بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون ۝ وما هو الا
ذکر للعالمین ۝

دفع شبکوری

روایت از یوسف مصعب که گفت بخدمت
حضرت مصطفی صلی الله علیه وسلم شدم و از زحمت شبکوری شکایت کردم و التماس کردم
که بمن چیزی تعلیم کند که دفع شبکوری شود فرمود آیة الله نور السموات که در فوق
نوشته است تا آخر آیه والله علی کل شیء قدیر بر جامی نویس و بشوی و در چشم کش
فرمود که چنان کردم کمتر از صد میل کشیده بودم که چشم من بهتر از آن شد که
اول بود

دفع درد گوش

منقولست که اگر این آیه را هفت نوبت بر روغن
یاسمین یا روغن بنفشه خوانند و در گوش چکانند درد گوش را نافع بود **آیه اینست**
کان لم یسمعها کان فی اذنیه وقرا وان السمع والبصر والفؤاد
کل اولئک کان عنه مسئولا

دفع درد دندان

سه نوبت
فاتحة الکتاب و سه نوبت قل هو الله احد بخواند و بگوید یا ضرس ابا الحاد
تکین ام البارد و تکین اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی
السموات والارض وهو السمیع العلیم ۝ قال من یحیی العظام
وهی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم
الذی جعل لکم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون

أخرج منها فإنك رجيم ٥ ولنخرجنهم منها أذلة وهم صاغرون ٥
فخرج منها خائفا يترقب ایضا بنویسد بر نان تنک و دندانی که درد میکند
بران نهد بسم الله لكل نبإ مستقر فسوف تعلمون أتى أمر الله
فلا تستعجلوه سبحانه وتعالى عما يشركون فقلنا اضربوه ببعضها
كذلك يحيي الله الموتى ويريكم آياته لعلكم تعقلون من يحيي
العظام وهي رميم قل يحييها الذي أنشأها أول مرة وهو
بكل خلق عليم بستن درد دندان سه نوبت فاتحة الکتاب
وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بر میخ آهنین بخواند
بعد از آن بگوید من یحیی العظام وهی رمیم ٥ قل یحییها الذی
أنشأها أول مرة وهو بكل خلق عليم ٥ بعد از آن بگوید که
ضرس فلان بن فلان أكلت الحار والبارد فبالحار تسكين
بعد از آن بخواند که وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم
شددت داء هذا الضرس فلان بن فلان باسم الله بعد از آن
بر دیواری زند و گوید یا الله یا الله یا الله ایضا بردارد یک برگ
سبزی بران بنویسد الذي جعل لكم من الشجر الأخضر نارا فإذا
أنتم منه توقدون ٥ بعد از آن بر دندانی نهد که درد میکند
وچند قدم برود و آن برگ سبزی را بر سر خود اندازد و باز

پس نگاه نکند درد دندان ساکن گردد ان شاء الله تعالی دفع خون از دماغ آمدن
منها خلقناكم وفيها نعيدكم ومنها نخرجكم تارة أخرى يتبعون الداعي تا همسا
قيل يا أرض ابلعي ماءك ويا سماء أقلعي تا آخر آیه ومن يتق الله
يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل على الله
فهو حسبه إن الله بالغ أمره إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء
قدرا وجعلنا من بين أيديهم سدا ومن خلفهم سدا فأغشيناهم
فهم لا يبصرون ٥ وهمچنین آیه قیل یا ارض ابلعی تا آخر بر پیشانی
او که خون آید بهمان خون یا زعفران ساکن گردد دفع زکام مرویست
از حضرت محمد مصطفی صلعم فرمود که زکام سر زحمتهاست و ایشان را فرو می
مرویست از ابی عبد الله ع که روغن بنفشه را در محل خواب با پنبه بردارند
که نافع است از برای زکام دفع وسوسه دل فاذا قرأت القرآن فاستعذ
بالله با قل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس که نافع است ایضا
منقولست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلم که هر که را شیطان وسوسه دهد
بگوید أعوذ بالله من الشيطان الرجيم ٥ وبعد گوید آمنت بالله
ورسله مخلصا له الدين دفع درد دل بخوانند این آیات را بر آب و آن
آب را بیاشامد آیه آیت لئن أنجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين
سيهزم الجمع ويولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة أدهى وأمر

إِنَّ اللهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا
مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۝ واین آیه را بنویسید و در گردن بیاویزند
بسم الله الرحمن الرحیم ۝ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا
مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ
لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ
بِذِكْرِ اللهِ تا حُسْنُ مَآبٍ ۝ وَلَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ
دفع دلتنگی هفده روز هر روز صبح یکنوبت و شام یکنوبت سوره الم نشرح لک
بخواند دفع درد دل منقولست که شخصی نزد ابی عبد الله علیه السلام شکایت
کرد از درد دل آنحضرت فرمود که قرآن بخوان و شفا طلب کن از آنکه حق تعالی
فرموده که فیه شفاء و رحمة لما فی الصدور و همچنین آیت وَإِذْ قَتَلْتُمْ
نَفْسًا تا لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ دفع درد شکم سوره قل هو الله احد بگوید بسم الله
الرحمن الرحیم ۝ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ
عَلِيمٌ ۝ و آیه وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ تا آخر بنویسند و بر روی او بربندند
و بر وی این آیه بخوانند که بسم الله الرحمن الرحیم ۝ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ
فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ تا آخر آیه و لا اله الا الله وحده لا شریک له
له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر ۝ و همچنین بسم الله الرحمن الرحیم

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ
أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ و فاتحة الکتاب هفت نوبت
خواندن نافع است و همچنین لَئِنْ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝
إِنَّ اللهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ
دفع درد پشت شَهِدَ اللهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ تا سَرِيعُ الْحِسَابِ افسون درد همه اعضا
بای خود را بنویسید جهت حبس البول و برسا و چه خود بنویسید فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ
السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ
وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ
نافع است ایضا حبس البول نقلست از حمران که نوشتیم بامام علی النقی علیه السلام که جان من فدای
تو باد نزد ما شخصی هست و از دوستداران شماست و نام او نفیس خادم است
و حبس البول دارد و التماس دعایی مینماید از شما که ببرکت آن شفا یابد آنحضرت
در حق او دعا کرد که خدای تعالی دفع مضرت او کناد و از تو مکروهات
بردارد و مبالغه بسیار نمود با نکس باید که قرآن بخواند که ببرکت آن
شفا یابد ۝ أَعُوذُ بِاللهِ الْكَرِيمِ بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ الَّذِي بِإِذْنِهِ قَامَتِ
السَّمٰوَاتُ وَالْأَرْضُ قَالَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ لَمْ يَضُرَّهَا وَجَعُ الْأَرْحَامِ
وَلَنْ وَجَعُ عِرْقِ الْأَرْحَامِ اسلم بِسْمِ اللهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ بِسْمِ
الْمُسْتَغَاثِ بِاللهِ عَلَى مَا هُوَ كَائِنٌ وَعَلَى مَا قَدْ كَانَ أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ

علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما که مه مه
مهکه مه ااااه بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله
والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا
سجدا تا آخر سوره انا فتحنا ودیگر اجیبوا داعی الله علی ما معه
الکلام وبعزایم الله الشداد التی تزهق الارواح والاجساد ولا
یبقی روح ولا فواد الا احیینا بسم الله الذی قام السموات
والارض ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین بخوان
این آیات فاما همچنانکه خود بشنوی تا فایده دهد جهت دفع بول
کردن در خواب روایتست از ائمه انام علیهم السلام که بستان قدری سعد
وقدری زعفران وهر یک را جدا بکوب و بر بیز وسعد را بوالای صفت
وبا زعفران بیامیز وبا عسل صاف خمیر کن وازان حبها بساز وبر جام
آهنین بزعفران بنویس که بسم الله الرحمن الرحیم یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد
من بعده انه کان حلیما غفورا تمامی جام را این آیه بنویسند
وسه نوبت باب سرد بشوید ودر شیشه پاک کند ودو رق آهو
بستاند وبنویسد بمداد بر آن این آیه را وفاتحة الکتاب وقل هو الله
احد سه بار وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وآیة الکرسی

وآخر سوره حشر که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته خاشعا متصدعا
من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله
الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم وآخر
سوره بنی اسرائیل ودیگر بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا بنویسد که یا من هو هکذا اخبره امسک عن فلان بن
فلانة ما یجده من غلبة البول واگر زن باشد این تعویذ را بر زانوی او
بندد واگر مرد باشد بر زهار او ووقت خواب ازان حبها که از
مد سعد وزعفران ساخته حل کند وقدری ازاب آنها را ناشتا بنوشد
وبگوید من شرب الماء فاذا اذهب ما یجد من غلبة البول الثاء اللهم
جهت دشواری وضع حمل زنان بنویسد و بر ساق چپ زن حامله بندد
بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله کانهم یوم یرونها
لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذا السماء انشقت واذنت
لربها وحقت واذا جاء نصر الله والفتح ورایت الناس یدخلون
فی دین الله افواجا فسبح بحمد ربک واستغفره انه کان توابا
واولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن اخرج باذن الله
من البطن الطیبة منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم

تارةً اخرى ایضاً بنویسد بر ورق آهو و بر ران زن حامله بندد در هفت
نوبت آیة فانّ مع العسر یسرا و بکوبت یا ایّها النّاس اتّقوا ربّکم
انّ زلزلة السّاعة شیء عظیم یوم ترونها تذهل کلّ مرضعة
عمّا ارضعت و تضع کلّ ذات حمل حملها و نیز نقلست که در
وقت زاییدن زن انّا انزلنا بخواند وضع حمل او شود **دفع سپرز**
بخوانند بر کف دست صاحب سپرز سورهٔ اذا جاء نصر الله والفتح تا آخر
سه نوبت و دیگر این آیه را انّ الّذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا تتنزّل
علیهم الملائکة الّا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنّة الّتی کنتم توعدون
سه نوبت بعد از آن هر دو دست را بر سپرز مالد نافعست **ایضا** بنویسد
آیة انّ الله یمسک السّموات والارض تا آخر آیه و انّه من سلیمان و انّه
بسم الله الرّحمن الرّحیم و بر محل سپرز نهد نافعست **دفع قولنج**
روایت کند ابراهیم بن یحیی از ائمّهٔ انام علیهم السّلم که بنویسند از برای این مریض
سورهٔ فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ بربّ الفلق و قل اعوذ بربّ النّاس
و در پایین آن بنویسد که اعوذ بوجه الکریم و بعزّة الله الّتی لا ترام
و بقدرة الله الّتی لا یمتنع منها من شرّ هذا الوجع و من شرّ ما فیه
و من شرّ ما احذر منه و اینها را بر لوح یا بر شانه بنویسد و به آب
باران بشوید و اینکس بناشتا در وقت شام بیاشامد نافع و مباد کسی

انشاء الله تعالی **ایضا** آورده اند که اگر کسی را قولنج گرفته باشد این اسما را برای
خوانند یا بنویسند و به آب بشویند و بخورد او دهند که شفاست انشاء الله تعالی
وله ما سکن فی اللّیل والنّهار وهو السّمیع العلیم اهیا شراهیا یا حیّ
یا قیّوم یا ذا الجلال والاکرام و صلّی الله علی محمّد وآله اجمعین برحمتک یا ارحم
الرّاحمین **دفع قبض شکم** این آیات را بخوانند بر روغن و بر شکم صاحب
مریض مالد یا افشاند بسم الله الرّحمن الرّحیم ففتحنا ابواب السّماء
بماء منهمر و فجّرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر و حملناه
علی ذات الواح و دسر فتحنا علیهم ابواب کلّ شیء باسم فلان بن فلان اولم
یر الّذین کفروا تا آخر آیه همچنین بخواند بر روغن **دفع پیچ شکم** مرویست
از ابی عبدالله علیه السّلم که بنویسید بجهت دفع پیچ شکم که بسم الله المتعلّمون
الّذین لا یعلمون قاعدون فوق ما یأکلون نور الطریقا یسئلون صاحبهم
من النّور العلوی کذلک یشفی فلان ابن فلانه هفت نوبت افسون کند
و بعد از آن روغن بریزد و چون روغن بر جسد او برسد بمالد و بخورد
که برحمة نافع باشد انشاء الله تعالی **ایضا** و همچنین مرویست از ابی عبدالله
که بخوانید بر وی که اذا السّماء انشقّت و اذنت لربّها و حقّت و اذا الارض
مدّت و القت ما فیها و تخلّت بکوبه و اذ قالت امرأة فرعون تا آخر
و ننزّل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین که نافعست و مرویست

از ائمه انام علیهم السلام که افسون مذکور را که اذا السماء انشقت و باقی آنرا
بر آب خواند و بروغن و بصاحب زحمت دهد بعد از آن دست بر شکم او بمالد
و سه نوبت بگوید یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر ثم السبیل
یسره ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها
المخاض الی جذع النخلة والله اخرجکم من بطون امهاتکم کذلک
اخرج ایها الذی باذن الله عز و جل **دفع بواسیر** مرویست از
امام رضا ع که شخصی از بواسیر شکایت نمود فرمود که بنویس و به آب غسل بشوی و بخورد
که نافع است **منقولست** که شخصی نزد امام محمد باقر ع آمد و گفت مرا دختریست و گاهی
در بازوی او سستی پیدا میشود بحدی که قریب است که بیفتد آنحضرت فرمود
که در وقتی که حایض نباشد شیث بپخته بوی ده تا بخورد که نافع است **دفع قولنج و فالج**
و بادهای که از زحمت بشد فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس بر آن موضع
بخواند بعد از آن اعوذ بوجه الله العظیم وعزته التی لا ترام وقدرته
التی لا یمتنع منها شیء من شر هذا الوجع ومن شر ما اجد منه
یا بر شانه یا بر لوحی نویسد و به آب بشوید و بناشتا بخورد یا در محل
خواب بخورد نافع باشد انشاء الله تعالی **دفع دنبل و سوزاکه بر روی آید** بخوانند و بر آن
دمند که بسم الله الرحمن الرحیم ومثل کلمة خبیثة اجتثت
در سورهٔ ابراهیم
تا آخر آیه و منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری

الله اکبر ولا یتکبر الله یبغی وانت لا تبغی والله علی کل شیء قدیر
دیگر هرکه را پیدا شود در روی یا در ساق مشقتی یا زخمی بنویسد بر آن زخم
ولقد خلقنا السموات والارض وما بینهما فی ستة ایام وما
مسنا من لغوب **دفع بهق** بنویسد بر بهق وان من شیء الا عندنا
خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون
او ینفعونکم او یضرون منقولست از امام رضا علیه السلام که خوردن
خربزه بناشتا فالج میآورد **دفع جذام و برص** بنویسند بر آن و بخوانند
بر آن لیند عار اکه بسم الله الرحمن الرحیم یمحو الله ما یشاء ویثبت
وعنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة
رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع باسم فلان بن فلان **ایضا**
مرویست که شخصی نزد ابی عبدالله ع آمد و از برص شکایت کرد فرمود که گل قبر امام حسین ع
به آب باران بیامیز و بخور اگر چنین کنی نافع بود **دیگر** مرویست که شخصی از صحابه گفت
که در بدن من اثر سفیدی برص پیدا شده بود ابو عبدالله ع فرمود مرا که سورهٔ
یس بعسل بر جامی بنویس و بشوی و بیاشام چنین کردم اثر آن تمام برطرف شد
و امام موسی کاظم ع فرمود که شوربای گوشت گاو با بست خشک دفع برص میکند
یونس بن عمار شکایت کرد نزد آنحضرت از سفیدی که در بدن او پیدا شده بود
فرمود که مویز زرد را آب حل کن و آن آب را بیاشام گفت چنین کردم نافع بود

دفع دانهای که در بدن ظاهر شود بگیر پاره نمک و بران بمالد سه نوبت بخوان این آیت را
و بر وی بدم که لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا
من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون
و آن نمک که بر دانها مالیده در تنور انداز علی الفور بازگردد و دفع
زحمت شود انشاء الله تعالی ایضا منقولست که بر سر دانه جو بخوانند که
ومثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها
من قرار و آن سه جو را بران دانها بگرداند بعد ازان در محلی دفن کند
اما این عمل در آخر ماه بهتر است و وقتی که آن جوها کنده شوند آن دانها
برطرف شود انشاء الله تعالی ایضا مرویست که شخصی از امام رضا علیه السلام
التماس کرد که چیزی بدو تعلیم نماید که دفع دانهای اعضا کند که
ثولول گویند فرمود که از برای هر یک ازان یک جو بردار و بخوان بر هر
دانه جوی هفت نوبت این آیات بر و بخوان که اذا وقعت الواقعة
لیس لوقعتها کاذبة خافضة رافعة اذا رجت الارض رجا
وبست الجبال بسا فکانت هباء منبثا و بعد ازان بخوان
ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها
قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا بعد ازان یک یک
ازان جوها را بر دانهای اعضا بمالد و در پارچه از کرباس نو ببندد

وسنگی بران بیاور و در چاه انداز گفت چنان کردم در روز هفتم و هشتم
تمام خوب شد همچون کف دست سزاوار آنست که این عمل در آخر ماه کنند
دفع عرق ... در وقت خارش پیش ازانکه برون آید ویسئلونک عن الجبال
فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا
ولا امتا و چند روز بران بمالد و این آیت را نیز بنویسد او کالذی
مر علی قریة وهی خاویة علی عروشها قال انی یحیی هذه الله بعد موتها
فاماته الله مائة عام دفع صرع وما لنا الا نتوکل علی الله وقد
هدینا سبلنا ولنصبرن علی ما آذیتمونا وعلی الله فلیتوکل المتوکلون
دفع چشم زخم سوره اذا زلزلت را تا آخر و این آیه که فضربنا علی آذانهم نیم
فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما
لبثوا امدا شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم
قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم وقل ادعوا الله او ادعوا
الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک
ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم
یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا لقد جاءکم رسول من انفسکم
عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم

فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو رب العرش العظیم ومن
یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره نافع باشد **در چشم زخم**
روایت کرده معمر بن خلاد که من با حضرت امام رضا علیه السلام بودم در خراسان
پس مرا امر کرد که غالیه جهت او بسازم پس چون غالیه ساختم نظر کرد در ان و تعجب
کرد و فرمود یا معمر عین حقست بنویس در رقعه سوره الحمد و قل هو الله احد و قل
اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی و در شیشه بگذار
ایضا همچنین مرویست از ابی عبد الله عم که عین حقست و ایمن نیستی از چشم زخم تو بر تو
و چشم زخم تو بر غیر تو و هر گاه بترسی از چیزی سه نوبت بگو ما شاء الله
لا قوة الا بالله العلی العظیم **دیگر** فرمود که هر گاه یکی از شما را مهمات
مرتب و مهیا شود بنوعی که تعجب کند باید که وقتی که از خانه بیرون آید
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس بخواند که هیچ مضرت باو نرسد
باذن الله تع **دیگر** فرمود که هر که از برادر مؤمن چیزی بیند که او را بتعجب
آورد باید که بارک الله بگوید که عین حقست و دیگر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که چشم زخم مرد را بقبر و شتر بدیگ و همچنین فرمود که افسون نیست مگر در زهر
گزدم و چشم زخم **دفع خواب** این آیت بخواند بر آب و بر روی و سر
و دستهای خود بمالد **این است** ولما جاء موسی لمیقاتنا و کلمه
ربه قال رب ارنی انظر الیک قال لن ترانی ولکن انظر

الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله
دکا وخر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت الیک
وانا اول المؤمنین **جهت کم شده و گریخته** مرویست از امام رضا علیه السلم
که اگر از تو چیزی کم شود این آیه بخوان که باذن الله تعالی پیدا شود **این است**
وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو ویعلم ما فی البر
والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا حبة فی ظلمات
الارض ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین بعد از ان بگو
اللهم انک تهدی من الضلالة وتنجی من العمی وترد الضالة
صل علی محمد وآل محمد واغفر لی ورد ضالتی وصلی الله علی
محمد وآله **جهت شفاء مرضها** مرویست از رسول الله صلی الله علیه وآله فرمود که
جبرئیل بمن دوایی تعلیم کرده که بدوای دیگر محتاج نیستم گفتند یا رسول الله آن دوا
کدام است فرمود که آب باران ازانکه بزمین برسد بگیرند و در ظرفی
پاک کنند و سوره الحمد را هفتاد بار بران بخوانند و قل هو الله احد و قل اعوذ
هر یک هفتاد بار بعد از ان قدحی از ان در صباح و قدحی از ان در شب بیاشامند
بحق آن که مرا براستی بخلق فرستاده که حق سبحانه تع رحمت از بدن
و استخوان و رگهای او ببرد **دیگر** بیار هفت دانه سیاه و تخمه
هفت دانه عدس و کل قرا امام حسن علیه السلم و هفت قطره عسل یا روغن در آب کند

فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیة الکرسی
و اول سوره حدید تا الی الله ترجع الامور و آخر سوره حشر را بخوان که
نافع باشد مرویست از امام محمد باقر علیه السلام که وننزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین یخرج من بطونها شراب مختلف
الوانه فیه شفاء همه دردها را شفاست و حضرت رسول الله صلعم
فرمود که سیاه تخمه هر زخمی را شفاست مگر از مرگ و ما میگوییم نظیر
کوفه قبری هست که هیچ زخمی نباشد که بدان پناه برد مگر که حق سبحانه و تعالی
او را شفا دهد و آن قبر اطهر حضرت امیر المومنین علی علیه السلام

فصل سیم

در طلب کردن بیماران و صدقه دادن و دعا کردن و نماز گزاردن برای جمیع امراض
روایتست از امام جعفر الصادق ع که آنحضرت از پدر بزرگوار خود روایت کرده
که رسول صلعم فرمود که صدقه مانع مردن بد است و همچنین فرمود که صدقه و صله
رحم آبادان میکند دیار را و زیاده میسازد عمر را دیگر فرمود که هر که در روز
یا در شب صدقه دهد برکت آن صدقه در زیر خانه که فرود آید و از دزدها
ایمن گردد و بد نمیرد و همچنین به برکت آن صدقه در آن شب از بلا ایمن گردد
منقولست از امام محمد باقر ع که نیکویی و صدقه درویشی را می برد و عمر را
زیاده میسازد و هفتاد علت را دفع میکند روایتست از معاذ بن مسلم که
نزد ابی عبدالله ع بودم که جمعی نزد آنحضرت گفتند که مردم ما را درد پیدا شده

آنحضرت

آنحضرت فرمود که بیماران خود را علاج کنید بصدقه و نیست بر شما که جمع قوت روز
خود را اگر مالک آن باشید بصدقه دهید و بدرستی که برات قبض روح مخصص ملک
الموت داده میشود چون آن شخص صدقه میدهد آن برات باز میگردد و احوال خود را نگاه دارید
بزکوة دادن که هر که زکوة مال خود را داده باشد و بسفر رود من ضامنم آن مال را
از تلف روایتست از امام موسی ع که صدقه بلای مبرمی که از آسمان متوجه زمین باشد
مانع میشود مرویست از داود بن زربی که گفت مرا در مدینه تب تندی
پیدا شد خبر به امام جعفر ع رسید مکتوبی بمن نوشت بمضمون اینکه بمن رسید که
ترا تبی پیدا شده باید که یکصاع گندم بخری و بعد از ان بر پشت افتی و آن گندم را
بر سینه خود بیفشانی بهر کیفیت که باشد بگو اللهم انی اسألک باسمک
الذی اذا سألک به المضطر کشفت ما به من ضر و مکنت له
فی الارض و جعلته خلیفتک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان
تعافینی من علتی بعد از ان بنشین گندم را بر اطراف خود گرد کن و همچنین دعا
بخوان و از ان گندم بهر مسکینی یک مد صدقه کن و همین دعا بخوان او نمود که همچنین
کردم گویا از بند خلاص شدم و بسیار از مردان این عمل کردند نافع بود
دیگر حضرت رسول الله صلعم فرمود که هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر قضا امام
جعفر علیه السلام فرمود که دعا بلا را رد میکند اگرچه بلای مبرم باشد روایتست
از ابی الحسن علی ابن موسی الرضا که فرمود بشما باد که دعا کنید بدرستی که دعا و طلب از

حضرت حق جل و علا رد بلا می کند و بلا بر شخصی مقرر شده و هیچ باقی نمانده الا آنکه
جاری شود آن شخص دعا کرد رد بلا از و میشود **مرویست** که سلمان فارسی رحمة الله علیه
نقل کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که آنحضرت فرمود که هیچ چیز عمر را دراز نمیگرداند مگر
نیکویی و هیچ چیز رد قضا نمیکند مگر دعا و حضرت امام محمد باقر ع فرمود و حضرت
امام جعفر ع که هر کس که بپوشاند از خلق بلایی را که از مردم بدو رسیده باشد
و بحق جل و علا شکایت کند از آن بر حضرت حق سبحانه لازم است که او را از آن بلا
خلاص کند **منقولست** از ابی عبد الله علیه السلم که هر که پیش از نزول بلا دعا کند چون
بلا نازل شود دعای او مستجاب شود و ملئکه گویند که این دعاییست که می شناسیم
و دعای او از آسمان محجوب نگردد و هر کس قبل از نزول بلا دعا نکرده باشد
دعای او مستجاب نشود **مرویست** از حضرت امام موسی ع که فرموده که هر دردی را
دوایست و هر رحمتی را دعایی و فاضلترین دعاها صلواتست بر حضرت مصطفی
بعد از آن دعا از برای برادران مؤمن خود در آنچه دوستداری و نزدیک تر
وقتی که بنده بخدا نزدیک باشد وقتیست که در سجده باشد و فرمود که دعا افضل
تر است از خواندن قرآن بجهت آنکه حضرت حق سبحانه و تعالی در قرآن مجید میفرماید
که قُل ما یَعبَؤُا بِکُم رَبّی لَولا دُعاؤُکُم و فرمود که حق سبحانه و تعالی
میفرماید که دعای مؤمن را دیر مستجاب میکند بجهت شوقی که بدعای او دارد
و میفرماید که آوازیست که دوست میدارم شنیدن آنرا و دعای منافق را

زود

زود مستجاب میکند و میفرماید که آوازیست که بدم می آید مرا شنیدن آن آواز
منقولست از ابی عبد الله ع فرمود که هر که از بلایی ترسد پیش از آمدن آن دعا کند حضرت
حق تعالی بلا را از و رد نماید **دعای دفع بیماری** سنتست که بسیار بگوید لا اله الا الله
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت
سبحان الله رب العباد و البلاد و الحمد لله حمدا کثیرا طیبا
مبارکا فیه علی کل حال الله اکبر کبیرا کبریاء ربنا و جلاله
و قدرته بکل مکان اللهم ان کنت مرضتنی روحی فی مرضی هذا
فاجعل روحی فی ارواح من سبقت له منک الحسنی و باعدنی
من النار کما باعدت اولیاءک الذین سبقت لهم منک الحسنی
دفع درد اعضا منقولست از ابی عبد الله علیه السلام که دست خود را بر جای
که درد میکند و سه بار بگوی که الله الله ربی حقا لا اشرک به شیئا اللهم
انت لها و لکل عظیمة ففرجها عنی **دیگر** فرمود که دست بر محلی
که درد میکند بنه و بگو اللهم انی اسئلک بحق قرآن العظیم الذی نزل
به روح الامین و هو عندک فی ام الکتاب علی حکیم
ان تشفینی بشفائک و تداوینی بدوائک و تعافینی من بلائک
و صلی الله علی خیر خلقه محمد و اهل بیته اجمعین **دیگر** منقولست
از آنحضرت که بگوید بسم الله و بالله کم من نعمة الله عز و جل

فی عرق ساکن وغیر ساکن علی عبد شاکره وبعد از نماز فریضه محاسن
خود را بدست راست بگیرد وبگوید اللهم فرج کربی وعجل
عافیتی واکشف ضری وسعی کند که چون این دعا میخواند گریه کند وبخواند
روایت که شخصی گفت که حکایت کردم از دردی که داشتم نزد ابی عبد الله علیه السلام
آنحضرت فرمود که هفت نوبت بگو بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بعزة الله
واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمیع جبروت الله واعوذ
برسول الله واعوذ باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی
ودست بران جا که درد میکند بمال تا قل گوید که چنین کردم خدای تعالی
مرا از ان درد خلاصی داد دیگر از آنحضرت منقولست که دست بنهید
بر جایی که درد میکند وبگوید بسم الله وبالله محمد رسول الله
وعلی ولی الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم امسح عنی ما اجد
وسه بار دست بران بمال منقولست از آنحضرت که فرمود که دست بر بیمار
بنهید وبگوید بسم الله وبالله ومن الله والی الله وما شاء
الله لا حول ولا قوة الا بالله ابراهیم خلیل الله موسی کلیم الله
نوح نجی الله عیسی روح الله محمد رسول الله صلی الله علیه وآله
وعلی ولی الله علیه السلام من ارواح الاوجاع بسم الله وبالله وعزیمة
من الله لفلان بن فلانه لا تقربا الا لکل مسلم واعیذه بکلمات الله

التامات کلها التی سال بها آدم فتاب علیه انه هو التواب الرحیم الا
ترجعین ایتها الارواح والاوجاع باذن الله عز وجل لا اله الا الله
الا له الخلق والامر تبارک الله رب العالمین بعد از ان آیة الکرسی وسورة
الحمد ومعوذتین وقل هو الله احد وده آیة از اول سورة یس بخواند
بعد از ان بگوید اللهم اشفه بشفائک وداوه بدوائک وعافه من بلائک
فانه بحق محمد وآل محمد صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین دفع تب
از امام جعفر صادق ع که رسول صلعم را تب گرفت جبرئیل ع بعیادت آنحضرت آمد وگفت بسم الله
وبالله وشافیک بسم الله خذها فلتهنئک بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم
بمواقع النجوم تبرء باذن الله تعالی تب آنحضرت زایل گردید نقلست از سید ناصح الدین
ابو البرکات مشهدی رحمة الله علیه که از حضرت ابی عبد الله علیه السلام شنیدم که فرمود که گل قبر
امام حسین صلوات الله علیه شفاست از هر حمتی هرگاه کسی خورد بگوید بسم الله وبالله اللهم
اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء انک علی
کل شیء قدیر ونیز فرمود که هر که را علتی پیدا شود وابتدای علاج آن بگل قبر امام حسین
نماید حق جل وعلا او را شفا کرامت فرماید الا علت مرگ منقولست از امام محمد باقر ع
که از اهل بیمار کسی که شفقت ترکی باشد بر دست بر دهن خود نهد وبگوید بسم الله
سه نوبت بعد از ان سه نوبت بکلمات الله التامات بعد از ان دست بر سر
وروی بیمار بمالد برکت آن شفا یابد زراره گوید که امام محمد باقر ع فرمود که هرگاه

یکی از ثمار بر سر بیماری دمید و بگوید اعیذک یا الله العظیم و رب
العرش العظیم من کل عرق نعار و من شر حر النار دیگر نقل میکند
حسن بن ابی نعیم از ابی عبد الله ع که بعضی از اولاد آنحضرت را بیماری پیدا شد فرمود
که بگو ای پسر من اللهم اشفنی بشفائک و داونی بدوائک و عافنی
من بلائک و انی عبدک و ابن عبدک مرویست که حضرت رسول الله صلعم
یکی از اصحاب خود را تعلیم فرمود که دست راست خود را بر موضعی که درد
میکند بنهد و بگوید بسم الله اعوذ بعزة الله و قدرته من شر ما اجد
و همچنین فرمود که هر که بیماری را عیادت کند پس باید که بگوید اللهم اشف
عبدک ینکأ لک عدوا و یمشی لک الی الصلوة و همچنین منقولست که آنحضرت
هرگاه بر سر بیماری میرفت میفرمود امسح الباس رب الناس بیدک الشفاء
لا کاشف للبلاء الا انت و همچنین اذهب الباس رب الناس و اشف
انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک شفاء لا یغادر سقما اللهم
اصلح القلب و الجسم و اکشف السقم و اجب الدعوة و همچنین فرمود
که هر که نزد بیماری رود و بگوید اسأل الله العظیم رب العرش
العظیم ان یشفیک اگر اجلش نرسیده باشد شفا یابد و همچنین فرمود
که بعضی از اصحاب پیغمبر ص بیمار شده بودند آنحضرت را افسونی
که جبرئیل ع تعلیم فرموده بود تعلیم ایشان میفرمود افسون اینست بسم الله

ارقیک بسم الله اشفیک من کل داء یؤذیک من شر النفاثات فی العقد
و من شر حاسد اذا حسد دیگر فرمود که دست خود بر دهن نهد و سه بار
بگوید بسم الله بجلال الله و بعظمة الله بکلمات الله التامات باسمائه
بعد از آن دست بر جایی نهد که درد میکند و سه نوبت بگوید بسم الله
بعد از آن هفت بار بگوید اللهم امسح ما بی شفا یابد و چون شفا یابد
بگوید الحمد لله الذی خلقنی فهدانی و اطعمنی و صحح جسمی و شفانی
له الحمد و له الشکر دفع درد چشم روایت کند محمد بن جعفر از پدرش که گفت
مرا درد چشم بسیار پیدا شد شکایت به ابی عبد الله ع کردم فرمود که چیزی بتو
تعلیم کنم که در دنیا و آخرت ترا نافع باشد و درد چشم تو به آن بشود گفتم بلی فرمود
که در عقب نماز صبح و شام بگو اللهم بحق محمد و آل محمد ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین
فی قلبی و الاخلاص فی عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی
و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی در روایت دیگر هفت بار این دعا بخوانند
بعد از نماز صبح قبل از آنکه برخیزد از جای نماز دفع خوکک منقولست
از امام رضا ع که کنیزکی داشتم خنازیر از گردن او بیرون آمد شخصی نزد من
آمد و گفت یا علی بگو به او که بسیار بگوید یا رؤوف یا رحیم یا سیدی
آن کنیز این اسمها را ورد ساخت خدای تعالی ببرکت آن اسمها او را شفا داد

دفع دشواری وضع حمل این دعا را سه نوبت بر کوزهٔ آب بخوانند و زن حامل آن آب را بعضی
بخورد و بعضی از آن بر میان کمر او و بعضی بر میان پستانها و بعضی بر میان ... او افشانند
بر او آسان گردد به اذن الله تعالی بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ
الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَكِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَرَبِّ
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا
اِلَّا عَشِيَّةً اَوْ ضُحٰيهَا كَاَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا اِلَّا
سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ دفع دشواری بول بخوانند رَبُّنَا اللّٰهُ الَّذِي تَقَدَّسَ
فِي السَّمَاءِ اِسْمُكَ فِي السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ اَللّٰهُمَّ كَمَا رَحْمَتُكَ فِي السَّمَاءِ
اِجْعَلْ رَحْمَتَكَ فِي الْاَرْضِ اِغْفِرْ لَنَا حُوبَنَا وَخَطَايَانَا اَنْتَ رَبُّ
الْعَالَمِينَ اَنْزِلْ رَحْمَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَشِفَاءً مِنْ شِفَائِكَ عَلٰى هٰذَا
الْوَجَعِ فَلْيَبْرَءْ دفع درد زانو ابوحمزه روایت کند که مرا درد زانو
پیدا شده بود نزد امام محمد باقر ع شکایت کردم فرمود که چون نماز بگذاری
بگو که يَا اَجْوَدَ مَنْ اَعْطٰى يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا اَرْحَمَ مَنِ اسْتُرْحِمَ ضَعْفِي
وَقِلَّةَ حِيلَتِي وَاَعْفِنِي مِنْ وَجَعِي گفت چنین کردم صحت یافتم دفع سنگ
مثانه منقولست که امام جعفر ع فرمود در هنگامی که نماز شب بگذارد
در سجود بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ دُعَاءَ الذَّلِيلِ الْحَقِيرِ الْفَقِيرِ الْعَلِيلِ
اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنِ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ وَضَعُفَ عَمَلُهُ

وولج

وَوَلَجَ عَلَيْهِ الْبَلَاءُ وَدُعَاءَ مَكْرُوبٍ اِنْ لَمْ يُدْرِكْهُ هَالِكٌ وَاِنْ لَمْ
تَسْتَنْقِذْهُ فَلَا حِيلَةَ وَلَا تُحِيطَنَّ بِي مَكْرَكَ وَلَا تُثَبِّتْ عَلَيَّ غَضَبَكَ
فَلَا تَضْطَرَّنِي اِلَى الْيَأْسِ مِنْ رَوْحِكَ وَالْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَطُولِ التَّصَبُّرِ
عَلَى الْبَلَاءِ اِنَّهُ لَا طَاقَةَ لِي بِبَلَائِكَ وَلَا غِنٰى لِي عَنْ رَحْمَتِكَ ط
وَهٰذَا ابْنُ حَبِيبِكَ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِهِ فَاِنَّكَ جَعَلْتَهُ مَفْزَعًا لِلْخَائِفِ
وَاسْتَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا سَبَقَ وَمَا هُوَ كَائِنٌ فَاكْشِفْ ضُرِّي وَخَلِّصْنِي
مِنْ هٰذِهِ الْبَلِيَّةِ وَاَعِدْنِي لِمَا عَوَّدْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَعَافِيَتِكَ يَا هُوَ
يَا هُوَ يَا هُوَ اَنْ قَطَعَ الرَّجَاءَ مِنْكَ برای شفای علتها سه روز روزه
بدارد و در روز سیم غسل کند در وقت زوال آفتاب و پارچه کرباس پاکی که موجود دارد و چهار رکعت نماز
بگذارد و آنچه تواند از قرآن بخواند بتضرع چون از نماز فارغ شود جامهٔ خود را بیندازد و جانب
روی راست خود را بر زمین نهد و بگوید يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا مَاجِدُ يَا كَرِيمُ يَا حَنَّانُ يَا قَرِيبُ
يَا مُجِيبُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاكْشِفْ مَا بِي مِنْ ضُرٍّ
وَمَعَرَّةٍ وَاَلْبِسْنِي الْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَامْنُنْ عَلَيَّ بِتَمَامِ النِّعْمَةِ
وَاَذْهِبْ مَا بِي فَاِنَّهُ قَدْ آذَانِي وَغَمَّنِي امام جعفر ع فرمود که نافع نیست مگر برای
کسی که یقین کند که نفع کند برکت آن از آن زحمت خلاص شود دفع بیماری روایت
کرده ابو امامه او از حضرت رسول الله صلعم که فرموده که بنویسید دعای چند و آیتها که مرقوم
میشود در ظرفی پاک و بعد از آن بشویید و بچنین وضو بسازند بجایی که برای نماز وضو میسازند

وسه کف از آن آب برداریده بر روی و بر بدن مالید بعد از آن نماز گذارید و از خدای تعالی
طلب شفا کنید سه روز بدین طریق عمل نمایید حسان گفت تجربه کردیم نافع بود **دعا و آیات اینست**
اعوذ بکلمات الله التامات واسمائه الحسنی کلها عامة
من شر السامة والهامة ومن شر عین اللامة ومن شر حاسد
اذا حسد بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین تا آخر وقل
هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وبرب الناس هریک تا آخر وسه آیه
از سوره البقره الهکم اله واحد وآیة الکرسی وآمن الرسول
تا آخر سوره وده آیه از اول سوره آل عمران ان فی خلق السموات
والارض ویک آیه از اول سوره ن والقلم وآیه از سوره مائده
وآیه اول سوره انعام وآیه اول از سوره اعراف ان ربکم الله الذی
خلق السموات والارض تا رب العالمین قال موسی ما جئتم به
السحر ان الله سیبطله تا آخر آیه والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا
تا حیث اتی وده آیه از اول سوره والصافات **نماز بیمار** نقلست از
اسمعیل بن محمد از عبدالله بن علی بن الحسین علیهم السلم گفت که بیمار شدم بمرتبه که از من
نا امید شدند حضرت ابی عبدالله ع آمد جزع وفزع ما در را دید فرمود بمادر من
که وضو بساز و دو رکعت نماز بگذار و در سجود بگو اللهم انت وهبته لی
ولم یکن فهبته لی هبة مادرم چنین کرد چون صباح شد بیماری من

نمانده بود بمرتبه که طعامی برای من پخته بودند من از آن خوردم **نماز دفع تب** محمد
بن حسن صفار گوید نزد ابی عبدالله علیه السلام رفتم مرا تب گرفته بود از من پرسید که
ترا که لمولی گفتم جان من فدای تو باد تب دارم فرمود که هر که از شما تب دار شود
تنها بخانه رود و دو رکعت نماز بگذارد و دو طرف خد را بر زمین نهد و بگوید
سه بار که یا فاطمه بنت محمد صلی الله علیه وآله وده بار بگوید اشفع بک الی الله
فیما نزل لی بدرستی که شفا می یابد انشاء الله تعالی وهمچنین دو رکعت نماز بگذارد
در هر رکعتی سوره فاتحة الکتاب سه بار وآیه الا له الخلق والامر تبارک الله
رب العالمین بسم الله الرحمن الرحیم نبیک محمد صلی الله علیه وآله
یا محمد استشفع بک علی ربی قضاء حاجتی وهو شفاء المریض
یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام
برحمتک استغیث الآن خفف الله عنکم یرید الله ان یخفف عنکم
ذلک تخفیف من ربکم ورحمة بنویسد وبشوید وصاحب تب بخورد که
نافع باشد **نماز دفع درد سر** دو رکعت در هر رکعتی یکبار فاتحة الکتاب وسه بار قل هو الله
احد واین آیه که رب انی وهن العظم منی واشتعل الرأس شیبا ولم
اکن بدعائک رب شقیا **نماز دفع درد چشم** دو رکعت در هر رکعتی فاتحة الکتاب
یکبار وسه نوبت قل یا ایها الکافرون وآیه وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها
الا هو ویعلم ما فی البر والبحر وما تسقط من ورقة الا یعلمها ولا

حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين

نماز دفع نابینایی ابوحمزه ثمالی نقل کرده که حضرت ابی جعفر ع گفته که کوری
بیک نشست حضرت رسول الله صلعم فرمود که میخواهی که خدای تعالی بینایی چشم ترا باز دهد
گفت بلی آنحضرت فرمود که وضوی تمام بگیر و دو رکعت نماز بگذارد و بگو اللهم
انی اسألك وارغب اليك واتوجه بنبيك نبي الرحمة يا محمد
انی اتوجه الی الله ربی وربك ان ترد علی بصری هنوز حضرت رسول صلعم
نشسته بود که حق تعالی بینایی چشم او باز داد رسول صلعم فرمود که یا سلمان درد
دارد برخیز و نماز بگذار که نماز دفع درد گردن دو رکعت نماز بگذارد در هر
رکعتی سوره الحمد یکبار و سوره اذا زلزلت سه بار بخواند که نافع است نماز دفع درد سینه
چهار رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی الحمد یکبار و در رکعت اول بعد از الحمد سوره الم نشرح
بخواند و در رکعت دویم بعد از الحمد سه نوبت قل هو الله احد و در رکعت سیم بعد از الحمد
والضحی و در رکعت چهارم بعد از الحمد این آیه بخواند یعلم خائنة الاعین
وما تخفي الصدور نماز دفع قولنج دو رکعت در هر رکعتی الحمد یکبار و
یکبار آیه ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر نماز گریخته دو رکعت
در هر رکعتی بعد از الحمد چهار آیه از اول سوره حدید و از آخر سوره حشر از
لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر سوره بخواند و بگوید یا من هو کذا
الا هو کذا امره اجعل الدنیا علی فلان اضیق من جلد جمل

حتی

حتی یرده علی نماز دفع درد پا دو رکعت در هر رکعتی الحمد یکبار و آمن الرسول
تا آخر سوره البقره بخواند که نافع است نماز دفع وجع دو رکعت نماز بگذارد و دست
خود را بر روی خود نهد و حضرت محمد صلعم را شفیع سازد بحضرت حق تعالی
و سه بار بگوید بسم الله اخرج علیك یا وجع من عین الانس و عین الجن
اخرج علیك بالذی اتخذ ابراهیم خلیلا وکلم الله موسی تکلیما وخلق عیسی
من روح القدس لما هدیته وطفیت کما طفیت نار ابراهیم باذن الله

نماز پیدا شدن گم شده از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که دو رکعت نماز بگذارد در
هر رکعتی بعد از الحمد سوره یس بخواند چون فارغ شود دستها بسوی آسمان بردارد
و بگوید اللهم راد الضالة والهادي من الضلالة وصلی الله علی محمد و آل
محمد واحفظ علی ضالتی واردده الی سالمة یا ارحم الراحمین
فانها من فضلك وعطائك یا عباد الله في الارض ردوا علی ضالتی
فانها من فضل الله وعطائه و همچنین منقولست از آنحضرت اللهم
لا اله الا انت ملك السموات و ملك الارض علی کذا اضیق من
جلد جمل حتی تمکننی منه انك علی کل شیء قدیر و در دعا
منقولست که امام جعفر الصادق ع فرمود که هر که را بنده بگریزد آیة
الکرسی را مدور بر کاغذ بنویسد و در میان آن این دعا بنویسد
اللهم السماء لك والارض لك وما بینهما لك فاجعل ما بینهما لك

أضيق فلان من جلده جسما حتى يرده علي ويظهر لي به وابن دعا را بخواند
وان کاغذ را در محلی که آن بنده گریخته از ان خوابگاه دفن کند و سنگی
بر بالای آن نهد و همچنین بنویسد و بخواند اللهم انت جبار في السماء
وجبار في الارض ومالك في الارض والذي في السماء والذي في الارض
رد علي ضالته وحفظه **دفع تب** بسم الله ذي العز والكبرياء والجود
این دعا بر سه پاره کاغذ بنویسد بقلم باریک چنانچه نتوان خواندن وان
کاغذها مدور بهم بپیچد وصاحب تب هر روز یکی را بناشتا بخورد نافع و مجرب
ایضا بنویسد بر پاره قند عقدت باذن الله و بر یکی دیگر بنویسد
شکنت باذن الله و بر دیگری شددت باذن الله وصاحب تب
هر روز بناشتا یکی از ان بخورد **دیگر** برای رات صاحب تب بنویسد
بسم الله یا حمی الماضیة المستمضة بالذی في السماء عرشه
وبالذی کلم موسی تکلیما واتخذ الله ابراهیم خلیلا وبعث
محمدا وبالحق نبیا کما خرجت من العظم الی اللحم الی الجلد
ومن الجلد الی الارض ولکن فیهما ولا حول ولا قوة الا بالله العلی
العظیم وصلی الله علی محمد وآل محمد وسلم تسلیما **دیگر** بنویسد از آیات
بر کاغذ و بر پیشانی بندد و هفت گره بران ریسمان بزند **اینست**
بسم الله الرحمن الرحیم وبالحق انزلناه وبالحق نزل وننزل من القرآن

ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین یا نار کونی بردا وسلاما علی ابراهیم وارادوا
به کیدا فجعلناهم الاخسرین یا الله یا الله یا الله یا رحمن
یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم اسکن بقدرة الجبار العظیم و
بقدرة الله المنان الکریم وقل اعوذ برب الفلق وبرب الناس نیز بنویسد
ایضا از امام جعفر صادق ع روایتست که رسول صلعم را تب گرفته بود جبرئیل
نزد آنحضرت آمد و گفت بسم الله ارقیك تا آخر این دعا بخواند که پیش ازین
مذکور شد **سقوط تب** از امام رضا ع که کنیزی نزد من قدر و منزلتی داشت
شکوه کرد بمن از تب ومن در خواب شخصی دیدم که بمن گفت بگو بآن کنیزک
که بگوید یا رباه یا رباه یا سیداه صلی الله علی محمد وآله واهل بیته
واکشف عنی یا احد چون چنین گفت خلاص شد **فصل چهارم در افسون کردن و دعوات**
واسماء الله وغیر آن بخواندن ودمیدن ونوشتن آن برای بیماران
دفع تب و درد مرویست از ائمه انام علیهم السلام که بنویسد بر ورق آهو و برصاحب تب بندد
اللهم انی اسألك بعرشك وقدرتك وسلطانك وما احاط به علمك
ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تسلط علی فلان بن فلان شیئا ما خلقت
بسوء وادخل جلده الرقیق وعظمه الدقیق من فوره الحریق اخرجی
یا ام ملدم یا آکلة اللحم وشاربة الدم حرها وبردها من جهنم
ان کنت آمنت بالله الاعظم ان لا تأکلی لفلان بن فلان لحما ولا تمصی له

دمآءً وَلَا تَرهَکِی لَهُ عظماً وَلا تفوری علیهِ غمّاً وَلا تَهجِی علیهِ صداعاً
وَانتقلی من شعرهِ وبشرهِ ولحمهِ ودمهِ الی من زعم اَنّ مع اللهِ الهاً
آخر لا اله الا هو سبحانه وتعالی عمّا یشرکون واسم ذمّی را یاد دشمن خدا
ایضاً ریسمانی از پنبه هفت تار بتابد و فاتحة الکتاب و قل هو الله احد و معوذتین
بخواند و هفت گره بر آن ریسمان زند و بر گردن صاحب حب بندد و بعضی گفته اند که
بر هر گرهی یکبار این سورها بخواند **دیگر** و حرز حضرت محمد صلعم بجهت فاطمه
و خاصه از برای او و هر مؤمنی که اقرار بحق داشته باشد و له ما سکن
فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم ٥ یا ام ملدم ان کنت بالله العلی العظیم ٥
ورسوله الکریم فلا تهشمی العظم ولا تاکل اللحم ولا تشربی الدم
اخرجی من حامل کتابی هذا الی من لا یؤمن بالله العظیم ورسوله
الکریم وآل محمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وآله الاطهار
دفع تب ربع نقلست که شخصی نزد حضرت امام رضا علیه السلام امد آنحضرت
بدو گفت چیست ترا که رنگ تو زرد است گفت تب ربع مرا زحمت میدهد
آنحضرت دوات و قلم طلب نمود و نوشت که بسم الله الرحمن الرحیم ٥
بسم الله وبالله الجسد هو زحطی عن فلان بن فلانة باذن الله بعد
از آن در آخر کاغذ هفت نوبت خاتم سلیمان پیغمبر صلی الله علیه نقش کرد
بعد از آن بپیچید و ریسمانی طلب فرمود که آب دهن یا آب دیگر بآن نرسیده باشد
آورد و گرهی بر آن زد و نزدیک دهن خود آورد و از یک جانب چهار گره بر آن زد

و بر هر گرهی فاتحة الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس
و قل هو الله احد و آیة الکرسی خواند و بر جای دیگر سه گره زد و بهمان دستور
بر گرهها سورهای مذکوره را خواند و بآن شخص داد که بر بازوی خود ببندد و با آن
جماع مکند **دیگر** نقل کرده که حضرت ابو الحسن علیه السلام فرمود که جهت تب ربع
بر دست راست او بنویسد که بسم الله جبرئیل و بر دست چپ او بنویسد که
بسم الله میکائیل و بر پای راست او بسم الله اسرافیل و بر پای چپ او بنویسد
بسم الله لا یرون فیها شمساً ولا زمهریراً و بر میانه هر دو شانه او
بنویسد بسم الله العزیز الجبار **دعای دفع درد سر مجرب** روایتست که
که ملک نجاشی را درد سر بود بحضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله
چیزی نوشت و طلب دعا از و کرد حضرت رسول این حرز را فرستاد و بر کلاه خود
دوخت درد سر او تسکین یافت **حرز اینست** بسم الله الرحمن الرحیم ٥
بسم الله الحق المبین ٥ شهد الله انه لا اله الا هو والملئکة واولوا
العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ٥ ولله نور
حکمته وعز وقوة وبرهان وقدرة وسلطان ورحمة
یا من لا ینام لا اله الا الله ابراهیم خلیل الله ٥ لا اله الا الله موسی کلیم الله
لا اله الا الله عیسی روح الله وکلمته لا اله الا الله محمد رسول الله وصفیه
وصفوته صلی الله علیه وآله اجمعین ٥ اسکن سکنتک صداع فلان بن فلان

بما سكن له ما فی السموات والارض ویکن ما فی اللیل والنهار
وهو السمیع العلیم رجاء حیث اصاب والشیاطین الی الی الله
تصیر الامور وصلی الله علی محمد وآله اجمعین برحمتك یا ارحم الراحمین
دفع درد شقیقه بنویسد این دعا را بر ورق آهو یا کاغذ اگر مرد باشد بر سر نهند
واگر زن باشد بر میان که موی پیش سر نهند بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله من الارض فی السماء دفع درد چشم قدری پیه بردارد
و بر چشم نهند و این دعا بخواند عین الشمس فی لجة البحر یا نار کونی بردا
وسلاما علی ابراهیم ایضا سلمان بن عیسی روایت کند که مرا درد چشم عظیم بود
روز دیگر که من بخدمت او رفتم اثری از درد چشم آنحضرت بیافتم پرسیدم
که تعوید کردم و نوشتن تعوید را بمن داد ایت اعوذ بعزة الله
واعوذ بقوة الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ
بجلال الله واعوذ ببهاء الله واعوذ بجمیع اسماء الله واعوذ برسول الله
صلی الله علیه وآله علی ما اجد واخاف علی عینی واجد من وجع
عینی اللهم رب الطیبین واکشفنا عنك غطاءك فبصرك الیوم
حدید فنظر نظرة فی النجوم فقال انی سقیم وصورکم فاحسن
صورکم ورزقکم من الطیبات فتبارك الله رب العالمین یا علی
یا عظیم یا کبیر یا جلیل یا فرد یا وتر یا رب لا تذرنی فردا وانت خیر

الوارثین بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا حلیم یا علی یا عظیم یا جلیل
یا جمیل یا فرد یا وتر اسالك الا تدعنی فی قبری فردا وانت خیر
الوارثین وان کنت الا ولحد الصلوة فی قبری بما د فنی حا
یا رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین دفع خون از دماغ آمدن
بخواند و بنویسد و بر دماغ انکس بدارد ~~تا ببوید~~ که خون از دماغ
آید یا من حمل الفیل من بیتك الحرام اسکن دم فلان بن فلان
و آب یخ را بر پیشانی و سر او بریزند باز ایستد باذن الله تعالی دفع درد دندان
چوبی با آهنی بر دندان نهد و هفت نوبت بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
العجب کل العجب دودة تکون فی الفم تاکل الطعام وینزل
الدم انا الواقی والشافی والکافی لا اله الا الله والحمد لله
رب العالمین واذ قتلتم نفسا فادارءتم فیها والله مخرج ما
کنتم تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلك یحیی الله الموتی
ویریکم آیاته لعلکم تعقلون ایضا حضرت فاطمه نزد حضرت
آمد و شکایت نمود از درد دندان حضرت رسول صلعم انگشت مبارك
خود را بر دندان وی نهاد و گفت بسم الله وبالله اسالك بعزتك وجلالك
وقدرتك علی کل شیء ان مریم لم تلد غیر روحك وکلمتك ان
تکشف ما تلقی فلان بن فلان من الضر کله تسکن ما بها کما سکن وما

وما زادت منه شیئا بعدها دفع درد شکم مرویست که شخصی نزد حضرت
امیر المؤمنین علی علیه السلام آمد و گفت درد شکم دارم یا امیر فرمود که زن داری
فرمود بلی گفت چیزی که او دوست دارد از و طلب کن و بر آن عسل بخر و آب
باران بر و بریز و بیاشام بدرستی که حق تعالی در کتاب لازم التکریم خود فرموده
وانزلنا من السماء ماء مبارکا یعنی فرستادیم ما از آسمان آب با برکت را
وهم فرمود یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء
للناس یعنی بیرون می آید از شکم زنبور و شیرینی که مختلف است رنگهای
آن و در آنست شفای مردمان و نیز فرموده که فان طبن لکم عن شیء منه
نفسا فکلوه هنیئا مریئا یعنی اگر دوست دارند زنان شما را از مال خود
پس بخورید آنرا که سازگار و گوارنده است پس هرگاه جمع شوند برکت و شفا
و گوارندگی یابی انشاء الله تعالی راوی گوید که چنان کردم شفا یافتم دفع درد تهیگاه
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که هر که را از شما درد تهیگاه باشد
سزاوار آنست که دست خود را سه بار بر آن بمالد و هر بار بگوید اعوذ بعزة
الله وقدرته علی ما یشاء من شر ما اجد دفع درد شکم و درد دل دست خود را
بر محلی که درد میکند بنهد و بگوید اعوذ بعزة الله وجلاله ومن
شر ما اجد و دست دیگر خود را بر آن محل نهد که درد میکند و بگوید
سه نوبت بسم الله دفع زحیر عثمان بن عیسی گوید که شخصی بخدمت ابی عبد الله

شکایت کرد از زحیر آنحضرت فرمود که چون از نماز شب فارغ شوی بگو
اللهم ما کان من خیر فمنک لا حمد لی فیه وما عملت من سوء فقد حذرتنیه
لا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی ما لا حمد لی
او آمن ما لا عذر لی فیه دفع درد رحم بسم الله وبالله الذی باذنه
قامت السموات والارض فان مریم بنت عمران لم وجع الارحام
کذلک یشفی الله فلانة بنت فلانة من وجع الارحام اسلم بسم الله
الحی القیوم بسم الله المستغاث بسم الله علی ما هو کائن وعلی ما
کان واشهد ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل
شیء علما هحه که ااا مهه مهه مهه مهه مد حام
بسم الله الرحمن الرحیم محمد رسول الله والذین معه اشداء
علی الکفار رحماء فانا آخر اجیبوا داعی الله عزمت علی سامعة الکلام
الا اجابته هذا الخاتم العزایم الله الشدید التی تزهق الارواح ولا
فواد احبس بسم الله الذی قام السموات والارض ائتیا طوعا او کرها
قالتا اتینا طائعین وصلی الله علی النبی و آله الطاهرین ابن الجوا
یا با خود دارد دفع بول در خواب بنویسد بر ورق آهو و با خود دارد
هف هف هد هد هف هف هات هات انا له کف کف کف هف هفف
هفف هفف مهم مستسعر لم قل هو الله احد الغالب من حیث یستخیر العدو

ابلیس سبح لبنی آدم کالذی سجد لآدم والملئکة باذن الله انه کریمة فلان بن فلان
٥٥٥ ٥٥ شددت بورة سوره سوره صفه صفه ختمت لخاتم سلیمن بن
داود والله رب العالمین دشواری وضع حمل زنان بنویسید بر دو پارچه سفال کز
آب ندیده باشد و زن هر یک را در زیر یک پای نهد اللهم یا فارج الهم
وکاشف الغم ورحمن الدنیا والآخرة ورحیمهما ارحم فلان بنت فلان
رحمة یغنیها بها من رحمة جمیع خلقک تفرج بها کربتها وتکشف
بها غمها وتیسر ولادتها وقضی بینهم بالحق وقیل الحمد لله رب العالمین
و بروایتی دیگر بنویسید این شکل را و بر ران راست زن ببندد و بنویسید
این شکل را و بر ران چپ او ببندد ومنها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها
نخرجکم تارة اخری یا خالق النفس من النفس ومخلص النفس من النفس
فرج عنها خالصة سویا باذن الله عز وجل شکل اینست

[illegible]	[illegible]	[illegible]

از برای زنی که دنبالی می باشد بتابد ریسمانی از پشم اشکر بکار دو بایستر امش
جدا کند و هفت کره بران زند و بر هر کرهی سه بار فاتحة الکتاب بخواند
و بعد از آن سه بار بر آن ریسمان سه بار این دعا بخواند بسم الله الاحد المحصی العدد
القریب البعید الظاهر عن الولد العالی عن ان یولد الجبار وعد العزیز
بلا عدد القوی بلا مدد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد
یا خالق الخلیقة یا من السموات بقدرته درجاته یا من الارض بعزته مدحوة

یا من الجبال بارادته مرساة یا من نجی صاحب الغرق ومن کل آفة وبلیة
وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله وسلم واشف اللهم فلان بن فلان بشفائک ودوائک
بدوائک وعافه من بلائک انک قادر علی ما تشاء وانت ارحم الراحمین
وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین دفع درد دل منقولست که کفته اند کاردی
بردارد و بر محلی که درد میکند اجر لحت و غیر آن بمالد و بکوید اذ قبلت من
الحد والحذر ومن الاثر العود من الحجر الملبود ومن العرق العاثر ومن
الورم الاخر ومن العظم ومن التراب وبرده بسم الله فتحت بسم الله
بعد از آن کارد را بر زمین زند ایضاً منقولست از امام رضا علیه السلام که نظر
کنید که اول شب بیرون می آید و قبضه خاک بردارد و بران محل بمالد که درد
میکند و بکوید بسم الله وبالله ورایتنی وکم ارک سوء عود بصر الله
یخفی اثرک ما دفع تا لیلی معک دفع آبله که در بدن پیدا شود خطی مدور
بران بکشد و بعد از آن در میان آن بنویسید که یوما یوما ما او علی اصوا تا
وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر
بما تعقلون وهمچنین صباح بناشتا بنویسید که هر بقیه هر بقیه
حسنی تحت الطریقه وهمچنین صباح بنویسید قهر بد قهر اکرهن
کروهن بالا وخشک بلا بحق القدوس نوعی دیگر بنویسید این شکل را و بر
بازوی او ببندد که بیرون نیاید و اگر بیرون آمده باشد بیشتر بیرون نیاید

درلوگیمو سی از وما بود ماری

نوع دیگر بنویسید این شکل چهار در چهار را از برای

آبله و بر بازوی انکس بندد

١٦	٣	٢	١٣
٥	١٠	١١	٨
٩	٦	٧	١٢
٤	١٥	١٤	١

دفع عقرب و مار امام جعفر ع

فرمود که بخوانید در شبنگاه این دعا را بِسْمِ اللهِ و بِاللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَخَذْتُ الْعَقَارِبَ وَالْحَيَّاتِ كُلَّهَا بِاِذْنِ اللهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِاَفْوَاهِهَا
وَاَذْنَابِهَا وَاَسْمَاعِهَا وَاَبْصَارِهَا وَقُوَاهَا عَنِّي وَعَنْ مَنْ اَحْبَبْتُ اِلَى الصُّبْحِ
النَّهَارِ اِنْ شَاءَ اللهُ تعالی **ایضا** دیگر فرمود که بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَتَوَكَّلْتُ
عَلَى اللهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللهَ بَالِغُ اَمْرِهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي
فِي كَنَفِكَ وَفِي جِوَارِكَ وَاجْعَلْنِي فِي حِفْظِكَ وَاجْعَلْنِي فِي
اَمْنِكَ **نوع دیگر** انحضرت فرمود که جماعتی نزد رسول الله صلعم آمدند
و از عقربها شکایت بانحضرت کردند فرمود که در صباح و شب این دعا بخوانید
اَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ
الَّذِي يَحْفَظُ جَارَهُ مِنْ شَرِّ مَا وَرَاءَهُ وَمِنْ شَرِّ بَرَاءِهِ وَمِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ
وَشِرْكِهِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبِّي
عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که در شب این دعا
بخواند من ضامن ویم صبح از عقرب و گزند ایمن باشد بِسْمِ اللهِ
الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ اخ و ما سكه ملائكه

سوا سو مار و امار دا او اقوی مرادی من لم هدیا بسم الله خاتم و با الله
الخاتم چون مار را به بیند سه بار بخواند بایستد و زبانرا بیرون کند و مار را بگیرد
دفع مار در خانه اگر خواهد که مار در خانه نیاید بنویسید بر چهار قطعه و در چهار
طرف خانه دفن کند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ هجه و مهجه و مهوب بحا
و اطود **دفع کیک** بگوید اَيُّهَا الْاَسْوَدُ الْوَثَّابُ الَّذِي لَا يُبَالِي غَلَقًا وَلَا بَابًا
عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِاُمِّ الْكِتَابِ اَنْ لَا تُؤْذُونِي وَلَا اَصْحَابِي اِلَى اَنْ يَنْقَضِيَ
اللَّيْلُ وَيَجِيءَ الصُّبْحُ بِمَا جَاءَ بِهِ وَالَّذِي يَعْرِفُ اِلَى اَنْ يَؤُبَ الصُّبْحُ بِمَا بَ
دفع سحر بردارد قطعهٔ پشم که آب بدو نرسیده باشد و بتابد و بر و
هفت گره بزند و بگوید خَرَجَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ عَلَى حِمَارٍ اَقْمَرَ يُرِيدُ خَسْرًا وَلَمْ
يَرْهَضْ اَنَا اَرْقِيكَ وَاللهُ عَزَّ وَجَلَّ يَشْفِيكَ و ببندد در محل رهضه
ایضا محمد بن عیسی گفته که از حضرت امام رضا ع پرسیدم از سحر گفت
حقست باذن الله تعالی مضرت میرساند پس هر گاه سحر بتو رسد دستهای خود را
بردار روی خود و بخوان بر و کرد بِسْمِ اللهِ الْعَظِيمِ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
لَا ذَهَبْتَ وَانْقَرَضْتَ **دفع چشم زخم** از حضرت امام رضا علیه السلم از
چشم زخم پرسیدند فرمود که چشم زخم حقست پس هر گاه چشم زخمی بتو رسد
هر دو دست را برابر روی خود بردار و الحمد لله رب العالمین و قل هو الله احد
و قل اعوذها بخوان و دستهای خود بر طرف پیشانی خود بمال که نافع است

ایضاً بنویسید بر ورق آهو و بیاویزد بر آنکس که سحر کرده اند بر و که
قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل
المفسدین فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون فغلبوا هنالك
وانقلبوا صاغرین وهفت بار سنشد عضدك تا ومن اتبعك
الغالبون منقولست از ذران که بدمند در سوراخ بینی از جانب راست چهار نوبت
و بر بینی چپ سه نوبت بعد از آن بگوید بسم الله لا باس اذهب الباس
رب الناس واشف انت الشافی لا یکشف الباس الا انت فصل نجم دعا
از همه باب لایق این کتاب حرز حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلم در دفع سحر و صرع
و خوف از سلطان و در دفع آنچه مردم از و ترسند و از دزد و از مار و عقرب
و هر چه گزند و مضرت رساند با خود دارند ایمن باشند از جمیع آنچه ذکر شد
حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم اکوش اکوش اکوش ادشش
عطیطیطح یا منططرون قریا لسون ما وما ساما سو یا ما طیطشا
لوش خبطوش خبطوش مشفقیش افطیعینوش هذا وهذا وما کنت
من الشاهدین اخرج بقدرة الله منها ایها اللعین بعزة رب العالمین
اخرج منها ولا کنت من المسجونین اخرج منها فما یکون لك ان تتکبر فیها
فاخرج انك من الصاغرین اخرج منها مذءوما مدحورا ملعونا کما
لعنا اصحاب السبت وکان امر الله مفعولا اخرج یا ذوی المخزون اخرج

یاسو دسور بالاسم المخزون یا میطظرون طرعون مراعون تبارك الله احسن
الخالقین یا هیا شراهیا حیا قیوما بالاسم المکتوب علی جبهة اسرافیل
اطرد عن صاحب هذا الکتاب کل جنی وجنیة وشیطان وشیطانة وتابع وتابعة
وساحر وساحرة وغول وغولة وکل منبعث وغاث بنغیث ما بین آدم
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وصلی الله علی محمد وآله اجمعین
صرصرصرصرصرم م سرمرحلد ابل ومرحلد وابد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله
طیز شددت افواه الجن والانس والشیاطین والسحرة وابالسة الجن والانس والشیا
والسلاطین ومن یلوذ بهم بالله العزیز الاعز وبالله الکبیر الاکبر بسم الله
الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی اقام السموات والارض ثم استوی علی
العرش بسم الله الرحمن الرحیم ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون
ما لکم لا تناصرون قال اخسئوا فیها ولا تکلمون وعنت الوجوه
للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا
تسمع الا همسا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا
واذا ذکرت ربك فی القرآن وحده ولوا علی ادبارهم نفورا واذا
قرءت القرآن جعلنا بینك وبین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا
مستورا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم

فهم لا يبصرون ۝ اليوم نختم على افواههم وتكلمنا ايديهم وتشهد ارجلهم
بما كانوا يكسبون ۝ لو انفقت ما في الارض جميعا ما الفت بين قلوبهم
ولكن الله الف بينهم انه عزيز حكيم وصلى الله على محمد وآله اجمعين ۝

حرز حضرت امام رضا عليه السلام واين را دعاء الحجب گويند بسم الله الرحمن الرحيم ۝
اعوذ بالرحمن منك ان كنت تقيا اخسئوا فيها ولا تكلمون اخذت
سمعك وبصرك وبسمع الله وبصره واخذت قوتك وسلطانك
بقوة الله وسلطانه الله الحاجز بيني وبينك ما حجز به انبياءه ورسله
وبرهم من الفرعنة وسطوتهم جبرئيل عن يميني وميكائيل عن يساري
ومحمد امامي والله محيط بي يحجزك عني ويحول بينك وبيني بحوله وقوته
حسبي الله ونعم الوكيل ما شاء الله كان وما لم يشاء لم يكن الله
لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم له ما في السموات
وما في الارض من ذا الذي يشفع عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم
وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه
السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم ۝
لا اكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي فمن يكفر بالطاغوت
ويؤمن بالله فقد استمسك بالعروة الوثقى لا انفصام لها والله
سميع عليم ۝ الله ولي الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات الى النور

والذين

والذين كفروا اولياؤهم الطاغوت يخرجونهم من النور الى الظلمات اولئك
اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم

حرز حضرت امير المؤمنين عليه السلام بسم الله الرحمن الرحيم ۝ بسم الله وبالله
رب احترزت بك وتوكلت عليك وفوضت امري اليك رب
الجأت ضعفي الى قوتك مستجيرا بك مستنصرا لك
مستغيثا بك على ذوي التعزز ضررت علي والقهر لي والقوة على
ضيمي والاقدام على ظلمي يا رب اني في جوارك رب فاقهر عني قاهري
بقوتك واوهن عني مستوهني بقدرتك واقصم عني ضائمي ببطشك
رب واعذني بعياذتك بك امتنع عائذك رب وادخل علي
في ذلك كله سترك من يسترك فهو من المحفوظين لا حول ولا
قوة الا بالله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم
يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا ۝ ومن يكن ذا حيلة في نفسه
او حول في تقلبه او قوة في امره في شيء سوى الله عز وجل فان
حولي وقوتي وكل حيلتي بالله الواحد الاحد الصمد الذي لم
يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ۝ كل ذي ملك مملوك لله وكل
مقتدر قواه بقدرة الله وكل ظالم فلا محيص له من عدل الله
وكل متسلط ذاهب مد لسطوة الله كل شيء ففي قبضة الله صغر

کل جبار فی عظمة الله ذل کل عنید لبطش الله استظهرت عدو
ودرأت فی نحره کل عاق ضربت باذن منی وبین کل مترف ذی
سطوة وجبار ذی نخوة ومتسلط ذی قدرة وعاق ذی مهلة ووالد ذی
امرة وحاسد ذی صبغة وماکد ذی مکیدة وکل معان او معین علی
فضالة معزة او حیلة موذیة او سعایة ملیبة او حیلة مردیة وکل
طاقة ذی کبریاء او معجب ذی خیلاء وعلی کل نفس فی کل مذهب
واعددت لنفسی وذریتی منهم حجابا بما انزلت فی کتابک والحکمة
من وحیدک الذی لا تؤتی بسورة من مثله وهو الکتاب العدل العزیز
الجلیل الذی لا یأتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل من حکیم
حمید ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة ولهم
عذاب عظیم وصلی الله علی محمد وآله اجمعین **دفع تب** این حرز است
که فاطمه بسلمان علیهما الرحمة تعلیم فرموده بود و سلمان گفت که بیش از هزار
کس از اهل مدینه ومکه که ایشان را تب بودی ببرکت این حرز شفا یافتند
حرز تب بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله
نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله الذی
خلق النور من النور وانزل النور علی الطور فی کتاب مسطور بقدر
مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور وبالفخر مشهور

علی السراء والضراء مشکور وصلی الله علی محمد وآله الطیبین
باب دوازدهم در نکتهای نوادر این کتاب که واقع است در هر باب بعضی بر
فصل اول در ذکر حقوقی که بر آدمی لازم است **روایت** از کلام امام زین
العابدین اسماعیل فضل روایت کند از ثابت بن دینار الثمالی واو از حضرت امام زین العابدین
فرموده که حق خدای تعالی بر تو آنست که تو او را بیکانکی بپرستی وهیچ چیزی را با او در عبادت
او شریک نسازی هرگاه که چنین کردی باخلاص حق سبحانه وتعالی امور دنیا وآخرت ترا بر می آورد
واز عقوبت خلاص میکردی وحق نفس تو بر تو آنست که او را بکار خدای کار فرمایی وحق
زبان آنست که او را عادت بخیر گفتن کنی وترک زیادتیها که فایده در ان نباشد وبا مردم
نیکویی کردن وبا ایشان سخن خوش گفتن وحق گوش بر تو آنست که او را از شنیدن غیبت
باز داری واز آنچه شنیدن آن حلال نیست نگاه داری وحق چشم آنست که از آنچه
دیدن او حلال نیست بپوشانی وبه آن نظر کنی در صنع الهی واز چیزها عبرت گیری وحق
دست آنست که آنرا بر چیزی که بر تو حلال نباشد دراز نکنی وحق پای آنست که نروی جایی
که رفتن آنجا بر تو حلال نباشد که به آن پای بر صراط باید رفت تا نلغزد ودر آتش نیفتی
وحق شکم آنست که آنرا از ظرف حرام نگردانی وزیاده بر سیری نخوری وحق فرج آنست
که او را از زنا نگاه داری ومحافظت آن کنی تا دیگری او را نه بیند وحق نماز آنست
بدانی که ترا بجانب حق میکشد ودر وقت نماز نزد حق جل وعلا ایستاده پس هرگاه که می
ایستی در مقام ذلت وخواری وحقارت وبی اعتباری وراغب وترسنده امیدوار وتضرع کننده

دبردگاه کردگار تعظیم کند کسی را که نزد او ایستاده بسکون و وقار و روی دل آوری
بجانب نماز و حدود و حقوق که تمام بجای می آوری بفرموده حضرت کارساز و حق حج
آنست که بدانی که آن وسیله ایست که میکشد ترا بجانب پروردگار و گریختن بسوی او
از گناهان و درست قبول توبه و ادای فرضی که بر تو واجب گردانیده حضرت حق و حق
روزه آنست که بدانی که آن حجابیست که خدای تعالی بر زبان و چشم و گوش و فرج تو پوشانیده
به آن ترا از آتش دوزخ و اگر روزه نگیری پرده حق را دریده باشی و خود را رسوا [illegible]
و حق صدقه آنست که بدانی که ذخیره آخرت تست نزد حق تعالی و امانتیست که حاجت
بگواه ندارد و آنچه تو پنهان بدهی اعتماد بر آن بیشتر است که بظاهر دهی و بدانی
که دفع بلاها میکند از تو در دنیا و در آخرت دفع آتش دوزخ و حق قربانی آنست که بجهت
رضای خدا کنی نه بجهت خلق و نخواهی از آن الا برسیدن رحمت حق و نجات و خلاص
از آتش سقر در روزی که نباشد ترا هیچ مفر و حق سلطان آنست که بدانی که ترا فتنه او
گردانیده اند و آنکه او بسلطانی بر شما باید که ببدی او تعرض نکنی که بدست خود خود را بتهلکه
انداخته باشی و علم شرکت بر افراخته باشی در آنچه بتو از جانب او رسد از بدی و حق معلم
آنست که تعلیم مجلس او کنی و گوش بسخن او نیکو بداری و متوجه او باشی و آواز بر او بلند
نکنی و نومید نگردانی کسی را که از او سؤال کند از چیزی الا آنکه خود جواب دهد و در
مجلس او با دیگری سخن نگویی و نزد او غیبت هیچکس نگویی و هر کس که نزد تو بد او گوید
دفع آن از او کنی و اگر عیبی داشته باشد بپوشانی و اظهار نیکوییهای او نمایی و با دشمنان

همنشین

او نشینی و با دوستان او دشمنی نکنی هرگاه که چنین کردی فرشتگان گواهی میدهند
که تو علم بجهت خدا آموختی نه برای مردم و الا حسرت اندوختی در آن جهان و حق پادشاه
بر تو آنست که مطیع او باشی و از فرمان او در نگذری الا در چیزی که رضای حق در آن
نباشد که اطاعت مخلوق در معصیت خالق روا نیست و حق سلطان بر رعیت
آنست که بداند که ایشان بجهت ضعف خود و قوت او رعیت شده اند پس واجب
باشد بر او که میانه ایشان عدالت کند که رعایت او همچون پدر مشفق باشد
و نادانی ایشان را ببخشد و زود بر ایشان عقوبت نکند و شکر خدا را بجای آرد که او را بر ایشان
غالب گردانیده و حق با وجود غالب داند و حق رعیت متعلم تو بعلم آنست که بدانی
که حق جل و علا ترا بر ایشان حاکم ساخته است بسبب علمی که بتو داده و خزانهای علم بر تو
گشاده پس اگر نیک تعلیم کردی و از ایشان دریغ نداشتی خدای تعالی زیاده میکند از فضل
و احسان خود در باره تو و اگر با ایشان تعلیم علم نکنی و از ایشان دریغ داری علم را
بر خدای تعالی لازم شود که آن علم را از تو بستاند و ترا از دلها بیندازد و حق زن
بر شوهر آنست که شوهر بداند که خدای تعالی زن را انیس و جلیس و سکون او گردانیده و بداند
که این نعمتیست از جانب حق جل و علا بر او پس باید که گرامی دارد او را و با او برفق و مدارا
سلوک کند اگر چه حق شوهر بر او واجب تر باشد فاما بر شوهر آنست که بر او رحم کند
بسبب آنکه زن اسیر اوست و نان و جامه بر او بدهد و هرگاه نادانی کند او را عفو کند
و از گناه او در گذرد و حق غلام بر خواجه آنست که بداند که او آفریده پروردگار اوست و بر [illegible] او

کر آدم است و مادر او که حوا از خون و گوشت ملک تو نیست زیرا که او را تو نیافریده بلکه
حق تعالی او را آفریده است و هیچ جز از دست و پای او مخلوق تو نیست و تو رزق او را نمی‌دهی
بلکه خدای عز و جل روزی او میدهد و او را مسخر تو گردانیده و بامانت بتو داده که
تا نگاه دارد از برای تو آنچه بتو می‌آید از خیر و شر و احسان کن با او همچنانکه خدای تعالی
بتو احسان کرده و عوض کن بندهٔ خدا را لا قوة الا بالله اما حق مادر بر تو آنست
که او ترا بر داشته از جایی که هیچکس بر نداشته و او میوهٔ دل خود را بتو داده
آنچه دیگری را نداده و تمامی دست و پای و چشم و زبان خود را حفظ نموده و در وقت
گرسنگی ترا طعام داده و در وقت برهنگی ترا پوشیده و در وقت آفتاب ترا
بسایه برده و در وقت خواب بیخوابی کشیده از برای تو و از گرما و سرما ترا نگاه داشته
و تخم مهر ترا در دل کاشته که از برای او باشی بهر تر که از عهدهٔ شکر او بیرون نمی‌آیی
مگر بیاری و توفیق الهی و حق پدر بر تو آنست که او اصل تست اگر او نمی‌بود تو نمی‌بودی
پس هرگاه که در نفس خود چیزی بینی که سبب عجب و تکبر تو شود بدانکه پدر تو اصل آن نعمت
تست پس شکر و ثنای او بجای آر و قدم از دایرهٔ ادب او بیرون منه وحق
فرزند بر تو آنست که بدانی که او از تست و بتو منسوب است و در دنیا و آخرت
بخیر و شر و آنکه از تو پرسش خواهند شد و از حسن ادب او را راه نمای بطریق حق
چو اگر چنین کنی یاری و مددکاری کرده باشی بر طاعت حضرت عزت پس عمل کن در امر او
و مثل عمل آنکس کن که میداند که ثواب می‌یابد بر نیکویی او و عقاب می‌یابد بر بدی او

وحق برادر

وحق برادر بر تو آنست که بدانی که دوست تست و سبب عزت و قوة تست پس او را
صلاح کار خود مساز و مدد ظلم بر بندگان خدا مگردان و دین خود را بآن مباز و ترک
کمک یاری کردن او را بر دشمنان و نصیحت کن او را اگر طاعت و فرمان بردار حق تعالی باشد
و الا خدای تعالی بر تو کریم تر است و هیچ قوتی نیست مگر بسوی حق جل علا و حق
منعم بر بسوی آنکه ترا آزاد کرده آنست که بدانی که او مال خود را در راه تو صرف
کرده و ترا خریده و از مذلت بندگی وحشت آن بیرون آورده و بعزت آزادگی
نفس ترا مطلق العنان ساخته و بند بندگی ترا گشوده و ترا از برای عبادت پروردگار
فارغ گردانیده و بدانی که نزدیک ترین مردم بتو در حال حیات و بعد از ممات و آنست
و آنکه یاری بر تو واجب است و هیچ قوتی نیست الا بجانب خدای تعالی و حق غلام
آزاد کرده بر تو آنست که خدای تعالی آزاد کردن تو او را سبب نجات تو و نزدیکی خود
گردانید و آن را حجاب تو ساخته از آتش دوزخ و دین میراث عوض آزادگی و مالی که
در بهای او داده و اگر او را میراث خوار دیگر نباشد و در آخرت بهشت بتو ارزانی فرموده
وحق آنکه با تو نیکویی کرده آنست که شکر او گویی و احسانی که با تو کرده فراموش نکنی
و میانهٔ تو و خدا به اخلاص دعا بجای آوری هرگاه که چنین کردی هم بسر و علانیه شکر
او کرده و اگر روزی قادر شوی که عوض نیکویی او کنی باید که آن نیکویی بجای آری
وحق مؤذن آنست که او خدا را بیاد تو میدهد و ترا بسوی فایدهٔ تو یاری میکند
برادای آنچه حق تعالی بر تو فرض گردانیده پس شکر آن تقدیم بان مثل شکر کسی که با تو

احسان کرده باشد و حق پیش نماز در نماز آنست که بدانی که او میانجی و پیغام رسانست
میان تو و خدای عزّ و جلّ و از قبل تو بخدای تعالی سخن میگوید و تو از جانب او سخن نمیگویی و از
برای او دعا نمیکنی و کفایت کرده هول ایستادن تو نزد حق جلّ و علا پس اگر نقصانی باشد
نماز تو و اگر تمام باشد تو با او شریک نباشی و نباشد او را بر تو زیادتی پس نگاه دار
ترا بنفس خود و نماز ترا بنماز خود پس شکر او را بدین وجه باید گذارد و حق همنشین آنکه
نرمی کنی بجانب او و جواب بتفضّل و انصاف دهی او را و از مجلس بی اذن او برنخیزی
و آنکس که بنشیند نزد او او را درست باشد که بی اذن او برخیزد و باید که گناهان
او را فراموش کنی و نیکوییها و خیرات او را یاد کنی و از وی بغیر خیر چیزی نشنوانی
و حق همسایه بر تو آنست که اگر غایب باشد جانب او را نگاه داری و اگر حاضر باشد
او را گرامی داری و اگر مظلوم باشد او را یاری دهی و اگر بدی از وی بدانی بپوشانی
و اگر نصیحت ترا قبول میکند او را نصیحت کنی در آنچه میانهٔ تو و اوست و او را در سختی
نگذاری و اگر لغزشی از وی واقع شود بپوشانی و گناه او را ببخشی و با او بصحبت نیک کنی
و هیچکس را قوت نیست الا بسوی خدا و حق مصاحب آنست که با او صحبت داری
با انصاف و نیکویی و او را گرامی داری همچنانکه او ترا گرامی دارد و نگذاری که او بر تو
بنیکویی سبقت کرد و اگر به نیکویی بر تو سابق شود باید که عوض آن نیکویی کنی همچنانکه
او کرده و اگر معصیتی از وی ظاهر شود او را از آن منع کنی و بر وی رحمت باشی و بر وی عذاب نباشی
و هیچکس را قوت نیست الا بسوی خدای تعالی و حق شریک بر تو آنست که اگر غایب شود کفایت مهمات

اوکن

اوکنی و به حکم او حکم کنی و به مشورت او برای خود عمل نکنی و مال او را نگاه داری و خیانت
در آن نکنی و بپرهیزی که برکت خدای عزّ و جلّ با شریکانست مادام که خیانت نکنند و هیچ قوتی نیست
الا بسوی خدای تعالی و حق مال بر تو آنست که نستانی آنرا الا از وجه حلال و صرف نکنی آنرا
در محل حرام و عمل کنی در آن بطاعت الهی و در آن بخیلی نکنی که موجب حسرتست و هیچ چیز
قوتی نیست مگر بخدا و حق قرض دار بر تو آنست که اگر مال داری قرض او را ادا کنی و الا
بسخن خوش او را خشنود سازی و بلطف و ملایمت او را از خود دور کنی تا قدرت پیدا کنی
و حق کسی که مال او با مال تو آمیخته است آنست که او را بزیان نیندازی و خبرها برو نپوشانی
و او را فریب ندهی و در امر او از حق تعالی بترسی و حق خصم که بر تو دعوی دارد آنست
که اگر آنچه او بر تو دعوی دارد حقست تو گواه حال خود باشی یعنی اقرار کنی بآن و بر او ظلم
نکنی و حق او را ادا کنی و اگر آنچه او بر تو دعوی میکند باطل باشد برفق و مدارا با او
سخن گویی و بغضب نروی با حق جلّ و علا در امر او و هیچ قوتی نیست بهیچ چیز الا بخدا
و حق کسی که با تو مشورت کند آنست که اگر رای صواب دانی او را بدان دلالت کنی
و خبر دهی و اگر ندانی بکسی که داند راه نمایی و حق کسی که تو با او مشورت میکنی آنست که
اگر رای تو با رای او موافق نباشد او را متهم نگردانی و بغرض حمل نکنی و اگر رای او موافق
رای تو باشد شکر ایزدی بجای آری و حق کسی که از تو نصیحت طلبد آنست که نصیحت
کنی او را ولیکن بطریق رفق و رحمت و مدارا و شفقت و حق نصیحت کننده بر تو آنست
که مطیع او شوی و گوش بسخن او کنی اگر نصیحت بر وجه خوبی کند شکر الهی تقدیم رسانی

واگر موافق نگوید ودانی که خطا کرده او را بدان مؤاخذه نسازی مگر آنکه متهم باشد بکرم
ومحل اعتماد را نشاید بدو تملق مکن واعتماد بران منمای بهیچ چیز از امور وقوتی نیت
بجانب حق تعم وحق مرد پیر آنست که او را بجهت بزرگ سال تعظیم کنی واو را بزرگ
دانی جهت آنکه پیش از تو به اسلام در آمده وبا او مقابله وخصمی نکنی وپیش
او نروی واو را نادان نشمری واگر نادانی بر تو کند تحمل کنی واو را گرامی داری
بجهت حق اسلام وحرمت آن وحق کوچک بر تو آنست که رحم کنی بر تعلیم آن
وگناهی که از و صادر شود عفو کنی وپرده عفو بر رو پوشانی وبا او بنرمی سلوک کنی ویاری دهی
او را وحق سایل بر تو آنست که بقدر حاجت او به او چیزی دهی وحق مسئول آنکه چون
چیزی بدهد حمد وسپاس حق تعالی بجای آورد وسایل از و قبول کند آن را عطا داند وشکر
آن نگوید اگر منع کند سایل را عذر آن بپذیرد وحق آنکه ترا خوشحال میکرداند آنست
که شکر الهی بجای آری اول وبعد از آن شکر او بجای آری وحق آنکس که با تو بدی
کرده آنست که عفو کنی از و واگر دانی که عفو کردن مضرت برساند انتقام از و بکش
همچنانکه حق جل وعلا فرموده وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ
مِنْ سَبِيلٍ وحق اهل ملت بر تو آنست که سلامتی ورحمت خواهی از حضرت عزت
برای ایشان ومکافات بدی نیکی بجای آری وبا ایشان الفت ورزی واصلاح
حال ایشان نمایی وشکر نیکان ایشان را بتقدیم رسانی واز برای ایشان بخواه آنچه
از برای خود میخواهی ونپسندی بر ایشان آنچه بر خود نپسندی وباید که بد ایشان را

بمنزله پدر خود دانی وجوانان ایشان را بمنزله برادران وزنان ایشان را بجای مادر وکودکان ایشان را
بمانند فرزندان وحق اهل ذمه آنست که قبول کنی از ایشان آنچه حق تعم فرموده وستم نکنی
بر ایشان مادام که بعهد الهی وفا نمایند ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

فصل دویم بعضی از نواهی حضرت رسالت پناه صلعم که در باب مناهی ثابت شده

بروایت امام جعفر الصادق علیه السلام که پیغمبر صلعم نهی فرموده از طعام خوردن با جنابت که موجب درویشی است
واز ناخن بدندان چیدن ومسواک در حمام کردن ودر مسجد آب دهن انداختن وخوردن
طعامی که نیم خورده موش باشد واز گذشتن در مسجد الا آنکه دو رکعت نماز بگذارد ونهی کرده
از بول کردن در زیر درخت میوه دار ودر میان کوچه راهگذر وبدست چپ طعام خوردن ونهی کرده
طعام خوردن واز اندود کردن قبر را بگچ ونماز در قبرستان کردن وبول در قبرستان کردن
وبول کردن در آب که سبب بی عقلیست واز تردد کردن بیک کفش واز نوحه وفریاد کردن
در مصیبت وگوش بآن کردن وسیاه کردن قرآن به آب دهن ونوشتن وخواب دروغ
گفتن بعمدا که بجزای آن در روز قیامت عذابش کنند که بر دانه جو گره بزنند واز صورت
ساختن که در قیامت عذابش کنند که روح در او بدمد واز جانور بر آتش سوختن
وسخن گفتن بسیار در وقت جماع واز سخن گفتن با زن غیر محرم بیشتر از پنج کلمه که ضروری باشد
واز حکایت کردن زن با زن دیگر از آنچه در میان او گذشته با شوهر خود در خلوت
ونهی کرده از بازی کردن نرد وشطرنج واز تمامی آلات مناهی واز نواختن چنگ
وعود وطنبور واز غیبت کردن وشنیدن ودعوت فاسقان قبول کردن وطعام خوردن

با ایشان و سوگند بدروغ یاد کردن که موجب خرابی مملکت و از حاضر شدن بر خوان شراب
و بر خوان طعام که در آنجا شراب باشد و رفتن بحمّام با زن خود و بی لنگ از حمام رفتن
و از گفتن سخنی که در و یاد خدا نباشد و نهی کرده از خوردن میوه که نپخته و رنگین نباشد
و آنحضرت فرموده که لعنت خدا بر شرابست و بر آنکس که درخت انگور به آن قصد نشانده
و فشارنده و ساقی و خورنده و فروشنده و خریدنده و بارکننده آن و آنکه از بهای آن
میخورد و فرموده که هر کس که شراب خورد نماز او قبول نیست تا چهل روز و اگر بمیرد
و در شکم او شراب باشد عذابش کند او را تا بیاشامد از زقّوم دوزخ را و آنچه از
فرج زنان مردان زناکار آید در دوزخ و نهی فرموده از شعر خواندن در مسجد و شمشیر
کشیدن در مسجد بر کسی و از زدن بر روی چهارپایان و نگریستن بر عورت مردم و از
نگریستن زن بر عورت و نهی فرموده از نماز گذاردن در رودخانها و بر جایی که
شتر می بندند و بر بام کعبه و از داغ کردن بر روی چهارپایان و از سوگند یاد
کردن بغیر خدا و فرموده که هر که سوگند یاد کند بغیر خدا او را از خدا نصیبی نیست
و از سوگند یاد کردن بیک سوره قرآن و اگر چنین کند بهر یک آیه کفاره لازم آید
و نهی فرموده از نشستن جنب در مسجد و برهنه بودن در روز و شب و از حجامت
کردن در روز چهارشنبه و شنبه و جمعه و از سخن گفتن در وقتی که خطبه میخوانند در
روز جمعه و اگر سخن گویند چنانست که نماز جمعه نگذارده اند و نهی فرموده از نقش
کردن جانوران بر نگین و از خوردن آب چون چهارپایان بآنکه دهن در آب کنند

بلکه

بلکه بدست بیاشامند و نهی کرده از آب دهن در چاه انداختن و از آنکه کسی را در کار دارند
و مزد کار به او نگویند و از دوری از دوستان مگر ضرورت باشد تا سه روز
دوری توان کرد و از فروختن طلا بطلا که بیش باشد و فرموده که هر که سلطان را بر جوری
بدارد با هامان بدوزخ رود و فرموده که کسی که خانه بسازد زیاده از قدر حاجت بر بالا در روز
قیامت در گردن او کنند تا هفت طبقه زمین و دیگر فرموده که کسی که ظلم کند در مزد کسی
که بجهت او کار کرده باشد بوی بد بوی بهشت نشنود با آنکه بوی بهشت از پانصد سال راه
میرود و هر کس که قرآن خوانده باشد و فراموش کند بهر یک آیه او را یکبار در دوزخ
اندازند مگر که حق سبحانه و تعالی او را بیامرزد و هر که قرآن خوانده باشد و حرام بخورد بعقاب خدا
گرفتار شود مگر که توبه کند و هر کس که زنا کند و بی توبه بمیرد حق سبحانه و تعالی سیصد سوراخ
در قبر او کند که مار و عقرب و گژدم بقبر او در آیند و او را گزند تا روز قیامت و چون
از قبر برخیزد مردم از بوی بد او در عذاب باشند و رسول صلعم فرموده که هر که بر زنی
راضی نباشد که خدای تعالی بدو داده و شکوه کند و صبر نکند عمل حسنه او قبول نشود
مگر آنکه توبه کند و فرموده که کسی که ظلم کند بر مهر زن خود چنانست که زنا کرده و روز
قیامت ثواب و عملهای آن با زن دهند مقدار حق او و اگر ثواب نداشته باشد
بدوزخ میفرستندش و نهی فرموده از پنهان داشتن گواهی که نزد اوست که
روز قیامت در میان خلایق عذابش کنند که گوشت بدن خود خورد و هر کس که
بوی همسایه رساند بوی بهشت نشنود و بدوزخ رود و هر کس که حق همسایه بجای نیاورد

از امانت و رسول صلی الله علیه و آله فرموده که دایم جبرئیل وصیت بمن میکرد در رعایت
حق همسایه بر وجهی که مرا گمان شد که میراث می برد و همچنین وصیت میکرد بر رعایت
حق غلام و کنیز بنوعی که مرا گمان شد که تعیین وقتی میکند که چون ایشان بدان وقت
رسند آزاد میشوند و همچنین وصیت میکرد بمسواک کردن بطریقی که گمان میشد مرا
که فرض خواهد شد و همچنین وصیت می نمود به بیداری شب بنماز بوجهی که گمان من شد
که اوقات من خواب نخواهند کرد و حضرت رسول صلعم فرموده که هر کس بفقیر مسلمان خواری
چنانست که در حق خدا خواری کرده باشد و در روز قیامت خدای تعالی برو خواری کند و دیگر
فرموده که چون کسی را بمنهی و شهوتی بخوانند و او اجتناب کند از ترس خدای تعالی حق سبحانه
آتش دوزخ را و سختی روز قیامت بروی حرام گرداند و روضهای بهشت را که بوی او وعده
فرموده بوی ارزانی فرماید و هر کس که بسوی چیزی از امور دنیا و آخرت برو عرض کنند
و او دنیا را اختیار کند او را نیکی نباشد و اگر اختیار آخرت کرده در قیامت
بسبب آن رستگار گردد و حضرت حق تعالی ازو راضی شود و گناهان او را بیامرزد
و هر که چشمهای او پر شد از حرام در روز قیامت پر شود از آتش دوزخ مگر که
توبه کند و دیگر فرموده که هر که دست بر دست زنی نهد که برو محرم نباشد
مستحق عذاب رب الارباب شود و هر که در بر گیرد زنی را بحرام او را با شیطان
در یک زنجیر بدوزخ اندازند و کسی که با مسلمانان در خرید و فروخت نا راستی
کند از امانت و در روز قیامت با یهودان حشر کنند و دیگر نهی فرموده در آنکه

کسی که از همسایگان باز دارد چیزی چند را که همسایگان بیکدیگر میدهند مانند نمک
و آتش و مانند اینها و هر که باز گیرد اینها را از همسایگان خود خدای تعالی رحمت از وی باز گیرد
و هر که طپانچه بر روی مسلمانی زند در قیامت استخوانهای اعضای او خورد گردد و غل
در گردن بدوزخ رود مگر که توبه کند و هر زنی که شوهر خود را آزار رساند بزبان حق جل علا
فرض و سنت و نیکویی که کرده باشد قبول نکند تا خشنود نسازد شوهر را اگرچه روز بروزه
باشد و شب در نماز و چندین بنده آزاد کرده باشد و در راه خدای جهاد بجای آورده
باشد اول کسی که بدوزخ رود او باشد و دیگر همچنین حال مردی که بزن ستم کند و دیگر
نهی فرموده از غیبت که هر که غیبت مرد مسلمانی کند روزه او باطل شود و وضوی
او بشکند و در قیامت چون بحسابگاه آید بوی دهان او از همه بویها بدتر باشد چنانکه اهل
عرصات از آن بوی در آزار باشند پس اگر پیش از توبه بمیرد چنان باشد که حلال
خود را حرام داشته باشد و هر که خشم از گناه کسی فرو برد با آنکه تواند که حق
خدای او را بدهد حق تعالی ثواب شهدا او را کرامت فرماید و دیگر آنحضرت فرموده که
هر که در مجلسی غیبت برادری بشنود و او را از آن باز دارد همچنانست که کسی را از غیبت
حق تعالی باز داشته باشد از هر باب و اگر باز ندارد در حال آنکه قادر بر باز داشتن او باشد
گناه او مثل گناه کسیست که هفتاد بار غیبت کسی کرده باشد و در خیانت که امانت را
بصاحب نرساند و بمیرد بغیر ملت نبوی مرده باشد و حق تعالی بر او خشم نمود و هر که
گواهی بدروغ بدهد بر زبانش بیاویزند با منافقان در درک الاسفل و هر که بخورد

انچه خیانت کرده اند و دانند که خیانت است گناه او مثل گناه خیانت کننده است
و هر که باز گیرد از برادر مسلمان حق او را حق تعالی برکت رزق او بر وی حرام گرداند مگر که
بازگشت نماید و کسی که بشنود سخن فحش را و شهرت دهد گناه او بقدر گناه آنکس باشد
که فحش گفته و دیگر فرموده که شخصی که محتاج شود برادر او بقرض و او قرض بر او تواند داد
و ندهد بوی بهشت نشنود و دیگر کسی که بد خلقی زن صبر کند بجهت ثواب خدای تعالی
او را ثواب آسیه گران کرامت فرماید و کسی که گرامی دارد برادر مسلمان را حق تعالی او را گرامی
دارد و دیگر نهی فرموده از شخصی که بی رخصت جمعی نماز جماعت کند و اگر امامت کند
برخصت ایشان و قرائت و رکوع و سجود نیکو نماید و ایشان راضی باشند او را مقدار ثواب
ایشان باشد بی آنکه چیزی از ثواب ایشان کم شود و دیگر فرمود که هر که حاجت دنیای
کسی را بر آورد یا سعی نماید پیوسته رحمت حق بر او رسد و از نفاق و آتش دوزخ
برهد و دیگر هر که بیمار شود و یک شبانه روز شکایت نکند در روز قیامت با ابراهیم
خلیل باشد تا از صراط چون برق بگذرد و کسی که سعی کند در حاجت خسته از تمام
گناهان پاک شود اگرچه آن خسته از مردم خویش باشد و دیگر فرمود که هر که بردارد
از بنده مؤمن زحمتی از زحمتهای دنیوی خدای تعالی زحمت از وی بردارد و کسی که باطل
کند حق صاحب حقی با آنکه ادا تواند کرد او را هر روزی گناه تمغاچی باشد
و فرموده که حق تعالی میفرماید که من حرام کرده ام بهشت را بخیل و بر سخن چین
و منت نهنده و فرموده که هر که صدقه کند بهر یک درم مقدار کوه احد از نعمت

بهشت

بهشت بوی دهند و کسی که سعی کند در رسیدن صدقه بمحتاج ثواب او مانند ثواب صدقه دهنده باشد
و کسی که نماز گذارد بر میتی نماز گذارند بر وی هفتاد ملک و از گناهان کرده آمرزیده شود و اگر با ایستد
تا او را در خاک کنند بهر یک گام قیراطی ثواب بوی دهند و قیراطی مقدار کوه احد است
و کسی که چشمانش اشک ریزد از ترس خدا او را باشد بهر یک قطره قصری مرصع و زیبا
که هیچ چشمی او را ندیده باشد و فرمود که هر که بمسجد رود بطلب نماز جماعت نماز او را
بهر گامی هفتاد هزار درجه بلند کنند و اگر در آن بمیرد حق تعالی هفتاد هزار ملک تعیین
کند که پرستش او کنند و کسی که بانگ نماز بگوید برای رضای خدای طمعی از بندگان
او را ثواب چهل هزار شهید باشد و در شفاعت او داخل باشد و مؤذن چون بگوید
اشهد ان لا اله الا الله هفتاد هزار ملک آمرزش از برای او خواهند و در روز
قیامت در سایه عرش باشد حق تعالی از حساب خلق فارغ شود و هفتاد هزار ملک ثواب
اشهد ان محمدا رسول الله می‌نویسند و کسی که در حضور صف اول در یافتن
تکبیر اول از نماز جماعت رعایت کند او را ثواب مؤذن باشد در دنیا و آخرت
و کسی که پیشوایی کند جماعتی را در تقسیم اخراجات و تعیین احوالات ایشان در روز قیامت
دستهای او بغل پیوسته باشد بر گردن او پس اگر راستی و سویت میان ایشان
بجا کرده باشد حق تعالی او را خلاص کند و اگر ظلم نموده باشد به آتش دوزخ گرفتار شود
و آنحضرت فرمود که گناه را حقیر مدارید اگرچه اندک در نظر شما آید و بسیار
مدانید خیر و نیکی را اگرچه بزرگ باشد در نظر شما پس بپرهیزید که گناه بران مصر بشوید

کوچک میت و اگر از آن توبه کنند بزرگ میت و منقولست از امام جعفر الصادق علیه السلام
که این حدیث مرقومست بخط حضرت امیر المؤمنین ع و به املای حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم

فصل سیم در وصیت کردن حضرت پیغمبر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را

حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که
حضرت رسول الله صلعم مرا گفت یا علی وصیتی میکنم ترا یاد گیر و فراموش مکن یا علی
آنکس که فرو خورد خشم را و قادر باشد که خشم را روا کند حق تعالی او را در قیامت ایمنی و ایمان
کرامت فرماید که لذت او از همه لذتها نیکوتر باشد یا علی آنکس که وصیت نکند در وقت
ناقص باشد در مروت و محروم شد از شفاعت من افضل آنست که صباح چون در آید قصد ظلم نکند
یا علی هر کس که مردم از زبان و بد گفتن او آزار کشند از اهل آتش است یا علی بدترین
مردم کسیست که بفروشد آخرت خود را برای دنیای دیگران یا علی آنکس که قبول
نکند عذر کسی را که عذر گوید و عجز اظهار کند خواه صادق باشد و خواه نه محروم ماند از شفاعت
یا علی بدرستی که خدای تعالی دوست دارد دروغی اگر جهت صلاح مؤمنان گفته شود
و دشمن دارد راستی را که فساد حال مؤمنان کند یا علی آنکس که ترک کند شراب را از جهت غیر
خدای تعالی آب دهد او را از شراب خالص پاک مهر کرده و حضرت امیر فرمود که با وجود آنکه برای
غیر خدا ترک کرده باشد پیغمبر صلعم فرمود بلی اگر از جهت آن ترک کرده باشد که بنفس و عزت
رسد حق تعالی او را این جزا میدهد یا علی شارب خمر چون بت پرست است یا علی
قبول نمیکند حق تعالی نماز شارب خمر را تا چهل روز پس اگر درین چهل روز بمیرد کافر
مرده باشد یا علی هر مست کننده حرام است و آنچه مست میکند اگر اندک و اگر بسیار همه حرام است

یا علی همه گناهان در یک خانه اند و کلید آن خانه شراب خوردنست یا علی شارب خمر را ساعتی می آید که نمی شناسد
در آن ساعت خدای خود را یا علی بتحقیق که خراب کردن کوهها آسانتر است از خراب کردن پادشاهی
شخصی که سلطنت او منقضی نشده باشد یا علی آنکس که نفع گیرد بدین خود دنیای خود پس هیچ خیر نیست از
برای تو در نشستن با او و آنکس که مرحبا نگوید ترا امام نداند و دوست ندارد تو او را مرحبا
نگو و دوست مدار و او را کرامت نیست یا علی سزاوار آنست که در مرد مؤمن هشت خصلت باشد
اول وقار و تمکین نزد اضطراب ۲ صبر کردن نزد بلا و عذاب ۳ شکر کردن نزد آسایش و فراخی
و نعمت ۴ قانع شدن بآنچه خدای تعالی روزی او داده ۵ ظلم نکند بر دشمنان ۶ مشقت
خود را بار نکند بر دوستان ۷ بدن او از ایشان در تعب باشد و محنت ۸ مردم از او در
آسایش باشند و راحت یا علی چهار طایفه اند که دعای ایشان رد نمیشود اول امام عادل
پدری که از برای فرزند دعا کند ۳ مؤمنی که دعا کند برای برادر مؤمن غایبانه ۴ مظلومی
که بر وی ستم رفته باشد یا علی هشت کس اند که اگر اهانت کنند ایشان را ملامت نکنند مگر
نفس خود اول کسی که ناخوانده بمائده طعام در آید ۲ کسی که خدای خانه کسی کند بی گفته او
کسی که از دشمن خیر طلبد ۳ کسی که عطیه خواهد از لئیمان ۴ کسی که داخل شود در سر
و راز کسی که او را داخل نکرده باشند در آن راز ۵ کسانی که سبک کنند با پادشاهان و سخنان
بی محل گویند که لایق حال ایشان نباشد ۶ کسی که بنشیند در جایی که لایق او نباشد ۷
کسی که گوش بسخن دو کس کند که سخن گویند و او سخن گوید و گوش بسخن او نکنند یا علی
حرام شده است جنت بر هر بدکاری که شعار خود ساخته باشد خواهش را و اگر نداشته

برش

از آنچه میگویند و آنچه از برای او گویند یا علی خوشا حال کسی که عمر او دراز باشد و نیکو باشد
عمل او یا علی مزاح مبر حشمت ترا و دروغ مگوی که می برد آبروی ترا و بر تو باد که احتراز
کنی از دو خصلت از تعجیل و اضطراب و کاهلی و سستی که اگر تعجیل کنی صبر نمی کنی در ادای حق
کسی و اگر کاهلی کنی ادا نمیکنی حق کسان را یا علی بپرهیز که جمله گناهان را توبه هست مگر بدخلقی
که بد دارد هر چند بیرون میرود از گناه داخل گناه دیگر میشود یا علی چهار چیز است که
عقوبت او زود می آید یکی مردی که نیکی کرده باشی با وی بجای نیکی تو بدی کند دویم
کسی که جور و ستم برو نکرده باشی و او جور و ستم بر تو کند سیم مردی که تو بعهد او وفا کرده باشی
و او عذر آرد بتو چهارم کسی که قطع صله رحم کند یا علی آنکس که اضطراب برو مستولی شده است
میرود از وی رحمت یا علی دوازده خصلت در طعام خوردن مرد مسلمان را سزاوار است
دانستن آن چهار فرض است و چهار سنت و چهار ادب اما آن چهار که فرض است بداند
که آنچیز که میخورد حلال است یا حرام و بسم الله گفتن و شکر کردن و راضی بودن بآن الطعام
اما سنت آنست که بنشیند بر پای چپ خود و خوردن بسه انگشت و از پیش خود
خوردن و پاک کردن انگشتان بزبان اما ادب آنست که لقمه را کوچک بردارد و خوب بخاید
و کم نگاه کند در روی مردمان و بشوید دستهای خود را پیش از طعام و بعد از طعام یا علی
خلق کرده است خدای تعالی بهشت را از دو خشت خشتی از طلا خشتی از نقره و ساخته است
دیوارهای او را از یاقوت و سقف او را از زبرجد و سنگ ریزه او را از لؤلؤ و خاک
او را از زعفران و مشک اذفر پس فرمود الله تعالی مر جنت را که سخن بگو جنت گفت

لا اله الا

لا اله الا الله الحی القیوم برخوردار سعادت یافت آنکس که داخل شد در من پس الله تعالی
جل جلاله فرمود که بعزت و جلال من که داخل نمیشود در جنت شراب خواره و سخن چین و دیوث
و شرطی یعنی کاتبان دار القضاء که بناحق چیزها نویسند و مخنث و کور سکاف و تمقاچی
و کسی که قطع صله رحم کند و قومی که میگویند جمیع نیک و بد بتقدیر خدا است و بنده را در آن دخلی
نیست یا علی سوگند بخدا که کافر شدند از امت من ده کس کشنده مسلمانان بغیر حق و ساحر
و دیوث و جماع کننده زن در دبر یعنی زنی که جماعش برو حرام است و جماع کننده بهیمه
و آنکس که نکاح کند محرم خود را و کسی که سعی کند در فتنه و کسی که بفروشد اسباب حرب را
مثل نیزه و شمشیر و تیره و مانند آن بکافران حرابه و کسی که مانع زکوة شود و کسی که
حج برو واجب بود و تقصیر کند و بمیرد و حج در گردن او بماند یا علی عروسی نیست مگر در پنج چیز
اول در نکاح دویم در تولد سیم در ختنه چهارم خانه خریدن پنجم کسی که از مکه آمده
یا علی سه خصلت که از مکارم اخلاق است در دنیا و آخرت اول عفو کردن از
کسی که ظلم بر تو کرده باشد دویم صله رحم جستن با کسی که پیوستن که بریده باشد از خویشاوند
و دوستان سیم حلم کردن بکسی که از جهل ترا رنجانیده باشد یا علی غنیمت دان
چهار چیز را پیش از چهار چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از بیماری و توانگری
پیش از درویشی و زندگی پیش از موت یا علی مکروه میدارد الله تعالی از امت من
بازی کردن در نماز و منت نهادن در صدقه و جنب رفتن در مسجدها و خنده
کردن در میان گورستانها و مطلع شدن در خانهای عورات مردمان و نظر کردن

بر فرج زنان از برای آنکه موجب کوریست و خواب کردن میان شام و خفتن از برای آنکه حرام
میکند رزق را و کم میگرداند و غسل کردن در جایی که ساتری نباشد و نیز مکروهست در آب
جویها غوطه خوردن بی لنگ زیرا که آنجا ملائکه ساکنند و مکروهست داخل شدن در حمام
بی فوطه و مکروهست سخن گفتن میان بانگ و قامت نماز و مکروهست که خواب کردن
بر بالای بامی که از سنگ باشد و مکروهست در کشتی نشستن در وقت اضطراب دریا و فرمود
پیغمبر صلی الله علیه و آله که مکروهست خواب کردن بر بامی که ساتری نداشته باشد هر که بر آن بری
شده از و ذمت و مکروهست خواب کردن در خانه تنها و حرام جماع کردن با زنان خود
در حالت حیض زیرا که فرزندی که حاصل شود جذام داشته باشد پس ملامت نکند
مگر نفس خود را زیرا که فعل اوست و مکروهست که با کسی که جذام داشته باشد سخن
گفتن مگر میانه ایشان قدر زرعی باشد آنحضرت فرمود که بگریز از کسی که جذام دارد
آنچنان که بگریزی از شیر و مکروهست جماع کردن در جنابت زیرا که فرزندی
که پیدا شود دیوانه باشد و ملامت نکند مگر نفس خود را زیرا که این کار خود کرده است
و مکروهست بول کردن در کنار آب روان و مکروهست حدث کردن در زیر درخت
میوه دار و مکروهست در رفتن بخانه تاریک بی چراغ یا علی آفت حسب افتخار
و سر افرازی کردنست که من چنینم یا علی آنکه بترسد از خدا بترسند از و
همه چیز و هر که از خدا نترسد خدا بترساند او را از همه چیز یا علی هشت کسند
که نماز ایشان قبول نیست اول غلامی که بگریزد از خواجه خود تا باز آید بخدمت خواجه

دویم زنی که با شوهر ناسازگاری کند و شوهر از فعل او در غضب باشد سیم کسی که زکوة ندهد
چهارم ترک کننده وضو پنجم کنیزی که نماز گذارد بی مقنعه نزد نامردمان ششم امام قومی که
او را مکروه دانند هفتم کسی که مست باشد هشتم کسی که بول و غایط بر او غلبه کرده باشد
یا علی چهار کسند که باز کرده است حق تعالی از برای ایشان خانه در بهشت کسی که جای دهد یتیمی را
و کسی که رحم کند ضعیفی را و کسی که شفقت کند بر مادر و پدر و کسی که مدارا کند با غلام خود
یا علی سه چیز است که هر که آنها را بجای آرد افضل مردمان باشد کسی که بجای آرد فرضهای
خدای را پس عابدترین مردمانست و کسی که پرهیز کند از حرام پس او پرهیزکارترین مردمانست
و آنکه قانع شود بآنچه خدای تعالی باو داده است پس غنی ترین مردمانست یا علی
سه چیز است که طاقت ندارد این امت مواسا و مدارا و یاری کردن با برادران
مومن در مال انصاف دادن مردمان از نفس خود ذکر خدای تعالی در همه حال و ذکر خدا
این نیست که بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر
ذکر خدا آنست که چون وارد شود بر حرامی از خدا بترسد و از و اجتناب نماید یا علی
سه کسند اگر انصاف کنی با ایشان ظلم کنند بر تو یکی مردم دنی دار اراذل دویم اهل
تو سیم خادم تو یا علی انصاف نگیرند سه کس از سه کس آزاد از بنده عالم
از جاهل و قوی از ضعیف یا علی هفت چیز است که هر کس را باشد بتحقیق که تمام کرده است
حقیقت ایمان را و درهای جنت گشاده است از برای او اول تمام ساختن وضو
دویم نیکو کردن نماز سیم دادن زکوة مال چهارم منع کردن غضب را از مردمان پنجم زبان

خود را نگاه داشتن از بد گفتن ششم استغفار از برای گناهان خود کردن هفتم نصیحت کردن اهل بیت خود
یا علی حق تعالی لعنت کرده سه کس را اول کسی که توشهٔ خود تنها خورد دویم کسی که در بیابان تنها رود و اورا
رفیقی نباشد سیم کسی که در خانه تنها خواب کند یا علی سه کس‌اند که میترسم از دیوانگی ایشان اول کسی که
نجاست کند در میان قبرستان دویم که براه رود و یک پای او بکفش باشد و دیگری نه سیم که خواب
کند در خانه تنها یا علی سه چیز است که نیکوست دروغ گفتن در وی اول کید کردن با دشمن در حرب
دویم وعده دادن با زنان از جهت صلاح ایشان سیم میان دو کس که عداوت باشد بجهت اصلاح ایشان
دروغ گفتن یا علی سه کس‌اند که مصاحبت ایشان دل را سیاه و تباه کند اول نشستن با مردم
ارازل دویم نشستن با مردم سیم توانگر سیم سخن بسیار گفتن با زنان یا علی سه چیز است که از
حقایق ایمانست اول انعام کردن با درویشان دویم انصاف دادن با مردمان از نفس خود سیم علم
بمردم تعلیم نمودن یا علی چهار چیز است که در هر کس باشد تمام نیست عمل او یکی پرهیزکاری که منع
کند آنکس را از عصیان دویم خلق نیکو که با مردمان مدارا کند بسبب آن سیم حلم که اجتناب کند
بر آن از جاهلان یا علی سه چیز است که سبب راحت مؤمنست در دنیا یکی ملاقات کردن با برادر
مؤمن دویم روزه گشودن با روزه داران سیم نماز تهجد گذاردن در آخر شب یا علی نهی میکنم
ترا از سه خصلت اول از حسد دویم از حرص سیم از کبر یا علی سه چیز است که سبب درجات
این کسست و سه چیز است که سبب هلاک این کسست و سه چیز است که سبب نجات این کس است
اما آنکه سبب درجاتست اول تمام کردن وضو دویم انتظار صلوات سیم رفتن در شب
درو بجماعت و اما آن سه چیز که کفارات گناهانست یکی افشای سلام است بر خاص و عام

دویم اطعام طعام سیم نماز تهجد گذاردن در وقتی که مردمان در خواب باشند به آرام تمام اما آن
سه چیز که مهلکاتست یکی بخل دویم هوای نفس سیم عجب اما آن سه چیز که سبب نجاتست
اول ترسیدن از خدا در نهان و آشکارا دویم میانه بودن در توانگری و درویشی سیم در جمیع امور
سخن گفتن در حال رضا و غضب یا علی شیرخوارگی نیست بعد از شیر گرفتن و یتیمی نیست
کسی که بالغ شده بعد احتلام یا علی برو دو ساله راه رفتن جهت نیکویی کردن برادر و پدر
و برو یکساله راه رفتن جهت پیوستن خویشان و برو یک فرسخ راه رفتن جهت پرسش کردن
بیماران و برو دو میل راه رفتن جهت تشییع جنازه و برو سه میل جهت اجابت
کسی که طلبد و برو چهار میل جهت زیارت برادر مؤمن و برو پنج میل جهت کارسازی
متحیر و درمانده و برو شش میل بواسطه یاری کردن مظلومی و بر تو باد آمرزش خواستن
از حضرت آمرزگار یا علی مؤمن را سه خصلتست اول نماز گذاردن دویم زکوة دادن سیم روزه
داشتن و منافق را سه خصلتست گاهی که حاضر است تملق میکند و گاهی که غایبست غیبت
مینماید و گاهی که بمؤمن مصیبتی میرسد شاد میشود و ظالم را سه علامتست اول آنکه قهر میکند
بازیردستان دویم آنکه گناه میکند با بزرگان سیم آنکه ظاهر ظلم میکند و اهل ریا را سه علامتست
اول آنکه نشاط میکند در طاعت نزد مردمان دویم کاهلی میکند در طاعت وقتی که
تنها باشد سیم دوست میدارد که ایشان را مدح کنند در همه امور یا علی منافق را سه خصلتست
یکی آنکه هرگاه سخن گوید دروغ گوید دویم آنکه وعده دهد خلاف کند سیم آنکه امانتی که بنزد او سپارند
خیانت کند آنچه فراموشی آورد یا علی نه چیز است که فراموشی می‌آورد یکی خوردن سیب ترش

دویم خوردن کشنیز ۳ خوردن پنیر ۴ سیم خورده موش خوردن ۵ خواندن خطها که بر سنگ قبر نوشته است
۶ از میان دو زن گذشتن ۷ شپش زنده انداختن ۸ حجامت بر قفای سر کردن ۹
بول کردن در آب یا علی عیش مردم در سه چیز است خانهٔ فراخ و کنیزک خوبروی و اسب خوش رفتار
یا علی بخدا سوگند که اگر مردمان زیرک دون مرتبه در جاهی باشند هر آینه حق تعالی برانگیزد بادی که
ایشان را از آن جاه بیرون آورد و مسلط کرداند بر مردمان عالی مرتبه در وقتی که دولت و سلطنت
پادشاهی به مردمان شریف افتد یا علی آنکس که نسبت دهد خود را بغیر مولای خود بر وست لعنت حق
و آنکه منع کند مزد مزدور را بر او واجب بر وست لعنت حق و آنکس که مسلمانی را بکشد بناحق یا حمایت
کند کشندهٔ مومن را بر اوست لعنت یا علی مومن کسیست که ایمن باشند از مسلمانان بر مال و خون
خود و مسلمان کسیست که بسلامت باشند مردم از دست و زبان ایشان و مهاجر آنکسست
که دور شود از گناهان خود یا علی محکم ترین ایمان کسی راست که دوست دارد هر چه دوست داشتنیست
از برای خدا و دشمن دارد هر چه دشمن داشتنیست از برای خدا یا علی هر که مطیع زن شود حق سبحانه
او را بروی کشان در دوزخ اندازد حضرت امیر المومنین پرسید که یا رسول الله چه چیز است فرمان بردن
زن فرمود اجازت دادن ایشان بحمام و عروسیها و تعزیتها و جامههای تنک و نازک پوشیدن
ایشان بحیثیتی که اندامش تمام نماید یا علی بدرستی که حق سبحانه و تعالی برده است بسبب اسلام کبر
که در میان مردمان بود در زمان جاهلیت و تفاخر ایشان بر پدران خود بدانکه مردمان از
نسل آدمند و آدمی از خاکست و گرامی ترین ایشان متقیانند یکی حرامست بهای چیزی مرده و بهای
سگ و شراب و مهر زن زانیه و رشوت گرفتن در حکم و اجرت کاهن یا علی هر که علم آموزد قسم انگیخت

تفاخر

تفاخر کند بر شیعیان یا جدل کند بر عالمان یا دعوت کند خلق را بسوی خود تا معتقد او شوند و او را
تعظیم کنند جای او از اهل دوزخ است یا علی هرگاه بنده وفات یافت مردمان گویند چه چیز گذاشت
فرشتگان گویند آنچه پیش فرستاده است از عمل صالح یا علی دنیا زندان مومنانست و جنت کافران
یا علی مردن گاه راحتست از برای مومن و حسرت کافر یا علی وحی فرموده حق سبحانه و تعالی بسوی دنیا
که خدمت کن کسی را که مرا خدمت میکند و محنت ده آنکس که ترا خدمت میکند یا علی اگر دنیا قدر و قیمتی
می بود نزد حق سبحانه و تعالی بمقدار پر مگسی هیچ کافر یکدم آب از دنیا نمیخورد هیچ باب یا علی هیچکس نیست
از اولین و آخرین الا آنکه تمنا کند در روز قیامت که ای کاش غیر از قوت ضروری هیچ زیاده
نمیبود مرا یا علی بهترین مردمان آنکس است که راضی باشد بقضای الهی یا علی آنکه مومن تسبیح
و صحه و تهلیل و خوابش بر بستر عبادت و گردیدن از پهلو به پهلوی دیگر جهاد است در راه رب
العباد یا علی اگر هدیه پیش آرند پاچهٔ گوسفندی هر آینه قبول کنم و اگر طلب کنند مرا برای پاچه اجابت
کنم یا علی بر زنان یا جمعه نیست و بانگ و قامت نیست و پرسش مریض و از پی جنازه رفتن نیست
و دویدن میان صفا و مروه و بوسیدن حجر الاسود نیست و سر تراشیدن و تولیه و عزا
و نه شورت کردن با آنها و نه ذبح کردن مگر از ضرورت و نه بلند گفتن لبیک در حج و نه اقامت
کردن نزد قبور و نه شنیدن خطبه و نه وکیل شدن در نکاح و نه بیرون رفتن از خانه مگر برضای
شوهر پس اگر بیرون رود بی رخصت او لعنت میکند او را خدای عز و جل و جبرئیل و میکائیل و باید که
نبخشد چیزی را از خانهٔ شوهر مگر برخصت او و باید که شب نگذارد که شوهرش بر وی بغضب
باشد اگرچه شوهر بر وی ظلم کرده باشد یا علی اسلام برهنه است و لباس او حیاست و زینت او

او درست و مرآت او عمل صالحست و ستون او دوست و هر چیزی را اساسیست و بنیاد وی اساس
و بنیاد اسلام محبت حضرت اهل بیت مصطفی صلی الله علیه و آله یا علی بر خلق شوم است و اطاعت کردن زن
پشیمانی و ندامتست یا علی اگر شومی هست در زبان زنانست یا علی نجات یافته اند ترسندگان از
خدا و هلاک شده اند برگشتگان گناه از بی باکی یا علی هرکه دروغ بندد بر من پس مهیا سازد جای خود را
در دوزخ یا علی سه چیز است که زیاده میکند حفظ را و میبرد بلغم را خاییدن کندر و مسواک
کردن و قرآن خواندن یا علی مسواک کردن سنت است و آن پاک کننده دهانست و روشن
سازنده دیدگانست و راضی کننده رحمانست و سفید سازنده دندانست و می برد زردی روی را
و محکم میسازد بن دندان او و اشتها می آورد و می برد بلغم را و در حفظ می افزاید و حسنات را
دو چندان میسازد و فرشتگان را شاد میگرداند یا علی خواب بر چهار نوع است اول خواب
انبیا علیهم السلام که ایشان بر قفا خواب بوده است دویم خواب مومنان که ایشان بر پهلوی
راست خواب کنند سیم خواب منافقان که ایشان بر پهلوی چپ خواب کنند چهارم خواب
شیاطین که ایشان بروی افتند و خواب کنند یا علی نفرستاده است خدای تعالی هیچ پیغمبری را
مگر آنکه گردانید فرزند و ذریت او را از پشت او و گردانید فرزندان مرا از پشت تو
اگر نه مرا هیچ فرزند نبودی یا علی چهار چیز است که شکننده دینست اول پیشوایی که عاصی
شده باشد خدا را و مردم مطیع او باشند دویم زنی که شوهر او را محافظت کند و او
با شوهر خود خیانت کند سیم درویشی که کسی مداوای او نکند چهارم همسایه بد یا علی بدرستی
که عبدالمطلب در ایام جاهلیت چهار پنج چیز را شعار خود کرده بود که خداوند عالم آیه قرآن برطبق آن

فرستاد

فرستاد و آن باب تاسه اول آنکه جایز نمیداشت که زن پدر را اجداد خود بنکاح در آورد این آیه
برطبق آن نازل شد و لا تنکحوا ما نکح آباؤکم من النساء دویم اگر گنجی یافت بیرون کرد از و
خمس و این آیه برطبق آن آمد که انما غنمتم من شیء فان لله خمسه تا آخر سیم چون چاه
زمزم را کند نام او نهاد سقایة الحاج و برطبق آن این آیه آمد که اجعلتم سقایة الحاج
چهارم هرکه بناحق شخصی را کشد دیت آن را صد شتر مقرر کرده بود حق سبحانه و تعالی او را جاری کرد
و تغییر نکرد در اسلام پنجم از برای طواف عددی مقرر فرمود نزد قریش که هفت بار طوف کنند خدای
او را تغییر نکرد و جاری داشت در اسلام یا علی هرگز عبدالمطلب قمار نباخت و بت نپرستید
و گوشت حیوانی نخورد که بنام بتان کشته باشند و میگفت که من بر دین پدر خود ابراهیم علیه السلام
یا علی عجب ترین مردمان از روی ایمان و عظیم ترین ایشان از روی یقین قومی اند که می آیند در آخر الزمان
و پیغمبر را ندیده اند و حجت از ایشان پوشیده پس ایمان آورند به آنچه به پیغمبر آمده است یا علی سه چیز است
که سخت میکند دل را اول کلام بی فایده شنیدن دویم طلب صید کردن سیم بر خانه سلطان رفتن
یا علی نماز مگذار در پوست چیزی که شیر در او خورند و مخور گوشت آنرا و نماز مگذار در زمینی که
لشکر در آنجا جنگ کرده باشند و در زمینی که قوم نمرود و قوم عاد هلاک شده اند یا علی مخور تخم
مرغی که دو طرف او مختلف نباشد و مخور از گوشت ماهی که پوست او را فلوس نباشد و مخور از مرغی
که در پریدن بال خود را جنباند و مخور از مرغی که در پریدن بال خود را کم جنباند و مخور از گوشت
مرغ آبی که او را سنگدان نباشد از علف او یا علی هرچه صاحب نیش باشد و صاحب چنگال باشد از
برندگان خوردن او حرامست یا علی مکشند پدری را که پسر خود را کشته باشد یا علی قبول نمی کند

خدای تعالی دعای ولی را که فراموش کار است یا علی خواب عالم فاضل تر است از عبادت عالمی که غیر عالم
یا علی دو رکعت نماز عالم بهتر است از هزار رکعت نماز عابد یا علی درست نیست روزه زنی که برو
واجب و فرض نباشد و از روی تبرع و بخشش بود مگر با اذن شوهرش و نیز درست نیست روزه
غلام و کنیز مگر با اذن مالک ایشان و درست نیست روزه مهمان که برو واجب نباشد و نسبت روزه
نباید مگر با اذن آنکه او را مهمانی می کند یا علی عید رمضان و عید قربان روزه داشتن حرامست و بیکشب
روزه داشتن و افطار نکردن حرام است و روزه داشتن از برای وقوع معصیت و کاری که
در وی گناه بود حرامست و روزه تمامی سال و ماه و سال حرام است یا علی در زنا کردن شش خصلت است
سه از آن در دنیا واقع میشود و سه در آخرت پس آن سه خصلت که در دنیاست یکی آنست که
حسن و عزتش میرود دویم فنای او زود می آید سیم قطع روزی او میشود و آن سه که در آخرت است
یکی آنست که حسنات او را می برد دویم آنکه مقهور خدای تعالی میگردد سیم دایم در دوزخ بودن
یا علی سود نامشروع گرفتن هفتاد جزو دارد که کمترین و کوچکترین بر آن مانند کسی است که در کعبه
با مادر خود زنا کرده یا علی یکدرم سود گناه این عظیم تر است نزد حق جل علا از هفتاد
با مادر و خواهر خود زنا کرده باشد در مکه یا علی هر که زکات مال خود بمستحق ندهد بی ایمانست
و مسلمان نیست و او معزز و مکرم نباشد نزد خالق و خلایق یا علی کسی که زکوة مال
نداده باشد و آخرت که مراجعت کند بدنیا و اولاد و ادای و در این معنا ملحق است قول الهی
حَتّیٰ اِذا جاءَهُمُ المَوتُ قالَ رَبِّ ارجِعُونِ لَعَلّی اَعمَلُ صالِحاً فیما
یا علی ترک کنند حج که استطاعت آن داشته باشد کافر است بجهت آنکه حق سبحانه و تعالی فرموده که

ولله

وَلِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ البَیتِ مَنِ استَطاعَ اِلَیهِ سَبِیلاً ۚ وَمَن کَفَرَ فَاِنَّ اللّهَ غَنِیٌّ عَنِ العالَمِینَ ۵
یا علی هر که استطاعت حج رفتن داشته باشد و نرود حق تعالی او را در روز قیامت بر انگیزاند با یهودی
و نصرانی یا علی صدقه دادن رد میکند قضایی را که محکم باشد یا علی بخشش کردن بخویشان خود
و خاطر جویی ایشان کردن سبب زیادتی عمر است یا علی کسی که ابتداء طعام خوردن بنمک کند و ختم
آن بنمک کند از هفتاد و دو مرض شفا یابد یا علی چون مرد در جنت بمقام اعلا برسم شفاعت
کنم پدر و مادر و عم خود را که با من بودند پیش از زمان نبوت یا علی من پسر دو کسم که قربان شده
یکی عبدالله و یکی اسمعیل و من دعا کرده پدر خودم ابراهیم ع که در مکه دعا کرد که از نسل من یکی نبی و بعثت
یا علی عقل چیزیست که بسبب آن حاصل میشود جنت و رضای الهی یا علی اول چیزی که حق تعالی آفرید وجود
او را که بیا آمد فرمود که برو رفت و بعد از آن حق سبحانه و تعالی فرمود که بعزت و جلال من که نیافریده ام
چیزی را که عزیز تر باشد در پیش من از تو و من بسبب تو میگیرم و بسبب تو می بخشم و بسبب تو
می آمرزم و بسبب تو عقوبت میکنم یا علی صدقه دادن بغیر خویشان درست نیست هرگاه ایشان
محتاج باشند خضاب کردن یا علی یکدرم صرف کردن بخضاب فاضل تر است از هزار دینار
بذل و صدقه کردن در راه حق جل و علا و در خضاب کردن یعنی رنگ کردن موی بحنا و وسمه یکی
آنکه باد کوشها را می برد دویم روشنی چشم می افزاید اول دماغ را تر میکند ۲ بوی دهان را
خوش میکند پنجم بن دندان را محکم میسازد ۳ بوی بغل را زایل میگرداند ۴ وسوسه شیطان
از او کم میشود ۵ فرشتگان از او خوشدل و خرم میشوند ۶ مؤمنان بسبب آن
طلب بشارت ۷ کافران از او ترسناک میشوند ۸ زینت مرد است ۹ پاکیست ۱۰

منکر و نکیر از ان جای می کند ۱۱ او در قبر ایمن و سلامت می باشد یا علی خیری نیست در گفتن مگر اگر
او ر انفعل آرند و خیری نیست در مجرد دیدن مگر از احوال او صاحب وقوف باشد و خیری نیست در
مال مگر اگر عطیه و بخشش نماید و خیری نیست در دوست مگر اگر وفادار باشد و خیری نیست در
عفت مگر او پرهیزکار باشد و خیری نیست در صدقه مگر که نیت کند و خیری نیست در وطن
مگر اگر او در راحت و خوشدلی باشد **آنچه از گوسفند حرامست** یا علی در گوسفند هفت چیز حرام است
اول خون دویم فحل ذکر ش ۳ آبدان او ۴ مغزی که در میان پشت ۵ آن ماده
که در میان گوشت می باشد ۶ سپرز ۷ زهره او یا علی در خریدن چهار چیز مبالغه مکن یکی
در خریدن حیوان از جهت قربانی دویم در خریدن کفن مرده سیم در خریدن غلام و کنیز چهارم در کرایه
راه مکه یا علی خبر کرده ام ترا از انکسی که مشابه تراست بمن از مردم گفت بلی یا رسول الله بعد از ان
حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود که او کسیست که خلق او بیشتر باشد از خلق مردم
و حلم او بیشتر باشد و احسان کرم او زیاده تر از مردم و انصاف او بیشتر باشد از انصاف
مردم **دفع غرق شدن در دریا** یا علی هرگاه امت من در کشتی نشستند و خواهند که غرق
نشوند اینرا بخوانند بسم الله الرحمن الرحیم وما قدروا الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه
سبحانه وتعالی عما یشرکون بسم الله مجریها ومرسیها ان ربی لغفور
رحیم **دفع دزدان** یا علی امت من اگر خواهند که از دزد ایمن باشند این آیه
بخوانند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی

ولا تجهر

ولا تجهر بصلاتك ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد لله الذي
لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره
تكبيرا **دفع فرود آمدن بنا** یا علی امت من هرگاه خواهند که ایمن باشند از فرود آمدن بنا
و دیوارها این آیه بخوانند ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا ولئن
زالتا ان امسكهما من احد من بعده انه كان حليما غفورا **دفع غم** یا علی
هرگاه امت من خواهند که از غم خلاص شوند این کلمات بخوانند لا حول ولا قوة
الا بالله لا ملجا ولا منجا الا اليه **دفع سوختن** یا علی امت من هرگاه خواهند که
مبتلا نباشند از سوختن این آیه بخوانند ان ولیی الله الذي نزل الكتاب
وهو يتولى الصالحين وما قدروا الله حق قدره والارض جميعا
قبضته يوم القيمة والسموات مطويات بيمينه سبحانه وتعالى عما
يشركون **دفع ترس** یا علی امت من اگر ترسیده باشند این آیه بخوانند لقد جاءكم
رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف
رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب
العرش العظيم **دفع حیوانی که در گوش رود** این را در گوش او بخوانند وله اسلم
من في السموات والارض طوعا وكرها واليه يرجعون **دفع درد شکم**
یا علی کسی که درد در شکم داشته باشد بر شکم او آیة الکرسی و بعد از ان بشوید
و بخورد او دهند از ان خلاص شود باذن الله تعالی **دفع سحر شیطان** یا علی کسی که

که از ساحر و شیطان نترسد این آیه بخواند ○ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ
حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ
اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ترس او برطرف شود یا علی حق پدر بر پسر آنست که او را نام نیک نهد و ادب
کند و او را بر موضع خوب بنشاند و حق پدر بر پسر آنست که به اسمش نام نبرد و او را پهلوی خود
ننشاند و پیش او ننشیند و با او بحمام نرود یا علی سه چیز است که وسوسه می آرد یکی خوردن
گل و خاک دویم بریدن ناخن بدندان سیم بدندان بریدن موی ریش یا علی لعنت خدا بر پدر
و مادریست که با ما اهل بما فحر کرده باشند با فرزند که او بر ایشان عاق و نافرمان بردار باشد
یا علی بحذر که از عقوبت و بدی لازم آن فرزند میشود بسبب عاق شدن بر پدر و مادر و همان لازم
پدر و مادریست بسبب عدم تعلیم و آداب ایشان او یا علی رحمت خدای بر پدر و مادریست که فرزند
ایشان ادب و نیکو باشد اگر ایشان مساهله نموده باشند در تعلیم و ادب او یا علی کسی که ملول
کرداند پدر و مادر خود را بتحقیق که عاق شده بر ایشان یا علی کسی که غیبت کند مسلمانی را
پیش مسلمان و او استطاعت منع کردن داشته باشد و منع نکند او نزد حق تعالی مخذول است
در دنیا و آخرت یا علی کسی که کفایت کند نفقه یتیم بمال او تا آنکه او بالغ شود از اهل
جنت البته یا علی کسی که دست بر سر یتیمی مالد از روی ترحم الله تعالی او را اعطا کند
بقدر هر موی یتیم نوری در روز قیامت یا علی فقری بدتر از جهل نیست و مالی بهتر
از عقل نیست و وحدتی بدتر از عجب و تکبر نیست و ورعی مثل رد کردن نفس خود از حرص

بزینتی حسنی بهتر از حسن خلق نیست و عبادتی در تفکر مثل اینست یا علی آفت سخن گفتن
دروغست و آفت عبادت فترتست و آفت جمال عجب و تکبر و آفت علم حسد است یا علی چهار چیز
ضایع است طعام خوردن کار حمار بر سر باشد دویم چراغ در مهتاب سیم زراعت کردن در
زمین شور چهارم کاری کردن پیش کسی که او از اهل آن کار باشد یا علی کسی که فراموش کند صلوات را
بر من بتحقیق که گم کرده است راه بهشت را یا علی دست در دهان اژدها کردن بهتر است مرا از طلب
لئیمی که منعم شده باشد یا علی انگشتری در دست راست کن که فضیلت است از الله تعالی مر مقربان را
پس حضرت امیر سؤال نمود از آنحضرت که چه انگشتری در دست کنم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود عقیق سرخ بدرستی که عقیق کوهیست که اول او اقرار کرده بوحدانیت خدای تعالی و نبوت من
و امامت تو و فرزندان تو و بهشت رفتن شیعه تو و بدوزخ رفتن اعدای تو یا علی حق تعالی مشرف
شد بر دنیا پس از آن برگزید مرا بر عالم پس نوبت دیگر برگزید ائمه را از فرزندان تو بر همه خلق
عالم پس نوبت دیگر برگزید فاطمه را بر زنان عالم یا علی یافتم من در توریه یک نام خود در چهار محل
و یافتم در نظر کردن که مرا بآسمان می بردند چون بمسجد بیت المقدس رسیدم دیدم که بر صخره
نوشته است که لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ سؤال کردم
وزیر من کیست گفت علی ابن ابی طالب و چون بسدرة المنتهی رسیدم دیدم که نوشته است که
إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أَيَّدْتُهُ بِوَزِيرِهِ
وَنَصَرْتُهُ بِوَزِيرِهِ باز از جبرئیل سؤال کردم که وزیر من کیست گفت علی ابن ابی طالب علیه السلام
و چون بعرش رسیدم دیدم که نوشته بر ستونها وَإِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا وَحْدِي

ابدنه یوذینی ونصرته یوذینی اعلی حوته فضل و رحمت کرد ترا بهفت خصلت که ترا
بهترست که تو بیرا اول کسی که با من نشیند در منزلهای بلند بهشت و تویی که با من از بساط طهور خوری در ظرفهای
سبز مهر از مشک بعد از ان حضرت رسول الله صلعم بسلمان فارسی رضی الله عنه گفت که چون بر تو مرض مستولی شود
ترا سه خصلت است آنکه خدا یاد تو میکند و دعای ترا قبول مینماید و مرض گناه ترا می برد و خدا
عافیت ترا بواز ان میفرماید وقت اجل بعد از ان فرمود بابی ذر علیه الرحمه که اجتناب کن
از چیزی خواستن از مردم که در دنیا سبب خواریست و در قیامت موجب حساب بیشمار ای
ابی ذر خواهی زیستن و خواهی مردن تنها و بهشت خواهی رفت و قومی از عراق بسبب تو سعادت
خواهند یافت که ترا غسل و کفن کنند و دفن نمایند ای ابی ذر از کسی چیزی مخواه و اگر چیزی بتو
دهند قبول کن بعد از ان حضرت رسول صلعم فرمود که خبر دهم که مردمان بد در میان شما کیانند حاضران
گفتند بلی یا رسول الله فرمود که آنانند که سخن چینی نمایند و در میان دوستان جدایی افگنند
و عیب کنند کسانی را که عیب نداشته باشند **فصل چهارم در موعظه حضرت رسول عبدالله مسعود را**
مرویست که عبدالله مسعود گفت که من با پنج شخص دیگر بخدمت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
رفتیم بغایت گرسنگی بر ما غلبه کرده بود چنانچه چهار ماه غیر از آب و شیر و برگ درخت نخورده
بودیم گفتیم یا رسول الله تا کی این گرسنگی خواهد بود آنحضرت فرمود که دایم گرسنه خواهید
بود و بشکر الهی مشغول شوید بدرستی که کتابهای الهی بر من نازل شده و بر انبیای پیشین تمام خوانده ام
نیافته ام آنکه کسی به بهشت رود مگر صابران و اجر ایشان بسیار است پس سؤال کردیم که یا رسول الله
صابران کیانند فرمود آنکسانند که صبر کنند بطاعت الهی و اجتناب نمایند از معصیت و مناهی

وکب

وکسب کار پاکیزه کنند و در معاش میانه حال باشند و صدقه کنند آنچه ایشان را از دست رس باشد
پس ایشان رستگاران باشند ای ابن مسعود علامت صابران آنست که خشوع و وقار و آرام دل و قرار
و تفکر نمایند در امور و نرمی و پرهیزکاری کنند و نیکویی با مردمان نمایند و دوستی و خشم ایشان
برای رضای الهی بود و ادای امانت شعار خود سازند و معاونت اهل حق دهند و آزار ایشان را عفو
کنند از کسی که بر ایشان ستم کرده باشد ای ابن مسعود صابران چون مبتلا میشوند صبر میکنند و چون
نعمتی به ایشان میرسد شکر آن بجای می آورند و حکم میکنند براستی و درستی میگویند بدستی و وفا
بعهد مینمایند و از بدی توبه میکنند و به نیکی شادی می باشند و چون جاهلان ایشان تعرض و ناملایم
مینمایند میگذرانند و اعراض نمی نمایند و شب بدعا و نماز مشغول کنند و نصیحت مردمان میکنند
و سخن نیک میگویند بخدایی که مرا بحق بخلق فرستاده که صابران اینجماعت اند ای ابن مسعود حضرت
حق تعالی فرموده افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نور من ربه یعنی بهتر کسی که نور چون بدل
افتد منشرح و گشاده میگردد پرسیدند که آیا نور دل نشانه دارد فرمود بلی گذشتن از دنیا
و باز گشتن بآخرت و مهیا شدن بجهت مرگ پیش از آنکه فوت شود و فرصت هر که ترک دنیا
کرد کوتاه میشود و دنیا را با اهل دنیا میگذارد ای ابن مسعود معنی آیه و لنبلونکم ایکم
احسن عملا اینست که شمارا آزمایش میکنم که ترک دنیا کدام بیشتر میکنید که آن جام غرور است
و خانه کسیست که جا ندارد و کسی که عقل ندارد جمع آن میکند و احمق مردمان کسی است که طلب دنیا
میکند حق جل و علا فرموده که در شان عیسی ع که آتیناه الحکم صبیا یعنی دادیم او را در کودکی
زهد و ترک دنیا و فرمود در موسی ع که بهترین زینتها در نظر من بی رغبتی است چون فقر روی بتو کند

مدح کن و چون تو اگر شوی بترس ای پسر مسعود هر که محتاج است بهشت باید که بشتابد بخیرات و هر که ترسد از آتش باید که اجتناب کند از شهوات و هر که مرگ را انتظار برد باید که بگذرد از لذات و هر که در دنیا زاهد شد بر او آسان شد مصیبات ای پسر مسعود حق سبحانه و تعالی برگزیده موسی را بکلام خود و مناجات کرد با او وقتی که رنگ سبزی از شکم او مینمود از لاغری ای پسر مسعود اگر خواهی بیان کنم حال نوح نبی را که هزار سال کم پنجاه روز در دنیا زیست چون صباح میکرد در آن نبود که شب خواهد بود و چون شب میکرد در آن نبود که روز خواهد و طعام او جو بود و لباس او مو و لباس و طعام داود نیز همین بود و سلیمان که ملک عالم را داشت از جو میخورد و لباس از مو میپوشید و طعام و لباس خوب بمردم میداد و چون شب میشد تا روز بنماز می ایستاد و ابراهیم خلیل لباس او از پشم بود و طعام او از جو و اگر خواهی که بیان کنم حال عیسی را که آن عجب حالیست میفرمود که نان خورش من گرسنگیست و شعار من ترس است و لباس من پشمینه است و مرکب من پاهای منست و چراغ من در شبها مهتاب و آتش من در زمستان روشنی آفتابست و میوه و ریحان من سبزیهای زمین است که چهارپایان میخورند روز را بشب میکنم و هیچ ندارم و شب را بروز بهمین نوع و کسی از من در روی زمین غنی تر نیست ای پسر مسعود تمام پیغمبران بخشم اند از آنچه خدای تعالی از آن بخشم است و کوچک میدانند آنچه نزد خدای کوچکست و حق تعالی در کلام خود مدح ایشان بسیار نموده و از عذاب ترسانیده و آیات قرآن ناطق است برین ای پسر مسعود آتش برای آنکس است که حرام خورد و بهشت از برای آنکس است که از حلال بگذرد ای پسر مسعود خواهند آمد بعد از من جماعتی که طعامهای خوب خورند و بر چهارپایان خوب سوار شوند و بزینتهای خوب خود را آرایند و زنان بیرون آیند بطور دنیا

جباران منافقان این امت اند و در آخر الزمان شراب خورند و قمار بازند و بشهوت مشغول باشند و ترک نماز بجماعت کنند و عداوت بسیار ورزند مثل ایشان گیاه دغل است که شکوفه آن نیکوست و طعمش تلخ است و عملهای ایشان دردیست که دوا ندارد ای پسر مسعود سخن ایشان از رای زبان ایشانست و شرف ایشان بدرم و دینار است و همتای ایشان شکم ایشانست این جماعت بدترین مردم اند فتنه از ایشان برخیزد و بر ایشان باز گردد ای پسر مسعود اسلام چون پیدا شد غریب بود و زود باشد که باز گردد غریب و مرحبا مر کسانی را که غریب اند پس از فرزندان شما کسی باید که زنان از اسلام بکنند و متابعت نکنند بجنازه ایشان و پرسش نکنند خستگان ایشان را پس بترسید که اظهار طریقه ایشان میکنند و افعال ایشان بخلاف شماست و میمیرند بر غیر ملت شما ایشان نیستند از من و نه من از ایشان پس باید که بترسید از کسی که او از غیر خدا نمی ترسید ای ابن مسعود بر ایشان باد لعنت من و تمام انبیا و ملائکه مقرب و بر ایشان باد غضب خدا و سختی حساب دنیا و آخرت ای ابن مسعود خواهد آمد وقتی بر مردمان که صبر کردن بر دین همچون برداشتن آتش است بکف دست ای پسر مسعود علما و فقهای ایشان خاین و بدکار اند و بدترین خلق و پیروی ایشان کنند کر ایشانرا دوست میدارد و با ایشان همنشین باشند و با ایشان مشورت کنند و بدترین خلق خدا آنانند که میگویند که بر دین منسوبند بسنت و شریعت و طریقت من لیکن من از ایشان بیزارم و ایشان از من بری ای پسر مسعود با ایشان منشین و خرید و فروخت مکن و آب بر ایشان مده سوگند بخدا که مرا بحق بخلق فرستاده که خدا ایشانرا بمیمون و خوک کرداند و در زمین فرو برد ای پسر مسعود کسی که بیاموزد

بجهت دنیا و خالی شود بر و دنیا و زینت آن مستحق عقاب خدای شود و بدرک الاسفل با یهودیان
و نصرانیان در رود ای پسر مسعود هر کس قرآن جهت دنیا خواند بهشت بر و حرام شود و هر که
بیاموزد علمی و بر آن عمل نکند در روز قیامت کور باشد و هر که بیاموزد علمی برای جهت دنیا
الله تعالی برکت از و بر دارد و معاش بر و تنگ گرداند و خدا او را بخود واگذارد ای پسر مسعود
باید که همنشین متقیان و زاهدان باشی ای عبدالله آنجماعت منکر را نیکو میدانند و نیکو را منکر
پس چون آنها می بینند ای پسر مسعود بر تو باد که از خدای بترسی و واجبات را بجای آری و ترک
کن آنچه ترا بکار نمی آید و قصد کن آنچه ترا بکار آید ای پسر مسعود بپرهیز از آنکه ترک طاعتی کنی
و قصد معصیتی و پرهیزکاری کن از لذتها و شهوتها و زینتهای آن در خوردن حرام و طلا و نقره
و مرکبها و زنان و فرزندان و خروارهای طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر و زراعت
که اینها متاع دنیاست و آنچه نزد حق سبحانه و تعالی از ثواب و بازگشت نیکوتر از این است
ای پسر مسعود چون قرآن خوانی و بآیتی برسی که در او امری و نهی باشد مکرر بخوان و ملاحظه معنی آن
بکن و از آن پند و اعتبار بگیر و غافل مشو از آن ای پسر مسعود بخدای که مرا بحق بخلق فرستاد
که زمانی در آید بر مردمان که شراب را حلال دانند و نام آن نبیذ نهند لعنت خدا و ملائکه
و جمیع خلایق بر ایشان باد و ایشان از من نیند و من از ایشان بری و بیزارم ای پسر مسعود
زنا با مادر سهلتر است نزد حق سبحانه و تعالی از خوردن ربا اگرچه بمقدار حبه خردل باشد
و خوردن مست کننده خواه اندک و خواه بسیار آسانتر است نزد حق سبحانه و تعالی
از خوردن ربا زیرا که کلید همه شرهاست ای پسر مسعود آنجماعت عیب کنند کسی را که پرهیز کند و منت

و فرض خدای تعالی ای پسر مسعود بپرهیز از مستی که گناه را مستی هست مثل مستی شراب که بیش از آن
و دنیا ملعون است و آنچه در دنیاست و هر که آنرا میخواهد و دوست دارد ای پسر مسعود چون کاری
از برای خدای کنی نه از برای غرضی زیرا که حق تعالی قبول نمیکند از بندگان مگر آنچه خالصاً لوجه الله
باشد و بگذار نعمت دنیا و شیرینی او و گرم و سرد و خوبی آنرا و لازم ساز نفس خود را صبر
از آن زیرا که حضرت عزت در آخرت از اینها سؤال خواهد نمود ای پسر مسعود چون قصد کاری
کنی و بغیر خدای تعالی امید مدار و ثواب آخرت را در آن کار ای پسر مسعود زمانی که مردمان
مدح تو کنند و گویند روز روزه میدارد و شب بیدار و نماز میگذارد و تو چنان نباشی
بدان خرم نشوی ای ابن مسعود کار نیک بسیار کن بدرستی که روز قیامت نیکوکار و بدکار
هر دو پشیمان گشتند نیکوکار گوید کاش بیشتر نیکویی را و بدکردار گوید ای کاش این بدیها
نمیکردم ای پسر مسعود یاد کن قرنهای پیشین را و ملوک و حکام جبار که پیشتر بوده اند
و رفته اند از این دنیا غدار چون عاد و ثمود و نمرود و فرعون و از حال ایشان اعتبار گیر
ای پسر مسعود التزام تقوی حق کن در ظاهر و پنهان و در بر و بحر روز و شب زیرا که حق
با تمامت هر جا که هستید و خیانت مکن با هیچکس در امانتی که نزد تو گذارد یا امانتی که
ترا بر آن امین دانند حق سبحانه و تعالی میفرماید ان الله یأمرکم ان تؤدوا الامانات
الی اهلها یعنی خدای تعالی امر میکند شمارا برسانیدن هر امانتی ای پسر مسعود سوگند بآنکه
مرا براستی بخلق فرستاده که هر که از دنیا بگذرد و روی بتجارت آخرت آرد حق تعالی
خیر بسیار باو دهد و نفع بیشمار کرامت نماید ابن مسعود گفت پدر و مادرم فدای تو باد چه

بتجارت آخرت آنحضرت فرمود که زبان تو ربح و سود میکند از ذکر خدا اگر بگویی سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر پس بپرهیز که این تجارت سود کننده است و دیگر هرچه
چشمان تو بیند و دل تو آن را بپسندد از برای خدا صرف کن تجارت آخرت چو حق تعالی
میفرماید ما عندکم ینفد و ما عند الله باق یعنی آنچه نزد شماست نیست و فانی
میشود و آنچه نزد حق است باقیست ای پسر مسعود چون بگویی لا اله الا الله و ندا
از او حق تعالی او را باز گرداند بسوی تو ای پسر مسعود دوست دار صالحان را پس هر کسی
که هر کس آنچه دوست دارد محشور شود پس اگر توانایی داشته باشی بر عمل نیکو دوست دار
علما را ای پسر مسعود پرهیز کن از شرک بخدا اگرچه ترا به اره ببرند یا به آتش بسوزانند
ای پسر مسعود صبر کن در صحبت کسانی که ذکر خدا و تسبیح و تهلیل و تحمید گویند و عمل می کنند
بطاعت او در صبح و شام و خدا را میخوانند ای پسر مسعود هیچ چیزی را اختیار مکن و مگزین
بر ذکر خدای تعالی چونکه پیغمبر میفرماید که ولذکر الله اکبر یعنی ذکر خدای تعالی بزرگتر است از همه اشیا
و بر شما باد که التزام کنید بسکینه و آرام و وقار پس باش تو سهل و نرم سخن و پرهیزکار و مسلمان
و متقی و پاک و نیکوکار و طاهر و پاکیزه و صادق و خالص و صحیح و سالم و عاقل و صالح و صابر
و شاکر و مؤمن و زاهد و متواضع و رحیم و دانا زیرا که هر که بدین صفات موصوف
شد مستحق بهشت است و بهشت میراث اوست چنانکه حق تعالی میفرماید والذین هم علی
صلواتهم یحافظون اولئک هم الوارثون الذین یرثون الفردوس
هم فیها خالدون ای پسر مسعود شفقت کن بر اهل و فرزند خود که داخل شوی بسبب آن در دو عالم

و در روز قیامت شرمنده باشد و باید که یاد حق کنی و بعمل صالح مشغول باشی که عمل نیکو پسندیده
خداست ای پسر مسعود مباش از قبیل کسانی که راه نمایند مردم را بکار نیک و ایشان را امر کنند بنیکی
و دیگر نگاه دار زبان خود را از بد گفتن تا شرمنده نشوی در آخرت و بترس از روزی که پراکنده
شود نامها و ظاهر شود بدیها و بترس از خدا در حال غیبت و نادیدن او و پنهانی او و اگر تو
او را نمی بینی او ترا می بیند ای پسر مسعود انصاف بده مردمان را از نفس خود و نصیحت کن ایشان را
و رحم کن بر ایشان پس اگر تو همچنین باشی و خدای تعالی غضب کرده باشد بشهری و خواهد که
بر ایشان عذاب فرستد نظر کند بسوی تو و بسبب تو رحمت کند بر ایشان و عذاب نفرستد
ای پسر مسعود حذر کن از آنکه تو خود را اظهار گردانی در میان مردمان بتواضع و فروتنی
و حال آنکه در خلوتی که باشی تو و خدای مبالغه نمایی در معصیتها و خدای تعالی عالمتر است بر اینها
و مخفی تر از اینها ای پسر مسعود مثل کسانی که بحث نمایند بر مردمان و بر خود آسان
کنند ای پسر مسعود اگر عمل و کاری کنی از روی علم و عقل کن و حذر کن از کار بی اندیشه
و دانش ای پسر مسعود راست گو باش و بیرون میار مطلق زبان از دهان بدروغ
و انصاف ده مردمان را از نفس خود و نیکویی کن با ایشان و بخوان مردم را به نیکویی کردن
و نیکی کن با خویشان و مکر و حیله مکن با مردم و وفا کن بعهد و پیمانی که با ایشان کرده باشی

فصل پنجم در وصیت کردن حضرت رسول صلعم مر ابوذر غفاری را مرویست که ابوذر گفت
که در اول روز بخدمت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم رفتم آنحضرت با حضرت امیر المؤمنین
یعسوب الدین اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب علیه السلام نشسته بود من نیز نشستم

گفتم یا رسول الله وصیتی کن که خدای تعالی مرا فایده دهد پس آنحضرت فرمود که ای ابا ذر
بتحقیق که تو از ما یی و از اهل بیت مایی وصیت میکنم ترا نگاهدار تا خدای تعالی
در دنیا و آخرت ترا نفع دهد ای ابا ذر عبادت کن خدای را آنچنان که او را می بینی
و بتحقیق که او ترا می بیند و بدان ای ابا ذر که اول بندگی کردن خدای تعالی دانستن او
و دانستن او آنست که خدای تعالی اول همه چیزهاست و پیش از آن چیزی نبوده و او یگانه
و او یکیست که ثانی ندارد و باقیست که او را نهایت نیست و آفریننده آسمان
و زمین و فرمان است و آنچه در ایشان است و لطف کننده است و بر خلقان دانا
و بر جمیع چیزها قدرت دارد از آنچیزی که ممکنست و بعد از آن ایمان بمن و اعتقاد
کردن بجمیع چیزها و آنچه من بآن آمده ام و اقرار کن بآنچه بمن فرستاده و بجمیع مردمان
از جهت بشارت آوردن برای ایشان و ترسانیدن ایشان را از عذاب و عقاب
و دعوت کردن ایشان را بسوی خدای تعالی باذن او و من چراغیم نور دهنده
و بعد از آن دوستی اهل بیت من که حق تعالی از ایشان دور کرده چرک گناه را
و پاک کرده ایشان را آنچنان که می باید و بدان ای ابا ذر که حق سبحانه و تعالی
اهل بیت مرا در میان خلق مثل کشتی نوح گردانیده که هر که آمد در آن کشتی از
طوفان خلاصی یافت و هر که تخلف کرد غرق و هلاک شد و مثل محبت
اهل بیت من مثل باب حطه است که در بنی اسرائیل بود که هر که داخل شد بر آن
ایمنی یافت از بلاها و عذابها ای ابا ذر نگاه دار آنچه وصیت میکنم بتو

تا سعید باشی در دنیا و آخرت ای ابا ذر دو نعمت است که مغبونند بآن اکثر
مردمان یکی امنیت و دیگری صحت بیت دو نعمت است الکمن شکر نیستی یکی امنیت دیگری تن درستی
ای ابا ذر غنیمت دان پنج چیز را پیش از پنج چیز جوانی را پیش از پیری و صحت را پیش از تن از بیماری و مالداری را
پیش از درویشی و فراغت را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از مردن و بیقراری و حذر کن
از تقصیر در کارها و کار امروز بفردا میندار و طاعت و احسان که امروز می باید کرد و کمن و موقوف
بفردا مساز که اگر فردا باشی طاعت و احسان که باید بکنی مثل روز گذشته ای ابا ذر بسیار کسانند
که روز حاضر را غنیمت نمیدانند و استقبال میکنند و انتظار فردا میکشند ای ابا ذر اگر تو نظر
کنی بمدت اجل و مسافت آن هر آینه ترک کنی امید و غرور را ای ابا ذر در دنیا باش مثل غریب
و رهگذری و شمار خود را از اهل گورستان گیر یا خبری ای ابا ذر اگر در صباح باشی مگو که در شب این
کار کنم و آن کار کنم و اگر در شب باشی مگو در صباح چنین و چنان کنم و فرا گیر در حالت صحت آنچه
مقتضای صحت است از اعمال حسنه پیش از آنکه بیمار شوی و اخذ کن در زمان حیات از افعال پسندیده
پیش از آنکه بمیری زیرا که معلوم نیست که فردا حال تو چیست و آنچه نام میخوانند ترا سعید یا شقی
ای ابا ذر اگر ترا دریابد کشتر کیری پیش از افتادن فال بد مگیر و در دل خود مگیر که من افتم
ای ابا ذر تو قدرت نداری که مراجعت کنی بدنیا بعد از مردن پس از آنکه اعمال نیک پیش
از مردن بجای آوری فایده نمیدهد ترا اگر اسباب خود را بجهت او گذاشته و عذر تو
نمیخواهد کسی که جمع کرده بهر او چیزی که بدان مشغول گشته و وسیله نجات خود ندانسته
ای ابا ذر باید که بر عمر خود حریص تر باشی از خود بر طلا و نقره بدرستی که بدترین مردمان بحسب رتبت

ومنزلت نزد حضرت عزت در روز قیامت عالیست که مشفق نشود بعلم خود و هرکس طلب کند علم
بواسطه آنکه مردمان روی بوی کنند و او را بزرگ خود دانند سرمایه از دست بهشت و را
نخواهد یافت بسوی بهشت ای ابی ذر کسی که طلب علم کند که مردم را بفریبد بسبب آن بوی بهشت نشنود
ای ابی ذر اگر کسی از تو سؤال کند چیزی را که نمیدانی بگو نمیدانم تا نجات یابی از عذاب الهی در روز قیامت
ای ابی ذر مطلع شوند قومی از اهل بهشت بر قومی از اهل دوزخ در آتش گویند ما داخل شده ایم در بهشت
بواسطه قصد ادب کردن و تعلیم نمودن ایشان گویند که ما داخل شده ایم در دوزخ بسبب آنکه
امر میکردیم مردم را بچیزهای نیک و خود بدان عمل نمیکردیم ای ابی ذر حقوق الهی بزرگتر
از آنکه بندگان بشکر آن قیام توانند نمود و نعمتهای نامتناهی بیشتر است از آنکه بندگان در شمار
توانند آورد ولیکن می باید که در صباح و مسا توبه کنند از بدیها ای ابی ذر بتحقیق که در گذشتن
شب و روز عمر در روز کم میشود و عملها حفظ میکنند و ناگاه مرگ می آید و هرکه زراعت
نیک میکند می یابد ثمره آن از راحت و فراغت و هرکه زراعت بد میکند میدرود حاصل آن را
ندامت و پشیمانی چو از برای هر زراعت کننده مثل آنچیزی که زراعت کرده از نیک و بد و هرکه
بخیر چیزی رساند خدای تعالی بوی چیزی رساند و هرکه نگاه دارد بنده خدا را از بدی خدای تعالی
نیز او را نگاه دارد از بدی ای ابی ذر پرهیزکاران قومی بزرگ کنند و فقیهان راه نمایند
مردمانند بجنت و نشستن با ایشان موجب زیادتی درجه است در دنیا و آخرت بتحقیق که
مؤمن می بیند گناه خود را مثل سنگی آویخته که گویا در زیر آن سنگ نشسته و میترسد که
آن سنگ بر او واقع شود و کافر می بیند گناه خود را که گویا مگسی است که بر بینی او میگذرد

ای ابی ذر بتحقیق که خدای تعالی هرگاه که با بنده نیکی و نیکی او را میخواهد میگرداند گناه او را نزد چشمان او
مجسم و بر او گران سخت میسازد تا دیگر گناه نکند و هرگاه که با بنده بد خواهد گناه او را فراموش او
میگرداند و نظر مکن بخوردی گناه خود ولیکن نظر کن که عصیان میورزی ای ابی ذر بتحقیق که نفس مؤمن
مضطرب تر است از ترس خدای تعالی بسبب گناه کردن از گنجشکی که افتاده شود در دام ای ابی ذر
کسی که موافق باشد قول او با فعل او پس آنکس فردای قیامت میرسد بنصیب رزق خود و کسی
که مخالف باشد قول او با فعل او بدتر که سرزنش کرده میشود او فردای قیامت در میان مردم
و منکوب در دنیا ای ابی ذر بتحقیق که مردم محروم میگردند از رزق خود بسبب گناهی که میکنند ای ابی ذر
منع کن نفس خود را از چیزی که در آن فایده نباشد و سخن مگو در چیزی که منفعت ندارد و نگاهدار
زبان خود را از بدی بیجا همچنانکه نگاه میداری نقد و جنس خرج در اتلاف ای ابی ذر بتحقیق که خدای تعالی
داخل میگرداند قومی را در جنت و عطا میکند بایشان نعمتهای گوناگون تا آنکه ایشان سیر میشوند
و بالای ایشان قومی میشود در درجه عالی پس هرگاه که نظر کنند بدیشان بشناسند ایشان را و گویند
ای پروردگار ما اینها برادران ما بودند و با هم بودیم در دنیا پس بچه تفضیل کرده ایشان را بر ما
پس جواب داده شوند که هیهات هیهات بتحقیق که ایشان گرسنه می بودند در حالی که شما سیر بودید
و بر پای ایستاده بودند در حینی که شما خفته بودید و در تشویش و مشقت میبودند در وقتی
که شما در راحت بودید ای ابی ذر گردانیده است حق تعالی روشنی چشم مرا در نماز گذاردن و محبت
نماز در دل من نهاده همچنانکه گرسنه بطعام و تشنه بآب لیکن گرسنه سیر میشود و تشنه
نیز تسکین می یابد هرگاه که طعام و شراب میخورند و حال آنکه من سیر نمیشوم از نماز گذاردن

ای ابی ذر هر آدمی که شبانه روزی دوازده رکعت نماز سنت بگذارد سوای آنچه بر او فرض شده
هر آینه باشد او را حقی واجب که ثابت باشد در بهشت ای ابی ذر مادام که در نماز گذاردن میکوبی در
بتحقیق در حضرت ملک جبار و هر که بسیار کوبد هر آینه گشاده شود برای او ای ابی ذر هیچ مؤمنی
نیست که نماز گذارد مگر آنکه نثار کنند بر او نیکی آنمقدار که میان او و عرش است و موکل کرده شده بر او
ملکی که ندا کرده میگوید ای پسر آدم اگر تو میدانستی که چه فایده دنیوی و اخروی از برای تو هست
در نماز گذاردن التفات بهیچ چیز نمیکردی غیر از آن ای ابی ذر در نیکی از اصحاب علمها که ایشان
برداشته آن علمها را در روز قیامت در پیش مردم میروند بجنت سوال نمودند که ایشان چه کسانند
جواب داده شد که ایشان جماعتی اند که پیش از مردم در سحرها و غیر آن بمساجد میروند و بطاعت مشغول میشوند
ای ابی ذر نماز ستون دین است و زبان بزرگتر از آنست و صدقه محو میکند گناه را و روزه داشتن
سپریست آتش دوزخ را و زبان بزرگتر از آنست یعنی هر که زبان خود را بذکر خدای تعالی گویا
گردانیده و از بد گفتن باز دارد و جاری سازد بنیکی گفتن ثواب آن ذکر زیادتر است از ثواب اینها
ای ابی ذر مرتبه و درجه در بهشت بالا و پایین میباشد همچنانکه در میان زمین و آسمان و در زمین نیز
درجه بالای درجه هست بتحقیق که بنده از بندگان چشم خود بگشاید در آخرت و نظاره و درخشان
گرده از برای او نوری که نزدیک باشد که ببرد نور چشم او را آن بنده مشغول شود بالکلیه
بر آن نور از هر چیز بعد از آن گوید که این چه نور است جواب داده شود که این نور برادر تست او
گوید که برادر من فلانست و در دنیا باهم بوده ایم و عمل میکردیم چونست که تفضیل کرده شده
بر من پس گویند او را که برادر تو افزونی داشت بر تو در عمل او اذن نکند شود بعد از آن حق تعالی

بیفکند

بیفکند در دل او رضا را آنانکه او راضی شود ای ابی ذر دنیا زندان مؤمنست و جنت کافر و صباح نمیکند
مؤمن در دنیا مگر آنکه حزین و اندوهگین میباشد چگونه اندوهگین نباشد که خدای تعالی وعده داده او را داخل شدن
بجهنم و مؤمن همیشه در دنیا ملولست تا آنکه مفارقت کند از دنیا چونکه مفارقت کرد از دنیا میرسد
براحت و کرامت ای ابی ذر نیست نزد خدای تعالی چیزی بهتر از حزن و اندوه ای ابی ذر کسی که حاصل شده
باشد علم که او را گریان نسازد هر آینه او سزاوار است که نباشد از قبیل کسی که عمل صالح نموده باشد
و انتفاع نگیرد بدان بتحقیق که خدای تعالی وصف کرده علما را بدین نوع که اِنَّ الَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ
مِنْ قَبْلِهِ اِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ
كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَيَخِرُّونَ لِلْاَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا
ای ابی ذر کسی که توانایی دارد که گریه کند باید که گریه کند و اگر نه دل خود را اندوهناک گرداند و خبر
میدهم ترا که هر دلی که زنگ غفلت دارد دورست از رحمت خدا و لیکن ایشان نمیدانند ای ابی ذر
خدای تعالی میفرماید که جمع نمیکنم بر بنده دو ترس را ترس دنیا و آخرت و جمع نمیکنم بر بنده دو امن را
یعنی امن دنیا و آخرت پس اگر کسی ایمن باشد از من در دنیا میترسانم او را در آخرت ای ابی ذر
اگر مردی را باشد عملی مثل عمل هفتاد پیغمبر باید که آن عمل را احقر داند و بترسد که مبادا نجات
نیابد از عذاب روز قیامت ای ابی ذر بتحقیق که عرض میکنند بر بنده گناه او را در روز رستخیز
هر نوع گناهی که کرده باشد پس او گوید که من در دنیا ترسان بودم و بر بندگان خدا مشفق بودم حق تعالی
او را بیامرزد ای ابی ذر بتحقیق که هر که عمل نیک کند و تکیه و اعتماد بر آن نماید مرتکب گناهان
صغیره شود چون نزد حق سبحانه و تعالی حاضر گردد حق تعالی بر او خشمگین و غضبناک باشد ای ابی ذر

بنده باشد از بندگان خدا که گناه کند و به بهشت رود گفتم یا رسول خدای تو شوم این چگونه باشد فرمود که چون
بنده گناهی کند و آن گناه همیشه در برابر او باشد و فراموش نکند و از آن توبه کند و از آن بجانب
حق گریزد تا محلی که بهشت رود ای ابی ذر زیرک آنکس است که نفس خود را بر نیکی دارد و کاری کند که
نتیجه آن بعد از مرگ بدو عاید گردد و مرد عاجز کسیست که نفس او تابع لذات و شهوات باشد
و طلب کند از حق جل علا که او را بمقاصد لذات دنیویه رساند ای ابی ذر اول چیزی که برداشته میشود
ازین امت امانت و فروتنی تا بمرتبه رسد که یافت نشود مرد متواضع خاشع ای ابی ذر بحق آنکه
نفس محمد بید قدرت اوست که اگر دنیا نزد حق تعالی اعتباری میداشت برابر پر پشه هر آینه یکی
شربت آب بهیچ کافر نمیداد و دنیا و هرچه در دست ملعونست مگر کسی که در دنیا طلب نماید
حق تعالی را و توجه او بخدا باشد و هیچ چیز نزد حق تعالی دشمن تر و بدتر از دنیا نیست و چون آفرید
دنیا را نظر نکرد بر وی و نخواهد کرد بر وی تا روز قیامت و هیچ چیز دوست تر نیست نزد خدای تعالی
از ایمان آوردن به وی و ترک چیزی کردن که او امر بترک آن نموده ای ابی ذر بدرستیکه خدای تعالی
وحی فرموده به برادرم عیسی علیه السلام که دوست مدار دنیا را که من دوست نمیدارم او را و دوست دار
آخرت را که آن جای آیت که بازگشت همه بدوست ای ابی ذر جبرئیل ع آمد نزد من با خزاین دنیا بر استر
سیاه و سفید پس گفت مرا که ای محمد اینها خزاین دنیاست و نقصان نرسد بتو در مرتبه و درجه
که داری نزد حق سبحانه و تعالی بجهت فایده که تو ازین نگیری گفتم ای جبرئیل مرا حاجت به اینها نیست
هرگاه سیر میشوم شکر منعم میگویم و هرگاه که گرسنه میشوم از خدای تعالی طلب مینمایم
بقدر ضروری ای ابی ذر چون خدای تعالی خیر بنده را میخواهد او را فقیر میگرداند در دین و زاهد

میگرداند

و زاهد میگرداند از دنیا و بینا میسازد بعیبهای دنیا و دردها و دواها و بیرون می برد او را از آنجا
بسلامت بدار السلام بهشت ای ابی ذر اگر ببینی برادر خود را که او زاهد است در دنیا پس متوجه او شو
و استماع سخنان او کن زیرا که او بتحقیق القای حکمت میکند و افاده حکمت مینماید گفتم یا رسول الله
کیست زاهدترین مردم فرمود کسی که فراموش نکند قبور را و پوسیده اجساد را و ترک کرده
باشد زیادتی زینت دنیا را و اختیار کرده باشد آن چیزی را که آن باقیست بر چیزی که آن فانیست و خود را
در سلک مردگان شمارد ای ابی ذر حق جل جلاله داد بمن خدای تعالی که جمع کنم مال را باجمال و لیکن وحی کرد
بمن که تسبیح کنم بثنای ذو الجلال و باشم تو از سجده کنان و بندگی کن خدای تعالی را تا آنکه ترا
یقین حاصل شود یعنی تا روز مرگ ای ابی ذر من میپوشم جامه درشت و بر زمین می نشینم و
روی خاک و می لیسم انگشتان خود را و سوار میشوم بر حمار بی زین لسی و ردیف خود سوار
میکنم و اینها سنت منست و هر که اعراض کند از سنت من او از من نیست
ای ابی ذر دوست داشتن مال و شرف میبرد دین خود را همچو دو گرگ که بروند بر گله گوسفند و کشش
نمایند تا صباح پس نمیگذارند از آن گوسفندان مطلقا چیزی پس حب مال و شرف با دین
مرد چنان میکنند که آن گرگان با گوسفندان ای ابی ذر گفت یا رسول الله کسانی که خوف دارند
از حق تعالی و فروتنی میکنند و متواضع اند و ذکر الهی بسیار بر زبان میرانند آیا ایشان
سابقند در جنت حضرت فرمود نه بلکه سابق در جنت فقرای مسلمانانند بدرستیکه ایشان
پای بر گردن مسلمانان مینهند و به بهشت میروند ای ابی ذر بتحقیق که دنیا مشغول کننده است
دلها و بدنها را بچیزهایی که موجب لذات دنیویت و بمحرمات و می باید که هر مسلمان خود را

نگاهدارد از چیزهای حرام تا فردای قیامت از عهده جواب او بیرون تواند آمد ای ابی ذر حق تعالی
سؤال خواهد کرد از نعمتهای حلال پس چگونه از ما پرسد نعمتهای حرام را ای ابی ذر بدرستی
که من طلب کرده ام از حضرت عزت که مدهد رزقی که دوست دارد مرا بقدر کفاف آن
یعنی آنمقدار که او را بس باشد و زیاده بران نباشد و طلب کرده ام من از حق جل علا
که بدهد بهر که او دشمن دارد مرا مال بسیار و فرزند بیشمار ای ابی ذر خوشحال مر کسانی را که
دوری گزیده اند از دنیا و رغبت دارند به آخرت و ایشان آن کسانند که زمین را فرش
خود ساخته اند و خاک را بستر خود و آب را پاک و خالص دانسته و کلام حق را شعار خود ساخته
بدان عمل میکنند و دعای کردگار را دثار خود ساخته اند یعنی همیشه طالب حقند و منقطع اند
از دنیا دنی انقطاع تمام ای ابا ذر زرع آخرت نیکوست و زراعت دنیا مال پرانند
ای ابا ذر بتحقیق که پروردگار خبر داده است مرا و فرموده بحق عزت و بزرگی من که نرسیده اند
عابدان بدرجه گریه کنان بتحقیق که من بنا کرده ام برای گریه کنان در بهشت درجه اعلا و مرتبه
قصوری که در آن شریک نباشد هیچکس با ایشان ابی ذر گفت گفتم یا رسول الله کدام مومن
دانا و زیرکتر است فرمود که آنان که ذکر مرگ بسیار کنند و تهیه مرگ را از دست
نگذارند ای ابی ذر وقتی که داخل شود نوری در دل مومن گشاده میشود دل او تا علوم
و حکم الهی در آن ظاهر شود و در و این خبر انجمد بعد از آن گفتم یا رسول الله فدای تو شوم
نشانه آن چیست فرمود که بازگشتن است بدار ابدی و دوری گزیدن است از دنیای دنی
و خود را مستعد مرگ ساخته است پیش از آمدن آن ای ابی ذر بترس از خدا و [illegible] خود را

بمردم

بمردم که تو میترسی از خدا تا گرامی دارند ترا مردم و حال آنکه دل تو بد باشد دعا چرا ای ابی ذر البته
می باید که باشد از برای تو در هر چیزی که بفعل می آری در آن نیتی نیکو حتی در طعام خوردن و خواب کردن
ای ابی ذر البته باید که بزرگ داری عظمت الهی را پس بر زبان میاور همچنانکه جهال و کفار نزد سگ دیدن میگویند
اللهم اخزه و نزد خوک دیدن میگویند اللهم اخزه ای ابی ذر بتحقیق که خدای تعالی فرشتگان هست
که ایشان ایستاده اند در عبادت همیشه از ترس الهی و مستغرق حقند و سر بالا نمیکنند تا آن زمان
که صور در دمند و دیگر بعد از آن جمیع فرشتگان میگویند سبحانک وبحمدک ما عبدناک
کما ینبغی لک ان نعبد و اگر مردی را مثل عمل هفتاد پیغمبر باشد هر آینه آن عمل نزد او اندک
می نماید از بسیاری چیزی در روز قیامت بتحقیق اگر در وادی بریزند از چرک دوزخیان در موضع
طلوع آفتاب هر آینه از حرارت و شدت آن بجوش آید جانب مطرفهای غروب آفتاب و اگر دوزخ
یکت زبانه آتش بکشد نمی ماند از ملک مقرب و نبی مرسل مگر که بیفتند بدو زانو و گویند هر یک
از ایشان ای رب نفسی نفسی یعنی ای پروردگار دریاب مرا و رحم کن بر نفس من و غفران نما و بغیر از
نفس خود بهیچ چیز نپردازند تا بحدی که ابراهیم علیه السلام فراموش کند فرزند خود اسمعیل را
و گوید ای پروردگار خلیل تو ام ابراهیم فرو مگذار مرا ای ابی ذر بدرستی که اگر زنی از زنان
بهشت ظاهر شود از آسمان دنیا در شب گرد در غایت تاریکی هر آینه روشن از نور آن تمام زمین
زیاده تر از روشنی که ظاهر میشود از قمر در نهایت بدریت و می یابند بوی خوش آن را جمیع اهل
زمین بتحقیق که اگر یکجامه از جامه های اهل جنت گشاده شود در دنیا بیهوش شود هر که
نظر کند بدو و نتواند نگریستن در و ای ابی ذر وقتی که تو حاضر شوی بجنازه و قرآن خوانند

و در جنگ بلند مکن آواز خود را ای اباذر در روزی که حاضر شوی عقل خود را متوجه ایشان کن
و تفکر بجا آر خود کن و گریه بجا آر خود کن و بدان بتحقیق که تو لاحق خواهی شد بوی بدان ای اباذر
که هر چیزی که فاسد شود نمک آن را باصلاح می‌آورد و دوای آن نمک است و هرگاه نمک فاسد شود
حال چه باشد کی علما و بزرگان بمنزله نمک‌اند در میان مردمان چنین نمایند در منهیات و فساد
و بزرگان دین محمدی صلی الله علیه و آله اصلاح حال ایشان کنند و براه راست آورند و هرگاه
علما از اهل صلاح نباشند ایشان را که باصلاح آورد و این موجب فساد اهل عالم شود
بدان که بر شما دو عادت بد است یکی خنده بی تعجب بر زه و یکی کاهلی در طاعت بی سهو ای اباذر
سخن حق تلخ است و گران بر مردمان و سخن باطل سبک و بامزه است و بسیار شهوت یک ساعت
موجب حزن طولانی است ای اباذر کسی که دو رکعت نماز معتدل بگذارد که دل او متوجه باشد
بهتر است از قایم داشتن شب که دل او غافل باشد از آن ای اباذر دانا نمیشود مرد بجمیع
دانایی تا آنکه ببیند مردمان را به امثال شتران عظیم و علم بعد از آن رجوع کند بنفس خود
و خود را کمتر و نادان تر داند بحسب علم ای اباذر نمیری بتحقیق تا آنکه بدانی که مردمان همه
احمق‌اند در کار دین و عاقل دانی ایشان را در کار دنیا یعنی مردمان آنچه مقتضای دین است بجای
نمی‌آرند و آنچه مقتضای دنیاست بکار می‌آورند ای اباذر در محاسبه النفس خود کن پیش از آنکه
حساب کنند در روز حساب و حساب نفس تو امروز آسان تر است از حساب کردن تو
در فردای قیامت و وزن کن نفس خود را قبل از آنکه وزن کنند نفس ترا یعنی اعمال حسنه
کن و از سیئات مجتنب باش تا فردای قیامت میزان تو سبک نباشد و مهیا کردن نفس خود را

از برای عرض اکبر که روز قیامت است و آن روزیست که مخفی نیست بر خدای تعالی چیزی ای اباذر
حیا کن بخدا بحق آنکه نفس من در ید قدرت اوست که در روز که بقضا حاجت میروم میپیچم خود را بجامه
خود و حیا میکنم از آن دو ملک که با منند ای اباذر آیا دوست میداری که بجنت داخل شوی
گفت بلی یا رسول الله فرمود که کوتاه کن امل خود را و مرگ را همیشه برابر چشم خود دار
و از و حیا کن از خدا آنچه حق حیاست گفتم یا رسول الله ما همه از خدا حیا میکنیم حضرت فرمود
که حیا اینچنین نیست بلکه حیا از خدا آنست که فراموش نکنی مقبره‌ها را و فراموش نکنی شکم
خود را و چیزها که در وست و فراموش نکنی سر خود و چیزها که در وست و هر که خواهد کرامت
آخرت را باید ترک کند زینت دنیا را و اگر تو چنین باشی میرسی برضاء الله تعالی ای اباذر کفایت
کند مقارن شدن با نیکی آنمقدار که کافیست طعامی را نمک ای اباذر هر که طلب کند چیزی
بی عمل مثل کسیست که خواهد تیر اندازد بکمان بی چله ای اباذر بتحقیق که خدای تعالی باصلاح
می‌آرد بسبب صلاح مرد پسر او را و پسر پسر او را و آنگاه میدارد در دایره ای اباذر
که پروردگار مباهات میکند با ملائکه خود بسه نفر اول مردی که تنها واقع شود و اذان
و اقامه گوید و نماز گذارد میگوید پروردگار بملائکه که نظر کنید بر بنده من که نماز میکند
و نمی‌بیند او را هیچکس بغیر از من بعد از آن نازل میشود از آسمان هفتاد هزار فرشته
و نماز میکنند در پی او و طلب آمرزش میکنند از خدای تعالی تا فردا دویم مردی که در شب
بنماز سنت کردن قایم شود تنها و سجده کند و در سجده او را خواب برد بعد از آن
حق تعالی میفرماید ملائکه را که نظر کنید بر بنده من و روح او نزد منست و بدن او بسجده است

سیم مردی که او در غزا باشد و فرار نمایند مصاحبان او و او بایستد تا کشته شود ای ابا ذر
نیست از مردی که بنهد پیشانی خود را بر بقعه از بقعهای زمین که روز قیامت آن بقعه ادای شهادت
نهد از برای او که سجده کرده و نماز گذارده و نیست از منزلی که نازل شود و فرود آید در آن
منزل قومی مگر آن منزل دعا میکند بلعنت از برای آن قوم ای ابا ذر نیست هیچ صبحی و شامی که بقعهای
زمین ندا میکنند بعضی را که ای همسایه من گذر کرده است بر تو که ذکر الله تعالی کند یا بنده
که نهاده باشد پیشانی خود را بر تو از برای سجده الله تعالی بعضی از آن بقعها گویند بلی و اگر گوید بلی
شادان شوند و نشاطی در و پیدا شود و منشرح گردد بدان و داند که از برای اوست زیادتی
بر همسایه اش ای ابا ذر درختی که بتخصیص نزد او آید مگر پرسند ایشان از آن درخت بمنفعتی
و همیشه ارض و درخت همچنین باشند تا آنکه فجره بدان بنی آدم به این کلمه تکلم کنند که
اتخذ الله ولدا یعنی الله تعالی را پسر است چونکه بنی آدم بدین کلمه تکلم کند لرزه بر زمین پدید آید
و بر و منفعت درختان ای ابا ذر بتحقیق که زمین گریه میکند بر مردی مؤمن چهل صباح که
مرده باشد ای ابا ذر اگر بنده در جایی تنها باشد و هیچکس نزد او نباشد و وضو کند یا تیمم
بعد از آن قامت کند و نماز گذارد امر کند الله تعالی ملائکه را تا صف کشند در پس او بحیثیتی
که دیده نشود طرف آن صف و آن ملائکه رکوع و سجود با آن کنند و آمین گویند بر دعای او
ای ابا ذر کسی که قامت کند و بانگ نماز نگوید نماز نمیگذارند با او مگر آن دو ملک که با او باشند
ای ابا ذر نیست کسی که جوان باشد و ترک کرده باشد از برای رضای خدا لذات دنیا را و پیر
گرداینده جوانی خود را در طاعت الله تعالی مگر که بدهد او را ثواب هفتاد و دو صدیق

ابا ذر

ای ابا ذر کسی که ذکر خدای تعالی در میان غافلان کند مثل آنست که مقاتله کند در میان گریختها
ای ابا ذر همنشینی مرد صالح بهتر است از تنهایی و تنهایی بهتر است از همنشین بد و گفتن خیر
بهتر است از بگفتن ای ابا ذر مصاحب مشو مگر با مؤمن و مده طعام خود را مگر که او متقی
باشد و مخور طعام فاسقان را ای ابا ذر طعام بکن که او را دوست داری خاصه از
برای خدای تعالی و بخور طعام کسی را که آنکس دوست دارد ترا خاصه از برای خدا ای ابا ذر
بتحقیق که الله تعالی حاضر است نزد زبان هر گوینده پس باید که بترسی از خدای تعالی و حذر
کنید از بد گفتن و باید که بداند که چه میگوید زیرا که میداند حضرت عزت هر چیزی را
که میگویند ای ابا ذر کم کن زیادتی سخن را و بس است ترا آن مقدار که حاجت تو بدان حاصل گردد
ای ابا ذر کافیست مرد را دروغ گفتن آنچه شنیده باشد ای ابا ذر نیست هیچ چیز لایق
از آنکه بسیار در زندان باشد زبان ای ابا ذر بتحقیق که بعض از تعظیم و بزرگ داشتن
پادشاه عادل است ای ابا ذر نیست عمل نیکی که فایده دهد کسی را مگر که زبان را از بد گفتن
نگاه دارد ای ابا ذر مباش تو از غیبت کننده مردم و مدح کننده و طعن زننده و تند
و بدخوی ای ابا ذر زیاده میشود روزی از الله تعالی بسبب آنکه او خواهد که مردم بی
او ایند ای ابا ذر کلمه خوب صدقه است و هر خطوه قدم وجهت شهادت و حضور
نماز صدقه است ای ابا ذر کسی که قبول کند اذان را بغیر چونکه بشنود نماز رو
نیکو سازد و عمارت مسجد الله تعالی را و ثواب او از الله تعالی جنت گفتم یا رسول الله چگونه
عمارت کرده شود مساجد حق تعالی فرمود او از خود را در مساجد بلند مکن و خوض مکن

در مسجدها بچیزهای باطل و خرید و فروخت مکن در مساجد و ترک سخن بی فایده در مسجدها دام که
در آنجایی پس اگر چنین میکنی ملامت مکن در روز قیامت مگر خود را ای ابا ذر بتحقیق که
الله تعالی عطا میکند ترا مادام که تو در مسجد نشسته بهر نفس که میزنی خدای تعالی درجه در بهشت
و دعا و استغفار میکنند برای تو ملائکه و کتابت میکنند بهر نفس که میزنی خدای تعالی ده نیکی از
برای تو و محو میکند ده بدی ای ابا ذر میدانی که این آیه در حق که آمده اِصْبِرُوا وَصَابِرُوا
وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ گفتم فدای تو گردم فرمود در حق آنکسی است
که انتظار نماز کشد در پس نماز دیگر ای ابا ذر تمام وضو در مکروهات و در محلهای مضیق
از کفارات است و بسیار در مسجدهای مختلف رفتن بجهت طاعت و عبادت رابطه ایست
یعنی حفظ میکند مرد را از ترک طاعت ای ابا ذر میگوید حضرت عزت بتحقیق که دوسترین
مردمان بمن آنکسست که با یکدیگر محبت ورزند خاصه از برای عظمت و جلال من و دیگر آنکه
متعلق باشد دلهای ایشان بمساجد و استغفار کنند در وقت سحرها اینها آنچنان
کسانند که وقتی که خواهم من عقوبت و عذاب فرستم باهل جایی یاد کنم ایشان را [illegible]
عقوبت و عذاب را از اهل آن محل بواسطه ایشان ای ابا ذر نشستن در مسجد لغو
و بی فایده است مگر بجهت سه چیز اول قرآن خواندن و نماز گذاردن دویم ذکر کردن از
برای خدای تعالی سیم سؤال کردن از برای علم ای ابا ذر باش تو در عمل کردن مقارن
بتقوی سخت تر از روی اهتمام تو در عمل زیرا که کم نیست عمل تقوی و چگونه کم باشد
عمل مقارن تقوی با آنکه قبول کرده آنرا بقول خود که اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

ای ابا ذر

ای ابا ذر نمی باشد مردی از متقیان تا آنکه حساب کند خود را در استحضار محاسبه شریک خود را
بداند که کجاست طعام او و از کجاست آب و پوشش او و از حلال یا از حرام است ای ابا ذر
کسی که باک ندارد که از چه محل کسب میکند مال را باک ندارد الله تعالی که او را از چه محل داخل گرداند
در آتش دوزخ ای ابا ذر کسی که شاد شود به آنکه نزد الله تعالی گرامی ترین مردم شود باید که
متقی باشد ای ابا ذر بتحقیق که محبوب ترین مردمان شما نزد الله تعالی متقی ترین شماست از برای
خدا و بسیار نجات یابنده تر از شما از عذاب خدای تعالی آنست که خوف و ترس خدای در دل او بسیار
باشد ای ابا ذر بتحقیق که متقیان کسانی اند که پرهیز ندارند از داخل شدن شبهه ای ابا ذر کسی
اطاعت کند خدای تعالی را بتحقیق که ذکر الله تعالی کند اگرچه کم باشد نماز و روزه و قرآن خواندن او
ای ابا ذر اصل دین ورع است و تقوی و سر آن طاعت الله تعالی است ای ابا ذر تو پرهیزگار
باش و عابدترین مردمان و بهترین چیزی در دین شما تقویست ای ابا ذر نیکی و زیادتی علم بهتر است
و زیادتی عبادت بدان بتحقیق که اگر شما نماز کنید آنمقدار که دو تا شوید و روزه دارید که
ضعیف شوید مثل تار ریسمان نفع نمیدهد بشما مگر با ورع و تقوی ای ابا ذر بدان بتحقیق که
اهل زهد و تقوی در دنیا اولیای خدا اند حقا ای ابا ذر کسی که نیاید در روز قیامت
با سه چیز از زیانکاران است گفتم آن سه چیز کدام است فرمود تقوی که منع کند او را
از چیزی که حق تعالی آنرا حرام کرده و حلمی که رد کرده شود به او جهل سفیه را و عاری که
بسبب آن عار رفق می کند با مردم ای ابا ذر در وقتی که شاد کرده اند ترا که گرامی ترین مردم
باشی پس توکل کن بر خدای و پرهیز کن و وقتی که خواهی که عزیزترین مردم باشی معتمد بر یاس باش

بچیزی که در ید قدرت الله تعالیست از چیزی که در دست تست ای ابا ذر بتحقیق که اگر جمیع مردم
بسپرده‌وی کنند این آیه را هر آینه کافیست ایشان را آیه نزلت وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَل لَّهُ
مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ
اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا میگوید حق تعالی ای ابا ذر بحق عزت
وعظمت من که اختیار نکند بنده را ارزوی خود مگر که گردانیده شود هر دو چشم خودش را
بخودش یعنی بعیوب بخودش گردانیده شود و مقصودهای او روا شود در دنیا و در آخرت
وضامن میشود آسمان و زمین رزق او را و منع کردم تنگی را ازو و هستم من از برای او بتجارت
هر تاجری ای ابا ذر بتحقیق که آدم گریزد از رزق خود چون کسی که از مرگ گریزد رزق میرسد بدو
همچنانکه مرگ میرسد بدو ای ابا ذر تعلیم کنم ترا کلمه چند که نفع دهد الله تعالی ترا بآنها گفتم بلی
یا رسول الله صلعم فرمود که نگاه دار جانب خدا را که نگاه میدارد ترا و می یابی او را و بشناس او را
در آسانی تا بشناسد ترا در سختی و وقتی که چیزی طلب کنی از خدا طلب کن و چون یاری خواهی
از خدا خواه بتحقیق که جاری شده قلم در لوح محفوظ بهر چیزی که بشود تا روز قیامت و اگر
جمیع خلایق جمع شوند و جهد نمایند که دفع کنند از تو چیزی را که مکتوب و مقدر شده است از برای تو
قدرت ندارند بران پس اگر توانایی و استطاعت داری که عمل کنی از برای الله تعالی
برضا و رغبت در یقین پس بکن آنرا و اگر استطاعت نداری صبر کن بتحقیق که نصرت
با صبر است و فرج و شادی با غمست و با هر دشواری آسانیست ای ابا ذر غنی شو
بغناء الله تعالی که ترا غنی میگرداند گفتم یا رسول الله غناء الله تعالی چیست فرمود که قناعت بخورش

صبح و شام پس هر که قناعت کند بچیزی که الله تعالی رزق او داده پس غنی ترین مردم است
ای ابا ذر بتحقیق که الله تعالی میفرماید که من آن نیستم که کلام حکیم را قبول کنم لیکن قبول میکنم قصد
و نیت او را و آرزوی او را پس اگر قصد و آرزوی او در چیزی باشد که دوست دارم و راضی باشم
میگردانم گفتن او را ثنا و وقار اگرچه تکلم نکند ای ابا ذر بتحقیق الله تعالی نظر نمیکند بصورت
و اموال شما لیکن نظر میکند بدلهای و عملهای شما و حضرت رسول الله صلعم اشارت بسینه خود
کرد و فرمود که تقوی در اینجاست ای ابا ذر چهار چیز است که نمیرسد به ایشان مگر مومن
یکی سخن کم گفتن و این اول عبادتست و فروتنی کردن از برای خدای تعالی و یاد خدا کردن در همه حال
و کمی مال ای ابا ذر نیت و قصد کن بکار خیر اگرچه تو به آن عمل نکنی از برای آنکه مکتوب نشوی
از غافلان ای ابا ذر کسی که مالک شود و نگاه دارد آنچه در میان رانهای اوست یعنی فرج او
و آنچه در میان دو لحیه اوست یعنی زبان او در جنت ای ابا ذر بتحقیق که هر مردی که سخنی گوید
در مجلسی از برای آنکه مردم را بخنده آورد انداخته میشود در جهنم از میان آسمان و زمین ای ابا ذر
ویل و بزه کیست که سخن دروغ گوید از برای آنکه مردم بر آن خنده کنند بعد از آن آنحضرت
سه بار فرمود ویل له ای ابا ذر کسی که سخن نگوید نجات می یابد از بدیها و تشویشها پس لازم
کن بر خود راست گفتن را زیرا که بیرون نمیرود کسی از گناهی که از دروغ گفتن حاصل شده
مادام که توبه نکند گفتم یا رسول الله پس توبه مردی که عمدا دروغ گوید چیست فرمود که استغفار
و نماز پنج وقت آنرا پاک میسازد ای ابا ذر حذر کن از غیبت کردن مسلمانان زیرا که
غیبت سخت تر از زناست جهت آنکه کسی زنا کرد توبه میکند خدا توبه او قبول میشود

و غیبت کننده مادام که از آنکه او را غیبت کرده حلیت نطلبد بخشیده نمیشود ای ابی ذر
دشنام دادن مسلم فسوق است و مقاتله و جنگ کردن با مسلمانان کفر است و خوردن
گوشت او معصیتهای خداست یعنی غیبت مسلمانان و حرام بودن مال مسلمانان مثل حرام بودن
خون است گفتم یا رسول الله چیست غیبت فرمود که ذکر کردنت برادر ترا یعنی مرد
مسلمان را بچیزی که خوش نشود او را بد آید گفتم یا رسول الله اگر باشد در آن بچیزی که ذکر
کرده میشود از مکروهات هم از معصیت آنحضرت فرمود بدان ای ابی ذر بتحقیق که
اگر ذکر کنی او را بچیزی که در وست غیبت کرده تو او را و الا که در و نباشد تهمت کرده
او را ای ابی ذر کسی که منع کند و دفع نماید از برادر مسلمان غیبت را و واجب میشود بر الله تعالی
که آزاد کند او را از آتش دوزخ ای ابی ذر کسی که غیبت کرده شود نزد او برادر مسلم را
و قادر باشد بنصرت دادن غیبت کرده شده و او را اعانت و یاری کند حق تعالی او را در دنیا
و در آخرت ای ابی ذر داخل نمیشود در جنت سخن چین و نمام ای ابی ذر نمی آید او
در آخرت از عذاب خدای تعالی ای ابی ذر کسی که در دنیا دو روی و دو زبان باشد عذاب او
سخت تر باشد ای ابی ذر می باید که در مجلسها با امانت باشید پس آنچه در مجلس واقع
شود از ضرر و اسرار اظهار مکنید و اظهار اسرار مسلمانان خیانت است پس اجتناب
کن از این و اجتناب کن از مجلسی که در و لهو و طرب و لذات دنیوی باشد ای ابی ذر عرض کرده
میشود عملهای اهل دنیا بر الله تعالی از جمعه تا جمعه و دو شنبه و پنجشنبه بعد از آن می آمرزد
هر بنده مؤمن را مگر بنده که باشد میان او و برادر مسلمان او عداوت پس گفته شود

که بگذارید

که بگذارید ای ملائکه عمل این هر دو بنده را تا آن زمان که با یکدیگر صلح کنند ای ابی ذر حذر کن
از خشم برادر مسلم خود زیرا که عمل نیک قبول نمیکند الله تعالی از برادر عدم مواصلت ای ابی ذر
نهی کردم من ترا از هجران و اگر لازم شود بر تو دور شدن از برادر پس دور مشو تو از و
دو روز کامل پس هر که بمیرد و درین دو روز مواصلت نکرده باشد با برادر خودی باشد در آتش
دوزخ بهتر و لایق تر ای ابی ذر کسی که دوست دارد که مردم نزد او بپای ایستند پس مهیا است
جای او در آتش دوزخ ای ابی ذر کسی که بمیرد و در دل او یک ذره نخوت و کبر باشد نمی یابد
او بوی بهشت مگر آنکه توبه کند پیش از مرگ پس مردی گفت یا رسول الله بتحقیق که مرا تعجب و نیکو
می آرد تا غایتی که دوست میدارم که بند ازار من زیبا باشد و چوبه که در نعلین پای او
بند میکنند نیکو بود آیا این موجب ترس است بر من آنحضرت فرمود که چگونه می یابی
دل خود را گفت دل خود را شناسای حق و ساکن و راضی بحق و فرمود که این کبر نیست
کبر آنست که کسی که ترک حق کند و بغیر حق متجاوز شود و نظر کند بمردم و بیند هیچ یک
که عرض او است و خون او مثل خون او ای ابی ذر کسی که بیشتر داخل میشود در آتش دوزخ
متکبرانند آن مرد گفت آیا نجات می یابند از کبر آنحضرت فرمود که بلی کسی که پشمینه پوشد
و شیر دوشد و بر حمار سوار شود و با مسکینان نشیند ای ابی ذر کسی که بر گیرد متاع
خود را بتحقیق که بری میشود از کبر یعنی چیزی که از بازار بخرد و خود بخانه برد ای ابی ذر
کسی که جامه خود را بر زمین کشد از تکبر حق تعالی در روز قیامت در و نظر نکند ای ابی ذر
زیر جامه مرد باید که تا نصف دو ساق او باشد تا ساق رسیده باشد و گناه نیست

براو اگر باشد زیر جامه میان ساق و زانوی او ای ابا ذر کسی که بالا کرده اند دامن خود را و پینه زده
کفش و نعلین خود را و خاک آلوده کرده اند روی خود را بتحقیق که او بریست از کبر ای ابی ذر
کسی را که دو پیراهن باشد یکی را خود بپوشد و یکی را در برادر برهنه خود بپوشاند آن نعمت
خوبست ای ابا ذر زود باشد که مردمی موجود شوند از امت من و لذت و غذا کنند
بنعمتهای خوب و قصد ایشان باشد بنعمتهای گوناگون و ممدوح شوند بگفتن مردم آن جماعت از
جهت بران امت منند ای ابا ذر کسی که ترک کند پوشش زیبا را و او قادر باشد بر آن از
انقیاد منزلت خود از برای خدا در غیر محل و نقص و ذلیل کرداند در غیر مسکنت بعز قادر باشد
که مسکین نباشد و نفقه کند مالی که جمع کرده در غیر معصیت و رحم کند بر اهل ذلت و مسکنت
و اختلاط کند با اهل فقه و حکمت آن جماعت نیکوترین امت منند خوش باد آنکس که افعال خیر است
مخفیهای او و نیکوست آشکارهای او و دور کند از مردم بدیهای خود را خوشا حال آنکسی که
عمل کند و نفقه کند زیادتی مال خود را بمساکین و نگاه دارد زیادتی گفتن را ای ابا ذر بپوش لباس
سخت و درشت از برای آنکه راه نیابد بر تو فخر و تکبر ای ابا ذر میباشند در آخر الزمان
قومی که می پوشند پشم در تابستان و زمستان و میبینند آن قوم خود را بر مردم که بتحقیق از
برای ایشان زیادتی هست در پوشیدن پشم بر غیر ایشان آن قوم را ملائکه زمین
و آسمان لعنت میکنند ای ابا ذر خبر دهم ترا از اهل جنت گفتم بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله
فرمود که ردی و موی برهم زده و گرد آلود و جامه کهنه پوش که هیچ باک ندارد نشناسند
و مکر و طمع او نباشد اینها اگر قسم یاد کند بخدا یاد کند و از خدای تعالی مراد درگیرند اینها را در خوا
هراینه

هرآینه او را الله تعالی و او را قبول می نماید دیگر ابی ذر رحمه الله علیه گفت که یکروز در مسجد رفتم حضرت رسول صلعم را
دیدم که در مسجد تنها نشسته بود غنیمت دانستم خلوت او را پس آنحضرت فرمود ای ابا ذر
بتحقیق که از برای مسجد تحیتی هست گفتم تحیت چیست فرمود دو رکعت نماز که بگذاری بعد از آن
گفتم یا رسول الله امر کرده تو مرا بنماز چند است فرمود که نماز بهترین چیزیست که وضع کرده شده او را
پس هر کس خواهد بسیار نماز کند گفتم یا رسول الله کدام عمل است که دوست تراست نزد خدای تعالی
فرمود که ایمان آوردن بخدا بعد از آن غزا کردن در راه خدا گفتم کدام مؤمن فاضل تراست
از روی ثواب فرمود که دور شود از بدی کردن گفتم کدام نماز فاضل تراست فرمود نمازی که
قنوت او طویل باشد گفتم کدام صدقه فاضل تراست فرمود فقیری بقدر طاقت خود چیزی
بفقیری دهد بخفیه گفتم چیست روزه فرمود که روزه فرض است که جزا و ثواب او مقرر است نزد
الله تعالی ثواب او اضعاف گفتم که کدام زکوة افضل است فرمود آنکه بهای او گران باشد
و نفیس تر باشد نزد اهل زکوة گفتم که کدام غزای کفار فاضل تر است فرمود غزایی که مرکب او را
پی کرده باشند و ریخته باشد خون او گفتم کدام آیه بزرگتر است از آیتهایی که خدای تعالی
فرستاده است بسوی تو فرمود آیه الکرسی دیگر گفتم یا رسول الله چه بوده است صحف ابراهیم
فرمود صحف ابراهیم امثال بوده است همه آن و امثال این است که ای ملک مسلط و آزموده شده
بتحقیق که من نفرستاده ام و بعث نکرده ام ترا که جمع کنی دنیا را بعضی بر بعضی لیکن ترا
بعث کرده ام تا رد کنی از من دعوت مظلوم را یعنی نگذاری که بر کسی ظلم واقع شود که
او متوجه بمن شود و دعا کند پس بتحقیق که من رد نمیکنم دعای مظلوم را اگرچه کافر باشد

یا از گناه کاری که او بدی بر نفس خود کرده باشد و بود در صحف امثال چند و لازم است بر عاقل
مادام که مغلوب نباشد که از برای ساعات هست که مناجات کند در ان ساعت با پروردگار خود
ساعتی هست که دران ساعت تفکر کند در صنع الله و ساعتی هست که دران ساعت حساب نفس خود کند
از نیک و بد که از و صادر شود و ساعتی هست که مشغول شود در آن ساعت بحاجت خود از طعام
حلال و لازم است بر عاقل که طمع نکند بر مردم مگر در سه چیز یکی در توشه آخرت و یکی در ساختن
معاش و یکی لذت گرفتن در غیر محرم و لازم است بر عاقل که بینا باشد بزمان خود و بعیز زبان
خود را ضایع نکند در چیزهای که بدو متوجه باشد بحال خود و نگاه دارد زبان خود را و عاقل که حساب
کند کلام خود را و سخن گفتن خود را از عمل خود می باشد سخن او مگر در چیزی که فایده آخرت باشد
گفتم یا رسول الله چیست توریه موسی ع فرمود که همه عبرتست و توریه موسی ع اینست که عجبست
هر کسی را که یقین داشته باشد بآتش دوزخ بعد از ان خنده کند و عجبست هر کسی را که یقین دارد
بمرگ چگونه شاد باشد و عجبست کسی را که بیند دنیا را و گردش اهل او را از حالی بحالی
چگونه اطمینان داشته باشد باو بدنیا عجبست هر کسی را که اعتقاد داشته باشد بروز قیامت چگونه
عمل نیک نکند گفتم یا رسول الله آیا هست از دنیا چیزی که آن بجهت شد در صحف ابراهیم و موسی گفت
الله تعالی از افرستاده بسوی تو فرمود که بخوان و قرآت کن که قد افلح من تزکی و ذکر اسم
ربه فصلی بل تؤثرون الحیوة الدنیا والآخرة خیر و ابقی ان هذا لفی
این چهار آیه در صحف ابراهیم و توریه موسی ع هست گفتم یا رسول الله وصیت کن مرا
فرمود که وصیت میکنم ترا بتقوی خدای تو از برای انکه تقوی سر همه کارهای تست و زیاده

ولازم کن

ولازم کن بر خود تلاوت قرآن را و ذکر میشود ذکر برای تو در آسمان و نور در زمین و بر خود لازم کن
غزار را زیرا که عبادت لعنت و دیگر فرمود که لازم کن بر خود سخن نا گفتن مگر بچیزی نیک زیرا
که گفتن نیک دور میکند شیطان را از تو و معین تست از امرهای تو و دیگر فرمود که حذر کن از بسیاری
خنده بسیار میمیراند دل را و میبرد نور روی را و دیگر فرمود که نظر کن بر کسی که کمتر از تست و نظر
مکن بانکه زیاده تر است از تو زیرا که این الیق است بحال تو و باید که تو عیب نکنی نعمتی را که الله تعالی
بتو داده است و بهر نعمت قلیل و کثیر شکر باید کردن و دیگر فرمود که صله رحم زیاده کن یعنی
با خویشان خود نیکوی کن اگرچه ایشان از تو منقطع شوند و دوست دار مسکینان را و با ایشان
بسیار مجالست و همنشینی و دیگر فرمود که بگو سخن حق را اگرچه تلخ است و دیگر فرمود که مترس تو
در راه خدا از ملامت کردن و ملامت کننده از اعمالی که تو از برای خدا کنی و گفت یا ابا ذر
نیست عقلی مثل تدبیر و نیست ورعی و زهدی مثل منع کردن خود از چیزهای بد و نیست چیزی
مثل خلق نیکو **فصل ششم در روزها از ماه** مرویست از حضرت صادق علیه السلام
که اول روز از ماه مبارکست و صلاحیت دارد از برای ملاقات کردن با امرا و طلب حاجات
و خرید و فروخت کردن و زراعت نمودن **دویم** ماه صلاحیت دارد از برای سفر کردن
و طلب حاجات **سیم ماه** بدست و صلاحیت ندارد از برای هیچ چیز **روز چهارم**
صلاحیت دارد از برای زن خواستن و مکروهست برای سفر کردن **روز پنجم** بد و نحس است
روز ششم مبارکست و صلاحیت دارد از برای نکاح و طلب کردن حاجتها **روز هفتم**
مبارکست و صلاحیت دارد از هر چیزی که خواهد و سعی کند دران **روز هشتم** صلاحیت دارد

از برای هر حاجت بغیر از سفر بتحقیق که سفر در و مکروه است روز نهم مبارکست و صلاحیت دارد
از برای چیزی که خواهد و هر که سفر کند درین روز او را مال بسیار بدست آید در ان سفر روز
دهم صلاحیت از برای هر حاجت بغیر از ملاقات با سلطان و هر که درین روز از سلطان بگریزد
بگیرندش و کسی که درین روز چیزی گم کند بیابد و این روز نیکست از برای خرید و فروخت
و کسی که درین روز بیمار شود صحت یابد روز یازدهم نیکست از برای خرید و فروخت و جمیع حاجتها
و از برای سفر بغیر از ملاقات با سلطان اگر درین روز از خانه بیرون نیاید بهتر بود روز دوازدهم
مبارکست پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را و سعی کنید در حوایج بهتر که آن بحصول
می پیوندد روز سیزدهم نحس است حذر کنید در ان روز از جمیع عملها روز چهاردهم خوبست از
برای حاجت خواستن هر کار روز پانزدهم صلاحیت دارد از برای هر حاجتی که دارد و خواهد
پس طلب کنید درین روز حاجتهای خود را که حاصل میشود روز شانزدهم مذموم است از برای هر چیز
روز هفدهم صلاحیت دارد پس طلب کنید درین روز هر چیز که خواهید غیر از نکاح کردن و خرید
و فروخت و زراعت و بنای عمارت و ملاقات با سلطان و غیر آن هر حاجتی که طلب کنید بیابید
روز هیجدهم صلاحیت دارد از برای سفر کردن حاجتها و هر کس که مخاصمت کند با او درین روز
البته غالب شود بقدرت الهی روز نوزدهم صلاحیت دارد از برای هر عمل و هر فرزند که
درین روز متولد شود قدمش مبارک باشد روز بیستم نیکست سفر کردن و حاجت خواستن
و بنا نهادن و درخت نشاندن و ملاقات با سلطان کردن روز بیست یکم نحس و مستمر است
روز بیست دوم نیکست از برای خرید و فروخت و ملاقات با سلطان و سفر کردن و صدقه دادن

روز بیست سیم نیکست خاصه از برای نکاح و تجارت و ملاقات با سلطان روز بیست چهارم نحس است
و مستمر روز بیست پنجم مذموم است حذر باید کردن از هر چیز روز بیست ششم صلاحیت دارد از برای
هر حاجت غیر نکاح و سفر و بر شما لازم است درین روز صدقه دادن بهتر که منتفع میشود بسبب صدقه
روز بیست هفتم نیکو و مختار است از برای حاجتها و از برای هر چیز که خواهد و ملاقات با سلطان کردن
روز بیست هشتم میانه است روز بیست نهم مختار و نیکوست از برای هر حاجت غیر کتابت که مکروه است
و نمی بینم که سعی کند در هر حاجت مگر که قادر شود بر ان و هر که بیمار شود درین روز صحت یابد و اگر سفر
کند کسی با مال بسیار برسد و بنده که بگریزد درین روز باز گردد بصاحب روز سیم مختار
و نیکست از برای هر حاجت از خرید و فروخت و زراعت و نکاح و هر که درین روز بیمار شود صحت یابد
و هر فرزند که درین روز متولد شود حلیم و بردبار بود و مبارک و رفیع الشان و راست گو باشد
لیکن آنچه گفته شد وقتی که آدمی مضطر گردد بچیزی ازین روزها که منع است باید که در ان روز
در عقب هر فریضه دعای فرج بخواند که بسم الله الرحمن الرحیم لا حول
و لا قوة الا بالله افرج بها کل کربة لا حول و لا قوة الا بالله اجلوا
بها کل عقبة لا حول و لا قوة الا بالله اجلوا بها کل ظلمة لا حول
و لا قوة الا بالله افتح بها کل باب لا حول و لا قوة الا بالله استعین
بها علی کل شدة و مصیبة لا حول و لا قوة الا بالله استعین بها
علی کل امر تنزل بها لا حول و لا قوة الا بالله اعتصم بها من کل
محذور و حاذر لا حول و لا قوة الا بالله فغرق اعداء الله و غلبت حجة

الله

وبقی وجه الله لا حول ولا قوة الا بالله اللهم رب الارواح الفانیه
ورب الشعور المتمعطة ورب الجلود المتمزقه ورب العظام النخرة
ورب الساعة القائمة اسألک یا رب ان تصلی علی محمد واهل بیته الطاهرین
واجعلنی بخفی لطفک یا ذا الجلال والاکرام آمین یا رب العالمین

فصل نهم در ختم این کتاب بخطبه امیر المؤمنین ع که فرموده در باب همام

بدانکه ابتدا وافتتاح این کتاب بخطبه امیر المؤمنین علی کردم بجهت تیمن وتبرک وچون این خطبه احاطه کرده است جمیع آداب اخلاق را خواستم که ختم کنم بخطبه آنحضرت که موسوم است بسمات امیر المؤمنین ومرقوم بصفات المتقین زیرا که او بهترین کلام برای مؤمنین وابلغ ترین موعظات است از برای تلقی قبول مستمعین پس ختم کردم بر این خطبه کتاب جامع را پس که وی بختم ختامه مسک

روایت است که آنحضرت را یاری بود که او را همام بن شریح میگفتند وآنمردی عابد بود گفت آنحضرت را که ای امیر مؤمنان وصف کن برای من متقیان را تا اما چنانکه من نظر میکنم پس آنحضرت خود را گران ساخت از جواب او پس گفت ای همام از خدای تعالی بترس ونیکویی کن زیرا که خدای تعالی با پرهیزکارانست وبا نیکوکاران پس همام بدان گفتار قناعت نکرد وسوگند بدان خلاصه ابرار داد پس آنحضرت بعد از ستایش وثنای پروردگار وصلوات بر پیغمبر صلی الله علیه وآله فرمود که بدرستی که حق تعالی آفرید خلق جهان را در هنگامی که بی نیاز بود از طاعت ایشان وایمن از معصیت ایشان زیرا که معصیت ایشان ضرر نمیکند او را ونفع نمیکند کسی که راه عصیان او سپرند وسود نمیدهد او را از طاعت کسی که او را فرمان برد بلکه ضرر معصیت عاید است بنفس عاصیان ومنفعت طاعت راجع است بنفس مطیعان پس قسمت فرمود در میان خلایق

معیشتهای ایشان را در هر دیار ونهاد ایشان را از دنیا بموضعی که بود به ایشان سزاوار پس متقیان در دنیا ایشانند اهل فضایل کامل در علم وعمل وبری از رذایل چه ایشان مستجمع جمیع فضایل نفسانیه اند که متعلق است به دو قوت با اصل که علمست وعمل وگفتار ایشان صواب بلا قصور وپوشش ایشان میانه رویست در امور وروش ایشان فروتنی است برای رضای خدای تعالی وفرو خوابانیده اند چشمهای خود را از آنچه حرام کرده خدای تعالی بر ایشان احکام شریعت غرا وباز داشته اند گوشهای خود را بر علم فایده مند برای ایشان در واقع سودمند وفرود آمده نفسهای ایشان در گرفتاری بلایا چو فرود آمدن نفسها در فراخی ورخا زیرا که ایشان شکسته اند صورت بهیمه را در ماه وسال وبرداشته اند صباح ورواح خود را در مقام الهی به امید وصال وجبر کرده اند نفسهای سرکش را در راه او ومطمح همت ایشان را به آنچه در دست نصیب نفسهای ایشان نیست غیر قرب بارگاه واوقات خجسته غایات را صرف مینمایند بتحصیل چیزی که مخلوق شده اند برای آن وبکل وجوه روی آورده اند بغفران حضرت یزدان والتفات ایشان با بدان می باشد بر طریق طمع با خلال مثل التفات سالک بادیه از برای حج حقیقی بجز ایشان جمل ویقین دانسته اند که آنچه به ایشان رسد از مشقت ومحنت هر چند عظیم چیزی بجهت در جنب قرب محبوب ونیل مطلوب پس محزون دل ایشان منیع است وبلیه مثل نعم وایشان را از بلا وعنا چه غم اگر نبودی اجلی که نوشته خدای تعالی از برای ایشان قرار نمیگرفت روح در بدن ایشان بقدر نگریستن دیده ولحظه نمیبودند در آن آرمیده بجهت شوق ثواب الهی وترس از عقاب نه بزرگست خالق خلایق در جانهای ایشان پس کوچکست غیر او در دیدهای ایشان

پس نسبت ایشان بجنان هیچ نسبت کیست که دیده باشد آنرا بعین الیقین آنچه وعده کرده اند
بمتقیان پاک دین چو ایشانرا علوم بعینه حاصل شده که جاری مجری ضروریست کما قال
علیه السلم لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا پس ایشان گویا در بهشت اند و مشغول بنعیم
جاودان و نسبت ایشان بنار همچو نسبت کسیست که دیده باشد آنرا بقوت یقین ایشان
بوعید عصاة و کفار پس گویا ایشان در نار معذب اند و گرفتار و این یقین بوعده و وعید
کردگار موجب غلبهٔ خوفست و رجا بر دلهای ایشان محزونست و سرهای ایشان مامون وجدهای
ایشان بکثرت تشاغل عبادت لاغر و ضعیف و حاجت ایشان بمتاع دنیا خفیف که از دنیا
نخواستند مگر آنمقدار که سد رمق کند ایشانرا از غلیظ و لطیف و لفظهای ایشان
پاکیزه است و عفیف و صبر کردند چند روز کوتاه که دارد بعاقبت ایشان آسایش و دراز
در جوار آله تجارت سود کننده که آسان کرداند برای ایشان پروردگار ایشان بدادن آن
دستگاه خواست ایشانرا دنیا و نخواستند ایشان او را که متعرضست بفنا اسیر کرد
ایشانرا دنیا بخواری پس فدا دادند نفسهای خود را ازان گرفتاری اما شب پس صف زده
قدمهای ایشان در نماز دعالی که خوانند اند اجزای قرآن را از روی نیاز و میخوانند قرآن را
بترتیل و تانی بتفکر معانی بلفظهای ممتاز بواسطه آنکه پرسیدند از حضرت امیر از
ترتیل فرمود که حفظ وقوف و ادای حروف این شامل است بر جمیع آنچه اعتبار کرده اند
از قراء در تلاوت زیرا که حفظ وقوف رعایت جانب معنیست و ادای حروف نگهداشت
طرف لفظ واند و همچنین میسازند بقرآن نفسهای خود را به اندیشه کردن فراوان و پردن می آورند

بر آن دوای درد خود شان پس چون گذر کنند بآیتی که در و تشویق و آرزومندی بشر میل کنند بسوی آن
بجهت طمع کردن در آن و دیده ور شود و چشم دارند نفسهای ایشان بسوی آن بشوق آنکه وعده فرمود
حق تعالی در آیات با برکات از ثواب و نعیم جنان و گمان برند که آنها برابر پیش چشمهای ایشان بر پاست
و کوشش نمایند بر وجهی که خدای تعالی خواست و چون گذر کنند بر آیتی که در آن تخویفی هست از آنچه حق تعالی
وعید فرموده آنرا از عذاب و عقاب و فرود آرند بسوی آن آیه مسامع دلهای خود را با اضطراب و گمان
برند آواز منکر جهنم چون اول آواز خر و آخر آواز زفیر و شهیق عبارت از آنست هست در انجا
گوشهای ایشان پس ایشان پشت خم دهند و میل کنند بجهت خضوع بر میانهای خود در رکوع و بر زمین
نهند پیشانی خود را و کفها و زانوها و طرفهای قدمهای خود را در سجود بکمال خشوع طلب میکنند
بسوی خدای تعالی در خلاص کردن و آزاد ساختن گردنهای خود را از نار اما نهار پس برده بار اند
دانایان نیکوکاران و پرهیزکاران بتحقیق تراشیده ایشانرا خوف و خطر همچو تراشیدن
تیر بی پر که اشارتست باستقامت احوال آخرت ایشان مینگرد بسوی ایشان ناظر می پندارد
ایشانرا بیمار بحسب ظاهر و نیست با آن قوم بیماری بلکه زرد و ضعیف مینمایند بواسطه
کثرت ریاضت و بیداری و میگوید بامر تحقیق شوریده گردانیده شده اند و در گفتار هر آینه
آمیخته با ایشان امر عظیمی که اتصال ایشانست بملا اعلی و اشتغال سر ایشان بانوار جلال حق
بسا که تکلم میکنند بچیزی که بیرونست از معارف عقلا از آنست که گاه نسبت میدهند ایشانرا
بجنون با وجود آنکه هستند خوش فنون خشنود نمیشوند از اعمال خود بعمل قلیل و بسیار
نمی شمارند عملی اگر کثیرست و جلیل پس ایشان مر نفسهای خود را تهمت کننده اند از کردارهای خود

و ترسنده اند که مبادا قبول نیفتد و پذیرفته نگردد **روایت** که امام زین العابدین علیه السلام
در موسم حج چون لبیک میفرمود ناگاه بیهوش میفتاد بجهت آن چیز ازان برآمد ازان پرسیدند
فرمود که ترسیدم که خدای تعالی در جواب لبیک لا لبیک ولا سعدیک فرماید دوستان
و برگزیدگان خدای را چنین ترسانند وای بر دیگران چون ستایش کنند یکی را از ایشان ترسید
از آنچه گویند مرا و او را مردمان پس گوید من داناترم بنفس خود از غیر من و پروردگار من داناترست
بنفس من از من در نهان و آشکارا بار خدایا بگیر مرا بآنچه میگویند و بگردان مرا افضل تر از آنچه
گمان میبرند و بپوشان برای من آنچه نمیدانند و بحسن ظن مرا بنیکویی نام میبرند پس نشانه
یکی از ایشان آنست که می بینی او را قوی محکم در دین و احتیاطی در نرمی و لین و ایمانی در یقین
و حرص در علم و دانش در حلم و میانه روی در توانگری و فروتنی در عبادت و تحمل در فقر و فاقه
و شکیبایی در شدت و طلب در روزی حلال و نشاط در راه راست و ورع و باز ایستادن
از طمع و میکند کارهای شایسته و حال آنکه بر ترست از آنکه نباشد پذیرفته شبانگاه
قصد شکر نعما میکند و بامداد قصد ذکر خدا و شب میکند ترسان که ناگاه بگریزد
و عمل ازو فوت شود چون بامداد شود فرحناک گردد که طاعت ایزد را غنیمت میداند
و ترسانست بآنچه ترسانیده شده از غفلت و شادانست بآنچه باو رسیده از فضل
و رحمت قُلْ بِفَضْلِ اللّٰهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا و اگر سرکشی کند
نفس او ورا دوست دارد پر دم خشم او و در آن چیزیست که زوال نمی آید و زهد
ورزیدن او در چیزیست که ندارد بقا و نمی پاید از امور دنیا می آمیزد حلم را بعلم و گفتار را



بکردار بی بینی او را که نزدیکست امل او اندکست لغزش او ذلیل او خاشع است و دل او قانع
و نفس او اندکست خورش او بقدر ضرورت زیرا که بطبیعت میبرد فطرت را و دل بخت
میکرد و آسانست کار او زیرا که او از دشوارهای دنیا دورست و از متاع او مهجور و محفوظست
دین او از تساهل و مرده است شهوت او و از کثرت تغافل و فرو خورده شده است خشم او در
یافتن ابرار و ضرر او دست ایمنند و از وی شر او رست مأمون در زمره نکارا اگر باشد در میان غافلان
و در نظر مردمان نوشته شده است نزد خدای تعالی در زمره ذاکران چه دل اوست بذکر آنکه
رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ اگر باشد در میان ذاکران نوشته نشود از غافلان
و بود بیاد مولی با ذاکران جمع بطریق اول و غافل بود از ریا عفو کند و درگذرد از کسی که
او ستم کند و بدهد بکسی که او را محروم گرداند و به پیوندد بکسی که ازو ببرد و دورست فحش و چیزی
که نیست سزاوار برفعت و گفتار او با مردمان غایت و کار ناشایسته او حاضر او و کار پسندیده
او رو نهاده است و خیر او پیش داده است و شر او در فتنهای بزرگ و در کارهای کبار و
با وقار و در سختیهای نعمت صابر است و در فراخیهای نعمت شاکر و ستم و حیف نمیکند
آنکس که دشمن میدارد و گناه نمیکند درباره آنکس که او را دوست میشمارد و چون دورست از نیکی
رفتن بهوا در خشنود در آنجا اعتراف میکند بر حق پیش از آنکه گواهی داده شود برای و ضایع نمیسازد
چیزی را که طلب نگهداشت کرده اند و فراموش نمیکند چیزی را که بیاد آورده اند نمیخواند
مردم را بلقبهای بد بنا بر کلام آسمانی که فرستاده است که وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ و گزند
نمیرساند بهمسایه هیچ و شادی نمیکند بمصیبتهای دیگران و داخل نمیشود در باطل و از حق



دیرون نمی آید از حق بموجب عادت ایمان کسترده آن که اگر خاموش کند غمگین نمی سازد و او را زبان
خاموش زیرا که از حکمت نه از جهل و بیهوشی و اگر بخنده بپروازد و آواز بلند میسازد زیرا که با یار
مرگ همیشه محبت میسازد و اگر ستم کنند برو بخنده القذارد تا انتقام از و کشد و در
نفس اماره او از و در رنج کشیده شد و مردم از و در آسایش مین و برنجاند نفس خود را
برای کار عقبی و آسایش دهد مردم را از نفس خود برای رضای خدا دور او اگر کرده شود از و

فرغ عنه فی یوم الثلثا شهر جمادی الاول
۱۰۶۵
سنه خمس و ستین بعد الالف
من الهجرة النبویة المصطفویة
صلی الله علیه و آله

بعضی ادعیه سوای این کتاب بهر باب نوشته شد

صیغه توبه نام استغفر الله العظیم ربی و اتوب الیه سه بار
بگوید بعد از آن بگوید که اشهد الله و ملئکته و انبیاءه و رسله
و حملة عرشه و جمیع خلقه علی ما سلف منی من الذنوب و المعاصی
و معترف بها و انی عازم ان لا اعود الیها و قد عاهدت الله
تعالی علی ذلک الف عهد فی عنقی مطالبنی به یوم القیامة
بعد از آن غسل توبه کند و دو رکعت نماز توبه گذارد که ان شاء الله اجابت بود

دفع موضع غرقه هر که هر صبح [illegible] بخواند از [illegible] رختن و در آب غرق شدن و
آتش در امان باشد و این دعا [illegible] ختم و [illegible] هست میخوانده اند

